

صحیفۂ حج

مجموعہ خطابات پیامبر حج

مقام معظم رہبری

سال ۲۰۱۰



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

صحیفه حج

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹
عنوان و نام پدیدآور : صحیفه حج
مشخصات نشر : تهران: مشعر، - ۱۳۸۲.
شابک : ۲۰۰۰۰ریال:(ج. ۱) ؛ ۲۰۰۰۰ریال:(ج. ۱)
وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی
یادداشت : نمایه
مندرجات : ج. ۱. مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)
موضوع : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره حج
موضوع : حج
رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /ح۳ص۳ ۱۳۸۲
رده بندی دیویی : ۸۴۲ /۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : م۸۲-۲۷۷۱۴
ص: 1

جلد 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

ص: 9

مقدّمه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».
حضرت امام خمینی قدس سره
حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.
مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.
پیروزی‌انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام‌خمینی- رضوان اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکة اللّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.
در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب‌اسلامی حضرت آیةاللّه خامنه‌ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام تبیین عقائد شیعه و پاسخگویی به شبهات وهابیان، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.
آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.
بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.
از مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره الشریف که در تهیه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نماییم.
و من اللّه التوفیق و علیه التکلان
معاونت آموزش و پژوهش
بعثه مقام معظم رهبری

ص: 11
پیام
زمان: بهمن 1349/ 1390
مکان: نجف
موضوع:

هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایتهای رژیم شاه

مناسبت: برگزاری مراسم حج
مخاطب: زائران بیت اللّه الحرام
هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و ...
بسمه تعالی
خدمت عموم زائرین بیت‌اللّه الحرام
- ایّدهم اللّه تعالی
بعد از ابلاغ سلام و تحیات وافره اکنون که به واسطه سستی و سهل‌انگاری ملتهای اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما در قشر ملی بودن به کام آنان فرو می‌ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مُسْتَعمِرین درمی‌آورد، و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده جوانان ما را منحرف می‌کند، بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده‌اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل‌نظر و تفاهم کنید.
باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملتهای مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه‌کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم‌پیمان شوید. گرفتاریهای ملل مُسْلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و

مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند غفلت نورزید.
بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه‌های مستدلی با تبادل‌نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.
اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، اینگونه اسیر و ذلیل استعمار نمی‌شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی‌گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مُسْلم، (1) با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می‌گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.
در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره‌برداری شود، با کمال تأسف دیده می‌شود که بعضی قلمهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالهاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می‌دهند (2) و به مُسْتَعْمِرین کمک می‌نمایند، و می‌خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری (3) را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می‌دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود!

1- جمعیت مسلمانان جهان در زمان صدور پیام.

2- جزواتی که عمال وهابی سعودی، علیه تشیع منتشر می‌ساختند.

3- منظور، شیعیان جهان است.

بر ملتهای اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه‌انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند. و در این اجتماع مقدس حج، اولًا در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.
اینک اینجانب به حکم وظیفه، شمه‌ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را تذکر می‌دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی‌پناه این کشور اسلامی چه می‌گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد. اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام و مسلمانهاست و مدتهاست که با ملل مُسْلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است. اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند. بازرگانان محترم، یکی پس از دیگری، ورشکست شده؛ ظلم و فشار دستگاه حاکمه بشدت هر چه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را می‌فشارد. اختناق، حبس و زجر قرون وسطایی حکومت می‌کند. با اسم سپاه دانش و سپاه بهداشت و دیگر اسامی فریبنده، مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا- در اعماق قصبات و دهات در جریان است. مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. با بهانه‌های بی‌اساس به دانشگاهها حمله می‌کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سربازخانه می‌کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی‌رحمانه

دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه‌های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها و دانشجویان می‌باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می‌کنم؛ و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب‌نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد.
این انقلاب ننگین و خونینِ به اصطلاح سفید، که در یک روز با تانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را- آنطور که معروف است- از پای درآورد، روزگار ملت را سیاهتر ساخت. زندگی دهقانان و زارعین اسیر را بیشتر تباه کرد. اکنون در بسیاری از شهرستانها و اکثر روستاها درمانگاه، دکتر و دارو وجود ندارد. از مدرسه، حمام و آب آشامیدنی سالم خبری نیست و- به حَسَب اعتراف بعضی از مطبوعات- در بعضی از دهات، کودکان معصوم را از گرسنگی به چرا می‌برند ولی دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می‌کند؛ جشن تولد این و آن، جشن بیست و پنجمین سال سلطنت، جشن تاجگذاری و از همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس 2500 ساله شاهنشاهی، که خدا می‌داند چه مصیبت و سیه‌روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار به بار آورده است. بودجه هنگفت و سرسام‌آوری که در این امر مبتذل صرف می‌شود اگر برای سیر کردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه‌روزها خرج می‌شد، تا اندازه‌ای از مصیبتهای ما می‌کاست لیکن استفاده‌جویی و خودکامگی نمی‌گذارد که اینها به فکر ملت باشند. دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی که در هر عصر ملتها را در زیر چکمه‌های نظامی خود خرد کرده‌اند، شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله را پاره کردند، (1) شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است، جشن می‌گیرد و چراغانی می‌کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می‌باشند.

1- اشاره به جسارت خسرو پرویز، پادشاه ساسانی.

من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را در راه قطع ریشه استعمار و استعمارگران، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیرهای اسارت می‌فشارم، و از خداوند متعال دفع شرّ دستگاههای جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت نموده قبولی اعمال و مناسک عموم را خواستار است. والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی
«اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، هرکس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می‌فهمد اسلام آمده است این کاخهای ظلم شاهنشاهی را خراب کند، شاهنشاهی از کثیف‌ترین و ننگین‌ترین نمونه ارتجاع است». (1)

1- این فراز در زمان انتشار و توزیع پیام حذف گردید. آقای سید حمید روحانی سبب آن را چنین اظهار می‌دارد: خاطره تلخی که در رابطه با این پیام دارم، حذف فرازی والا و پر ارج در این پیام از طرف امام بود، هنوز پیام از زیر چاپ بیرون نیامده بود که امام، نگارنده را با فوریت به حضور فرا خواند و فرمود: چون احتمال دارد برای ناشرین اعلامیه در مراسم حج گرفتاری پیش بیاید و از طرف رژیم سلطنتی حجاز دستگیر شوند، مطلبی را که علیه اساس سلطنت و پادشاهی در این اعلامیه آورده‌ایم، به مصلحت نمی‌دانم چون ممکن است برای آنهایی که در رابطه با پخش این اعلامیه در حجاز دستگیر می‌شوند، خطر جانی به همراه داشته باشد و رژیم سعودی آنان را به اتهام قیام بر ضد «نظام مُلکی» گردن بزنند، از این رو، آن چند جمله‌ای را که اساس سلطنت را نفی می‌کند حذف کنید.نزدیک به این مضامین). نهضت امام خمینی، ج 2، ص 698.

ص: 16
پیام
زمان: 26 مهر 1357/ 15 ذی‌القعده 1398
مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران
مناسبت: فرا رسیدن ایام حج
مخاطب: زائران بیت‌اللّه الحرام و مسلمین جهان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
اکنون که موسم حج بیت‌اللَّه الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده‌اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین، از فرایض مهمه اسلام است. اینک اینجانب از وضع گرفتاری ملت مسلمان ایران، گزارشی به شما زائران بیت‌اللَّه الحرام می‌دهم و از مسلمین همه اقطار (1) عالم استمداد می‌کنم.
ایران که اکنون حدود سی‌میلیون مسلمان دارد، از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی، که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می‌باشد. در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می‌زند، و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است. نفت را امریکا و گاز را شوروی و مراتع و جنگلها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعض کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی محروم نموده و به حال عقب‌ماندگی نگه داشته. نظام

1- نواحی.

ارتش و فرهنگ ما و اقتصاد کشور، استعماری و رشد را به همه ابعادش از ملت سلب نموده، اکنون که در سالهای اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود بپاخاسته و فریاد مظلومانه‌اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و تانک و توپ داده می‌شود.
قتل‌عامهایی که در این چند ماه اخیر در شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهنمی به پشتیبانی امریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فرا گرفته، و شاه در این نفسهای آخرش می‌خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.
اینجانب در هیچ یک از کشورهای اسلامی اجازه ادامه به فعالیت خود، که رساندن ندای مظلومانه ملت است به عالم ندارم، و چون وظیفه دینی و وجدانی خود را باید ادا کنم، به ناچار به خارج از بلاد مسلمین آمدم، شاید بتوانم جوامع بشری را از آنچه به ملت مظلوم ایران می‌گذرد آگاه، و تا پیدا کردن فرصت برای ادامه عمل در یکی از بلاد اسلامی، در خارج زیست می‌کنم.
اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی‌میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: «مَنْ اصْبَحَ و لَمْ یَهْتَمَّ بأمور المُسلمینَ فَلَیْسَ بِمُسلِمٍ». (1) «اللهُمَّ قد بلَّغتُ». (2)
والسلام علی من اتبع الهدی.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

1- «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». حدیث نبوی. نظیر همین حدیث از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، ج 2، ص 163.

2- خدایا تکلیف خود را ادا کردم.

ص: 18
سخنرانی
زمان: بامداد جمعه 31 فروردین 1358/ 22 جمادی‌الاول 1399
مکان: قم
موضوع: نقش اسلام در پیروزی مسلمانها- رهنمودهایی به هیأت نمایندگی عربستان
حضار: اعضای هیأت نمایندگی عالیرتبه مذهبی عربستان سعودی به ریاست محمدالسبیلامام جماعت مسجدالحرام)، سفیر آن کشور، و میناچی، ناصروزیر اطلاعات و تبلیغات- وزارت ارشاد- و سرپرست سازمان اوقاف)
بسم‌اللّه الرحمن الرحیم

مسجد، مرکز جنبش و خیزش

اولًا تشکر می‌کنم از این وَفْد (1) و از امام محترم (2) و از ملت حَرَمَیْنِ شریفین، ریاض واز جلالت ملک (3) که شما را برای تفقد از ما اینجا فرستاده است. مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکتهای اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیه و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید.

ما به خواست خدای تعالی با آنکه بی‌سازوبرگ بودیم و ملت ما در دستش از

1- هیأت سیاسی.

2- آقای محمدالسبیل، امام جماعت وقت مسجدالحرام و رئیس هیأت مذهبی اعزامی.

3- ملک خالد بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی.

تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه ملتهای اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می‌خواهند این ملتها را همیشه در تحت اختیار و سلطه خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوّت ایمان بود؛ قوّت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوریهای بزرگ عالم غلبه داد، و سی نفر به قیادت (1) خالدبن ولید (2) بر شصت هزار نفر لشکر پیشقراول روم غلبه کرد. این قدرت اسلام بود که پیش می‌برد، و ما مسلمین باید با قدرتِ اسلامْ اسلام را پیش ببریم.
باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولتها و ملتهای اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرتها باشد. اگر این قدرت- قدرت بزرگ الهی- مُنْضَم (3) بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد.

مع‌الأسف با اختلافاتی که در مناطق دیده می‌شد- و خصوصاً در مناطق عربی- این موجب شده است که اسرائیل با جمعیت کمی که دارد در مقابل اعراب با آن جمعیت کثیر و ساز و برگ کثیر ایستادگی کند. اگر جلوی این جرثومه فاسد گرفته نشود، طمع او بر تمام منطقه است و او قناعت نمی‌کند فقط بر فلسطین و مسجد اقصی؛ او همه جا را می‌خواهد غلبه کند.
بر مسلمین و بر دولتهای اسلامی است که با هم متحد بشوند و این جرثومه فساد را از بن و بیخ برکنند و [به] کسانی که پشتیبانی آنها را می‌کنند اجازه ندهند که پشتیبانی کنند.

1- رهبری، فرماندهی.

2- صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاتح امپراتوری بیزانس در دوران حکومت عمربن‌خطاب.

3- ضمیمه.

ص: 20
من از خدای تبارک و تعالی قدرت اسلام و عظمت اسلام و مسلمین را و وحدت کلمه آنها را خواستارم.

حکومت سابق ما برای اینکه همه طور خدمت به اربابهای خودش بکند، در اینجا فجایع کرد، و در خصوص زائرین بیت‌اللّه‌الحرام مضیقه‌هایی ایجاد کرد؛ و گاه نسبت به مسئولین دولت سعودی چیزهایی گفت که شاید پیش ایرانی‌ها یک ناراحتیهایی از آنها هم حاصل شد. و ما پس از رفتن او و قطع ید غاصبه او متوجه این هستیم که در سالهای آتیه مملکت سعودی با ایرانی‌هایی که برای زیارت بیت‌اللّه و حرمین شریفین می‌آیند، چه نحو عمل خواهد کرد. ایرانی‌ها نظر به این معنا دوخته‌اند که با برادران خودشان چه نحو عمل خواهد شد. و من امیدوارم که اکنون که دست ظلم از این مملکت کوتاه شده است و تبلیغات سوئی که می‌کردند از بین رفته است، برادرهای ما با هم برادر باشند و رفتار آنها رفتارهای برادرانه باشد و برای حجاج بیت‌اللّه تسهیلات فراهم کنند، و از خدای تبارک و تعالی این توفیق را خواستارم.

سرمشق قرار دادن تاریخ

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوّت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوّت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است.
تعلیمات انبیا و تعلیم نبی اکرم صلی الله علیه و آله این است که با قدرتهای معنوی، شما می‌توانید پیش ببرید. آن قوه‌های معنوی که پشت سر مسلمین بود و ملائکةاللّه که قدرت معنوی بود موجب شد که مسلمین در کمتر از نیم قرن بر همه معموره (1) دنیا سلطه پیدا کنند. ما باید از

1- آبادی، شهر.

تاریخ عبرت بگیریم. آن وقت که یک دولت قوی ما داشتیم- مثل دولت عثمانی- در مقابل شوروی، در مقابل ژاپن می‌ایستاد و گاه غلبه می‌کرد. دشمنان ما وقتی سلطه پیدا کردند، این مملکت پهناور را تکه تکه کردند و هر کدام را به دست یکی از عمال خودشان دادند و بین آنها مع‌الأسف تفرقه انداختند، و این موجب شد که مسلمین و اسلام ضعیف شد و مُسْتَعْمِرین بر ما غلبه کردند. ما باید از این امور عبرت بگیریم، و دولتهای ما از این معانی و از این امر تاریخی عبرت بگیرند و اختلافات خودشان را رفع کنند. اگر اینها با هم مجتمع بشوند یک قدرتی خواهند داشت که هیچ قدرتی با آنها معارضه نمی‌کند، البته به شرط ایمان کامل. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ایمان ما را و ایمان دولتهای ما را و ایمان ملتهای ما را قوی کند، و با عنایت خودش با ما همراهی کند که ما بر مشکلات خودمان سلطه پیدا کنیم. و از شما و دوستان شما باز هم تشکر می‌کنم.
والسلام علیکم

ص: 22
پیام
زمان: 29 شهریور 1358/ 28 شوال 1399
مکان: قم
موضوع: وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت‌اللَّه‌الحرام
مناسبت: فرا رسیدن ایام حج
مخاطب: انواری، محی‌الدین- محلاتی، فضل‌اللَّه

وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت‌اللّه‌الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محی‌الدین انواری و جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ فضل‌اللّه محلاتی- دامت افاضاتهما
چون ایام برگزاری یکی از فرایض بزرگ اسلامی با محتوای عظیم انسانی، روحانی، سیاسی و اجتماعی یعنی فریضه حج بیت‌اللّه الحرام نزدیک است و لازم است در آستانه برقراری جمهوری اسلامی با انقلاب شکوهمند ملت شریف ایران این فریضه مقدسه از آثار طاغوت پاکسازی و به اسلام راستین برگردد، به این جهت، شما را به عنوان سرپرست حجاج بیت‌اللّه الحرام تعیین نموده که با مشورت با مقامات صالحه هیأتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان، انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید که ان‌شاءاللّه تعالی در حکومت جمهوری اسلامی این فریضه مقدسه با محتوای معنوی خود تحقق یابد. و لازم است در این موضوع تذکراتی داده شود:
1- لازم است به حضرات آقایان علما و روحانیون محترم کاروانها تذکر دهید که قبل از حرکت مجالسی تشکیل دهند و حجاج محترم را با مسائل شرعی و وظایف انسانی آشنا کنند.
2- عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات

فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرحهایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند.
3- در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکّرم اسلام است، گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما بجز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی‌کنیم.
4- لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویّه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.
5- نیابت از حیّ برای نماز طواف صحیح نیست، باید هرکس خودش به هر نحو می‌تواند نماز بخواند و مجزی است. از گرفتن نایب و مزاحمت [برای] نمازگزاران اجتناب نمایند.
6- طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به‌جا می‌آورند، به‌جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وَهْن (1) مذهب است باید احتراز شود.
7- در وقوفیْن، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.

1- سست شدن.

8- در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب احتیاج مبرم به کمک دارند، مقتضی است کسانی که می‌خواهند حج استحبابی به جا آورند، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند، که ثواب آن نزد خداوند تعالی بسیار برحج استحبابی ترجیح دارد. و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می‌نمایند یا تشریفات و مهمانیهای خارج از رویه در وقت برگشت از حج می‌نمایند، مقتضی است این نحو هزینه‌ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سعادت ملت مسلمان را خواستار، و موفقیت همگان را در کوشش برای به ثمر رسیدن نهضت مقدس امید دارم. والسلام علیکم و علی جمیع المؤمنین و رحمةاللّه وبرکاته.
28 شوال المکرم 99
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 25
پیام
زمان: 7 مهر 1358/ 7 ذی‌القعده 1399
مکان: قم
موضوع: شناخت محتوای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و وظایف مسلمانان
مناسبت: فرا رسیدن ایام حج
مخاطب: مسلمین ایران و جهان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ‌اللَّه جَمیعاً وَلاتَفَرَّقُوا. (1)
تحیت فراوان و درود بی‌پایان به جمیع مسلمین جهان در مشارق ارض و مغارب آن. سلام گرم بر حجاج بیت‌اللَّه‌الحرام- وفَّقهم‌اللَّه تعالی. قابل انکار و محتاج به تذکر نیست که اسلام بزرگ، دین توحید و شکننده شرک و کفر و بت‌پرستیها و خودپرستیهاست.
دین فطرت و رهایی‌بخش از قید و بندهای طبیعت و وسواس شیاطین جنّ و انس در نهان و ظاهر است و دینِ سیاستِ مُدُن (2) و راهنمای صراط مستقیمِ لاشرقیه و لاغَربیه است. دینی است که عباداتش توأم با سیاست، و سیاستش عبادت است. اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان به سوی کعبه آمال و حج بیت‌اللَّه رو آورده و این فریضه عظیم الهی و کنگره بزرگ اسلامی در ایامی متبرکه و در مکانی متبرکه بر پاگردیده است، مسلمانان مبعوث از قِبَل خداوند تعالی باید علاوه بر محتوای عبادی، از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره‌مند شوند، و به صِرْف صورت قناعت نکنند. همه کس می‌داند که برپا نمودن چنین کنگره عظیمی برای هیچ مقامی و هیچ دولتی امکانپذیر نیست. و این امر

1- سوره آل عمران، آیه 103: «و همگی دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده نشوید».

2- جمع مدینه، شهرها.

خداوند متعال است که این گردهمایی بزرگ را فراهم آورده، مع‌الأسف مسلمین در طول تاریخ نتوانستند از این نیروی آسمانی و کنگره اسلامی استفاده شایانی به نفع‌اسلام و مسلمین بنمایند. جهات سیاسی زیادی در اجتماعات، جماعات و جُمَعات، و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می‌باشد؛ که از آن جمله اطلاع بر گرفتاریهای اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است، که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائر بیت‌اللّه‌الحرام ممکن است طرح، و با مشورت از راه حلها مطلع، و در بازگشت به کشورهای اسلامی در مجتمعهای عمومی گزارش داده، و در رفع آنها کوشا شوند. و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است؛ که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند؛ و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفین؛ که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا اللّه» از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند، و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.
خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و صهیونیزم بین‌المللی و ابرقدرتهای شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای، از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را برملا کنید.
برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتهای شرق و غرب می‌برند؛ و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آیید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید.
و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را- که در رأس آن امریکاست- افشا کنید.
امروز قبله اول مسلمین (1) به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است.
امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون

1- مسجدالاقصی.

می‌کشد. امروز اسرائیل با تمام وسائل شیطانی تفرقه‌افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. امروز کشورهای افریقایی مسلمان ما زیر یوغ امریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می‌زنند. امروز افریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می‌کند. فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد. گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گِرد دیگری نگردید. و رَجْم (1) عَقَبات، رجم شیاطین انس و جن است. شما با رجم با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابرقدرتها را از کشورهای اسلامی عزیز برانید.
امروز جهان اسلام به دست امریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره‌های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید؛ پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.
ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است. که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ‌اللّه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا. «اعتصام به حبل‌اللّه» بیان هماهنگی جمیع مسلمین است. همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین، و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی- که اساس همه بدبختیها و عقب افتادگیهاست. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه مسلمانان جهان را خواستارم. والسلام علی ائمةالمسلمین و عباد اللّه الصالحین.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

1- سنگباران.

ص: 28
سخنرانی
زمان: ساعت 9 صبح 8 مهر 1358/ 8 ذی‌القعده 1399
مکان: قم
موضوع: اهمیت حج و رسالت حجاج
حضار: آقایان محلاتینماینده امام)، ناصر میناچیوزیر ارشاد ملی و سرپرست سازمان اوقاف) و مدیران کاروانهای حج سراسر کشور
بسم اللّه الرحمن الرحیم

مسئولیت عظیم کاروان‌های حج

من به طور اختصار چند کلمه به آقایان روحانیونی که در کاروانها هستند و به رؤسای کاروانها عرض می‌کنم و مطلب راجع به همه حُجّاج بیت‌اللّه الحرام هم هست. و او این است که باید آقایان متذکر باشند که حج امسال غیر از حج سالهای سابق است.
سالهای سابق، در این سنَوات اخیره، حجی بود که با کاروانهای طاغوتی و با منتخبین از طرف طاغوت می‌رفتند؛ و در خدمت طاغوت بسیاری از آنها بودند. و اگر چنانچه در آنجا چه از معمَّمین و چه از رؤسای کاروان خطایی سر می‌زد، این خطای طاغوت بود؛ به اسلام لطمه‌ای وارد نمی‌کرد، بلکه تحکیم اسلام بود. تحکیم احکام اسلام بود.
امسال همان طوری که همه دستگاهها متحول به دستگاه اسلامی باید بشود، یکی از چیزهایی که بسیار مهم است همین کاروانهای حج است. در این سال چشمها دوخته شده است که ببینند فرق امسال و سالهای سابق چیست؟ آیا اینها که ادّعا می‌کنند که رژیم طاغوت رفته است و جمهوری اسلامی پیدا شده است، آیا اینهایی که الآن نمایندگان دولت هستند، منتخبین دولت اسلامی هستند، منتخبین علمای بلاد هستند، آیا اینها همان طوری که اسمشان اقتضا می‌کند، واقعشان هم این طورند؟ اعمالشان هم مطابق با

ادّعاست؟ یا همان ادعاست که جمهوری اسلامی و کاروانهای حج منتخب از جمهوری اسلامی؟
امروز یک امری است که شما باید از عهده یک مسئولیت بزرگی برآیید؛ مسئولیت حیثیت اسلام. اگر در زمان طاغوت یک معمَّم یک کاری انجام می‌داد، می‌گفتند که طاغوتی است. امروز نمی‌گویند طاغوتی است؛ می‌گویند اسلامی است.
اگر خدای نخواسته شما در این حجی که مشرَّف می‌شوید و در این مواقفی که در حضور مسلمین، همه مسلمین دارید، اگر وضع شما با وضع سابق و زمان طاغوت فرق نکند، در عالم منعکس می‌شود که اسم جمهوری اسلامی است، و معنا رژیم طاغوتی.
آبروی اسلام را ممکن است که شما از بین ببرید؛ و آبروی اسلام را ممکن است ان‌شاءاللّه حفظ کنید.

سفر حج سفر الی‌اللّه است

توجه داشته باشید که سفر حج، سفر کسب نیست؛ سفر تحصیل دنیا نیست. سفر الی‌اللّه است. شما دارید به طرف خانه خدا می‌روید. تمام اموری که دارید انجام می‌دهید به طور الهیت باید انجام بدهید. سفرتان از اینجا که شروع می‌شود وَفْد الی اللّه (1)
است. سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است. باید همان طور که مسافرین الی‌اللّه، مثل انبیا علیهم السلام و بزرگان از دین ما، مسافرتشان الی‌اللّه در تمام زمان حیاتشان بوده است و یک قدم، تخلّف نمی‌کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی‌اللّه بوده است، شما هم الآن «وفود» الی‌اللّه دارید می‌گویید.
شما در آنجا که می‌روید، در میقات که می‌روید، «لَبَّیک» به خدا می‌گویید؛ یعنی تو دعوت کردی، و ما اجابت. مبادا یک عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم برای اینکه شما اسلامی نیستید. مبادا این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجارتی در این سفر مطرح باشد پیشتان، امور معنوی

1- سفر به سوی خدا.

مطرح باشد. چه آقایان اهل علم، و چه کاروانها و رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج.
سفر، سفر الی‌اللَّه است؛ نه سفر به سوی دنیا. آلوده به دنیا نکنید.
این سفر الهی را شما می‌روید رَجْم (1) شیطان می‌کنید؛ اگر چنانچه خدای نخواسته خودتان از جنود شیطان باشید، رجم خودتان را هم می‌کنید! شما باید رحمانی بشوید تا رَجْمتان رَجْمِ رحمان و جنود رحمان به شیطان باشد.
شما «وقوف» می‌کنید در این مواقَف کریمه؛ وقوف در این مواقف کریمه. مبادا آلوده بشوید به یک معصیتی، به یک خلافی؛ به یک چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود، پیش دنیا آبروی اسلام از دست برود.
امروز آبروی اسلام بسته به وجود شماست که می‌روید دستجمعی در این مواقف کریمه و سایر مسلمین، شما را مشاهده می‌کنند. شما باید الگو باشید برای جمهوری اسلامی- چه روحانیون، و چه رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج- امسال حج نمونه است؛ حج جمهوری اسلامی است؛ نه حج رژیم طاغوتی. شَرْف زیاد، و مسئولیتْ زیادتر است. مسئولیت همه داریم در مقابل اسلام. امروز نه شما تنها، همه قشرهای ملت، دولت، ملت، همه مسئولند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل اسلام. ما که مدّعی هستیم جمهوری اسلامی، و رژیم طاغوتی رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، ما باید اثبات کنیم این مطلب را که تغییر کرده است، تحول حاصل شده است، در همه چیز.

اگر بنا باشد که در دولت که می‌رویم تحول نشده باشد، پیش ملت که می‌رویم تحول نشده باشد، شما که کاروانها هستید تحول نشده باشد، شما که روحانی کاروان هستید تحول پیدا نکرده باشید، اگر این طور باشد، همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی، منتها اسم را ما عوض کردیم. ما می‌خواهیم ان‌شاءاللّه مسمَّی عوض بشود. تغییر [داده] بشود، رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی- اسلامی به همه محتوا. بسیار

1- سنگسار کردن، سنگ‌پراندن.

باید متوجه باشید. بسیار باید خودتان بسیار پاسبانی از خودتان بکنید. پاسداری از خودتان بکنید.
و این سفر را سفر الی‌اللَّه حساب بکنید. و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید؛ و ممکن است خدای نخواسته سقوط پیدا کنید. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و عزّت همه شما را می‌خواهم. و از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و عزّت اسلام و قدرت اسلام را می‌خواهم.
والسلام علیکم و رحمةاللَّه و برکاته

ص: 32
سخنرانی
زمان: ظهر 11 آبان 1358/ 11 ذی‌الحجه 1399
مکان: قم
موضوع: بازیابی مجد و عظمت مسلمین با تمسک به اسلام
حضار: دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران
بسم‌اللّه الرحمن الرحیم

مع‌الأسف آقایان وقتی آمدند که ظهر است و من وقتی ندارم. لکن چند کلمه عرض می‌کنم.
این نهضت ایران؛ نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران.
انبیا مبعوث‌اند بر انسانها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسانها. خطاب به ناس [است:] «یا أیّها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.

هدف انبیا، تربیت انسان

انبیا آمدند که انسان بسازند. انسان یک موجودی است در ابتدا مثل سایر حیوانات است. اگر رشد بکند، یک موجود روحانی می‌شود که بالاتر از ملائکةاللّه می‌شود. و اگر

طرف فساد برود، یک موجودی است که از همه حیوانات پست‌تر است.
الآن شما در این انسانهایی که در دنیا هستند و ادعای انسانیت می‌کنند، ادعای طرفداری از بشر می‌کنند، ادعای حمایت از حیوانات می‌کنند! شما الآن این اشخاص را که یک همچو ادعاهایی دارند ملاحظه می‌کنید، گمان ندارم در تمام حیوانات یک حیوان به آن درّندگی پیدا بشود! یک حیوانی که، یک موجودی که تمام این بشر و بشریت را برای نفع خودش می‌خواهد. میلیونها آدم را می‌کشد، برای اینکه یک نفعی ببرد! حیوانات چنانچه حیوانخوار هم باشند به اندازه شکمشان [می‌خورند] وقتی سیر شدند رها می‌کنند. و وعده دیگر می‌روند سراغ شکار. اما این انسانی که- انسان که از حیوانات است، و بدترین حیوان است- برای یک منفعت جزئی حاضر است که فوج فوج این انسانها را بکُشند. انسانهای دیگری، آنهایی که سر راه نفع او ایستاده‌اند، یا لااقل به نفع او عمل نمی‌کنند، این انسانها پیش آنها اصلاً موجودیتشان مطرح نیست. آنها حاضرند که چند صد هزار، چند صد میلیون، جمعیت را بکشند تا اینکه یک جایی را برای سیاست خودشان تصاحب کنند.

جنگهایی که الآن در دنیا هست و بوده است و سابق بوده است شما ملاحظه کنید که چه می‌کنند اینها با این بشری که ادعا می‌کنند که ما برای «حقوق بشر» مثلًا طرح داریم، مجلس داریم. همینها وقتی که چهار نفر در ایران به واسطه جنایات پنجاه ساله‌شان کشته می‌شوند، در محاکم اینجا محکوم به اعدام می‌شوند، همینها در آنجا در روزنامه‌هایشان شروع می‌کنند به نوحه‌سرایی کردن و انتقاد از محاکم اینجا! همینهایی که الآن در میدانهای جنگ [مشغول‌اند به] سرکوبی و کشتن آدمها برای رسیدن به یک چیزی که مثلًا فرض کنید برای او به حسب توهم یک نفعی دارد. اینهایی که الآن مشغول کشتن فوج فوج آدم هستند، [برای] دو سه نفر، چند نفر آدمی که در اینجا پنجاه سال جنایت کرده‌اند و چند صد نفر آدم یا کشته یا امر به کشتن کرده‌اند، وقتی که اینها را در محاکم محکوم به اعدام می‌کنند، فریادشان بلند می‌شود! در همین حالی که افراد آنها الآن

مشغول آدمکشی هستند، فوج فوج مردم را می‌کشند، در همین حال برای اینها نوحه‌خوانی می‌کنند! و مع‌الأسف در بین خود جمعیتهای اسلامی، جمعیت شرقی، در مملکت ما، در مملکت شما، موجودهایی هستند که یا باورشان آمده است حرفهای اینها را، که [باید] آدم بگوید اینها بسیار عقب مانده‌اند از حیث افکار. یا باورشان نیست، لکن برای آنها کار می‌کنند که باید بگوییم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می‌خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می‌شود، آنها در بطن جامعه خودشان طرح می‌کنند و می‌گویند، همان طوری که مطبوعات امریکا مطبوعاتی [است] که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، همان مطالبی را که آنها می‌نویسند، نویسنده‌های ما بعضیشان، و گوینده‌های ما بعضیشان همان مسائل [را می‌نویسند.] در ممالک شما هم هست.

زندگی شرافتمندانه مسلمین

ممالک شرق، ممالک اسلامی، تا اسلام را نیابند، نمی‌توانند زندگی شرافتمندانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند. اسلام از دستشان فرار کرده بود. ما الآن اسلام را نمی‌دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها، که اسلام را ما گُمَش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید نمی‌توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز، که کعبه معظّمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال، گرفته تا آخر بلاد مسلمین، اسلام گُم است پیششان، نمی‌دانند چیست. و لهذا مسلمین جمع می‌شوند در مکه معظّمه، در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین، اجتماع معنوی مسلمین جمع می‌شوند و نمی‌دانند چه می‌کنند؛ استفاده اسلامی از آن نمی‌کنند.
یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلًا غفلت از همه مسائل مسلمین [است.] باید اسلام را پیدایش کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا بکنند، ولی مع‌الأسف ما گم کردیم اسلام را. آن اسلامی که الآن دست ماست که بکُلّی از سیاست جدایش کردند؛ سرش را بریدند. آن چیزی که اصل

مطلب است از آن بریدند و جدا کردند، و مابَقیش را دست ما دادند. همان ما را به این روز نشانده است که ما نمی‌شناسیم سَرِ اسلام را، ما نمی‌شناسیم. ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را، نمی‌توانند به مَجْد خودشان برسند. مَجدِ اسلام آن بود که در صدر اسلام بود. آن بود که با یک جمعیت کم دو تا امپراتوری (1) را از بین برد،
آن مجد اسلام بود، نه برای کشورگشایی؛ برای آدمسازی. این خیال است، اشتباه است که خیال می‌کنند کشورگشایی می‌کند اسلام. اسلام کشورگشایی نمی‌کند. اسلام می‌خواهد همه کشورها آدم بشوند. اسلام دنبال این می‌رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عدّه‌ای را- به حَسَب تاریخ هست- اینها را بسته بودند داشتند می‌آوردند. رسول اکرم گفت: ببین! من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم. (2) اسلام برای اصلاح جامعه است. اگر شمشیر کشیده، شمشیر را برای این کشیده است که مفسده‌هایی که نمی‌گذارند این جامعه‌ها اصلاح بشود از بین ببرد، تا سایرین اصلاح بشوند.
مسائلی هم که آن آقا خواندند- و مسائل کثیری بود- اینها ان‌شاءاللَّه امیدوارم که اگر ما توفیق پیدا بکنیم، اگر مسلمین توفیق پیدا بکنند، با تدریج درست بشود. حالا ما گرفتاریهای زیادی داریم که محتاجیم به دعای همه مسلمین. خداوند همه شما را تأیید کند.

1- ایران و روم.

2- مُسنَد احمد، ج 5، ص 249.

ص: 36
پیام
زمان: 3 آبان 1358/ 3 ذی‌الحجه 1399 (1)
مکان: قم
موضوع: شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان
مناسبت: روز عرفه
مخاطب: مسلمین جهان و حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّه اسوَةٌ حَسَنَةٌ (2)
صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشأن که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت‌پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز درآورد، و از قِلت عُدّه و عدد نهراسید، و با عِده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوتِ تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و ندای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره (3) جهان به گوش جهانیان رساند.
و درود جهانیان و رحمت خداوند متعال بر شما ای زائران بزرگوار بیت‌اللّه‌الحرام که از چهار سوی عالم به سوی خانه خدا، مرکز توحید و محل وحی و مقام ابراهیم و محمد، دو ابرمرد بت‌شکن و پرخاشگر بر مستکبرین شتافتید و خود را به مواقف کریمه‌ای- که در عصر وحی زمینهایی خشک و کوهسارهایی بی‌آب و سبزه، لکن محل هبوط (4) ملائکة اللّه و هجوم جنوداللّه و وقوف انبیاءاللّه و عباداللّه الصالحین بود- رساندید.

1- صحیفه‌نور، تاریخ را 30/ 8/ 1358 ثبت کرده که تاریخ صحیح در دستنویس امام، 3 ذی‌الحجه 99 برابر با3/ 8/ 1358) است.

2- سوره احزاب، آیه 21: «برای شما رسول خدا مقتدای پسندیده‌ای است».

3- ممالک آباد.

4- فرود آمدن.

هان! بشناسید این مشاعر (1) بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت شکنی برای شکستن بتهای بزرگ که به صورت قدرتهای شیطانی و چپاولگران آدمخوار در آمده‌اند، و از این قدرتهای تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ ریحُکُمْ (2)
رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته بندیهای موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد.
ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می‌دانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می‌فرماید قُلْ انَّما اعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ انْ تَقُومُواللّه مَثْنی وَ فُرادی (3)
همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادی در مقابل جنود شیطانیِ باطنِ خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی.
اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف

1- جمع مشعر: موضع مناسک حج.

2- سوره انفال، آیه 46: «و نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود».

3- سوره سبأ، آیه 46: «بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دوتا دوتا

یا یک‌یک برای خداوند قیام کنید».

و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.
ای گویندگان و نویسندگان! در اجتماعات بزرگ؛ عرفات و مَشْعَر و مِنا و مکه معظمه و مدینه منوره، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید، و از هم طلب نصرت کنید. ای زائران خانه خدا! توطئه‌های راست و چپ و خصوص امریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران التجا (1) پیدا کنید. و من به خواست خدای قادر، مژده نصرت و پیروزی به شماها می‌دهم. «انَّهُ عَلی ذلِکَ لَقادِرٌ» (2)
والسلام علی رسول‌اللَّه و علی ائمةالمسلمین و علی عباداللَّه الصالحین و رحمةاللَّه و برکاته.
روح‌اللَّه الموسوی الخمینی

1- پناه بردن، پناهنده شدن.

2- بدرستی که خدا بر آن قادراست.

ص: 39
سخنرانی
زمان: 1 آذر 1358/ 2 محرّم 1400
مکان: قم
موضوع: سرنوشت جهان اسلام، بسته به انقلاب ایران
مناسبت: مراجعت از سفر حج
حضار: افسران نیروهای سه گانه ارتش پاکستان
بسم اللّه الرحمن الرحیم

چه سعادتی داشتید که مشرف شدید به مکه معظمه مرکز وحی، و به مدینه منوره مرکز رسالت. خداوند از شما برادران به طور شایسته این زیارتها را قبول فرماید، (1) ما با همه ملتهای مسلم برادر هستیم. و در شادی و غم آنها شریک هستیم. و امید این را داریم که آنها هم با غمها و شادیهای ما شریک باشند. امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملتها، بر ملتهای مسلمین، بر ملتهای شرق حکومتهای غیرمشروع کرده‌اند و در طول پنجاه سال هم در حکومت این رضا خان و محمدرضا به این ملت با دست آنها ظلم و خیانت کردند. و جنایات آنها اخیراً بالا گرفت. و این جنایات به پشتیبانی از ابرقدرتها، خصوصاً امریکا بود. به طوری که تحمل دیگر از این ملت ما برداشته شد. و به اتکا به خدای کریم و اسلام، با وحدت کلمه نهضت کردند و نظام شاهنشاهی را که یک نظام پوسیده غیرقانونی بود به هم زدند، و جمهوری اسلامی را در اینجا برقرار کردند. و در این حال که ما مشغول هستیم برای سازندگی، خرابیهایی که در طول این تسلط وحشت‌انگیز اجانب بر ما و تفاله‌های آنها که

1- قبل از سخنرانی امام خمینی یکی از پاکستانیها دعایی خواندند و سپس حضار آمین گفتند.

در این کشورها حکومت می‌کردند، امروز مواجه شدیم با دولت امریکا. و ما امیدواریم که ملتهای برادر ما، ملتهای اسلامی، که همانطور که ما گرفتار بودیم بر ظلم و تعدی اجانب، آنها هم گرفتار بودند، امروز که ملت ما قیام کرده است آنها هم قیام کنند. و موجب خرسندی است که پاکستان قیام کرده است. و الآن که من روزنامه را تیترش را دیدم، دیدم که نوشته است که تمام پاکستان بر ضد امریکا قیام کرده است. و دانشگاهها- ظاهراً نوشته بود که- سه روز تعطیل شده است. و این یک مژده‌ای بر ملت مظلوم ما هست که تنها نیست.

مسلمین باید با هم ید واحده باشند. «هُمْ یَدٌ واحِدةٌ علی مَن سِواه». اینها باید دست واحد باشند. مجتمع باشند. یک باشند. خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسباب جدایی قلبها ندانند. مرزها جدا، قلبها با هم. مسلمین دارای قدرت بسیار هستند، و دارای خزاین بسیار. چنانچه با هم مجتمع بشوند، چنانچه مسلمین با هم اتحاد پیدا کنند، با حفظ مرزهای خودشان، لکن قلبهایشان با هم متحد بشود، اینها جمعیت بسیار کثیری هستند؛ یک میلیارد جمعیت. شاید الآن بیشتر باشند. و خزاین بسیار دارند. و احتیاج به هیچ کشوری ندارند. و همه کشورها تقریباً به آنها محتاج هستند. مع‌الأسف در اثر تبلیغات سوئی که در طول تاریخ شده است، و مردم را از این ابرقدرتها ترسانده‌اند. تبلیغات خود آن ابرقدرتها این بوده است که ملتهای ما را، ملتهای شما را از اینها بترسانند. به طوری که ما گمان بکنیم که این ابرقدرتها آسیب‌پذیر نیستند، اگر ملتی نفس بکشد، آنها نفسش را خفه می‌کنند. لکن ما دیدیم که اینها تبلیغاتی بود که صحیح نبود. و قدرتهای بزرگ هم با مقدرات یک مملکت وقتی که خود ملت با هم مجتمع شدند نمی‌توانند بازی بکنند. و ما اتکال به خدا داریم. اتکال به اسلام داریم. پشتیبانی ما اسلام و خداست. و امید این را داریم که همه ملتهای اسلامی به ما بپیوندند.

در این نزاعی که، مبارزه‌ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و

امریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواسته اینها بر نهضت ما- که نخواهند کرد- این غلبه، غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است. باید همه مسلمین بدانند که مقدرات ما الآن تنها نیست که بین وجود و عدم است. مقدرات اسلام، مقدرات همه مسلمین است. همه مسلمین در این مسئله با هم باید شرکت کنند. که اگر این نهضت خدای نخواسته به سستی گراید یا از بین برود، حساب شرق، حساب تمام شرق و خصوصاً مسلمین [را] به تباهی خواهند کشید. من از همه ملتهای اسلامی، از همه مسلمین، از همه ارتشهای اسلامی، از همه قوای انتظامی اسلامی، از همه رؤسای جمهور ممالک اسلامی می‌خواهم که با این نهضت ما همراه باشند. با این مقابله‌ای که مابین کفر و اسلام است، نه مابین ایران و امریکا. مابین تمام کفر و تمام اسلام است. مسلمین بپاخیزند.
برخیزند و در این معارضه پیروز شوند. و پیروز خواهند شد. و از این طبلهای میان تهی نترسند. نترسند که امریکا یک قدرت بزرگ است، «یک قدرت شیطانی است و می‌تواند که با یک روز همه را به هم بزند»! اینها تبلیغات است. امریکا نمی‌تواند این کار را بکند.

در مقابل مسلمین نمی‌تواند امریکا خودنمایی کند. دنیا توجهش الآن به این مبارزه است. دنیا الآن توجه به این دارد که در این مبارزه چه خواهد شد. و خود مملکت امریکا در آن اختلاف واقع شده است. سیاههای امریکا که در تحت ظلم امریکا بودند الآن آنها هم موافقت با ما دارند. و ممکن است آنها هم قیام بکنند. باید مسلمین در یک همچه موقع حساسی که ما مقابل ایستادیم در مقابل امریکا و در مقابل دسایس شیطانی او، با ما موافقت کنند. با ما همراهی کنند. ما و خود را از هم بدانند. مملکت ایران را با سایر ممالک، با پاکستان، با عراق، با اندونزی، با تمام این ممالک اسلامی یک بدانند. و همه قیام کنند. و همه تظاهر کنند در مقابل این ظلمی که این شخص (1) به ما دارد می‌کند.
یک نفر مجرمی (2) که پنجاه سال خانه‌های این مملکت را سوزانده است، مردم این

1- جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا.

2- محمدرضا پهلوی.

مملکت را به حبس انداخته است، قتلهای زیاد، قتل‌عامهای زیاد کرده است، و سنگفرشهای خیابان ما را، اسفالتهای خیابان ما را رنگین کرده است با خون جوانهای ما، ذخایر ما را برداشته و دزدیده و برده است، اینها برده‌اند پناه داده‌اند یک همچه مجرمی را. و مخالف همه قوانین دنیاست که هر مجرمی که در یک جایی جرم کرد باید در محل خودش، در همان جایی که جرم کرده محاکمه بشود. اینها با یک انگیزه‌های بچگانه این را برده‌اند نگه داشتند. و حالا هم که ما مطالبه آنها را می‌کنیم، ما را می‌ترسانند از کشتیهایشان که آمدند در آبهای نزدیک آبهای خلیج، و از طیاره‌هاشان و از اینها. ما از چه می‌ترسیم؟ ما از طیاره‌های اینها می‌ترسیم؟ ما از کشتیهای اینها می‌ترسیم؟

هشدار به امریکا

ما اشخاصی هستیم که در این راه، شهادت را سعادت برای خودمان می‌دانیم. ملت ما الآن هم از من می‌خواهند که دعا کنم که شهید بشوند. ملتی که شهادت را می‌خواهد او را از چه می‌ترسانند؟ او را از مردن می‌ترسانند؟ اینها شهادت را شرف خودشان می‌دانند.
آنها ما را از مردن می‌ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورای طبیعت. کسی که خدا را می‌شناسد، کسی که قیامت را اطلاع دارد ...، کسی که اعتقاد دارد به ماورای طبیعت، این از چه می‌ترسد؟ امریکا اشتباه می‌کند. آقای کارتر اشتباه می‌کند که خیال می‌کند که می‌تواند یک همچه کاری بکند. دنیا نمی‌گذارد که او همچه کاری بکند. خود ملت امریکا نمی‌گذارد که او این کار را بکند. مگر یک کار آسانی است برای امریکا که بیاید و ملت ما را قتل‌عام کند. یک کاری نیست که او بتواند این کار را بکند. بر فرض اینکه بتواند، ملت ما با چنگ و دندان آنها را نابود خواهند کرد. و جوانهای ما الآن اعلام کرده‌اند که اگر اینها یک وقت بخواهند یک همچه کاری بکنند، ما سفارتخانه را با هر کس در آن هست منفجر می‌کنیم. و اگر یک همچو بشود ما نمی‌توانیم این جوانهایی که الآن در غرور جوانی هستند و ظلم دیدند، آنها را کنترل کنیم. ما نمی‌توانیم جلوی یک ملتی را که پنجاه سال ظلم دیده است و پنجاه سال و بیش از سی و چند سال از یک آدمی ظلم دیده است، از یک آدمی قتل‌عامها دیده است، برادرها را کشته‌اند، پدرها را

کشته‌اند، زنها و شوهرهایشان از بین رفته است، یک همچو ملتی را ما نمی‌توانیم کنترل کنیم، که اگر امریکا بخواهد یک غلطی بکند، مردم بنشینند همینطور نگاه کنند که آقا بیایند و چتربازهایشان بیایند. امتحان کنند، بیایند ببینند چطور می‌توانند این کار را بکنند؟
تمامشان را از بین خواهیم برد. و خودمان هم کشته می‌شویم. آنها را هم از بین می‌بریم.

شما برادرها سلام مرا به ارتش خودتان به آقای ضیاءالحق، (1) برسانید. و از قول من به آنها بگویید که برادرهای شما در مقابله کفر گرفتار هستند. شما قیام کنید. ارتش پاکستان قیام کند در مقابل یک همچو ظلمی که الآن دارد به برادرهایشان می‌شود. یک همچو قیامی که الآن ما کردیم، در مقابل کفر است. این نسبت به مقدرات شما هم تأثیر دارد. کسی خیال نکند که اگر ایران شکست بخورد، خودش باقی می‌ماند. اگر ایران شکست بخورد شرق شکست خورده است. اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده‌اند. باید همه با هم متصل، متحد، با هم قیام کنیم و این جرثومه فساد را از تاریخ بیرون کنیم. و لااقل از ممالک خودمان اینها را برانیم که دیگر فکر اینکه بیایند در اینجا، مستشارهایشان بیایند در اینجا، مأمورینشان بیایند در اینجا، چپاولگرانشان بیایند در اینجا و ما را چپاول کنند، این فکر را از سر آنها باید ما بیرون کنیم و بیرون می‌کنیم این فکر را از سرشان.
خداوند ان‌شاءاللّه به شما همه برادرها سلامت بدهد. عزت بدهد. عافیت بدهد. خداوند اسلام را تقویت کند. خداوند لشکر مسلمین را تقویت کند. خداوند رؤسای مسلمین را که علاقه‌مند به اسلام هستند، خدمت به مسلمین می‌کنند، آنها را حفظ کند.

1- محمد ضیاءالحق، رئیس جمهوری پاکستان.

ص: 44
پیام
زمان: 21 شهریور 1359/ 2 ذی‌القعده 1400
مکان: تهران، جماران
موضوع: سیاست امریکا و ایادی آن، ایجاد اختلاف بین ملتهای اسلامی
مناسبت: فرا رسیدن ایام حج
مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت‌اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
سلام بر زائرین بیت‌اللّه‌الحرام. سلام بر زائرینی که در مرکز وحی الهی و محل هبوط (1) ملائکةاللّه اجتماع نمودند. سلام بر مؤمنینی که از خانه خود به سوی خانه خدا هجرت نمودند.
و سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم‌الشأن و خاتم نبیّین، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرک رو برگرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند، و از قید عبودیت و اطاعت همه بتهای جهان مراکز استکبار و استعمار و قدرتهای شیطانی رها و به قدرت مطلقه الهی و حبل‌المتین توحید پیوستند.
و سلام بر آنان که رمز دعوت حق تعالی را در وُفود (2) به سوی خانه خدا دریافتند و لبیک گفتند.
اکنون به شما مسلمانان وارسته که در محل وحی برای ادای این فریضه عبادی‌سیاسی اجتماع نمودید، لازم است تذکراتی داده شود تا بدانید در کشورهای اسلامی چه می‌گذرد و برای استعمار و استثمار مسلمین و تحت سلطه قراردادن آنان چه

1- فرود آمدن.

2- به رسولی رفتن.

نقشه‌ها در کار و چه دستهای خبیثی آتش افروزان آنند:
1- در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرتها و احساس خطر برای چپاولگران بین‌المللی و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حیله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طَرْفی نبست به حیله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه‌دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگریها و چپاولهایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد، و آن اینکه درست در آستانه کوشش بی‌امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می‌دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره‌ها گفته‌اند: «اسلامی که ایرانیان می‌گویند، غیر از اسلامی است که ما می‌گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره‌های امریکا چون سادات (1) و بگین (2) پشتیبانی می‌کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می‌دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی‌کنند.
مسلمانان جهان باید این تفرقه افکنها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند.
2- در آستانه هجوم ابرقدرتها به کشورهای اسلامی، همچون افغانستان و کشتار

1- محمد انورالسادات، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

2- مناخیم بگین، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس.

بی‌رحمانه و وحشیانه مسلمانان افغانی- که نمی‌خواهند اجنبی در مقدرات آنان دخالت کند و یا امریکا که در هر فسادی دست دارد- و همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل‌جانی، به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز، و همزمان با طرح جنایتکارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت‌المقدس، و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش، و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانتکار امریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده امریکا، دست به تفرقه‌افکنی مسلمانان زده‌اند، از هیچ جنایتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است، فروگذار نمی‌کنند. امریکا با حمله‌های پیاپی به ایران و فرستادن جاسوسان برای شکست دادن انقلاب اسلامی ما و توطئه با سادات برای ایجاد اختلاف و تبلیغات سوء و پخش اکاذیب و افترا به متصدیان حکومت اسلامی از طریق عراق، از آن قماش است. مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان امریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.
3- از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن بپا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سالهاست بدان دامن‌می‌زند. و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته از آن ترویج و تأیید می‌کنند. و در سایر نقاط از ترک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته‌اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند و حتی به دشمنی کشیده‌اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی‌گرایی در مقابل ملتهای مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر خلاف آن است؛ و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.
4- از ملی‌گرایی خطرناکتر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.
و بحمداللّه تعالی در انقلاب اسلامی ایران هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و

همه با دوستی و اخوت در کنار هم زندگی می‌کنند. و اهل سنت که در ایران جمعیتش بیشمارند و در اطراف و اکناف (1) کشور زیست می‌کنند و دارای علما و مشایخ بسیار هستند، با ما برادر و ما با آنها برادر و برابریم. و آنان با نغمه‌های نفاق‌افکنانه‌ای که بعضی جنایتکاران و وابستگان به صهیونیسم و امریکا، ساز نموده‌اند مخالفند. و برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این عمال وابسته به قدرتهای شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبرّی کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم و از آنان می‌خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند؛ و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خنثی کنند.
5- از تبلیغات دامنه‌داری که به ظاهر ضد ایران و در حقیقت بر ضد اسلام است آن است که: «انقلاب ایران نمی‌تواند کشور ما را اداره کند»، و یا «دولت ایران در حال سقوط است، چون نه اقتصاد سالم و نه فرهنگ صحیح و نه ارتش منسجم و نه قوای مسلح آماده دارد». و این تبلیغات از همه رسانه‌های گروهی امریکا و وابستگان به آن پخش می‌شود و مایه دلخوشی دشمنان ایران و اسلام است، و در حقیقت این تبلیغات علیه اسلام است و می‌خواهند وانمود کنند که اسلام در این زمان قدرت اداره کشورها را ندارد. اکنون مسلمانان باید با دقت مسائل را بررسی کنند و انقلابات غیر اسلامی را با انقلاب اسلامی ایران مقایسه کنند. انقلاب اسلامی ما در عین حال که وارث یک کشور صد در صد وابسته و مخروبه و عقب‌رانده شده در تمام جهات بود، و رژیم دست نشانده پهلوی در مدت بیش از پنجاه سال این کشور را از هر جهت به سقوط کشانده بود، و ذخایر و دارایی سرشار آن را به جیب اجانب خصوصاً انگلیس و امریکا ریخته و باقیمانده آن را به نفع خود و وابستگان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار رو به رو کرده بود، ما به برکت اسلام و ملت مسلمان در ظرف کمتر از دو سال، تمام آنچه را که مدخلیت در اداره کشور داشت تصویب و اجرا کردیم؛ و با همه مشکلاتی که امریکا و

1- جمع کنف: اطراف، کنارها.

اقمار او از جهت حصر اقتصادی و دخالت نظامی و تهیه وسیع کودتا فراهم آورده بود، ملت رزمنده ما ارزاق را نزدیک به خودکفایی رسانده‌اند و سایر مایحتاج کشور نیز تهیه شده است. و بزودی فرهنگ استعمار زمان رژیم سابق را به فرهنگ مستقل اسلامی تبدیل می‌کنیم. قوای مسلح ما ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی آماده برای دفاع و نظم و همه در راه اسلام جان بر کف مهیای جهادند. علاوه [بر این]، ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است. و دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان همانند انقلاب اسلامی ما، با ضایعه‌ای کم و رهاوردی عظیم، همراه نبوده است و این نیست جز به برکت اسلام.
این بدخواهان چه می‌گویند؟ اسلامی که چندین قرن بر نیمی از معموره دنیا حکومت کرده بود و کمتر از نیم قرن بر حکومتهای کفر و ستم چیره شد، اکنون چطور از اداره کشور عاجز است؟ امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند.
دشمنان اسلام از قدرت اسلام در هدم اساس ظلم و برپا داشتن اساس اداره کشور بر عدالت غافلند و یا تغافل می‌کنند. دشمنان اسلام و بلکه بسیاری از دوستان اسلام هم از قدرت اداره و احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بی‌اطلاعند. در حقیقت اسلام در طول تاریخ پس از صدر اسلام مهجور [و] (1) محجوب بوده است، و اکنون باید با کمک همه مسلمانان و دانشمندان و متفکران و اسلام شناسان معرفی شود تا چهره تابناک آن چون خورشید جهانتاب جلوه کند.
ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیرشده بلایی بر

1- جدا مانده، دور افتاده.

سرملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی هدایت کنندگان تاکنوند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرتها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزاین سرشار و ثروت بی‌پایان می‌تواند تمام قدرتها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست.
6- مهمترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملتهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع امریکاست. دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.
امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین‌الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.
ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگهای تحمیلی است. امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد؛ مع‌الأسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز برداشته. ملتهای مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می‌جنگد، و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می‌کنند. پس ذکر این

مسئله ضروری است که درگیریهای غرب کشور عزیز ما درگیریهایی است از جانب امریکا که گروههای از خدا بی‌خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده‌اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می‌شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است. چه اگر ما با امریکا و یا سایر ابرقدرتها و قدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصایب نبودیم؛ ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند.
ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نموده‌ایم که دنباله‌روِ امام خود سیدالشهدا باشیم. ای مسلمانانی که در کنار خانه خدا به دعا نشسته‌اید، به ایستادگان در مقابل امریکا و سایر ابرقدرتها دعا کنید و بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند، ما با امریکا در ستیزیم. و امروز دست امریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته‌ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. ای کشورهای بی‌طرف! شما را به شهادت می‌طلبیم که امریکا قصد نابودی ما را دارد. کمی به خود آیید و ما را در هدفمان کمک کنید. ما به شرق و غرب و به شوروی و امریکا پشت کرده‌ایم تا خود، کشور خود را اداره کنیم. آیا حق است تا این چنین مورد هجوم شرق و غرب واقع شویم؟
با اوضاع فعلی جهان این یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست ما، مطمئناً هدف ما شکست نمی‌خورد.
بارها گفته‌ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس‌العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از امریکا خورده است. و اینان فعلًا با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما آزاد می‌گردند؛ که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده‌ام تا آنان به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل نمایند. با اینان در ایران به بهترین وجه رفتار شده است؛ ولی تبلیغات امریکا و اقمارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی در این مورد فرو گذار نکردند، در حالی که امریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانتها و شکنجه‌های روحی و جسمی را

نمودند و هیچ مقام رسمی در مجامع بین المللی از این دوستان عزیز ما دفاع ننمود، و هیچ کس امریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملتهای دربند آرزومندم. والسلام علی عبادالله الصالحین.
21/ 6/ 59
روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: 52
پیام
زمان: 27 مهر 1359/ 9 ذی‌الحجه 1400
مکان: تهران، جماران
موضوع: فرمان آماده‌باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی
مناسبت: عید سعید قربان
مخاطب: نیروهای مسلح و ملت مسلمان ایران- مسلمانان و مستضعفان جهان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
مبارک باد عید سعید قربان بر جمیع مسلمانان جهان و بر امت پیامبر عظیم‌الشأن.
مبارک باد این عید بزرگ اسلامی بر مستضعفین جهان که در مقابل مستکبرین و اولیای طاغوت قیام نمودند. مبارک باد بر ملت عظیم اسلامی ایران که صادقانه و دلاورانه در مقابل اولیای شیطان بپا خاستند. و مبارک باد بر قوای مسلح جمهوری اسلامی و بر دلیران رزمنده غرب و جنوب که با تعهد اسلامی و فداکاری در راه خداوند تعالی به جهاد مقدس و دفاع از کشور اسلامی چون سدی آهنین ایستاده و خون‌آشامان حزب کثیف بعث عراق و سرسپردگان به دشمنان اسلام و بشریت را از کشور خود رانده و خواهند راند.
آن روز مبارک است برای اسلام و ملتهای اسلامی که دست ستمگران و خون‌آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود. و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی اسلام به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد.
اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می‌باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ

ابدی؛ اگر خدای نخواسته در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید. و من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد، و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق از پای ننشینند و تا ملت شریف عراق را از اختناق و جنایاتی که بر آنان سایه شوم افکنده نجات ندهند، دست از جهاد مقدس برندارند. و شما ای جوانان برومند خوزستان و منطقه غرب و دیگر جبهه‌ها، در این میدان شرف پایدار باشید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید که به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فضاحت تمام به عقب خواهید راند. و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگزده در مقابل کفار ایستاده‌اید، بهوش باشید و هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع عمل کنید، و از اختلاف و تفرقه برحذر باشید که نصرت خدا را ان‌شاءاللّه در آغوش گرفته و سربلند و مفتخر از میدان بیرون آیید. و اینجانب اولًا به ملت ایران هشدار می‌دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه‌های خود را آماده کنند و به حال آماده باش باشند، که اگر خدای نخواسته محتاج به بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند. و ثانیاً به قوای نظامی اخطار می‌کنم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، ساز و برگ جنگی را که بحمداللّه در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید. و از شورای دفاع می‌خواهم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند تذکر دهند که جوانان پرشور در سطح کشور آماده جهاد هستند. و باید فرماندهان نظامی داوطلبانی را که [برای جنگ] می‌آیند بی‌درنگ مجهز کنند و به جبهه بفرستند و نیروی زمینی را با اقسام سلاحها و آتشبارها و توپها تقویت کنند؛ و بدانند که مسامحه در این امر نزد خداوند و ملت گناهی نابخشودنی است و از عواقب آن بر حذر باشند. و به همه جناحها اطمینان می‌دهم که پیروزی با اسلام و کشور اسلامی است و شکست خذلان نصیب دشمنان شما است.
من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم.
اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعه او به سعادت

ابدی و افتخار دائمی رسیدند، و به بازماندگان آنان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. شما مسلمانان متعهد دیْن خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرماید. و اخیراً تأکید می‌کنم که پایداری در این امر حیاتی و شدت عمل موجب افتخار جوانان ماست.
از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیروزی مجاهدین در راه خدا را خواستار است. والسلام علی من اتبع الهدی.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 55
سخنرانی
زمان: 28 مهر 1359/ 10 ذی‌الحجه 1400
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: وظیفه دولتهای اسلامی در قبال حمله صدام به کشور اسلامی ایران
مناسبت: عید سعید قربان
حضار: سفرای کشورهای اسلامی
بسم اللّه الرحمن الرحیم

عبادی- سیاسی بودن دین اسلام

ما در روزی مجتمع هستیم در این محل حقیر که انبوه مسلمین از سراسر کشورهای اسلامی در مکه معظمه مجتمع هستند، این اجتماع دینی- سیاسی.
اسلام یک دین عبادی- سیاسی است که در امور سیاسی‌اش عبادت منضم است و در امور عبادی‌اش سیاست. این مجتمعاتی که اسلام برای مسلمین به طور سهولت تهیه فرموده است، در سال یک دفعه فریضه فرموده است بر کسانی که استطاعت دارند که مجتمع بشوند در مکه معظمه و در مواقف شریفه. و برای همه مسلمین مستحب است که مستطیع هم که نباشند این عبادت الهی را به جا بیاورند. و نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین با هم در یک محیط دور از تشریفات- یک محیطی که همه آن جهات شخصیتها را ریخته و با یک کفن و با دو ثوبه (1) مختصر- در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال، گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر بکنند. و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، در عین حالی که عبادت است. و مع‌الأسف، ما مسلمانها که

1- جامه، لباس.

از اسلام دور افتاده‌ایم و از حقایق اسلامی منزوی شده‌ایم در این فکر ابداً نیستیم که، اولًا کسانی که می‌توانند بروند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، روشنفکر هستند و عالِم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند و آنچه که می‌توانند حل کنند. ما الآن از تشرف مکه و حج بیت اللّه جز اینکه یک دسته اشخاص عامی مردم، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند، و اشخاص مؤثری که می‌توانند، از حکومتها، از بزرگان قوم در آنجا می‌توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین را و مسائل سیاسی و اجتماعی را بررسی کنند، مع‌الأسف، این امر مغفولٌ عنه (1) است. و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می‌شود. مشکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند وتحت لوای دیگران درآمده‌اند. قرآن کریم که می‌فرماید که وَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللّه جَمیعاً وَ لاتَفَرَّقُوا، (2)
ما اگر همین یک آیه را، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می‌شود.
اسلام برای مردم در هر ناحیه یک امور سیاسی- عبادی قرار داده است. این جماعات در تمام کشورهای مسلمین، و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی- سیاسی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل بکنند. و نماز جمعه یک عبادت سیاسی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکنند و مسائلشان را حل بکنند در آنجا. و اجتماع کعبه بزرگترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی‌تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمتها و زحمتهایی و بدون یک خرجهایی که بر دولتها باشد، مجتمع می‌شوند در آنجا و مع‌الأسف، استفاده از آن نمی‌شود.

1- آنچه از آن غفلت شده.

2- بخشی از آیه 103، سوره آل عمران: «به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

ص: 57

وظیفه دولتهای اسلامی در مقابله با دولت عراق

ما الآن در یک روزی مجتمع هستیم که دولت صدام، دولت غاصب صدام بدون یک عذر موجهی در بین تمام دول عالَم، بدون اطلاع و بدون سابقه با دریا و هوا و زمین هجوم کرد بر ایران و به خیال خودش می‌خواست که کشورگیری کند و خلافت مسلمین را یک آدمی که به اسلام اعتقاد ندارد، ریاست مسلمین را به دست بگیرد. و مع‌الأسف، در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه‌ای از مسلمین با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر یکی از آنها باغی باشد و طاغی باشد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و باغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است، و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا ممالک اسلامی به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید که فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفِیءَ الی امْرِ اللَّه (1)

چرا عمل نمی‌کنند؟ مع‌الأسف بعض از ممالک اسلامی؛ یعنی، ممالکی که دولتهایشان به اسم اسلام بر آنها حکومت می‌کند، در عین حالی که می‌بینند که او طغیان کرده است و هجوم کرده است بر یک مملکت اسلامی بدون جهت، بدون یک حجت، با او اعلام موافقت می‌کنند یا بعضی پشتیبانی می‌کنند. ما باید مشکلات اسلامی را در کدام نقطه عالَم طرح کنیم و حل کنیم؟ مسلمین عالَم باید مشکلاتشان را در چه محفلی حل بکنند؟ در محافل بین‌المللی که دستاورد دولتهای بزرگ است؟ در آن محافلی که به اسم اسلام هست لکن اثری از اسلام در آن نیست؟ باید مملکت ایران شکوای خودش را به چه مقامی عرضه کند؟ ملتی که مورد هجوم واقع شده است بدون جهت، بدون عذر، باید با کی طرح کند این مطلب را؟ با کدام یک از دولتها این مسئله را طرح کند؟ بر همه دولتهای اسلامی به نص قرآن واجب است که مقاتله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و به امر خدا.

1- بخشی از آیه 9، سوره حجرات: «پس مقاتله کنید با آن طایفه‌ای که ظلم کرده است تا آن بازگردد به امرخداوند».

بله صدام گمان می‌کرد که با یک مملکت آشفته که منزوی شده است و همه دولتها پشت به او کرده‌اند یا او را در فشار اقتصادی گذاشته‌اند طرف شده است و ما نه قوای نظامی داریم و نه انتظامی داریم و نه ساز و برگ جهاد و جنگ. او همچو گمان کرد و گمان می‌کرد تا چند ساعت تهران را هم فتح خواهد کرد. او غافل از خدا بود. او فکر نکرده بود که ما یک ملتی داریم که منسجم با هم است و همه ایمان دارند و ایمان است که آنها را بر مسائل و بر مشکلات غلبه می‌دهد. آنها تفکر نکردند، تأمل نکردند که شاه خائن سابق که دارای همه قوا بود و همه قدرتها با او بودند و پشتیبانی می‌کردند، همین ملت غیور ایران با قدرت ایمانی او را به جهنم فرستادند. او تصور این را نکرد که ملت ایران همه قدرتهایی که پشتیبان محمدرضای مخلوع بودند کنار زد و دست همه را از منابع خودش و سلطه همه را قطع کرد. او از این معانی غفلت کرد از باب اینکه اعصابش ضعیف است. من از اوّلی که این شخص روی کار آمد گفتم به اشخاص که آدم خطرناکی است؛ برای اینکه این در حال جنون است، اعصاب این آدم کار نمی‌کند و حالا ثابت شد این معنا.

منزوی نبودن ایران در بین ملتها

مع‌الأسف گمان می‌کنند بعضی که ما منزوی شده‌ایم به واسطه مخالفت با امریکا، خیر، امریکا منزوی شد. میزان ملتهاست؛ شما سرنیزه را از روی ملتها بردارید و مردم را آزاد بگذارید ببینید کی منزوی است. الآن هم که سرنیزه‌ها هست در داخل عراق، ملت عراق با ما هستند و عن قریب، ان‌شاءاللّه، انفجاری در عراق پیدا خواهد شد، نظیر انفجاری که در ایران بود. ما منزوی نیستیم، آنهایی که ظالم هستند و به ما ظلم کرده‌اند منزوی هستند؛ برای اینکه میزان ملتها هستند. ما قبل از این انقلاب منزوی بودیم؛ برای اینکه، ملتها با ما توجهی نداشتند. بعد از انقلاب، هم ملت ما منسجم شد و یک شد، یدٌ واحِدةٌ عَلی مَنْ سِواهُم (1)
شد و هم همه ملتهای ضعیف حتی ملتهای غیر اسلامی که

1- بحارالانوار، ج 27، ص 68، ح 3. کنزالعمال، ج 1، ص 99، ح 440. «مسلمین دست واحدند بر علیه‌بیگانگان».

جزء مستضعفین شدند با ما هستند. چطور ما منزوی هستیم؟ بله دولتهایی که هستند، دولتهایی که ملتهایشان هم با آنها موافق نیستند، آنها با ما مخالفند و ما باکی نداریم از این معنا. این انزوا را با آغوش باز استقبال می‌کنیم؛ برای اینکه ما تا منزوی نشویم و تا دستمان از پیش ابرقدرتها و قدرتهای دیگر کوتاه نشود، خودمان نمی‌توانیم کار خودمان را انجام بدهیم و سر پای خودمان بایستیم. ما باید منزوی بشویم تا مستقل بشویم. باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم. انزوا برای ما هیچ طرح نیست و ما از انزوای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ابداً باک نداریم؛ برای اینکه میزان ملتها هستند و ملتها با ما هستند. شما اگر رادیوها را ملاحظه کنید در سطح جهان، تمام جهان با ما اظهار موافقت کردند و با ما خواسته‌اند که در جبهه جنگ حاضر بشوند و ما را از این غائله به اصطلاح خودشان نجات بدهند و ما احتیاج به این نداریم. ما همچو سیلی خواهیم زد به صدام و حزب بعث عراق که دیگر بلند نشود از جای خودش. ما باید این اشتباه را رفع کنیم، هم از دولت غاصب عراق و هم از سایر دولتهای اسلامی که گمان می‌کنند اگر هجومی به ایران بشود ایران صدمه به آن وارد می‌شود. ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد. ایران واحد است و با دست واحد، 35 میلیون جمعیت با صدای واحد در مقابل قدرتها ایستاده است و هیچ قدرتی نمی‌تواند یک ملت را منزوی کند. و هیچ ملتی نمی‌تواند بر یک ملتی که بپاخاسته است حکومت کند. شما ملاحظه کنید افغانستان را.
افغانستان در عین حال که احزاب چپی دارد که قدرتمندند و حکومتش هم با ملت مخالف است و ملت هم با حکومت و آن قوای ابرقدرت هم وارد در آنجا شده است، آنچنان صدمه سیاسی به شوروی وارد شد در این کار که پیش همه ممالک مفتضح شد.
آنچنان سیلی زدند چریکهای قدرتمند افغانستان به روی شوروی که باید سرش را بلند نکند. و ایران از افغانستان قویتر است. برای اینکه ایران دسته‌جات مختلف ندارد. اگر چهار تا فرض کنید که ساواکی یا کمونیست در اینجا هست، اینها چیزی نیستند و در قبال ملت ما ناچیزند. اما ملت ما با دولت، قوای انتظامی همه با هم هستند. و بحمداللّه، هم قوای انتظامی ما الآن قوی است و هم سازوبرگ ما قوی است و این سازوبرگی است که دشمن ما برای ما تهیه کرد. این سازوبرگ بسیار زیادی است که امریکا برای ما تهیه کرد،

او تهیه کرد که در مقابل شوروی بایستد و به دست ما افتاد و ما در مقابل خودش و هر دولت دیگری ایستادگی داریم. قدرت ما را اینها نمی‌دانند؛ آن قدرت معنوی که در ایران هست، آن قدرت اسلامی که در ایران هست باز ادراک نکرده‌اند.

توجه مسلمانان به قدرت اسلام در قبال قدرتها

مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند. این قدرت اسلام بود که با دست خالی یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرتهای بزرگ عالَم غلبه داد، این قدرت اسلام بود. چرا مسلمین از این قدرت غافلند؟ چرا دولتهای اسلامی از این قدرت اسلام غافل هستند؟ چرا باید در طول سالهای متمادی دولتهای عربی سیلی بخورند از صهیونیسم؟ چرا باید در تحت سلطه قدرتهای خارجی باشند؟ چرا خودشان با هم مجتمع نمی‌شوند؟ چرا به آیات شریفه قرآن عمل نمی‌کنند؟ چرا با هم مجتمع نیستند؟
چرا به احادیث نبی‌اکرم اعتنا نمی‌کنند که فرموده است: مسلمین یدٌ واحِدةٌ علی مَن سِواهُم؟ مع‌الأسف بین خودشان اختلافات است. مشکل مسلمین همین است که اختلاف انداخته‌اند بینشان. و بعد از جنگ عمومی این نقشه کشیده شد و قدرت اسلام را دیدند و نقشه کشیده شد و دولتهای اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولتهای اسلامی با هم دشمن شدند. این مشکلی است که حل باید بشود. این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفه در پناه خانه خدا باید حل بشود. این مشکلی است که سران قوم مجتمع بشوند در مکه معظمه، امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و با هم در آنجا اجتماع کنند و با هم مشکلات خودشان را در میان بگذارند و غلبه کنند بر مشکلات خودشان. اگر یک همچو امری واقع بشود احدی از قدرتها نمی‌تواند با شما مقابله کند. شما مسلمین همه چیز دارید. شما مسلمین قدرت اسلام دارید که بالاترین چیزهاست، بالاترین سلاحهاست. و شما مسلمین صحراها و دریاهای وسیع و کشورهای بسیار وسیع دارید و غنی هستید. در عین حالی که شما از حیث همه چیز غنی هستید مع‌ذلک، بیشتر مستمندان شما به حال فقر دارند زندگی می‌کنند؛ این برای این است که شما به اسلام عمل نمی‌کنید. شما اموال مسلمین را، آن چیزهایی که باید به نفع مسلمین

باشد به غیر مسلمین می‌دهید آن هم به یک ثمن بخس. (1) همان ثمن هم در زمان شاه مخلوع، همان ثمن بخس هم دوباره برمی‌گشت به جیب خود امریکا و بعد هم سلاحها را درست می‌کردند برای خودشان که مقابله کنند با شوروی و بحمداللّه این سلاحها را خدا خواست که به دست ما بیفتد.

دفاع در مقابل متجاوزان به کشور

و امروز در مقابل همه کشورهایی که بخواهند به ما تعدی کنند قیام خواهیم کرد. و ملت ما با قدرت اسلامی با قوای نظامی و انتظامی، با مجاهدین اسلام و با همه قدرتهای مسلح و غیرمسلح با هم هستند و کسی نمی‌تواند به این مملکت تعدی کند. و ما نمی‌دانیم که چرا مسلمین- یعنی، ممالک اسلامی، والّا خود مسلمین با ما هستند- چرا ممالک اسلامی پا میان نمی‌گذارند و این آدم را به پای میز محاکمه نمی‌کشانند. از چه می‌ترسند؟ صدام باید محاکمه بشود همان طوری که کارتر باید محاکمه بشود. او برای نفع خودش عمل می‌کرد و این ملعون برای نفع امریکا عمل می‌کند. او برای اینکه چند کیلومتر زمین خشک، برای این لشکرکشی نمی‌کند و این همه جمعیت اسلام را چه از آن طرف و چه از این طرف به قتال وادارد و به کشتن بدهد و آنهمه میلیاردها دینار عراقی و تومان ایرانی را به این دو تا کشور ضرر بزند و آن سلاحهایی که باید ما در مقابل دشمن و در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم باید به کار بیندازیم به روی هم بکشیم. و این یک جنایتی است که صدام کرده. ما مدافع هستیم از منافع خودمان، ما مدافع از اسلام هستیم. ما می‌شناسیم این آدم را. من در عراق هم می‌شناختم این آدم را، که این آدم چنانچه- خدای نخواسته- دستش باز بشود از عَفلق (2) بدتر است و عفلق، اسلام را مخالف همه چیز خودش می‌داند.
ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می‌کند و هرگز نخواهد نشست. ما چه پیروز بشویم در عالَم ماده و چه غلبه بکنیم، غلبه با ماست.
پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگها شکست خورد، لکن غلبه با او بود. اولیای اسلام هم

1- بهای اندک، قیمت ناچیز.

2- میشل عفلق، پایه‌گذار حزب بعث در عراق و سوریه.

در بعضی از جنگها دشمنان غلبه بر آنها کردند، لکن غلبه با آنها بود. غلبه با حق است.
باطل زَهُوق است؛ انَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً. (1)
ما در این روز به همه مسلمین دعا می‌کنیم و دست تضرع پیش خدای تبارک وتعالی بلند می‌کنیم که مسلمین بیداربشوند، حکومتهای اسلامی بیدار بشوند. حکومتهای اسلامی توجه کنند به اینکه مشکلاتشان را رفع کنند، این وابستگی خودشان را به ابرقدرتها بردارند از میان، مستقل بشوند، خودشان باشند، خودشان اداره کنند ممالک خودشان را. ما اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد.
خدای تبارک و تعالی این عید را بر همه مسلمین مبارک کند. و این عید و این روز مبارک است بر ملت ایران که در جنگ است و مبارک است بر آنهایی که شهید شدند و مبارک است بر آنهایی که شهید دادند. خدای تبارک و تعالی به ما هم این فرصت را بدهد که در راه او شهید بشویم.
والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

1- سوره اسراءبنی‌اسرائیل)، آیه 81: «باطل، خود لایق نابودی است».

ص: 63
سخنرانی
زمان: صبح 16 آبان 1359/ 28 ذی‌الحجه 1400
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران
حضار: مسلمانان پاکستان

سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

با تشکر از حضور آقایان در اینجا و امیدواری به اینکه خداوند زیارت آقایان را و سایر حجاج محترم را قبول کند، عرض می‌کنم که شما موفق شدید به زیارت خانه‌ای که خداوند برای ناس قرار داده است و اول بیتی است که خداوند برای همه مردم قرار داده است و فرموده است که انَّ اوَّلَ بَیتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّة. (1)
این دلیل بر این است که، یکی از ادله این است که خدای تبارک و تعالی همه عالم را دعوت فرموده است به اسلام و این خانه را برای تمام عالم از زمان بعثت تا آخر برای همه قرار داده است.
این خانه ناس است. شخصی یا اشخاصی یا گروهی یا طوایف خاصی اینطور نیست که اولی باشند به خانه خدا از دیگر ناس. همه مردم، آنهایی که در سراسر دنیا هستند، در مشارق ارض و مغارب ارض، مکلف هستند که مسلم بشوند و در این خانه که قرار داده شده است از برای ناس، مجتمع بشوند و زیارت کنند آن بیت مقدس را. عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین

1- سوره آل عمران، آیه 96: «انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدَیً لِلعالَمینَ» اول خانه‌ای که‌برای مردم بنا شده، همان خانه مکه است که در آن برکت و هدایت جهانیان است.

تفاهم کنند و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است. (1) و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش فرموده است (2) و ائمه مسلمین سفارش فرموده‌اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.

مع‌الأسف، بعض از عناصر منحرف، از عناصری که به اسلام اعتقاد هم ندارند، با ادعای خالی از حقیقت اسلام کوشش دارند به اینکه اسلام را در عربیت خالص کنند.
گزارشی که در یکی- دو روز پیش از خبرگزاریها رسید به ما، این بود که صدام حسین در مجلس غیرقانونی خودشان صحبتهای متفرقه‌ای کرده است و اراجیفی بافته است. از آن جمله اینکه «فارس مسلم نیست؛ به دلیل اینکه قرآن عربی است. پیغمبر عرب بوده است و اسلام مال عرب است»؛ به منطق این آدم منحرف که از اسلام بی‌اطلاع است، و از آن جمله اعرابی است که خدای تبارک و تعالی، فرموده است: اَشَدُّ کُفراً وَ نِفاقاً وَ اجدَرُ الّا یَعلَمُوا حُدُودَ ما انزَلَ اللّه (3)
این، سزاوارترند اینطور اشخاص از اینکه حدود خدا را و احکام خدا را نشناسند. به منطق این آدمی که اعتقاد به اسلام هم ندارد، شما آقایان که به مکه مشرف شدید مسلم نبودید و تمام مسلمین دنیا که در شرق و غرب زمین هستند مسلمان نیستند؛ فارس مسلمان نیست، ترک مسلمان نیست، بلوچ مسلمان نیست، پاکستانی مسلمان نیست، مسلمانان هندوستان مسلمان نیستند، اندونزی‌ها مسلمان نیستند.
مسلمانی فقط منحصر به عرب است! نظیر عفلق، نظیر صدام و نظیر حزب بعث عراق! این منطق یک آدمی است که از اسلام بی‌اطلاع است، از قرآن بی‌اطلاع است. ضرورت مسلمین است که پیغمبر اسلام آخر نبیین است و مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق

1- اشاره است به آیه 103، سوره آل عمران.

2- صحیح ترمذی، ج 3، ص 316.

3- سوره توبه، بخشی از آیه 97: «اعرابادیه‌نشین) در کفر و نفاق از دیگران سخت‌تر و به جهل و نادانی‌احکام خدا سزاوارترند».

ارض و مغارب ارض. قرآن کریم حکایت می‌کند که اسلام مال تمام طوایف هست. هر کس به او رسید باید ایمان بیاورد. و روایات از رسول اکرم این است که اسلام برای همه هست. و این آدم اگر تا حالا هم فرض کنید- به فرض غلط- که مسلم است، برای این کلمه از اسلام بیرون رفته است؛ برای اینکه خلاف ضرورت مسلمین و خلاف قرآن کریم و خلاف رسول اکرم گفته است.

ایجاد اختلاف بین مسلمانان با طرح قومیت

ما سالهای طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم همقدم و همکلام و مجتمع کنیم؛ برای اینکه تمام گرفتاریهایی که مسلمین دارند و به دست قدرتهای اجنبی؛ آنهایی که می‌خواهند از بلاد مسلمین بهره‌گیری کنند، آنهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهایی که می‌خواهند دولتهای اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند، اینها کوشش کرده‌اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند. این کلام خبیث همان کلامی است که آنها می‌خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه مسلمین را در طرف دیگر؛ فقط عرب مسْلم است، پاکستانی مسْلم نیست، ایرانی مسلم نیست، عرب، عرب مسلم واقعی است! اینها همه باید- به حسب قولی که او باز در یک کلامش گفته است- اینها باید آقایی عرب را بپذیرند. این برخلاف اسلام است، برخلاف دستورات قرآن است. قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و فرموده است: انَّ اکرَمَکُم عِندَ اللّه اتقیکُم (1)
و صدام میزان را عربیت قرار داده است؛ عربیت، چه عربیتی باشد که مثل عفلق و امثال صدام باشد و چه سایرین، این برخلاف موازین اسلام و برخلاف ضرورت مسلمین است. این همان معنایی است که ابرقدرتها می‌خواهند که قشرها را از هم جدا کنند، عرب را از غیرعرب جدا کنند، عرب را در یک طرف قرار بدهند و عجم را در یک طرف دیگر. در بین خود عرب هم می‌خواهند که طوایف مختلف را از هم جدا کنند و در بین عجم هم که سایر مسلمین هستند می‌خواهند

1- سوره حجرات، آیه 13: «بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

که اینها را از هم جدا کنند؛ اینها مأمور این هستند، محمدرضا مأمور این معنا بود که اینها را از هم جدا کند. کسانی که این معنا را می‌گویند و این معنا را تعقیب می‌کنند، اینها همان مأمورینی هستند که مقاصد پلید اجنبیها را که مسلمین را می‌خواهند از هم مفترق کنند اجرا می‌کنند.

مسلمین باید یدِ واحده بر ماسِوایشان باشند. وَلا تَنازَعُوا فَتَفشَلُوا وَتَذهَبَ ریحُکُم (1)
قرآن شریف دستور داده است که اگر یک طایفه‌ای از مسلمین بر طایفه دیگر بغی کردند و تعدی کردند، بر همه مسلمین واجب است که بر ضد او قیام کنند؛ فضلًا، از اینکه غیرمسلم بَغی کند بر مسلم. (2) اگر یک طایفه‌ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسلامی، تکلیف همه مسلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صفحه روزگار نابود کنند. چه شده است که مسلمین در این امری که همه می‌دانند، تمام کسانی که اطلاع دارند از منطقه، می‌دانند که دولت جابر صدام و بعث ناگهان بدون هیچ مقدمه حمله کرده است به ایران از طرف دریا و از طرف هوا، از طرف زمین و بدون اینکه دولت متوجه بشود بعضی از بلاد ایران را غصب کرده است و بعضی از سرزمینها. آن روزی که مطلع شد ایران، جلویش را گرفت و بحمداللّه به قدری صدمه بر او وارد کرده است و بر جنود او وارد کرده است که برگرداندن به اصل اول محتاج به سالهای طولانی است. و این هجوم ناجوانمردانه، کشور عراق را به تباهی کشانده و می‌کشاند و سرمایه‌هایی که باید صرف

1- سوره انفال، آیه 46: «و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده، قدرت وعظمت شما نابود خواهد شد».

2- اشاره است به آیه 9 سوره حجرات: «وَ انْ طائِفَتانِ مِنَ المُؤمِنینَ اقْتَتَلُوا فَاصلِحُوا بَینَهُما فَان بَغَتْ احدیهُماعَلَی الاخْری فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفیءَ الی امرِ اللّه فَان فاءَتْ فَاصلِحُوا بَینَهُما بِالعَدلِ وَاقْسِطُوا انَّ اللّه یُحِبُّ المُقسِطینَ» و اگر دو طایفه از اهل ایمان به قتال و دشمنی برخیزند، شما مؤمنان در میان آنها صلح برقرار کنید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا بازآیدو ترک ستم کند). پس هرگاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها صلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد.

بشود در راه ترویج اسلام، اینها را صرف کرده‌اند در راه جنگ. ما بادی (1) به جنگ نبودیم و نیستیم، لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خُرد می‌کنیم. ابتدا از آنها بوده است و لهذا، در مملکت ما این واقعه واقع شده است. اگر ما بادی بودیم، خوب بود اول ما رفته باشیم یکی از دهات آنجا را گرفته باشیم و آنها آمده باشند و ما را عقب زده باشند.
ادعای اینکه ما مدتهاست- صدام در این نطق خبیثش گفته است که- «ما مدتها با دولت ایران صحبتها کردیم، رفت و آمد کردیم و خواستیم تفاهم کنیم و دولت ایران قبول نکرده است و ما ملزم شدیم که به دولت ایران [حمله نماییم] و آنها- دولت ایران- پاسگاههای ما را در مرز خراب کردند و چقدر از پاسگاههای ما را خراب کرده‌اند» و از قبیل این اراجیف. دولت ایران قبل از حمله عراق حتی یک وجب در ملک آنها، در مملکت آنها نرفته است و بنا هم نیست که برود و یک پاسگاه از آنها خراب نکرده است، لکن بعد از آنکه آنها حمله کردند و مردم ایران را، مردم عادی ایران را با توپهای دورزن و با موشکهای زمین به زمین خانه‌ها را خراب کرده‌اند، زن و بچه‌های مردم را کشتند و همه شرارتها را کردند، البته دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است. و ما به حسَب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط.

اظهار تأسف از سکوت مسلمانان در جنایات صدام

صدام کسی است که تابع «عفلق» ها هست و آنها حزبشان اسلام را منافی می‌دانند با وضعیت خودشان؛ دشمن اسلام هستند آنها. اینکه می‌گوید حسین بن علی علیه السلام چه، این همان آدمی است که زوار حسین‌بن علی را دسته‌جمعی اعدام کرده است و به حبس کشانده است.
این همان آدمی است که مرقد مطهر حضرت امیر را به امر او به گلوله بستند که گلوله‌هایی که خراب کرده بود یک جایی از، سوراخ کرده بود، یک جایی از دیوار را به من نشان دادند. اینها همانها هستند که علمای بزرگ اسلام را چه از طایفه سنی و چه از

1- بادی: آغازگر، شروع کننده.

طایفه شیعه گرفتار کردند و حبس کردند و شهید کردند. اینها از اسلام بویی نبردند و حالا دعوی اسلامیت می‌کند و می‌گوید من مسلم هستم! ایشان از همان اعرابی است که خدای تبارک و تعالی فرموده است اینها از اسلام و حدود اسلام بی‌اطلاع هستند. چه شده است که مسلمین توجه ندارند به این معنا؟ چرا این مسائلی که در ایران واقع شده است و این مسائلی که به مملکت ما وارد شده است و آنطور بچه‌ها و کوچکها و زنها و مردها را اینها قتل عام کرده‌اند، برخلاف موازین بین‌المللی و برخلاف موازین جنگ به جاهای مسکونی حمله کردند، چرا مسلمین در این مطلب هیچ توجهی ندارند؟ چرا ساکت هستند؟ خدای تبارک و تعالی امرفرموده است که باید جنگ کنند با این. حالا جنگ نمی‌کنند لااقل تبلیغ کنند، ساکت نباشند. چرا رادیوهای بلاد مسلمین ساکتند در این موضوع؟ چرا مسلمین ساکتند و توجه ندارند که اگر جمهوری اسلام در ایران- خدای نخواسته- شکست بخورد اسلام شکست خورده است؟ چرا توجه ندارند که ابرقدرتها از اسلام می‌ترسند و مخالفتشان با ایران به واسطه این است که می‌ترسند اسلام در سایر بلاد رشد کند و همین معنایی که در ایران شده است در جاهای دیگر بشود؟
مسلمین را چه شده است که در این مسائل که مربوط به اسلام است و مربوط به حیثیت مسلمین است ساکت نشسته‌اند، تماشاچی شده‌اند؟ ما احتیاج به کمکهای جندی و کمکهای ارتشی نداریم و ما خودمان حساب اینها را پاک خواهیم کرد، لکن تأسف دارد که مسلمین بی‌توجه هستند به این مسائل اسلامی، بی‌توجه هستند به قرآن کریم.
عمل نمی‌کنند به صریح قرآن کریم که فرموده است که «اگر یک طایفه‌ای ولو مسلم باشد اگر حمله کرد بر طایفه دیگر از مسلمین، بر مسلمین لازم است که از آن طایفه مظلوم دفاع کنند. (1) «چرا خبرگزاریهای خودشان را نمی‌فرستند و ببینند مسائلی که در ایران واقع شده است، مصائبی که در ایران واقع شده است؟ و چرا اگر خبرگزاریهایی باشد و اطلاع بدهد به آنها، در رادیوهای آنها منعکس نمی‌شود؟ این سکوت مرگبار چیست که در مسلمین است؟ شما گمان می‌کنید که مطرح عراق و ایران است و صدام است و مملکت ایران؟

1- اشاره به آیه 9 سوره حجرات.

قضیه این نیست، مطرح اسلام است، نه مطرح یک کشور. مطرح تمام کشورهای اسلامی است، مطرح مستضعفین جهانند.

احساس خطر قدرتها از اتحاد مسلمانان

آن چیزی که آنها می‌خواهند این است که مسلمین متفرق باشند و آنها حکومت کنند به این مسلمین، آنها تمام جوانهای ما را به تباهی بکشند، دانشگاههای ما را دانشگاههای استعماری قرار بدهند، اقتصاد ما را وابسته کنند، ارتش ما را وابسته کنند.
آنها به ایران فقط نظر ندارند، آنها به همه بلاد مسلمین، به همه بلادی که تحت سلطه اسلام باید باشد آنها نظر دارند، لکن می‌بینند که اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود و آن معنایی که در 35 میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و ضربه زد به آنها، آنچنان ضربه‌ای که تا آخر سرخودشان را نمی‌توانند بلند بکنند، اگر، یک میلیارد جمعیت مسلمین اینطور بشوند چه خواهد شد! آنها برای جلوگیری از این معناست که این جنگها را بپا می‌کنند. چرا باید دولتهای اسلامی اینطور از هم منفصل باشند و جدا باشند؟ چرا باید دولتهای اسلامی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام نداشته باشند؟ چرا باید ممالک اسلامی توجه نداشته باشند که نقطه نظر آنها اسلام است نه ایران، ملتها همه توجه دارند، چرا دولتها توجه ندارند؟ تا کی باید ما و دولتهای ما تحت سلطه اجانب باشیم؟ تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروهبان شوروی، یک گروهبان انگلیسی، یک گروهبان امریکایی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آنهایی که تشتت ایجاد می‌کنند در ایران به جای خودشان نشانده‌ایم و می‌نشانیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلفند به اینکه آنهایی که برخلاف اسلام، برخلاف دستور قرآن، برخلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت می‌کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. چرا نشسته‌ایم ما؟ چرا مسلمین نشسته‌اند؟ چرا نهضت نمی‌کنند؟ چرا قیام نمی‌کنند مسلمین بر ضد مستکبرین؟ چرا مستضعفین جهان قیام نمی‌کنند بر ضد مستکبرین؟
سیاههای امریکا ما را تأیید کردند، لکن دولتهای اسلامی اکثراً تأیید نکردند. ملتها در هر

جا بودند ما را تأیید کردند. مسلمین ملتهایشان در هر جا بود ما را تأیید کردند و این دولت غاصب بعث را، بعث عراق را محکوم کردند، لکن دولتها این کار را نکردند. چه شده است دولتها را؟ چرا باید تا آخر اینها تحت فشار ظلم ابرقدرتها تسلیم بشوند؟ چرا باید افغانستان را آنطور کنند و مسلمین نشسته باشند؟ چرا باید ایران را اینطور کنند و مسلمین ساکت باشند؟ نشسته‌اند که یکی یکی اینها را از بین ببرند، نوبت بعدی بشود؟

این خطری است برای مسلمین. من اعلام خطر می‌کنم برای مسلمین و برای اسلام با این وضعی که دولتها دارند. آنها کنار نشسته‌اند و شماها را به هم می‌ریزند. دولتها را با هم به جنگ وامی‌دارند و استفاده را خودشان می‌کنند. چرا مطالعه نمی‌کنید در امر اسلام و در امر سرنوشتهای مسلمین؟ تا کی ما باید زیر سلطه اجانب باشیم و تا کی ممالک ما باید در تحت تاخت و تاز آنها باشد؟ چرا از خواب بیدار نمی‌شوند مسلمانها؟ مشکل مهم، دولتهای اسلامی هستند. باید دولتها بیدار بشوند. اگر دولتها بیدار بشوند مشکلات مسلمین رفع می‌شود، با هم تفاهم می‌کنند، لکن دستهایی در کار است که نمی‌گذارد؛ مأمورینی آنها دارند که نمی‌گذارند این کار بشود. من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه مسلمین را بیدار کند و همه را در تحت لوای اسلام قرار بدهد. و همه را با هم مجتمع کند و مسائل اسلامی را درست مطالعه کنند و مسائل اسلامی را بین خودشان حل کنند.

والسلام علیکم و رحمة اللَّه

ص: 71
حکم
زمان: 18 خرداد 1360/ 5 شعبان 1401
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب نمایندگان در امور حج
مخاطب: ایروانی، سید عبدالمجید- هاشمی گلپایگانی، سید علی- توسلی، محمدرضا- جلالی، حیدرعلی- طاهری خرم‌آبادی، سید حسن

انتصاب نمایندگان در امور حج

بسم اللّه الرحمن الرحیم
حضرات آقایان حجج اسلام: آقای حاج سید عبدالمجید ایروانی، و آقای حاج سید علی هاشمی گلپایگانی، و آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی، و آقای حاج شیخ حیدرعلی جلالی، و آقای حاج سیدحسن طاهری خرم آبادی- دامت افاضاتهم
از آنجا که حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی- مذهبی جامعه مسلمانان می‌باشد و باید در انجام هر چه با شکوهتر و بهره‌برداری هر چه بیشتر از این اجتماع عظیم دینی سعی کافی مبذول شود، بدین وسیله حضرات آقایان محترم را برای رسیدگی به کار حجاج و زائران بیت‌اللّه الحرام در این سال تعیین و منصوب می‌نمایم، تا با همفکری و مشورت یکدیگر در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند و از راهنماییهای لازم در موسم حج دریغ ننمایند؛ و آنان را به حساسیت زمان و موقعیت خطیر کنونی متوجه سازند؛ و این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله که شده می‌کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند.
و به همین جهت، لازم است از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز خودداری کنند، که این

یک وظیفه شرعی و الهی است. ضمناً متصدیان ادارات گوناگونی که به هر مناسبت کارشان با حج ارتباط پیدا می‌کند موظفند برای هماهنگی در کارهای خود با صلاحدید و تصویب آقایان محترم کارها را انجام دهند. از خدای تعالی موفقیت همگان را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.
به تاریخ پنجم شعبان المعظم 1401
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 73
پیام
زمان: 15 شهریور 1360/ 7 ذی‌القعده 1401
مکان: تهران، جماران
موضوع: تبیین فلسفه و اسرار حج
مناسبت: فرا رسیدن ایام حج
مخاطب: مسلمین جهان و زائرین بیت‌اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
جَعَلَ اللَّه الْكَعْبَةَ الْبَيتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ (1)
- قرآن کریم.
درود بر حجاج بیت‌اللَّه الحرام. سلام بر عموم مسلمانان جهان و سلام بر مسلمانان متعهدی که از جهان اسلام به سوی حق شتافته و در جوار خانه خدا وفود (2) نموده‌اند.
فریضه حج در بین فرایض الهی از ویژگیهای خاصی برخورداراست و شاید جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه‌های دیگرش غلبه داشته باشد، با آنکه جنبه عبادی‌اش نیز ویژگی خاصی دارد.
مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می‌شوند و با ساده‌ترین و بی‌آلایش‌ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی‌اللَّه گردهم می‌آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می‌کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند. علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات

1- بخشی از آیه 97 سوره مائده: «خداوند خانه کعبه را خانه احرام قرار دادو حرمت آن را واجب کرد) برای نگهبانی و ایستادگی مردم».

2- جمع وافد: هیأت نمایندگی و اعزامی.

سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند. وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه‌ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است باز یابند و به مفاخر اسلامی- الهی که حق مسلمین است برسند و در پناه اسلام عزیز و زیر بیرق توحید و پرچم لااله‌الاالله از استقلال و آزادی حقیقی برخوردار شوند و دست مستکبران و عمال آنان را از کشورهای اسلامی قطع کنند و مجد و عظمت اسلامی را بازگردانند.
خداوند تعالی در آیه شریفه‌ای که در صدر ذکر شد، سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت‌الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده‌های مستضعف جهان ذکر می‌فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و درراه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند. یکی از بزرگترین و اساسیترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می‌باشند که مع‌الأسف برای رفع آن تاکنون اقدام چشمگیری نشده است، بلکه جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملتها و دولتها به سود خودشان بهره‌برداری می‌کنند، با دست عمال از خدا بیخبر خود به اختلافات دامن می‌زنند، و هرگاه که شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می‌شود، با تمام نیرو به مخالفت برمی‌خیزند و بذر خلاف می‌افشانند.
امروز تمام دولتها و بسیاری از ملتهای مسلمان می‌دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم پیشه و ستمکاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً امریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند، بپاخاستند و با انقلاب‌کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرتها و خصوصاً امریکای جهانخوار را از سلطه بر اموال و انفس خود قطع نمودند، و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولتهای اسلامی با

پشتیبانی ملتهای خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند.
امروز دست جنایتکار امریکا و دیگر قدرتهای چپاولگر از آستین بعضی عمال سر سپرده و از خدا بیخبرشان بیرون آمده و از داخل و خارج با اسلحه و قلمهای بدتر و جنایت‌بارتر از سلاحهای گرم به این ملت مظلوم حمله‌ور شده و در صدد شکست انقلاب اسلامی و شکست اسلام عزیز بر آمده‌اند و از هیچ تهمت و افترا به ملتی که جز به احکام اسلام و قرآن کریم فکر نمی‌کنند، خودداری نمی‌کنند، و با بهانه‌های بسیار موهوم، به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپا خاسته‌اند. آنان که از اسلحه گرم برخوردارند همچون صدام، با اسلحه و آنان که سلاح گرم ندارند، با قلمهای زهرآگین- که از سلاح گرم جنایت‌بارتر است- ملت مظلوم ما را زیر ضربات خود قرار داده‌اند.
طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین (1) که از سلاطین جور، سیاهروی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند. و اخیراً در بوقهای تبلیغاتی تهمت مفتضحانه رابطه ایران با اسرائیل و خریداری اسلحه را پیش کشیده‌اند به امید آنکه اعراب را از ایران جدا کنند و بین مسلمانان دشمنی ایجاد نموده راه را برای ابرقدرتها باز و سلطه آنان را هر چه بیشتر افزایش دهند، لیکن چه شخص مطلعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود. و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه‌ها و اعلامیه‌ها اسرائیل را همردیف امریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم. و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف امریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد. تعجب که این نغمه

1- واعظان و آخوندهای درباری.

مشئوم (1) از گلوی امریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک بگین سرداده شد و بوقهای تبلیغاتی آنان، خصوصاً امریکا به طور وسیعی در پخش آن کوشیدند، چه! که آن ضربه که این دو از اسلام واقعی خورده‌اند، دیگران نخورده‌اند، و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند. امریکا نگران منافع خود در منطقه است و صدام نگران سقوط و ننگ ابدی برای خویش است. باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهانخواران شرق و غرب، اسلام است که می‌تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پرافتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه برمستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید. جهان عرب باید بداند امروز ضربه‌ای که صدام و سادات به آنها زده‌اند چنان وحشتناک است که تنها با اتحادشان می‌توانند جبران نمایند. امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانمان در مصر خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانده است. اتحاد او با امریکا و اسرائیل آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با سست شدن پایه‌های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید.
هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع امریکای جهانخوار، این دشمن کینه‌توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد، و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه‌ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم‌تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه امریکا شروع

1- نامبارک و شوم.

کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.
آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه خارج و به حیات ننگین ستمبارشان خاتمه دهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازیهای سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل‌اللّه (1) نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟ آیا تکلیف خود نمی‌دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پرعظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟
آیا وعاظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با امریکا و اسرائیل لازمتر می‌شمارند؟ ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می‌خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم‌صدا و هم‌جهت شده و با یاری خداوند متعال شرّ جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند. و از حجاج بیت‌اللّه الحرام تقاضا داریم که برای پیروزی اسلام در مواقف شریفه دعا کنند و پیام ملت ایران و ندای یاللمسلمین این ملت مظلوم را به کشورهای خود برسانند. و از خداوند متعال عاجزانه می‌خواهیم که توفیق وحدت کلمه و آشنایی به وظایف اسلامی را به همگان عنایت فرماید. والسلام علی عباداللّه الصالحین و رحمةاللّه و برکاته.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

1- اشاره است به آیه 103 سوره آل عمران: «واعتصموا بحبل‌اللّه جمیعاً و لاتفرقوا» همگی به ریسمان الهی‌چنگ بزنید و متفرق نشوید.

ص: 78
پیام
زمان: 17 مهر 1360/ 10 ذی الحجه 1401
مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام
مناسبت: عید سعید قربان
مخاطب: ملت ایران، مسلمانان جهان

لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام

بسم اللّه الرحمن الرحیم
حلول عید سعید قربان را که از اعیاد بزرگ اسلام و میعادگاه پیامبران عظیم الشأن، از حضرت ابراهیم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنیانگذاران توحید و عدالت و رهبران صراط مستقیم عبودیت است به ملت ایران و مسلمانان جهان تبریک عرض می‌کنم، و از خداوند متعال می‌خواهم که مسلمانان جهان را برای بپاداشتن سنت انبیای عظام بیدار فرماید و در راه حصول هدف انبیا که فرزندان و عزیزان خود را فدای آن می‌نمودند بسیج نماید تا با همت همگان پرچم توحید در فضای سراسر جهان به اهتزاز درآید، و دست قدرتهای چپاولگر از بلاد مسلمین و مستضعفین کوتاه گردد.
در این سال، این عید برای مسلمانان از آن جهت مبارکتر است که در آستانه آن فرعون مصر (1) رهسپار کوی فرعونیان گردید، و برای ایران به علاوه از آن جهت که قوای شیطانی صدام رو به زوال و شیاطین پیوسته امریکا رو به اضمحلال است.

1- اشاره به هلاکت انور ساداترئیس جمهور مصر) توسط خالد اسلامبولی و همرزمان مسلمان‌مصری‌او.

اینجانب به همه مسلمانان و ملت عزیز ایران از پیروزی‌های پی در پی تبریک [عرض می‌کنم] و سعادت و سلامت همگان را خواستارم. و امید است با انتصاب آقای رئیس جمهور (1) و همت همه ارگانها مشکلات ایران رفع گردد.
والسلام علی عباد اللَّه الصالحین
روح اللَّه الموسوی الخمینی

1- در روز صدور پیام فوق، 17/ 7/ 1360، مراسم تنفیذ حکم سومین رئیس جمهور اسلامی ایران، آقای سید علی خامنه‌ای که پس از شهادت آقای محمد علی رجایی، در انتخابات 10 مهر 1360 از سوی مردم ایران انتخاب شده بود، در حضور امام خمینی برگزار گردید.

ص: 80
پیام
زمان: 18 مهر 1360/ 11 ذی الحجه 1401
مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی
مخاطب: خالد بن عبد العزیزپادشاه عربستان سعودی)

پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
حضرت ملک خالد بن عبد العزیز، پادشاه عربستان سعودی
مرقوم شما واصل گردید. آنچه که سفارت جمهوری اسلامی گفته است صحیح است. اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی‌های مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می‌دانم. چرا باید دولت‌های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره‌های زیر زمینی، خصوصاً موجهای نفت که رگ حیات ابر قدرتهاست، و برخورداری از تعلیمات حیات‌بخش قرآن کریم و دستورات عبادی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مسلمانان را به اعتصام به «حبل اللَّه» دعوت و از تفرقه و اختلاف تحذیر می‌فرماید، (1) وبا داشتن مَلاذ (2) و ملجأیی چون حرمین شریفین، که در عهد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مرکز عبادت و سیاست اسلامی بوده و پس از رحلت آن بزرگوار مدتها نیز چنین بوده است و طرح فتوحات و سیاسات از آن دو مرکز بزرگ سیاسی عبادی ریخته می‌شده است، اکنون به واسطه کج‌فهمیها و غرض‌ورزیها و تبلیغات وسیع ابرقدرتها کار را به آنجا بکشانند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، که مورد احتیاج

1- اشاره است به آیه 103 سوره آل‌عمران: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» همگی به ریسمان خداچنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید.

2- پناهگاه، محل امن.

مبرم و از اهمّ امور مسلمین است، در حرمین شریفین جرم شناخته شود و پلیس سعودی در داخل مسجدالحرام و در جایی که به حکم خدا و به نصّ قرآن مجید برای همه کس حتی منحرفین محل امن است با چکمه و سلاح به مسلمانان حمله کرده و آنان را مضروب و دستگیر نمایند و به زندان بفرستند. جرم این مسلمانان شعار بر ضد امریکا و اسرائیل، این دشمنان خدا و رسول بوده است.
من نمی‌دانم مسائل و جریاناتی که در کشور شما و حرمین شریفین می‌گذرد به طور صحیح به شما گزارش می‌دهند، یا همچون شعارهای ایرانیان، که در همه جا شعار آنان مشهور است، برای شما تحریف شده و برخلاف واقع گزارش داده‌اند. و نمی‌دانم ائمه جماعات حرمین شریفین از اسلام چه برداشت کرده‌اند و از حج بیت اللّه الحرام، که سرتاسر آن مشحون به سیاست، و سرّ جعل آن قیام انسانها به قسط (1) و رفع ستمگریها و چپاولگریهاست، که سیاست کلی انبیای عظام و خصوص حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است چه فهمیده‌اند که زائرین حرمین شریفین را به اسم اسلام از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و امریکا منع و مسلمانان را، به دلخواه امریکا و اسرائیل و سایر دشمنان اسلام و بر خلاف سیره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام، از دخالت در سیاست منع می‌کنند و عمداً یا از روی جهالت و غفلت مقدمات سلطه اجانب را بر ممالک اسلامی حتی حرمین شریفین، مهبط (2) وحی و مهبط ملائکة اللّه فراهم می‌نمایند.
اگر دولت حجاز از این فریضه عبادی- سیاسی، که هر سال در مواقف کریمه حرمین شریفین با حضور میلیونی مسلمانان تشکیل می‌شود، استفاده سیاسی اسلامی می‌نمود، احتیاج به امریکا و هواپیماهای آواکس (3) آن، و سایر ابرقدرتها نداشت و مشکلات

1- برگرفته از آیه 97 سوره مائده: «جَعَلَ اللَّه الکَعْبَةَ البَیْتَ الحَرامَ قِیاماً لِلنّاسِ».

2- محل فرود.

3- هواپیماهای مجهّز به سیستمهای راداری پیشرفته برای شناسایی تحرکات زمینی و هوایی. امریکا درجریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران،

پس از چندین سال هیاهوی تبلیغاتی، زمانی چند فروند از این هواپیماها را به دولت سعودی با قیمتهای گزاف فروخت که قبلاً تضمین کافی از آن دولت گرفته بود مبنی بر اینکه استفاده از آنها با نظارت امریکا خواهد بود و هیچ گاه این هواپیماها علیه اسرائیل مورد بهره‌برداری قرار نخواهد گرفت.

مسلمانان حل می‌شد. می‌دانیم که امریکا این هواپیماها را از آن جهت در اختیار عربستان قرار داده است تا به نفع خود و اسرائیل از آنها استفاده نماید. چنانکه دیدیم که آواکسهای امریکایی برای تفرقه بین ایران و سایر مسلمانان عرب گزارشی سرتاسر دروغ داد مبنی بر بمباران مراکز نفتی کویت توسط ایران. مع الأسف این سهل‌انگاری در عموم دولتهای کشورهای اسلامی شیوع دارد، تا آنجا که مسلمانان و خصوص دولتمردان آنان را دست خیانتکار و جنایتکار ابرقدرتها از دخالت در سیاست و اهتمام به امر مسلمین برکنار زده است؛ و تا جایی که در مرکز سیاست اسلام، مسلمین به حکم وعّاظ السلاطین با دخالت در سیاست، بلکه با شعار علیه دشمنان خونخوار قرآن کریم و اسلام عزیز، مجرم شناخته می‌شوند و به حبس و شکنجه کشیده می‌گردند.
آیا شما از این فجایع که در حرمین شریفین، در مأمن الهی و در جوار قبر رسول اللّه- صلوات‌اللّه علیه- به بار می‌آید مطلع هستید؟ یا مسائل به صورتی غلط و انحرافی برای شما ترسیم می‌گردد، چنانکه از گزارش شعار ایرانیان معلوم می‌شود. ما در ایران بپاخاستیم که به امید خداوند قادر متعال مسلمانان جهان را در زیر پرچم توحید و متعهد به احکام مترقی اسلام جمع، و دست ابرقدرتها را از ممالک اسلامی کوتاه، و مجد مسلمین صدر اسلام را بازگردانیم، و سلطه ظالمانه کفار را از بلاد مسلمانان به هم پیچیده و آزادی و استقلال را به مسلمین بازگردانیم. و امید آن است که دولتهای اسلامی و خصوص دولت عربستان سعودی، که در مرکز سیاست اسلامی واقع است، با ما هم صدا و همفکر شوند؛ و هر یک در کشورهای خود شیرینی حمایت بی‌دریغ ملتها را بچشند، و همچون دولت مردمی ایران از این نعمت بزرگ الهی بهره‌مند شوند؛ و به حکم قرآن‌مجید با ملتها و دولتهای اسلامی به رحمت و اخوت، و با کفار و غارتگران بین‌المللی به شدت و قدرت عمل کنند. (1) اخیراً به این نکته تأکید می‌کنم که از مکتوب شما ظاهر می‌شود که گزارشهای دروغ

1- اشاره است به آیه 29 سوره فتح: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ الذّینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ» محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و بایکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.

و انحرافی به شما داده می‌شود (1). چنانکه نوشته‌اید شعارهای زائرین ایرانی موجب نارضایتی و تنفر زائرین بیت اللّه شده است. بهتر بود شما اشخاص امینی را مأمور گزارشها نمایید تا معلوم شود شعار ضد اسرائیل و امریکا موجب تنفر و نارضایتی زائرین نشده، بلکه برخورد مأمورین دولت سعودی و ضرب و هتک و به حبس کشیدن مهمانان خدای متعال، به جرم شعار علیه اسرائیل و امریکا، موجب تنفر و نارضایتی مسلمانان جهان و خصوص زائران بیت اللّه الحرام و حرم معظّم رسول اللّه صلی الله علیه و آله شده است.
از خداوند متعال خواستارم که مسلمانان را از خواب غفلت بیدار، و عظمت اسلام را روز افزون فرماید؛ و مسلمانان و خصوص دولتمردان را به آنچه صلاح اسلام و مسلمین است هدایت فرماید. والسلام علیکم و علی جمیع المسلمین.
روح اللّه الموسوی الخمینی

1- متن پیام پادشاه عربستان به امام خمینی، در روزنامه‌های 19 مهر 1360 منتشر گردید. ر. ک: روزنامه‌جمهوری اسلامی، ش 682، سال سوم.

ص: 84
حکم
زمان: 14 مرداد 1361/ 15 شوال 1402
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت‌اللَّه الحرام
مخاطب: خوئینی‌ها، سید محمد

انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت‌اللّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
جناب حجت‌الاسلام آقای سید محمد خوئینی‌ها- دامت افاضاته
با فرا رسیدن ایام حج، این فریضه بزرگ عبادی سیاسی و اجتماعی، که در بین عبادات بزرگ از ویژگیهای خاص برخوردار است و خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن به جا آوردن این فریضه بزرگ از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می‌گذرد مطلع شده و اگر گرفتاریهایی دارند با یکدیگر در میان گذاشته و حتی‌الامکان در رفع آن کوشا باشند، و مع‌الأسف بسیاری از مسلمانان به واسطه کج‌رویها و یا کج فهمیهای بعضی عناصر و یا دسیسه‌های بعض از دست‌اندرکاران سودجو بعد سیاسی این عبادت شریف را به طاق نسیان سپرده اند، جنابعالی را به سمت نماینده خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب نمودم، که با بینش خاص سیاسی که دارید به امور حجاج از ابعاد مختلفه رسیدگی نموده و برای احیای این سنت بزرگ الهی در خطابه‌ها و مراسم دینی مسلمین را به وحدت کلمه و اتحاد مسیر دعوت نموده، و آنان را از آنچه در لبنان عزیز و ایران مجاهد و افغانستان مظلوم از ستمکاران و جهانخواران می‌گذرد مطلع نمایید، و حجاج محترم بلاد را به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین‌المللی و تجاوزکاران

آشنا نمایید. البته علمای محترمی که در این سفر هستند، چه آنان که با تقاضای اینجانب مشرف شده‌اند و چه دیگران، جنابعالی را تأیید می‌فرمایند. و حجاج محترم موظفند که به راهنماییهای شما گوش فرا دهند و از خطوطی که برای آنان ترسیم می‌نمایید اطاعت نموده و تجاوز ننمایند، تا ان‌شاءاللّه تعالی این فریضه عظیم با محتوا و ابعاد متعددش به جا آورده شود.
بدیهی است که متصدیان امور که به هر مناسبت کارشان با این فریضه و با حجاج محترم مرتبط است برای هماهنگ نمودن کارها موظفند با شما همکاری و از ارشاداتتان استفاده نمایند. امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا، و از اخوت ایمانی، که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت ننمایند؛ و از تفرقه‌افکنی، که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند. والسلام علی عباداللّه الصالحین.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 86
سخنرانی
زمان: صبح 31 مرداد 1361/ 2 ذی‌القعده 1402
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: اهمیت قضاوت- بیان وظیفه حجاج و وظیفه روحانیون کاروانها- جنایات امریکا و صدام در منطقه
حضار: موسوی خوئینی‌ها، سید محمدنماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی)، روحانیون کاروانهای حج سراسر کشور، پرسنل دادستانی و دادسرا و دادگاههای انقلاب ودادستانی ارتش

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لزوم پاسخگویی روحانیت به توقع مردم

امروز سروکار ما با آقایان روحانیین است بیشتر و کسانی که آنها هم صبغه (1) روحانی، ان شاء اللّه دارند. و در محضر روحانیون مشکل است که انسان بتواند همه حرفهارا عرض کند. مسائل بسیار زیاد است، مربوط به آقایان روحانیون- به طور عموم- و مسائلی مربوط به روحانیونی که با کاروانهای حج مشرف می‌شوند- که مخصوص آنهاست- و مسائلی که مربوط به قضات و دادستانهای کشور است و مسائل دیگری که معلوم نیست که ما مجال کنیم دیگر عرض کنیم، مگر مختصری.
آنکه مربوط به قشر روحانیون است، خود آقایان بهتر می‌دانند که روحانیون در هر جا که هستند، آن روحانی که در رأس روحانیت- مثلًا- واقع است مثل مراجع، تا آن روحانی که در یک روستا، در یک ده، مشغول خدمت به اسلام است. امروز توقع ملت، بلکه توقع مستضعفان و ملتهای جهان از شما آقایان روحانیون، در هر جا هستید، بسیار زیاد است. و امروزِ شما غیر از دیروزی است که در سلطه نظام فاسد پهلوی و در تحت

1- رنگ.

ستم ستمکاران جهان بودید. آن روز اگر چنانچه سکوتی، قصوری بود، می‌پذیرفتند که آقایان نمی‌توانند الآن مسائلشان را آن طور که هست، مسائل اسلام را آن طور که هست، قدرت ندارند که عمل کنند و به مردم برسانند، ولی امروز این مسئله حل شده است و بحمداللّه، همه آقایان در هر جا که هستند، با آزادی می‌توانند مسائل را طرح کنند و با آزادی می‌توانند مردم را ارشاد کنند.
اگر امروز راجع به هر قضیه‌ای که برای ملت، قضایای عمومی که برای ملت پیش می‌آید، و- خدای نخواسته- روحانیونی که ارتباط با آن مسائل دارند قصوری بکنند یا اشتباهی بکنند، این اشتباه و قصور، دیگر در محضر خدای تبارک و تعالی و در پیشگاه مردم پذیرفته نیست. دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم که ما چه بکنیم، سازمان امنیت است و ما کاری ازمان نمی‌آید. ما الآن، شما آقایان الآن در مسائلی که پیش می‌آید، آزادید که مطالبی که مربوط به اسلام است، مطالبی که انحراف واقع می‌شود در هر جا، آن مسائل را ارشاد کنید، مردم را ارشاد کنید، کارمندان دولت را ارشاد کنید و مسائل را با خود آنها در پیش بگذارید و انحرافات را رفع کنید. گرفتاریهای سابق، همه شما، اکثر شما یک مقداریش را مشاهده کرده است و بعضی شما که سنتان بالاست، از اول تا حالا، تا زمان انقراض این رژیم فاسد، دیده‌اید که چه کارهایی بوده است و شما با چه اشخاصی مواجه بودید و چه اشخاصی حکومت بر ملت می‌کردند و حکومت بر این مستضعفین می‌کردند. ما به شکرانه این معنا که از آن گرفتاریهای بسیار عجیب و غریب، که در طول تاریخ نظیرش مثل این پنجاه سال اخیر واقع نشد، به شکرانه نجات از او، امروز باید به [محضر] خدای تبارک و تعالی، که ما را از این گرفتاری بزرگ نجات داده است، شکر کنیم و شکر، این است که ما الآن خدمت کنیم. شکر لفظی باید بکنیم، اما شکر حقیقی آن است که ما در ازای رهایی از این رژیم فاسد، که همه چیز ما را به باد فنا داد و می‌خواست بدهد، اینکه ما امروز کاری بکنیم که خدای تبارک وتعالی از ما راضی باشد.

اهمیت قضا و ضرورت ورود افراد واجد شرایط

امر مهم، مسئله قضاوت است. از اموری که شاید در کم امری اسلام آن قدر به آن

توجه داشته است، مسئله قضاوت است و مسئله دادسراها و دادگاهها که سروکارشان با همه چیز مردم است. باید این معنا را من عرض کنم که قضاوت از اموری است که واجب است به طور کفایی و واجب کفایی؛ قبل از اینکه پیدا بشود به مقدار کفایت، بر آحاد واجب است؛ یعنی، اگر یک قضاوتی زمین بماند یا یک جایی منحرفین وارد قضاوت بشوند، بر تمام کسانی که می‌توانند یا اجتهاداً یا تقلیداً قضاوت کنند، بر همه اینها واجب است که در قضاوت وارد بشوند و رفع احتیاج را بکنند. ما امروز وقتی که احتمال این معنا را بدهیم یا اینکه با آقایانی که متصدی امور قضایی و دادگاه هستند صحبت می‌کنیم، از این معنا [حرف می‌زنند] که ما کم داریم قاضی، آن مقداری که لازم داریم کم است و اگر چنانچه در حبسها از این منحرفین یا محتمل الانحراف‌ها باشند و نتوانسته‌اند آنها را رسیدگی کنند، برای کمبود قاضی است. این یک امری است که برای نجات- فرض کنید- یک عده‌ای که محتمل است که اینها بی گناه باشند یا گناهشان اندک باشد، واجب است بر همه اشخاصی که از آنها قضاوت می‌آید، در این امر داوطلب بشوند تا به امر قضا وادار بشوند و این نقیصه را از بین ببرند. مدرسین محترم حوزه علمیه قم، که بحمداللّه، بسیار فعال هستند، باید این مسئله را در حوزه علمیه قم مطرح کنند که امروز اشخاصی که صلاحیت دارند، ولو تقلیداً برای قضاوت، این اشخاص اسم نویسی کنند و بیایند در این مواردی که، زندانهایی که اشخاص هستند تا اینکه حل این قصه بشود که مثلًا، اشخاصی باید زود کارشان تمام بشود و ما نداریم افراد. این یک امر واجبی است؛ یعنی، بر همه واجب است تا آن وقتی که آن مقداری که احتیاج است بر آورده بشود.
گاهی وقتها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می‌کند. احتیاط می‌کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی‌شود رفت و نمی‌شود کرد و این طور چیزها، با اینکه واجب کفایی، واجب عینی است اول به همه. وقتی یک عده‌ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آن وقت از دیگران ساقط می‌شود، والّا همه معاقب هستیم اگر چنانچه قضا به زمین بماند، و احتیاط بر این است که وارد بشوند؛ یعنی، امری است واجب، معلوم الوجوب؛ این احتیاط می‌کنند، این عذر نمی‌تواند باشد. یا اشخاصی مثلًا می‌خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به

عهده آنها هست، نمی‌توانند به این امر مستحب بسیار ارزنده مشغول باشند؛ باید بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهند که مبادا- خدای نخواسته- یک نفر آدم بی گناه [باشد که] به کارش رسیدگی نتوانستند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشوند و رسیدگی بکنند. و این امر را من امروز به عهده مدرسین قم و علمای مشهد و اصفهان و جاهای دیگری که حوزه‌های علمیه هست، این عهده آنها می‌گذارم که آنها خودشان به فکر این باشند که افراد را بخواهند و افراد را تشویق کنند، به هر ترتیبی که می‌توانند، و تحذیر کنند از اینکه یک امر واجب شرعی است، نمی‌شود یک امر واجب شرعی زمین مانده [باشد] و من مشغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شرعی است، اگر مزاحم با هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مسئله است که لازم است که تذکر داده بشود، و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلادهم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود.

لزوم قاطعیت قضات در اجرای احکام اسلامی

مسئله دیگر، قضیه باز راجع به قضاوت است که باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستانها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند که مسئولیت این زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد، لکن در یک امر بزرگی است، توجه بکنند که جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضات است و در دست این دادگاههاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی اسلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند، و نه آن که- خدای نخواسته- گناهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود. قاضی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضیه قاطعیت داشته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکنند؛ جایز نیست. اگر باید- فرض بفرمایید که- حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکنند. و اگر یک کسی- خدای نخواسته- یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کنند. قاضی باید این طور باشد، فکرش اینطور [باشد] نه رؤوف و مهربان باشد که

جنایتکارها را هم به او رأفت کند، آن هم این جنایتکارهایی که یک نمونه‌اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند و بسیار نمونه دارد که ما ندیدیم؛ اینهایی که بعدها معلوم می‌شود- تا آخر هم که معلوم نمی‌شود، در بارگاه خدا معلوم می‌شود- بعدها معلوم می‌شود، ما کمی‌اش را دیدیم. یک نمونه‌اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی‌تواند بفهمد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می‌رسد. تصور این معنا برای انسان مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر این طور بکند.

خوب، یک همچو مسائل هست، آن وقت اگر چنانچه یک آقای قاضی رأفتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکند؛ یعنی، نمی‌گویم که زاید بر آن مقداری که قضای الهی ا جازه می‌دهد، أبداً- حتی یک سیلی نباید بزنند- اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم بی‌گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل‌اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام‌اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند، این را بدانند که مسئول هستند.

و همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می‌برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان‌شاءاللّه، نمی‌کنید و نباید بکنید.

و همین طور قضات محترم شرع، باید موازین را با دقت، با کمال دقت، موازین را عمل بکنند و- خدای نخواسته- یک وقت بر خلاف موازین اسلامی واقع نشود. مایی که

مدعی هستیم که جمهوریمان جمهوری اسلامی است، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم، قضیه زندانهاست. یکی از امور مهم، قضیه دادگاههاست، دادسراهاست، دادگستریهاست. اگر بنا باشد که حالا هم- خدای نخواسته- مثل زمان رژیم سابق، در دادگستریها کارهای خلاف شرع بشود، خوب، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم. و این مکرر سفارش شده است که اگر قوانین ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند.

و من حالا هم اعلام می‌کنم به تمام سر تا سر قضات کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و بر خلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته بشود و مسئولیتش به گردن من؛ تمام را دور بریزید و به جای او، قوانین شرع را عمل بکنید.
شورای قضایی اگر نکرده‌اند این کار را- خدای نخواسته- حالا بخشنامه کنند به همه سر تا سر کشور، به دادستانها و به دادگاهها و به دادگستریها و به همه اینها امر کنند به اینکه تمام احکامی که به حسب قانونی که، قانون فاسدی که گذرانده‌اند، تمام اینها فاسد است و مگر حالا گاهی پیدا بشود که مطابق شرع باشد، خوب، آنها را عمل باید بکنند. آن چیزهایی که بر خلاف شرع است هیچ کس حق ندارد عمل بکند و هر که عمل بکند، علاوه بر اینکه پیش خدای تبارک و تعالی روسیاه است و عذر اینکه ما به قانون عمل می‌کنیم، غلط است. کدام قانون؟ قانون مخالف با اسلام؟ قانون مخالف با شرع؟
نباید به آن عمل بشود. شما اگر با قانون سابق هم باید عمل بکنید، خوب، یکی از ماده‌های متمم قانون اساسی سابق این بود که هیچ قانونی بر خلاف شرع، قانون نیست.
منتها پیشتر به آن عمل نشد، سابقاً به آن عمل نکردند. بناء علیه، آن چیزهایی که به اسم «قانون» آورده‌اند و بر خلاف شرع است، به حسب قانون اساسی زمان سابق هم قانون نیست.

شما می‌توانید آن وقت اگر از شما سؤال کردند [که] چرا کردید، بگویید قانون اساسی سابق هم این را گفته است. قانون حالا هم که این طوری است، و مجرم است کسی که این عمل را بکند. به هیچ کس نباید اعتنا بکنید. هر کس گفت که این کار خلاف شرع را باید مطابق قانون عمل کنید، توی دهنش بزنید- به هیچ کس اعتنا نکنید. نمی‌گویم حالا پاشید سیلی به او بزنید، لکن جلویش بایستید. بگویید که این خلاف شرع است، من نمی‌کنم و نباید هم بکنم. و ان‌شاءاللّه، آقایان هم کرده‌اند این کار را. و اگر چنانچه اعتنا نشده، ثانیاً متخلفین را دعوت کنند و محاکمه کنند.
دادگستری سابق باید متحول بشود به یک دادگستری اسلامی. مجرد اینکه قانون سابق بوده ما باید به آن عمل بکنیم، به حسب قانون سابق هم نباید به آن عمل کرد؛ برای اینکه قانون اساسی سابق اساس است. قانون اساسی سابق، متممش می‌گوید که هر قانونی بر خلاف شرع است، قانون نیست اصلًا. بنابراین، اینکه می‌گویید: قانون این طور می‌گوید، غلط می‌کند، قانون نیست این. این یک قراردادی بوده است که زمان طاغوت، طاغوتی بوده، بناء علیه، آقایان نباید اعتنا کنند به این امور و باید بخشنامه بکنند. شورای نگهبان، شورای قضایی بخشنامه بکنند و همه جا بگویند به اینکه این قوانین سابق که مخالف شرع بوده نباید عمل بشود و اگر کسی عمل بکند، مجرم است و باید محاکمه بشود، به جزای خودش برسد. این هم راجع به این جهت. و البته مسائل زیادی راجع به مسائل دادگاه و قضا هست، لکن دیگر مجال این نیست.

و راجع به حج و آقایانی که در حج، در کاروانها هستند. حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن طور.
ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ درآیید. اگر مردم توقع داشته باشند که حالا که ما حج می‌رویم باید برای ما همچو رفاه حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حج نمی‌تواند باشد. آن حجی که خدای تبارک و تعالی بر اشخاص واجب فرموده است این است که بروید آنجا زندگانی مردم را ببینید. آن وقت که ما رفتیم،

زندگانی آن وقت حجازیها را یک مقداری دیدیم- که حالا حجاج نمی‌توانند ببینند- آن وقت که ما با اتومبیل بین مکه و مدینه می‌رفتیم، هر جا اتومبیل می‌ایستاد، هر جا در این بیابانهای لم یَزْرَع (1) طولانی، هر جا اتومبیل می‌ایستاد، از زیر این بته‌ها و اینها می‌آمدند بیرون بچه‌هایی که هیچ لباس نداشتند، زنهایی که لباسشان فقط ساتر بود، مردهایی که وضعشان را انسان نمی‌تواند بیان بکند، می‌آمدند و از مردم گدایی می‌کردند. باید اینها را انسان ببیند و بعد توقع بکند به اینکه نخیر، ما باید حالا که حج می‌رویم و با کاروان می‌رویم و- نمی‌دانم- چی می‌رویم، حالا باید در آنجا همه چیز برای ما مهیا باشد. خیر، یک قدری باید توجه به این مسائل بکنند. آقایان روحانیون، مردم را توجه بدهند به این مسائل که توقعات آنها در سطح بالا نباشد. شما را با طیاره می‌برند، آن وقتها که می‌رفتند، با الاغ می‌رفتند؛ چند وقت می‌رفتند در بعضی جاها، چهارده ماه طول می‌کشید؛ چهارده ماه طول می‌کشید رفت و برگشت حج. حالا شما دو ساعت، سه ساعت سوار می‌شوید به طیاره با راحتی می‌روید آنجا. آن وقت که می‌رفتید، خانه‌ای تو کار نبود که شما بروید.
شما خودتان باید بروید تهیه بکنید و خودتان بروید زحمت بکشید. آن هم آن خانه‌هایی که بودند و آن وضع و آن کثافتی که در آن وقت بود. حالا خانه برایتان تهیه کرده‌اند.
خوب، شما حاجی هستید، شما مسلمانی هستید که می‌خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفین جهان برسید. این قدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک وتعالی یک وقت- خدای نخواسته- امر بفرماید که این جور نشود- و نمی‌شود آن وقت- آن وقت گرفتاری زیاد می‌شود.
باید شما آقایان روحانیون، مردم را تذکر بدهید به اینکه اگر یک کمبودی هست، آقایان که رفتند کارها را کردند، خوب زحمت کشیدند و دارند هم الآن می‌کشند، ولیکن بیشتر از آن قدرتشان که نمی‌توانند زحمت بکشند. به اندازه وسعشان، به اندازه قدرتشان، زحمت کشیدند و کار انجام دادند، خانه تهیه کردند با آن سختیهایی که در آنجا هست، لکن نمی‌توانند بیشتر از این بکنند. اگر یک وقت دیدید یک چیزی کسری دارید، نه

1- غیر قابل کِشت و زراعت.

ص: 94
اینکه آقایان نخواسته‌اند، آقایان نتوانسته‌اند. وقتی نتوانسته‌اند چه بکنند؟ بگویند که آقایان حج نیایید؛ برای اینکه ما نمی‌توانیم برای شما یک جای بزرگی درست کنیم و- نمی‌دانم- یک تفریحگاهی داشته باشیم و چه؟ یا نه، بیایید و یک قدری هم توجه کنید به زحمتهایی که فقرا می‌کشند.

وظیفه مهم روحانیون آموزش احکام حج

در هر صورت، این وظیفه علمایی است که در کاروانها هستند؛ یعنی، یکی از وظایفشان. یکی از وظایف مهم هم قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج. بسیار آدم می‌بیند که حج می‌روند. زحمت می‌کشند، لکن مسئله حج را نمی‌دانند، آنجا گرفتار می‌شوند. بعد که آمدند، بعد از چند سال، سؤال می‌کنند که ما این جور کردیم، آیا حجمان درست است یا نه؟ ما این طور نکردیم، آیا درست است یا درست نیست؟ آیا ما مُحرِم باز هستیم یا نه؟ باید آقایان مردم را [در] جلسه قرار بدهند؛ جلسه درس قرار بدهند، درس بدهند مردم را، آداب حج را، واجبات حج را، محرّمات حج را؛ اینها را بگویند. آدابش هم نشد، نشد، اما محرّمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند و هر روز [جلسه] داشته باشند. مردم هم موظف‌اند که بروند پیش آقایان در این درسها اگر دارند، بروند آقایان گوش کنند و مسائل حج را یاد بگیرند که بعدها گرفتار نشوند که وقتی که آمدند، [نگویند:] «من طوافم چه جوری بود، آیا درست است یا نه؟» وقتی مسئله را یاد گرفتید، دیگر درست می‌شود، دیگر عیبی پیدا نمی‌کند. این هم یکی از وظایفی است که همه دارند و روحانیون باید این وظیفه را در آنجا انجام بدهند. و مردم هم باید دنبال این امر باشند که مسئله حج را یاد بگیرند، نه اینکه ما فقط حج برویم و هر چه شد، شد دیگر.

نه، این غیر از سایر جاهاست. خوب، انسان زیارت می‌رود، اگر زیارتش هم چیزی نشد، دیگر اشکالی برایش پیدا نمی‌شود. اما اینجا اشکال پیدا می‌شود، بعد مُحرِم می‌ماند، بعد باید دوباره حج برود. پس این مسائل مشکل پیش می‌آید که باید برای خاطر خودتان هم [که شده،] این مسائل را تعقیب کنید که یاد بگیرید و در اشتباه و خطا نیفتید که بعدها اسباب زحمتتان بشود. این هم یکی از مسائل است.

ص: 95

لزوم وجود نظم در امور سیاسی حج

از مسائل دیگری که باز آقایان روحانیون که در کاروانها هستند به مردم بگویند، [این] که باید این امر، اموری که در آنجا واقع می‌شود، امور سیاسی که در حج واقع می‌شود، روی نظام باشد. اینکه هر کس خودش بخواهد یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده. هر امری باید یک نظمی داشته باشد. می‌خواهند اجتماع کنند برای فلان امر، خوب، یک کسی که متکفل امور حج است باید برنامه بدهد، روی آن برنامه عمل بکنند. هر کسی بخواهد، در هر گروهی بخواهد خودش علی‌حده روی مذاق خودش- که اختلاف هم خیلی هست بین مذاقها- بخواهد چی بشود، هم گرفتاری آنجاها پیدا می‌شود و بدتر از آن، این است که گاهی وقتها اسباب وهن می‌شود برای جمهوری اسلامی. نباید کاری بکنند که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود.
خوب، مبلغینی که الآن در همه جای دنیا تقریباً هستند، بر ضد ما همه تبلیغات را، در ضد جمهوری اسلامی همه تبلیغات را دارند می‌کنند، دیگر ما خودمان یک کاری نکنیم که یک مطلبی دست آنها بیفتد و هر چی می‌خواهند به آن باد بکنند و هر چی می‌خواهند زیادش بکنند. این هم یکی از مسائل لازم است که به هر کسی در کاروانی که هست، بگویند که روی میزانی و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد، نه [اینکه] هرج و مرج باشد؛ هر که هر طوری دلش می‌خواهد عمل بکند. این هم یک مسئله‌ای است که باید آقایان به آن خیلی توجه بکنند و اشخاصی هم که حج می‌روند توجه بکنند که- خدای نخواسته- حجشان مخلوط به معصیت، یک وقتی نشود؛ همه‌اش اسلام باشد و همه‌اش عبادت باشد؛ راهپیماییها عبادت باشد، نه معصیت؛ شعارها عبادی باشد، نه معصیتی، جوری باشد که برای خدا باشد. هر که هر کاری دلش می‌خواهد [بکند] به هر که می‌خواهد بد بگوید، نه، این طوری نیست. باید این مسائل روی یک برنامه صحیحی که از قبل ریخته می‌شود، این مسائل هم باید توجه به آن بشود.

غیر انسانی بودن حق «وتو»

و از اموری که برای همه ما لازم است، این است که ما یک توجهی به مسائل دنیا

بکنیم، ببینیم وضعش چه جوری است. من فکر می‌کردم که در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده‌اند. ما در یک عصری واقع شده‌ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده‌اند؛ یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنای «عدالت» را وقتی انسان نگاه می‌کند در دنیا، الآن یک جور دیگر است؛ معنای «خلقی بودن» را آدم ملاحظه می‌کند، می‌بیند یک وضع دیگری دارد؛ سازمانهای امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می‌کند، می‌بیند که سازمان نا امنی است، نه سازمان امن، اما اسمش سازمان امن است، جمعیتهای طرفدار بشر را انسان [نگاه] می‌کند، می‌بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالم‌اند، طرفدار بشر نیستند، طرفدار ظلمه هستند. این کارهایی که، این چیزهایی که در دنیا الآن از این قدرتهای بزرگ واقع می‌شود، هیچ کس نیست که از آنها بپرسد که چرا؟ گاهی یک جایی، یک چیزی یک کسی می‌گوید، اما مسئله، مسئله‌ای است که وقتی بنا باشد که سازمانهای بزرگ دنیا اختیارش دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی‌شود گفت که این امنیت بشر، سازمان طرفدار بشر- نمی‌دانم- سازمان کذا. این اختیارش دست چهار پنج نفر است، این هم مطلب خودش را از دست داده؛ که باید برای همه مردم باشد. چهار پنج نفر همه چیزها را دارند؛ هر کاری همه بکنند یک نفر بگوید «نه»، تمام می‌شود. حق «وتو» یک امری است که هیچ آدمی نمی‌تواند بپذیرد و این مجالس- مثلاً- عمومی دنیا، که برای این امور است، این را پذیرفته‌اند. اینکه هیچ آدمی، هیچ انسان نا بالغی هم نمی‌تواند بپذیرد که ما می‌خواهیم همه دنیا بر عدالت باشند، لکن اختیار دست این دو نفر، این چند نفر باشد! هر جا را اینها می‌چاپند اگر چنانچه مثلاً سازمان بین المللی کذا بخواهد جلویش را بگیرد، فوراً «وتو» می‌کنند، می‌گوید نه. غلط می‌کنید این حرف را می‌زنید! آن یکی می‌ریزد افغانستان، اگر یک وقت بگویند «چرا»، می‌گوید غلط کردی. آن یکی می‌ریزد به- مثلاً- بیروت و امثال ذلک، اگر چنانچه بخواهند در آنجا حرفی بزنند، می‌گویند غلط کردی.
الآن اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده، می‌گوید غلط نکنید. این تاسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در رأس امور هستند که اسرائیل در مقابلشان ایستاده، می‌گوید فضولی موقوف! آمد و بیروت را گرفت و آن همه جنایات وارد کرد و

سازمان آزادیبخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد، و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید، همین نشستید و یک کلمه‌ای گفتید، آن هم کلمه‌ای که گاهی موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می‌رسد. اسرائیل به خدمت شما هم می‌آید.

تأسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می‌کنند این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین آن طور سختگیری می‌کند و اینهایی که می‌گویند ما تابع اسلام هستیم، تشویق هم می‌کنند. امریکا که در رأس تمام جنایتکارهاست و همین جنایت این چند وقت بیروت با دست مخفی امریکا و ظاهر این صهیونیست مجرم واقع شد، امریکا اساس کارش بود. خود آنها هم اقرار کردند به این امر که قضیه، قضیه طرح امریکایی است. اگر امریکا نبود، به اسرائیل می‌گفت: غلط نکن، برو کنار، می‌رفت. این امریکا، این کتکی است که مسلمانها از امریکا می‌خورند، آن وقت آقایان ادعای اسلام می‌کنند، ادعای طرفداری از مسلمین می‌کنند، همه چیزشان را تقدیم امریکا می‌کنند، عذر هم از آنها می‌خواهند. این تأسف ندارد برای ملتها، برای اسلام، برای همه؟! این ملتها توجه ندارند به اینکه اینها دارند چه می‌کنند؟! آنها با بیروت و با زن و بچه و فقیر و بیچاره مردم چه کردند و همه کارها را انجام دادند و به هم زدند همه اوضاع را و همه نشستند و تماشا کردند و یک عده هم طرفداری کردند و اگر هم یک کلمه‌ای گفتند، یک کلمه‌ای بود، گذشتند و رفتند و همه جنایتها واقع شد.
شما خیال می‌کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد، امریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم «اسلام» را دارد و می‌خواهد به اسلام عمل می‌کند، همه با آن مخالفت کردند؛ مخالفت کردند از حیث تبلیغات، می‌گویند که ماها امریکایی هستیم! می‌گویند که ما اسرائیلی هستیم! مایی که بیست سال بیشتر است، بیست سال حتماً بیشتر است فریاد زده‌ایم که گرفتاری مردم از دست امریکاست و از اسرائیل، ما اسرائیلی

هستیم، اما آنهایی که نشستند آنجا و اسرائیل دارد می‌رود ممالک خودشان را از بین می‌برد، آنها نخیر، همه مخالف اسرائیل هستند! اگر مخالفید، چه کردید؟ چه عملی انجام دادید؟

تهی شدن عناوین ارزشی از محتوا

اینها مصیبتهایی است که ما در یک عصری واقع شده‌ایم که همه چیز به هم ریخته است. آن که می‌گوید من مسلمانم یک معنای دیگری است از اسلام برداشت می‌کند.
آنی که می‌گوید «اسلام راستین»، یک مسئله دیگری می‌خواهد بگوید غیر اسلام. آن که اسلام‌شناس است یک چیز دیگر را می‌شناسد غیر اسلام. آن که طرفدار حقوق بشر است یک مسئله دیگر را می‌گوید غیر حقوق بشر. اصلًا الفاظ بکلی از محتوای خودش خالی شده. شما- این را من عرض کردم- شما خودتان بروید دنبالش، ببینید کجا یک لفظی از قبیل این الفاظی که متعارف بوده، عدالت، عدالت اجتماعی- نمی‌دانم- طرفداری از حقوق بشر، سازمان امنیت کذا- نمی‌دانم- سازمان کذا، شما دنبال بروید، تعقیب کنید، ببینید کدام یک از اینها محتوای خودش را دارد. کدام یک از اینها، آن معنایی که هست، آن معنا اراده از او می‌شود. «اسلام» وقتی گفته می‌شود، این اسلامی که ما می‌گوییم، اصل نیست؛ آن که اسلام راستین می‌گوید، بر خلاف همه مقررات اسلام، این جنایت را دارد می‌کند. آن که تروریست است، می‌گوید که ما قوای مسلّحه هستیم، ما قیام مسلحانه کردیم. قیام مسلّحانه این است که ما در تلویزیون دیدیم؟! قیام مسلّحانه این است که بچه‌هایی را بکشند و آتش بزنند؟! این قیام مسلّحانه است؟! این الفاظ عوض شده. معلوم می‌شود قیام مسلّحانه عبارت از این است و تروریسم عبارت از یک چیز دیگر است! همه چیز این طور است. حالا من اصل مطلبش را القا کردم، شما دنبالش بکنید. اگر پیدا کردید در دنیا یک لفظی را که مطابق معنایش الآن معنا می‌شود و عمل می‌شود، به من هم اطلاع بدهید تا من هم استفاده کنم! ولی مطمئن باشید که در قوطی هیچ عطاری این چیزهایی که اینها می‌گویند نیست و هر چه اینها می‌گویند و هر چه اینها می‌کنند، بر خلاف آن مسائلی است که می‌گویند. حرفش را می‌زنند، عملشان، کارشان برخلاف

اوست. آن که می‌گوید اسلام، می‌گوید اسلام، اسلام راستین باید باشد، این اسلامی که اینها می‌گویند، اسلام راستین نیست، آن وقت یک همچون جنایتی را می‌کنند به اسم اسلام راستین! آن که دم از حقوق بشر می‌زند، پایمال می‌کند ممالکی را که بیچاره هستند؛ ممالکی که زیر پای اینها دارد پامال می‌شود و اسمش را می‌گذارند کذا.
آن که می‌گوید ما برای صلح قیام کردیم و می‌خواهیم صلح در دنیا باشد، همه جنگها را اینها راه می‌اندازند. خوب، همین جنگی که ما الآن مبتلا به آن هستیم و کشور عراق هم مبتلا به آن هست، همین را آنها راه انداختند، لکن آقایان این جنگها را راه انداخته‌اند که صلح در دنیا پیدا بشود! همه جا جنگ راه می‌اندازند که صلح پیدا بشود! شما اگر ملاحظه کنید، اینکه عرض کردم که الفاظ معنای خودش را از دست داده، یکی‌اش هم قضیه نطقی است که چند روز پیش از این، مصاحبه‌ای که صدام کرده است در حضور عده زیادی از فرماندهان و اشخاصی که درجه دارند و افسرند. این صحبتها را باید ببینید، نمی‌شود نقل کرد. که او چه می‌گوید. اینها را اولًا، جمع کرده است که نشانه پیروزی بدهد به صاحب منصبهایش؛ برای اینکه پیروز شدند، در ایران پیروز شدند، در عراق هم پیروز هستند؛ نشان پیروزی می‌دهد. نشان پیروزی هم محتوای خودش را از دست داده اصلًا کلمه «پیروزی» مفاد خودش را از دست داده است. مردکه (1) عقبش زدند، توی دهنش زدند، بیرونش کردند، می‌گوید: ما پیروز شدیم! محتوا از دست رفته.
در نطقش، آن قدر از اسلام تعریف می‌کند، می‌گوید شماها در طول تاریخ- حالا من الفاظش را خیلی یادم نیست، این را باید هر کس برود ببیند- به این درجه دارها و این افسرهایی که جمع شدند آنجا، می‌گوید شما در طول تاریخ، نه حالا، برای نسلهای آینده و طول تاریخ ثابت کردید که علاقه‌مند به اسلام هستید، علاقه‌مند به مردم هستید، با مردم خوش رفتاری کردید! این اگر الفاظ از دست نرفته باشد، محتوایش از دست نرفته باشد، خوب این هم می‌شود یک آدمی راه برود توی جمعیت و این حرفها را بزند!
من این قدرت بیان صدام و جرأتش را وقتی شنیدم که اینطوری جرأت دارد که

1- صدام حسین و ارتش او.

صاف، آن چیزی که بر خلاف است، در حضور جمع، صاف می‌گوید و در آن هم تبلیغ می‌کند، من یاد یک قصه‌ای افتادم که یک کسی از یک نفر شاعر پرسید که شاعرتر از همه عرب کی است؟ گفت: بیا تا من نشانت بدهم. می‌گویند: برد او را در منزل خودش، دید که یک پیر مردی نشسته و از پستان بُز دارد می‌مکد و خیلی کثیف است، خیلی چطور است. گفت: اینکه می‌بینی، این از پستان این بز می‌مکد، این پدر من است و این هم برای این از خود پستان مستقیماً می‌مکد که اگر بدوشد، یک خُرده‌ای از این شیرها می‌ماند به کاسه و این قدر این آدم بخیل است، اشعر، اشعر شعرای عرب، آن کسی است که نمی‌دانم چندین سال است، سی سال است به این پدر افتخار کرده، توی عرب با این پدر افتخار! ... من باید بگویم اخطب خطبای عرب، صدام است که به این شکستها، پیروزی می‌گوید؛ افتخار می‌کند.

از حرفهایی که تازگی زده است، این است که اگر ایران بخواهد شهرهای ما را چه بکند و فلان، ما جزیره خارک (1) را چه خواهیم کرد. معلوم می‌شود تا حالا می‌توانسته بکند و نکرده! خوب، همه مردم، همه دنیا تو را می‌شناسند که تو هر کاری که بتوانی، می‌کنی. اگر یک جنایتی نکنی، از باب این است که نمی‌توانی بکنی. تو اگر می‌توانستی که جزیره خارک و مراکز اسلامی ما را بمباران کنی، می‌کردی. این قدر که حالا می‌کنی، بیشتر از این از دستت نمی‌آید. آن کنار نشسته‌اید با توپهای دور برد می‌زنید، آبادان را هر روز می‌زنید، هر روز دزفول را می‌زنید، نمی‌دانم کجا، این جاها را، هر جا [را] دستتان می‌رسد. شما نمی‌توانید انجام بدهید، نه اینکه اگر ما انجام بدهیم، شما انجام می‌دهید.
ثابت کردند اینها که ما، آن چیزهای، نورافکنهای هوایی را فرستادیم برای بصره، ارتش ما فرستاد برای بصره، خوب اینها می‌توانستند توپ هم بفرستند، می‌توانستند گلوله توپ هم، موشک هم می‌توانستند بفرستند. اینکه نفرستادند، برای اینکه آن تربیت این ارتش

1- جزیره‌ای در خلیج فارس، و یکی از پایانه‌های مهمّ نفتی ایران.

و این سپاه، غیر تربیت آن چیزی است که سپاه آنها و ارتش آنها دارد. آنها تربیتشان تربیت کفر است و نا نجیبی است، اینها تربیتشان تربیت اسلامی است که نمی‌خواهند این کارها بشود. تو می‌گویی: من می‌کنم، نمی‌توانی بکنی؛ اگر می‌توانستی تا حالا کرده بودی، اگر می‌توانستی همه جزایر، همه جاهایی که ما داشتیم به باد فنا بدهی، همه را تا حالا داده بودی؛ نتوانستی. تا حالا هر چه توانستی، کردی و همه‌اش هم خیانت بوده و جسارت بوده و همه‌اش هم خرابی بوده، آن هم خرابی منازل مردم مستضعف و مردم فقیر و مستمند.
و مع الأسف، همه گروههای دنیا، که دستشان قلم است، توی خانه‌شان نشسته‌اند، می‌نویسند؛ می‌نویسند که ایران نتوانست چه بکند، صدام چه کرد، چه کرد. هی از این مسائل می‌نویسند. ولی واقع مطلب را که اینها عوض نمی‌کند. واقع مطلب این است که اگر ایران دستش بسته نبود و اسلام دست ایران را نبسته بود، حالا دیگر شهر بصره که هیچ، شهر بغداد هم برایش چیزی باقی نمانده بود. اما چه کنیم که دست ما بسته است و دست شما باز. شما افسارتان دست شیطان است و او به هر جا که می‌گوید، عمل می‌کنید و ما افتخار به احکام اسلام می‌کنیم. دست ما را بسته است به اینکه نه، نباید هیچ تعدی بکنید، باید موافق اسلام عمل بکنید.
من امیدوارم که ان‌شاءاللَّه، همه ما، همه بشر هدایت بشوند و این وضعی که الآن در بشر هست ان‌شاءاللَّه، متحول بشود به یک وضع صحیحی و ان‌شاءاللَّه خداوند این دولتهای اسلامی را بیدار بکند و آنها را به اسلام متوجه بکند و امیدوارم که ملت ما را پیروز بکند و ارتش و سپاهیان ما را در جبهه‌ها پیروز بکند و همه ما را در وفق احکام اسلام و در همه امورمان به طور اسلامی [به] ما توفیق بدهد که عمل بکنیم.
والسلام علیکم و رحمةاللَّه

ص: 102
پیام
زمان: 29 شهریور 1361/ 2 ذی‌الحجه 1402
مکان: تهران، جماران
موضوع: بیان مصایب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه سران عرب با رژیم صهیونیستی
مناسبت: عید سعید قربان
مخاطب: مسلمانان جهان و زائران بیت‌اللّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
«وإلی اللَّه المشتکی» (1) در آستانه عید سعید قربان که باید به عموم مسلمانان جهان و بخصوص حجاج بیت‌اللَّه الحرام، رهسپاران به سوی قربانگاه بزرگ ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل‌اللَّه- صلوات اللَّه علیه و علیهم- تبریک عرض کنم، مع الأسف در این سال مصیبتهایی بر مسلمین وارد شد که به جای تبریک، تعزیت باید گفت. تعزیت نه فقط برای تجاوز شیطان بزرگ امریکای جنایتکار بر حریم مسلمین؛ و نه فقط برای هجوم حکام تروریست و جنایت‌پیشه اسرائیل بر کشور عزیز اسلامی لبنان، و نه برای جنایات صدام عفلقی این نوکر بی‌اراده امریکا و اسرائیل بر مسلمانان عرب و غیرعرب جنوب و غرب کشورمان ایران؛ و نه برای جست‌وخیز و شادمانی سران کشورهای مصر، اردن، سودان، مغرب و غیر آنان برای پیروزی دشمنان اسلام و بشریت بر مظلومان لبنان و بیروت و به خاک و خون کشیدن هزاران جوان و پیر و طفل، زن و مرد بیگناه. گرچه همه اینها مصیبت است و تعزیت دارد، لکن مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی که همه مصیبتها و فاجعه‌ها پیش آن ناچیز است، آن است که مشتی تروریست صهیونیست بی‌حیثیت، به بدترین

1- «و شکایت را نزد خدا می‌بریم».

وجه بر مسلمانان تاخت و تاز کنند. مسلمانانی که دارای آنهمه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر می‌توانند امریکا را از منطقه عقب برانند تا چه رسد به اسرائیل. ما نه فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمینهای خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت بزرگ آن است که این جنایتها به دست اسرائیل در مرئی و منظر دولتهای مدعی اسلام انجام می‌شود. فاجعه بزرگ آن است که این دولتهای مدعی اسلام برای ناز شست امریکا و اسرائیل فعالیت می‌کنند که مو به مو «طرح کمپ دیوید» یا شبیه آن را اجرا کنند و به دنبال این جنایت عظیم، صریحاً اسرائیل را به رسمیت یا به آقایی بشناسند. فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از دولتهای به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ مانع می‌شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند.
مصیبت عظیم آن است که امریکا که قریب نیم قرن بر مسلمانان جهان بخصوص منطقه، هر چه خواسته است ستم کرده و مخازن آنان را غارت نموده است، دولتها نه تنها از ترس امریکا نمی‌توانند اظهار مظلومیت مظلومان را حتی در کشورهای خودشان بشنوند، بلکه چنانچه دیدیم با ملت غارتزده ایران که با نهضت اسلامی خود می‌خواهد فریاد مظلومانه سر دهد و به ملتهای مظلوم جهان داد خود را برساند، چه‌ها کرده و در مخالفت با ایران حتی از امریکا و اسرائیل گوی سبقت را ربودند، و برای تقرب به ستمکاران، با تمام قوای تبلیغاتی و تسلیحاتی به متجاوز به ایران کمک نمودند. به جای آنکه به ملت و دولت برادر خود دست اخوت و وحدت دهند، به امریکا و اسرائیل دست عبودیت و ذلت دادند و به توطئه علیه ملت ایران برخاستند. ما اکنون از بسیاری از دولتهای به اصطلاح اسلامی مأیوس هستیم و امیدی به هدایت آنان نداریم؛ مگر آنکه خداوند متعال نظر عنایتی فرماید و تحولی در آنان به وجود آورد تا مسائل را آنگونه که شایسته است، بررسی نمایند، و خود و کشور خود را از چنگال گرگان جهانخوار نجات دهند. اینک لازم است تذکراتی به زائران بیت‌اللّه الحرام و آنان که در قربانگاه حضرت خلیل الرحمن- سلام اللّه علیه- حاضر می‌شوند، داده شود:
1- لازم است حجاج، مسائل حج را از واجبات و محرّمات نزد علمای اعلام به

خوبی یاد گیرند تا خدای نخواسته تخلفاتی حاصل نشود که موجب هدر رفتن زحمات آنان گردد، یا موجب مُحِلّ نشدن آنان شود و برای خودشان اشکالاتی پیش آید. 2- لازم است زائران محترم ایرانی توجه کنند که از کشوری انقلابی و اسلامی و متعهد به احکام اسلام راهی حج شده‌اند و چشمان دوستان و دشمنان بر آنها دوخته شده است. دوستان، برای آنکه ببینند زائران محترم به تعهد اسلامی خود باقی هستند، و در رفتار و گفتار و برخورد با مسلمانان جهان آبروی انقلاب اسلامی شکوهمند خود را حفظ می‌نمایند، و در زحمتها و مشقتها و کمبودها که لازمه قهریِ این سفر مقدس است، بردباری و شکیبایی دارند، و خداوند متعال را در امور حاضر و ناظر می‌دانند، و با سرافرازی به کشور خود باز می‌گردند و کشور و انقلاب خود را در بین مسلمانان جهان سرافراز می‌کنند، و انقلاب اسلامی کشور عزیز خود را به مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی صادر می‌نمایند، یا خدای نخواسته برخلاف اخلاق و کردار اسلامی از بعض آنان در مرئی و منظر برادران اسلامی، عمل و یا گفتاری ولو کوچک صادر می‌شود که موجب هتک اسلام و جمهوری اسلامی که از گناهان بزرگ نابخشودنی است، و دشمنان، برای آنکه در گفتار و کردار و اخلاق آنان خدشه کنند، و خدای نخواسته اگر امری گرچه بسیار ناچیز از آنان صادر شود، بهانه به دست آورند و با بوقهای تبلیغاتی خود مطالب کوچک را بزرگ و بزرگتر جلوه دهند، و بیش از پیش، چهره اسلام و انقلاب را در نظر اجانب و جهانیان واژگون و مسلمانان ایران را در نظر مسلمانان جهان مردمی بی‌بندوبار معرفی کنند، و اسلام را مکتبی به دور از ارزشهای والای انسانی، و ملت شریف ایران را ملتی منحط و دور از تمدن و تعالی، به خورد جهانیان دهند. باید بدانند مسئولیت حجاج محترم در پیشگاه مقدس خداوند متعال و در مقابل ملت شریف و مجاهد، در راه اسلام و تعالیم انسانی آن، بسیار خطیر و بزرگ است. هرگز گمان نکنند امسال که همه می‌دانیم چنگال ابرقدرتها و وابستگان به آنان، به کشورهای اسلامی و مظلومان جهان بیش از پیش فرو رفته، و خون جوانان مظلوم مسلمین بیشتر از هر وقت از چنگال آنان می‌چکد، مشابه سالهای دیگر است.
اکنون قدرتهای بزرگ جهان از اسلام و برنامه‌های غرب و شرق‌زدایی آن به

وحشت افتاده‌اند، و شیطان بزرگ، جوجه شیطانها را فرا خوانده و به تمام توطئه‌ها برای خاموش کردن نور خدا دست یازیده است. 3- لازم است زائرین محترم بیت‌اللّه الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیانکَن اسلام‌زدایی شرق و غرب و وابستگان بی‌اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل‌اللّه فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی- سیاسی اسلام، در آن امکنه شریفه که بحق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربانگاه ابراهیمی- اسماعیلی توجه کنند، که برای خدای تبارک و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود. باید شیطان بزرگ و میانه و کوچک، اولی، وسطی و عَقبه را از حریم مقدس اسلام و کعبه و حرم راند. و باید دست شیاطین را از کعبه و حرم کشورهای اسلامی که حریم آن است قطع کرد. و باید دعوت خداوند متعال را لبیک گفت. باید حجاج محترم کشور انقلاب اسلامی ایران فریاد مجاهدین شجاع و فداکار ملت شریف مجاهد را بر مسلمانان جهان در آن مجمع عمومی مسلمین برسانند، و آنان را موظف نمایند که حامل پیام ملت ایران به تمام ملتهای مظلوم جهان باشند و فریاد «یا للمسلمین» این ملت انقلابی را به گوش همه جهانیان برسانند و به آنان بفهمانند که ملت ایران از تمام مسلمین نه برای مصالح شخصی و منطقه‌ای که برای اسلام استغاثه می‌کند و امروز اسلام گرفتار توطئه‌های جنایتکاران جهانخوار است و اگر مسلمین با پیوند اسلامی، سدی آهنین در تقابل آنها ایجاد نکنند این سیل بنیان‌کَن الحاد و کفر همه را خواهد برد.
4- مسلمانان باید بدانند که پس از انقلاب اسلامی و توجه به قدرت خارق‌العاده اسلام، توطئه‌ها و نقشه‌های امریکا از ایجاد تفرقه بین برادران اهل سنت و تشیع و هجوم به ایران که مرکز ثقل نهضت اسلامی است تا نقشه عمیق و گسترده هجوم به لبنان و آن جنایات عظیم، همه و همه برای اسلام‌زدایی و تضعیف این قدرت الهی است. باید بدانند نقشه امریکا که به دست خبیث اسرائیل در جریان است، به بیروت و لبنان خلاصه

نمی‌شود؛ که اسلام در همه جا، در کشورهای اسلامی، خصوصاً منطقه خلیج فارس و حجاز مرکز وحی الهی، هدف است. هدف اول آن است که حکام منطقه گوش و چشم بسته در فرمان امریکا و از آن دردناکتر اسرائیل باشند، و ننگ هر تحقیر و نوکری را بپذیرند. در چنین جو و فاجعه عظیمی، ملتهای اسلامی نباید بی‌تفاوت باشند و از هیچ کوشش در راه حفظ اسلام و کشورهای اسلامی نباید دریغ کنند. چه دردناک و مصیبت‌بار است که در جوار مسلمانان و دولتهای به اصطلاح اسلامی، اسرائیل غاصب اینچنین جسورانه و فاتحانه به مردم مظلوم لبنان، به خواهران و برادران عزیز بیروتی تجاوز کند، و به جای آنکه دولتهای کشورهای اسلامی به دفاع که یک فریضه الهی و انسانی است برخیزند، اینچنین نرمش نشان دهند؛ بلکه برای مقصد شوم امریکا و اسرائیل به فعالیت برخیزند، و به جای اسرائیل ستم‌پیشه، ایران اسلامی و اسلام را در ایران هدف و تمام هدف قرار دهند.
آیا اگر امروز توانستند عذرهایی برای سکوت بلکه کمک به مقاصد شوم این جنایتکار و اربابش بتراشند، تاریخ را هم می‌توانند به انحراف کشند؟ آیا ملتهای آزاد را هم می‌توانند فریب دهند؟ و آیا خداوند منتقم را هم با عذرهای غیر موجه خود می‌توانند قانع کنند؟ و آیا اینطور که اینان اسلام بزرگ را به ملعبه و بازی گرفته‌اند، گناه بزرگشان بخشودنی است؟ و آیا از عهده جواب برای خونهای زنان و مردان و کودکان بیگناه بیروت بر می‌آیند؟
5- چون لازم است در این سفر مبارک بر جریانات و طرحهای اسلامی-سیاسی، هماهنگیهای کامل بین تمام کاروانها و گروهها باشد و از هرج و مرج و امور مخالف با اخلاق اسلامی به طور کامل اجتناب شود، ضروری است حجاج محترم و کاروانهای حج از پیشنهادهای متصدی محترم امور حج و حجاج، جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها پیروی نمایند؛ که اگر خدای نخواسته هر کاروان و هر گروهی مستقلاً و بدون توجه به هماهنگی اقدام به امری کنند، ممکن است فاجعه‌ای پیش آورد و انحرافاتی تحقق یابد که چهره اسلامی جمهوری اسلامی و انقلابی دگرگون جلوه داده شود؛ و این گناه عظیمی است که پیش خالق و خلق مسئولیتی بس بزرگ دارد.

اینجانب امیدوارم که حجاج عزیز- ایّدهم اللَّه تعالی- از خود و دوستان خود مراقبت نمایند که این عبادت با عظمت الهی، آلوده به گناه و خطایا نشود. در میقاتهای الهی و مقامات مقدس، در جوار خانه پر برکت خداوند تعالی، آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم، مراعات و قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگیهای به غیر حق، آزاد و از آنچه غیر دوست هست، تهی و با انوار تجلیات الهی منور گردد، تا اعمال و مناسک این سیر الی‌اللَّه با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد. و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وزرهای منی و منیت، با کوله‌باری از معرفت حق و عشق محبوب، به اوطان خود بازگردند، و به جای سوغاتهای مادی فانی، دستاوردهای باقی ابدی برای دوستان به سوغات آورند. با مشتی پر از ارزشهای انسانی- اسلامی که پیغمبران بزرگ از ابراهیم خلیل‌اللَّه تا محمد حبیب‌اللَّه- صلی اللَّه علیهم و آلهم اجمعین- به انگیزه آن مبعوث شدند، به دوستان عاشق شهادت بپیوندند. این ارزشها و انگیزه‌هاست که انسان را از اسارت نفس اماره به سوء و وابستگی به غرب و شرق، نجات و به شجره مبارکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه می‌رساند. و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیا علیهم السلام که عصاره آن در آخرین کتاب انسان‌ساز، قرآن کریم، این کتاب هدایت- که از مبدأ نور اللَّه نُورُ السَّمواتِ وَالْارْضِ (1)
به مشکات قلب نورانی خاتم‌الرسَل صلی الله علیه و آله تابش نمود تا قلوب انسانها را از حجابهای ظلمت و نور برهاند و عالم را نور علی نور کند- پی برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان زادگان در نمی‌آیند؛ و برای چند روز مسند توّهمی و ریاستهای تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی‌پذیرند؛ و برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت‌بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست‌وخیز بر نمی‌خاستند. هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخواران از شما ببُرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مشتی اسرائیلی دوره‌گرد،

1- بخشی از آیه 35 سوره نور: «خداوند، نور آسمانها و زمین است».

بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید.
بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بتهای نحس و طاغوت را در هم شکنند.
6- بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه‌افکنی و دروغ‌پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی‌امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه‌ها و توطئه‌های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. از هجوم ارتش صدام عفلقی به امر امریکا و پشتیبانی کشورهای وابسته به آن، جهانیان را با خبر کنند. مسلمانان را از آنچه به دست بعضی حکام امریکایی بر اسلام و مسلمین می‌گذرد که بدترین آنها شناسایی رسمی اسرائیل و بعد از آن، تاخت و تاز وحشیانه به کشور اسلامی لبنان و شهید و معلول کردن دهها هزار مردم بیگناه و بی‌پناه است، آگاهی دهند. شاید ملتها با اعتقاد به خدای متعال از این فاجعه بزرگ تاریخ که روی مسلمانان را در جهان و در پیش نسلهای آینده، خدای نخواسته سیاه می‌نماید، جلوگیری کنند و اسلام عزیز و مسلمین را از این ننگ بزرگ رهایی بخشند و خود را از این تحقیر و ذلت ناهنجار که یاد آن هر مسلمان غیرتمند را می‌لرزاند آزاد کنند.
7- اخیراً به دولتهای منطقه که برای فجایع مخالف با اسلام و تعلیمات قرآن، گردهمایی می‌نمایند، اخطار می‌کنم که اقدام و قیام بر ضد اسلام و ملتهای اسلامی نکنند.
در صورتی که چنین کنند، دولت و ملت ایران که بزرگترین قدرت منطقه است، به اذن اللّه‌تعالی بر شما نخواهد بخشود و هر پیامدی که برای شما پیش آید، خود، مسئول آن

هستید. از شما که رگ حیات و شریان بزرگ اقتصاد و صنایع جهان در دستتان است، هیچ عذری در پیشگاه معظم خالق و مخلوق پذیرفته نخواهد شد. امید است ان‌شاءاللّه‌تعالی اسلام عزیز با پشتیبانی ملل اسلامی در جهان خصوصاً منطقه، به آمال خود برسد و مسلمانان جهان بر مستکبران پیروز شوند. والسلام علی عباداللّه الصالحین.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 110
سخنرانی
زمان: صبح 25 مرداد 1362/ 7 ذی‌القعده 1) 1403)
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: فلسفه حج و ابعاد سیاسی آن
حضار: موسوی خوئینی‌هانماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی)- خاتمیوزیر ارشاد اسلامی)- روحانیون کاروانهای حج- مسئولان وزارت ارشاد و سازمان حج و زیارت
بسم اللّه الرحمن الرحیم

من باید تشکر کنم از آقایان که تشریف آورده‌اند و در این مجلس با هم به گفتگو بنشینیم و مسائلی را که باید گفت تا یک حدودی خدمت شان عرض کنیم، و من امیدوارم که ان‌شاءاللّه آقایان موفق بشوند با سلامت و پیروزی این سفر مبارک را طی کنند و به محالّ خودشان مراجعت بفرمایند.
شما در سالی به حج مشرف می‌شوید که اوضاع دنیا و اوضاع منطقه به وضعی است که مشاهده می‌کنید. اوضاع دنیا گرفتار قدرت‌های بزرگ و مستضعفان جهان مبتلای به این قدرت‌های شیطانی و اوضاع منطقه نیز به واسطه دخالت قدرت‌های بزرگ به این وضعی است که مشاهده می‌کنید.
و در آستانه سالی به حج مشرف می‌شوید که در اثر شکست مفتضحانه صدام، مناطق مسکونی کشور ما مورد تجاوز واقع می‌شود و با موشک‌ها کوبیده می‌شود، و اخیراً که اندیمشک را هم ملاحظه کردید که با آن چه کردند، و من به ملت ایران و اهالی محترم مبارز اندیمشک تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم خدای تبارک و تعالی شهدای آنها را با شهدای صدر اسلام محشور بفرماید و به بازماندگان آنها سلامت و صبر عنایت بفرماید.
شما در سالی دارید در این سفر مبارک

می‌روید که قدرت‌های بزرگ در منطقه مشغول به فساد هستند و تاخت و تاز. از آن طرف شوروی در افغانستان و هرجا که بتواند دست درازی می‌کند و ملت مظلوم افغانستان را آن طور سرکوب می‌کند، و بحمداللّه ملت افغانستان هم مقابله مردانه‌ای در مقابل آن قدرت بزرگ کرده‌اند، و از آن طرف امریکا که در رأس جنایتکاران است در همه کشورهای مظلوم و خصوصاً در کشورهای اسلامی‌آن طور دخالت و تجاوز می‌کند، و از آن طرف دنیا دست دراز کرده است و ملت‌هایی که باید مستقل باشند، در تحت ظلم خودش قرار داده است و مع‌الأسف این دولت‌ها هم ظلم پذیر شده‌اند.
فلسفه حج؛ یکی از فلسفه‌های بزرگ حج قضیه بُعد سیاسی اوست، که دست‌های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند؛ و تبلیغات دامنه دار آنها مع‌الأسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاریشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست، بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.

بررسی اوضاع مسلمین و مشکلات آنان در حج

مشکلات مردم در حج، باید تمام بلادی که وارد می‌شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می‌شوند، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرتهای شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.
اینها اموری است که باید رسیدگی به آن بشود و حج برای همین امور است. حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند.
آن طور که آخوندهای درباری منطقه و غیرمنطقه می‌گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد، اینها رسول اللّه را محکوم می‌کنند، اینها خلفای اسلام را محکوم می‌کنند، ائمه هدی را محکوم می‌کنند. اینها نمی‌دانند که این سفر حج و این حج برای

این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده‌است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.

و مع‌الأسف به قدری تبلیغات دامنه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی‌زیاد و دامنه دار بوده است که به خود مسلمین هم باورانده‌اند که نباید دخالت در سیاست بکنند، به خود روحانیون هم. بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکند. روحانی باید مسئله بگوید، آن هم مسائل غیرسیاسی. مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است، برای اینکه آن مسائل سیاسی هم عبادت است مع الاضافه. کتب اسلام، کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است، مشحون از مسائل اجتماعی است. و آن وقت یک دسته نادان گمان می‌کنند که اسلام مثل سایر ادیان منحرفه- که آن هم در اول اینطور نبوده است، بعد با دست همین استعمارگران به اینجا رسیده است- وضع این است که باید روحانی فقط بنشیند و دو رکعت نماز بخواند و برود منزلش و همان جا چرت بزند تا دوباره وقت نماز دیگر بیاید. اینها همه تبلیغاتی بوده است که در طول مدت از آنوقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد به دست خلفای امَوی و عبّاسی و بعد هم به دست حکومت‌های مرتجع و بعد هم به دست قدرت‌های بزرگ این مسائل شده است که اسلام را منزوی کنند و منزوی کردند.
آن اسلامی‌که به درد جامعه نرسد، و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد، آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتربوده. هروقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص راوبسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را. مع‌الأسف در دنبال تبلیغات از صدر

اسلام یعنی، بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می‌شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می‌کنم، محکوم کردن اسلام بر این است که آن چیزی که اسلام می‌خواهد در مسجد زیرپا گذاشته بشود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه‌های عبادی اش. و شما آقایان که ان‌شاءالله با سلامت مشرف می‌شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی‌گنجانیده شده است این را ازاله کنید. در صحبت‌هایتان، در اجتماعاتتان بگویید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته‌ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می‌کنند، بی تفاوت باشند.
محکوم کنند این اشخاصی که می‌خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند. آن ضرری که از این آخوندهای درباری، اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می‌خورد، برای اینکه، اینها با یک ظاهر اسلامی اسلام را منزوی می‌کنند و آنها با این ظاهر نمی‌توانند بکنند، آنها وادار می‌کنند اینها را. مسلمین باید در حج وقتی که می‌روند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن امریکای جنایتکار را؛ یک همچو حجی، حجی است که مقبول است. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت‌ها پرده بپوشیم، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت‌هایی که بر مسلمین می‌گذرد و جنایت‌هایی که از حکومت‌ها و از قدرت‌های بزرگ بر مسلمین می‌گذرد، ما یک صحبت بکنیم، این حج نیست، این یک صورت بی معناست.

بیدار نمودن و متحد کردن مسلمین در حج

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می‌روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم،

بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چندصدمیلیونی باشند. تمام گرفتاری‌ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد منحرف کرده‌اند، و حتی اگر یک مجالسی هم داشته باشند لابد شنیده‌اید که‌آن مجلسی را که روحانیون داشتند و در یک جایی بود، محکوم نکردند. حاضر نشدند که افغانستان را که شوروی [اشغال] کرده، اینها لفظاً بگویند این کار درستی نیست.
این قدر هم همین کسانی که، مسیحیانی که، روحانیونی مسیحی که بودند حاضر نشدند این قدر بگویند که افغانستان چه، ترسیده بودند از این. وقتی بنا باشد که روحانیون شان اینطور، ما از آن وقت تا حالا خیال می‌کردیم که روحانیون مسیح امریکایی هستند، حالا معلوم شد هم امریکایی هستند هم شوروی هستند، و روحانیون مسلمین هم بسیاریشان کمتر از آنها نیستند. آنهایی که محکوم می‌کنند مسلمین را که نسبت به صهیونیست یک صدایی بکنند، نسبت به امریکا یک کلمه‌ای بگویند، آنها کمتر از آن روحانیون مسیحی که می‌گویند باید هیچ حرف نزد، و آن روحانیونی که طرفدار امریکا هستند کمتر از آنها نیستند، اینها هم طرفدار امریکا هستند. مسلمین باید بیدار بشوند، این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دوتا قدرت بزرگ و دیگر قدرت‌ها را که در این مناطق مشغول فساد هستند، کلک اینها را بکنند.

سلطه پذیری مسلمین بواسطه عدم توجه به مسائل و احکام اسلام

ننگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومتهای کشورهای اسلامی‌که اسرائیل بیاید و فلسطینی‌ها را آن طور کند؟ در لبنان آن جنایت‌ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می‌ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می‌شوند آنها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت‌های باصطلاح اسلامی‌است، در عین حال تقدیم می‌کنند و التماس هم می‌کنند. این مصیبت نیست؟ برای مسلمین این مصیبت نیست که همه چیزمان را بدهیم به خارجی‌ها و در طبق اخلاص بگذاریم و با منت کشیدن از آنها که بپذیرند؟ وقتی بنا شد

که مسلمین به آن مسائل الهی توجه نکنند، به آن مسائل قرآنی توجه نکنند، و احکام اسلام را درست به آن توجه نکنند و دعوت اسلام به وحدت را زیر پا بگذارند، ناچار باید اینطور بشوند که همه چیزشان را بدهند و التماس هم بکنند به آنها که قبول کنید شما.
نباید مادیگر بیداربشویم؟ نبایداینهاعبرت بگیرند ازایران؟ امروزهمه‌کشورهای بزرگ عالم از شوروی گرفته است که دارد دائماً به عراق کمک می‌کند، و از امریکا گرفته است که‌آن هم‌همین طور، واز فرانسه که‌مرکز فسادهمه دنیا شده است، کشوری که ادعا می‌کرد که اینجا مهد آزادی و کذاست حالا این تروریست‌ها را در آنجا جا داده است و به صدام کمک می‌کند و به این کمک افتخار می‌کند. مسلمین باید توی دهن اینها بزنند و اگر مجتمع بشوند خواهند زد. و ایران همان طور که همه دنیا دیده است- ولو زیر پا گذاشته‌اند مطالب را- همه عالم الآن مطلعند که شوروی و امریکا و سایر قدرت‌ها از ایران سیلی خوردند به برکت اسلام، و نخواهد دیگر این ملت اسلامی گذاشت که راه آنها به این مملکت باز بشود. آنهایی که به آرزوی این نشسته‌اند که امریکا دوباره بیاید یا شوروی بیاید، آنها خیال باطل به خودشان راه داده‌اند، به این آرزو نباشند و لااقل تا وقتی که اینها زنده هستند، تا آن وقت امریکا و شوروی نمی‌تواند به این مملکت وارد بشود.

این جوان‌های ما که الآن در سرتاسر کشور به جنگ می‌روند و در جبهه‌ها آن طور حماسه‌ها می‌آفرینند، تا این جوان‌ها هستند و ان‌شاءالله هستند نمی‌تواند کسی به این مملکت صدمه وارد کند. آنهایی که تو خانه نشسته‌اند و می‌گویند که مردم خسته شده‌اند از جنگ، و خسته شده‌اند از چه و چه، آنها خودشان خسته هستند، از اول هم خسته بوده‌اند. مردم کی‌اند؟ این اندیمشک است که مورد تجاوز واقع بشود، دنباله‌اش جنگ جنگ تا پیروزی می‌گوید. آن هم جاهای دیگری که از دزفول گرفته تا هر جا که ملاحظه کنید به مجرد اینکه یک فسادی در آنجا واقع می‌شود و صدام یک جنایتی می‌کند دنبالش همه مردم می‌ایستند و فریاد می‌زنند مرگ بر کی و مرگ بر کی و جنگ جنگ تا پیروزی. اینها مردم نیستند؟ این مردمی‌که در مساجد و در نمازجمعه‌ها و سرتاسر کشور

مجتمع‌اند و فریادشان بلند است از اینکه جنگ باید کرد، و خودشان هم داوطلب الآن دارند به طرف جبهه‌ها می‌روند، اینها مردم ایران نیستند؟ اینها از کره مریخ آمده‌اند؟
مردم ایران عبارت از یک دسته‌ای هستند که نشسته‌اند و نه یکی شان رفته‌اند به جبهه، نه یکی شان کمک کرده‌اند به جبهه با اینکه بعضی‌شان هم دارای کذا و کذا هستند! فقط مردم ایران اینها هستند که در عین حالی که دارد این کشور به طرف فنا خدای نخواسته می‌رود- اگر چنانچه سست بیایند جوان‌های ما- شما چند نفر هستید مردم ایران که می‌گویید از جنگ خسته شده‌ایم؟ شما چه وقت جنگ کرده‌اید که خسته بشوید؟ شما کدام یکی‌تان رفته است به جبهه تا یک خستگی احساس بکند؟ کدامتان حاضر شده است که امریکا و شوروی را محکوم کند؟ شما مثل سایر آنهای دیگری می‌مانید که نشسته‌اید آنجا و هی اشکالتراشی می‌کنید به این ملت. ملت اینها هستند، ملت این مردم کوچه و بازار هستند، این مردم دهات و- نمی‌دانم- قصبات و شهرستان‌ها، اینها هستند که دارند به جنگ کمک می‌کنند و به جبهه‌ها، پشت جبهه‌ها کمک می‌کنند، و بانوانشان و بچه‌هاشان و بزرگ‌هایشان و همه‌شان مشغول خدمت هستند. اینها که خسته نشده‌اند. از چی خسته بشوند؟ از اسلام روبرگردانند؟ امروز اگر ما از این جنگ و از این دفاع مقدس، ما جنگ نداریم با کسی، ما دفاع داریم می‌کنیم از کشور خودمان. ما باز کشورمان تحت سلطه صدام هست یک مقداری از آن. مایی که داریم دفاع از اسلام می‌کنیم اگر خسته بشویم معنایش این است که ما از قرآن کریم دیگر خسته شده‌ایم، از اسلام خسته شده‌ایم. کدام یک از این افرادی که در این کشور هستند الا یک دسته اقلیت فاسد، خسته هستند از این امور؟ این جوان‌های ما می‌دانند که اگر خدای نخواسته، صدام غلبه پیدا کند به این کشور چه خواهد کرد و با همه چیز مردم چه خواهد کرد. این جوان‌های غیوری که یک همچو احساسی دارند می‌نشینند تو خانه شان و می‌گویند که خسته شده‌ایم از جنگ؟! از چی خسته شده‌اند؟ از دفاع از نوامیس‌شان خسته شده‌اند؟! از دفاع از کشورشان خسته شده‌اند؟! ازدفاع از اسلام خسته شده‌اند؟! ازچه خسته شده‌اند؟ یک دسته هم نشسته‌اند هر کار صحیحی هم بشود آنها می‌گویند خراب است. هر خدمتی هم که دولت می‌کند آنها می‌گویند خراب است. آنها از اول دلشان می‌خواهد که وضع، این

ص: 117
وضع نباشد، برگردد به آن زمان‌های رفاه نمی‌دانم چی که جوان‌ها تو قهوه خانه بروند و توی کاباره‌ها بروند و چه بکنند و پیرها هم مجالسی داشته باشند به عیش و نوش. اینها دلشان می‌خواهد این بشود و این خواب را نخواهید ترجمه‌اش را دید. این خواب تعبیر برای شما نخواهد شد.

این ملت یک ملت زنده است، یک ملتی است که دنیا الآن رویش حساب می‌کند.
این ایرانی بود که همسایه‌هایش هم قبولش نداشتند. این ایرانی بود که فقط با لفظ، با لفظ آقای آریامهر یک تبلیغاتی برایش می‌شد و الّا کجا چیز داشت، همه‌اش وابستگی، همه‌اش خرابی. سرتاسر کشور ما که ملاحظه بکنید الّا شهرستان‌ها آن هم تهران عمدتاً که مورد توجه بود و می‌خواستند آن هم چون اشراف و اعیان در اینجا هستند، آنها خوش بگذرانند، این دهات و قصبات و آن جاهای دور افتاده یک نظر به آن نشد. این بدبخت‌ها باید با الاغ از این ور آن ور بروند مریض‌هایشان را ببرند بین راه هم بمیرند.
دولت الآن مشغول است برای راه درست کردن و مشغول است برای بیمارستان درست کردن و برای مدرسه درست کردن که چندین هزار مدرسه درست شده است، چندین هزار کیلومتر راه درست شده است. همه اینها را آقایان نشسته‌اند توی خانه شان می‌گویند هیچی نشده است. چی چی می‌خواهید بشود؟ آنچه که شده در زمان رضاخان شده است و در زمان محمدرضا شده است که خیابان‌ها را آن طور مرکز فساد قرارداده بودند؟ شما آنها را صحیح می‌دانید! آن چیزی که در این چند سال شده است، از همه جهات، آن تحولی که در جوانهای ما پیدا شده است که از کاباره‌ها کشیده شده‌اند به میدان جنگ با کفار، از مراکز فساد کشیده شدند به مراکز صلاح و دعا و نیایش، بانوان ما که آن طور با آنها ظلم شده بود امروز در سرتاسر کشور مشغول تعلیم و تعلم هستند و مشغول جهاد هستند فی سبیل اللّه. چی می‌خواهید بشود؟ آقایان چرا چشم‌هایتان را هم گذاشته‌اید و گوش‌هایتان را به بوق‌های امریکا و اروپا باز کرده‌اید؟ چشم‌هایتان را باز کنید ببینید چه خبر شده است در ایران. دیگران باید بگویند؟ گاهی هم می‌گویند البته. شماها که باید

تبلیغ کنید از این اسلام، تبلیغ کنید از این دیانت، تبلیغ کنید از این کشور، دفاع کنید از این کشور با قلم‌تان، با صحبت‌تان، با چی، هی اشکال، اشکال، اشکال، برای چی؟ شما چی کم دارید که اشکال می‌کنید؟ این مردم، این مستضعفین، این بیچاره‌ها، این جنوب شهری‌های همه کشور ما اینطور دارند جانفشانی برای اسلام می‌کنند و هیچ هم اظهار خستگی نکرده‌اند. الآن هم وقتی که می‌بینید فوج فوج حرکت می‌کنند به جبهه‌ها برای جنگ و برای دفاع از اسلام، اینها ملت نیستند؟ این جوان‌ها که دارند می‌روند جزء این ملت نیستند؟ ملت اینجا، ملتی باشد که از امریکا باید بیاید؟ بیدار بشوید یک قدری، توجه کنید یک قدری به مسائل.

و شما آقایان که دارید مشرف می‌شوید به این بیت معظم الهی، علاوه بر اینکه باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی‌که بسیاریشان مسائل حج را خوب نمی‌دانند، مسائل حج را برای اینها بگویید قبل از اینکه هر کاری را می‌خواهند بکنند، در هرجا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان با قاعده گوشزد کنید، بگویید، همین طور واجباتش را، محرماتش را، اینطور چیزها. علاوه بر این، آن مسائلی که باید، با مسلمین در میان بگذارید، معاشرت کنید با آنها، البته با یک نظامی‌و به آنها حالی کنید که آقا چرا نشسته‌اید که امریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کند و شما را بخواهد اداره کند.
بخواهد خلیج فارس را، خلیج فارس به توچه کار دارد؟ تو چکاره هستی که از آن ور می‌خواهی خلیج فارس را تأمین کنی؟ ما خودمان باید بکنیم، به شما چه ربطی دارد؟
مسلمان‌ها خودشان باید بکنند، خلیجی‌ها باید بکنند این را. ما میل داریم که با همه کشورهای اسلامی‌برادر باشیم، با همه حکومت‌ها در عین حالی که اعوجاج دارند برگردند و با ما دست اخوت بدهند. ما صلاح همه را می‌خواهیم، ما می‌خواهیم که آنها عزیز باشند، ما می‌خواهیم آنها نوکر امریکا نباشند، امریکا از آن ور دنیا آقایی نکند به شما، شوروی هم از آن ور. شما با هم باشید. شما همین حکومت‌هایتان با هم باشد، ملت‌هایتان دنبالتان هستند. شما با ملت‌ها خوش رفتاری کنید، ملت‌ها دنبال شما هستند،

اگر خوش رفتاری کردید و جهات اسلامی‌را مراعات کردید، این ملت‌ها همراه شما هستند، آن وقت آسیب ناپذیر هستید. الآن حکومت ایران آسیب ندارد برای اینکه، برای مردم دارد خدمت می‌کند و مردم هم دنبال او هستند؛ مردم حافظ هستند. اگر یک گرفتاری در زمان رضاخان پیش می‌آید، در زمان محمدرضاخان پیش می‌آید برای آنها، مردم خوشحال می‌شدند که این گرفتاری برایشان پیش آمده. امروز اگر یک گرفتاری برای کشور ما پیدا بشود، برای حکومت ما پیدا بشود، مردمند که حل می‌کنند این را، و دولت هم خدمتگزار است و باید خدمتگزارباشد. مجلس هم خدمتگزار است و باید خدمتگزار باشد. همه ما باید خدمتگزار باشیم به این مردم. همه باید تشکر کنیم از اینهایی که این جنگ را دارند اداره می‌کنند با این فشارها، در عین حالی که همه بر خلاف هستند و همه می‌خواهند که ما منزوی باشیم. بحمداللّه ایران در همه دنیا مطرح است و مسلمین همراه او هستند. و من امیدوارم که این سفر مبارک شما را موفق کند به اینکه این مسلمین جهان را، این روحانیون کشورها را، این روحانیون درباری را که در آنجا لابد می‌آیند، توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری امریکا بدانید؟ در نوکری صهیونیست‌ها بدانید؟ شما آقایی خودتان را از اسلام کسب کنید، آقایی خودتان را از بیت‌اللّه کسب بکنید. دور بیرق اسلام جمع بشوید، دور حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که اجتماعتان، همه‌تان بر خلاف مصالح اسلام نباشد و بر وفاق مصالح باشد، و دست قدرت‌های بزرگ را ان‌شاءاللّه کوتاه کنید، و این کنگره بزرگ اسلامی‌ان‌شاءاللّه به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد و شماها با سلامت و سعادت مشرف بشوید. و دعا کنید به اسلام و مسلمین، و دعا کنید که مسلمین و سران اسلام بیدار بشوند و توجه بکنند به مصالح اسلامی. و دعا کنید به این ملتی که همه چیزش را در طبق اخلاص برای اسلام گذاشته و دارد فعالیت می‌کند، و دعا کنید که خداوند این کوردل‌هایی که گاهی پیدا می‌شود در ایران یا در جاهای دیگر، اینها را خدا هدایت کند که به دامن اسلام برگردند و متوجه به مصالح اسلامی باشند و ننشینند هی کارشکنی بکنند، همراهی کنند با این ملت. (1) والسلام علیکم و رحمة اللّه

1- در صحیفه نور، ذیل تاریخ 26/ 5/ 62 درج شده است.

ص: 120
پیام
زمان: 12 شهریور 1362/ 25 ذی‌القعده 1403
مکان: تهران، جماران
موضوع: حجّ ابراهیمی؛ تذکرات و توصیه‌ها به زائران خانه خدا
مخاطب: مسلمانان ایران و جهان، خصوصاً زائران بیت‌اللّه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
فرا رسیدن عید بزرگ اسلامی قربان را به همه مسلمین تبریک عرض می‌کنم.
عیدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می‌دهد.
عمق جنبه‌های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام- علیهم الصلوة و السلام- و خاصّه عباداللَّه کس دیگری نمی‌تواند ادراک کند. این پدرِ توحید و بت شکنِ جهان به ما و همه انسانها آموخت که قربانی در راه خدا، پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه‌های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید، و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما، ذریّه آدم، فهماند که «مکّه» و «منی» قربانگاه عاشقان است. و اینجا محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خودگذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت، و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح‌اللَّه، گذشت. که حق جاودانه شود. این بت‌شکن و

فرزند عزیزش، بت شکن دیگر، سید انبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به بشریت آموختند که بتها هرچه هست باید شکسته شود؛ و کعبه، که امّ‌القُری است، و آنچه از آن بسط پیدا کرده تا آخرین نقطه زمین، تا آخرین روز جهان، باید از لوث بتها تطهیر شود: بت هرچه باشد، چه هیاکل، چه خورشید، چه ماه، و چه حیوان، و انسان. و چه بتی بدتر و خطرناکتر از طاغوتهای در طول تاریخ از زمان آدم صفی‌اللّه، تا ابراهیم خلیل‌اللّه، تا محمد حبیب‌اللّه- صلی‌اللّه علیهم و آلهم اجمعین- تا آخر الزمان که بت‌شکن آخر از کعبه ندای توحید سر دهد. مگر ابرقدرتهای زمان ما بتهای بزرگی نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می‌خوانند، و با زور و زر و تزویر خود را به آنان تحمیل می‌نمایند؟ کعبه معظّمه یکتا مرکز شکستن این بتهاست. ابراهیم خلیل، در اول زمان، و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود- روحی فداه- در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و می‌دهند.
خداوند تعالی به ابراهیم فرمود: وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ. (1)
و فرمود: وطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقَائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ (2)
و این تطهیر از همه ارجاس (3) است، که بالاترین آنها شرک است که در صدر آیه‌کریمه است. ودر سوره‌توبه می‌خوانیم: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسوُلِهِ إِلَی النّاسِ یَومَ الحَجِّ الأَکبَرِ أَنَّ اللَّه بَرئٌ مِنَ المُشرِکینَ وَ رَسُولُهُ. (4)
و مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند. همه فریادها را از کعبه و مکّه سر می‌دهند؛ و ما باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سردهیم؛ و با فریادها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنده و

1- «ومردم را به‌حج فراخوان تا پیاده یاسوار برشتران تکیده از راههای دور نزد تو آیند». سوره حج، آیه 27.

2- «و پاکیزه بدار خانه مرا برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان». سوره حج، آیه 26.

3- جمع رجس: پلیدی، گناه، وسوسه شیطان.

4- «و اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز «حج اکبر»، که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند». سوره توبه، آیه 3.

کوبنده در مجمع مسلمین در مکّه مکرّمه بتها را بشکنیم؛ و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان بزرگ است، در عَقَبات «رَمی» کنیم و طرد نماییم؛ تا حج خلیل‌اللّه و حبیب‌اللّه و ولی‌اللّه، مهدی عزیز، را به جا آورده باشیم؛ و الّا در حق ما گفته می‌شود: مَا أکثَرَ الضَجِیجَ وَ أقَلَّ الحَجِیجَ. (1)
امید است حجاج محترم بیت‌اللّه الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می‌باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند؛ و برای بیداری مسلمانان و حکومتهای آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند.
شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسرِ اصنامِ (2) جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهانخواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند. إنَّه عَفُوّاً غَفُوراً.
اینک تذکر بعض مطالب برای زائران بیت‌اللّه الحرام و عموم مسلمین لازم است، گرچه کراراً عرض شده است:
1- از امور مهمه‌ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروانها وقت شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است؛ که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمتهای فراوان شود، از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام. علمای اعلام کاروانها از زوّار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند. و حجاج واجب است برای یادگرفتن لحظه‌ای را کوتاهی نکنند و با تمام توان مسائل را یاد بگیرند، و با علم به مسائل مناسک را عمل کنند.
2- همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرنها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولتهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را

1- «ناله کنندگان چه بسیارند ولی حاجیانواقعی) کم!». بحارالانوار، ج 27، ص 181.

2- شکستن بتها.

به باد فنا داده و به طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمّال غربزده و شرقزده آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست منزه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیله‌گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکرِ خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند. و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند. و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده نمودند، و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده، و با دست آنان ملتها را به استضعاف و استثمار کشاندند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده‌های دربند گردید. و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می‌زنند. و إِنّا للّه‌وَ إِنّا اَلَیهِ رَاجِعُونَ.
3- از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب‌افتادگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه جانبه‌ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرتها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است؛ و آنان، خصوصاً غربیها و اخیراً امریکاییها، نژاد برتر هستند، و دیگران نژادپست و ناقص هستند؛ و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است؛ و عقب‌افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسانهای تکامل یافته هستند؛ و اینان در

حال تکامل، که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند. پس، کوشش برای پیشرفت بیفایده است. و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند، و یا کمونیسم شرق. و به بیان دیگر، ما از خود هیچ نداریم، و باید همه چیز را از ابرقدرتهای غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را! و شما امروز سیاه ما را می بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده‌اند هرچیز، اگرچه ممتاز باشد و از خودی باشد، به همین جرم مشتری‌اش کم است؛ و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند، مشتری زیاد پیدا می‌کند. پارچه ایران حتماً باید در حاشیه اش حروف خارجی و لاتین داشته باشد تا مشتری پیدا کند! و مرضهایی که در خود کشور به نحو شایسته معالجه می‌شود باید به خارج سفر کرد تا معالجه شود. و این باور در حالی است که بعض دانشمندان و نویسندگان غیر مسلمان با شواهد زنده ثابت نموده‌اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیشقدم بوده‌اند. باید گفت که دانشگاههای ما به دست یک مشت غربزده خود باخته، یا مزدور، اداره می‌شد. و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند، و قدرت را از آنان سلب کرده بودند. و آن دسته اکثریتِ غربزده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند. و در خارج دست استعمار کار خود را می‌کرد، و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگه می‌داشتند؛ و با افکار غربی و غیراسلامی و غیر ملی به کشور بازمیگرداندند. و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشتباه آنها بود. و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.
4- و از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است، تبلیغات دامنه‌دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرتهای خارجی است. در سابق از انگلیس، به دست به اصطلاح روشنفکران و تحصیلکردگان غربزده، یک غول ساخته شده بود و به دولت‌های بی‌اطلاع و ملتهای دربند تحمیل کرده بودند که اگر به یک فراش سفارتخانه انگلیس یک حرف درشت‌زده شود، ایران به باد فنا می‌رود! و پرچم سفارت بر سر خانه هر مجرمی که افراشته می‌شد از مجازات مصون می‌گشت. و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدر اعظم، کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت، خصوصاً امریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و

شاخدارتر ساخته‌اند؛ و گمان می‌کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می‌رود! و با خیالهای خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غربزده به این نحو شایعه‌ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خود باختگان ملی نما کمتر از مجرم اصلی نیست.
5- امروز چاره چیست و برای شکستن این بتها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاریها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکّه معظّمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است، که ابراهیم خلیل‌اللَّه و محمد حبیب‌اللَّه شروع، و در آخر الزمان حضرت بقیةاللَّه- أرواحنا لمقدمه الفدا- تعقیب می‌کند. به ابراهیم خلیل‌اللَّه خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای «شهود منافع» خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی، و همه ذریه آدم باید به تو تأسی کنند. ببینند که بتها را شکستی و آنچه جز خداوند بود به دور افکندی، شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسانها؛ و گفتی و از روی حقیقت گفتی: وَجَّهتُ وَجهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالارْضَ حَنیفاً مُسلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ (1)
و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم‌الشأن تأسی کنند. و در سوره توبه که امر شد در مجمع عمومی در مکّه خوانده شود، می‌خوانیم: و اذان من‌اللَّه و رسوله الی النّاس یوم الحجّ الاکبر ان اللَّه بریء من المشرکین و رسوله. (2) فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج. و این یک فریاد سیاسی- عبادی است که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، به آن امر فرمود.

1- همانا روی خود را یکتاپرست و تسلیم به سوی کسی متوجه ساخته‌ام که آسمانها و زمین را آفرید. ومن‌از مشرکین نیستم. بخشی از آیه 79 سوره انعام

2- در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می‌شود که

خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند. سوره‌توبه آیه 3

حال باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می‌داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول اللّه صلی الله علیه و آله و امر خداوند را تخطئه می‌کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می‌دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می‌کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می‌سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می‌دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی خبر گوش فرا ندهد؛ و مسلمین را، همانطور که وعده نموده است، در مراسم حج و برائت از کفار و مشرکان آزاد گذارد، و در این عمل الهی با آنان، خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته‌اند، هماهنگ شود؛ تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند.
و من موکداً از زوّار ایرانی و دیگر زائران بیت‌اللّه الحرام می‌خواهم که نظم و آرامش را مراعات کنند؛ و به دستورات نماینده اینجانب، جناب حجت‌الاسلام آقای خوئینی‌ها عمل کنند؛ و همه مسلمانان را برادر خود بدانند، و با آنان به طوری که شایسته یک مسلمان متعهد است عمل نمایند. امید است دولت سعودی نیز با حجاج ایرانی، که از ستمکاران غدّار که به کشورهای اسلامی تجاوز و دخالت‌های بیجا می‌کنند تظلم می‌نمایند، به نحوی شایسته هماهنگی نموده، و با همکاری و همگامی و وحدت کلمه کفار متجاوز به حریم اسلامی را محکوم کنند؛ تا حج امسال ان‌شاءاللّه تعالی به طوری که مرضی خداوند و رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله است انجام گیرد.
6- از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر است. آن است که نوعاً قدرتهای ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائنشان مقاصد شوم خود را اجرا می‌کنند. در صورتی که اگر ملتها با هشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهند شد. شواهد بر این مدعا زیاد است. و زنده‌ترین شاهد در کشورهای منطقه ایران و افغانستان است. ایران، چنانچه می‌دانیم و

می دانید، دست بسته تسلیم امریکا بود؛ و شاه مخلوع خائن این کشور را در تمامی ابعاد وابسته به امریکا کرده بود، و ایران یکی از پایگاههای نظامی امریکا بود. ارتش در دست مستشاران آن، و فرهنگ در دست جیره‌خواران، و شاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودند. اقتصاد در وابستگی از آنها بدتر. و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود. و پشتیبان او امریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند. و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بود. با اینهمه، ملت معظّم ایران، که فاقد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حربی بود، با دست خالی و ایمانی قوی فرا گرفته از اسلام و عزمی راسخ و اتکا به خدای تعالی و اعتماد به نفس در مدتی کوتاه به طور معجزه‌آسا بتهای تخیلی ساخته و پرداخته غربزدگان را فرو ریخت و طومار ستمگریهای دو هزار و پانصد ساله را در هم پیچید و بر اسطوره‌های تاریخ‌سازان و بت‌تراشان خط ابطال کشید. و افغانستان هجوم ناجوانمردانه شوروی، آن قدرت اسطوره‌ای و ارتش قدرتمند حکومت غاصب و حزب خائن، را با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به خویش درهم کوبید؛ به طوری که باید گفت شوروی با پریشانی و پشیمانی از هجوم ظالمانه خود بسر می‌برد؛ و در حیرت است که چگونه از افغانستان بدون آبروریزی جا خالی کند. و همچنین ملت قدرتمند و علمای متعهد بودند که فرانسه و انگلستان غاصب را از الجزایر و عراق بیرون کردند. اینها و امثال اینها برای فرو ریختن رعب‌های ساختگی به دست استعمار و استثمارگران کافی است که مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی را از خواب گران بیدار کند، و این طلسمهای ساختگی را و سحرهای شیطانی را ابطال نماید، و مسلمانان و دولتهای آنان را، با داشتن یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن شریان حیات غرب و شرق و دارا بودن کشورهای وسیع و غنی، از سحر و وحشتزدگی خارج کند. و از ایران که با جمعیت ناچیز سی و چند میلیونی دست همه قدرتها را از کشور خود قطع و تمام قید و بندهای استعماری را گسیخت و مستشاران و مفتخواران را از میهن عزیز راند عبرت بگیرند. و به بوق‌های استعماری، که یکصدا از اول پیروزی انقلاب تاکنون با شایعه‌پردازیها و نشر اکاذیب ایران را یک کشور در حال سقوط و ورشکسته معرفی کرده و می‌کنند، گوش فرا ندهند. و از یک قدرت اسلامی، که هدفش سرافرازی مسلمین و

کوتاه کردن دست ستمگران از ذخایر خداداد آنان است و پیوسته می‌خواهد بین برادران اسلامی صلح و صفا و اخوت ایمانی برقرار باشد، قدردانی کنند. و بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت‌طلب، که غایت آمالشان دست یافتن به کشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در مواقع گرفتاری تنها می‌گذارند، و کلمه «وفا» در قاموس آنان راهی ندارد.
7- اگر ان‌شاءاللّه آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم‌الشأنش خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعیِ بیش از صد میلیونیِ تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونیِ تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت‌ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند.
امروز ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیها و حصر و سدها، در صدد است تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد. و تاکنون، به طوری که گزارش می‌دهند، قریب یک میلیون رزمنده ذخیره تعلیم دیده دارد، که به محض آنکه لازم شود، با یک هشدار برای دفاع از میهن اسلامی خود مجهز و مسلح می‌شوند. دولت‌های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار کنند و خود در کنار ملت باشند و مردم احساس خدمتگزاری آنان را نمایند، این امر در کشورهای آنان نیز حاصل می‌شود؛ و مقدمه است برای آنچه اسلام بزرگ به آن امر کرده و طرح داده است. و باید متأسف بود که

اسلام در همه ابعادش ناشناخته است، و زیر پرده‌های استعماری در طول تاریخ می‌باشد.
از خدای بزرگ می‌خواهیم که این پرده‌های سیاه را برچیند و چشم مسلمانان را به جمال جمیل اسلام روشن فرماید، تا دنیا بداند اسلام برای جهان چه آورده است. و آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان، ارواحنا فداه، حاصل شود؛ و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است، که خداوند نصیب همگان فرماید.
8- مسلمانان، و خصوصاً مظلومان منطقه، بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره‌ها، که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچ گاه از مقصد شوم خود، که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است، منصرف نخواهد شد. و امریکا، که چنگ و دندان در منطقه نشان می‌دهد، از مهره‌ای چون اسرائیل، که مجری جنایت‌های آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می‌کند. و بازی‌های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت. و کسانی که از اسرائیل حمایت می‌کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می‌کنند، که در صورت فرصت خدای نخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می‌کشاند. و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند. چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند، خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست. و لازم است برای آرامش منطقه اکنون، که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ما أیّدهم اللّه تعالی، این جرثومه فساد را تا لبه پرتگاه هلاکت رسانده‌اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته‌اند، دولتهای منطقه از کمک به او دست بردارند، که صلاح دین و دنیای آنان است. و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ یک از دولتهای خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد. شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبرو است در یک سخنرانی گفت: «اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند»! و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند، به مسئله رهبری اکتفا نخواهد کرد. و بوقهای تبلیغاتی دولتهایی که از ایران سیلی خورده‌اند، برای مصالح خودشان و دربند کشیدن هرچه بیشتر ملتها، شماها را از ایران می‌ترسانند. ولی دولتها بدانند که ایران، به پیروی از تعالیم اسلامی، با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند با برادری و برابری رفتار می‌نماید. ولی هرگز به

خود اجازه نمی‌دهد با کسی که نسبت به ما آن همه خسارات و جنایات وارد کرده است مسالمت کند. و ملت عزیز عراق در انتظار پیروزی ایران است تا از نیشهای این عقرب جرّاره نجات پیدا کند. و امید است که با یاری خداوند این انتظار به طول نیانجامد: أَلَیسَ الصُّبحُ بِقَریب. (1)
9- حجاج محترم ایران و زائران حرمین شریفین بدانند که آنها از کشوری که برای اهداف اسلامی و بیرون راندن ستمگران از کشور عزیز خویش [قیام کرده است] به سوی خانه خدا و حرم شریف رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله و قبور معظّم و فرزندان پیامبر- علیهم صلوات اللَّه- می‌روند، تحت مراقبت برادران اسلامی سراسر جهان هستند؛ و خبرگزاریها و دروغپردازان بوقهای تبلیغاتی و دشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند، و در صددند که از کاهی کوهی بسازند و سرتاسر جهان را از شایعه‌های خود پر نمایند. در این صورت جزیی انحراف و خطا و لغزش آنان علاوه بر آنکه در پیشگاه خداوند بزرگ و رسول عظیم‌الشأنش می‌باشد، در حضور سایر زائران حرمین شریفین است، که به واسطه پیامد آن گناهی بزرگ و خطایی عظیم است؛ زیرا علاوه بر آنکه بعض اعمال و گفتارْ خلاف حرمت حرمین شریفین است، موجب وهن جمهوری اسلامی است؛ که خدای نخواسته این جمهوری اسلامی، که برای حکومت اللَّه و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده، به واسطه بعض اعمال و رفتار آنان به گونه‌ای دیگر معرفی شود؛ و عیب جویانی که مراقب خرده‌گیری و بهانه هستند بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه‌پراکنی و مشوّه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی بپردازند؛ و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت و فریضه حج رفته‌اند نوشته شود. لازم است مراقب باشند که اعمال بی‌رویّه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند. و هرکس مراقب دوستان و نزدیکان خود باشد؛ و در برنامه‌های انسانی- اسلامی صحیح، که از طرف نماینده اینجانب، جناب حجت‌الاسلام آقای خوئینی‌ها، ترتیب داده می‌شود تبعیت کنند؛ و از آنها تخطی نکنند که موجب هرج و مرج و ناراحتی زائرین

1- «آیا صبحپیروزی) نزدیک نیست؟». سوره هود، آیه 81.

فراهم شود.
و پلیس کشور سعودی و متصدیان امور حج و زیارت و دولت سعودی باید توجه کنند که زائران ایرانی، که از یک کشور انقلابی تحت ستم غرب و شرق و غارتزده که با تأیید خداوند متعال و قیام و نهضت همگانی خود را از چنگال ابرقدرتها نجات داد و با همت والای مرد و زن و کوچک و بزرگ استقلال و آزادی را به دست آورد و رژیم ستمشاهی امریکایی را به رژیم اسلامی مردمی تبدیل کرد و مستشاران و جاسوسان امریکایی و شوروی را یا از کشور راند و یا به بند کشید، به زیارت بیت‌اللّه الحرام و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه مسلمین علیهم السلام مشرف می‌شوند. میهمانان خدا و رسول‌اند. و اعانت و جسارت به آنها اهانت و جسارت به میزبانان بزرگ آنان است. خصوصاً که این میهمانان آمده‌اند تا همراه با مناسک حج به ندای ابراهیم خلیل‌اللّه و محمد رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله لبیک گویند، که لبیک به آنان نیز لبیک به خدای تعالی است. با اینانی که از کلّ فجّ عمیق (1) هجرت به سوی خدا و رسول بزرگ او کرده‌اند با مهر و صفا و محبت و وفا و اخوت اسلامی رفتار کنید، و میهمانان خدا و رسول را آزار ندهید. اینان برای مناسک حج و برائت از مشرکان و کافران، که خدا و رسول او از آنان برائت جسته است، آمده‌اند. این میهمانان متعهد را گرامی دارید؛ و از قدرت یک رژیم مقتدر اسلامی برای سرکوب دشمن اسلام و مسلمین، اسرائیل غاصب، و قطع ید ارباب او، امریکا، رأس دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی، بهره‌برداری کنید؛ و مکّه مکرّمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید؛ که این یکی از اسرار حج است. و خداوند، غنی از لبیکها و عبادات بشر است.
بارالها، ما را از پیروی شیطان و نفس امّاره حفظ فرما. ما را از حب جاه و مقام و دنیا و نفس خویش بازدار. دولتهای کشورهای اسلامی را از وحشتزدگی در مقابل دو قدرت چپ و راست نجات مرحمت فرما، و آنان را به وظایف اسلامی- انسانی آشنا نما. و ملتها و دولتهای کشورهای اسلامی را برای حصول وحدت و اخوت راهنمایی فرما. و حجاج

1- سوره حج، آیه 27. ر. ک: پاورقی 1 همین پیام.

ایرانی را، که در راه هدف بزرگ تو تحمل رنج و زحمت و اهانت و حبس و زجر می‌نمایند، از رحمت و جلوه خاص خود بهره‌مند فرما. و دست قدرتهای چپاولگر را از بلاد مسلمین کوتاه فرما. و ما را به آنچه رضای تو است هدایت نما. و لشکریان اسلام را در دفاع از سرزمین خود و مظلومان منطقه نصرت عنایت فرما. و اسرائیل غاصب متجاوز و امریکا و شوروی ستمگر را مخذول فرما. و اسلام و مسلمین را تقویت فرما و از شرّ اجانب حفظ کن.
«انَّکَ وَلیُّ النَّصْرِ وَ النِعْمَةِ وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِاللَّه صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَ اِله وَ عَلی اوْلیاءِ الْمَعْصُومین سِیَّما بَقیَّةُ اللَّه فِی الأرَضینَ- ارْواحُنا فِداهُ»
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 133
پیام
زمان: 4 شهریور 1363/ 28 ذی القعده 1404 (1)
مکان: تهران، جماران
موضوع: فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی- سیاسی حج
مناسبت: در آستانه عید سعید قربان
مخاطب: مسلمین ایران و جهان؛ حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللّه الرحمن الرحیم
مبارک باد عید سعید بزرگ قربان بر مسلمانان جهان و بر ملت بزرگ مجاهد ایران که با انقلاب کبیر خود دست جهانخواران را از تجاوز به میهن اسلامی‌شان قطع کردند؛ و به خواست خداوند متعال و حمایت حضرت بقیة اللّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- خود را از سلطه ستمگران شرق و غرب آزاد، و برای به ثمر رسیدن انقلاب بزرگ خویش با فداکاریهای فوق طاقت به نهضت و جانبازی خود ادامه می‌دهند، تا ان‌شاءاللّه مقصد اعلی، که اجرای احکام نورانی اسلام است، در کشور پیاده شود.
عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آیند. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملتهای زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. و مع الأسف ابعاد مختلف این

1- در صحیفه نوردوره 22 جلدی)، ج 19، ص 41 ذیل تاریخ 7/ 6/ 63 درج گردیده که به استناد تاریخ مندرج در دستخط امام خمینی، تاریخ 4 شهریور 63 صحیح است.

فریضه عظیم سرنوشت‌ساز به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج‌فهمیهای بعضی از معممین و مقدس‌نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می‌دانند! کج فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی‌محتوا کرده، و ذکر گرفتاریهای مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سرحد کفر می‌شمارند. وابستگان به حکومتهای جابر انحرافی که فریاد مظلومانی را که از گوشه و کنار جهان در این مرکزِ فریاد جمع گردیده‌اند. زندقه و برخلاف اسلام وانمود می‌کنند. بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده‌اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می‌کنند. و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می‌دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می‌خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می‌دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملتهای اسلامی منزوی و ناآشنا به حقایق اسلامند.
اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت‌زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد. ملت ایران- أعزّهم اللَّه- راه عذرها را مسدود نموده، و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ می‌توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت. و با اتکال به قدرت

لایزال حق تعالی، که وعده نصرت به شرط آنکه حق را یاری دهیم عنایت فرموده است، هراس به خود راه ندهند که انْ تَنْصرواالله یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ. (1)
و برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می‌باشد، همت گمارند؛ و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضتهای اسلامی، که بحمداللّه تعالی در آستانه رشد و شکل‌گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند.
اکنون که در آستانه فریضه مبارکه حج هستیم، لازم است توجهی به ابعاد عرفانی و روحانی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن داشته باشیم. باشد که این امر راهگشایی برای قدمهای مؤثر دیگر باشد. در این موضوعات بسیاری از دوستان متعهد مطالبی گفته‌اند. اینجانب نیز اشاره‌ای گذرا تنها به بعض ابعاد آن می‌کنم؛ شاید تذکری از آن حاصل شود. از آنجا که در این مناسک عجیب، از اول «احرام» و «تلبیه» تا آخر مناسک، اشاراتی عرفانی و روحانی است که تفصیل آنها در این مقال میسر نیست، اکتفا به بعض اشارات تلبیه‌ها می‌کنم.
لبیکهای مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت اللّه تعالی به اسم جامع (2) جواب می‌دهند. مسئله، مسئله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند. و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق (3) آن می‌نماید، که اهل اللّه می‌دانند، نه شریک در الوهیت فقط. گرچه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب، تا

1- بخشی از آیه 7 سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و پایداری خواهدبخشید».

2- اسم جامع الهی، «اللّه» است که در تلبیهلبیک گفتن حاجیان) مکرر بر زبان جاری می‌شود.

3- همان‌گونه که توحید بر سه قسم است: توحید ذاتی، توحید صفاتی و

توحید افعالی. در قبال هر یک ازآنها شرک قرار دارد یعنی: شرک ذاتی، شرک صفاتی و شرک افعالی. و منظور از شرک به معنای مطلق آن، هر سه قسم شرک است.

فنای عالم در نظر اهل معرفت است؛ و حاوی جمیع فقرات «احتیاطی» و «استحبابی» است، مثل «الحَمدُ لَکَ و النَعمَة لک» و «حمد» را اختصاص می‌دهد به ذات مقدس، همچنین نعمت را؛ و نفی شریک می‌کند. و این نزد اهل معرفت غایت توحید است. و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد حمد خدا و نعمت خداست بدون شریک. و در هر موقف و مشعری و وقوف و حرکتی و سکون و عملی، این مطلب و مقصد اعلی جاری است. و خلاف آن، «شرک» به معنای اعم است، که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم. بگذارم و بگذرم.
و از همه ابعاد آن مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود. و مسلمانان امروز و در این عصر- که عصر جنگل است- بیشتر از هر زمان موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند؛ زیرا بازیگران بین المللی با اغفال مسلمین و عقب نگه‌داشتن آنان از یک سو، و عمال سودجوی آنان از سوی دیگر، و غفلتزدگان نادان از طرفی، و آخوندهای درباری یا کج فهم از سوی دیگر، و متنسکان جاهل (1) از یک طرف، دانسته یا ندانسته پشت در پشت هم ایستاده و در محو این بُعد سرنوشت ساز و نجات دهنده مظلومان در فعالیت هستند. و لازم است متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام و مهجوریت این بعد در احکام اسلام، بویژه حج که این بعد در آن ظاهرتر و مؤثرتر است، با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج، که پس از این مراسم عظیم انسانها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بُعد عظیم مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار، و برای خروج مظلومان جهان از تحت فشارهای روز افزون ستمگران مدعی حمایت از صلح به حرکت وادارند. و پرواضح است که اگر در این کنگره عظیم جهانی، که همه اقشار ملتهای مظلوم اسلامی از هر مذهب و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر، ولی با زیّ واحد و لباس مشابه، دور از هر آلایش و آرایش، اجتماع نموده‌اند مسائل اساسی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان از هر فرقه

1- زاهدان و عابدان نادان.

حل نشود و حکومتهای مستکبر و زورگو سرجایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه‌ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد.
بیت اللّه الحرام، اول بیتی است که برای «ناس» بنا شده. (1) بیت همگانی است. هیچ شخصیتی و هیچ رژیمی و هیچ طایفه‌ای حق تقدم در آن را ندارد. اهل بادیه و صحرانشینان و خانه به دوشان با عاکفان کعبه و شهرنشینان و دولتمردان در آن یکسانند. (2) این بیت معظم برای ناس بنا شده، و برای قیام ناس و نهضت همگانی، و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود، و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود، و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود، و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف انجام داد. مجرد کلید داری بیت و سقایت (3) حُجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست. ساده بودن بیت و مسجد، همچون زمان ابراهیم و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی‌آلایش و وافدین (4) بی پیرایش هزاران مرتبه بالاتر است از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است. أَجَعَلْتُم سِقَایَةَ الحَاجِّ وَعِمَارَةَ المَسْجِدِ الْحَرَام کَمَنْ آمَنَ بِاللّه وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِی‌سَبِیلِ اللّه لا یَسْتَوُونَ عِنْدَاللّه وَ اللّه لاَ یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالمینَ. (5)
گویی آیه شریفه در عصر ما نازل شده و گویای حال ماست. در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجاج و به عمارت و تزئین مسجد الحرام، و غفلت از ایمان به خدا و روز جزا و کناره‌گیری از جهاد فی‌سبیل‌اللّه

1- اشاره به آیه 96 سوره آل عمران.

2- اشاره به آیه 25 سوره حج.

3- آب دهی و آب رسانی.

4- فرستادگان.

5- سوره توبه، آیه 19: «آیا آب دادن به حاجیان و عمران و آبادانی مسجد الحرام را قرار دادید مانند آن کسی‌که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است! یکسان نیستند نزد خدا، و خدا گروه ستمکاران را هدایت نکند».

را ظلم، و کسانی که چنین کنند را ظالم محسوب داشته است. ایمان به خدای تعالی و روز جزا انسانها را به جهاد فی‌سبیل‌اللّه و قیام برای حق و عدل سوق می‌دهد. و خداوند قومی را که چنین نباشند هدایت نمی‌فرماید، که اینان ظالمانند.
خدای تعالی و رسول عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سر دادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِأَنَّ اللَّه بَرِیءٌ مِنَ المُشْرِکِینَ وَ رَسُولُه (1)
در آن روز خط امریکا و آخوندهای درباریِ‌تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند- العیاذ باللّه- خدا و رسول برخلاف مناسک حج دستور داده و عمل می‌کنند، و باید حج از این مسائل به دور باشد.
روزی که ولی اللّه الأعظم، امام عصر- عجل اللّه تعالی فرجه الشریف- ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند. خداوند ان‌شاءاللّه تعالی اسلام و مسلمین را از شرّ ستم‌پیشگان نگهداری فرماید.
اینک تذکراتی هر چند تکراری را به عرض برادران و خواهران می‌رسانم؛ امید است ان‌شاءاللّه تعالی به دیده عنایت توجه نمایند.
1- مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود، و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروانها تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. و بر مسئله دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواسته تخلف از دستورات نشود. و بُعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی‌گردد، مگر آنکه بُعد معنوی و الهی آن جامعه عمل پوشد، و لبیکهای شما جواب دعوت حق تعالی باشد و خود را محْرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید، و لبیک گویان برای حق نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود»، که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او- جلّ و علا- هجرت نمایید. و امید است

1- بخشی از آیه 3 سوره توبه: «در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می‌شود که خدا وپیامبرش از مشرکان بیزارند».

برای جویندگان، آن موتی که دنبال هجرت است حاصل آید؛ و اجری را که «علی اللّه» است دریافت نمایند. و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی یابید. و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید جهاد فی سبیل اللّه و دفاع از حریم‌اللّه نمایید. شما عزیزان قدری به خود آیید و سلحشوران جمهوری اسلامی را که پیروزیهای خداپسندانه‌ای برای اسلام و کشور اسلامی کسب کرده‌اند، و اکنون جمعی از شهدای زنده آنان با شما در مناسک حج شریک هستند، بنگرید؛ و از تحول عظیمی که موجب اینهمه فداکاری در آنان شده است عبرت بگیرید. و مسلمانان بدانند تا یک درجه از این تحولات در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواهانم.
2- شما از کشور پیروزمندی که سالها تحت فشار ستمشاهی دست وپا زده و با عنایت خداوند تعالی و دعای خیر بقیة اللّه- أرواحنا فداه- قید و بندها را با تحمل مصیبات جانکاه گسیخته و هزاران شهید و جانباز در راه مقصد تقدیم اسلام نموده است عازم حج شده‌اید. شما حامل پیام ملتی هستید که با انقلاب خود کشوری را که می‌رفت با شرقزدگی و از آن بیشتر غربزدگی در الحاد و فساد و فحشا غرق شود نجات داده، و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوتی جایگزین نموده‌اند. همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی‌شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند. شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی‌شان، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکاریهای تروریستهای وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت اللّه الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید. در این صورت موقعیت شما بسیار حساس و

وظیفه شما سنگین است. یا ان‌شاءاللّه، چنانچه انتظار می‌رود، با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن‌گونه که هست به نمایش ملتهای جهان می‌گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت‌آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می‌نمایید و عملاً تبلیغات فاسد مغرضانه بوقهای تبلیغاتی را خنثی می‌نمایید، که در این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود. و یا خدای نخواسته بعضی از بیخبران برخلاف آنچه ذکر شد عمل می‌نمایند- که امید است ننمایند- که در این صورت در محضر خدا و خانه او و قبله مسلمانان مرتکب گناهی عظیم شده و از صف حجاج بیت اللّه الحرام و زائران قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین در بقیع خارج می‌شوند، و با کوله‌باری از گناه به منازل خود بر می‌گردند.
3- بسیار محتمل است که عده‌ای از منحرفان و دشمنان انقلاب و اسلام برای بدنام کردن حجاج محترم و مشوّه نمودن چهره انقلاب، بلکه اسلام، در این سفر شرکت کنند و به صفوف حجاج محترم به پیوندند و دست به کارهای ناشایسته و مخالف دستورات اسلام زنند، و گاه باعث شوند که بعض متدینین هم گول خورده و از آنها، به توهّم آنکه تکلیف انقلابی است، تبعیت کنند و به دست مخالفان انقلاب، که با دقت در صدد یافتن نقاط ضعف و خرده‌گیری از حجاج ایرانی می‌باشند، بهانه دهند؛ مخالفانی که همراه کاروانان و راهپیمایان و اجتماعات در مواقف شریفه می‌باشند مطالب را صد چندان کرده و به رسانه‌های گروهی مخالف مخابره نموده، و موجب تضعیف انقلاب می‌شوند. در این صورت، بر تمام حجاج محترم، خصوصاً رؤسای کاروانها و روحانیون محترم و اشخاص هوشیار، لازم است تا با دقت بسیار مواظب حرکات و سکنات و رفتار حجاج باشند؛ و به مجرد رؤیت یک امر انحرافی طرف را نهی کنند. و اگر دیدند اصرار دارد و در صدد فساد است، به نحوی که به ملایمت و موعظه حسنه نزدیکتر است از آن جلوگیری نمایند؛ و به دیگران هشدار دهند که او را از صفوف خود خارج کنند. و متوجه باشند که گاهی مفسدان می‌خواهند جار و جنجال و تشنج ایجاد کنند. باید از این‌گونه امور احتراز نمایند.

4- مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله ابر قدرتها، خصوصاً امریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی، از قبیل ملّاهای وابسته به خود، را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند؛ و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده‌دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند.
برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند. و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لااقل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که امریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد. امروز توطئه بر ضد ایران و حکومت آن و حزب‌اللّه در حقیقت توطئه برای محو اسلام و کتاب و سنت است. و ایران بهانه‌ای بیش نیست. اینان با ایران زمان شاه که حکومتش جان‌نثار آنان بود و ایران را در همه چیز وابسته به آنان کرده و نقشه اسلام‌زدایی را دنبال می‌کرد بسیار موافق بودند. و با ایران امروز که دستشان را از منابع و مخازن کشورمان قطع کرده و مستشاران و وابستگان به آنان را از کشور رانده است مخالفند. از طرف دیگر، دشمن حقیقی آنها هم اسلام است. مگر آنکه اسلامی ساخته و پرداخته بعضی حکومتها و آخوندهای بدتر از آنان باشد که با آن موافقند. و آن اسلام نیز حامی آنان و مدافع منافع آنان است. و از آن دیدگاه است که فریاد مظلومانه حجاج ایرانی را در مرکز وحی و مهبط أَذانٌ مِنَ اللّه وَ رَسُولِهِ اَلَیِ النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِ أَنَّ اللّه بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ در گلو خفه می‌کنند و به کفر آنان فتوا می‌دهند. پس، در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می‌دهد، انکار کنند؛ و

برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند؛ تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالأنبیا صلوات اللّه علیه- باشد و حج محمدی صلی الله علیه و آله. والّا ما أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الحجِیجَ (1) درباره آنها صادق است.
5- به حجاج محترم ایرانی، که حامل پیام اسلام و قرآن کریمند و حامل پیام انقلاب اسلامی می‌باشند، سفارش کرده و می‌کنم که در آن مواقف شریفه- چه در مکه معظمه و چه در مدینه منوره- مدارا با مسلمین و مسالمت را حتی با مأمورین آنجا از دست ندهید؛ و در آن مراکز، که محل امن است، به مقابله برنخیزید و با همه با اخلاق انسانی‌اسلامی برخورد کنید؛ و با نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت بازدارید، و به دستور خداوند تعالی با جاهلان مدارا نمایید؛ و با دقت متوجه حرکات و سکنات خود و دوستانتان باشید. و اگر مخالفان شما بر خلاف دستورات قرآن کریم با شما رفتار کردند، مقابله به مثل نکنید، تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند و مطیع باشید.
و باید بدانید که انسان در اجتماعات بزرگ، نظیر راهپیماییها، تحت تأثیر واقع می‌شود و چه بسا که از خود بیخود شود و از یک شعار و فریاد بی‌توجه تبعیت کند؛ و چه بسیار که در اجتماعات حج و راهپیماییها، که باید با آرامش و مسالمت انجام گیرد، یک و یا چند نفر منحرف جنجال‌انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در نفوس اثر گذارند و انحراف را تحمیل نمایند. لازم است حجاج محترم ایرانی با دقت با این مسائل توجه داشته باشند. و کسانی که کارگردانان راهپیماییهای مسالمت‌آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند. و قبل از شروع راهپیمایی، عده‌ای که متوجه جهات مختلف هستند و از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند، با مشورت از نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، شعارهایی را تهیه نموده و مردم را توجیه نمایند؛ و اعلام شود که همه موظف به تبعیت از شعارهای تنظیم شده هستند، و به دیگر شعارها جواب ندهند. و باید نظم و آرامش را حفظ نمایند.

1- «چه بسیارند ناله و فریاد کنندگان، و چه اندکند حج گزاران».

6- ملت و دولت ایران، در حالی که از بسیاری از دولتهای منطقه مخالفتهای بیجا دیده است، هرگز نمی‌خواهد از اخوت اسلامی چشم‌پوشی نموده و به اعمال قدرت دست زند. حکومتهای منطقه در عوض آنکه همه دست در دست هم منطقه را از دست قدرتهای بزرگ، که به آنها به چشم وابسته می‌نگرند، نجات دهند، و نیز به جای آنکه در مقابل کسانی که ثروتهای سرشار آنان، خصوصاً نفت، را به رایگان می‌برند بایستند، و به جای آنکه منطقه را از لوث وجود اسرائیل پاک کنند، همه کوشش خود را در معارضه با دولت و ملت ایران خلاصه کرده‌اند! اینان با دشمن و متجاوز به ایران، که اگر فرصت پیدا کند به همه منطقه تجاوز می‌نماید، همدست شده و بر ضد ایران، که جرمی جز پیاده کردن احکام اسلام ندارد، همکاریهای همه جانبه می‌کنند. اینان باید بدانند که دولت ایران با قدرت عظیمی که از عنایات خداوند تعالی و پشتیبانی ملت چهل و چند میلیونی سرچشمه می‌گیرد قدرت مقابله به مثل را دارد. و این به وضوح ثابت شده است که امریکا و دیگر قدرتمندان در موارد گرفتاری دولتهای وابسته، تنها به اظهار پشتیبانی لفظی و احیاناً به فروش سلاحهای ابتدایی با قیمتهای بالا اکتفا نموده، و هرگز مشکلی از آنان را نمی‌گشایند. نمی‌توانند بگشایند، چرا که تصادم قدرتها در جهان بیش از این اجازه دخالت آشکارای آنان را نمی‌دهد. با تمام این اوصاف، ما همیشه دست برادری خود را برای از بین بردن نفوذ ابرقدرتها به سوی کشورهای اسلامی دراز کرده‌ایم. شما حکومتهای منطقه دیدید که صدام را امریکا و هم قطاران آن به چه بلیه‌ای دچار کردند.
در حالی که ایران در انقلاب و آشفتگی به سر می‌برد، او را به نوید «سرداری قادسیه» (1) وادار کردند تا از زمین و دریا و هوا به کشور ما هجوم آورد. و خیانت بعضی از دست اندرکاران آن وقت نیز فرصتی بیشتر به او داد. مع ذلک، با همه آشوبها و گرفتاریهایی که نیروهای سلحشور دریایی، هوایی و زمینی با آن دست به گریبان بودند، در کنار سپاه و بسیج و نیروهای مردمی، دشمن را که مناطق وسیعی از کشور را غافلگیرانه مورد تجاوز

1- صدام حسین خود را در جنگ تحمیلی علیه ایران، سردار قادسیه خواند. «قادسیه» نام مکانی است درنزدیکی شهر نهاوند که معروفترین نبرد میان اسلام با لشکریان یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی در آنجا رخ داد و به همان

نام مشهور شد که سرانجام نبرد به پیروزی اعراب تمام شد.

قرار داده بود در همان محلها میخکوب نمودند؛ و پس از مدتی نه چندان زیاد با همه پشتیبانیهایی که از اطراف به او می‌شد آنها را از کشور خود راندند. و وضعیت امروز این دشمن خدا را نیز می‌بینید و می‌دانید که دیگر دولتهای منطقه در مقایسه با صدام چندان مهم نیستند. صدام امروز در این لجنزار مخوف برای یافتن راه نجات دست و پا می‌زند، و فریادش به جایی نمی‌رسد. ایران اگر او را یک انسان متعادل می‌دانست، امید نجاتی برای او بود. ولی با روحیه جنون‌آمیزی که از او آشکار است، ملت ما اجازه نمی‌دهد که جنایات نابخشنودنی او را نادیده بگیرند و او را برای ادامه خیانت به حال خود گذارند.
پس، او را در حال اضطراب جانکاه و موت و حیات تا موقع مقتضی نگاه می‌دارند.
و اینجانب به شما دولتهای منطقه هشدار می‌دهم که با مشورت با عقلا و تفکر در آینده خود، بدون توجه به وعده‌های امریکا و دوستانش، که می‌خواهند شما را گرفتار کنند و با تخیلات نابجا همچون صدام عفلقی شما را به دام می‌اندازند تا خود را در منطقه هر چه بیشتر حاضر کنند و سرنوشت منطقه را به دست گیرند، خود را از این مهلکه کنار گیرید. و مطمئن باشید که دولتی چون دولت ایران، که متعهد به اسلام است و از فرامین الهی تخطی نمی‌کند، اگر دست برادری او را فشار دهید هرگز ضرر نمی‌بینید. و چه بهتر که دولتهای منطقه تمام نیروی خود را برای محو اسرائیل از جغرافیا تجهیز کنند.
اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آنهمه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از اینکه دولتهای منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شرّ اسرائیل و امریکای طرفدارش نجات دهند. و من کراراً تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند، و شما را غاصب سرزمینهای خویش می‌شمرد، گرچه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد.
چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می‌کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می‌نماید.
اینجانب نصیحت برادرانه به شما نمودم؛ اکنون خود دانید. و به دولتهای نظیر حکومت مصر هشدار می‌دهم که مبادا گول توطئه امریکا را بخورد، و به بهانه مین‌گذاری در دریای سرخ و کانال سوئز، که سر و صدای آن را به قدری بلند کرده‌اند که انسان

مطمئن می‌شود که چیزی جز توطئه ابر قدرتها نیست، دست به اعمال ماجراجویانه‌ای بزنند. و همان طور که همه می‌دانند، تا کنون اصل قضیه در پرده ابهام است. از طرف دیگر، آسیب دیدن چند کشتی و جنجال دولتهای استعمارگری چون امریکا و انگلستان و فرانسه خود نشان، دهنده نقشه حضور بیشتر آنان در آن منطقه است. که هر چه این هیاهوها دامنه‌دارتر می‌شود، انسان به پوچ بودن دعوی مطمئنتر می‌گردد. و در هر صورت، اگر مصر با دولت و ملتی مثل ایران که برای بستن دست ستمکاران انقلاب نموده است بخواهد مقابله کند، باید بداند که ملتهای مسلمان و انقلابی جهان او را محکوم نموده و ساکت نخواهند نشست. صلاح حال امثال مصر آن است سرنوشت خود را به دست امریکا و دوستانش ندهد و خود را بی‌جهت وارد معرکه نکند.
و از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر، و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم. والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته.
4 شهریور 63/ 28 ذی‌القعده 1404
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 146
سخنرانی
زمان: صبح 15 شهریور 1363/ 10 ذی‌الحجه 1404
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: ظاهر و باطن اعمال در منظر اهل دنیا و اهل معرفت
مناسبت: عید سعید قربان
حضار: مسئولین جمهوری اسلامی، مقامات لشکری و کشوری (1) و اقشار مختلف مردم

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

تفاوت اعمال انبیا با مردم

من هم متقابلًا به همه آقایان، به همه امت مسلمان دنیا و مستضعفین، این عید سعید را تبریک عرض می‌کنم.

1- خامنه‌ای، سیدعلیرئیس‌جمهور)- هاشمی رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریمرئیس دیوانعالی کشور)- موسوی، میرحسیننخست‌وزیر)- مهدوی کنی- فلسفی، محمدتقی- اعضای شورایعالی قضایی- هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی- اعضای هیأت دولت- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم سفرا و کارداران کشورهای اسلامی مقیم ایران- رئیس ستاد مشترک ارتش- فرماندهان نیروی زمینی، هوایی، دریایی- اعضای جامعه روحانیت مبارز- مسئولان شهربانی و ژاندارمری- شورایعالی سپاه پاسداران و بسیج مستضعفان- شورای کمیته‌های انقلاب اسلامی- رؤسای سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری- وعاظ تهران- اعضای ستاد انقلاب فرهنگی- اعضای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق- اعضای جهاد دانشگاهی- مسئولان نهاد ریاست جمهوری- صدا و سیما- ستاد تبلیغات جنگ و خبرگزاری جمهوری اسلامی- جهاد سازندگی- بنیاد شهید- بنیاد پانزده خرداد- بنیاد مستضعفان- دادستانی ارتش- عقیدتی سیاسی نیروهای نظامی و انتظامی- دادگاه انتظامی قضات- شورای سرپرستی زندانها- شورای ائمه جمعه قم- دفتر تبلیغات قم- دبیرخانه ائمه جمعه- ستاد برگزاری نماز جمعه تهران- شورای تبلیغات اسلامی- حزب جمهوری اسلامی- استاندار و فرماندار و شهردار تهران- مسئولان بنیاد مسکن- کمیته امداد امام- دفتر مشاورت امام و شورایعالی دفاع- سازمان اوقاف- کمیته امور صنفی- مرکز اسناد انقلاب- هواپیمایی جمهوری اسلامی- اتاق بازرگانی- دانشگاه آزاد- تربیت مدرس- جامعةالامام الصادق علیه السلام- مسئولان جراید- خبرنگاران داخلی و خارجی.

و امیدوارم خدای تبارک و تعالی به برکت این عید و سایر اعیاد شریفه، ما را و همه ملتهای مسلمان را هدایت کند که به راه مستقیم اسلام سیر کنیم. و به مقاصد اسلامی فکر کنیم و بتوانیم بین مسلمین یک آشتی، یک وحدتی ایجاد کنیم. حضرت ابراهیم که این عید منتسب به او هست و بنیانگذار ایثار است، صورت عمل، یک معناست و معنا و محتوای عمل، یک باب دیگر. اینجا صورت عمل هم یک مشکلی است برای حلّش و یک امری است که فوق طاقت نوع بشر است. اما آن چیزی که ابراهیم را ابراهیم می‌کند، مسئله این صورت نیست، مسئله آن سیری است که فرموده است و منتهی به این مسائل شده است.
ابراهیم که به حسب روایات شریفه ما، در آن وقتی که طرف آتش داشت می‌رفت، ملائکه آسمان به او گفتند که حاجت دارید؟ گفت به شماها نه. آن یک باب دیگری از معارف را داشته است. و ما صورت عمل را می‌بینیم و از آن هم اعجاب می‌کنیم و اعجاب آور هم هست. لکن آنهایی که اهل معارف الهی هستند، باطن این صورت را ملاحظه می‌کنند. اصل اعمال انبیا مطلقاً به حسب صورت، با اعمال ما به حسب نوع موافق است. آنها نماز می‌خوانند ما هم نماز می‌خوانیم، آنها روزه می‌گیرند ما هم روزه می‌گیریم، آنها حج می‌روند ما هم حج می‌رویم، آنها قربانی می‌کنند ما هم قربانی می‌کنیم، وقوف می‌کنند ما هم وقوف می‌کنیم، این صورت را همه با هم مشترکیم.
لکن- تفاوت- آن چیزی که اعمال ما را با آنها متفاوت می‌کند و اعمال انبیا را بعضیها با بعضی دیگر متفاوت می‌کند، آن مغز عمل است. آن چیزی است که آنها از آن مبدأ الهام می‌گیرند و این اعمال را با الهام از آنجا عمل می‌کنند.
مسئله وحی و گرفتن وحی که در انبیا هست- و آنها هم متفاوت هست- یکی از امور مهمی است که‌انسان تصورش را نمی‌تواند بکند که مسئله چی هست و از چی بوده است. واسطه، جبرئیل است، جبرئیل چه جور واسطه بوده است؟ آیا پیغمبر نازل کرده است جبرئیل را و به ولایت او نازل شده است؟ با جبرئیل نازل شده است و آن وحی را رسانده است؟ مسائلی که در آن صحبت است.

ص: 148

معنای عید از نظر پیامبران

مسئله قربانی فرزند یک باب است که به حسب البته دید نوع بشر، مسئله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می‌شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جا متحقق می‌کند، این یک مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می‌فهمیم. ما همین می‌گوییم که ایثار کرد، قربانی کرد و واقعاً این طور بوده است، مهم هم هست. لکن آیا درنظر ابراهیم هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا یک چیزی، تحفه‌ای می‌برد پیش خدا؟ اسماعیل هم علیها السلام در نظرش بوده که یک جانفشانی دارد می‌کند برای خدا؟ یا مسئله این نیست. این مسئله‌ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می‌کنم در راه خدا فرزندم را، من ایثار می‌کنم در راه خدا جان خودم را. این، برای مامهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسئله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی نمی‌بیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی‌بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرک است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است.

عید برای ما یک معنا دارد، برای ابراهیم و برای پیغمبرها یک معنای دیگری دارد، ما هم عید می‌کنیم، آنها هم عید می‌گیرند، لکن آنهایی که عید می‌گیرند عید لقاست، آنها عود می‌کنند به آن جایی که از آنجا ظاهر شدند و عید می‌گیرند برای این امر، البته بعد از ارجاع به- باز از آن معنای سیرالهی- بعد از ارجاع اسمش عید می‌شود. و بعدهای معنوی‌اش بسیار زیاد است و دست ما از آن کوتاه است و بعدهای سیاسی و اجتماعیش هم زیاد است و زیاد بوده است و امیدواریم که زیاد بشود.

امیدواریم که مسلمانها به خود بیایند و از همین عباداتی که خدای تبارک و تعالی برای آنها مقرّر فرموده است، از همینها، هم سیر معنوی بکنند و هم برداشتهای سیاسی و هم عمل.

این طور نباشد که نماز را ما همان جهت تقرب الی اللّه آن را ملاحظه کنیم. البته آن بالاترین چیز است، لکن بعد از اینکه انسان نمازگزار شد ایثارگر خواهد شد، بعد از آن که ایثارگر شد، برای اسلام خدمت خواهد کرد. و حج که در او جهات اجتماعی و سیاسی بیشتر ظاهر است، این بحمداللّه امسال تاکنونش خوب برگزار شده است و امیدواریم که از این به بعدش هم خوب برگزار بشود و بعدها هم افزوده بشود مسلمین را بیدار بکنند این حجاجی که دربیت اللّه الحرام هستند. گرچه مع‌الأسف بعضی از آخوندهای بسیار نافهم یا بسیار موذی در همین مقطع از زمان شروع کردند به چیزهایی نوشتن و رساله‌هایی پخش کردند و نسبت به شیعه و نسبت به ائمه شیعه و نسبت به طریقه شیعه جسارت کردند و این در یک همچو مقطعی که عقلای طرفین، عقلای مذاهب با هم جمع شدند و علمای مذاهب با هم جمع شدند و می‌خواهند فکر بکنند برای مصالح اسلام، در یک همچو مقطع یک همچو رساله‌هایی منتشر می‌شود، کأنّه خطر برای امریکا دیدند و واویلا بلند کردند.
آن آخوند احمقی که در یک همچو مقطع از زمان به بعض مقدسات شیعه جسارت می‌کند، درصدد این است که در مقابل او هم یک کسی پیدا بشود، آن هم یک چیزی بگوید و موجب بشود که بین مسلمین در یک همچو مقطع از زمانی که دارد وحدت ایجاد می‌کند، اختلاف ایجاد بشود. واقعاً اسلام چه کند با این طرز فکرها، با این طرز عملها؟ اسلام چه کند با این آخوندهایی که خودشان را به صورت یک روحانی درآوردند و در بین مردم پخش هستند؟ این گرفتاری است که در یک همچو موقعی که مسلمین دارند فکر می‌کنند، او به عنوان اینکه من دیدم که بعض از جوانها متمایل به این اجتماع شدند، متمایل به این ایران شدند، تکلیف دیدم به اینکه بگویم اینها مشرک‌اند، اینها مجوس‌اند اینها چطورند و به بعض مقدسات جسارت کردند. این، جز اینکه خدمت به استعمار است، خدمت به قدرتهای بزرگ است و کارشکنی برای اسلام و مسلمین است؟ ما باید فکر کنیم برای این مسائل. مسلمانها باید فکر کنند برای این مسائل و این اشخاصی که این طور در صدد شکستن وحدت مسلمین‌اند.
و بالجمله من امیدوارم که ایران با این راهی که به پیش گرفته است فقط ملاحظه آن

جهات صوری را نکند و ملاحظه جهات معنوی را هم بکند. تمام مسائل برای معنویّات است. پیغمبرها هم که آمدند و احکام را منتشر کردند برای این است که تزکیه، بکنند:
مردم را یُزَکّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابْ. (1)
همه برای این آمدند که مردم را با مبدأ وحی آشنا کنند، سیر إلی‌اللَّه بدهند، صراط مستقیم، هدایت را به صراط مستقیم بکنند. و ما ایرانیها و مسلمانها علاوه بر اینکه جهاد در راه اسلام می‌کنیم، باید از جهاداکبر هم غافل نباشیم، از جهاد به نفس هم غافل نباشیم که مبدأ همه امور است. و باید این اعیاد را همان طوری که عید می‌دانیم برای مسلمین، و ذخر و شرف می‌دانیم برای پیغمبر اکرم باید ما خودمان مهیا بشویم که برای پیغمبر اکرم، ذخر (2) و شرف باشیم.
طوری عمل بکنیم در مکه، در مدینه، در همه جا و با همه مسلمین در هر جا، طوری رفتار بکنیم که این اسباب شرافت اسلام بشود. اسباب این بشود که مردم بفهمند که اسلام چه جور تربیت می‌خواهد بکند، از تربیت اسلامی‌مردم ملتفت بشوند که اسلام آمده است برای چی. قرآن شریف آمده است برای چی.

تمام مسائلی که هست ما می‌خواهیم دست ظالمها را کوتاه کنیم ان‌شاءاللّه و می‌خواهیم که قدرتها را سرکوب کنیم و پایشان را از این بلاد مسلمین کوتاه کنیم ان‌شاءاللّه. همه اینها مقدّمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیرالی اللّه است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سیرالی اللّه‌باشد. شکستن بت نفس که بالاترین بتهاست دنبال او شکستن بتهای دیگر.
بحمداللّه امسال در مکه با این تظاهرات عظیم و با این شعارهای کوبنده یک مقداری از صولت بتها شکسته شد و ان‌شاءاللّه بعدها هم خواهد شد.

1- سوره جمعه، آیه 2.

2- ذخیره؛ اندوخته.

و امیدواریم که هر سال بر این مسائل اضافه بشود و مسلمانها متصل بشوند به هم و همراه هم فریاد بکشند در جایی که جای فریاد است. و از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه ما را بیدار کند و همه مسلمین را بیدار کند، و توجه آنها را به مصالح اسلام و به مصالح مسلمین بیشتر بکند.
و امیدوارم که دولتهای منطقه هم به خود بیایند و از تبلیغات سوئی که این آخوندها می‌کنند، خودشان را کنار بکشند، و از تبلیغات سوئی که امریکا و عمال او می‌کنند خودشان را کنار بکشند و با یک وحدت کلمه بروند تا اینکه اسلام را از دست این خونخوارها نجات بدهند، و بلاد مسلمین را از دست این اشخاصی که می‌خواهند ببلعند همه بلاد مسلمین را، نجات بدهند.
خدای تبارک و تعالی به همه ما و به همه شما توفیق عنایت کند که این اعیاد را با آشنایی به اسلام و احکام اسلام عید بگیریم.
والسلام علیکم و رحمة اللّه

ص: 152
سخنرانی
زمان: صبح 25 تیر 1364/ 27 شوال 1405
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: اهمیت ساده‌زیستی روحانیت و دست‌اندرکاران
مناسبت: سومین اجلاس سالانه مجلس خبرگان
حضار: مشکینی، علیرئیس) و اعضای مجلس خبرگان
بسم اللّه الرحمن الرحیم

اهمیت ساده زیستی روحانیت و مسئولان

من قبلًا از حسن نظر آقای مشکینی تشکر می‌کنم و امیدوارم خداوند موافق حسن نظر ایشان با من رفتار کند و همه ما را توفیق بدهد که در خدمت اسلام باشیم. و همچنین تشکر می‌کنم از آقایانی که من را مفتخر به زیارت خودشان کردند و امیدوارم این مسئولیتی را که به آنها محول شده است، به احسن وجه به پایان برسانند و آن طوری که موجب رضای خداست عمل کنند.
از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود، و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منّت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی‌را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است

از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.
البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته‌ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین‌ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید وجهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان‌طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالابالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف- به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت- هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواسته، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد. آنهایی هم که می‌خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می‌توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعاتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این‌طور نباشد که امام جمعه‌ای وقتی در خیابان می‌آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می‌کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی‌است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی‌دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه اینکه مثل رئیس جمهور امریکا که اگر این مقام را از او بگیرند شاید از حسرت دق کند!

ص: 154

جهت دیگری هم که باید عرض کنم این است که الآن ایام حج است و حج از امور کشور ما و همه جاست، و ما باید به آن توجه خاصی بکنیم. من آقای موسوی خوئینی‌ها را می‌شناسم، و ایشان خیلی فعال بودند و خوب عمل کردند، اما چون وجودشان در دادستانی لازم بود و از این جهت، امسال نمی‌توانند به حج بروند، هرچه فکر کردم دیدم که آقای کروبی به جای ایشان مناسب است. و آقای کروبی کسی است که سالهای طولانی در رژیم سابق کتک خورده است، و در این راه صدمه زیادی دیده‌اند و فرد مقاوم و صالحی است. از این جهت، ایشان را موقتاً امسال می‌فرستیم تا ببینیم سال های دیگر چه باید بکنیم.
اما مسئله‌ای که عرض کردم، دنبال این هستند که نقطه‌ای پیدا کنند و بگویند این است که، حال که آقای موسوی کنار رفته‌اند تبلیغ می‌کنند «وضع ایران تغییر و سیاستش فرق کرده است». آنها نمی‌دانند سیاست حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم، حج سیاست اسلامی‌است. ما از اول بنایمان بر این بوده است، به حج آن طوری که بوده است عمل کنیم. همان طور که پیغمبر اکرم بت‌ها را در کعبه شکست، ما هم بت‌ها را بشکنیم، و این بت‌ها که در زمان ما هستند، از آن زمان بالاتر و بدترند. ما باید همان طور که سابق عمل کرده‌ایم، به حج برویم و همان طور که سابق تظاهرات و راهپیمایی کردند، عمل کنیم؛ و با تغییر آقای موسوی، سیاست ما تغییر نکرده است. حج به همان وضعی که همیشه و در این دو-سه سال برگزار شد، برگزار می‌گردد، و دولت‌ها هم باید آن را تحمل کنند. و ما نمی‌توانیم از آن وظیفه‌ای که اسلام برایمان قرار داده است عدول کنیم و قرآن هم همین دستور را داده است و سیاست ما در حج همان سیاست است که بوده و هر وقت هم به حج برویم همان طور عمل می‌کنیم، مگر جلوی ما را بگیرند و نگذارند به حج برویم که آن مسئله دیگری است.
و من امیدوارم این فریضه را همان طور که تا به حال بجا آورده‌اند، امسال بهتر و با جمعیت بیشتر به انجام برسانند.

ص: 155

و افرادی هم که به حج می‌روند بیشتر متوجه اعمال و با یکدیگر متحد باشند، و امیدوارم کشورهای مسلمان دیگر هم این احساس را کرده باشند. و بیش از یک میلیارد جمعیت مسلمان نباید دنبال این باشند که امریکا چه می‌گوید و شوروی چه می‌گوید، و روی پای خود بایستند و به دیگران اعتنا نکنند، همان طور که این کشور چهل میلیونی که نسبت به سایر کشورها خیلی کوچک است، روی پای خود ایستاده و می‌گوید: «نه شرقی و نه غربی» و الآن هم احترام این کشور از احترام آن کشورهایی که مورد حمایت آنها هستند بیشتر است، و توجه نفوس مسلمانان به این جا زیادتر گردیده. بنابراین، ملتها خوف نداشته باشند که امریکا چه می‌کند، اینها طبل توخالی هستند، فریاد می‌زنند و عمل نمی‌کنند. شما ببینید امریکا راجع به تروریست‌ها که همه و ما با آن مخالفیم، چه گفت و چه کرد؛ مرتب دنبال این بودند آنها را به یکی از کشورهای مخالف خود بچسبانند که نتوانستند. و تشرهای اینها توخالی است، و هیچ خبری نمی‌شود و ملت‌ها نباید بترسند و باید راه خودشان را طی کنند، و اسلام و خدا پشتیبان آنان است و کسی که خدا پشتیبان اوست، نباید از چیزی خوف داشته باشد. امیدوارم خداوند ما را موفق فرماید که تابع دستورات او باشیم.
والسلام علیکم و رحمةاللّه

ص: 156
حکم
زمان: 28 تیر 1364/ 30 شوال 1405
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب سرپرست حجاج بیت‌اللَّه الحرام
مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج بیت‌اللّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته
نظر به اینکه جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، منصوب به دادستانی کل کشور شدند و از تصدی امر حجاج در این سال معذور می‌باشند، جنابعالی را به سمت نمایندگی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می‌نمایم، تا با توجه به اینکه فریضه حج یکی از بزرگترین فریضه‌های عبادی- سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگترین کنگره‌های جهان اسلام است، حجاج محترم جهان را دور هم گردآورده، و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده، و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید؛ و راههای اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید؛ و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف مشکلاتی را که برای همه مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است، که اهمّ آن اختلاف انگیزی بین صفوف مسلمانان است، را چاره اندیشی بنمایید.
همان طور که همه می‌دانیم، در سده‌های اخیر آتش‌افروز این معرکه خطرناک قدرتهای جهانخوار شرق و غرب می‌باشند، که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان

وحشت دارند، و با تمام قوا، مستقیماً یا به دست عمال منحرف خود، به این اختلافات دامن می‌زنند، تا بر مقدرات مسلمانان جهان مسلط و بر آنها حکومت نموده و ذخایر بی‌پایان آنان را چپاول نمایند. ان‌شاءاللّه در مقابله با تبلیغات دروغین رسانه‌های گروهی، و از آن بدتر آخوندهای درباری که با قلم و بیان علیه جمهوری اسلامی بپا خاسته‌اند، پیروز شوید. در ضمن جنابعالی مکلف می‌باشید تا به تمامی درخواستهای اینجانب در متن حکم جناب آقای موسوی خوئینی‌ها، مثل تظاهرات بزرگ مکه و مدینه، عمل نمایید.
امیدوارم با قاطعیتی که از جنابعالی سراغ دارم این امور به بهترین وجه انجام گردد.
از تمامی حجاج محترم و روحانیون عزیز می‌خواهم تا با جنابعالی همکاری لازم را بنمایند، واز هر حیث به دستورات جنابعالی عمل نمایند. والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته.
28 تیر ماه 1364
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 158
پیام
زمان: 25 مرداد 1364/ 28 ذی القعده 1405
مکان: تهران، جماران
موضوع: پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج
مخاطب: زائران بیت اللّه، مسلمین ایران و جهان

پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
با سپاس فراوان از الطاف عالیه حضرت باری تعالی و ادعیه حضرت بقیةاللَّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- در حالی ملت عظیم‌الشأن ایران به سر می‌برند و زائران بیت‌اللَّه الحرام به میعادگاه الهی می‌روند تا دعوت خداوند را، که با ندای حضرت ابراهیم، ابوالانبیا، و حضرت محمد مصطفی، خاتم الرسل- صلی‌اللَّه علیهما و علی آلهما- به آنان ابلاغ شده، اجابت نموده، لبیک گویان و پایکوبان به حضور دوست در آن مکان مقدس مشرّف شوند، گرچه همه جا محضر و حضور است. چه خورشید تابان اسلامِ بزرگ در شرق و غرب عالم نورافشانی می‌نماید، و ندای ابراهیمی و محمدی در گوشه و کنار گیتی طنین افکنده و جان و دل مسلمانان جهان را روح بخشیده، و فریاد وحدت بین طوایف مسلمین از هر فرقه و مستضعفان و مظلومان از هر ملت در سراسر جهان زلزله افکنده، و کاخ آمال ستمگران و جهانخواران در شرف انهدام و فرو ریختن است. گویی دولت مستضعفین نزدیک، و وعده حق تعالی قریب الوقوع است.
زائران بیت‌اللَّه و عاشقان لقاءاللَّه در سالی از خانه‌های «خود» و «خودی» به سوی خداوند و رسول گرامی او هجرت می‌کنند که کعبه معظمه برای پذیرایی مسلمانان عاشق حق و عدالت و فریادهای کوبنده آنان بر سر ابرظالمان دهر و ابرچپاولگران جهان

آغوش باز نموده و انتظار پذیرایی آنان را می‌کشد. و بیت‌اللَّه الحرام و کعبه معظمه زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی- محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بتهای شرق و غرب را در هم می‌شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند. و دل میقات در هوای زائرانی می‌تپد که از کشور «لاشرقیه و لا غربیه «آمده‌اند تا با تلبیه (1) و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پا زدن بر مکتبهای شرقی و غربی و انحرافات ملیگرایی فرقه‌زدایی نموده، با همه ملتها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غمخوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با یدِ واحده بر دشمنان بشریت و زورگویان جهانخوار بتازند. و جمرات انتظار فداکارانی را می‌کشد که از کشوری آمده‌اند که ملت شجاع آن شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بیباکانه از کشور خود رانده‌اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگریزه‌ها و شعارهای کوبنده گروه شیاطین را از «ام القری» (2)
و «ما حَولَها» (3)
، که جهان است، رمی و طرد کنند. و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانشان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده‌اند تا آرمانها و امانی (4) اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست‌بازان قلابی را، که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده‌اند، رسوا کنند. و دیدید و دیدیم که یک ملت کوچک در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده‌ای قوی و مشتی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چه سان رژیم طاغوتی را، با آنهمه ساز و برگ جنگی و آنهمه پشتیبانی قدرتهای بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چه سان دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کرد. و می‌بینیم که با آن رسانه‌های گروهی وابسته به

1- اجابت کردن، لبیک گفتن در جواب کسی و لبیک گفتن در حج.

2- ام القرامادر سرزمینها): مکه معظمه.

3- آنچه پیرامون آن است.

4- آرزوها.

قدرتهای شیطانی، که بسیاری از اوقات خود را در شب و روز صرف دروغ‌پردازی و تبلیغات بی‌اساس و فتنه‌انگیزی می‌کنند، چگونه برخورد نمود: برخوردی که این رسانه‌ها برای خود و اربابانشان رسوایی هدیه آورده‌اند؛ و همه تهمتهایشان موجب تقویت جمهوری اسلامی گردید، و توجه هرچه بیشتر مظلومان و مستضعفان جهان را به جمهوری اسلامی جلب نمود. و می‌بینیم که تهمتهای تروریستی و تروریست‌پروری، که به خیال سردمداران کاخ سفید و ایادی آنان و دستگاههای تبلیغاتی وابسته به ابرجنایتکاران برای تضعیف جمهوری اسلامی به طور چشمگیر و فزاینده‌ای در کار است، به خواست خداوند متعال نتیجه معکوس داده و موجب تضعیف روحیه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی و تقویت روحیه ملت ما، بویژه رزمندگان و سایر ملتهای مظلوم و مستضعف، گردیده است. ومَکَرُوا و مَکَرَاللّه و اللّه خَیرُ المَاکِرِینَ. (1)
و از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست‌پروری سردمداران کاخ سیاه امریکا بر سرِ زبانها، حتی روشنفکران امریکا، افتاده است. کاخ سیاه با اخراج رژیم عراق از لیست تروریستها به صورتی واضح ثابت کرد که تروریست‌پرور و طرفدار آن است. کاخ سفید میزان تروریست و ضد آن را مخالفت با جنایاتش در سراسر جهان، و موافقت با آن می‌داند. رژیم عراق تا مخالف بود، در لیست تروریست‌پرورها بود. و آن روز که سر اطاعت به آستان کاخ سیاه نهاد، از لیست خارج شد! هر چند توطئه‌های تروریستی آن در منطقه، خصوصاً خلیج فارس، برملا شده باشد.
بحمداللّه والمنة، امروز ایران و سایر ملتهای مسلمان راه خود را یافته، و انبوه زائران بیت‌اللّه الحرام از ایران و سایر کشورهای اسلامی برای احیای مراسم عبادی- سیاسی حج در حول مسجدالحرام، مرکز ثقل اسلام و مهبط (2) ملائکة اللّه و محل نزول وحی، گرد آمده‌اند تا به وظیفه الهی و قرآنی خود، که همانا اعلام و فریاد برائت از مشرکان است، که رسول ختمی صلی الله علیه و آله به وسیله مولانا علی بن ابیطالب- سلام‌اللّه علیه- در حج اکبر اجرا فرمود،

1- بخشی از آیه 54 سوره آل عمران: «مکر کردند و خدا مکر کرد، خدا بهترین مکرکنندگان است».

2- محل فرود.

عمل خواهند کرد. و اگر ان‌شاءاللّه عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده‌اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخهای ستم فروخواهد ریخت. اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین برائت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملتهای اسلامی و دولتهای کشورهای اسلامی، با اینهمه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند، و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ نشینان نترسند و تحت‌تأثیر تبلیغات دروغین رسانه‌های طرفدار و جیره‌خوار ابرجنایتکاران واقع نشوند، و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمتهایی که به آنها داده است بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمکهای خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت، که ما قدر آن را نمی‌دانیم، تسلیم خواهند شد.
هان! ای مسلمانان قدرتمند، به خود آیید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید؛ و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را، که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید؛ و تفرقه افکنان، از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملیگرایان بیخبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند، و راه را برای غارتگران باز می‌کنند. خداوند تعالی اسلام و ممالک مسلمین را از شرّ جهانخواران و پیوستگان و وابستگان به آنان نجات دهد.
اینک تذکراتی، هرچند گفته شده، داده می‌شود؛ امید است نافع واقع شود.
1- به خواهران و برادران محترم کشورهای اسلامی قبل از هر چیز این نکته را باید عرض کنم که صورت حج، این عبادت بزرگ را که برای انجام آن مشرف می‌شوید به صورتی شایسته و موافق دستور الهی انجام دهید و مسائل آن را نزد علمای اعلام با دقت فرا گیرید. مبادا خدای ناخواسته پس از انجام حج و گذشت وقت معلوم شود که خللی در

آنها وارد شده و موجب بطلان حج گردیده و زحمتهای شما هدر رفته است. حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند، تا صورت حج مطابق شرع مطهر انجام گیرد. و از مهمات در همه عبادات اخلاص در عمل است. که اگر خدای نخواسته کسی عملی را برای خود نمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشد، عمل او باطل است. و حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند. و جهات معنوی حج بسیار است. و مهم آن است که حاج بداند که کجا می‌رود و دعوت کی را اجابت می‌کند و میهمان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بداند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی اللّه مباین و موجب نقص معنویت حج است. و اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد و لبیک براستی مقرون به ندای حق تعالی تحقق حقیقی یابد، انسان در همه میدانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می‌شود. و برای چنین انسانی شکست مفهومی ندارد. خداوند تعالی شمه‌ای از این سیر معنوی و هجرت الهی را نصیب همه ما فرماید.
2- شما زائران عزیز از کشوری به سوی حق می‌روید که در سایه الطاف خداوند و برکت دعای ولی اللّه اعظم- روحی لمقدمه الفداء- سختیها و دشواریها و ستمکشیها را پشت سر گذاشته و بحمداللّه تعالی در تمام میدانها پیروز شده‌اید. و هنوز اول کار است. شما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگهای پوسیده شرق و غرب و فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می‌کشید و دانشگاههای ما را در خدمت غرب و احیاناً شرق به پیش می‌برد، پشت پا زده‌اید. شما امروز فرهنگهایی را که ملت ما را یک ملت وابسته مصرفی و خدمتگزار قدرتها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشی روز افزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می‌رفت کناره‌گیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون در برّ و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده‌اید.
و شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می‌روید؛ و از جهت

اجتماعی با صفوف فشرده خود، وحدت بین قشرهای مختلف را تحکیم نموده، و همه را به یک سو و یک جهت سوق داده، و تفرقه اندازان و گروهگرایان و خدمتگزاران چشم و گوش بسته به شرق و غرب را مطرود کرده و به انزوا کشیده‌اید؛ و اقشار مختلف را قشر واحد کرده و همه را در خدمت کشور و ملت و دین جاوید حق در آورده‌اید؛ و از جهت سیاسی ایران امروز را زبانزد همه کشورهای دوست و دشمن کرده‌اید. دوستان چشم خود را به نهضت اسلامی، که تجدید حیات اسلام را نموده، دوخته‌اند؛ برای وحدت اسلامی در زیر پرچم توحید، که ندای آن از این گوشه دنیا بلند و به سراسر جهان طنین افکنده است، به کوشش و جهاد برخاسته‌اند. و دشمنان از خوف این بارقه الهی، که می‌رود دست جنایت آنان را از بلاد و عباد خداوند کوتاه کند، به دست و پا افتاده‌اند. ولی قدرت اسلامْ آرام را از آنان گرفته، و از یکپارچگی ملتهای اسلامی و به دنبال آن مستضعفان جهان لرزه به اندامشان افتاده است. و دولتهای کوچک و بزرگ و شرق و غرب در هوای رابطه با ایران و جمهوری اسلامی در تلاشند. و همه این امور از عنایات خاص خداوند متعال و برکات اسلام بزرگ است. وَلَا حولَ و لا قُوّةَ إِلّا بِاللّه العَلی العظیم. و از نظر نظامی، با تأییدات خداوند قادر، امروز رژیم عراق مفلوک و شکست‌خورده و در شرف انهدام است؛ و آنهمه ساز و برگ جنگی شرق و غرب و تأییدات جهانخواران نتوانسته است این مزدور را نجات دهد؛ و ضربات کوبنده سپاهیان اسلام مجال تفکر را از آنان گرفته. و امید است، با عنایات الهی، بزودی این خار با خواری از سر راه مسلمانان و خصوصاً ملت شریف عراق برداشته شود؛ و ملت مسلمان عراق سرنوشت خود را به دست گرفته، و با سایر مسلمین با برادری و برابری به سر برند.
منظور اینجانب از این تذکرات به حجاج محترم آن است که توجه آنان را به وظایف خطیری که در این سفر بسیار مهم از طرف شرع مطهر و ملت شهیدداده ایران برعهده آنان گذاشته شده است جلب نمایم. شما امروز در این سفر در بوته امتحان قرار دارید، چون نمونه و الگویی از ملت ایران هستید. و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر، که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده‌اند، با دقت حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند. دوستان شما، که زائرین بیت‌اللّه هستند، با کمال اشتیاق

می‌خواهند ببینند این تحول عظیمی که در ملت ایران در ابعاد مختلف، بویژه بُعد اخلاقی و معنوی، تحقق پیدا کرده است، چگونه است و تا چه مقدار است. و مخالفان شما که برای وقایع‌نگاری و خبرچینی و نفاق‌افکنی خود را به آن مکان مقدس رسانده‌اند درصدد پیدا کردن نقاط ضعف هستند که از کاهی کوهی بسازند و غلغله‌ای در رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی به راه اندازند، و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند. شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راه هستید: راه سعادت، که حفظ آبروی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز و ملت بزرگوار و رزمندگان عظیم‌الشأن و شهدای پیوسته به لقاء اللّه هست؛ که در مراعات موازین اسلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حج می‌باشد؛ و نیز مراعات آداب اسلامی- اخلاقی با همه بندگان خداست. و راه شقاوت و مردود بودن از ساحت قدس الهی، با عدم مراعات آنچه ذکر شد و آنچه با حیثیت جمهوری اسلامی منافات دارد. از خداوند تعالی توفیق همه را در حفظ شئون اسلام و جمهوری اسلامی خواستارم.
3- از جمله مطالبی که باید سفارش کرد، هر چند سفارش شده است، آن است که درراهپیماییها در عین حال که باید فریاد برائت از مشرکان و ستمکاران به طور کوبنده‌وبا شرکت همگانی باشد- که صدای مظلومیت مسلمانان و ملتهای تحت سلطه ابرجنایتکاران را به گوش جهانیان برساند و خفتگان را بیدار و ساکنان در مقابل جباران را هشدار و ناهیان از معروف و آمران به منکر را که برخلاف فرمان خداوند و دستور قرآن مجید و سنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله به طرفداری از مشرکان و خونخواران بین‌المللی جانفشانی و یقه درانی می‌کنند، بویژه آخوندهای درباریِ جیره‌خوار که با قلم و بیان خود نور خدا و شعله‌ای که در جهان برای رهاندن مظلومان از تحت ستم ستمگران افروخته شده می‌خواهند خاموش نمایند، به جای خود بنشانند- لازم است نظم و ترتیب و آداب اسلامی را به طور شایسته و دقیق مراعات نمایند؛ و از شعارهای خودساخته، که ممکن است با القای منحرفان برای ایجاد اغتشاش و صدمه زدن به آبروی زائران شرکت کننده از تمامی کشورهای اسلامی و خصوصاً جمهوری اسلامی باشد، جداً خودداری کنند؛ و

از شعارهایی که متصدیان امور راهپیمایی با دستور مستقیم نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی- ایّده‌اللّه تعالی- مقرر می‌دارد پیروی نموده، و از آنها تجاوز نکنند؛ و از کسانی که احیاناً بر خلاف دستور می‌خواهند شعاری بدهند پیروی نکنند؛ و آنان را نصیحت کنند؛ و اگر اصرار ورزیدند، از خود برانند. و تنها راهپیماییهایی را که مقرر شده است انجام دهند، و راهپیمایی دیگری خودسرانه نکنند. و بدانند که اگر از تخلفات آنان و تجاوز از حدود تعیین شده لطمه‌ای به آبروی حجاج تمامی کشورها و یا جمهوری اسلامی بخورد، پیش خداوند تعالی مسئول هستند و مورد مؤاخذه خواهند شد. و باید بدانند که یکی از فلسفه‌های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوتهای جهان است. و اگر خدای نخواسته از اعمال بعض زائران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه‌ای ایجاد گردد، موجب سخط (1) رسول اللّه صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد. زائران محترم، که در جوار خانه خدا و محل رحمت او هستند، با همه بندگان خدا با رفق و مروت و اخوت اسلامی رفتار نمایند؛ و همه را، بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه و محیط، از خود بدانند؛ و همه با هم ید واحده و ملت واحد قرآنی باشند، تا بر دشمنان اسلام و انسانیت چیره شوند.
خداوند به همه توفیق سلامت در رفتار و گفتار بدهد.
4- به حجاج محترم و زائران بیت اللّه الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می‌کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه عمال بدبخت خود و رسانه‌های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده‌های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولتها و ملتهای اسلامی را در اسارت کشیده‌اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دسترنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می‌برند؛ و درصدد هستند که حکومتها را گوش و چشم بسته و دربست به خدمت

1- قهر و ناخشنودی.

خود گمارند، و ملتها را به دست آنان مصرفی بار بیاورند و از رشد انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم با حیله‌ها و توطئه‌های شیطانی جلوگیری کنند، و وابستگی هرچه بیشتر و اتکا به غرب و شرق را روزافزون کنند، و مجال تفکر برای استقلال و ابتکار را به هیچ کس ندهند، و نفسهایی که برای بیداری ملتها آماده‌اند در سینه‌ها خفه کنند. و وضع نکبتباری که در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مظلوم مشاهده می‌کنید زاییده همین توطئه‌های دشمنان مشترک مسلمانان و مظلومان است. پس، اکنون که در مرکز اسلام حیاتبخش به امر خدا و ندای رسولش گرد آمده‌اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده‌اید، برای این درد مهلک و سرطان کشنده چاره اندیشی کنید. و باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرتها از کشورهای اسلامی است، و عملی کردن شعائر مواقف کریمه و مشاهد مشرفه در کشورهای خویش است. و قدم اول زدودن یأس از دلهاست که عمال خبیث آنان با کوشش غرب و شرق در جانهای مسلمین جایگزین کردند، و به آنها باورانده‌اند که بدون وابستگی به یک ابرقدرت نمی‌شود به زندگانی خود ادامه داد. و ملت و دولت ایران در این انقلاب عظیم ثابت نموده‌اند که این اعتقادی پوچ و بی‌اساس است. و با آنکه قدرتهای بزرگ به هر حیله و توطئه‌ای دست زدند تا آتش شعله‌ورِ سوزنده‌ای که در این کشور برای خاکستر کردن آمال شرق و غرب فروزنده شده به خاموشی کشند، موفق نشدند. و امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملتها کسی نمی‌تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست‌پذیر نیست. و ملتهای مظلوم جهان چاره‌ای جز این ندارند. و دولتهای ملتهای اسلامی نیز اگر با توده‌های محروم همگام و همراه شوند، از این پیوستگی و وابستگی ذلت بار- که هزار بار مرگ بهتر از آن است- نجات پیدا می‌کنند و با عزت و ارزشهای انسانی هم آغوش می‌شوند. از خداوند

تعالی مسئلت می‌نمایم که همه ما را به تکالیف الهیه و وظایف انسانیه آشنا فرماید. و باید تذکر دهم به دولتهای وابسته مرتجع که با این کنفرانسهای بی‌محتوا و اعلامیه‌های تو خالی و حمایتهای بی اساس، رژیم کافر و جنایتکار عراق را نمی‌توانند نجات دهند؛ و ممکن است خود به منجلابی که حزب بعث عفلقی در آن غرق شده است غرق شوند.
پس، صلاح دین و دنیای آنان این است که دست از این رفت‌و آمدها بردارند؛ و بیش از این، این مفلوک را به رسوایی و خذلان نکشند، و خود را به مهلکه دنیا و عذاب آخرت دچار نکنند.
5- در خاتمه باید به یک امر حیاتی، که راهگشا برای رفع همه گرفتاریهای مسلمین و مستضعفین جهان است، اشاره کنم. و آن این است که کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرتهای تابع این قدرتها با هم اتفاق دارند- و هیچ گاه از این اتفاق دست بردار نیستند- عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می‌باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتها متحمل شدند و وقتها و پولهای بسیاری صرف نموده‌اند و می‌نمایند. در سابق، سردمداران این توطئه‌ها بریتانیا و فرانسه بودند؛ و پس از آن، امریکا و شوروی. اینان برای مقاصد شوم خود کودتاها به راه انداختند و رژیمهایی را برچیده، و رژیمهای وابسته به خود را به روی کار آوردند. و بعید به نظر می‌رسد که این دو ابرقدرت درصدد براندازی رقیب باشند، چه که از آن مأیوسند. اختلاف بر سر تقسیم طعمه‌ها و کشورهای جهان سوم است و برای به دست آوردن سلطه استعماری نو. بهترین راه را در حمله به فرهنگهای ملتها دانسته و دانشگاهها را به خدمت گرفتند. و با به‌دست آوردن این مراکز، از رهاوردهای آنها مجلسهای فرمایشی ساخته و حکومتهای دلخواه به دست آوردند، و نظامها را سر تا قدم غربی یا شرقی کردند. و آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. چرا که اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را، بی‌گرایش به راست و چپ و بدون در

نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه، به پیش می‌برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند، و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد.
اسلام در بعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه‌ها، بدون تشبث به دروغ و خدعه و توطئه‌های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می‌کند؛ و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می‌کند. اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می‌کند؛ و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید. و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند.
با آنچه گفته شد- که در این زمینه‌ها گفتنی بسیاری است- با توطئه‌های ابرقدرتها، نه تنها نگذاشتند فرهنگ اصیل اسلام رشد کند و پا بگیرد، که از طرف دانشگاههای غیرمهذب و فرنگ‌رفته‌های غیر متعهد و ملیگراهای متعصب شدیداً مورد هجوم قرار دادند. و از هجوم هم‌اینان بود که کشورهای اسلامی زخمهای اساسی برداشتند. و اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن‌بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی- اسلامی به دادِ کشورها و ملتهای تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند.
اکنون بازارهای کشورهای اسلامی مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده است، و سیل کالاهای تزئینی مبتذل و اسباب بازیها و اجناس مصرفی به سوی آنها سرازیر است. و همه ملتها را آنچنان مصرفی بار آورده‌اند که گمان می‌کنند بدون این اجناس

امریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی‌توان کرد. و مع الأسف مکه معظمه و جده و مشاهد مشرفه حجاز، مرکز وحی و مهبط جبرائیل و ملائکة اللّه، که باید به حکم اسلام بتهای جنایتکار را در آنجا شکست و فریاد بر سر آنها زد و از آنها برائت جست، مملو از کالاهای بیگانگان و بازار برای دشمنان اسلام و پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله شده.
کثیری از حجاج بیت‌اللّه الحرام که برای فریضه حج می‌روند و باید در آن مکان مقدس از توطئه بیگانگان به فریاد «یاللمسلمین» برخیزند، غافلانه در بازارها به جستجوی کالاهای امریکایی، اروپایی و ژاپنی پرسه می‌زنند، و دل صاحب شریعت را با این عمل، که با حیثیت حج و حجاج بازی می‌کند، به درد می‌آورند.
ای حجاج محترم خانه خدا به خود آیید! و ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفتخوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را برذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست: إِن تَنصُروا اللّه ینَصُرْکمُ و یُثبِت أَقدامَکُم. (1)
بارالها، بنده ناچیز تو از کشوری مظلوم با جمعیتی ناچیز از حیث عدد و همه چیز، و زنده به عنایات تو، ناله مظلومانه خود را، به مقدار ظرفیت ناچیز خود، به ملتهای مسلمان و مظلومان جهان رساندم، و فریاد «یاللمسلمین! به داد اسلام برسید» را ابلاغ نمودم. و تا الطاف و عنایات تو نباشد، هیچ گره‌ای باز نشود و هیچ دردی دوا نشود. تو خود با رحمت واسعه خود به مسلمین نظر فرما، و همه ما و آنان را از قید خود و خودیت و عبودیت بتها، خصوصاً بت نفس، نجات ده؛ و شرّ ستمکاران را از سر مظلومان جهان بویژه مسلمانان

1- بخشی از آیه 7 سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گامهایتان را استوار خواهد نمود».

برکن؛ و مسلمانان را به خود آور؛ و دولتهای کشورهای اسلامی را جرأت و شجاعت عنایت فرما، که با داشتن آن مقدار عده و عُده و در دست داشتن شریان حیاتی غرب و شرق، تن به ذلت و اسارت اجانب ندهند، و با ملتهای خود هم‌صدا شوند. به امید پیروزی رزمندگان و مبارزان اسلام در سراسر گیتی بر کفر جهانی.
والسلام علی عباداللّه الصالحین.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 171
سخنرانی
زمان: صبح 5 شهریور 1364/ 10 ذی‌الحجه 1405
مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی
مناسبت: عید سعید قربان
حضار: هاشمی‌رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- اعضای‌جامعه مدرسین و اساتید حوزه‌علمیه قم اساتید دانشگاههای سراسر کشور- مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی- اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی- روحانیون تهران- اعضای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی تهران- سفرای کشورهای اسلامی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

این عید سعیدی که دارای ابعاد مختلفه است؛ بُعد عرفانی، بُعد سیاسی، بُعد ایثار و ابعاد دیگر است، به همه مسلمین جهان و مستضعفان و آقایانی که در اینجا تشریف دارند، تبریک عرض می‌کنم. ما امروز یک مقایسه‌ای بکنیم بین سابق و حالا در بعضی جهات. این مقایسه از خود مجلس باید شروع بشود. این، از برکات این جمهوری است که در یک مجلس، مجتمع هستند کسانی که در دوره‌های سابق در یک همچو مجالسی امکان اجتماعشان نبود. همه هم توجه دارید به اینکه در سابق بین علمای اسلام، حوزه علمیه قم و علمای تهران با دانشگاهها هیچ وقت اجتماع اینطور نداشتند که در یک محیط با یک دل، با یک ایده، و همین طور سفرای ممالک دوست و اساتید دانشگاهها و ارکان دولتی، در یک اجتماعی هیچ وقت نبودند که باهم بنشینند و ببینند که ما محتاج به چه هستیم و باید چه بکنیم. دامن زده بودند به اختلاف در داخل کشور ما. تبلیغات به طوری بود که وحشت می‌کرد یک اهل علمی در محیط دانشگاه برود و حرفهایش را بزند، و همین طور دانشگاهی در محیط علم بیاید و در محیط مدارس علمی بیاید و

مسائلش را بگوید، و همین طور اساتید دانشگاه، دولتیها، مجلسیها، هیچ یک از اینها باهم نمی‌نشستند که ببینند که کشور خودشان لااقل چه احتیاجاتی دارد و باید چه بکنند برای رفع آن احتیاجات. این، برای این بود که به طوری تبلیغات دامنه‌دار بود که سوءظن در همه ایجاد کرده بود، از هم وحشت می‌کردند، به هم سوءظن داشتند، باید بگوییم دشمنی داشتند باهم، ایجاد کرده بودند این را. از سفرای خارجی یکیشان در محضر علما، در جایی که علما جمع بودند، حاضر نمی‌شدند، حاضر نبودند که حاضر بشوند.
برای اینکه، اینها را اینطور معرفی کرده بودند که یک جمعیتی هستند که ارتجاعی و نمی‌دانم به عقب برگشته و عقب مانده و کهنه فکر کن! و از این مسائلی که دیدید که در دوره سابق، خصوصاً در این عهد اخیر القا شده بود معلوم می‌شود که کارشناسهای خارجی، کارشناسهای اروپا و امریکا توجه به این معنا داشتند که این قشرها اگر باهم باشند خطرناک‌اند؛ یعنی خطرناک برای آنها، و راست هم می‌گفتند. روی همین زمینه، خود آنها به دست اشخاصی که در داخل داشتند، به دست کارکنان خودشان، به دست اشخاصی که در محیط آنها تربیت شده بودند، به دست اینها کاری کرده بودند که کَاَنَّهُ امکان نداشت یک همچه اجتماعی.

امروز ما همه در تحت یک سقف کوچک جمع شدیم، و همه ما یک فکر داریم.
فکر جلوگیری از آن چیزهایی که سابق بود؛ فکر اینکه نبادا دوباره دانشگاههای ما به دست آن اشخاص بیفتد، فکر اینکه نبادا روحانیین ما گرفتار آن مسائل بشوند، و فکر اینکه نبادا کشور ما باز برگردد به یک حالی که همه دیدید چه خبر بود، چه مصیبتهایی در این کشور واقع می‌شد.
ما امروز اینجا هستیم که ببینیم که چه بکنیم که یک وقت خدای نخواسته، مسئله برگردد، چه کنیم جلویش را بگیریم.
آن چیزی که می‌تواند جلوگیری کند، یک قدری تفکر در عید قربان و مسائل قربانگاهی حضرت ابراهیم است، ایثاری که او کرد و از خودگذشتگی‌ای که او کرد، تدبُّر در او و تدبُّر در مسائلی که در حج هست، مسائل حج و همه مسائل اسلام، به طوری بین

ابعاد مختلفه جمع کرده است؛ بین عرفان و تعبد، بین سیاست و عبادت، بین مسائل اجتماعی و سایر مسائل. این اساس را درست کردند برای اینکه ما از آن اساس چیزی بفهمیم. آنها که در آنجا هستند، تکالیفی دارند و ان‌شاءاللّه امیدوارم که به آن تکالیف عمل کنند و کردند. ما هم و آنها هم بعد از اینکه برگشتند، تکالیفی داریم که این تکالیف هم دنبال همان مطالعه عید قربان است و قربانگاهها. آنها باید سوغات بیاورند آن ایثار را، آن وحدت را، و ما هم باید این معنا را در بین ملت خودمان پخش کنیم. آقایان روحانیون در سرتاسر کشور و آقایان دانشگاهیها در سرتاسر کشور، اینها موظف‌اند، وظیفه دارند.

مقایسه بین حال و گذشته در تحول درونی ملت

ما بحمداللّه تاکنون بسیار قدمهای مؤثری برداشتیم، وقتی شما مقایسه یک قدری بکنید مابین دوره‌های سابق و حالا، می‌توانیم خوب بفهمیم که فرقها چیست. مثلًا شما بسیاریتان یا اکثرتان یادتان است که در قضیه رأی‌گیری برای انقلاب سفید به‌اصطلاح، با چه هیاهویی، با چه فشاری، با چه دغل‌بازیهایی بیش از این نتوانستند ادعا کنند که شش میلیون بودند، با اینکه مطمئن باشید نبودند! آن همه فشار و آن دولت جائر و آن همه تبلیغاتی که آنها داشتند، نتوانست عده‌ای را جمع کند که اینها ادعا کنند ده میلیون‌اند، نتوانستند دروغش را هم بگویند، مبالغه‌اش هم بکنند. شما در یک کشوری که تحت فشار است از همه اطراف، تحریمهای انتخاباتی از اطراف بر سرشان می‌بارد، تبلیغات همه جانبه بر سرشان می‌بارد، این مقدار اجتماعی که اینها کرده‌اند- که بیش از چهارده میلیون بود- اگر مقایسه بشود با هر کشور دیگری در عالم، معلوم می‌شود که فرق مابین اینجا و آنجا چیست و چه تحولی در ایران واقع شده است. این تحول یک تحول عجیب است که در یک رژیمی که همه قدرتها در دستش بود و همه فشارها در دستش بود، و مضایقه از هیچ فشاری هم نداشت، در ادعای کاذب خودش نتوانست ادعا کند که ما هشت میلیون داشتیم، شش میلیون! مبالغه‌اش و دروغش و همه بساط که روی هم ریخته شد، گفت شش میلیون! و آن وقت هم راجع به شش میلیون هیاهو می‌کردند که ای! شش میلیون رأی دادند، با اینکه دروغ می‌گفتند. شما بدون اینکه یک فشاری باشد که بیایید

حتماً شما رأی بدهید، وارد بشوید رأی بدهید و بدون تبلیغات قبلی، امسال اصلًا تبلیغاتی در کار نبود. این جمعیت که این طور اجتماع کرد که نظیرش به حسب مقایسه در دنیا نیست، این دلیل بر یک تحول بزرگی است که در کشور ما واقع شده. از اینجا بروید در جبهه‌ها.
وقتی که متفقین وارد شدند به کشور ما، با آن همه بساطی که اینها ادعایش را می‌کردند، به ادعای خودشان گفتند سه ساعت ما توانستیم مقابله کنیم، بعد هم وقتی که پرسیده بود ازشان آن مردکه نامرد، (1) که چطور شد سه ساعت؟ گفتند ما این را مبالغه می‌کنیم، آنها از آن ور آمدند، ما از این ور رفتیم! با حالا مقایسه کنید که جوانهای ما، اقشار ملت ما ایستاده‌اند، و در مقابل همه قدرتها، همه هم دارند توطئه می‌کنند. همه دستشان را به هم دادند که رژیم سابق را نگه دارند، جوانهای ما به همش زدند. همه هم دست به هم دادند که در این جنگ پیروزی ایجاد کنند، هر روز هم دروغش را می‌گویند، لکن جوانهای ما ایستاده‌اند و جلو می‌روند. در طایفه نسوان شما ملاحظه کنید آن وقت چه خبر بود، حالا چه خبر است. زنهای ما حالا مکتبی شده‌اند. سرتاسر کشور ما جوری هستند که همان طور که آن جوانها در جبهه دارند خدمت می‌کنند، اینها پشت جبهه‌شان محکم است و دارند خدمت می‌کنند، علاوه بر اینکه مجالس درس دارند، مجالس قرائت دارند، مجالس تدریس دارند، حتی تدریس خارج، من شنیدم بعضی از زنها در جایی می‌گویند. خوب! این چه تحولی است؟ پیشتر چه بود؟ مسئله زن چه بود در ایران؟ انسان حیا می‌کند که بگوید. آن اسمش آزادی بود! این اسمش اختناق است! آن آزادی بود که هر چه دلشان می‌خواهد انجام بدهند، به هر نحوه‌ای باشد؛ و این اختناق است، برای اینکه زنها خودشان آزادند که خدمت کنند، آزادند که پشت جبهه باشند، آزادند که درس بخوانند، آزادند که چه بکنند، این اسمش اختناق است! آنها اختناق را می‌گویند؛ یعنی نمی‌گذارید که زنها به طوری عمل کنند که ملت را فلج کنند. یک قشر جوان، ملت را به واسطه آن بی‌بند و باری که داشتند، فلج می‌کردند؛ یعنی از کار

1- رضاخان پهلوی.

می‌انداختند. هیچ کس دنبال این نبود که یک فعالیت چشمگیری بکند، یک فعالیت اجتماعی بکند. همه دنبال این بودند که صبح که پا می‌شدند که کجا بروند تفریح بکنند، کجا بروند فرض کنید چه بکنند. بازارتان را نگاه کنید! خیابانهاتان را نگاه کنید! حالا وقتی که می‌خواهند تکذیب کنند از ایران، می‌گویند که در آنجا محل تفریح پیدا نمی‌شود- آن تفریحی که آنها می‌خواهند، و الّا محل تفریح هست-، یا زنها حالا دیگر چادر سرشان است. آن وقت به طوری تبلیغ شده بود که زن جرئت نمی‌کرد که به این صورتی که باید درآید، درآید، مخفی درمی‌آمدند. آنهایی که می‌خواستند حفظ کنند خودشان را، یا از خانه در نمی‌آمدند، یا شبی، یک وقتی مخفیانه از این ور به جای دیگر می‌رفتند، و هکذا همه جهاتی که ما ملاحظه می‌کنیم.

آمیخته بودن عرفان اسلام با عبادات آن

این حج این چند سال- که امسال هم بحمداللَّه بهتر بوده است- این باید در دنیا انعکاس پیدا بکند که حج این است. آن که ابراهیم خلیل اللَّه و رسول خدا می‌خواستند این معنا بوده است. آنی که سوره برائت را می‌فرستد در آن جمع می‌خواند، برای همین بوده است که به ما بفهماند که آنجا باید سوره برائت خواند. در عینی که آن وقت که زمان رسول خدا بوده است، این طور گرفتاری که الآن مسلمین دارند، این طور گرفتاری نداشتند، یک جور دیگری بود. در عین حال قرآن شریف و حدیث به ما تعلیم می‌کند که در حج باید این کارها را کرد. آمیخته است حج و همه عبادات اسلامی، آمیخته به همه ابعاد مختلفه است. و از معجزات انبیا و خصوصاً اسلام این است که عرفانش آمیخته است با عباداتش. اگر انسان، یک نفر آدم که اهل آن مسائل است همین نماز را- آن بُعد عرفانی نماز را- در اذکار و در کارهای دیگرش دنبالش برود، می‌بیند که چه دریای خروشانی است، معراج است، معراج مؤمن است؛ یعنی، تا آن مافوق عالم طبیعت و مافوق عالم وجود، انسان را می‌کشاند. گاهی در یک کلمه‌اش این طور است. یک جمله گاهی آن قدر بُعد معنوی دارد و بُعد عرفانی دارد که اگر تحقق پیدا کند برای یک انسان سالک، از همه حجابها می‌گذرد. و کانّه سوره حمد که در قرآن هست و اولین سوره است

و برای نماز قرار دادند و نماز بدون حمد، گفتند نماز نیست، همین سوره حمد تمام معارف درش هست. منتها آن کسی که نکته‌سنج باشد، باید درش تأمل کند، خوب، ما اهلش نیستیم. ما می‌گوییم که «الحمدللّه»؛ یعنی شایسته است. الحمدللّه ربِّ العالمین؛ (1) یعنی شایسته است خدا که همه حمدها برای او باشد. اما قرآن این را نمی‌گوید، قرآن می‌گوید که اصلًا حمدی واقع نمی‌شود در جایی، الّا برای خدا. آن هم که بت‌پرست است حمد است، آن هم برای خداست، خودش نمی‌داند. اشکال، ندانستن و جهالت ماهاست. آن که می‌گوید که ایّاک نستعین؛ (2) نه معنایش این است که ما همه استعانت از تو ان‌شاءاللّه می‌خواهیم و اینها، نخیر، بالفعل این طوری است که به غیر خدا، استعانت اصلًا نیست، اصلًا قدرت دیگری نیست. چه قدرت دیگری ما داریم غیر قدرت خدا؟ آن که تو داری غیر از قدرت خداست؟ نه این است که ما ان‌شاءاللّه عبادت می‌کنیم برای خدا، ان‌شاءاللّه استعانت می‌کنیم از خدا. اصلًا واقعیت این طوری است، واقعیت این است که عبادت به غیر خدا، مدح، اصلًا در دنیا به غیر خدا واقع نمی‌شود، هیچ مدحی. اینهایی که مدح می‌کنند از مثلًا شیاطین و سلاطین و امثال اینها، اینها نمی‌فهمند که اینها مدح خداست، اینها غفلت از این دارند، لکن مدح به کمال است، مدح برای نقصان نیست، مدح برای کمال است. و آنهایی که، هر کس از هر کس استعانت بکند، استعانت از خداست. این سوره، این را می‌گوید. و اگر برای اهلش- آنهایی که اهل مسائل هستند- همین یک سوره قرآن تحقق پیدا بکند، تمام مشکلات حل می‌شود؛ برای اینکه وقتی انسان دید که همه چیز از اوست، دیگر از هیچ قدرتی نمی‌ترسد. ما که از قدرتها می‌ترسیم برای این است که خیال می‌کنیم قدرت این است. وقتی انسان قدرت را قدرت او دانست، وقتی انسان همه چیز را از او دانست، این دیگر نمی‌تواند که از دیگری بترسد.
همه خوفهای ما از باب این است که نفهمیدیم که قدرت، یک قدرت است و آن قدرت هم برای نفع همه است. آن قدرت هم برای نفع همه افراد و جامعه و تمام بشر آن قدرت به کار گرفته شده، برای نفع اوست. ما اگر همین معنا را ادراک کنیم که هر چی هست از

1- سوره فاتحة الکتاب، آیه 2

2- بخشی از آیه 5 سوره فاتحة الکتاب: «تنها از تو مدد می‌جوییم».

اوست و هر چی هست برای نفع ماست و برای تربیت ماست، اگر همین معنا را واقعاً انسان ادراک کند و مشاهده کند و ذوب کند، این مسائل حل می‌شود.

لزوم آشنایی مردم با معارف الهی

ما باید مردم را با توحید آشنا کنیم، علمای اعلام باید مردم را با توحید آشنا کنند، بامعارف الهی آشنا کنند. «الغیرک مِنَ الظُهُور ما لَیسَ لَک» (1)
؛ دعای عرفه حضرت‌سیدالشهدا- سلام‌اللّه علیه- «متی غِبْت حتی تحتاج الی» (2)
چه. قرآن هم همین است، هر کدام یک زبانی دارد. قرآن نازل شده تا اینجا رسیده است و ادعیه ائمه ما علیهم السلام به حسب تعبیر بعض مشایخ، (3) «قرآن صاعد» است و هر چه مسائل بخواهید، در ادعیه هست. زبان ادعیه با زبان عادی‌ای که احکام می‌خواهند بگویند دوتاست. زبان ادعیه با زبان فلسفه هم دوتاست، با زبان عرفان علمی هم دوتاست، یک زبان دیگری است مافوق اینها، منتها زبان فهم می‌خواهد، باید کسانی که آن زبان را می‌فهمند توجه کنند.
قرآن یک نعمتی است که همه ازش استفاده می‌کنند، اما استفاده‌ای که پیغمبر اکرم می‌کرده است از قرآن، غیر استفاده‌ای است که دیگران می‌کردند. انّما یعرف القرآن من خُوطِبَ به، (4) دیگران نمی‌دانند، ماها یک ذره‌ای، یک چیزی، یک خیالاتی پیش خودمان داریم، آن که قرآن برش نازل شده می‌داند چیست، چه جور نازل شده، کیفیت نزول چیست، چه مقصد در این نزول است و محتوا چیست و غایت این کار چیست، او می‌داند. آنهایی هم که به تعلیم او تربیت شده‌اند، آنها هم برای خاطر تربیت او می‌دانند.
هنر انبیا این بوده است که مسائل را، مسائل دقیق عرفانی را با یک لفظی می‌گفتند که هر کسی یک جوری ازش، خودش می‌فهمیده، ولی واقعش مال آنهایی است که بالاتر از این افقشان است، و این هنر در قرآن از همه جا بالاتر است و در ادعیه هم هست.

1- آیا برای غیر تو از ظهور و آشکاری چیزی هست که برای تو نباشد؟».

2- «کی غایب شده‌ای تا نیاز به ظهور و آشکاری داشته باشی».

3- مراد آقای میرزا محمدعلی شاه‌آبادی است.

4- «کسی معرفت به قرآن دارد که مورد خطاب آن است». بحارالانوار، ج

24، ص 237- 238، ح 6.

ص: 178

حفظ جهات معنوی در حوزه و دانشگاه

ما، روحانیون، دانشگاهیها اگر واقعاً علاقه دارند به اینکه این کشور محفوظ بماند، خصوصاً دانشگاهیها، اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید مواظب باشند، دانشگاهیها، اساتید مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه‌ها و جوانها باشند در کارهایی که می‌کنند. باید نگه دارند دانشگاه را به یک صورتی که، به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است. دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است، لکن بیشتر مواظبت می‌خواهد. علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه‌های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک می‌کند و علاقه‌مند می‌کند، همه آن جهات را باید حوزه‌ها داشته باشند. حوزه‌ها باید درس اخلاق داشته باشند، نه یکی، نه دوتا، ده‌تا، بیست‌تا، درس اخلاق داشته باشند. اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه‌ها هستند، یا در آنجایی که درس می‌گویید وارد می‌شوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ یعنی روح باشند، یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدمها که برداشته می‌شود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست می‌شود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می‌شود. مَثَل، مَثَلِ انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم می‌کردند، حکومت هم تأسیس می‌کردند، حدود را هم جاری می‌کردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می‌گذراندند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند.

کشوری سالم در پرتو تربیت صحیح

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به اینکه با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم

می‌ماند و به سایر جاها هم سرایت می‌کند؛ قهری است این. الآن هم ملاحظه می‌کنید که این مقداری که الآن در دنیا سر و صدا بلند است، منتها یک دسته سر و صدا می‌کنند برای بازی دادن مردم و اظهار اسلام می‌کنند، اظهار اینکه باید قوانین اسلامی بشود بکنند، یک دسته هم واقعاً مسلمان و دنبال اینکه اسلام باید باشد، این برای همین موجی است که از اینجا بلند شده است و شما ملت اسلام این موج را راه انداختید.
و امیدوار باشید به اینکه خدا با شماست. و شما مادامی که قدر بدانید از نعمت الهی، نعمتهایی که خدا به شما داده است؛ این نعمت وحدتی که به شما داده است، این نعمت انقلابی که به شما داده است، این جوانهایی که به شما داده است، انقلابی که در جبهه‌ها، الآن هم مشغول به خدمت هستند، این اساتیدی که به شما داده است، همه اینها قدردانی می‌خواهد. ما باید همه را قدر بدانیم و از همه تشکر کنیم. و من از ملت ایران در همه مواردی که دارند عمل می‌کنند و در صحنه هستند، تشکر می‌کنم و به همه دعا می‌کنم.
خداوند همه ملتهای اسلامی را حفظ کند. و به وظایف خودشان آشنا کند، و ما را هم به وظایف خودمان آشنا کند که در این چند روزی که داریم آن طرف می‌رویم، لااقل توجه به آنجا باشد، اخلاد الی الارض (1) نباشد.
والسلام علیکم و رحمةاللَّه

1- اشاره است به آیه 176 سوره اعراف.

ص: 180
حکم
زمان: 7 مهر 1364/ 13 محرّم 1406
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب سرپرست حجاج
مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج

بسم اللّه الرحمن الرحیم
جناب حجت الاسلام حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته
با تشکر از حجاج عزیزی که در تمامی صحنه‌ها حاضر بودند و با تشکر از عملکرد خوب و زحمات شما و سایر برادران دست اندرکار امر حج در داخل و خارج، جنابعالی را به عنوان نماینده خویش و سرپرست حجاج در سالهای آینده منصوب می‌نمایم، تا به تمام برنامه‌هایی که در احکام سالهای گذشته ذکر گردیده بود عمل نمایید. بدیهی است که تمام مسئولین با شما همکاریهای لازم را خواهند داشت. ان‌شاءاللّه موفق و مؤید باشید.
والسلام.
7/ 7/ 64
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 181
پیام
زمان: 16 مرداد 1365/ 1 ذی‌الحجه 1406
مکان: تهران، جماران
موضوع: مهجوریت حج ابراهیمی- برائت از مشرکان در کنگره عظیم حج
مخاطب: ملت مسلمان ایران و جهان و زائران بیت‌اللّه‌الحرام

بسم‌اللَّه الرحمن الرحیم
وَ اذانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکبَرِ انَّ اللَّه بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ وَرَسوُلُهُ. (1) صدق اللَّه العلی العظیم
ستایش و نیایش مخصوص ذات مقدسی است که با عنایات خاص خود و فروفرستادن وحی بر انبیای عظام، از آدم صفی‌اللَّه تا محمد حبیب اللَّه- علیهم صلوات اللَّه و سلم- راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده شدن و مقصد آفرینش را بر جامعه بشری آموخت. و درود بی‌پایان بر پیامبران اولوالعزم چون ابراهیم بت‌شکن و موسای طاغوت‌برانداز و عیسای مسیح که اگر فرصت یافته بود همانند آنان بود، و محمد شکننده تمامی بتها و برائت جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران. و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان‌نما و جباران غاصب حقوق اللَّه و حقوق الناس و کج فهمان داغ بر پیشانی. و سلام بر آن ابراهیم خلیل‌اللَّه که یک تنه بر بتها و بت‌پرستها یورش برد و از تنهایی و آتش نهراسید، و آن موسای کلیم‌اللَّه که با عصای چوپانی بر فرعونیان خروش کشید و از بی‌کسی باک نداشت. و سلام و درود

1- بخشی از آیه 3 سوره توبه: «اعلانی است از خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزار است».

بر محمد حبیب اللّه که به تنهایی قیام کرد و تا آخرین ساعات زندگانی با کفار ظلم پیشه به جنگ برخاست و از کمی عِده و عُده ننالید. و سلام بر مسلمانان صدر اسلام که با اندک تدارکات جنگی به سلاطین جور روم و ایران تاختند و از کمی یاران به خود ترس راه ندادند. و درود بی‌پایان بر علی بن ابیطالب که با دژخیمان به صورت مسلمان و مقدس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی نهراسید. و سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت بپا خاست و از ناچیز بودن عِده و عُده به خود خیال سازش با ستمگر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار داد و فریاد «هیهات منّاالذِّلّةُ (1)
» اش را به گوش حق‌طلبان رساند که در نظر دنیاگرایان و ملت‌پرستان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شده برخلاف عقل و شرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی‌پسندد و شرع آنان اجازه نمی‌دهد. و نیز به عقیده آنان حرکت از کشوری به کشوری دیگر که دارای حکومت و تشکیلاتی می‌باشد، مخالف با عقل و ملیت بوده و بالاخره مخالف با موازین شرعی و الهی است و همچنین صلح با نمرودیان و فرعونیان و ملحدان و ستمگران و سازش با ظالمان به صورت مسلمان و با زهدفروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شرع بوده و هست. و با این انگیزه، تسلیم و سازش‌با امریکای جهانخوار و وابستگان به او لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن‌مخالف شرع و عقل است. و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به‌جان آمده‌اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی‌پناه آنان به شهادت می‌رسند و زنان وکودکان آنان زیر لگدهای ستمگران می‌سوزند و می‌میرند و فریاد «یا لَلمسلمین» می‌کشند، بر خلاف عقل و شرع می‌باشد! این انگیزه ملیگرایی و خلود در ارض (2) است که مصالح مسلمانان را فراموش کرده و دفاع از مصالح مسلمین را در حصار ملت خاص قرار داده و قلم سرخ بر قرآن کریم و احادیث رسول اللّه صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و سیره مستمره انبیای عظام و اولیای معظم علیه السلام در طول تاریخ کشیده است.

1- «ما را هرگز ذلت و خواری مباد»؛ شعار معروف امام حسین علیه السلام که در جواب درخواست برای بیعت بایزید فرمود.

2- اندیشه باطل جاودانه در زمین زیستن.

ملت غیور متعهد ایران در آن روزهای سخت مصیبت‌بار که دشمن جنایتکار از زمین و هوا و دریا غافلگیرانه به کشورشان حمله کرد و قسمت عظیمی از آن را متصرف شد و جنایتکاران داخل و قدرتهای بزرگ خارج و عمالشان در سطح کشور به خرابکاری و قتل و غارت دست زدند، با ارتش از هم پاشیده و قوای مسلح ناچیز آرایش ندیده فقط با اتکال به خدای متعال و نیروی ایمان دشمن را با شکست و زبونی از کشور عزیز خود بیرون راند و هیچگاه ضعف و سستی و زبونی به خود راه نداد و از شهادت استقبال نمود و به سازش و صلح با افعی زخم‌خورده تن در نداد و جز معدودی ضعیف‌القلب یا خیانتکار و دنیاطلب و راحتخواه که به اسلام و مصالح مسلمین اعتنایی نداشتند و ندارند، با ضعف و دلهره از صلح و صفا دم می‌زدند و می‌زنند و تعمد داشته و یا نمی‌دانستند که صلح با این جنایتکاران در هر موقع باعث بر باد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی بوده و نیز موجب گرفتاری همیشگی میهن عزیزمان در چنگال ابرقدرتهاست.
اکنون که با عنایات خداوند تعالی و توجه بقیةاللَّه- روحی فداه- نظام جمهوری اسلامی ما از هر جهت در موضع قدرت قرار گرفته است و ارتش نیرومند و سپاه عظیمِ مؤمنِ سلحشور و قوای مسلح قدرتمند و ملت حاضر در صحنه دارد و پشت دشمن را در ابعاد مختلف شکسته است، برایمان سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی دارد؟
چه کسی است که نمی‌داند صلح‌طلبی دشمن برای مجهز شدن بیشتر و غافلگیری‌ای است، که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای مجهز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب به رسمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می‌کند؟
و کیست که نداند این امر از بزرگترین گناهان است و از واضحترین خیانتها به مسلمین است؟ ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند، جنگ را تا سر حد شهادت و لقاءاللَّه که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می‌دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادیگرایان لقاءاللَّه را نابودی لقب می‌دهند.
اکنون که حجاج بیت اللَّه الحرام از خانه تن و دنیا مهاجرت الی اللَّه و رسوله، که خانه

دل است، می‌کنند و همه چیز جز محبوب حقیقی در ورای آنان است بلکه چیزی جز او نیست که درون و برون داشته باشد، باید بدانند که «حج ابراهیمی محمدی» صلی الله علیه و آله سالهاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی.
و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند، اسرار عرفانی و معنوی‌اش به عهده عرفای غیر محجوب. و ما اینک با بعد سیاسی و اجتماعی آن سر و کار داریم که باید گفت فرسنگها از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم. این کنگره سراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد- صلی اللّه علیهما و آلهما- بر پا می‌شود و از هر گوشه دنیا و از هر فَجٍّ (1) عمیق در آن اجتماع می‌کنند، برای منافع «ناس» است و قیام به قسط است (2) و در ادامه بت‌شکنیهای ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنیها و فرعون زدودنهای موسی است. و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بتها و طاغوتهای جهانخوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فرا خوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟
در فریضه حج که لبیک به حق است و هجرت به سوی حق تعالی به برکت ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بتها و طاغوتهاست و شیطانها و شیطان‌زاده‌هاست. و کدام بت از شیطان بزرگ امریکای جهانخوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر و کدام طاغوت و طاغوتچه از طاغوتهای زمان ما بالاترند؟
در لبیک لبیک، «نه» بر همه بتها گویید و فریاد «لا» بر همه طاغوتها و طاغوتچه‌ها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بتهای بزرگ و کوچک و طاغوتها و وابستگانشان برائت جویید که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند.
و در لمس «حَجَرالاسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و

1- در لغت به معنای راه گشاده میان دو کوه، و در متن کنایه از دورترین نقاط.

2- اشاره به آیه 25 سوره حدید.

صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زبونند، هر چند در ابزار آدمکشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند.
و در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی دریافتن محبوب کنید که با یافتن او همه یافتهای دنیاوی گسسته شود و همه شکها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همه دلبستگیهای مادی گسسته شود و آزادگیها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.
و با حال شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعدههای حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.
پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوبها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم (1) شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطانزادگان همه گریزان شوند.
و شرط همه مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود میداند و با تفرقهافکنی و نفاقپراکنی میخواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که

1- سنگباران؛ رمی جمرات ثلاثهسنگ افکندن به ستونهای سهگانه) یکی از اعمال حاجیان در «منا» است.

در رأس آنها آخوندهای حسود دنیاگرای درباری‌اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می‌باشند. مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است، و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است، لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق‌افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پستترند.
اینک اینجانب به تذکراتی که لازم می‌دانم، حسب معمول می‌پردازم و از خداوند توفیق همگان را برای خدمت به اسلام می‌خواهم:
1- به زائران بیت اللّه الحرام- ایّدهم‌اللّه تعالی- عرض می‌کنم که اعمال و مناسک را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای نخواسته با سهل‌انگاری، عملتان باطل شود و جبران را تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بمانید و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد. و به روحانیون محترم عرض می‌کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمد در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید.
2- به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقف معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تِبْیان کُلِّ شَیءٍ (1) است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع‌الجمع تابیده است، غفلت

1- اشارت است به آیه 89 سوره نحل.

نفرمایند. این کتاب آسمانی- الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع مَنْ خُوطِبَ بِهِ (1)
از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره‌مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله بهره‌هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم (2) از «ادَّبَنی رَبِّی» (3)
دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب اللّه تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هُدیً لِلْمُتَّقین (4)
هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت‌اللّه به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم

1- اشارت است به حدیث شریف: «انَّما یعرف القرآنَ مَن خوطِبَ بِه» همانا کسی قرآن را عارف است که‌مورد خطاب آن قرار گرفته است؛ یعنی ذات مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

2- وجود با برکت نبی خاتم صلی الله علیه و آله که قلب عالم امکان است.

3- «پروردگارم مرا تربیت کرد».

4- بخشی از آیه 2 سوره بقره.

شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیاست. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم‌الشأن آوردند.
هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شرّ جاهلان مُتنسِّک و عالمان متهتک (1) که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جِد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحطّ نظر (2) و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.
3- باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، (3) تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست. و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی و محمد- علیهم و علی آلهم السلام- مخصوص به زمان خاصی است. فریاد برائت از مشرکان مخصوص به زمان خاص نیست، این دستور است و جاوید، در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده‌اند. و «قیام ناس» (4) مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان

1- جاهلان زاهدنما و عالمان پرده‌درو بی‌تقوا).

2- مورد توجه؛ منظورنظر.

3- اقلیم؛ ناحیه.

4- اشارت است به آیه 97 سوره مائده: «جعل اللَّه‌الکعبة البیت الحرام

قياماً لِلناس».

است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الابد. و همین است نکته سفارش اکید ائمه مسلمین علیهم السلام بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول اللّه صلی الله علیه و آله ظالمیت بنی امیه- علیهم لعنةاللّه- با آنکه بنی امیه منقرض شده‌اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است. و لازم است حجاج بیت‌اللّه‌الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملیگرایی نکنند و برادران مسْلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیتهای جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می‌شود. و اگر خدای نخواسته از عمال جهانخواران که در رأس آنان آخوندهای جیره‌خوار تفرقه افکن واقعند پیروی کنند، به معصیت بزرگی دست زده‌اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از آن پناه برد.
4- از زائران محترم کشور ایران تقاضا دارم که توجه کنند از چه کشوری می‌روند و به سوی کی رو آورده‌اند. از کشوری می‌روند که برای اسلام عزیز و اجرای احکام نورانی آن به جای احکام طاغوت بپاخاسته و زن و مرد و پیر و جوان هر چه داشته‌اند فدا کردند. جوانان عزیز متعهدی که هر یک از آنها ارزشهای الهی‌ای دارند که ما از درک آن عاجزیم، شهید شده‌اند و معلول گردیده‌اند و به اسارت درآمده‌اند و ملتی که مشتاقانه در راه خدا از جان و جوان و مال و منال خود گذشته‌اند و داغ عزیزان خود را به جان خریده‌اند. و به سوی کشوری می‌روند که خانه خداوند تعالی و کعبه آمال انبیای عظام و اولیای کرام و مَحطّ (1) وحی و مَهبط (2) جبرئیل امین و ملائکةاللّه است. به سوی خدا

1- محل نزول.

2- محل فرود و هبوط.

می‌روند تا هر حرکت و سکونشان الهی باشد و به سوی قربانگاه اسماعیل عزیز می‌روند که دستور گذشتن از هر چیز را در راه او به ما داد، و به سوی مدینه محمد صلی الله علیه و آله می‌روند تا محمدی شوند و چگونه زیستن و چگونه مجاهدت کردن و چگونه رفتن به سوی معشوق را بیاموزند. رفته‌اند به سوی قبر رسول عظیم‌الشأن و قبور اولیای عظیم‌المنزله‌ای که لحظه‌ای به دنیا و زخارف آن توجه نکرده‌اند و بجز به خدا و اوامر او نیندیشیده‌اند و به جز رضای او قدم بر نداشته‌اند، پس آگاه باشید که از کجا به کجا می‌روید. پس تکلیف شما جداً زیاد است و حرکات و اعمال شما علاوه بر آنکه در محضر حق تعالی و حضور اوست و در مراقبت اولیاءاللّه و ملائکةاللّه است، در پیش چشمان هزاران زائری است که از کشورهای اسلامی و از سراسر جهان به آنجا آمده‌اند و چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه‌دار رسانه‌های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته‌اند که از هر صبح تا شام بسیاری از وقت خود را صرف دروغ‌پردازی درباره اسلام و ملت ایران و دست‌اندرکاران خدمتگزار این کشور مظلوم کرده و می‌کنند و مردم بپاخاسته این مرز و بوم را به غیر از آنچه هستند معرفی می‌کنند، که شاید به واسطه این تبلیغات بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام به سر برند.
و نیز از ملت عزیزمان، معلولین و شهیدان زنده و بازماندگان و وابستگان به آنان که در کاروانها کم نیستند، مراقب اعمال شما هستند و اینک شمایید و این بار سنگین امانت الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود، یا ان‌شاءاللّه تعالی به پاس خون شهیدان و به پاس آبروی اسلام و ملت مظلوم عزیزتان با سرافرازی منادی حق و مبلّغ عملی و قولی اسلام و جمهوری اسلامی می‌شوید و علاوه بر ثواب عظیم زیارت بیت‌اللّه و قبور اولیای خدا بویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد عنایات حق تعالی و دعای بقیةاللّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- و غریق رحمت باری تعالی و خیر و ثواب در دنیا و آخرت خواهید شد و یا خدای نخواسته منادی شیطان و مروّج تبلیغات دشمنان اسلام و موجب هتک حرمت اسلام و جمهوری اسلامی و شهیدان شاهد و رنجدیدگان امت خود می‌شوید و دست رد الهی بر سینه شما نامحرمان می‌زنند.
اکنون شما عزیزان بر سر دوراهی سعادت ابدی و تحصیل رضای حق و خاصان او

و شقاوت و محرومیت ابدی هستید و امیدوارم به برکت مَواقیت (1) و مواقف متبرّکه (2) و دعای ملت محروم که بدرقه راه شماست، از طبقه اول باشید و اسلام وشهدا و جانبازان و ملت و میهن خود را سرافراز کنید و دست رد به سینه دشمنان اسلام و مسلمانان زنید و دشمنان را مخذول (3) و دل‌شکسته و دوستان را شاد نمایید. وشما گرچه می‌دانید بایدچه بکنید و از چه پرهیز نمایید لکن اینجانب نیز برای ادای تکلیف و اتمام حجت به مهمات آنها اشاره می‌کنم:
الف- اخلاق کریمه انسانی- اسلامی را با همه زوّار از هر طبقه و هر طایفه و هررنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت‌وآمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتیها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی از هر کس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شریفه محل نزاع و جدال نیست. و آنچنان کنید که معلوم شود شما از کشور امام صادق علیه السلام آمده‌اید و این خودیک خدمت شایان به اسلام و جمهوری اسلامی و هم میهنان عزیز است. و بدانید که پس از رجوع از سفر، لذت این امر را به طور شایسته خواهید برد، علاوه بر تحصیل رضای حق و پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله و حضرت بقیةاللّه- روحی لمقدمه الفداء- که شاهد و حاضر است.
ب- در راهپیماییها لازم است در وقت و کیفیت، شعار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسلامی را به‌طور شایسته مراعات نمایید و به هیچ‌کس اجازه ندهید که سرِخود و بدون دستور شعار دهد، که ممکن است عمال دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی که برای تفرقه افکندن و بدنام نمودن شما آمده باشند در بین شما نفوذ کنند و با تحریکات و شعارهای غلط مخالف اخلاق اسلامی، به آبروی شماو ملت شما و اسلام و مذهب لطمه وارد کنند و در هر صورت لازم است همه گوش به دستورات و

1- جمع میقات؛ محلهای پنجگانه‌ای که حاجیان از آنجا احرام بسته و قصد زیارت خانه خدا کنند.

2- وقوف حاجیان در عرفات و مشعر و منا با شرایط و اعمالی خاص بخشی از مناسک حج است.

3- خوار و سرافکنده.

شعارهای نماینده اینجانب، جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی و دیگر متصدیان امور فرا دهید و از غیر آنها جداً پرهیز نمایید.
ج- کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می‌شود، آنچه مربوط به امریکای مخالف با آرمانهای اسلامی و اساساً مخالف با اسلام است، خریداری آنهاکمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه‌ها جان دهند و جانبازی کنند وشما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال دهن‌کجی نمایید. شما برای خودتان یا دوستانتان می‌توانید چیزهای مناسب از خود ایران تهیه نمایید که به دشمنان ایران و اسلام کمک نشود. اینجانب وظیفه خود را ادا نمودم و شمایید که در زیارت خدا و رسول، به دشمنان آنان کمک ننمایید و موجب سرافکندگی ملت و میهن خود نشوید. اینها تذکراتی است که به واسطه اهمیت آن در سالهای قبل داده شد و تکرار آن وظیفه اینجانب است.
5- خوب است که سران کشورهای اسلامی در مسائل روزِ کشورهای اسلامی تحت ستم و ملتهای مظلوم تحت چکمه‌های اجانب و غارتگرهای شیطانهای بزرگ و سایر شیاطین دیگر که ذخایر غنی آنان را چپاول می‌نمایند و ملتها در فقر و فاقه می‌سوزند، تفکر نموده و به خود آیند و خوف و وحشتی را که ابرقدرتها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده‌اند تامصالح کشور خود و سایر مسلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به مذلت مرگبار دهند، با ارزیابی صحیح سنجش نموده و با وجدان به قضاوت بنشینند و بیش از این برای خویش و کشورهای خود ننگ به‌بار نیاورند و در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قلدریهای هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی می‌کند و در راه شرف اسلام و عزت میهن اسلامی خویش بپاخاسته و در این راه که همان راه انبیای عظام- علیهم وآلهم السلام- است، ازهمه چیزمادی خود گذشته و فریاد «هَیهاتَ مِنّا الذلة» را به گوش جهانیان رسانده است.
و اگر دولتهای منطقه به جای هماهنگ شدن با ملت ایران، کمک به حزب عفلقی عراق که اسلامزدایی جزء مرام آن است نمی‌کردند، در همان ماههای اول کوبیده شده بود و

ملت عزیزاسلامی عراق از شرّ اوراحت شده‌بودند وکشورایران وعراق و سایر کشورهای منطقه با برادری زیست می‌نمودند. و اکنون نیز که بازیگران حرفه‌ای با ترفندهای مختلف می‌خواهند سلطه غارتگرانه سالهای طولانی را حفظ و از وحدت مسلمین و از اسلام بزرگ که سیلی خورده‌اند وسخت‌آشفته هستند، عمال معلوم الحال خود را به راه انداخته‌اند تا نگذارند اسلام به پیروزی برسد؛ همچون حسن مراکشی (1) که با ملاقات و دست دوستی دادن به «پرز» (2) به اسلام و ملتهای مسلمان بویژه ملت عرب و فلسطین خیانت فاحش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولتهای اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع دست این خیانتکار را قطع کنند؛ و چون حسین اردنی، (3) این دلال دوره گرد خیانتکار که تا دولتهای منطقه را به دام شیطان بزرگ نیندازد از پای نخواهد نشست؛ و چون «حسنی مبارک» (4) نسخه دوم انورسادات و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که ایناننند که شما را بازیچه خود قرار داده‌اند تا متعمداً یا بدون عمد سد راه شرف و عزت اسلام شوند.
ما ازدولتهای منطقه می‌خواهیم‌که دست ازحمایت دشمنان‌اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهنشان و مظلومان جهان است معارضه نکنند و با همسویی وهمکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه فتنه‌گران و جهانخواران زنند و باید بدانند این حزب مرده (5) زنده نخواهد شد «وَالْعاقِبَةُ لِلمُتَّقین».
اینجانب به حسب وظیفه اسلامی آنچه صلاح مسلمانان و حکومتهای کشورهای منطقه است، گوشزد کردم و از خداوند متعال خواهانم آنان را به راه راست هدایت فرماید و از کجرویها باز دارد. والسلام علی عباد اللّه الصالحین.
یکم ذی‌حجةالحرام 1406
روح اللّه الموسوی الخمینی

1- ملک حسن، شاه مراکشمغرب).

2- شیمون پرز، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی.

3- ملک حسین، شاه اردن.

4- رئیس حاکم بر رژیم مصر.

5- حزب بعث حاکم بر عراق.

ص: 194
پیام
زمان: 6 مرداد 1366/ 1 ذی‌الحجه 1407
مکان: تهران، جماران
موضوع: برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام
مخاطب: مسلمین ایران و جهان و زائران بیت‌اللّه الحرام
مناسبت: برگزاری مناسک عظیم حج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً الَی اللَّه وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوتُ فَقَدْ وَقَعَ اجرُهُ عَلَی‌اللَّه (1) الحَمْدُللَّه عَلی آلائِهِ و الصَّلوةُ وَ السَّلامُ عَلی انبیائِهِ سیّما خاتَمِهِم وَ افْضَلِهِم وَعَلی اوْلِیائه وَ خاصَّةِ عِبادِهِ سیّما خاتَمِهِم وَ قائِمِهِمْ ارْواحُ العالَمینَ لِمَقْدَمِهِ الفِداء.
قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی‌پایانی که نصیب عالمیان شده و می‌شود. خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سرّ و عَلَن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که؛ اللَّه نُورُ السَّموات وَالارض (2)
و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده که؛ هُوَ الْاوَّلُ وَالاخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْباطِنُ (3)
و به کتب مقدس آسمانی‌اش که از حضرت غیب بر انبیائش از صفی‌اللَّه تا خلیل‌اللَّه و از خلیل‌اللَّه تا حبیب‌اللَّه- صلوات اللَّه و سلامه علیهم و سلم- نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی‌اللَّه را گوشزد

1- بخشی از آیه 100 سوره نساء: «و هرکس از خانه خویش خارج شود و در حال هجرت به سوی خدا و پیامبر او، مرگش فرا رسد، هرآینه پاداشش‌بر خداست».

2- بخشی از آیه 35 سوره نور: «خداوند نور آسمانها و زمین است».

3- سوره حدید، آیه 3.

کرده چون کریمه وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً اَلَی اللَّه و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ الَّذینَ مَعَهُ اشِدَّآءُ عَلَی الْکُفَّار رُحَماءُ بَیْنَهُمْ. (1)
و هزاران شکر که ما را از امت خاتم‌النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبیه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمیعه و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده؛ انَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِکْرَ وَ انَّا لَهُ لَحافِظُونَ (2)
قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه و آله با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری (3) است.
در این کتاب جاوید می‌بینیم که فرموده: قُلْ انْ کانَ اباؤُکُم وَ ابناؤکُمْ وَ اخوانُکُمْ وَ ازْواجُکُم وَ عَشیرَتُکُم وَ امْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها احَبَّ الَیکُم مِنَ‌اللَّه وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی‌سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یَأتِیَ‌اللَّه بِامْرِهِ وَ اللَّه لا یَهْدِی الْقَومَ الفاسِقینَ؛ (4)
خطاب به مصلحت‌اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل‌اللّه را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی‌سبیل اللّه در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول

1- بخشی از آیه 29 سوره فتح: «محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سختگیر، وبا یکدیگر بسیار مهربانند».

2- سوره حجر، آیه 9: «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت».

3- شهر، ناحیه.

4- سوره توبه، آیه 24: «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و

خویشان خود را و اموالی که جمع‌آورده‌اید و کالا و مال‌التجاره که از کسادی آن بیمناکید، و مسکنهایی که بدان دل خوش کرده‌اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می‌دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذو قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بر بادرفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل‌عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره. و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه فَلْیَحْذَرِ الَّذینَ یُخالِفوُنَ عَنْ امْرِهِ انْ تُصیبَهُم فِتْنَهٌ اوْ یُصیبَهُمْ عَذابٌ الیمٌ. (1) و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتهایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

و حمد و شکر بی‌پایان بر ذات مقدس ربوبیت که با تربیتهای معنوی خود ملت ایران را از غرقاب فساد ستمشاهی نجات بخشیده و راه و رسم زیستن مستقل در پناه بیرق شکوهمند اسلام را به آنان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقدرتها پیراسته باشد و سرنوشت خویش را خود بر اساس اسلام عزیز تعیین کند و دست به سینه اغیار زند و خداوند بر ما منت نهاد که در سایه این ملت زندگی می‌کنیم. و شکر بی‌پایان بر عنایات حق- جل و علا- که در آستان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صلی الله علیه و آله ندای اسلام بر اقصا بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی اسلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمده و چشمهای جهانیان به سوی کشور ولی‌اللّه اعظم- ارواحنا لمقدمه الفداء- دوخته شده و به رغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوایی‌شان بر سر بازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشی آنان که وعده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود می‌دادند، امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پرقدرت‌تر و جوانان و سالمندان آن مصمم‌تر و حوزه‌های مقدس علمیه آن در سایه

1- بخشی از آیه 63 سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند باید بترسند از اینکه فتنه و یا عذابی‌دردناک آنان را در برگیرد».

مراجع معظم و علمای اعلام- کثَّراللّه امثالهم- پرشورتر و پیوند حوزه‌ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه‌گانه آن فعالتر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو به رشدتر. و دشمنان آن، که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیفتر و زبونتر و کاخهای مستکبران لرزانتر و رسوایی کاخ سیاه بر ملاتر و پریشان‌گویی و دلهره کاخ‌نشینان افزونتر و سردرگمی رسانه‌های گروهی جهان- که انعکاس سردرگمی کاخ‌نشینان زورگو است- واضحتر گردیده و لازم است در این جوّی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فِرَق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرت‌ها خارج نمایند. اینک تذکراتی را عرض می‌کنم:
1- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج و نماینده اینجانب، جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت ازمشرکان وملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان امریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّکُم (1)
بت آلهه‌ها و اربابان مُتِفَرِّقُونَ (2)
شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در وَاذانٌ مِنَ‌اللّه وَرَسوُلِهِ اَلَی

1- بخشی از آیه 172 سوره اعراف، که خداونددر عالم ذَر) از فرزندان آدم سؤال کرد: «آیا من پروردگارشما نیستم؟».

2- اشاره به آیه 39 سوره یوسف.

النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الاکبَرِ (1)
زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان وشبهات تردید آفرینان ومتحجرین ومنحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیله‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاحهای مسلمانان و ضربه‌زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد صلی الله علیه و آله به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا جاهلان مُتنسّک (2) بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف‌آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتهتّک (3) القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می‌باشد. که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شمار می‌رود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بیخبران و دلمردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله رابه صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و از همه جا وهمه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و

1- بخشی از آیه 3 سوره توبه: «اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر».

2- جاهلان زاهد.

3- عالمان پرده دررسوا و بیحیا).

همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوضّوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.
به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس‌صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم وحرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟
خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملتها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده‌اند چه باید کرد. آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام ومنزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملًا شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت‌پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذباللّه پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان مقدمه

یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت وفدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی انَّنِي بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُون (1)
ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلًا در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید ومدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون وناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.
امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریادِ از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذناب آن به لب رسیده است وخانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم- دیده- کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته‌ام و اکنون نیز تذکر می‌دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید، مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده واستقلال واقعی خود را تضمین می‌کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان، به سلطه دیگری گردن نمی‌نهند و پای امریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می‌شکنند.
و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستمِ سیه‌روزان بی‌فرهنگِ نژادپرست را می‌خورند. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند ونوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و

1- بخشی از آیه 19 سوره انعام: «و من از آنچه شما شرک می‌ورزید، بیزارم».

از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.
فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.
فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانه ملتهایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.
فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملتهای فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.
فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمانها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیهات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.
قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه وتنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت

را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعیِ عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی ومردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان‌شاءاللّه تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است ونهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه‌زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سرّی و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو وطبلهای توخالی و تبلیغاتِ ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعض کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می‌دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره‌گر صحنه

شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.
ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت‌وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه‌دار کنند، که این انقلابی‌نماهای کم‌شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده‌اند. عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر وحتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت‌المقدس هم خبری به گوش نمی‌رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می‌زند، او را محکوم می‌کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام قدس برگزار شود، وحشت نموده‌اند.
نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیزم را دیگرگون ساخته است و گرگهای خون‌آشام صهیونیزم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات دست برداشته‌اند. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه‌کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه و آله و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌اللّه در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم و حمایت بیدریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می‌نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام در خواری و ذلت جهانخواران گردیده‌اند، تشکر می‌کنم و برای موفقیت همه عزیزانی

که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می‌زنند دعا می‌کنم و اطمینان می‌دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره جویید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که انْ تَنصُرُوا اللَّه یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ اقدامَکُمْ. (1)

2- از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو به زوال عفلقیان، تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته‌اند تا بعد از آنهمه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین‌المللی، ما را جنگ‌طلب معرفی نمایند. و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند. لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دربند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تاکنون و در تمام مراحل دفاعی ما، هیچ‌گاه با زبان عدالت و بیطرفی با ما سخن نگفته است. آن‌روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بیخردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین‌المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می‌نمود و نه تنها خانه‌های یک شهر و روستا، که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می‌کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند و تجاوزات و وحشیگریها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می‌کند و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ کس ازاین مدعیان صلح، جلوی آتش‌افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برنخاست و به صدام، این آغاز کننده جنگ، نگفت که به کدام

1- بخشی از آیه 7 سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری کرده و گامهایتان را استوار خواهد ساخت».

گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند! و به کدام گناه میلیونها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه‌شان ویران گردد! و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه‌گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و بر باد برود! آیا جرم ما، ایرانی بودن ما است، جرم ما فارسی بودن ما است، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟ خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهانخوار بوده است. و نزد جهانخواران و نوکران بی‌اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام وحاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.
ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از 15 خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده‌ایم و به خوبی دریافته‌ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی‌شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه‌ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می‌کنند و همین‌گونه شد وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در 15 خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتیِ او در اعتراض به مصونیت کارگرانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی‌اراده و وطن‌فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلامخواهی ملت ما

را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قدعلم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته‌های این ملت پشته‌ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پرو بال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می‌شکستند، همه جهانخواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین‌المللی شاه را متمدن و مترقی، و آزادی‌طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته‌های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خونرنگ ایران جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات امریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الآن نیز همان سخن را تکرار می‌کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می‌کرد؟ که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می‌کرد چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می‌یافت. ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور امریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما، خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود امریکا در پشت صحنه باقی مانده بود، امریکایی که از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت.
امریکا به تصور اینکه ملیگراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی‌آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون

واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برائت مجدد خویش را از امریکا و اذناب آن اعلام نمودند، که دوباره امریکا همان تیغی که به دست محمدرضا سپرده بود در کف صدام این زنگیِ مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به امریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟
گفتم که خرابیهای شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست‌اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی‌توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می‌شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.
تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونبهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمنهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمبگذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. و ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً امریکا را بر مردم سیلی‌خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان

می‌گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.
ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده‌اید آنقدر گرانبها و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده‌اید، که سود زیستن در کنار اولیاءاللّه را برده‌اید و در جهان ابدی شده‌اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!
من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابلِ دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز رابا اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگِ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم.
خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان. و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.
حال با این مقدمه‌ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده‌ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر

پرورانده است؛ دنیا نیز به چه انگیزه‌ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدرنترین سلاحها مسلح نموده است ولی از دادن امکاناتی که حق مسلّم ملت ما است و حتی پول آنها را گرفته‌اند خودداری نموده است، ولی با تمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه برسلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیةاللّه- عجل‌اللّه تعالی فرجه- و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزنان صحنه کارزار به پیروزی رسیده‌ایم و خدا را سپاس می‌گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه برمشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیتهای اعجاز گونه‌ای که در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه‌اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ‌گونه کمک خارجی، دست یافته‌ایم، و هم‌اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده‌ایم و قدمهای آخرمان را برمی‌داریم، صدای ناآشنای صلح‌طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می‌رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح‌طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای خون جوانان و سرمایه‌های مادی و معنوی در کشور ایران و عراق مرثیه‌سرایی می‌کند. راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملتها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه‌ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد پیدا کرده‌اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه‌داری و کمونیسم است، منصرف شده‌اند و شمشیرها و خنجرها و قداره‌های فرو رفته در قلب و جگر ملتها را به غلاف کشیده‌اند! آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه‌های دیگر شبیخونها و بی‌انصافیهایی نیست که روزی سکوت را مصلحت

خویش می‌دید و امروز صلح‌طلبی را؟ آیا براستی از این طریق جهانخواران نمی‌خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملاً جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند که به طور قطع و یقین، علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بر ملت ایران، نشأت گرفته از همین تفکر است. و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی است و چه کسی جنگ طلب است خود اولِ بحث ما است.
آیا واقعاً صدام از گذشته‌ها و کرده‌ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می‌کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می‌خواهد؟ آیا صلح‌طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی او است و اصلاً با اینهمه جنایت و غارتگریها، برای صدام وجدان و شعور و عاطفه‌ای می‌توان تصور کرد، یا اینکه این افعی زخم‌خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح‌طلبی چسبیده است؟ و عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می‌دهند و با تحریفِ آیاتِ کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می‌دارند، که خداوند را سپاس می‌گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی‌رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخر می‌زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فداکردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن رو به احتضار [از] مکتب و جامعه و کشور خود چشم‌پوشی نموده و به او مهلتِ توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزه دنیا ارزش اینهمه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می‌نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته‌های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران

مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفت‌کشها و هواپیمای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می‌کند. و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده‌اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعیت و درندگی ذره‌ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین‌المللی به گرگ زخم‌برداشته‌ای بدل شده است و می‌رود تا شعله‌های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج‌فارس بر افروزد.
و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می‌دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می‌دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین‌المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می‌کنم. چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم‌گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج‌فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابر قدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.
آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می‌گویند.
چه خوب است که بعض سرانِ سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود، این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویید، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می‌خواهند آن را حفظ کنند؟ البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس

اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل و علی‌رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت‌کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است. و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی- خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند و علی رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که درجهانْ امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته‌اند تا خبر موفقیت نقشه‌های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می‌آورد و اقتدار معنوی پرچم لااله الا اللّه را بر پرچم کفر به نمایش می‌گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می‌سازد و چه بهتر که امریکا و ریگان از مسیر سیاست مین‌گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنان را در جهان به صدا درآورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قدرت و قدرت‌نمایی خود را پیش نوکران خود مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکنده نسازد و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می‌دهد. و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده‌ایم و کمربندها را محکم بسته‌ایم و همه‌چیز برای عملیات آماده است. و حتماً امریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک

اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می‌کنیم.
مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی‌اکرم باشند.
البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهانخواران بوده و است، که از این طریق از پیدایش جوّ تفاهم و همکاری مسالمت‌آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملتهای اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی- نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب عفلقی عراق این مسئله به کندی پیش می‌رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملتهای اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است. به هر حال اصرار ما در نبرد، تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط بر حق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی‌کنیم که ان‌شاءاللّه با تحقق آن، در کنار کشورهای اسلامی، سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملتهای اسلامی پایه‌ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی شده‌اند از سرنوشت صدامیان عبرت می‌گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملتها گرفتار نخواهند ساخت.
امروز بدون شک سرنوشت همه امتها وکشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان وخدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست

وتحقیر همه مؤمنان می‌انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست، لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و ان‌شاءاللَّه تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است. و خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می‌برند و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه‌های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده‌اند و می‌روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستمدیده عراق پرداخته‌اند که این از مهمترین خواسته‌ها و هدفهای ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده‌ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم‌گیریها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیتِ مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و موردنظر خود را انتخاب کنند که بحمداللَّه طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است وهمه ابرقدرتها وحامیان رژیم رو به زوال بعث مطمئن باشند که بین‌المللی کردن درگیریها در جنگ وایجاد جوّ فشار و جریانات ساختگی سیاسی و تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ‌نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیلهای کور و بی‌ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصرههای جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می‌کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی‌شویم. و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می‌شود. البته ممکن است غربزده‌ها و بزدلان و همانهایی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده‌اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه‌آفرینان و وطن‌بانان خدمتی کرده‌اند و نه در آینده

لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن‌بست در جنگ تحمیلی، داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احیاناً آنهاکه در خارج از مرزها نشسته‌اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده‌اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آنکه به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامیِ ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین‌الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.
الحمدللّه این کشور رسول خدا صلی الله علیه و آله امروز میلیونها جوان داوطلبِ جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنها و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می‌دانم و به این خدمت افتخار می‌کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله می‌دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت وایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره‌های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده ازامکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صِرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح دادهها و در یک کلام، مصلحت پابرهنه‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین درمنازل و مناسک و متمکنین و مرفهین

گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه‌رسیده‌ها و دین به دنیا فروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه‌دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده‌اند و از همه زجرها و غربتهای مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده‌اند، غافل و بیخبرند.
3- روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت وتلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هر گونه توقع و منتی زائران محترم بیت‌اللّه را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضاو شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می‌گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می‌کنند ولی از مشکل‌تراشی و حالتهای وسواس‌گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاطهای بیمورد قرار می‌دهد خودداری کنند، چرا که وسواس در برنامه و مراسم وعبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات می‌شود. و یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحبنظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعض کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه‌ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می‌نمایند، ولی برنامه‌ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیداکردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.
متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین‌المللی بیخبر هستند و متأثر از القائات و برداشتهای مادی، تصور می‌کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی وپیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذباللّه اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمداللّه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی رغم همه کارشکنیها و سنگ‌اندازیها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه‌توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می‌کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غربزده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می‌رفت تا پایگاهی برای اسلام‌زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین ومقررات این کشور را

وحی و اسلام معیّن نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی‌المقدور بر چیده شده و علی‌رغم همه نغمه‌های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی‌خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه‌های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزهها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست‌اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره وبا جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی وانتظامی که مسئولیت امنیت مرزهاو داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب واشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و موادمخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبداللَّه صلی الله علیه و آله و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می‌شود و خدا را سپاس می‌نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته‌ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی وعمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می‌دهیم و در عمل به همه غربزدگان و شرقزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه داشته‌اند، نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمداللَّه همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به

نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم فروشان بی‌عمل باشد وتعجب است که چگونه بسیاری ازعلما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم وتمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً امریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله را پایدار نمایند.
آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ‌آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومتهای جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند،

گوشزد کنند.
من مجدداً تأکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سر حد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندانها و شکنجه‌ها را به جان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب‌اللّه لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردنهای بیمورد مانده است؟
علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد. البته ما درد تنهایی بعض از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تحلیلها و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده‌اند [را] احساس می‌کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند، موعظه خدا رایادآور می‌شویم که انْ تَقُومُوا للّه‌مَثْنی وَ فُرادی ثُمَّ تَتَفَکَّروا؛ (1)
برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید، مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند وهمچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند ونور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأ عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگرنه این است که علما حجت پیامبران ومعصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و

1- بخشی از آیه 46 سوره سبأ: «بگو شما را به یک موعظه سفارش می‌کنم) اینکه برای خدا قیام کنید دو نفردو نفر یا به تنهایی، سپس فکر و

اندیشه کنید».

روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش ازاین ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره‌ها و روحانی‌نمایان و دین به دنیافروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم‌سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان وآزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملتهای اسلامی را از شرور و ظلمت این نا اهلان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است، هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملتهای جهان گردیده است و عملًا بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمینهای حاصلخیز جهان و آبها و دریاها و جنگلها و ذخایر، به فقر ودرماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات وابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری وچند ملیتی، عملًا نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته وهمه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه وتقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند وبا القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرهنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این

مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف وتعیشها جانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی، به وضعیت أسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه‌کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلّم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند ومال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق‌گوییها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.
خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از

آنِ کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران وکارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمداللّه در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.
و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی وکمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان ازاعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذاللّه که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت ودست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی- اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار

تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهیِ محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی‌شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.
البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی‌کنند و با کمبودها ازمیدان به در نمی‌روند، چرا که کسی که برای خدا جان ومال فدا می‌کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی‌آید، ولی وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی ومشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرهنه‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز وجوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند- و ان‌شاءاللّه خواهند بود- و سر و جان را در راه خدا می‌دهند، چرا ما از خدمت به این بندگانِ خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می‌گوییم که یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.
و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده‌زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است واداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زیّ روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمداللّه روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از

این برای خدشه‌دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان‌شاءاللّه موفق نمی‌شوند.
و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده‌اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده‌اند، امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکاتِ این اجتماع مقدس عبادی- سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند، هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه‌ها و توطئه‌ها را خنثی می‌کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند. البته بعید به نظر می‌رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند، از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی- سیاسی ملت ما که به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می‌باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب درصدد دست یافتن به سوژه‌ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره وخصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش- به یاری خداوند- در سراسر عالم طنین

افکنده است، گردیده‌اند. و حج بهترین میعادگاه معارفه ملتهای اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی واسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گِردهم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها به سرزمین و خانه اولینِ خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی واجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی صلی الله علیه و آله را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.
زائران محترم کشور ایران، ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند و باتوجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که به اشکال مختلف بر ملتهای اسلامی تحمیل شده است، به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان- ارواحنا فداه- به این ملت بیشتر پی می‌برند و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می‌دانند و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند، مطلع می‌گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی وجهاد رهنمون شده‌اند، خدا را سپاس می‌گزارند.
خداوندا! این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر. خداوندا! ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما. خداوندا! بربندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزا. خداوندا! به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و در مسیر خدمت به بندگانت ما را تا مرز قربانی خود وفرزندان و هستی‌مان همراهی و مدد بنما.
زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عُجب گرفتار شوند و خدای نخواسته به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند و از شکر این نعم بزرگ الهی، که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران

دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعتها و پیوندهای دوستی وارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنند وحدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایند. و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان‌شاءاللّه دفاع خواهد کرد و به آنان بگویید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملتهای اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملتهای تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم وبه یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان- ارواحنا فداه- هموار می‌کنیم.
و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبراکرم است، جای، جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبتهای چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقتفرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت ورسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند، که واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در چه غربتهایی برای دینِ حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و ازتهمتها و اهانتهاو زخم‌زبانهای «ابولهب» و «ابوجهل» ها و «ابوسفیان» ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه وکارشکنیها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام

رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق فَاسْتَقِمْ کَما امِرْتَ (1)
پرده برمی‌داشتند، زائران بیت‌اللّه الحرام در می‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده‌اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادثِ دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است ولی یقیناً وسعت مظلومیتها و سختیهایی که بر پیشوایان ما رفته است، به مراتب بالاتر از مسائل ما است. حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پر تلاش و خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و اهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کنید و ملتمسانه و عاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفر جهانی از خدا بخواهند و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.
خداوندا! اگر هیچ کس نداند تو خود می‌دانی که ما برای برپایی پرچم دینِ تو قیام کرده‌ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابلَ شرق و غرب ایستاده‌ایم و در پیمودن این راه لحظه‌ای درنگ نمی‌کنیم.
خداوندا! تو می‌دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران ومادران خود برای عزت دین تو به شهادت می‌رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی‌انتهای تو بال و پر می‌کشند.
خداوندا! تومی‌دانی که امت رسول تو در ا ین مملکت مواجه با همه توطئه‌ها است و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی‌گذارند و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصاد فزونتر می‌شود.
خداوندا! تو می‌دانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده‌اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را

1- بخشی از آیه 112 سوره هود: «همانگونه که امر شده‌ای استقامت کن».

به نصر وپیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب وپیروز گردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست وپیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده‌اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده‌اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. «انک ولیّ النعم».
1 ذی‌الحجة الحرام 407
روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: 230
پیام
زمان: 12 مرداد 1366/ 7 ذی‌الحجه 1407
مکان: تهران، جماران
موضوع: جنایتها و خیانتهای آل سعود
مناسبت: فاجعه خونین مکهکشتار زائران ایرانی توسط مأموران آل سعود)
مخاطب: کروبی، مهدینماینده امام خمینی و سرپرست حجاج ایرانی)

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
والَّذینَ هاجَرُوا فی سَبیلِ اللَّه ثُمَّ قُتِلُوا اوْ ماتُوا لَیَرْزُقَنَّهُم اللَّه رِزْقاً حَسَناً وَ إنَّ اللَّه لَهُوَ خَیْرُالرَّازِقینَ (1)
جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته
پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون‌آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه اینجانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جنایتکار قرار گرفته‌اند، ابلاغ کنید. این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و ملتهای اسلامی را جریحه‌دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده‌اند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگهای ایادی امریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآنها و مساجد برداشته‌اند، این

1- سوره حج، آیه 58: «و آنانکه در راه رضای خدا از وطن هجرت گزیدند و در این راه کشته شدند، یا مرگشان فرارسید، البته خدا رزق و روزی نیکوییدر بهشت ابد) نصیبشان گرداند، که همانا خدا بهترین روزی دهندگان است».

حوادث غیرمترقبه و شگفت‌آور نیست که دوباره دست کثیف امریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین (1) به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت (2) حاجّ و عمارت مسجدالحرام، خیابانها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.
ما در عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی‌سابقه امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده‌ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می‌گزاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بیخردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی‌کنند که حرکتهای کورشان سبب قوّت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله‌ای سبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده‌اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می‌کردیم و اگر هزاران مبلّغ و روحانی را به اقطار عالم می‌فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام امریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی‌توانستیم، و اگر می‌خواستیم پرده از چهره کریه دست نشاندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام امریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام‌زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق‌طلبانه ملتها، باز به این زیبایی میسر نمی‌گردید، و همچنین اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان برنمی‌آید، بدین خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم و اگر می‌خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابیهای پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته‌اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی‌رحمی عمل کرده‌اند، موفق نمی‌شدیم و حقا که

1- در مقابل ادعای زمامداران آل سعود که خود را «خادم الحرمین الشریفین» می‌نامند.

2- آبرسانی، رساندن آب به حاجیان.

این وارثان ابی‌سفیان و ابی‌لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده‌اند.
جمهوری اسلامی ایران الحمدللّه در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم‌الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده‌اند، صدام و حسین اردنی (1) و حسن مراکشی (2) به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی‌دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می‌گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکر کشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدمات و توسل به بهانه‌های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف امریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده‌اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه‌های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده‌اند و آنان را غافلگیر کرده‌اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم باآب زمزم و کوثر پاک نمی‌شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می‌شوند و ما همه این جنایتها را به حساب امریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا و در موقع

1- ملک حسین، پادشاه اردن.

2- ملک حسن، پادشاه مغربمراکش).

مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود» ها و «شیاطین» و «قارون» ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می‌کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.
و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می‌کنم آن جا که فرموده است: اجَعلْتُمْ سِقایَةَ الحاجِّ وَ عِمارَةَ المَسْجِدِ الحَرام کَمَنْ امَنَ بِاللّه وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فی سَبیلِ اللّه لایَسْتَوونَ عِنْدَاللّه وَاللّه لایَهْدِی القَوْمَ الظّالِمینَ. (1)
گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت‌اللّه الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. و خداوند تعالی می‌فرماید: شما کوردلان آب‌رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می‌کنند، مساوی قرار داده‌اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقف حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپا خاسته‌اند مقایسه نکرده‌اند؟ و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی‌کنند؟ و با مجاهدان راه خدا آن نمی‌کنند که روی امریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه اینکه خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشهاست. و آیا خداوند با ذکر وَاللّه لایَهْدِی القَوْمَ الظّالِمینَ نمی‌خواهد بفرماید خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را

1- سوره توبه، آیه 19: «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا وروز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کردند یکسان شمردید؟ هرگز، آن نزد خدا با این یکسان

نخواهد بود، که خدا ستمکاران را هرگز هدایت نخواهد کرد».

ستمگرانی بیش نمی‌داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی‌فرماید؟
آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه‌چیز و همه‌کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می‌توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده‌اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهای عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک (1) و صدام عفلقی است؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره‌ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربیِ کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده‌اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. ان‌شاءاللّه زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می‌شوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و

1- حسنی مبارک، رئیس رژیم حاکم بر مصر. او به همراه صدام حسین، ملک حسین وملک حسن، پس ازواقعه خونبار مکه و شهادت صدها زائر ایرانی به دست عوامل و دژخیمان آل سعود، پیامهای تبریکی برای ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی فرستادند!

اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که امریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده‌اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از اینکه خداوند هدیه‌ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل‌گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که ان‌شاءاللّه خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شرّ متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.
از خداوند مسئلت می‌کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده‌اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده‌اند و همه ضربه‌ها را بر علیه ما به کار گرفته‌اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.
7 ذی‌الحجه سال 1407 هجری قمری
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 236
سخنرانی
زمان: صبح 1 شهریور 1366/ 27 ذی‌الحجه 1407
مکان: تهران، جماران
موضوع: فاجعه اسفبار کشتار حجاج در مکه
مناسبت: در آستانه هفته دولت
حضار: خامنه‌ای، سید علیرئیس جمهور)- موسوی، میرحسیننخست وزیر) و اعضای هیأت دولت
بسم اللّه الرحمن الرحیم

ما هیچ هستیم و همه چیز خداست

ما خدای تبارک و تعالی را شکر می‌کنیم که با این همه مشکلاتی که برای جمهوری اسلامی پیش آوردند و پیش خواهند آورد، جز ذات مقدس او پناهی نداریم. هر چه هست از اوست و هرچه خواهد شد هم از اوست و ما جز یک خدمتگزاری که باز هم توفیقش از اوست، چیزی نیستیم. باید همه ما توجه داشته باشیم به اینکه ما خودمان چیزی نیستیم، هرچه هست اوست. اگر عنایات او نبود ما هیچ بودیم؛ چنانچه از ازل هم هیچ بودیم و بعدها هم از حیث حیثیت خودمان هیچیم. منتها ما هیچها اشتباه داریم؛ خیال می‌کنیم ما هم یک چیزی هستیم و این یک حجابی است بین ما که امیدوارم خدای تبارک وتعالی این حجاب را بردارد و ما بفهمیم کی هستیم؛ «اللهُمَّ ارِنِی الأشْیاءَ کَما هی». (1) ارِنِی الأشْیاءَ کَما هُو»، یعنی به حسب احتمال قوی اینکه آن که هستند که صرف
تعلق به او هستند، او رانشان بدهد که اگر او را نشان بدهد، معرفت خدا حاصل می‌شود. و اگر آن چیزی که ما همه در حجاب هستیم، آن حجاب برداشته بشود، معلوم

1- خدایا! اشیاء را آنچنانکه هستند به من نشان بده».

می‌شود که غیر از او کسی نیست و چیزی نیست و همه اشکالات در حجابی است که ما داریم، گمان می‌کنیم چیزی هستیم. و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه ما توفیق معرفت عنایت کند و توفیق خدمت به خلق اللّه.

البته من از مشکلات دولت، از مشکلات کارمندان دولت، از مشکلات همه قشرهایی که در بین دولت کار می‌کنند آگاهم؛ چنانچه شماها بهتر آگاهید. و من می‌دانم که این دولت و این اقشاری که مربوط به دولت هستند، در عین حالی که محرومترین قشرها هستند، با اخلاصترین قشرها هستند، و در عین حالی که با یک زندگی درویشانه می‌گذرانند، بحمداللّه، قدرت معنوی دارند و هر چه زندگی زیادتر بشود، قدرت روحی کمتر می‌شود.
این مسلّم است هر قدمی که دنیا برای آدم بر می‌دارد، انسان عقب می‌گیرد. آنهایی که در کاخهای بسیار مجلل زندگی می‌کنند، نگرانیشان بیشتر از آنی است که درویش‌اند و در محله‌ها زندگی می‌کنند. پس ما از این جهت هم شکرگزار هستیم که ما را در لباس درویشها درآورده است- نه درویش به معنای اصطلاحی، درویش واقعی- و ما خدمت به خدا و خدمت به خلق خدا را وظیفه خودمان می‌دانیم و مشکلات را هم ان‌شاءاللّه، پشت سر می‌گذاریم و همان طوری که تاکنون ایستادگی کرده‌ایم، همه ایستادگی کردند در مقابل همه مشکلات، از این به بعد هم بین همه مشکلات ایستادگی خواهند کرد. و من دعا می‌کنم که خداوند به شما توفیق بدهد.
و اشخاصی که خارج ایستاده‌اند و اشکال می‌کنند، از باب اینکه خودشان در گود نیستند، اشکال کردن یک چیز آسانی است. اما حل اشکال مشکل است. خوب، البته اشخاصی خارج نشسته‌اند، می‌گویند: چرا چه شد؟ چرا نشد؟ چرا باید بشود؟ چرا فلان کار باید بشود؟ باید بکنند. لکن وارد نیستند ببینند که مشکلات چی است. در یک همچو زمانی که دولت و ایران مبتلای به همه گرفتاریهایی که می‌بینید هستند و همه دولتها، همه جهان به استثنای ملتهایشان در صدد محو جمهوری اسلامی هستند؛ یعنی، در صدد محو

اسلام هستند، در عین حال، خدای تبارک و تعالی تأیید کرده است و ما استقامت کردیم، مقاومت کردیم، بعدها هم خواهیم کرد، ان‌شاءاللّه.

و آن چیزی که من امروز خیال دارم عرض کنم قضیه اسفباری است که در مکه اتفاق افتاد. ما از اول قیام- ان‌شاءاللّه- برای خدا و برای نجات ملت، شهدا خیلی داشتیم.
چه قبل از اینکه انقلاب واقع بشود- در زمان ستمشاهی- شهدای بزرگ داشتیم و چه بعدش که می‌بینید شهدای بسیار ارزشمند داشتیم، لکن مسئله حجاز مسئله دیگری است، غیر مسائل است. ما آن وقت هرچه بوده، این [بوده] که کتک می‌خوردیم یا گاهی می‌زدیم، گاهی می‌خوردیم، بعد هم همین طور، ما شهدا خیلی دادیم و در همه جا شهید دادیم. در زمان رضا شاه، آن همه رنج [دیدیم!] هر کس یادش است، می‌داند چه خبر بود. در زمان محمدرضا هم، که همه یادتان است، چه بساطی داشتیم! چه داشتند و چه شهدایی در آن وقت دادیم و چه شهدایی در بین این وقتها [دادیم!] لکن همه قضیه شهادت بود، قضیه بزرگ بود، لکن قضیه، قضیه مسئله حجاز نبود. مسئله قدس مسئله بزرگی است. روز قدس هم دیدید که چه [شد.] اما روز قدس مسئله‌ای است و روز جمعه خونین مکه مسئله دیگری است. روز قدس ما برای اینکه نجات بدهیم قدس را از دست غاصب [اعلام کردیم،] لکن آنها این طور نبود که قدس را توهین بهش بکنند، از بین ببرند. آنها هم مدعی بودند که ما قدس را می‌خواهیم و چه می‌کنیم. البته نباید قدس دست آنها باشد، ... روز قدس [اعلام شد] برای خاطر اینکه اسلام آن طور صدمه دیده، برای خاطر اینکه قدس، که باید دست صاحبانش باشد، غاصب آمده غصب کرده.
در این انفجارها که حاصل شد، دراین ترورها که شد، بسیار عزیزان بزرگی را ما از دست دادیم که هر خاکِ پای آنها بر این کاخ نشینان ارزشش بیشتر بود- اگر آنها ارزشی داشتند که ندارند- لکن همه این بود که ما کتک می‌خوردیم و می‌زدیم. در جنگ با صدام هم که تحمیل به ما کردند، ما خیلی [عزیز] از دست دادیم، شهید از دست دادیم، خیلی ضرر بردیم. لکن ما ضرر بردیم، مسئله [مثل] مسئله حجاز نیست.

مسئله حجاز مسئله‌ای است که ما باز خواب هستیم، دنیا هم باز خواب است که چه شد. مسئله حجاز، مسئله بزرگترین مقامات قدس اسلامی و دنیایی [است که] شکسته شد.
کعبه احترامش پیش ما تنها نیست، پیش مسلمین تنها نیست؛ کعبه را همه ملل محترم می‌شمرند؛ همه مللی که به دین [اعتقاد] دارند. کعبه، کعبه‌ای است که از زمان اول خلقت بوده است و همه انبیا در او خدمتگزار بوده‌اند. شکستن کعبه مسئله‌ای نیست که بشود ازش همین‌طوری گذشت. اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی‌توانیم [از] مسئله حجاز بگذریم. مسئله حجاز یک باب دیگری است، غیر [مسائل] دیگر.
و لازم است زنده‌نگه داشتن این روز؛ روزی که این خیانت شد به اسلام. و الآن ماه محرم نزدیک می‌شود. ماه محرم برای ما خیلی عزا هست؛ لکن سیدالشهدا علیه السلام هم فدا شد؛ برای اینکه در مکه نماند که نبادا به ساحت قدس مکه جسارت بشود؛ همه فدای مکه هستند. مکه جایی است که همه انبیا خدمتگزار او بوده‌اند و حالا گرفتار شده مکه به دست یک دسته اشخاص ملحد که اصلاً نمی‌فهمند باید چه بکنند؛ و نمی‌فهمیدند و نمی‌دانند چه تحمیلی برشان شد. و یک ننگی است الآن برای همه مسلمین دنیا که مکه، محل قدس الهی، محلی که مقدسترین مقامات الهی است، این طور شکسته بشود و مسلمانها نشسته باشند تماشا کنند. مسلمانها خودشان تکلیف خودشان را می‌دانند. مسئله را باید زنده نگه داشت. در ماه محرم، تمام کسانی که منبر می‌روند، واعظ هستند، نوحه‌خوان هستند، تمام دسته‌جات باید در رأس امورشان این مسئله قرار داده شود.
سیدالشهدا برای این بود شهادتش؛ برای این بود که اقامه بشود عدل الهی. اقامه بشود خانه خدا، محفوظ باشد خانه خدا. و در یک زمان ما که همه نشسته‌ایم و تماشا می‌کنیم، ما تماشاچی چی هستیم؟ چه باید بکنیم؟
البته این معنا را من تذکر بدهم که معنای اینکه ما باید با این مسئله برخورد داشته باشیم این نیست که کسانی که الآن در اینجا از سعودی‌ها هستند یا از سایر، از کویت، از جاهای دیگر، اینها را ما کاری داشته باشیم؛ اینها در پناه ما هستند، باید محفوظ باشند. و این جوانهای ما البته حسن نیت دارند، لکن من بهشان عرض می‌کنم که در بین شما

ممکن است اشخاصی باشند که حسن نیت نداشته باشند، بخواهند مملکت ایران را، بخواهند دولت ایران را آلوده کنند. شما متوجه باشید که اینها چیزی نیستند که ما به اینها کار داشته باشیم. مسئله بالاتر از این مسائل است و باید ما با همه قوایی که داریم، مسلمین با همه قوایی که دارند و دنیا، آنهایی که به خدا اعتقاد دارند با همه قوایی که دارند، باید با این مسئله محاربه کنند، به هر طوری که خودشان صلاح می‌دانند. این ننگ را نباید ما به گور ببریم که ما بودیم، دیدیم در حضور ما بزرگترین جنایت واقع شد و حالا هم آنها طلبکار هستند از ما.

این توطئه بی‌اشکال، یک توطئه سابقی بود؛ هیچ اشکالی در این نیست که یک سابقه‌ای داشت این توطئه؛ بنا داشتند بر اینکه این امر واقع بشود؛ تحمیل کرده بودند بر آل سعود احمق که یک همچو کار احمقانه‌ای بکند و خودش را در تمام دنیا منحط کند.
با اینکه منحط بود و منحط خواهد بود و ما واقعاً متحیریم که باید چه بکنیم؟ خدای تبارک و تعالی خانه خودش را حفظ می‌کند: «انّ للّه بِیْتاً یَحْمِیهِ» (1)
و سیلی را خواهد خورد از مسلمین، از مؤمنین، از حجازیها. خود حجازیها که دراین امر وارد نبودند، الّا دسته‌جاتی که مربوط به این حزب باطل و این دولت باطل است. این توطئه از سابق بود؛ هیچ سابقه نداشت که در سالهای سابق، قبل از اینکه حجاج بروند، ملک‌سعود برای من پیام بفرستد و از من تشکر کند که شما گفتید که اینجا آرامش باشد و با ما چه بکنند و اینها، بنابراین نبود. امسال این اتفاق افتاد، برای چی؟ برای چی ایشان برای من پیام فرستاد؟
برای اینکه بعد بگوید که من حسن نیت دارم، چه دارم، فلان، یا یک نمایشی بود. بهترین دلیل بر اینکه این مسئله، مسئله توطئه بود همان کیفیت عملشان بود. خودشان اقرار کردند به این معنا. می‌گویند که ایرانیها می‌خواستند بیایند کعبه را آتش بزنند و قم را کعبه قرار بدهند- یک همچو حرف ابلهانه. خوب، معلوم می‌شود از اول، بنا داشتند این کار را

1- خداوند را خانه‌ای است که از آن حمایت می‌کند».

بکنند، به بهانه اینکه ایرانیها آمدند کعبه را خراب کنند، ما هم مهیا شدیم پدرشان را در آوریم. قضیه کشته شدن نیست، قضیه هتک احترام است. مسئله حجاز ابعاد مختلف دارد، منتها بُعد بزرگترش همین است که احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست. بعدها خواهد فهمید فهد، و امثال فهد. خواهد فهمید که چه چیزی تحمیلش کرده‌اند و چه قضیه‌ای واقع شده و مسلمین خودشان می‌دانند تکلیف خودشان را؛ حجازیها هم می‌دانند این را. اگر این کشتار که در حرم واقع شده بود، اگر در طائف واقع می‌شد، خوب، باز قابل تحمل بود برای اینکه طائف بود، کشتار بود فقط. ما کشته خیلی داریم، ما در جنگها کشته داریم، قبلش هم داشتیم، بعدها هم داریم. اگر در طائف واقع شده بود، این یک مسئله‌ای بود؛ می‌گفتیم کشتند یک عده‌ای را. اما در حرم واقع شده؛ حرمی که خدا از اول امنش قرار داده و الآن حرم مغصوب است در دست اینها. از اول هم این طور بود؛ برای اینکه اینها چه‌کاره‌اند که آمده‌اند خادم الحَرَمَیْن- خائن الحَرَمَیْن- شده‌اند؛ کی اینها را خادم‌الحرمین قرار داده؟ با چه وجهی اینها اسم مملکت اسلامی را تغییر داده‌اند از آنی که بود؛ «حجاز» را «مملکت سعودی» قرار دادند؟ مملکت سعودی به چه مناسبت؟ اینها مسائلی است که همه‌اش بغرنج است و ما نمی‌دانیم که از این عار چطور خارج بشویم. من واقعاً در مسائل خیلی تحمل داشتم؛ در مسائل جنگ، در همه اینها تحمل داشتم. اما این بی تحمل کرده من را. مسئله غیر از این مسائل است. آنچه ما امیدواریم این است که خدای تبارک و تعالی با قدرت خودش حل کند مسائل را. و امیدواریم خداوند به همه ما توفیق بدهد که دراین باره بی‌تفاوت نباشیم.
دراین ماه محرم بی‌تفاوت نباشند؛ مسلمین در دنیا بی‌تفاوت نباشند.
خداوند ان‌شاءاللّه، همه شما را توفیق بدهد. و امیدوارم که خدمتگزار باشید به این بندگان خدا که مظلوم هستند و مظلوم بودند. وحفظ کنید این شیوه خدمتگزاری به اینها را. و بحمداللّه، شما خودتان از آن طبقه هستید؛ از طبقه بالا نیستید؛ یعنی، از طبقه پایین، شما از طبقه ممتاز هستید. آنهایی که آن وقتها متکفل حکومت بودند از طبقه‌ای بودند که ناچیز بودند و خداوند شما را موفق کند که همیشه خدمتگزار باشید.
والسلام علیکم و رحمة اللّه

ص: 242
حکم
زمان: 18 شهریور 1366/ 15 محرّم 1408
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام
مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته
پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف‌ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت‌اللَّه‌الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته امریکای جهانخوار، و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی، که با وجود گرفتاری در چنگال خون‌آشام آل سعود با پیامها و مصاحبه‌های آتشین پرده از روی چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوایی فراموش ناشدنی امریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالَم به صدا درآوردید، جنابعالی را، که بحمداللَّه در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید، چون سالهای گذشته به نمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت‌اللَّه الحرام منصوب می‌نمایم. جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی، که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد، چیزی نیست که تا ابد بشود آن (1)

1- اشاره به فاجعه قتل عام جمعی از زائران انقلابی ایران و لبنان و پاکستان و ... که به جرم شعار علیه آمریکاو اسرائیل و سر دادن فریاد برائت، در روز ششم ذی‌الحجه سال 1366 ه. ش. به دست مأمورین رژیم آل سعود مظلومانه به شهادت رسیدند و دولتهای مدعی «حقوق بشر» به خاطر دشمنی‌شان با جمهوری اسلامی از کنار این فاجعه بزرگ انسانی بی‌تفاوت گذشتند و بلکه به تأیید و ارسال پیام تبریک برای ملک فهد پرداختند.

را فراموش کرد و یا ساکت بود.
در اینجا لازم می‌دانم که از زحمات تمامی دست‌اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت‌الاسلام، آقای امام جمارانی- دامت افاضاته- که با تعهد و مقاومت خود موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده‌اند و باعث شادی روح شهدا شده‌اند، تشکر کرده و توفیق هرچه بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن از خداوند خواستارم. و برای شهدای گرانقدر مکه خونینمان، که با اهدای خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت، را در آسمان و زمین به اهتزاز درآوردند، طلب رحمت و مغفرت نموده؛ و برای بازماندگان آنان، که افتخار بزرگی نصیبشان شده است، صبر و اجر مسئلت می‌نماید. والسلام علیکم و رحمةاللّه.
18 شهریور 66
روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: 244
پیام
زمان: 31 شهریور 1366/ 28 محرّم 1408
مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا
مناسبت: سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایرانهفته دفاع مقدس)
مخاطب: ملت ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
وَمَنْ یُقاتِل فی سَبیلِ اللَّه فَیُقْتَلْ اوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤتیهِ اجْراً عَظیماً (1)
این اجر عظیم که به قلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است، چگونه آن را با فکر ناچیز بشر می‌توان تحلیل کرد. گویی این اجر عظیم همان حب خداوند تعالی است که در سوره مبارکه صف آمده است: انَّ اللَّه یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفّاً کَاَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ. (2)
محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی بزرگ دانا می‌تواند درک کند تا از آن سخن گوید و یا به سخن قلم درآورد؟ آیا این حب نافله است که در نتیجه تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملک و ملکوت اعلا نهد و حق- جل و علا- با جاذبه غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود و آنچه بشنود یا ببیند یا ذوق عرفانی کند با سمع و بصر و قلب حق- جل و علا- باشد و نبیند جز به بصر حق و نشنود جز به سمع حق و نداند جز به علم حق و حجابها مرتفع شود و جهان را آنچه که هست

1- بخشی ازآیه 74 سوره نساء: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند، و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید، زود باشد که او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم».

2- سوره صف آیه 4: «خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می‌دارد».

مشاهده کند که اللَّهُمَّ أَرِنِی الْأَ شْیاءَ کَما هِیَ، (1)
یا قرب فریضه است که در آن شخص و شخصیت محو شود و صعق (2) رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنی رخت بربندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهری؛ هُوَ الاوَّلُ وَ الآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَ الْباطِنُ. (3)
دیگرسبیل اللهی در کار نیست و اسم و رسمی به جا نمی‌ماند، اینان از خانه خارج شدند و موت آنان را ادراک نموده و قدمها و قلمها شکسته شده است.
بارالها! این وصف مجاهدان فی سبیل اللَّه و اجر عظیم آنان است که در صحنه‌های کارزار با دشمنان تو و دشمنان رسول معظم تو و دشمنان قرآن کریم تو به شهادت رسیده‌اند یا در این راه پیروز گردیده‌اند و تو خود شاهدی که در این سال ما جانبازان و مهاجران و مجاهدانی داشتیم که به سوی تو و به سوی خانه امن تو که از صدر خلقت تاکنون مأمن هر موجودی بوده‌است هجرت کردند و در پیش چشمان حیرتزده مسلمانان کشورهای جهان به دست پلید امریکا که از آستین آل سعود به در آمده است، به خاک و خون کشیده شدند و در آستانه عاشورای ولی اللَّه اعظم- سلام اللَّه علیه- عاشورایی دیگر با ابعاد مختلف در جوار تو و خانه امن تو در جمعه خونین پدید آوردند که ای کاش نبودم تا آن را ببینم و یا بشنوم، نه برای شهادت عزیزانی مجاهد و مهاجر، که شهادت امری است که آرزوی عزیزان ما است و شهدی است آشنا برای زنان و مردان و کودکان ما که در یورشهای مغولانه صدام عفلقی شدیدتر و فجیعتر آن را چشیده‌اند و دیده‌ایم، بلکه برای مصیبتی است که نه تنها برای پیغمبر اسلام- صلوات اللَّه علیه- که برای تمامی انبیا و مرسلین از آدم تا خاتم پیش آمد و به فرمان کاخ سیاه (4) به دست ناپاک آل سعود، این شقیترین جانیان عصر، بالاترین مقام قدس الهی شکسته شد. اگر در عاشورای حسینی ولی خدا با یارانش در راه تو جنگیدند و شهید شدند، در عاشورای جمعه خونین مکه با تو و رسول

1- خدایا، [حقیقت] اشیاء را آنچنان که هست بر من بنما».

2- به معنای بیهوشی از شدت ترس یا از شنیدن صدای خوف‌انگیز است. امّا در اصطلاح عُرفا «صعق» فانی‌شدن در حق است هنگامی که تجلی ذاتی حق، محترق شود و بر بندگان خاص او وارد شود.

3- بخشی از آیه 3 سوره حدید: «اول و آخر و پیدا و نهان وجود، همه اوست».

4- اشاره طنزآمیز به کاخ سفید واشنگتن، مقر رئیس جمهور امریکا.

تو و زائران ما، این رسولان مکتب رسول تو که به خاطر دین تو هیچ گونه وسیله‌ای حتی برای دفاع از خود نداشتند چنان کردند که تنها از دست امریکا، شیطان بزرگ و اذنابش میسر بود. امریکا و دست نشاندگانش در این کشتار سبعانه انتقام از اسلام عزیز و مهبط وحی و محل امن خدا باز گرفتند. اسلامی که در آینده‌ای نه چندان دور مکتب تمامی کشورهای زیر یوغ شرق و غرب می‌گردد.
خداوندا! امروز تمامی قدرتها و ابر قدرتها مصمم شده‌اند تا ریشه اسلام ناب رسول گرامی‌مان صلی الله علیه و آله را قطع کنند. بار الها! امروز صدامیان با کینه‌ای که از دین تو دارند، دست در دست تمامی شیاطین جهان داده‌اند تا صدای اسلام محمدی را خاموش سازند.
از تو می‌خواهم تا ما را در راهت صبورتر و شکیبایی خانواده‌های عزیز و بزرگوار شهدا، جانبازان، مفقودین و اسرامان را بیشتر گردانی. پروردگارا! شهدای ما را با سیدالشهدا علیه السلام محشور فرما و جانبازان عزیز و مقتدر انقلاب اسلامی خودت را شفا عنایت فرما. اسرا و مفقودین ما را هر چه زودتر به اوطانشان بازگردان. خداوندا! به تمام ملتهای اسلامی خصوصاً ملت شجاع و حماسه ساز ایران تحمل بیشتر فشارهای نظامی استکبار از زمین و دریا و هوا وفشارهای اقتصادی و سیاسی روزافزون کانونهای فساد را عنایت فرما.
خداوندا! باطن دلهای معتقدان به دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تنها از رضایت خود لبریز گردان.
«انک مجیب الدعوات». (1) روح اللَّه الموسوی الخمینی

1- برگرفته شده از آیه 186 سوره بقره: «همانا تو برآورنده دعاهایی».

ص: 247
پیام
زمان: 29 تیر 1367/ 5 ذی‌الحجه 1408
مکان: تهران، جماران
موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598
مخاطب: ملت ایران

بسم اللّه الرحمن الرحیم
لَقَد صَدَقَاللّه رَسولَهُ الرُّءْیا بِالحَقِّ لَتَدْ خُلُنَّ المَسجِدَالحَرامَ ان شآءَاللّه آمِنِینَ. (1)
علی‌رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحّد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.
مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه‌جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از

1- سوره فتح، آیه 27: «هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتما شمامؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد».

چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت‌شکنی برمی‌گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: وأَذِّن فِی النَّاس بِالحَجِّ یَأتُوکَ رِجَالًا (1)
پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا
آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت‌پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت‌طلبان را بر خود حرام، و مُحرِم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ‌کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد صلی الله علیه و آله بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی‌سفیان و ابی‌لهب و ابی‌جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند؛ و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه‌اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّیکَ، اللّهُم لَبَّیکَ» معطر سازد.
آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی» ها (2) و مفتی زادگان این نوادگان «بَلعَم باعورا» ها، (3)

1- بخشی از آیه 27 سوره حج: «و مردم را به مناسک حج نداده تا پیاده و سواره از دور ترین نقاط به سوی تو گرد آیند.

2- فتوا دهندگان.

3- از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره‌خواران بنی‌امیه- علیهم لعنةاللّه- برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه السلام و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی‌سفیان به درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین علیه السلام را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حَرَم، پاره کند؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مَهدورالدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان‌شاءاللّه ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.
اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومتهایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده‌پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه صدُّعن سبیل اللّه (1)
و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی» های خودفروخته- لعنةاللّه‌علیهم- در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلّم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری

1- بخشی از آیه 217 سوره بقره: «باز داشتن مردم از راه خدا».

از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.
یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.
چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره‌خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته‌جمعی و یک سفر زیارتی- سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومتهای وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و یدِ واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.
حج عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بِسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد

سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه‌ای که آن کتابِ زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرارِ آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ‌کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهم السلام که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلّم حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.
خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.
اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهانِ اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این کار را

حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب‌آور و توطئه‌انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست‌نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!
واقعیت این است که دوَل استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالَم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.
و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود

استفاده نمایند.
حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادیِ انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان‌شاءاللّه روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.
کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.
پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل‌عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملّاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرهنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند.
مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم‌الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با

صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‌شدند.
آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم‌آور نیست؟ و تماشاچی‌شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟
راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.
البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول اللّه صلی الله علیه و آله را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود.
ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. ان‌شاءاللّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای

جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.
مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن‌بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سارِ زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاقِ و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده‌کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.
مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینةالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم. و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی‌رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل‌سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدّم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که ان‌شاءاللّه خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.
بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود. و چه بسا افراد ساده‌دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچ‌گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی

سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته‌جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.
ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «اللّه‌اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت‌المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیه فلسطین از شجره مبارکه «لا شَرقیة ولا غربیة» ما برافروخت. و امروز به همان‌گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه

از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکّب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.
امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی‌تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم‌درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.
آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و

حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.
ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایرانِ انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون

استثنا به هر چه روحانی و عالِم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.
امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان‌شاءاللّه ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده‌اند. و ان‌شاءاللّه شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت‌بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!
اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملیگراها تصور نمودند ما

هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الّا اللّه» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.
پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است.
فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد.
امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان‌شاءاللّه روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.
و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم

سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول اللّه صلی الله علیه و آله داشت؟
امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف‌آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.
به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم. ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.
بحمداللّه از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.
نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کیْ و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و

چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیِمان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی- اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاحهای مخرّب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملتهاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهانِ مالکیتهای بی‌حد و مرز سرمایه‌داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی- انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.
و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلًا خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.
من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است

افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!
خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم.
و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگِ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!
آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سالِ مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با

خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوته‌نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.
من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتانِ شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه‌جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کیْد و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکلهای مختلف را جدیتر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت.
ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند

نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.
در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره‌خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملیگراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان‌شاءاللّه ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.
من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.
مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدّم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.
خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه‌گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم

و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیةاللّه- ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما.
فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد.
می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان‌شاءاللّه خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.
من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.
و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم

استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم. ان‌شاءاللّه در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.
و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت‌آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند.
در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.
مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون

متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس‌مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می‌گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادتهای خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.
علما و روحانیون ان‌شاءاللّه به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی‌مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی

آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الّا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای‌ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم‌کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.
نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه‌داری و سرمایه‌داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با

تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.
در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم. و از محضر مقدس بقیةاللّه- ارواحنا فداه- عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه مصلحت اسلام ومسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انَّکَ قَریبٌ مُجیبٌ. والسلام علیکم و رحمةاللّه وبرکاته.
پنجم ذی‌حجه 408/ 29/ 4/ 67
روح‌اللّه الموسوی الخمینی

ص: 273

نمایه‌ها

فهرست آیات

حمد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبّ الْعلَمِينَ آیه 2، ص 176
وَ إِيَّاکَ نَسْتَعِينُ آیه 5، ص 176
هُدًى لّلْمُتَّقِينَ آیه 2، ص 187
إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَيْهِ رَ جِعُونَ آیه 156، ص 123
صَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ آیه 217، ص 249
وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمكِرِينَ آیه 54، ص 160
إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ آیه 96، ص 63
وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا آیه 103، ص 25، 27، 56
وَمَن يُقتِلْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا آیه 74، ص 244
وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِى مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِى ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُو عَلَى اللَّهِ آیه 100، ص 194، 195

ص: 276
مائده
جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيمًا لّلنَّاسِ آیه 97 ص 73
انعام
إِنَّنِی بَرِیءٌ مّمَّا تُشْرِكُونَ آیه 19 ص 200
إِنّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا وَمَآ أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِینَ آیه 79، ص 125
اعراف
اَلَسْتُ بِرَبِّكُم آیه 172، ص 197
انفال
وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ ریحُكُمْ آیه 46، ص 37، 66
توبه
وَأَذَ نٌ مّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ یَوْمَ الْحَجّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مّنَ الْمُشْرِكِینَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّكُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَبَشّرِ الَّذِینَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ آیه 3، ص 121، 125، 138، 141، 181، 197
أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَآجّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الأَخِرِ وَجهَدَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لَایَسْتَوُونَ عِندَاللَّهِ وَاللَّهُ لَایَهْدِی الْقَوْمَ الظلِمِینَ آیه 19، ص 137، 233
قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَ نُكُمْ وَأَزْوَ جُكُمْ وَعَشِیرَتُكُمْ وَأَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجرَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَیْكُم مّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِی وَجِهَادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى یَأتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَایَهْدِی الْقَوْمَ آیه 24، ص الْفسِقِینَ 195
الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا یَعْلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ آیه 97، ص 64

ص: 277
هود
أَلَیسَ الصُّبحُ بِقَرِیبٍ آیه 81، ص 130
فَاسْتَقِمْ کَما اُمِرْتَ آیه 112، ص 228
حجر
إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحفِظُونَ آیه 9، ص 195
نحل
تِبْیان کُلِّ شَیءٍ آیه 89، ص 186
اسراء
انَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً آیه 81، ص 62
حج
وَطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّآئِفِینَ وَ الْقَآئِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ آیه 26 ص 121
وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ آیه 27، ص 121، 248
وَ الَّذِینَ هَاجَرُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَیَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ الرَّ زِقِینَ آیه 58، ص 230
نور
اللَّهُ نُورُ السَّمواتِ وَالْارْضِ آیه 35، ص 107، 194
لَّاشَرْقِیَّةٍ وَ لَاغَرْبِیَّةٍ آیه 35، ص 257
فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِی أَن تُصِیبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْیُصِیبَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ آیه 63، ص 196
احزاب
لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسوَةٌ حَسَنَةٌ آیه 21، ص 36

ص: 278
سبا
قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَ حِدَةٍ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَى وَ فُرَ دَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْ آیه 46، ص 37، 220
محمد
إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ یَنصُرْكُمْ وَیُثَبّتْ أَقْدَامَكُمْ آیه 7، ص 135، 169، 204
فتح
لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْیَا بِالْحَقّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَآءَ اللَّهُ ءَامِنِینَ آیه 27، ص 247
مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِینَ مَعَهُو أَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَیْنَهُمْ آیه 29، ص 82، 195
حجرات
فَقتِلُواْ الَّتِی تَبْغِی حَتَّى تَفِیءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ آیه 9، ص 57
انَّ اکرَمَکُم عِندَ اللَّهِ اتقْیکُم آیه 13، ص 65
حدید
هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْأَخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ آیه 3، ص 194، 245
صف
إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْیٌ مَّرْصُوصٌ آیه 4، ص 244
جمعه
یُزَكّیهِمْ وَ یُعَلّمُهُمُ الْكِتبَ آیه 2، ص 150

ص: 279

فهرست احادیث و دعاها

«ادَّبَنی رَبِّی»، 187
«اللهُمَّ ارِنِي الأشْياءَ كَما هِيَ»، 236، 245
«انّ لِلّهِ بَيْتاً يَحْمِيهِ»، 240
«ا يَكونُ لِغيرِک مِنَ الظُهُور ما لَيسَ لَک»، 177
«مَا أكثَرَ الضَجِيجَ وَ أَقَلَّ الحَجِيجَ»، 122، 142
«متی غِبْت حتی تحتاج الی»، 177
«مَنْ اصْبَحَ و لَمْ يَهْتَمَّ بأمور المُسلمينَ فَلَيْسَ بِمُسلِمٍ»، 17
«انّما يَعْرِفُ القُرآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ»، 177، 187
«هُمْ يدٌ واحِدةٌ عَلی مَنْ سِواهُم»، 40، 58، 60
«هَيهاتَ مِنّا الذلّة»، 182، 192
«وَلا حولَ و لا قُوّةَ إلّا بِاللّه العَلی العظيم»، 163

ص: 280

نمایه موضوعی

آبادانی
تفاخر به کعبه 233.
آبادانی قبرستان‌ها 206.
آبرو
مندی در نزد خدا 153؛ حفظ اسلام 28، 29، 30؛ حفظ انقلاب اسلامی 104؛ حفظ جمهوری اسلامی 164.
آبروریزی
پرهیز از 30.
آتش بس
قبول در جنگ تحمیلی 264.
آخوندها
احمق 149؛ نافهم 149؛ نفاق‌افکن 186؛ تفرقه‌افکنی جیره‌خوار 189؛ سرزنش مزدور 126.
آخوندهای درباری 164
اختلاف افکنی 141، 149؛ اختلاف افکنی در حج 186؛ اسلام 253؛ اغفالگری 123؛ پشتیبانی از ظالمان 138؛ تبلیغات علیه ایرانیان 249؛ تبلیغات سوء 151، 220؛ تفسیر از حج 136، 198، 198؛ تلاش در باره حج 111؛ خطر 221؛ زیان 113، 161؛ سرزنش 134؛ قیام علیه جمهوری اسلامی 157؛ کوردلی 141؛ مقابله با امام مهدیعج) 138؛ نقش در عقب‌ماندگی مسلمانان 123؛ همسویی با رژیم شاه 141؛ هوشیاری در برابر 141.
آداب حج
آرزو
شهادت 245؛ یافتن های حق در منا 185.

ص: 281
آرمان
تأثیر حج در برآوردن های اسلامی 156؛ حمایت از فلسطین 203، 204؛ خیانت به بشریت 214؛ خیانت به پیامبرص) 214؛ سازش در فلسطین 203.
آزادگان
دشمنی با دشمن 185.
آزادگی
تحصیل از حج 250.
آزادی
زنان در جمهوری اسلامی 174؛ شهادت 208؛ عمل روحانیون 87؛ انزوا برای 59؛ بهای 207؛ شرایط گروگانهای آمریکایی 50؛ شکوفایی گل 213.
آزادی خواهان
استمداد از 15؛ مرتجع معرفی شدن 206.
آل سعود
وارث ابوسفیان 232، 249؛، وارث ابوجهل 232؛ اتهامات به حجاج ایرانی 249؛ اسلام‌زدایی 231؛ افشای چهره 231؛ انتقام از حجاج ایرانی 248؛ انتقام از 232، 233، 249؛ اهداف در قتل عام حجاج 253؛ برائت از خدایان 234؛ بیگانگی از حج 252؛ بی‌لیاقتی در اداره حج 234؛ تبلیغات علیه ایران 240، 251، 252؛ تحمیل قتل عام مکه بر 240؛ ترویج اسلام آمریکایی توسط 253؛ تفاخر به آباد کردن کعبه 233؛ توصیه به 20؛ جنایات 242، 245، 247، 253؛ حماقت 240؛ حمایت از قتل عام 232؛ خیانت‌های 231؛ دولت باطل 240؛ روسیاهی 242؛ ستمگری 234؛ سفاکان 247؛ سیلی خوردن 240؛ شقاوت 245؛ غصب حرم توسط 241؛ قتل عام حجاج توسط 238، 242، 245، 247؛ کارگزاران بی‌اراده 231؛ کنترل حجاج از سوی 253؛ لکه ننگ 232؛ وابستگی 231؛ هتک کعبه توسط 239؛ هدایت‌ناپذیری 234؛ همبستگی صدام با 232؛ همسویی با اسرائیل 253، 254.
آمادگی نظامی ملت ایران 53
آمریکا
آمادگی برای نبرد با 213؛، طبل تو خالی 155؛، منشأ مشکلات مسلمانان 97؛ اختلاف افکنی 45؛ استثمارگری 49؛ اسرائیل، ولیده 141؛ افشای توطئه‌های در حج 38، 108؛ افشای

دخالت‌های 118؛ انتقام از اسلام 206؛ اهانت به ملت ایران 50؛ برائت از 207؛ پناهندگی دادن به شاه 42؛ پوچی تبلیغات 41؛ پیروی سران کشورهای خلیج فارس از 160؛ تبلیغات علیه ایران 50، 76؛ تبلیغ قدرتمندی 124؛ تجاوز به حریم مسلمانان 102؛ تجاوزات علیه ایران 200؛ تحریم کالاهای یی در حج 192؛ ترس از صدور انقلاب اسلامی 45؛ تروریست پروری 160؛ تفرعن 201؛ تلاش ملی‌گراها به نفع 206؛ تلاش منافقان به نفع 206؛ توصیه به مردم 211؛ توطئه 45، 206؛ تهدید 42، 43؛ تهدیدهای علیه ایران 42؛ جاسوسی در ایران 46؛ جلوگیری از نفوذ در کشورهای اسلامی 219؛ جنایات 75؛ جنایات در خلیج فارس 258، 258؛ جنایتکاری 97؛ جنگ ایران با 49، 50؛ حرام کردن سیادت 255؛ حمایت از اسرائیل 129؛ حمایت از رژیم پهلوی 39؛ حمایت از شاه 127؛ حمایت از صدام 160؛ حمایت از عراق 108، 115؛ دخالت در کشورهای اسلامی 111؛ دخالت نظامی در خلیج فارس 182؛ دشمنی با اسلام 105، 106، 141؛ دشمنی بامستضعفان 49؛ دشمنی اسلام با 141؛ دعوت به قیام علیه 40؛ روحانیون طرفدار 114؛ رویارویی ایران با 141؛ سازش با 182؛ سرسپردگی شاه به 127؛ سلطه بر افریقا 27؛ سلطه مسلمانان 39؛ سلطه طلبی 49؛ شرایط آزادی گروگانهای 50؛ شرکت عربستان در جنایات 262؛ شرکت کویت در جنایات 262؛ شعار مرگ بر 252، 257؛ شکست شیشه یات 260؛ شکست غرور 205؛ ضعف 232؛ ظلم 103؛ غارتگری 103؛ فروش ایران به 207؛ قطع ایادی از ایران 74؛ قیام مردم پاکستان علیه 40؛ مبارزه ایران با 40، 41، 76؛ مبارزه با 141، 256؛ مبارزه با هجوم 43؛ مخالفت با شعار مرگ بر 126؛ مشکل سازی برای ایران 50؛ مطبوعات 34؛ مقابله با ناوهای 262؛ مقاومت ایرانیان در برابر 258؛ مقاومت در برابر تهدیدات 155؛ ممانعت از حمله به ایران 42؛ ناقوس مرگ 255؛ نترسیدن از 155؛ نقش در قتل عام حجاج 247؛ به ایران 42؛ نوکری صدام برای 207؛ نوکری محمد رضا

ص: 283
شاه برای 205؛ وابستگی آل سعود به 231؛ وابستگی ایران به 127؛ وظیفه مبارزه با 77؛ هشدار به 262.
آمریکاییان
تبلیغ برتری نژادی 123؛ جلوگیری از باج خواهی 254؛ گروگان گیری 50.
ائمه علیه السلام
بی‌توجهی به زخارف دنیا 190؛ غربت 227؛ قیام 182.
ابراهیم علیه السلام
، منادی توحید 121؛ ایثار 147، 148؛ بت شکنی 181، 199، 200؛ پیروی از 125؛ تعالیم قربانی کردن 120؛ سیر معنوی 147؛ قربانی 172، 173؛ قربانی اسماعیل علیه السلام از سوی 148؛ مبارزه با نمرودیان 199.
ابرقدرت ها
استقامت در برابر در 134؛ بت 121؛ پوشالی بودن قدرت 40؛ ترس ازاسلام 104، 105؛ تهاجم به کشورهای سلامی 45، 46؛ تهدیدهای 126؛ حمایت از شاه 206؛ سرکوبی 150؛ سیاست‌های در کشورهای جهان سوم 167؛ قطع ایادی از ایران 127؛ قیام مردم ایران علیه 166؛ مبارزه با اسلام 246؛ مبارزه با فرهنگ اسلامی 168؛ مبارزه با 141، 161، 250، 256؛ منافع 252؛ منافع در خلیج فارس 211، 212؛ نقش در عقب ماندگی کشورهای جهان سوم 167؛ وابستگی به 166.
ابوسفیان
وارث 232، 249؛ اسلام 253.
ابولهب
وارث 232.
اتحاد
آثار کشورهای اسلامی 128؛ آثار مسلمانان 69، 128؛ انور سادات با اسرائیل 76؛ دولت‌های اسلامی 155؛ شیعیان و اهل سنت در ایران 47؛، عامل پیروزی 18، 19، 27، 37؛، عامل رهایی از سلطه استعمارگران 26؛، عامل مقابله با مستکبران 126؛ علمای اسلامی 219؛ فرقه‌های اسلامی 197؛، مانع سلطه استعمارگران 21؛ مسلمانان 40، 151، 165، 166 250؛ ملت ایران 58، 59، 197؛ اهمیت حجاج 105؛ اهمیت مسلمانان 60، 66؛ بررسی مسلمانان در حج 156؛ تأثیر در رفع مشکلات مستضعفان 125؛ تأثیر در رفع مشکلات مسلمانان 125؛ تبلیغ مسلمانان 125؛

ص: 284
تلاش برای مسلمانان 45، 63، 64، 65، 113، 114؛ دعوت به 26، 125؛ دعوت حجاج به 37؛ دعوت کشورهای اسلامی به 118؛ دعوت مسلمانان به 37، 43، 47، 48، 76، 77، 84؛ دعوت نیروهای مسلح ایران به 53؛ نعمت 179؛ نگرانی از و عرب‌ها 76.
اتمام حجت بر علما 220.
اجتماعات
اجتماع حج 11؛ اجتماع مسلمانان در حج 185؛ استفاده از اجتماع حج 12؛ سیاسی بودن اسلامی 56؛ نقش در اسلام 56.
احتیاطخلاف احتیاط 88.
احرام
حرب امام حسین علیه السلام 199؛ دروغین یزیدیان 249.
احساس خطر
دشمن از علما 172.
اختلاف
اجتناب از در حج 71؛، باعث زوال ایمان 37؛ دولت‌های اسلامی 69؛ سران کشورهای اسلامی 37؛، عامل سلطه استعمارگران 21؛، عامل سلطه بیگانگان 65، 69؛، عامل ضعف مسلمانان 37؛، عامل مشکلات کشورهای اسلامی 27؛ عرب‌ها، عامل سلطه اسرائیل 19؛ مسلمانان 60؛، منشأ مشکلات مسلمانان 65، 80؛ پرهیز از 37؛ پرهیز از فرقه‌ای 161؛ حل های سران کشورهای اسلامی 12؛ خطر اهل سنت با شیعیان 46، 47؛ طرح مذاهب اسلامی 75؛ ملی گرایی، عامل مسلمانان 46؛ نقش رهبران در مسلمانان 74؛ نقش قومیت گرایی در 46.
نیز تفرقه
اختلاف‌افکنان
اخراج از کشورهای اسلامی 69؛ تبری از 47؛ طرد 13؛ هوشیاری حجاج در برابر 141.
اختلاف افکنی
اجتناب از در حج 23؛ آخوندهای درباری 141، 149، 186؛ آمریکا 45؛ استعمارگران 65؛ اسرائیل 27؛ انور سادات 46؛ بین شیعیان و اهل سنت 105، 141؛ در حج 12؛ در مسلمانان 75؛ دشمنان 74؛ دشمنان اسلام 71؛ سلطه طلبان 65؛ شاه 66؛ صدام 46؛ وعاظ السلاطین 75.
اختناق در ایران 13، 16، 17.
اخلاص در حج 162.

اخلاق
ابعاد اسلام 168؛ در حوزه‌های علمیه 178؛ تحول ملت ایران 164؛ مراعات اسلامی در حج 191.
ارتجاع
بودن نظام شاهنشاهی 15.
ارتداد صدام 65.
ارتش مشترک اسلامی
تشکیل 128، 262.
ارزش‌ها
تأثیردر نجات از نفس اماره 107.
استثمار
کشورهای اسلامی 123؛ گری آمریکا 49.
استضعاف
جنگ و استکبار 258.
نیز مستضعفان
استعانت از خدا 176
آثار 176.
استعمار
در ایران 13؛ کشورهای اسلامی 123؛ دولت‌های گر 145؛ رخنه در مسلمانان 11؛ رمی از کشورهای اسلامی 202؛ سرطان 11؛ فشار بر علما 13.
استعمارگران
اختلاف افکنی 65؛ اغفالگری 123؛ اغفالگری ایادی 123؛ سلطه بر ایران 13؛ عامل رهایی از سلطه 26؛ عامل سلطه 21؛ مانع سلطه 21.
استقامت
امام خمینی در برابر استکبار جهانی 201؛ ایرانیان در جنگ تحمیلی 258؛ پیامبرص) 227، 227؛ جمهوری اسلامی 197؛ حجاج ایرانی 230، 242؛ در برابر جهان‌خواران 208؛ برابر قدرت های بزرگ 134؛ در برابر مشکلات 237؛ در میدان شرف 53؛ ملت ایران 53.
نیز مقاومت
استقلال
ایران 196؛ انزوا برای 59؛ بهای 207؛ پیامد طلبی ایران 205؛ عوامل مسلمانان 34.
استکبار
جنگ استضعاف و 258.

نیزمستکبران
استکبار جهانی
استقامت امام خمینی در برابر 201؛ حمله به ایران 261؛ خشکانیدن

ص: 286
ریشه‌های 254؛ دلالان 202؛ طرفداری از ملت‌ها 209؛ مبارزه با 201؛ منطق 248.
استلام حجرالأسود
فلسفه 184، 185.
استمداد
از آزادی‌خواهان 15؛ از کشورهای مستقل 50؛ از مسلمانان 41؛ ایرانیان 105.
اسرائیل
اتحاد انور سادات با 76؛ اختلاف افکنی 27؛ ادعای در حکومت از نیل تا فرات 129؛، منشأ مشکلات مسلمانان 97؛، ولیده آمریکا 141؛ امیال شیطانی 144؛ انتقال پایتخت به بیت المقدس 46؛ تبیین جنایات در حج 38؛ تجاوزات 144؛ تحریم نفتی 75؛ توطئه به رسمیت شناختن 103، 108؛ تهاجم به بیروت 96، 97؛ تهاجم به فلسطینیان 46؛ تهاجم به لبنان 46، 102، 106، 108؛ تهمت رابطه با به ایران 75، 97، 98؛ جرثومه فاسد 19؛ جنایات 76؛ جنایت در لبنان 114؛ حمایت آمریکا از 129؛ خطر 203؛ دخالت در ایران 13؛ دشمنی با اسلام 141؛ دشمنی ایران با 75؛ سکوت در برابر تهاجم 106؛ سکوت سران کشورهای اسلامی در برابر 114، 254؛ شعار مرگ بر 252؛ صدام، برادر 144؛ ضرورت محو 19؛ ظلم به فلسطینیان 144؛ عامل سلطه 19؛ فاجعه تهاجم به مسلمانان 102، 103؛ مادر نامشروع 76؛ مبارزه با 141، 203، 254؛ محکومیت 75؛ مخالفت با شعار مرگ بر 126؛ مفسد بودن 144؛ مقابله کشورهای اسلامی 96؛ ممانعت از اعتراض علیه 103؛ نجات منطقه از شر 144؛ همسویی آل سعود با 253، 254.
اسرائیلیان
دوره‌گرد 107.
اسلام
اختلاف افکنی دشمنان 71؛ اداره ایران با احکام 218؛ ادعای انحصار برای عرب‌ها 64؛ آخوندهای درباری 253؛ ابوسفیان 253؛ اشرافیت 253؛ دین توحید 25؛، دین فطرت 25؛ مقدس نماها 253؛ ملت ایران 45؛ اصلاح با 34؛ اعاده مجد 37؛ انتقام آمریکا از 206؛ انتقام از 246؛ انحراف از، عامل مشکلات 114؛

بازیابی 34؛ برداشت امامان جماعت حرمین از 81؛ بررسی مسایل اساسی در حج 13؛ برکات 163؛ بُعد اخلاقی 168؛ بُعد اعتقادی 168؛ بُعد سیاسی 168؛ بُعد عبادی 55؛ بُعد نظامی 168؛ بی‌خبران از 16؛ تأثیر دوری از در سلطه بیگانگان 115؛ تأثیر شناخت در اصلاح 34؛ تأثیر شناخت در شرافت 34، 35؛ تبلیغات علیه 47؛ تبلیغ ناکار آمدی 47؛ تبیین ظلم دشمنان 26؛ ترس ابرقدرت ها از 104، 105؛ تعالیم اجتماعی 112؛ تعالیم سیاسی 112؛ تعریف صدام از 99؛ تعهد ملت ایران به 183؛ تقید پابرهنه‌ها به 224؛ تقید گودنشینان به 224؛ تلاش برای انحراف 123؛ تلاش برای انزوای 123؛ توطئه انزوای 112؛ توطئه علیه 105، 141؛ توهم جدایی از سیاست 123؛ تهمت کشور گشایی به 35؛ جدایی از سیاست 34؛ جهان شمولی 32، 64، 65؛ حفظ آبروی 28، 29، 30؛ دشمنی آمریکا با 105، 106، 141؛ دشمنی اسرائیل با 141؛ دشمنی با آمریکا 141؛ دشمنی حزب بعث با 67؛ دشمنی صهیونیسم با 12؛ دعا برای پیروزی 77، 122؛ دعوت به همزیستی مسالمت آمیز 129؛ دعوت به 63؛ دعوت به دفاع از 76؛ دفاع از 116، 201؛ سیاست بین‌المللی 202؛ سیاسی بودن 25، 55؛ طرح مسایل اساسی در حج 136؛ طرد شیاطین از حریم 169؛ طنین ندای 196؛ عبادت بودن سیاست 25؛ غفلت از قدرت 48، 60؛ فتح سنگرهای جهان توسط 208؛ فتنه بر چیدن 196؛ فرهنگ غنی 167، 168؛ فریاد خواهی برای 169؛ قدرت 163؛ گسترش نفوذ 254؛ گناه هتک 104؛ مبارزه و کفر 40، 41؛ مبارزه با 246؛ مجد 35؛ مخالفت نظام شاهنشاهی 15؛ مرکز ثقل 158؛ مظهر اقتدار 25؛ مهجوریت 48؛ نا آشنایی مسلمانان با حقایق 143؛ نا شناختگی 129؛ نجات‌بخشی 25؛ نقش اجتماعات در 56؛ نقش در تمدن غرب 124؛ نورافشانی 158؛ وضع نامساعد 160؛ همگانی‌بودن 65.
اسلام آمریکایی 253
و اسلام راستین 231؛ ترویج توسط آل سعود 253.

ص: 288
اسلام اشرافیت 253
اسلام راستین
اسلام آمریکایی و 231؛ دروغگویی مدعیان 99؛ صدور 227.
اسلام زدایی
آل سعود 231؛ مقابله با 105.
اسلام ناب محمدی
فرهنگ 260؛ مبارزه با 246؛ ممانعت از نفوذ 253.
اسماعیل علیه السلام
قربانگاه 190؛ قربانی از سوی ابراهیم علیه السلام 148.
اسیران
دعا برای 272
اصلاح
با اسلام 34؛ سران کشورهای اسلامی 202؛ شناخت اسلام، عامل 34.
اعتصاب عمومی ایرانیان 17.
اعتصام به حبل‌اللَّه 27.
اعدام در ایران 33.
اعراب عرب
اعلام خطر به مسلمانان 70.
اغفال
گری آخوندهای درباری 123؛ گری استعمارگران 123؛ گری ایادی استعمارگران 123.
افتخار
به ملت ایران 215؛ ملت ایران 262.
افریقا
سلطه آمریکا بر 27؛ سلطه بیگانگان بر 27؛ فریاد مسلمانان 200.
افغانستان
اشغال توسط شوروی 114، 200؛ تبیین اوضاع در حج 84؛ پیروزی مردم 127؛ تهاجم شوروی به 45، 46، 111، 200؛ شکست شوروی در 59، 127؛ فریاد ملت 200.
اقتدار
روحانیت اسلام 217؛ معنوی لااله‌الااللَّه 212؛ مظهر اسلام 250.
اقتصاد
ارایه طرح‌های 222؛ تنگناهای ایران 258؛ منافع حج 125؛ وضعیت حجاز 93.
اقتصاد اسلامی 168

جهت‌گیری 222
اقتصاد اشتراکی
بیمار 222؛ مقابله با 221، 222.
اقتصاد سرمایه‌داری
بیمار 222

ص: 289
التقاط
تهمت بودن به انقلابیون 259.
الجزایر
شکست فرانسه در 127.
الفاظ
بی محتوا شدن 96- 100.
الگو
بودن ایرانیان 30؛ گیری از انقلاب اسلامی 169؛ گیری از ایران 127، 128؛ گیری در مبارزه 166.
اللّه‌اکبر شعار
الهه‌ها
شکستن بت 197.
امامان جماعت حرمین
برداشت از اسلام 81.
امام جماعت مسجدالحرام
تشکر از 18. امام حسین علیه السلام
احرام‌حرب 199؛ فلسفه برپایی عزای 189؛ فلسفه خروج از مکه 239؛ قیام 182.
امام مهدی علیه السلام
، منادی توحید 121؛ مقابله آخوندهای درباری با 138.
امت محمدص)
دوری از ذلت 201؛ نمایش دورنمای تشکل 226.
نیز مسلمانان
امت اسلامی
مسؤولیت 228.
نیز مسلمانان
امتحان
الهی با جنگ 265.
امنیت
خلیج فارس 211، 211، 212؛ حرم 241؛ کعبه 197؛ مسجدالحرام 81.
ام‌القرا 121
طرد شیاطین از 159.
انبیا
ایثار در نگاه 148؛ تأثیر شناخت انگیزه در رهایی از دام شیطان 107؛ تأثیر شناخت انگیزه در رهایی از ذلت 107؛ تفاوت اعمال با مردم 147؛ تفاوت

147؛ جهان شمولی رسالت 32؛ خدمتگزاری به کعبه 239؛ سیره 81؛ عید از دیدگاه 148؛ فلسفه بعثت 32، 150؛ کیفیت وحی به 147؛ مبارزات 181؛ مبارزه با بت‌ها 199؛ مبارزه با ظلم 81؛ مصیبت 245؛ معجزات

175؛ نزول کتب آسمانی بر 194؛ هنر 177.
انتخابات
در ایران 173؛ شاه و جمهوری اسلامی 173.
انتقام
آل سعود از حجاج ایرانی 248؛ آمریکا از اسلام 206؛ از آل سعود 232، 233، 249؛ از اسلام 246.
انحراف
از اسلام 114؛ تذکر ها توسط روحانیون 87؛ تلاش برای اسلام 123؛ زیان روحانیت 153.
انحطاط انسان
آثار 33.
اندیشمندان
وظایف در تبیین حج 251.
اندیمشک
دعا برای شهیدان 110.
انزوا
برای آزادی 59 برای استقلال 59؛ تلاش برای اسلام 123؛ توطئه اسلام 112؛ عدم ایران 58، 59؛ فواید ایران 59.
انسان
آثار انحطاط 33؛ برتر شدن از ملائکه 32؛ پست‌تر شدن از حیوان 33؛ تربیت 32، 35؛ حجاب‌های 236.
انقلاب اسلامی 228
آثار عدول از اصول 263؛ آشنایی حجاج غیر ایرانی با 226؛ ارزش شهیدان 238؛ برپا دارندگا 259؛ الگوگیری‌از 169؛ برکت 262؛ بیمه 265؛ پیام 139؛ تبلیغ در حج 23، 105، 108؛ تبلیغ ناکارآمدی 47؛ تجربیات 207؛ ترس آمریکا از صدور 45؛ تلاش برای شکست 75؛ جلب ملت‌های جهان به 140؛ جهانی بودن 32؛ حفظ آبروی در حج 104؛ حفظ از نامحرمان 266؛ حمایت مردم عراق از 50؛ دعوت به همراهی با 41؛ رسالت حجاج در ابلاغ پیام 226، 227؛ رهبری روحانیت د 217، 218؛ سختی‌های ملت ایران در 228؛ سرکوبی توسط وعاظ السلاطین 77؛ شعار اصولی 202؛ شهیدان 238؛ صاحبان واقعی 259؛ صدو 62، 104، 227، 258؛ صدور تجربیات 207؛ طرفداران جهانی 257؛ فقر ستیزی 216؛ کفر زدایی 216؛ کمک به معلولان

24؛ مضرات شکست 41؛ موفقیت‌های 47، 48؛ نعمت 179؛ نفوذ مرفهان در 216؛ نمایش چهره 140؛ وظیف 261.
انقلاب سفید
زیان‌های 14؛ ننگ 14.
انقلابیون
تهمت التقاطی بودن به 259.
انقلابی‌نماهای فلسطین 203.
انگلیس
اهانت به‌ملت ایران 50؛ تبلیغ قدرتمندی 124؛ شکست در عراق 127.
اولیاءاللّه
کشورداری 178.
اهل سنت
اتحاد شیعیان و در ایران 47؛ اختلاف افکنی بین شیعیان و 105، 141؛ پیروی از در وقوفین 23؛ خطر اختلاف با شیعیان 46، 47؛ شرکت در نماز جماعت 23.
اهل معرفت
مشاهده باطن از سوی 147.
ایثار
ابراهیم علیه السلام 147، 148؛ برای عدالت 120؛ در راه خدا 120؛ در نگاه انبیا 148؛ در نگاه مردم 148؛ ملت ایران 214؛ سوغات از حج 173.
ایران
آغازگر جنگ نبودن با 67؛ آمادگی در جنگ تحمیلی 214؛ آمادگی نظامی 48، 53؛ آموزش زنان در 117؛ اتحاد شیعیان و اهل سنت در 47؛ اجرای اسلام در 218؛ اختناق در 13، 16، 17؛ اداره با احکام اسلام 218؛ استعمار در 13؛ استقلال 196؛ اعدام در 33 الگوگیری از 127، 128؛ الگوگیری دمبارزه از 166؛ الهی بودن دولت 59؛ انتخابات در 173؛ انقراض نظام شاهنشاهی در 39، 74؛ انگیزه صدام در تهاجم علیه 58، 61، 204، 208؛ اهداف در جنگ 260، 261؛، کشور رسول‌اللّه 215؛ برادری با کشورهای همسایه 129؛ برقراری نظام اسلامی در 74؛ بمباران مناطق مسکونی 110؛ بیان اوضاع در حج 84؛ پیامد استقلال طلبی 205؛ پیشرفت‌های 209؛ تبلیغات علیه 47، 50، 76، 104، 127، 129، 240، 251، 252؛ تحریم نفتی اسرائیل از سوی 75؛ تحولات صنعتی 209؛ ترس صدام از همفکر

کشورها با 213؛ تشکل مردم عراق از سوی 214؛ تقدیر از 127، 128؛ تلاش برای اتحاد مسلمانان 45؛ تنگناهای اقتصادی 258؛ تنهایی در جنگ 209؛ توطئه علیه 45، 141، 206، 228؛ تهاجم به 46، 57، 66، 105، 143108، 245؛ تهدیدهای آمریکا علیه 42؛ تهمت تروریستی به 160؛ تهمت توسعه طلبی به 251؛ تهمت جنگ طلبی به 204؛ تهمت رابطه با اسرائیل به 75، 97، 98؛ جرایم از دیدگاجهانخواران 205؛ جنجال آفرینی علیه 33، 34؛ جنگ دفاعی 49، 50، 261 چرانیدن در ایران 14؛ حماسه آفر ین جوانان 115؛ حمایت ملت‌ها ا 5958؛ حمله استکبار به 261؛ دخالت اسرائیل در 13؛ دروغ پردازی در باره 190؛ دشمنی با اسرائیل 75؛ دعوت به دوستی دولت‌ها با 144؛ دعوت بدیدار از 217؛ دعوت نیروهای مسلح‌به اتحاد 53؛ رفع مظاهر شرک در 218؛ رویارویی با آمریکا 141؛ زیان شکست 43؛ ساز و برگ نظامی 59، 60؛ سقوط هواپیمای مسافربری 262؛ سلطه استعمارگران بر 13؛ سیاست در حج 154؛ سیاست در خلیج فارس 212211؛ شبیخون جهانخواران به 205؛ عدم انزوای 58، 59؛ غارت منابع طبیعی 16؛ فروش به آمریکا 207؛ فلسفه دشمنی با 68، 69؛ فواید انزوای 59؛ قدرت مقابله به مثل 143؛ قطع امیجهانخواران از 223؛ قطع ایادی آمریکااز 74؛ قطع ایادی ابرقدرت‌ها از 127 مبارزه با آمریکا 40، 41، 76؛ محاصره‌اقتصادی 49؛ محدودیت عمل درحمله به عراق 101؛ محو رژیم طاغوتی 159؛ مخالفت کشورهای خلیج فارس با 103؛ مدیریت روحانیت در 217، 218 مشکل‌سازی آمریکا برای 50؛ مصونیت بیگانگان در 13؛ مظلومیت 208 معارضه دولت‌های اسلامی با 143 معرفی جنگ طلب بودن 204؛ مقابله با هجوم صدام 143؛ ممانعت از حمله آمریکا به 42؛ نجات از شرق زدگی 139؛ نجات از غرب زدگی 139؛ نجات از وابستگی 218؛ وابستگی به آمریکا 127؛ همدستی دولت‌های اسلامی با دشمن 143؛ همراهی سیاه‌پوستان با 41، 69.

ایرانیان
استقامت در جنگ 258؛ استمداد 105؛ الگو بودن 30؛ امتناع از گلوله باران بصره 100، 101؛ برادری اسلامی 143؛ تبلیغات آخوندهای درباری علیه 249؛ داوطلبی در جنگ 116؛ دفااز مسلمانان 105؛ قیام 228؛ مشکلات 13، 14، 16، 17؛ مقاومت در برابر آمریکا 258؛ مقاومت در برابر منافقان 259؛ ممانعت از حج 249؛ نگرانی از اتحاد و عرب‌ها 76.
ایمان
برتری بر تعمیر مسجدالحرام 233؛ تأثیر در پیروزی مسلمانان 19، 20، 21؛ تأثیر در پیروزی ملت ایران 18، 19؛ عامل زوال 37.
باج خواهی
جلوگیری از آمریکاییان 254.
بازار مسلمانان
کالاهای بیگانگان در 168.
بازار مکه
کالاهای بیگانگان در 169.
بازارگردی
اجتناب از در حج 169.
باز گشت به گذشته 172.
باطل
جنگ حق و 258؛ دولت آل سعود 240؛ شکست 62.
باطن
مشاهده از سوی اهل‌معرفت 147.
بت
ابرقدرت ها 121؛ سیادت جهانخواران 221؛ شیطان بزرگ 184؛ طاغوت 121؛ تطهیر کعبه از ها 121؛ شکستن الهه‌ها 197؛ لبیک نه به ها 184؛ مبارزه انبیا با ها 199.
بت پرستی
مدرن 200؛ مبارزه با 201.
بت خانه
کاخ سیاه 200.
بت شکنی
اهمیت 121؛ ابراهیم علیه السلام 181، 199، 200؛ پیامبرص) 181 در حج 154؛ در کعبه 121، 122؛ دعوت حجاج به 37.
بدبینی به روحانیت
اثر سوء 152.

برائت
اعلان از کفر ملت ایران 234؛ از آمریکا 207؛ از خدایان آل سعود 234؛

از شرک 248؛ از طاغوت‌ها در حج 184؛ از ظالمان 189؛ از کافران 142؛ فریاد مردم فلسطین 200؛ فریاد مردم لبنان 200.
برائت از مشرکان 225
آثار 161؛ اعلان 199، 189، 251؛ در حج 125، 126، 131، 138، 160، 181، 197، 198، 253؛ بنیان‌گذاری پایه‌های 255؛ توجه به 198؛ حقیقت 200، 201؛ حقیقت در حج 159؛ دعوت به همکاری در 126؛ راهپیمایی 164؛ رعایت آرامش در راهپیمایی 142؛ رکن توحید بودن 197؛ سرزنش مخالفان در حج 126؛ شرکت در 197 225؛ شیوه‌های اعلان 199؛ فریاد 200، 201؛ فلسفه 256؛ فلسفه ممانعت از 256، 257؛ ممانعت از 141، 256، 257 همیشگی بودن 188، 200.
برادری
اسلامی در حج 226، 227؛ ایران با دولت‌های اسلامی 143؛ ایران با کشورهای همسایه 129؛ حجاج 105؛ صدام با بگین 76؛ ملت ایران با مسلمانان 39؛ تحکیم مسلمانان در حج 23؛ حل مشکلات با اسلامی 26؛ دعوت کشورهای اسلامی به 118؛ دعوت مسلمانان به 77.
براهین فلسفی
کشف قرآن 187.
برتری‌نژادی
تبلیغ آمریکاییان 123.
بردگی جدید 221.
برکت
اسلام 163؛ انقلاب اسلامی 222 عیدقربان 147؛ معنویات ملت ایران 258.
بسیج
برای جنگ اعتقادی 260؛ تشکیل جهانی 262.
بشریت
خیانت به آرمان 214.
بصره
امتناع از گلوله باران 100، 101.
بعثت انبیا
فلسفه 32، 150.
بقیع
نعمت تشرف به 225.
بگین، مناخیم
صدام، برادر 76.

بلعم باعورا
نوادگان 248.

بمباران مناطق مسکونی ایران 110.
بنی امیه
توطئه برای انزوای اسلام 112؛ ظلم 189.
بنی عباس
توطئه برای انزوای اسلام 112.
بیت‌اللّه‌الحرام- کعبه
بیت‌المقدس
انتقال پایتخت اسرائیل به 46؛ نجات از غاصبان 203، 238.
بیداری
اهمیت دولت‌های اسلامی 70؛ مسلمانان 62، 114؛ مسلمانان با حج 136؛ ملت ایران 17؛ تلاش برای مسلمانان در حج 113؛ دعا برای مسلمانان 78، 122؛ زمینه مسلمانان 127.
بیرق اسلام 196
بیروت
حمله اسرائیل به 96، 97.
بیعت با خدا 184.
بی‌غیرتی سران کشورهای اسلامی 254.
بیگانه
اخراج کارشناسان از سرزمین‌های اسلامی 169؛ کناره‌گیری از فرهنگ‌های 162.
پابرهنه‌ها
ی مغضوب 201؛ تقدم مصالح 215؛ تقید به اسلام 224؛ جنگ حمایت از 272 پاکستان
دعوت مردم به قیام 43؛ قیام مردم علیه آمریکا 40.
پانزده خرداد
قیام 205؛ قتل عام خونین 206.
پرده کعبه
آلوده شدن به دست نامحرمان 255.
پناهگاه محرومان 224
پناهندگی به شاه 42
پیامبرص)
ابلاغ سلام به پیشگاه 228؛ استقامت 227؛ ایران، کشور 215؛ بت شکنی 181؛، منادی توحید 36، 121؛ جنگ با ظالمان 182؛ حفظ دستاوردهای نهضت 227؛ خیانت به آرمان 214؛ رنج‌های رسالت 228؛ ساده زیستی

153 سیره 81؛ صلوات بر 36؛ عید شرف 150؛ غربت 227؛ قیام 36؛ مبارز 81؛ مصیبت 245؛ موجبات سخط 165؛ هجرت به سوی 158، 183؛

یادآوری رنج‌های 227.
پیروزی
ادعای‌های صدام 99؛ پرهیز از غرور 226؛ جمهوری اسلامی 213؛ حق 62؛ خون بر شمشیر 234، 257؛ در جنگ 204، 209، 213، 214؛ مردم افغانستان 127؛ مسلمانان صدر اسلام 37؛ ملت ایران 61، 127؛ تجربه بر کفر جهانی 207؛ جشن حق 249؛ دعا برای 228، 229، 246؛ دعا برای اسلام 77، 122؛ عامل 37؛ عامل ایران 18، 19؛ عامل کشورهای اسلامی 27؛ عامل مسلمانان 19، 20، 21.
پیروی
از ابراهیم علیه السلام 125؛ از اهل سنت در وقوفین 23؛ از دستورات سرپرست حجاج 106، 130؛ از شعارها در حج 191؛ از قرآن 105؛ سران کشورهای خلیج فارس از آمریکا 106؛ تأثیر از قرآن در شرافت 107؛ تأثیر از قرآن در رهایی از دام شیطان 107؛ تأثیر از قرآن در رهایی از ذلت 107؛ نقش از قرآن در رد طمع جهانخواران 107.
پیشرفت
های ایران 209؛ تبلیغ کشورهای غربی 123.
پیشگامی علمی مسلمانان 124.
تبادل نظر
در حج 11، 13، 23، 156، 217؛ علمای اسلامی 219.
تبری
از اختلاف‌افکنان 47.
تبلیغات
آخوندهای درباری علیه ایرانیان 249؛ دشمنان اسلام 112؛ سوء آخوندها 151؛ علیه اسلام 47؛ علیه جمهوری اسلامی 95؛ پوچی علیه ایران 46، 50، 76، 104، 127، 129، 240، 251، 252؛
تبلیغ اتحاد مسلمانان 125؛ تبلیغ انقلاب اسلامی در حج 23، 105، 108؛ تبلیغ برتری تمدن غرب 123؛ تبلیغ برتری نژادی آمریکاییان 123؛ تبلیغ بُعد سیاسی حج 113؛ تبلیغ بی‌ثمری تلاش کشورهای در حال توسعه 124؛ تبلیغ پیشرفت کشورهای غربی 123؛ تبلیغ جدایی دین از سیاست 112، 113؛ تبلیغ جمهوری اسلامی در حج 190؛ تبلیغ خستگی از جنگ 215؛ تبلیغ در حج 12؛ تبلیغ علیه روحانیت 269؛ تبلیغ علیه شیعه 12؛ تبلیغ قدرت آمریکا 124؛ تبلیغ قدرت انگلیس 124؛ تبلیغ قدرت

بیگانگان 124؛، مانع رهایی مسلمانان 123؛ تبلیغ ناکارآمدی اسلام 47؛ تبلیغ ناکارآمدی انقلاب اسلامی 47؛ تبلیغ ناکارآمدی دولت ایران 47؛ تبلیغ وابستگی به شرق 124؛ تبلیغ وابستگی به غرب 124؛ نقش در عقب ماندگی مسلمانان 123.
تجارت در حج
پرهیز از 29.
تجاوز
به حریم مسلمانان 102؛ خوی صدام 210، 211؛ دولت عراق 57؛ های آمریکا 200؛ های اسرائیل 144؛ های صدام 204؛ حمایت از های صدام 210؛ دعوت به قبول صدام 211؛ نفی از مسلمانان 66.
تجربه
پیروزی بر کفر جهانی 207؛ تجربیات انقلاب اسلامی‌ایران 207؛ صدور تجربیات انقلاب اسلامی‌ایران 207.
تجملات
پرهیز علما از 224.
تحریم نفتی اسرائیل 75.
تذکر انحرافات 87.
تربت
شهیدان 265؛ فاطمه علیه السلام 225.
تربیت
اسلامی 178؛ انسان 32، 35.
ترور
اخراج رژیم عراق از لیست 160؛ تروریست پروری آمریکا 160؛ تهمت تروریستی به ایران 160.
تزاحم واجب با مستحب 89.
تزکیه مردم 150.
تزویر مقدس‌نماها 259.
تساوی
مردم در حج 137؛ همگان در برابر کعبه 137، 63.
تسلیم ناپذیری ملت ایران 50.
تسهیلات حجاج 20
تشکر
پیام ازملک سعود 240؛ از امام جماعت مسجدالحرام 18؛ از جوانان لبنان 203؛ از ملت ایران 179، 272؛ از ملک فهد 18؛ هیأت نمایندگی عربستان 18.

تشکل
در نمازهای جمعه 220؛ مردم عراق 214؛ تمرین توحیدی 250؛ دورنمای امت محمدی 226.
تشیع
تبلیغ علیه 12.

نیز- شیعیان
تطهیر کعبه از بت ها 121.
تفاخر آل سعود 233.
تفاهم مسلمانان 63، 64.
تفرعن آمریکا 201.
تفرقه افکنی
آخوندهای جیره خوار 189؛ دشمنان 165؛ شناسایی تفرقه افکن‌ها 45.
نیز- اختلاف
تقرب
آثار 244؛ راه‌های 244، 245.
تقوا
ارزش 215.
تکفیر ملت ایران 45
تکلیف
ابعاد های عبادی 148؛ حجاج 72؛ دولت‌های اسلامی 19؛ ادامه جنگ 213؛ مسلمانان 19، 66، 68، 125؛ نقش عمل به در عزت 74.
تمدن غرب
تبلیغ برتری 123؛ منشأ 124.
تنفر از ضرب و شتم حجاج 83.
تنگناهای اقتصادی ایران 258.
تواضع
در برابر مسلمانان 226.
توحید
اصول اولیه 199؛ تعلیم 177؛ دعوت به 27؛ دین 25؛ رکن بودن برائت از مشرکان 197؛ غایت 136؛ محل نشر 120؛ مرکز 36؛ منادی 36، 121؛ ندای از کعبه 121.
توده‌های مردم- مردم
توسعه‌طلبی
اتهام به ایران 251.
توطئه
افشای های آمریکا در حج 38، 108؛ آمریکا علیه ایران 45؛ آمریکا در ایران 206؛ انزوای اسلام 112؛ به رسمیت شناختن اسرائیل 103، 108؛ علیه ایران 141؛ علیه کشورهای اسلامی 69، 165، 166؛ صلح‌طلبی در جنگ تحمیلی 210؛ طرح کمپ دیوید 107؛ علیه اسلام 105، 141؛ قتل عام حجاج 240؛ خنثی‌سازی ها 218؛ مواجهه ملت ایران با 228.

توقع از روحانیت 86، 152، 153.
تهاجم فرهنگی
ممانعت از غرب 219؛ ممانعت از شرق 219.

تهاجم
اسرائیل به فلسطینیان 46؛ اسرائیل به لبنان 46، 102، 105، 106، 108؛ به ایران 57، 58، 61، 105، 204، 208؛ به حجاج 230؛ به کشورهای اسلامی 45، 46؛ شوروی به افغانستان 111؛ صدام به ایران 143، 245؛ صدام به مرقد علی علیه السلام 67؛ عراق به ایران 57، 66، 75، 108؛ سکوت در برابر اسرائیل به لبنان 106؛ شکل‌های دشمن 266؛ فاجعه اسرائیل به مسلمانان 102، 103.
تهدید
آمریکا 42، 43؛ های ابرقدرت‌ها 126؛ های صدام 100؛ مقاومت در برابر آمریکا 155.
تهمت
التقاطی بودن به انقلابیون 259؛؛ به ملت ایران 75؛ تروریستی به ایران 160؛ توسعه‌طلبی به ایران 251؛ رابطه با اسرائیل به ایران 75، 97، 98؛ کشورگشایی به اسلام 35.
تهیدستان- فقرا
ثروتمندان
برتری فقرا بر 222.
جاسوسی آمریکا در ایران 46.
جامعه
آثار فرهنگ الهی در 162، 163؛ گرایش ها به وحی 219.
جام زهر قطعنامه598) 265، 267.
جانبازان
دعا برای 246.
جاهلان
متنسک 136، 198؛ نجات قرآن از 188.
جبرئیل
کیفیت نزول 147؛ مهبط 189.
جدال
پرهیز از در حج 191
جرم
بیان امور سیاسی در مسجدالحرام 80، 81؛ بیان امور سیاسی در مسجدالنبی 80، 81؛ عمل به خلاف شرع 92.
جسارت به شیعیان 149.
جشن پیروزی حق 249.
جشن های دوهزار و پانصد ساله

خیانت شرکت کنندگان در 14؛ خیانت برگزار کنندگان 14؛ مصیبت 14.
جمال محبوب
مشاهده 135.
جمعه خونین مکه 238، 245.

ص: 300
نیز- فاجعه خونین مکه
جمهوری اسلامی
آزادی زنان در 174؛ اصول سیاست خارجی 264؛ القای خط 213؛ پایداری 197؛ پرهیز از بد نام کردن 95، 130؛ پیروزی 213؛ تبلیغ علیه 95؛ تبلیغ در حج 190؛ تحول زنان در 174؛ حفظ آبروی 164؛ حفظ 153؛ حمایت از مسلمانان 227، 264 دعوت به همراهی با 77؛ سیاست در خلیج فارس 211؛ سیاست خارجی 254؛ شعار ابدی 202؛ شکست 213؛ طرفداران 232؛ فقرزدایی در 223؛ فلسفه مخالفت با 97؛ قدرت 183؛ قیام آخوندهای درباری علیه 157؛ کم عقلی مخالفان 231؛ گناه هتک 104؛ مشکلات دولت 237؛ مقایسه بین انتخابات شاه و 173؛ مقایسه بین رژیم شاه و 171، 174؛ همبستگی مسئولان 172؛ یاری به کشورهای اسلامی 213.
جنایت
قتل‌عام حجاج در مکه 240، 253؛ مدعیان سقایت حاج 231؛ قلم‌های کار 75.
جنایت آل سعود 242، 245، 247، 253.
جنایت آمریکا 75، 97
های آمریکا در خلیج فارس 258، 258؛ شرکت عربستان در های آمریکا 262؛ شرکت کویت در های آمریکا 262.
جنایت اسرائیل 76
بیان های اسرائیل در حج 38؛ اسرائیل در لبنان 114.
جنایت رژیم پهلوی 13، 14، 16، 17، 39، 41، 42
جنایت صدام حسین 61، 67، 68، 102
سکوت در برابر های صدام 68
جنبش‌های اسلامی 18
جنجال
ترک شعار در حج 142؛ آفرینی علیه ایران 33، 34
جنگ
آمادگی برای 213؛ آمادگی در 215؛ امتحان الهی با 265؛ بسیج برای اعتقادی 260؛ پیروزی در 209، 213، 214؛ توطئه صلح طلبی در 210؛ استضعاف و استکبار 258؛ ایران با آمریکا 49، 50؛ با شرک 199؛ با صهیونیسم 205؛ با کفر 199 پابرهنه‌ها و مرفهان 258؛ پیامبرص) با ظالمان 182؛ حق و باطل 258؛ در

ص: 301
راه خدا 214؛ دفاعی ایران 261؛ دولت‌ها با مسلمانان 220؛، عامل تباهی عراق 66؛ عقیده 260؛ علی علیه السلام با مقدس نماها 182؛ فقر و غنا 216، 258؛ مظلومانه 208؛ داوطلبان 215؛ صلح در 209، 210؛ فلسفه های اسلام 35؛ وفاق مواضع اصولی در 215.
جنگ افروزی صدام 211.
جنگ تحمیلی 209
آغازگر نبودن ایران 67؛ آغاز گری عراق در 67؛ آمادگی‌ایران‌در 214؛ استقامت ایرانیان در 258؛ اهداف ایران از 214، 260، 261؛ اهداف متجاوزان از 205؛ پیروزی در 204؛ پیشنهاد پذیرش خواسته‌های صدام در 210؛ تبلیغ خستگی ملت از 215؛ تحمیل صلح در 267؛ تکلیف شرعی ادامه 213؛ تلخی پذیرش صلح در 268؛ تنهایی ایران در 209؛ عراق علیه ایران 49؛ خواسته‌های ایران در 213؛ داوطلبی ایرانیان در 116؛ دفاع ملت ایران در 61، 67، 116، 227؛ شعار ملت ایران در 174؛ فلسفه پذیرش صلح در 267؛ قبول آتش‌بس در 264؛ مظلومیت ایران در 208؛ مقاومت در 174؛ هدف 214.
جنگ‌طلبی
تهمت به ایران 204.
جنگ عقیده 260.
جنگ فقر و غنا 216، 258
جنود شیطان
قیام در برابر 37
جنون صدام 144
جوانان
توصیه به 268، 269؛ محبت به 270.
جوانان ایران
تعلیم نظامی 128؛ حماسه‌آفرینی 115.
جوانان لبنان
تشکر از 203.
جهاد
ارزش 233؛ اهمیت 195، 196؛ پیامدهای ترک 196؛ عامل سعادت 52؛ نقش سستی در در ذلت 53.
جهاد اکبر
توجه به 150.
جهاد با نفس 150، 199
جهان

تقسیم 253 به آزاد و قرنطینه سیاسی 252؛ جلب ملت‌های به انقلاب اسلامی

ص: 302
140؛ طرد شیاطین از 159؛ فتح سنگرهای توسط اسلام 208؛ منفورترین موجود 253.
جهان اسلام
آزادی انرژی 253؛ بزرگترین کنگره 156.
جهانخواران
بت سیادت 221؛ پیروی از قرآن، مانع طمع 107؛ تاختن بر 159؛ تحمیل مصیبت از سوی 222؛ ترس از شهادت طلبان 223؛ جرایم ایران از دیدگاه 205؛ شبیخون به ایران 205؛ صلح‌طلبی 209، 210؛ طاغوت‌های جهانخوار 184؛ قطع امید از ایران 223؛ قطع دست از کشورهای اسلامی 186؛ مبارزه با 202، 221، 254، 255، 256؛ نجات مسلمانان از 133.
چاره‌اندیشی
برای فقرا 11، 12؛ برای فلسطین در حج 12؛ برای مشکلات در حج 156.
حاجیان حجاج
حادثه خونین مکه جمعه خونین مکه
حاکمیت نه شرقی نه غربی
بهای 233.
حاکمیت دین 218
حج
آداب 162؛ ابعاد 149، 250؛ ابعاد سیاسی 184؛ ابعاد معنوی 135؛ ابهام زدایی از 136؛ اتحاد مسلمانان در 165، 250؛ اجتماع مسلمانان در 11، 185؛ اجتناب از اختلاف در 71؛ اجتناب از اختلاف افکنی در 23؛ اجتناب از بازار گردی در 169؛ اجتناب از تجارت در 29؛ اجتناب از استحبابی 24؛ اجتناب از دنیاطلبی در 29؛ اجتناب از گناه در 107؛ اختلاف افکنی در 12، 186؛ اخلاص در 162؛ استفاده از اجتماع 12؛ استفاده از فرصت 11، 25، 26؛ استفاده سیاسی از 81، 105؛ استفاده معنوی از 105؛ استقامت حجاج ایرانی در 230؛ اشارات عرفانی مناسک 135؛ افشای توطئه‌های آمریکا در 108؛ انس با قرآن در 186؛ اهداف سیاسی 159؛ اهمیت بُعد سیاسی 111؛ اهمیت تعلیم 103، 104؛ اهمیت نظم در 106؛ بت شکنی در 154؛ برائت از طاغوت‌ها در 184؛ برائت از مشرکان در 125، 126، 131، 138، 160، 181، 197، 198، 253؛ برادری اسلامی در 226، 227؛ بررسی اتحاد مسلمانان در

156؛ بررسی 156؛ بررسی اوضاع مسلمانان در 23، 111؛ بررسی مسایل اساسی اسلام در 13، 136؛ بررسی مسایل کشورهای اسلامی در 13، 16؛ بررسی مشکلات فقرا در 92، 93؛ بررسی مشکلات مسلمانان در 26، 56، 74، 111؛ بعد اجتماعی 73؛ بعد سیاسی 25، 26، 73، 81؛ بیان اوضاع افغانستان در 38؛ بیان اوضاع ایران در 84؛ بیان اوضاع لبنان در 84؛ بیان توطئه‌های آمریکا در 38؛ بیان جنایات اسرائیل در 38؛ بیان دستاوردهای ملت ایران در 108؛ بیان مسایل اجتماعی در 38؛ بیان مسایل سیاسی در 38؛ بیداری مسلمانان با 136؛ بیگانگی آل سعود از 252؛ بی‌لیاقتی آل سعود در اداره 234؛ پرهیز از تجاری کردن 29؛ پرهیز از جدال در 191؛ پرهیز از شعارهای منحرف در 164؛ پرهیز از مشکل تراشی در 217؛ پیام اصلی 199؛ پیروی از شعارهای تنظیم شده در 142، 191؛ تأثیر در بر آوردن آرمانهای اسلامی 156؛ تبادل نظر مسلمانان در 11، 13، 23، 156، 217؛ تبلیغات در 119؛ تبلیغ انقلاب اسلامی در 23، 105، 108؛ تبلیغ بُعد سیاسی 23؛ تبلیغ جمهوری اسلامی در 190؛ تبلیغ در 12؛ تحریم کالاهای آمریکایی در 192؛ تحصیل آزادگی از 250؛ تحصیل حکمت از 250؛ تحقق بُعد معنوی 138؛ تحکیم برادری مسلمانان در 23؛ ترک شعار جنجالی در 142؛ ترک مقابله به مثل در 142؛ تساوی مردم در 137؛ تعلیم احکام 94، 118، 122، 138، 161، 186، 216، 217؛ تفسیر آخوندهای درباری از 198؛ تفسیر ملی‌گراها از 198؛ تلاش آخوندهای درباری در باره 111؛ تلاش برای اتحاد مسلمانان درجدایی از سیاست 111؛ تمرین تشکل توحیدی در 250؛ توجه به ابعاد 135؛ توجه به بُعد اجتماعی 73؛ توجه به بُعد سیاسی 73؛ جلوگیری از برائت از مشرکان در 256، 257؛ چاره‌اندیشی برای فلسطین در 12؛ چاره‌اندیشی برای مشکلات در 156؛ بی برائت 251؛ بی تحرک 251؛ بی روح 251؛ بی معنا 113؛ بی وحدت 251؛ حقیقی 113؛ زنده 113؛، سازمان الهی 73؛، کانون معارف اسلامی 250؛، مظهر

اقتدار اسلام 250؛ مقبول 113؛ و قیام همگانی 137؛ حضور نظامیان ایران در 252؛ حفظ آبروی انقلاب اسلامی در 104؛ حقیقت برائت از مشرکان در 159؛ حقیقت 29، 92؛ حل مشکلات مسلمانان در 11، 55، 56، 60، 84؛ خدایی بودن سفر 29؛ خروش بردشمن در 185؛ خوشرفتاری با مسلمانان در 104؛ دعا در 122؛ دعوت به اتحاد مسلمانان در 26، 125؛ راهپیمایی در 142؛ رحمانی شدن در 30؛ رعایت آداب 107، 164؛ رعایت اخلاق اسلامی در 191؛ رعایت نظم در 126؛ رفتار کریمانه در 191؛ رفتار اسلامی در 142؛ سوغات ایثار از 173؛ سیاست ایران در 154؛ سیاست 154؛ شرکت حجاج در برنامه‌های نمایندگی 130؛ شعار مرگ بر آمریکا در 257؛ شعار مرگ بر شوروی در 257؛ شعارهای اسلامی در 164، 165؛ شعارهای 142؛ شناخت فلسفه 34؛ شناخت مشاعر 37؛ شناخت معنویات 162؛ صبر در برابر مشکلات 104؛ طرد شیاطین در 122؛ طرد شیطان بزرگ در 122؛ عبادی بودن بُعد سیاسی 111؛ عرفان 175؛ عمل به مناسک 138؛ فراموشی ابعاد معنوی 139؛ فراموشی بُعد سیاسی 84، 136؛ فریاد سیاسی عبادی 125؛ فلسفه برائت از مشرکان در 256؛ فلسفه 22، 23، 27، 55، 74، 81، 84، 111، 112، 131، 133، 137، 158، 175، 184، 250؛ فلسفه سیاسی 165؛ فلسفه لبیک در 184؛ کسب اطلاع از وضعیت مسلمانان در 26، 55، 84؛ کسب معرفت در 107؛ کشف واقعیت 250؛ کنگره سیاسی 184؛ کنگره عظیم 133؛ لبیک حقیقی در 135؛ مبارزه با آمریکا در 141؛ مبارزه با ابرقدرت‌ها در 141، 250؛ مبارزه با اسرائیل در 141؛ مبهم ماندن ابعاد 134؛ محکوم کردن ظالمان در 161؛ مدارا در 165؛ مراتب معنوی 138؛ مراقبت در 107؛ مسالمت در 142؛ معنویت در 29؛ مقابله با ابعاد سیاسی 111؛ ممانعت از امور سیاسی در 81؛ ممانعت از برائت از مشرکان در 141؛ ممانعت از ایرانیان 249؛ منافع اجتماعی 125؛ منافع اقتصادی 125؛ منافع سیاسی 125؛ منافع فرهنگی 125؛ مهجوریت بعد سیاسی 136؛ مهجوریت 251؛ نظم

ص: 305
در امور سیاسی 95؛ نقش اجتماعی 56؛ نقش در حل مشکلات 11؛ نگاه مسلمانان به 111؛ واجبات سیاسی 197؛ وظایف اندیشمندان در تبیین 251؛ وظایف روحانیون در 162؛ وظایف نمایندگان در امور 71؛ ویژگی‌های 73، 74؛ هجرت از خود به خدا در 138.
حج ابراهیمی 107، 122، 142، 175
تجدید 159؛ مهجوریت 184.
حج محمدی 107، 122، 142، 175
مهجوریت 184.
حج مهدوی 122
حجاب ها
پنهان شدن قرآن در 251؛ انسان 236.
حجاج
آشنایی با انقلاب اسلامی 226؛ ابلاغ پیام مظلومیت 234؛ اهداف آل سعود از قتل عام 253؛ اهمیت اتحاد 105؛ اهمیت کم توقعی 92، 93؛ ایجاد تسهیلات برای 20؛ برائت از خدایان آل سعود 234؛ برادری 105؛ بی دفاعی در فاجعه خونین مکه 246؛ پیروی از دستورات سرپرست 85، 106، 130؛ تأثر از قتل عام 231؛ تعلیم 94؛ تکلیف 72؛ توصیه به 22، 23، 28، 29، 44- 50، 103- 109، 122- 129، 138- 144، 161- 169، 186- 193، 197- 227؛ توطئه قتل عام 240؛ تهاجم به 230؛ جنایت قتل عام 240، 253؛ حیرت شهر خدا از قتل عام 247؛ خروج از صف 140؛ دعای برای پیروزی اسلام 77؛ دعوت به اتحاد 37؛ دعوت به بت شکنی 37؛ رحمت خدا بر 36؛ رسالت 133، 249؛ رسالت در ابلاغ پیام انقلاب اسلامی 226، 227؛ شرکت در برنامه‌های نمایندگی حج 130؛ عار قتل عام 240، 241؛ عزادار شدن مسلمانان با قتل عام 247؛ قتل عام 231، 238، 242، 245، 247؛ کنترل از سوی آل سعود 253؛ مراقبت بر رفتار 140؛ مسؤولیت 105؛ مشکل‌سازی رژیم پهلوی برای 20؛ نقش آمریکا در قتل عام 247؛ وظایف خطیر 163؛ وظایف سرپرست 156؛ هجرت به سوی بیت‌اللّه 44؛ هجرت به سوی پیامبرص) 183؛ هجرت به سوی خدا 183؛ هوشیاری در برابر اختلاف‌افکنان 141؛ هوشیاری در برابر منحرف 140.

حجاج ایرانی
اتهامات آل سعود به 249؛ اجتناب از اهانت به 131؛ استقامت در حج 230، 242؛ انتقام آل سعود از 248؛ تنفر از ضرب و شتم 83؛ توجه به 163، 164؛ توصیه به 189؛ دعوت به هوشیاری 130؛ راهپیمایی در مکه 225؛ سرپرستان 22، 84، 154، 156، 165، 180، 242 سنگینی وظایف 140؛ مراقبت از اعمال 130؛ مسؤولیت 104، 105، 139؛ مهربانی با 131؛ نمایندگی از ملت ایران 139؛ وظایف 189- 191، 225، 226.
حجاز
تغییرنام 241؛ وضعیت اقتصادی 93.
نیز عربستان
حجرالأسود
فلسفه استلام 184، 185.
حرمین
خائنان به 231.
حزب اللّه لبنان
مبارزات 220.
حزب بعث
خطرات 213؛ دشمنی با اسلام 67؛ گناه صلح با 183.
حق
پیروزی 62؛ جشن پیروزی 249؛ جنگ و باطل 258
حقایق اسلام
ناآشنایی مسلمانان به 134.
حق وتو
بی‌اعتباری 96
حقوق بشر
دروغگویی مدعیان 33، 96؛ سبُعیت مدعیان 33؛ طرفداری طرفداران از ظالمان 96.
حقوق زندانیان
رعایت 90.
حقوق فقرا
دفاع از 260؛ رعایت زندانیان 90.
حکمت
تحصیل از حج 250
حکومت

ادعای اسرائیل از نیل تا فرات 128؛ های وابسته 167؛ علامت طاغوتی بودن 30؛ مبارزه با های وابسته 169؛ وظایف کارگزاران عدل 223.
حکومت اسلامی
توانمندی 48؛ ملاک ارزش در 223.
حماسه فلسطین 257

ص: 307
حماسه جوانان ایران 115
حماقت آل سعود 240
حمد
حقیقت 176؛ شایستگی خدا برای 176.
حوزه‌های علمیه
اخلاق در 178؛ رسالت 188؛ مسؤولیت مدرسان در امر قضاوت 88، 89.
حیثیت اسلامی
دفاع از 26
خائنان به حرمین 231، 241
خارج از کشور
زیان اعزام دانشجو به 124.
خدا
آبرومندی در نزد 153؛ اتکا به 236؛ استعانت از 176؛ ایثار در راه 120؛ بیعت با 184؛ پرهیز از آبروریزی در نزد 30؛ جنگ در راه 214؛ حضور در محضر 135؛ خضوع در برابر خواست 261؛ دعوت به نصرت 49؛ رحمت بر حجاج 36؛ ستایش 194؛ سفر به سوی 31؛ سنگر سربازان 199؛ شایستگی برای حمد 176؛ شکر 236؛ ظهور 194؛ فداکاری در راه 105؛ قربانی در راه 120؛ محبت به 244؛ هجرت از خود به در حج 138؛ هجرت به سوی 158، 183.
خدایان آل سعود
برائت حجاج از 234.
خدمتگزاری
انبیا به کعبه 239؛ دولت به مردم 241؛ عبادت به مردم 224، 237.
خروش
بر دشمن در حج 185؛ مسلمانان 49
خستگی
تبلیغ ایرانیان از جنگ 215؛ ناپذیری ملت ایران 115- 118.
خضوع
در برابر خواست خدا 261.
خطبا
مسئولیت 26، 38، 73، 74، 108.
خطرات
های حزب بعث 213؛ اختلاف اهل سنت با شیعیان 46، 47.
خلقت کعبه
پیشینه 239.

خلق‌خدا
وظیفه خدمت به 237.
نیز مردم

ص: 308
خلیج فارس
امنیت 211، 211، 212؛ جنایات آمریکا در 258، 258؛ دخالت نظامی آمریکا در 212؛ سیاست جمهوری اسلامی در 211، 212؛ منافع ابرقدرت ها در 211، 212؛ ناامنی در 212.
خمینیآیت الله)
استقامت در برابر استکبار 201؛ افتخار به ملت ایران 215؛ انتظار برای شهادت 201، 260؛ بی‌تحمل شدن برای فاجعه خونین مکه 241؛ پیام ملک سعود به 240؛ تشکر از ملک فهد 18؛ صفات همراهان 259؛ فلسفه هجرت به غرب 17؛ مبارزه با بت پرستی 201؛ مبارزه با کفر 201.
خنجرکفر 201
خنجر نفاق 201
خودکفایی ملت ایران 48
خوشرفتاری در حج 104
خیانت
برگزار کنندگان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله 14؛ به آرمان بشریت 214؛ به آرمان پیامبرص) 214؛ سران کشورهای اسلامی 193؛ شاه حسین به ملت فلسطین 193؛ شرکت کنندگان در جشن‌های دوهزار و پانصد ساله 14؛ های آل سعود 231.
دادگستری
تحول در 92.
دام شیطان
موانع اسارت در 107.
دانشجویان
زیان اعزام به خارج 124.
دانشگاهیان
مراقبت 178.
دانشگاه
اداره ها به دست غربزده‌ها 124؛ تحول در ها 178؛ حمله رژیم پهلوی به ها 13، 14.
درد جوامع اسلامی 249
درگیری‌های کردستان
منشأ 50
دروغگویی
مدعیان اسلام 99؛ مدعیان حقوق بشر 33، 96؛ مدعیان صلح طلبی 99.
دروغ‌پردازی در باره ایران 190

دشمنان
آمادگی در برابر 266؛ احساس خطر از علما 172؛ اختلاف افکنی 74؛
تفرقه‌افکنی 165؛ توطئه‌های در

ص: 309
کشورهای اسلامی 165، 166؛ خروش بر در حج 185؛ دشمنی با آزادگان 185؛ شماره یک محرومان 49؛ مستضعفان 76؛ شکل‌های تهاجم 266؛ همدستی دولت های اسلامی با ایران 143.
دشمنان اسلام
اختلاف افکنی 71؛ تبیین ظلم 26؛ تبلیغات 112.
دشمنی
آمریکا با اسلام 105، 106، 141؛ آمریکا با مستضعفان 49؛ اسرائیل با اسلام 141؛ اسلام با آمریکا 141؛ ایران با اسرائیل 75؛ با دشمن آزادگان 185؛ حزب بعث با اسلام 67؛ صهیونیسم با اسلام 12؛ فلسفه با ایران 68، 69.
دعا
برای اسرا 272؛ برای بیداری مسلمانان 78، 122؛ برای پیروزی 228، 229، 246؛ برای پیروزی اسلام 122؛ برای جانبازان 246؛ برای شهدای مکه 243، 246؛ برای شهیدان اندیمشک 110؛ برای مجروحان 272؛ در حج 122؛، قرآن صاعد 177؛ حجاج برای پیروزی اسلام 77؛ زبان 177.
دعای عرفه
معارف 177.
دفاع
جنگ دفاعی ایران 261؛ دعوت به از اسلام 76؛ از اسلام 116، 201؛ از حقوق فقرا 260؛ از حیثیت اسلامی 26؛ از کشورهای اسلامی 128؛ از مردم عراق 182؛ از مصالح مسلمانان 182؛ از مظلوم 68؛ از منابع ملت‌ها 201؛ از وطن 53؛ ایرانیان از مسلمانان 105؛ در برابر متجاوز 66؛ روحانیت از مردم 269؛ ملت ایران در جنگ 61، 67، 116، 227؛ شعار از مستضعفان 223؛ موانع از کشورهای اسلامی 124، 125.
دفتر شهادت 265
دنیاطلبی
پرهیز از در حج 29؛ ضرر روحانیت 271؛ عامل شکست مسلمانان 20.
دنیافروشان
طرد دین به 221.
دوران رضا شاه
رنج‌های 238.
دوران شاه
مقایسه و جمهوری اسلامی 174.

دوستی
دعوت به دولت ها با ایران 144؛ دعوت مسلمانان به 77.
دولت ایران
آسیب ناپذیری 119؛ اشکال‌تراشی در برابر 117، 118؛ تبلیغ ناکارآمدی 47؛ حمایت مردم از ایران 119؛ خدمات 117؛ خدمتگزاری به مردم 241؛ محرومیت کارمندان 237؛ مشکلات 237.
دولت سعودی
توصیه به 131؛؛ دولت باطل سعودی 240؛ دعوت از برای همکاری در برائت از مشرکان 126.
دولت شاهنشاهی
انقراض 127.
دولت عثمانی
تجزیه 21.
دولت عراق
اخراج از لیست تروریسم 160؛ تجاوزکاری 57؛ حمایت کشورهای اسلامی از 57؛ شکست 163؛ صلح‌طلبی 183؛ مبارزه با 57؛ محکومیت 70.
دولت مصر
هشدار به 144، 145.
دولت‌ها
جنگ با مسلمانان 220؛ حمایت مرتجع از صدام 167؛ دعوت به دوستی با ایران 144؛ استعمارگر 145.
دولت‌های اسلامی
اتحاد 155؛ اختلاف 69؛ اهمیت بیداری 70؛ برادری ایران با 143؛ تکلیف 19؛ سرسپردگی 103؛ مسؤولیت 69، 70؛ معارضه با ایران 143؛ موافقت با طرح کمپ دیوید 103؛ نصیحت به 144؛ هشدار به 144؛ همدستی با دشمن ایران 143؛ همگامی با توده‌های مردم 166؛ یأس از 103.
دولت‌های منطقه خلیج فارس
اخطار به 108.
دین
تبلیغ جدایی از سیاست 112، 113؛ حاکمیت 218؛ توحید 25؛ فطرت 25؛ طرد به دنیا فروشان 221.
دین‌فروش
شمشیر نفاق عالمان 248، 249.
ذلت

دوری امت محمدص) از 201؛

ص: 311
ناپذیری ملت ایران 50؛ عامل 53؛ مانع 107.
ذوق عرفانی 244
راهپیمایی
آرامش در برائت از مشرکان 142؛ برائت از مشرکان 164؛ شرکت در برائت از مشرکان 225.
راه شهیدان 265
راه خدا
ایثار در 120؛ بُعد اجتماعی قربانی در 120؛ بُعد سیاسی قربانی در 120؛ جنگ در 214؛ فداکاری در 105.
رجم عقبات
فلسفه 27.
رحمت
درخواست برای شهیدان 53؛ خدا بر حجاج 36.
رزمندگان اسلام
تجلیل از 244- 246؛ تجهیز 53؛ عبرت از 139؛ مقاومت در جنگ 174.
رژیم پهلوی
جنایات 13، 14؛ حمایت آمریکا از 39؛ حمایت از ایادی 33، 34؛ حمله به دانشگاه‌ها 13، 14؛ رژیم فاسد 86؛ شکر نجات از 16. 87؛ فساد 86؛ لغو قوانین خلاف شرع دوران 91، 92؛ مشکل‌سازی برای حجاج 20؛ منشأ جنایات 39.
نیز رژیم شاه، رضا شاه و شاه
رژیم شاه
زنان در 174؛ مقایسه بین و جمهوری اسلامی 171؛ همسویی آخوندهای درباری با 141.
رژیم عراق دولت عراق
رسول‌اللّٰهص) پیامبرص)
رفاه‌زدگی
آفت 224.
رفاه‌طلبی
ناسازگاری مبارزه با 259.
رمی
استعمار از کشورهای اسلامی 202؛ فلسفه جمرات 159، 185.
رنج
های دوران رضا شاه 238؛ های رسالت پیامبرص) 228؛ یادآوری های پیامبرص) 227.

روحانیت
آفات 153، 224؛ اثر سوء بدبینی به 152؛ استفاده از 269؛ اقتدار 217؛

ص: 312
برخورد 270؛ تبلیغ علیه 269؛ توقع از 86، 152؛ توقع طبقات پایین از 153؛ حمایت از محرومان 272؛ حمایت از مستضعفان 223؛ دفاع از مردم 269؛ دنیاگرایی 271؛ رسالت 152، 219، 220، 221؛، پناهگاه محرومان 224؛ رهبری در انقلاب اسلامی 217، 218؛ زهد 271؛ زیان انحراف 153؛ ساده‌زیستی 153، 224؛ غفلت از نقش 219؛ مبارزات 269؛ محبت به جوانان 270؛ مدیریت 217، 218؛ مقاومت در سختی‌ها 270؛ ملاک بزرگی 153؛ هشدار به 219؛ همراهی با مردم 269.
روحانیون
آزادی عمل 87؛ تذکر انحرافات توسط 87؛ توصیه به 270- 272؛ طرفدار آمریکا 114؛ زیان وابسته 270؛ مراقبت 178؛ مسؤولیت 86، 87، 108 نپذیرفتن قصور 87؛ وظایف در حج 162.
روحانیون کشورهای اسلامی
بی خبری 217.
روحانیون کاروان های حج
توصیه به 22، 23، 28، 29، 30؛ مسؤولیت 86، 93، 94، 95، 122، 140، 186، 216.
روحانیون مسیحی
بی‌تفاوتی 114.
روحانی‌نمایان
طرد 257، 221.
روز مبارک 52
روز ملت‌ها 49
روز جمهوری اسلامی
مبارکی 52.
روسیاهی آل سعود 242.
روشنفکران
مسئولیت 134، 221؛ هدایت 49.
رهبران
نقش در اختلاف مسلمانان 74.
رهبران فلسطین
تنفر از رهبران سازشکار 203.
زجرکشیده‌ها
تقدم مصالح 215.
زخارف دنیا
بی‌توجهی ائمه علیه السلام به 190.

زنان
آزادی درجمهوری‌اسلامی 174؛ آموزش در ایران 117؛ تحول در جمهوری‌اسلامی 174؛ دررژیم‌شاه 174.

ص: 313
زندانبان‌ها
مسئولیت 90.
زندانیان
حقوق 90.
زندگی شرافتمندانه 34
زهد روحانیت 271.
زهدفروشان داغ بر پیشانی 182.
زهدگرایی علما 224.
زیان
آخوندهای درباری 113، 161؛ اعزام دانشجو به خارج 124؛ انحراف روحانیت 153؛ انقلاب سفید 14؛ روحانیون وابسته 270؛ شکست ایران 43؛ ملی‌گرایان 161.
ساده زیستی
پیامبرص) 153؛ روحانیت 152، 153، 224؛ علی علیه السلام 153.
سازش
با آمریکا 182؛ با بیگانگان 262، 263؛ در آرمان فلسطین 203؛ رهبران فلسطین 203؛ سران کشورهای اسلامی 203.
سازشکاران
بی‌تعهد 219.
سازماندهی جنود خدا 199
ساز و برگ نظامی ایران 59، 60
ستایش
از شهیدان 245، 248؛ خدا 194.
ستمدیدگان مظلومان
ستمگران ظالمان
ستمگران مسلمان نما 181.
ستم ظلم
سخت‌گیری به متجاوزان 97.
سختی‌ها
ملت ایران در انقلاب اسلامی 228؛ مقاومت روحانیت در 270.
سخط پیامبرص) 165
سران کشورهای اسلامی
اختلاف 37؛ استبداد 252؛ اصلاح 202؛ بی‌غیرتی 254؛ توصیه به 192؛ حل اختلافات 12؛ خیانت 193؛ سازش 203؛ سرسپردگی 211؛ سکوت در

برابر اسرائیل 254؛ مزدوری بعضی از 123؛ وطن‌فروشی 254؛ هشدار به 202.
سران کشورهای خلیج فارس
پیروی از آمریکا 106؛ هشدار به 211، 213.
سربازان خدا
سنگر 199.

ص: 314
سرداری قادسیه 143
سرزمین‌های اسلامی
اخراج کارشناسان بیگانه از 169.
سرسپردگی
دولت های اسلامی 103؛ سران کشورهای اسلامی 211؛ شاه به آمریکا 127.
سرطان استعمار 11
سرطان صهیونیسم
غده 203، 205.
سرمایه‌داری
اقتصاد بیمار 222؛ طبیعت 209؛ مقابله با 221، 222.
سرنوشت کشورهای اسلامی 213.
سروری عرب
ادعای 65.
سستی در جهاد 53
سعادت
عامل 52.
سعی صفا و مروه
یافتن محبوب در 185.
سفر
به سوی خدا 31؛ حج 29.
سقایت حجاج
جنایت مدعیان 231.
سکوت
تأسف از مسلمانان 68، 69، 70؛ در برابر تهاجم اسرائیل به لبنان 106؛ در برابر جنایات صدام 68؛ سران کشورهای اسلامی در برابر اسرائیل 254؛ کشورهای اسلامی در برابر اسرائیل 114.
سلاح های کشتار جمعی
کنترل 263.
سلامت کشور
زمینه 178.
سلام
بر مسلمانان 44؛ به پیشگاه پیامبرص) 228.
سلطه

جلوگیری از بیگانگان بر ایران 115؛ دفع بیگانگان 48؛ آمریکا بر افریقا 27؛ آمریکا بر مسلمانان 39؛ استعمارگران بر ایران 13؛ بیگانگان بر افریقا 27؛ بیگانگان بر کشورهای اسلامی 122؛ ناپذیری ملت ایران 59؛ عامل رهایی از استعمارگران 26؛ عامل استعمارگران 21؛ عامل اسرائیل 19؛ عامل بیگانگان 65، 69، 115؛ مانع استعمارگران 21؛ نفی بیگانگان از کشورهای اسلامی 62؛ ننگ قبول

ص: 315
مستکبران 77.
سلطه طلبان
اختلاف افکنی 65.
سلطه طلبی آمریکا 49.
سوره حمد
معارف 176.
سوغات ایثار از حج 173.
سیادت
بت جهانخواران 221؛ تحریم آمریکا 255.
سیاست
اصول خارجی جمهوری اسلامی 264؛ پرهیز دادن از دخالت در 81؛ تبلیغ جدایی دین از 112، 113؛ تلاش برای جدایی حج از 111؛ توهم جدایی اسلام از 123؛ جدایی اسلام از 34؛ جرم بیان امور سیاسی در مسجدالحرام 80، 81؛ جرم بیان امور سیاسی در مسجدالنبی 80، 81؛ ابرقدرت ها در کشورهای جهان‌سوم 167؛ ایران در حج 154؛ ایران در خلیج فارس 211، 212؛ بین‌المللی اسلام 202؛ جمهوری اسلامی در خلیج فارس 211؛ حج 154؛ خارجی جمهوری اسلامی 254؛ فقرزدایی 223؛ سیاسی بودن اسلام 25، 55؛ سیاسی بودن اجتماعات اسلامی 56؛ عبادت بودن اسلام 25؛ فریاد عبادی حج 125؛ فواید دخالت علما در 218؛ گناه شمردن دخالت در 134؛ مرکزیت مسجد الحرام برای در صدراسلام 80؛ مرکزیت مسجدالنبی برای در صدر اسلام 80؛ نقش سیاسی مسجد در صدر اسلام 112؛ نقش سیاسی مسجدالحرام در صدر اسلام 112؛ نقش سیاسی مسجدالنبی در صدر اسلام 112.
سیاه پوستان آمریکا
همراهی با ایران 41، 69.
سیرالی‌اللّه
اهمیت 150.
سیرمعنوی ابراهیم علیه السلام 147.
سیره
انبیا 81؛ پیامبرص) 81؛ معصومان 182.
سیلی
راه زدن به آمریکا 207؛ به صدام 59؛ خوردن آل سعود 240.
شاعر ترین مرد 100
شاه

اختلاف افکنی 66؛ پناه دادن آمریکا به 42؛ جنایات 16، 17، 41، 42؛ حمایت

آمریکا از 127؛ حمایت ابرقدرت ها از 206؛ زنان در رژیم 174؛ سرسپردگی به آمریکا 127؛ شکست 58؛ متمدن معرفی شدن 206؛ مقایسه بین انتخابات و جمهوری اسلامی 173؛ مقایسه بین رژیم و جمهوری اسلامی 171؛ نوکری 206؛ نوکری برای آمریکا 205.
نیز رژیم پهلوی
شاه حسین
خیانت به ملت فلسطین 193؛ دوره‌گردی 193؛ ملاقات با شیمون‌پرز 193.
شجاعت ملت ایران 42.
شجره مبارک لا شرقیه و لا غربیه 257
شرّ
نجات قرآن از جاهلان متنسک 188؛ نجات قرآن از عالمان متهتک 188؛ نجات منطقه از اسرائیل 144.
شرافت
زندگی شرافتمندانه 34؛ عامل 34، 35، 107؛ مرگ شرافتمندانه 208.
شرع
جرم عمل به خلاف 92؛ خلاف قانون بودن قوانین خلاف 91، 92؛ رعایت شرع در قضاوت 90، 91؛ لغو قوانین خلاف دوران پهلوی 91، 92.
شرف
پایداری در میدان 53؛ عید پیامبرص) 150.
شرق
تبلیغ وابستگی به 124؛ شکست 43.
شرق زدگی
نجات ایران از 139.
شرک
برائت از 248؛ رفع مظاهر در ایران 218؛ مراتب 135؛ محل نفی 120؛ نبرد با 199.
نیز مشرکان
شعار
پرهیز از های جنجالی در حج 142؛ پرهیز از های منحرف در حج 164؛ پیروی از های تنظیم شده در حج 142، 191؛ ابدی جمهوری اسلامی 202؛ اصولی انقلاب اسلامی 202؛ اللّه‌اکبر 257؛ دفاع از مستضعفان 223؛ محرومیت زدایی 223؛ مردم در جنگ 115؛ مرگ بر آمریکا 252، 257؛ مرگ بر اسرائیل 252؛ مرگ بر شوروی 252، 257؛ نه شرقی نه غربی 202؛ در حج 142، 164، 165.

شکر
پذیرش قربانیان ملت ایران 235؛ حقیقی 87؛ خدا 236؛ لفظی 87؛ مسلمان بودن 195؛ نجات از رژیم پهلوی 87؛ نعمت‌های‌الهی 194.
شکست
تلاش برای انقلاب اسلامی 75؛ زیان ایران 43؛ انگلیس در عراق 127؛ باطل 62؛ جمهوری اسلامی 213؛ رژیم عراق 163؛ شاه 58؛ شرق 43؛ شوروی در افغانستان 59، 127؛ شیشه حیات آمریکا 260؛ غرور آمریکا 205؛ فرانسه در الجزایر 127؛ مستضعفان 43؛ عامل مسلمانان 20؛ مضرات انقلاب اسلامی 41.
شمشیر
پیروزی خون بر 234، 257؛ نفاق عالمان دین‌فروش 248، 249.
شوروی
اشغال افغانستان توسط 114، 200؛ افتضاح 59؛ تهاجم به افغانستان 111، 200؛ حمایت از عراق 115؛ شعار مرگ بر 252، 257؛ شکست در افغانستان 59، 127؛ ناقوس مرگ 255.
شهادت
آرزوی 245؛ آزادی 208؛ انتظار امام خمینی برای 201، 260؛ دفتر 265؛ شهد 245؛ غسل 199؛ مدرسه 214؛ مقام 260.
شهادت طلبان
ترس جهانخواران از 223.
شهادت طلبی
شکست‌ناپذیری 166؛ ملت ایران 42.
شهر خدا
حیرت از قتل عام حجاج 247.
شهیدان
آثار خون 265؛ ارزش 265؛ ارزش انقلاب اسلامی 238؛ بیمه انقلاب اسلامی با خون 265؛ تجلیل از 244- 246؛ تربت 265؛ درخواست رحمت برای 53؛ دعا برای اندیمشک 110؛ دعا برای مکه 243، 246؛ راه 265؛ ستایش از 245؛ ستایش از مکه 248؛ شکر پذیرش ایران 235؛ انقلاب اسلامی 238؛ فوز 261؛ لبیک مکه 248.
شیطان‌ها
طرد از ام القری 159؛ طرد از جهان

ص: 318
159؛ طرد از حریم اسلام 105؛ طرد از حریم کعبه 105؛ طرد از کشورهای اسلامی 105؛ طرد در حج 122.
شیطان بزرگ
بت 184؛ زبونی 185؛ طرد در حج 122.
شیعیان
اتحاد و اهل سنت در ایران 47؛ اختلاف افکنی بین و اهل سنت 105، 141؛ جسارت به 149؛ خطر اختلاف اهل سنت با 46، 47.
نیز تشیع
شیمون پرز
ملاقات شاه‌حسین با 193.
صبر برای مشکلات حج 104.
صدام حسین
اجتناب از کمک به 129؛ اختلاف افکنی 46؛ ادعای پیروزی 99؛ ادعای رهبری برای عرب‌ها 129؛ ارتداد 65؛ اعطای سرداری قادسیه به 143؛ انگیزه در تهاجم به ایران 57، 58، 61، 204، 208؛ پیشنهاد پذیرش خواسته‌های در جنگ 210؛ تبلیغات علیه ایران 76؛ تجاوزات 204؛ ترس از همکاری کشورهای اسلامی با ایران 213؛ تعریف از اسلام 99؛ تهاجم به ایران 143، 245؛ تهاجم به مرقد علی علیه السلام 67؛ تهدیدهای 100؛ جنایات 61، 67، 68، 102؛ جنگ‌افروزی 211؛ حمایت آمریکا از 160؛ حمایت از تجاوزات 210؛ حمایت دولت های مرتجع از 167؛ حمایت‌های بین‌المللی از 204؛ خرابی‌های 207؛ خطر 129؛ خوی تجاوزکاری 210، 211؛ دست و پا زدن 144؛ دعوت به قبول تجاوز 211؛ روحیه جنون آمیز 144؛ سبُعیت 211؛ سرنگونی 214؛ سرنگونی، هدف جنگ 214؛ سکوت در برابر جنایات 68؛ سیلی به 59؛، افعی زخم خورده 210؛، برادر اسرائیل 144؛، برادر بگین 76؛، عقرب جرّاره 130؛ مفلوک 167؛ صلح‌طلبی 210؛ ضربه به عرب‌ها 76؛ غفلت 58؛ قابل اطمینان نبودن 144؛ کمک تسلیحاتی به 209؛ محاکمه 61؛ مقابله ایران با هجوم 143؛ نوکری برای آمریکا 207؛ همبستگی آل سعود 232.
صدر اسلام
پیروزی‌های مسلمانان 37؛ مجاهدت مسلمانان 182؛ مرکزیت مسجدالحرام

ص: 319
برای سیاست در 80؛ مرکزیت مسجدالنبی برای سیاست در 80؛ نقش اجتماعی مسجد در 112؛ نقش اجتماعی مسجدالحرام در 112؛ نقش اجتماعی مسجدالنبی در 112؛ نقش سیاسی مسجد در 112؛ نقش سیاسی مسجدالحرام در 112؛ نقش سیاسی مسجدالنبی در 112؛ نقش مسجد در 18؛ نقش نظامی مسجدالحرام در 112؛ نقش نظامی مسجد در 112؛ نقش نظامی مسجدالنبی در 112.
صدور انقلاب اسلامی 62، 104، 227، 258
صلح
اصرار جهانخواران بر صلح در جنگ 210؛ تحمیل در جنگ 267؛ تلخی پذیرش در جنگ 268؛ با صدام حسین 183؛ تحمیلی 183؛ در جنگ 209، 210؛ فلسفه پذیرش تحمیلی 267؛ گناه با حزب بعث 183.
صلح طلبان
در جنگ ایران 183.
صلح طلبی
توطئه برای جنگ 210؛ دروغگویی مدعیان 99؛ جهانخواران 209، 210؛ رژیم عراق 183؛ ستمگران 209؛ صدام 210.
صلوات بر پیامبرص) 36.
صنعت ایران
تحولات 209.
صهیونیسم
جنگ با 205؛ خشکانیدن ریشه های 254؛ دشمنی با اسلام 12؛ غده سرطانی 203، 205؛ گرگ‌های‌خون‌آشام 203.
ضرب و شتم
تنفر ازحجاج 83؛ مسلمانان در مسجدالحرام 81.
طاغوت
بت 121؛ برائت از ها در حج 184؛ فریاد لا بر ها 184؛ براندازی موسی علیه السلام 181؛ های جهانخوار 184؛ علامت بودن حکومت 30؛ محو رژیم ایران 159.
طبقات پایین
توقع از روحانیت 153.
طرح کمپ دیوید
توطئه 107؛ موافقت دولت‌های اسلامی با 103.
طمع جهانخواران
مانع 107.

ص: 320
طواف
انجام متعارف 23؛ صاحب بیت 199؛ فلسفه 27.
طهارت
خانه 197.
ظالمان
برائت از 189؛ پشتیبانی آخوندهای درباری از 138؛ جنگ پیامبرص) با 182؛ رسالت علما در برابر 220؛ صلح‌طلبی 209؛ طرفداری طرفداران حقوق بشر از 96؛ مسلمان نما 181؛ فریاد از ظلم 200؛ فریاد مظلوم بر 189؛ کوتاه‌کردن دست 150؛ مبارزه با 255؛ مبارکی روز قطع ایادی 52؛ محکوم‌کردن در حج 161.
ظلم
تازیانه نژاد پرستان 200؛ تبیین دشمنان اسلام 26؛ آل سعود 234؛ آمریکا 103؛ اسرائیل به فلسطینیان 144؛ بنی‌امیه 189؛ فریاد از ظالمان 200؛ مبارزه انبیا با 81؛ مبارزه پیامبرص) با 81.
عار قتل عام حجاج 241
عاشورای خونین مکه 245
نیز فاجعه خونین مکه
عبادت
آمیختگی عرفان و 175؛ ابعاد تکالیف 148؛ بالا ترین 224؛ بعد عبادی اسلام 55؛ بودن بُعد سیاسی حج 111؛ بودن سیاست اسلام 25؛ خدمت به مردم 224؛ فلسفه 175؛ وسواس در 217.
عبرت
از تاریخ 20، 21؛ از رزمندگان اسلام 139.
عدالت
اقدام برای 120؛ ایثار برای 120.
عدالت اجتماعی
عدول از 272.
عراق
آغازگر جنگ بودن 67؛ اخراج رژیم از لیست تروریسم 160؛ اشغالگری 66؛ بمباران مناطق مسکونی ایران توسط 110؛ تجاوزکاری دولت 57؛ تشکل مردم از سوی ایران 214؛ تهاجم علیه ایران 57، 66، 108؛ جنگ تحمیلی علیه ایران 49؛ حمایت آمریکا از 108، 115؛ حمایت شوروی از 115؛ حمایت فرانسه از 115؛ حمایت کشورهای اسلامی از 57؛ حمایت کشورهای

ص: 321
خلیج فارس از 103؛ حمایت مردم از انقلاب اسلامی 50؛ دفاع از مردم 182؛ شکست انگلیس در 127؛ شکست رژیم 163؛ صلح‌طلبی رژیم 183؛ مبارزه با دولت 57؛ محدودیت عمل ایران در حمله به 101؛ محکومیت دولت 70؛ نجات مردم 53؛ نقش جنگ در تباهی 66.
عرب‌ها
ادعای انحصار اسلام برای ها 64؛ ادعای سروری 65؛ ادعای صدام در رهبری بر 129؛ ضربه انور سادات به 76؛ ضربه صدام به 76؛ عامل سلطه اسرائیل بر 19؛ کافر 64؛ نگرانی از اتحاد ایرانیان و 76.
عرب‌های منافق 64
عربستان
تشکر از هیأت نمایندگی 18؛ توصیه به هیأت نمایندگی 18؛ شرکت در جنایات آمریکا 262؛ هشدار به 262.
نیز حجاز
عرفان
آمیختگی و عبادت 175؛ اشارات مناسک حج 135؛ بعد نماز 175؛ ذوق 244؛ حج 175.
عرفه
معارف دعای 177.
عزا
مسلمانان با قتل عام حجاج 247؛ فلسفه برپایی امام‌حسین علیه السلام 189.
عزت
تحصیل با مبارزه 255؛ عامل مسلمانان 74.
عشق
خلوص موحدان 197؛ مدرسه 214.
عصر جنگل 136
عفلقیان
نظام پوسیده 204.
عقب ماندگی
نقش آخوندهای درباری در مسلمانان 123؛ نقش ابرقدرت ها در کشورهای جهان سوم 167؛ نقش تبلیغات در مسلمانان 123.
علما
اتمام حجت بر 220؛ احساس خطر دشمن از 172؛ پرهیز از تجملات 224؛ تجلیل از متعهد 269، 270؛ حجت بودن 220؛ رسالت در برابر ظالمان 220؛ زهدگرایی 224؛ طرد سوء 221؛ فشار استعمار بر 13؛ فواید

ص: 322
دخالت در سیاست 218؛ مسئولیت 12، 134؛ نجات قرآن از شر متهتک 188.
علمای اسلامی
اتحاد 219؛ تبادل‌نظر 219.
علمای دین فروش
شمشیر نفاق 248، 249.
علمای دینی
مسؤولیت 73، 74.
علمای متهتک
القائات 198.
علم
ارتقای 268؛ پیشگامی مسلمانان 124.
علم‌فروشان
بی عمل 219.
علوم قرآن 187، 188
علی علیه السلام
تهاجم به مرقد 67؛ جنگ با مقدس نماها 182؛ ساده‌زیستی 153.
عمر بر باد رفته
تأسف بر 188.
عمل
جرم خلاف شرع 92؛ علم فروشان بی 219؛ به مناسک حج 138؛ نقش به تکلیف در عزت مسلمان 74.
عید
بُعد سیاسی 148؛ بُعد معنوی 148؛ از دیدگاه انبیا 148؛ شرف پیامبرص) 150.
عید فطر1401)
مبارک تر بودن 78.
عید قربان
ابعاد 171؛ برکت 147؛ تبریک 52، 78، 102، 120، 133، 146، 147، 171؛ فلسفه 172، 173.
عید لقا 148
غارت
فقیران 201؛ منابع طبیعی ایران 16؛ منابع کشورهای اسلامی 103، 122؛ منابع مسلمانان 26، 114.
غارتگران

مبارزه با 77.
غارتگری
آمریکا 103.
غاصبان
نجات بیت‌المقدس از 238.
غرب
تبلیغ وابستگی به 124؛ منشأ تمدن 124؛ هجرت امام خمینی به 17.

ص: 323
غرب زدگی
مبارزه با 48؛ نجات ایران از 139.
غربت
ائمه علیه السلام 227؛ پیامبرص) 227.
غرب زده‌ها
اداره دانشگاه‌ها از سوی 124.
غرور
پرهیز از پیروزی 226؛ شکست آمریکا 205.
غسل شهادت 199
غصب
حرم الهی 241؛ حرم توسط آل سعود 241؛ مسجدالاقصی 26.
غفلت
از قدرت اسلام 48، 60؛ ازنقش روحانیت 219؛ صدام 58؛ مسلمانان 123.
غنای کشورهای اسلامی 40، 60
فاجعه تهاجم به مسلمانان 102، 103؛
فاجعه خونین مکه
بی دفاعی حجاج در 246؛ پیامدهای 257؛ زنده نگه داشتن 239؛ سالگرد 247؛ ستایش از شهیدان مکه 248؛ لبیک شهیدان 248.
نیز جمعه خونین مکه و عاشورای خونین مکه
فاطمه علیه السلام
تربت 225.
فتح سنگرهای جهان 208
فتنه
برچیدن اسلام 196؛ گری مراکز وهابیت 253.
فرات
ادعای اسرائیل در حکومت از نیل تا 128.
فداکاری
در راه خدا 105؛ ملت ایران 133.
فرانسه
حمایت از عراق 115؛ شکست در الجزایر 127.
فرزند
قربانی 148.
فرعون مصر
مرگ 78.

فرقه های اسلامی
اتحاد 197.
فرهنگ
پرهیز از های بیگانه 162؛ اسلام ناب محمدی 260؛ غنی اسلام 167،
168؛

منافع حج 125.
فرهنگ‌اسلامی
مبارزه ابرقدرت ها با 168.
فرهنگ الهی
آثار در جامعه 162، 163.
فریاد
از ستم ظالمان 200؛ برائت 201؛ برائت مردم فلسطین 200؛ برائت مردم لبنان 200؛ برائت از مشرکان 200؛ سیاسی عبادی حج 125؛ لا بر طاغوت‌ها 184؛ مسلمانان افریقا 200؛ مظلوم بر ظالم 189؛ ملت افغانستان 200.
فریادخواهی
برای اسلام 169.
فریاد یاللمسلمین 77، 105، 169، 182.
فساد
نجات ملت ایران از 196
فقر
عوامل در کشورهای اسلامی 60، 61.
فقرا
برتری بر ثروتمندان 222؛ بررسی مشکلات در حج 92، 93؛ چاره‌اندیشی برای 11، 12؛ دفاع از حقوق 260؛ غارت 201.
فقرزدایی
سیاست 223؛ در جمهوری اسلامی 223.
فقرستیزی
انقلاب اسلامی 216.
فلسطین
انقلابی نماهای 203؛ تنفر از سازشکاری رهبران 203؛ چاره‌اندیشی برای در حج 12؛ حماسه 257؛ حمایت از آرمان 203، 204؛ خیانت شاه حسین به ملت 193؛ سازش در آرمان 203؛ فریاد برائت ملت 200؛ کمک به مبارزان 12؛ موانع حل مشکل 12؛ نجات 203.
فلسطینیان
تهاجم اسرائیل به 46؛ دعوت به قیام مسلحانه 77؛ رمز مبارزه 257؛ سرکوبی 26؛ ظلم اسرائیل به 144؛ مقاومت 257.
فنای فی‌اللّه
تعلیم راه 194.
فوز شهدا 261.

قادسیه
اعطای سرداری به صدام 143.

قانون
عمل به قوانین خلاف شرع 92؛ خلاف بودن قوانین خلاف شرع 91، 92؛ لغو قوانین خلاف شرع دوران پهلوی 91، 92.
قتل‌عام حجاج
اهداف آل سعود از 253؛ تأثر از 231؛ توطئه در مکه 240؛ جنایت 240، 253؛ حمایت از توسط آل سعود 232؛ حیرت شهر خدا از 247؛ عار 241؛ توسط آل سعود 238، 242، 245، 247؛ در مکه 231؛، ننگ مکه 240؛ ایرانی 17؛ ماجرای اسفبار 238.
نیز فاجعه خونین مکه
قدرت
استفاده از ایران 131؛ پوشالی بودن ابرقدرت ها 40؛ غفلت از اسلام 48، 60؛ اسلام 60، 163؛ جمهوری اسلامی 183؛ مسلمانان 40، 103؛ معنوی مسلمانان 49؛ مقابله به مثل ایران 143؛ ملت ایران 58، 59.
قدرت های شیطانی
قیام در برابر 37؛ نترسیدن از 37.
قدرت های طاغوتی
مبارزه با 135.
قدس بیت‌المقدس
قرآن
آشنایی با تعالیم 187؛ آگاهی بخشی 195؛ آموزش 188؛ ابعاد 188؛ انس با در حج 186؛ پنهان بودن در حجاب‌ها 251؛ پیروی از 105؛ تأثیر پیروی از در شرافت 107؛ تأثیر پیروی از در رهایی از ذلت 107؛ تأثیر پیروی از در نجات از دام شیطان 107؛ تدریس 188؛ جامع علوم بودن 187، 188؛ جاودانگی 188؛ حقیقت 177؛ دوری مسلمانان از 56؛ صدور از مقام جمع الهی 186؛ صیانت از تحریف 195؛ فضایل 195؛ فلسفه جهان شمولی 188؛ فهم اسرار 187؛ کشف براهین فلسفی 187؛ کشف رموز 187؛ مخاطبان 187؛ مهجوریت 187، 188، 251؛ نجات از شر جاهلان 188؛ نجات از شر عالمان متهتک 188؛ نقش پیروی از در رد طمع جهانخواران 107؛ نقش دوری از در سلطه بیگانگان 115؛ هدایتگری 107.
قرآن صاعد 177
قربانگاه اسماعیل علیه السلام 190
قربانی
بُعد اجتماعی 120؛ بُعد سیاسی 120؛

ص: 326
تعالیم ابراهیم علیه السلام 120؛ شکر پذیرش قربانیان ملت ایران 235؛ فلسفه 185؛ ابراهیم علیه السلام 172، 173؛ اسماعیل علیه السلام 148؛ فرزند 148.
قرنطینه سیاسی 252
قرن غلبه بر مستکبران 76
قرن غلبه مستضعفان 76
قصور روحانیون 87
قضاوت
اهمیت 87، 88، 89؛ تشویق به 89؛ رعایت مصالح عمومی در 89؛ رعایت موازین شرعی در 90، 91؛ قاطعیت در 89، 90؛ مسامحه نکردن در 90؛ مسئولیت 89؛ مسئولیت حوزویان در امر 88، 89؛ وجوب کفایی 88، 89.
قطع ایادی ظالمان 52
قطعنامه598)
جام زهر قبول 265، 267؛ قبول 264، 267؛ مصلحت قبول 264، 267.
قلم‌های جنایتکار 75
قومیت گرایی
نقش در اختلاف 46.
قیام
تأسیس کعبه برای 137؛ حج و همگانی 137؛ دعوت به 169؛ دعوت به علیه آمریکا 40؛ دعوت به همگانی 41؛ دعوت مردم پاکستان به 43؛ دعوت مسلمانان به 37، 69، 76، 254، 261، 262؛ سیره معصومان در 182؛ آخوندهای درباری علیه جمهوری اسلامی 157؛ ائمه علیه السلام 182؛ امام حسین علیه السلام 182؛ بدون تجهیزات 182؛ برای مصالح مردم 74؛ پانزده خرداد 205؛ پیامبرص) 36؛ در برابر جنود شیطانی 37؛ در برابر قدرت‌های شیطانی 37؛ در برابر کفر 43؛ علیه مستکبران 69؛ مردم پاکستان علیه آمریکا 40؛ ملت ایران 74، 166، 228.
قیام مسلحانه فلسطینیان 77
کاخ سیاه
بت خانه 200.
کاخ نشینان
نگرانی 237.
کارشناسان بیگانه
اخراج از سرزمین‌های اسلامی 169.
کارمندان دولت
محرومیت 237.

کاروان های حج
تحول در 28، 29، 30؛ توصیه به روحانیون 22، 23، 28، 29، 30؛ توصیه

ص: 327
به مدیران 28، 29، 30؛ مسئولیت روحانیون 86، 93، 94، 95، 122، 140، 186، 216؛ مسئولیت مدیران 140؛ هماهنگی 106.
کافران
برائت از 142؛ دعوت به مبارزه با 19؛ عرب‌های کافر 64.
نیز کفر
کالاهای آمریکایی
تحریم در حج 192.
کالاهای بیگانه
در بازار مکه 169؛ در بازارهای مسلمانان 168
کتب‌آسمانی
نزول 194.
کثرت
رفع 245.
کج فهمان
داغْ بر پیشانی کج فهم 181؛ معممین کج فهم 134؛ مقدس‌نماهای کج فهم 134.
کردستان
منشأ درگیری‌های 50.
کروبی، مهدی
خدمات 242؛ سرپرستی بر حجاج 156، 180، 242؛ صالح بودن 154؛ مبارزات 154؛ نمایندگی در حج 154، 165.
کشتار مکه فاجعه خونین مکه
کشور رسول‌اللّه 215
کشورداری اولیاءاللّه 178.
کشورگشایی 35.
کشور لاشرقیه و لاغربیه 159
کشورهای اسلامی
آثار اتحاد 128؛ اختلاف سران 37؛ اخراج اختلاف افکنان از 69؛ اخراج بیگانگان از 69؛ استثمار 123؛ استعمار 123؛ اصلاح سران 202؛ بررسی اوضاع 16؛ بررسی مسایل در حج 13؛ بی خبری روحانیون 217؛ بی غیرتی سران 254؛ ترس صدام از همکاری با ایران 213؛ توصیه به سران 192؛ توطئه علیه 69؛ توطئه‌های دشمنان در 165، 166؛ تهاجم ابرقدرت ها به 45، 46؛ جلوگیری از نفوذ آمریکا در 219؛ حل اختلافات سران 12؛ حمایت از دولت عراق 57؛ خیانت سران 193؛ دخالت آمریکا در 111؛ دعوت به

اتحاد 118؛ دعوت به برادری 118؛ دفاع از 128؛ رمی استعمار از 202؛ سازش سران

203؛ سران سرسپرده 211؛ سران مستبد 252؛ سرنوشت 213؛ سکوت سران در برابر اسرائیل 114، 254؛ سلطه بیگانگان بر 122؛ ضعف مدیریت 222؛ طرد شیاطین از 105؛ عامل پیروزی 27؛ عامل مشکلات 27؛ عوامل فقر در 60، 61؛ عوامل ننگ 114؛ غارت منابع 103، 122؛ غنای 40، 60؛ کوتاه کردن دست جهانخواران از 186؛ مزدوری بعضی از سران 123؛ مسئولیت 57، 61؛ مقابله اسرائیل با 96؛ موانع دفاع از 62؛ نفی سلطه بیگانگان از 62؛ وطن‌فروشی سران 254؛ هشدار به سران 202؛ یاری جمهوری اسلامی به 213.
نیز دولتهای اسلامی
کشورهای جهان سوم
سیاست‌های ابرقدرت‌ها در 167؛ عقب نگه داشتن 167.
کشورهای در حال توسعه
تبلیغ بی‌ثمری تلاش 124.
کشورهای غربی
تبلیغ تکامل 123.
کشورهای مستقل
استمداد از 50.
کشورهای منطقه خلیج فارس
پیروی سران از آمریکا 106؛ حمایت از عراق 103؛ مخالفت با ایران 103؛ هشدار به سران 211، 213؛ هشدار به 108، 109.
نیز دولتهای منطقه خلیج فارس
کشورهای همسایه
برادری ایران با 129
کعبه
آزادی از نا اهلان 249؛ آلوده شدن پرده به دست نامحرمان 255؛ بت‌شکنی در 121، 122؛ بنای 137؛ پیشینه خلقت 239؛ تأسیس برای قیام 137؛ تساوی همگان در برابر 63، 137؛ تطهیر از بت‌ها 121؛ تفاخر آل سعود به آباد کردن 233؛ خدمتگزاری انبیا به 239؛ طرد شیاطین از حریم 105؛ خانه امن 197؛، خانه طهارت 197؛، خانه مردم 63، 197؛، مرکز توحید 36؛، مهبط جبرئیل 189؛ منزلت 137؛ ندای توحید از 121؛ هتک توسط آل سعود 239، هجرت حجاج به 44؛ همگانی بودن 137.
کفر
تداوم مبارزه با 261؛ خنجر 201؛ قیام

ص: 329
در برابر 43؛ مبارزه اسلام و 40، 41؛ مبارزه امام خمینی با 201؛ مبارزه با 199.
نیز کافران
کفر جهانی
تجربه پیروزی بر 207.
کفر زدایی
انقلاب اسلامی 216.
کفر ستیزی
ملت ایران 196، 197.
کمونیسم
خشکانیدن ریشه های 254؛ طبیعت 209؛ مبارزه با 254.
کم توقعی حجاج 92، 93.
کنگره جهان اسلام 156
کنگره حج
کنگره سیاسی حج 184؛ کنگره عظیم حج 133.
کوثر عشق
سیراب شدگان 201.
کودکان
چرانیدن در ایران 14.
کوردلی آخوندهای درباری 141
کویت
شرکت در جنایات آمریکا 262؛ هشدار به 262.
گروگان‌گیری آمریکاییان 50.
گروگان‌های آمریکایی
شرایط آزادی 50
گناه
اجتناب از در حج 107؛ دخالت در سیاست 134؛ صلح با حزب بعث 183؛ هتک اسلام 104؛ هتک جمهوری اسلامی 104.
گودنشینان
تقید به اسلام 224.
لااله‌الاالله
اقتدار معنوی 212.
لا شرقیه و لا غربیه
شجره مبارکه 257؛ کشور 159.
لانه جاسوسی آمریکا

تسخیر 207.
لبنان
بیان اوضاع در حج 84؛ تشکر از جوانان 203؛ تهاجم اسرائیل به 46، 102، 106، 108؛ تهاجم به 105؛ جنایت اسرائیل در 114؛ سرکوبی مسلمانان 26؛ سکوت در برابر تهاجم اسرائیل به 106؛ فریاد برائت مردم 200؛ مبارزات حزب‌اللّه 220.

لبیک
فلسفه در حج 184؛ حقیقی در حج 135؛ شهیدان مکه 248؛ نه به بت‌ها 184.
مادر نامشروع اسرائیل 76
مبارزان فلسطین
مساعدت به 12
مبارزه
آمادگی برای 268؛ استفاده از نفت در 114؛ الگوگیری در از ایران 166؛ اولین گام 255؛ تحصیل عزت با 255؛ تداوم با کفر 261؛ دعوت به با غارتگران 77؛ دعوت از مسلمانان به با کافران 19؛ رمز فلسطینیان 257؛ مبارزات انبیا 181؛ مبارزات حزب‌اللّه لبنان 220؛ مبارزات روحانیت 269؛ ابراهیم علیه السلام با نمرودیان 199؛ ابرقدرت‌ها با اسلام 246؛ ابرقدرت‌ها با فرهنگ اسلامی 168؛ اسلام و کفر 40، 41؛ امام خمینی با بت پرستی 201؛ امام خمینی با کفر 201؛ انبیا با بت‌ها 199؛ انبیا با ظلم 81؛ ایران و آمریکا 40، 41، 76؛ با آمریکا 141، 256؛ با ابرقدرت‌ها 141، 161، 256؛ با استکبار جهانی 201؛ با اسرائیل 141، 203، 254؛ با اسلام ناب محمدی 246؛ با جهانخواران 202، 221، 254، 255، 256؛ با حکومت‌های وابسته 169؛ با دولت عراق 57؛ با ظالمان 255؛ با غرب زدگی 48؛ با قدرت‌ها با حج 250؛ با قدرت‌های طاغوتی 135؛ با کفر 199؛ با کمونیسم 254؛ با نژادپرستی 205؛ با هجوم آمریکا 43؛ پیامبرص) با ظلم 81؛ ناسازگاری با رفاه 259؛ وظیفه با آمریکا 77.
متجاوزان
اهداف از جنگ تحمیلی 205؛ دفاع در برابر 66؛ سخت‌گیری به 97؛ مقاومت در برابر 183.
مجاهدان
پاداش 244؛ تجدید میثاق 199؛ ناتوانی از درک پاداش 244.
مجاهدت مسلمانان صدراسلام 182
مجد اسلام 35
اعاده 37.
مجروحان
دعا برای 272.
مجلس شورای اسلامی
مقایسه بین مجلس شاه و 171؛ همدلی نمایندگان 171.

ص: 331
محاصره اقتصادی ایران 49
محاکمه صدام 61
محبت
به خدا 244؛ به جوانان 270.
محبوب
مشاهده جمال 135؛ یافتن در سعی صفا و مروه 185.
محرومان
پناهگاه 224؛ حمایت از 215، 216، 272؛ دشمن شماره یک 49.
نیز فقرا و مستمندان
محرومیت زدایی 223.
محضرخدا
حضور در 135.
محکومیت
اسرائیل 75؛ دولت عراق 70؛ ظالمان در حج 161.
محمدص) پیامبرص)
محمدر ضا پهلوی شاه
مخالفان برائت از مشرکان
سرزنش 126.
مخالفان جمهوری اسلامی
کم عقلی 231.
مدارا در حج 165
مدح غیر خدا 176
مدرسان حوزه‌های علمیه
مسئولیت در امر قضاوت 88، 89.
مدرسه شهادت 214
مدرسه عشق 214
مدیران کاروان‌های حج
توصیه به 28، 29، 30؛ مسئولیت 140.
مدیریت
ضعف کشورهای اسلامی 222؛ روحانیت 217، 218.
مدینه
محمدی شدن در 190؛ نعمت تشرف به 225.
مذاهب اسلامی
اختلاف 75
مراقبت

از اعمال حجاج ایرانی 130؛ از رفتار حجاج 140؛ دانشگاهیان 178؛ در حج 107؛ روحانیون 178.
مرتجع
حمایت دولت‌های از صدام 167؛ معرفی شدن آزادی طلبان 206
مردم
اتحاد ایران 197؛ ایثار در نگاه 148؛ برخورد روحانیت با 270؛ تزکیه

ص: 332
150؛ تساوی در حج 137؛ تشکل در نمازهای جمعه 220؛ تشکل عراق از سوی ایران 214؛ تفاوت اعمال انبیا با 147؛ توقعات از روحانیت 86، 152؛ حمایت از دولت ایران 119؛ حمایت عراق از انقلاب اسلامی 50؛ خانه 197؛ خدمتگزاری دولت به 241؛ دعوت پاکستان به قیام 43؛ دفاع از عراق 182؛ دفاع روحانیت از 269؛ شعار در جنگ 115؛ عبادت خدمت به 224؛ فریاد برائت فلسطین 200؛ فریاد برائت لبنان 200؛ فضایل ایران 215؛ قیام برای مصالح 74؛ قیام ایران علیه ابرقدرت‌ها 166؛ قیام پاکستان علیه آمریکا 40؛ نجات عراق 53؛ نگرانی از نگرانی 152؛ همراهی روحانیت با 269؛ همگامی دولت‌های اسلامی باتوده‌های 166.
مردم آمریکا
توصیه به 211.
مرفهان
جنگ پابرهنه‌ها و 258؛ بی خبر از خدا 216؛ بی درد 259؛ نفوذ در انقلاب اسلامی 216.
مرقد علی علیه السلام
تهاجم صدام به 67.
مرگ
ترس از 42؛ فرعون مصر 78؛ ناقوس آمریکا 255؛ ناقوس شوروی 255.
مرگ شرافتمندانه
استقبال از 208.
مرگ بر آمریکا
شعار 252، 257؛ مخالفت با 126.
مرگ بر اسرائیل
شعار 252؛ مخالفت با 126.
مرگ بر شوروی
شعار 252، 257.
مسالمت
دعوت اسلام به همزیستی آمیز 128؛ در حج 142.
مسایل جهانی
اهمیت بررسی 95، 96.
مسایل اجتماعی
بیان در حج 38؛ توجه به 69.
مسایل سیاسی
بیان در حج 38؛ توجه به 69.
مستبدان

سران مستبد کشورهای اسلامی 252.
مستحب
تزاحم واجب با 89.

ص: 333
مستضعفان
تأثیر اتحاد در رفع مشکلات 125؛ تقدم مصالح 215؛ حمایت روحانیت از 223؛ دشمنی آمریکا با 49؛ دشمن 76؛ شعار دفاع از 223؛ شکست 43؛ قرن غلبه 76؛ گرفتاری 110؛ نجات 185.
مستکبران
تعلیم برخورد با 195؛ قرن غلبه بر 76؛ قیام علیه 69؛ ننگ قبول سلطه 77؛ هوشیاری، عامل مقابله با 126.
مستمندان
کمک به 24.
نیز فقرا
مسجد
سنگر 220؛ نقش اجتماعی در صدر اسلام 112؛ نقش سیاسی در صدر اسلام 112؛ نقش در صدر اسلام 18؛ نقش نظامی در صدر اسلام 112.
مسجدالأقصی
حفاری در 76؛ غصب 26.
مسجدالحرام
امنیت 81؛ برتری ارزش ایمان بر تعمیر 233؛ تشکر از امام جماعت 18؛ جرم بیان امور سیاسی در 80، 81؛ حمله به مسلمانان در 81؛ ضرب و شتم مسلمانان در 81؛ مرکزیت سیاسی در صدر اسلام 80؛، مرکز ثقل اسلام 160؛، مهبط ملائکه 160؛ نقش اجتماعی در صدر اسلام 112؛ نقش سیاسی در صدر اسلام 112؛ نقش نظامی در صدراسلام 112.
مسجدالنبی
جرم بیان امور سیاسی در 80، 81؛ مرکزیت سیاسی در صدر اسلام 80؛ نقش اجتماعی در صدر اسلام 112؛ نقش سیاسی در صدر اسلام 112؛ نقش نظامی در صدر اسلام 112.
مسلمانان
آثار اتحاد 69، 128؛ اتحاد 40، 151، 165، 166، 250؛ اجتماع در حج 185؛ احیای هویت 264؛ اختلاف 60؛ اختلاف افکنی در 75؛ استمداد از 41؛ اعلام خطر به 70؛ اهمیت اتحاد 60، 66؛ برادری ملت ایران با 39؛ بررسی اتحاد 104؛ بررسی مسایل اساسی 23؛ بررسی مشکلات 26، 56، 74، 111؛ بررسی وضعیت 111؛ بیداری 62، 114؛ بیداری با حج 136؛ پیروزی‌های صدر اسلام 37؛

پیشگامی علمی 124؛ تأثیر اتحاد در رفع مشکلات 125؛ تأسف از سکوت 68، 69، 70؛ تبادل نظر در حج 11، 13، 23؛ تبلیغ اتحاد 125؛ تجاوز آمریکا به حریم 102؛ تحکیم برادری 23؛ تشکیل بسیج جهانی 262؛ تفاهم 63، 64؛ تکلیف 19، 66، 68، 125؛ تلاش برای اتحاد 45، 63، 64، 65، 113، 114؛ تلاش برای بیداری 113؛ تلاش برای حل مشکلات 16؛ تلاش برای مصالح 113؛ تواضع در برابر 226؛ جنگ دولت‌ها با 220؛ حل مشکلات 11، 55، 56، 57، 60، 84؛ حمایت جمهوری اسلامی از 105، 227، 264؛ حمله به در مسجدالحرام 81؛ خروش 49؛ خوشرفتاری با 104؛ دعا برای بیداری 78، 122؛ دعوت به اتحاد 26، 43، 47، 48، 76، 77، 84؛ دعوت به برادری 77؛ دعوت به دفاع از اسلام 76؛ دعوت به دوستی 77؛ دعوت به قیام 37، 69، 76، 254، 261، 262؛ دعوت به قیام علیه آمریکا 40؛ دعوت به مبارزه با کافران 19؛ دفاع از مصالح 182؛ دوری از قرآن 56؛ رخنه استعمار در 11؛ زمینه بیداری 127؛ سلام بر 44؛ سلطه آمریکا بر 39؛ ضرب و شتم در مسجدالحرام 81؛ عامل اختلاف 123؛ عامل پیروزی 19، 20، 21؛ عامل سلطه بیگانگان بر 65؛ عامل شکست 20؛ عامل عزت 74؛ عزادار شدن با قتل عام حجاج 247؛ عوامل استقلال 34؛ غارت منابع 26، 114؛ غفلت 12؛ فاجعه تهاجم اسرائیل به 102، 103؛ فراموشی مصالح 182؛ قدرت 40، 103؛ قدرت معنوی 49؛ کالاهای بیگانگان در بازارهای 168؛ کسب اطلاع از مشکلات 16، 84؛ کسب اطلاع از وضعیت 26، 55؛ مانع رهایی 123؛ مجاهدت صدر اسلام 182؛ مسئولیت 13؛ مصیبت‌های 102؛ منشأ مشکلات 65، 80، 97؛ موانع ترس 127؛ نا آشنایی به حقایق اسلام 134؛ نجات از جهانخواران 133؛ نفی تجاوز از 66؛ نقش آخوندهای درباری در عقب ماندگی 123؛ نقش تبلیغات در عقب ماندگی 123؛ رهبران در اختلاف 74؛ نگاه به حج 111.
مسلمانی
شکر 195.
مسلمانان آفریقا 200

ص: 335
مسلمانان لبنان
سرکوبی 26.
مسلمانان مصر
دستگیری 76.
مسئولان جمهوری اسلامی
همبستگی 172.
مسئولیت امت اسلامی، حجاج، خطبا، دولت های اسلامی، روحانیون، روحانیون کاروان‌های حج، روشنفکران، زندانبان‌ها، علما، علمای دینی، قضاوت، کشورهای اسلامی، مدرسان حوزه‌های علمیه، مدیران کاروان‌های حج، مسلمانان، نخبگان جامعه، نویسندگان و هنرمندان
مشاعر حج
شناخت 37؛ وقوف در 185.
مشاهده باطن
از سوی اهل‌معرفت 147
مشاهده جمال محبوب 135
مشرکان
آثار برائت از 161؛ اعلان برائت از 199؛ برائت از 125، 126، 131، 138، 160، 181، 197، 225، 253؛ بنیان گذاری پایه‌های برائت از 255؛ تنفر از برائت از 197؛ توجه به برائت از 198؛ حقیقت برائت از 159، 200، 201؛ دعوت از دولت سعودی به برائت از 126؛ راهپیمایی برائت از 164؛ رکن توحید بودن برائت از 197؛ سرزنش مخالفان برائت از 126؛ شرکت در راهپیمایی برائت از 197، 225؛ شیوه‌های اعلان برائت از 199؛ فریاد برائت از 200، 201؛ فلسفه برائت از 256؛ فلسفه ممانعت از برائت از 256، 257؛ ممانعت از برائت از 141، 256، 257؛ همیشگی‌بودن برائت از 188، 200.
نیز شرک
مشکل‌تراشی
پرهیز از در حج 217؛ آمریکا برای ایران 50؛ رژیم پهلوی برای حجاج 20.
مصالح پابرهنه ها
تقدم 215.
مصالح زجرکشیده ها
تقدم 215.
مصالح عمومی
رعایت در قضاوت 89.
مصالح مستضعفان

تقدم 215.
مصالح مسلمانان
تلاش برای 113؛ دفاع از 182؛

فراموشی 182.
مصالح مردم
قیام برای 74
مصالح قبول قطعنامه598) 264، 267
مصر
دستگیری مسلمانان 76؛ هشدار به دولت 145.
مصلحت‌اندیشان
تأسف 195.
مصلح کل
هموار سازی راه 227.
مصیبت
تحمیل از سوی جهانخواران 222؛ جشن‌های دو هزار و پانصد ساله 14؛ مسلمانان 102؛ های انبیا 245؛ های پیامبرص) 245.
مطبوعات آمریکا 34.
مظلومیت
ابلاغ پیام حجاج 234؛ جنگ مظلومانه 208؛ ایران در جنگ 208.
مظلومان
حمایت از 68، 200، 201؛ دفاع از؛ فریاد بر ظالم 189.
معارف اسلامی
تعلیم 177؛ کانون 250.
معجزه انبیا 175
معرفت
کسب در حج 107؛ حقیقی 236.
معصومان
سیره در قیام 182.
معلولان انقلاب اسلامی
کمک به 24.
معممین کج فهم 134.
معنویت
برکات ملت ایران 258؛ شناخت حج 162؛ در حج 29؛ نقش در پیروزی مسلمانان 20.
مفتی‌های خود فروخته 249
مفسد بودن اسرائیل 144
مقابله

عامل با مستکبران 126 آخوندهای درباری با امام‌زمانعج) 138؛ اسرائیل با کشورهای اسلامی 96؛ ایران با هجوم صدام 143؛ با ابعاد سیاسی حج 111؛ با اسلام‌زدایی 105؛ با اقتصاد اشتراکی 221، 222؛ بازگشت به گذشته 172؛ با سرمایه‌داری 221، 222؛ با ناوهای آمریکایی 262.
مقابله به مثل
ترک در حج 142؛ قدرت ایران 143.

ص: 337
مقام جمع الهی 186
مقاومت
ایرانیان در برابر آمریکا 155، 258؛ ایرانیان در برابر منافقان 259؛ رزمندگان در جنگ 174؛ روحانیت در سختی‌ها 270؛ فلسطینیان 257؛ ملت ایران در برابر متجاوزان 183.
نیز استقامت
مقدسات اسلامی
هتک حرمت در مکه 239.
مقدس‌نماها
اسلام بی‌شعور 253؛ تزویر 259؛ جنگ علی علیه السلام با 182؛ خطر 259؛ کج فهم 134.
مکه
ابتلای به ملحدان 239؛ جنایات آل سعود در 242، 247؛ حرمت 239 راهپیمایی حجاج در 225؛ فلسفه خروج امام حسین علیه السلام از 239؛ قداست 239؛ کالاهای بیگانگان در بازار 169؛، محل نشر توحید 120؛، محل نفی شرک 120؛ منزلت تاریخی 239؛ نعمت تشرف به 225؛ هتک قداست 239؛ هتک حرمت مقدسات اسلامی در 239؛ یادآوری رنج‌های پیامبرص) در مکه 227.
ملائکه
برترشدن انسان از 32؛ مهبط 160.
ملت ایران
اتحاد 58، 59، 59، 197؛ استقامت 53؛ اسلام 45؛ اعتصاب عمومی 17؛ اعلان برائت از کفر 234؛ افتخار به 215؛ افتخار بزرگ 262؛ اهانت آمریکا به 50؛ اهانت انگلیس به 50؛ ایثار 214؛ برادری با مسلمانان 39؛ برکات معنویات 258؛ بیداری 17؛ پیروزی 61، 127؛ تبیین دستاوردهای 108؛ تحمل 258؛ تحول اخلاقی 164؛ تحول درونی 117، 173؛ تسلیم ناپذیری 50؛ تشکر از 272؛ تعهد در جنگ به اسلام 183؛ تکفیر 45؛ تهاجم ایادی ابرقدرت ها به 75؛ تهمت به 42؛ خستگی ناپذیری 115- 118؛ خودکفایی 48؛ در صحنه بودن 259؛ دفاع 61، 67، 116، 227؛ ذلت ناپذیری 50؛ ره‌آورد 208؛ سختی‌های در انقلاب اسلامی 228؛ سلطه ناپذیری 59؛ شجاعت 16؛ شعار در جنگ تحمیلی 115؛ شهادت طلبی 42؛ عامل پیروزی 18، 19؛

ص: 338
فداکاری 133؛ فضایل 215؛ قتل عام 17؛ قدرت 59؛ 139؛ قربانیان 235؛ قیام علیه ابرقدرت ها 74، 166؛ کفرستیزی 196، 197؛ مبارز بودن 259؛ محرومیت 16؛ مقاومت در برابر متجاوزان 183؛ نجات از فساد 196؛ نمایندگی حجاج ایرانی از 139؛ هنرآفرینی 214.
نیز ایرانیان
ملت فلسطین فلسطین و فلسطینیان
ملت‌ها
جلب های جهان به انقلاب اسلامی 140؛ حمایت از ایران 58، 59؛ دفاع از منابع 201؛ روز 49.
ملحدان
ابتلای مکه به 239.
نیز کافران
ملی‌گراها
بی‌خبری از اسلام 161؛ تفسیر از حج 198؛ تلاش به نفع آمریکا 206؛ زیان 161؛ بی فرهنگ 267.
ملی‌گرایی
نقش در اختلاف مسلمانان 46.
مِنا
یافتن آرزوهای حق در 185.
مناسک حج
اشارات عرفانی 135؛ تعلیم 94، 118، 122، 138، 161، 186، 216، 217؛ عمل به حج 138.
منافقان
تلاش به نفع آمریکا 206؛ تنفر از 197؛ مقاومت در برابر 259.
مواضع‌اصولی
در جنگ 215.
موجودات منفور جهان 253
موحدان
خلوص عشق 197.
موسی علیه السلام
طاغوت براندازی 181.
موفقیت‌های انقلاب اسلامی 47، 48
مؤمنان
تعلیم برخورد با 194
مهربانی با حجاج 131

ناامنی در خلیج فارس 212
ناامیدی یأس
ناقوس مرگ آمریکا 255.
ناقوس مرگ شوروی 255.
ناکارآمدی
تبلیغ اسلام 47؛ تبلیغ انقلاب اسلامی 47؛ تبلیغ دولت ایران 47.

نامحرمان
آلوده شدن پرده کعبه به دست 255؛ حفظ انقلاب اسلامی از 266.
ناوهای آمریکایی
مقابله با 262.
نبرد جنگ
نجات
شکر از رژیم پهلوی 87؛ عامل از سلطه استعمارگران 26؛ عامل از نفس امّاره 107؛ از هوای نفس 139؛ ایران از شرق زدگی 139؛ ایران از غرب زدگی 139؛ ایران از وابستگی 218؛ بخشی اسلام 25؛ فلسطین 203؛ قدس از غاصبان 238؛ قرآن از شر جاهلان 188؛ قرآن از شر عالمان متهتک 188؛ مردم عراق 53؛ مستضعفان 185؛ مسلمانان از جهانخواران 133؛ ملت ایران از فساد 196؛ منطقه از شر اسرائیل 144.
نخبگان
دعوت از به دیدار از ایران 217؛ مسئولیت 134.
ندای ابراهیمی 158
ندای محمدی 158
نژادپرستان
تازیانه ستم 200.
نژادپرستی
مبارزه با 205.
نصرت خدا
دعوت به 49.
نصیحت
به دولت‌های اسلامی 144.
نظامیان
حضور ایران در حج 252.
نیز نیروهای مسلح
نظام اسلامی
برقراری در ایران 74.
نظام شاهنشاهی
ارتجاعی بودن 15؛ انقراض در ایران 39، 74؛ مخالفت اسلام با 15.
نظم
اهمیت در امور سیاسی حج 95؛ اهمیت در حج 106؛ رعایت در حج 126.
نعمت

شکر 194؛ اتحاد 179؛ انقلاب اسلامی 179؛ تشرف به بقیع 225؛ تشرف به‌مدینه 225؛ تشرف به مکه 225.
نفاق
آخوندهای افکن 186؛ خشکانیدن

ص: 340
ریشه 260؛ خنجر 201؛ شمشیر عالمان دین فروش 248، 249.
نیز منافقان
نفت
استفاده از در مبارزه 114؛ تحریم اسرائیل 75.
نفرت تنفر
نفس امّاره
راه نجات از 107.
نیزجهاد با نفس
نگرانی
از اتحاد ایرانیان و عرب‌ها 76؛ از مردم 152؛ کاخ نشینان 237.
نماز
بُعد عرفانی 175.
نماز جماعت اهل سنت 23.
نماز جمعه
تشکل مردم در 220؛ نقش اجتماعی 56.
نماز طواف
اجتناب از نیابت برای 23، 226.
نمایندگان در امور حج
تبعیت حجاج از 85؛ نمایندگان امام خمینی در حج 71، 84، 126، 130، 154، 165؛ وظایف 71.
نمایندگان مجلس شورای اسلامی
همدلی 171.
نمایندگی در حج
شرکت حجاج در برنامه‌های 130؛ حجاج ایرانی از ملت ایران 139.
نمرودیان
مبارزه ابراهیم علیه السلام با 199
ننگ
عوامل کشورهای اسلامی 114؛ قتل عام ننگین حجاج در مکه 240؛ لکه آل سعود 232؛ انقلاب سفید 14؛ قبول سلطه مستکبران 77.
نوکری
خاندان پهلوی 16؛ شاه 206؛ صدام برای آمریکا 207؛ محمد رضاخان برای آمریکا 205.
نویسندگان
مسئولیت 38.
نهضت پیامبرص)

حفظ دستاوردهای 227.
نه شرقی نه غربی
بهای حاکمیت 233؛ شعار 202.
نیابت در حج
اجتناب از برای نمازطواف 23.

نیروهای مسلح ایران
دعوت به اتحاد 53؛ هشدار به 53.
نیز نظامیان
نیروی زمینی
تجهیز 53.
نیل
ادعای حکومت اسرائیل از تا فرات 128.
وابستگی
تبلیغ به شرق 124؛ تبلیغ به غرب 124؛ تشکیل حکومت های وابسته 167؛ ضرر روحانیون وابسته 270؛ مبارزه با حکومت‌های وابسته 169؛ نجات ایران از 218؛ آل‌سعود به آمریکا 231؛ ایران به آمریکا 127؛ به ابرقدرت‌ها 166.
واجب
تزاحم با مستحب 89.
وحی
عدم درک 147؛ کیفیت به انبیا 147؛ گرایش جوامع به 219.
وسواس در عبادت
کسالت آور بودن 217.
وطن
دفاع از 53.
وطن فروشی
سران کشورهای اسلامی 254.
وعاظ السلاطین
اختلاف افکنی 75؛ سرکوبی انقلاب اسلامی توسط 77؛ سیاه‌رویی 75.
وقوف
پیروی از اهل سنت در وقوفین 23؛ در مشاعر 185.
وهابیون
فتنه‌گری مراکز 253؛ از خدا بی خبر 231.
هتک حرمت
گناه اسلام 104؛ گناه جمهوری اسلامی 104؛ حرم 241، 242؛ کعبه 239؛ مقدسات اسلامی در مکه 239.
هجرت
فلسفه امام خمینی به غرب 17؛ از خود به خدا 138 حجاج به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله 158، 183؛ حجاج به سوی خدا 158، 183؛ حجاج به سوی کعبه 44.

هدایت
روشنفکران 49؛ هدایتگری قرآن 107.
هدایت ناپذیری آل سعود 234
هدف بزرگ
بهای سنگین 205.

هشدار
به آمریکا 262؛ به دولت مصر 144، 145؛ به دولت‌های اسلامی 144؛ به روحانیت 219؛ به سران کشورهای اسلامی 202؛ به سران کشورهای خلیج فارس 108، 109، 211، 213؛ به عربستان 262؛ به کویت 262؛ به نیروهای‌نظامی 53.
همزیستی مسالمت‌آمیز
دعوت اسلام به 129.
همکاری
دعوت به در برائت از مشرکان 126؛ هراس صدام از کشورهای اسلامی با ایران 213.
هنر آفرینی ملت ایران 214.
هنر انبیا 177
هنرمندان
مسئولیت 134.
هواپیمای مسافربری ایران
سقوط 262.
هوای نفس
رهایی از 139.
نیز نفس امّاره
هوشیاری
دعوت به حجاج 130؛ حجاج در برابر اختلاف افکنان 141؛ در برابر آخوندهای درباری 141؛ در برابر حاجیان منحرف 140؛، عامل مقابله با مستکبران 126.
هویت اسلامی
احیای مسلمانان 264؛ بازیابی 26؛ شناخت 48.
هویت زدایی دینی
تلاش برای 262، 263.
هیأت نمایندگی عربستان
تشکر از 18؛ توصیه به 18.
یأس
جهانخواران از ایران 223؛ دوران سر آمدن 255؛ از دولت‌های اسلامی 103.
یاللمسلمین
فریاد 77، 105، 169، 182.
یزید

رهروان 232.
یزیدیان
احرام دروغین 249.

فهرست اشخاص

آدم علیه السلام: 120، 121، 125، 150، 181، 245
آل سعود: 8، 230، 231، 232، 233، 234، 240، 242، 245، 247، 249، 251، 252، 253، 256
ابراهیم علیه السلام: 36، 78، 102، 107، 121، 125، 131، 137، 147، 148، 158، 172، 175، 181، 184، 188، 199، 201، 226، 231، 233، 247، 248، 251، 255
ابلیس: 53، 199، 202
ابوجهل: 227، 248
ابوسفیان: 227، 232، 248، 253
ابولهب: 227، 232، 248
اسماعیل علیه السلام: 120، 148، 190، 200، 235، 251
امام جمارانی: 143، 243
امام حسین علیه السلامسیدالشهداء): 50، 67، 182، 239، 246، 249، 260
امام صادق علیه السلام: 191
انواری، محی‌الدین: 22
انورسادات، محمد: 45، 46، 76، 78، 193
ایروانی سید عبدالمجید: 71
بقیةاللّٰه، ولی‌اللّٰه‌الاعظم، مهدیعج): 121، 122، 125، 129، 132، 133 138، 139، 158، 162، 183، 190، 191، 196، 202، 209، 226، 227، 245، 272
بگین، مناخیم: 45، 46، 76
بلعم باعورا: 249
بنی‌امیه: 189، 249
پهلوی، محمدرضا: 16، 17، 39، 41، 45، 46، 50، 58، 61، 66، 75، 117، 119، 127، 141، 205، 206، 207، 230، 231، 238، 248، 257
توسلی، محمد رضا: 71
جبرئیل: 147، 189، 227

ص: 344
جلالی، حیدر علی: 71
حزب‌اللّه: 141، 203، 220
حزب بعث: 52، 59، 61، 64، 167، 192، 193، 204، 213، 214
حسنی مبارک: 193، 234
خالد اسلامبولی: 78
خالد بن عبد العزیز: 80
خالدبن ولید: 19
خامنه‌ای، سید علیآیت‌اللّه): 79، 146، 236
خاندان پهلوی: 16
خسرو پرویز: 14
خمینی، روح‌اللّهآیت‌اللّه): 1، 170، 180، 193، 201، 229، 230، 235، 243، 246، 260، 272
دولت عثمانی: 21
رژیم پهلوی: 8، 47، 171، 205
رضاخانپهلوی): 39، 117، 119، 174، 238
ریگان، رونالد: 211، 212، 262
شاه حسن: 193، 232، 234
شاه حسین: 193، 232، 234
شیطان: 5، 30، 45، 49، 52، 85، 101، 102، 105، 107، 121، 122، 131، 138، 139، 184، 185، 190، 193، 199، 228، 230، 246، 249، 256، 261
شیمون پرز: 193
صدام حسین: 6، 7، 46، 57، 58، 59، 61، 64، 65، 66، 67، 68، 75، 76، 78، 86، 99، 100، 101، 102، 108، 110، 115، 116، 129، 143، 144، 204، 207، 208، 210، 213، 214، 230، 231، 232، 234، 238، 239، 245
طاهری خرم‌آبادی، سید حسن: 71
علی بن ابیطالب علیه السلام: 67، 153، 160، 182، 223
عیسی علیه السلام: 181
فرعون: 78، 184
فلسفی، محمدتقی: 146
فهدبن عبدالعزیز: 18، 234، 241، 242
کارتر، جیمی: 41، 42، 61
کروبی، مهدی: 154، 156، 165، 180، 192، 197، 230، 242
لاتبت): 248

متفقين: 174
محمدص): 14، 15، 17، 35، 36، 38، 44، 52، 64، 65، 78، 80، 81،
82، 83، 107، 111، 112، 121، 125، 126، 128، 130، 131، 138،
141، 158، 160، 164، 165، 169، 175، 181، 182، 184، 188، 190،

ص: 345
191، 192، 194، 195، 196، 197، 198، 201، 202، 203، 205، 206،
210، 215، 218، 219، 227، 228، 229، 231، 232، 234، 235، 245،
246، 248، 249، 250، 251، 252، 253، 254، 255، 261، 262، 263،
270
محمدالسبیل: 18
محمد ضیاءالحق: 43
مشکینی، علی: 152
ملک سعود: 240
موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم: 146
موسوی خوئینی‌ها، سید محمد: 84، 86، 106، 110، 126، 142، 154،
156، 157
موسوی، میرحسین: 146، 236
موسی علیه السلام: 181، 184، 188، 249
مهدوی کنی، محمدرضا: 146
میشل عفلق: 61، 64، 65، 67
هاجر: 230، 235، 251
هاشمی رفسنجانی، اکبر: 146، 171
هاشمی گلپایگانی، سید علی: 71
هُبَلبت): 248

فهرست جای‌ها

آبادان: 100
آفریقا: 27، 200، 205
آمریکا: 13، 16، 17، 26، 27، 34، 38، 39، 40، 41، 42، 43، 44، 45، 46، 47، 49، 50، 51، 58، 59، 61، 69، 74، 75، 76، 77، 78، 81، 82، 83، 86، 97، 102، 103، 105، 106، 108، 111، 113، 114، 115، 116، 117، 118، 119، 123، 125، 126، 127، 129، 131، 132، 138، 141، 143، 144، 145، 149، 151، 153، 155، 160، 167، 169، 172، 182، 184، 192، 197، 200، 201، 202، 203، 205، 206، 207، 209، 211، 212، 213، 219، 230، 231، 232، 233، 235، 242، 245، 246، 247، 248، 249، 251، 252، 253، 254، 255، 256، 257، 258، 259، 260، 262، 263، 267
اردن: 102، 193، 226
اروپا: 117، 124، 169، 172، 202، 262
اسرائیل: 13، 19، 26، 27، 38، 46، 75، 76، 77، 81، 82، 83، 96، 97، 98، 102، 103، 105، 106، 108، 114، 126، 129، 131، 132، 141، 143، 144، 200، 203، 204، 231، 242، 249، 252، 253، 254، 257
اصفهان: 89
افغانستان: 45، 59، 70، 84، 96، 111، 114، 127، 200، 205
الجزایر: 127
اندونزی: 41، 64
اندیمشک: 110، 115
انگلیس: 16، 47، 50، 51، 124، 127، 145، 167، 211
ایران: 13، 14، 16، 17، 22، 23، 25، 32، 33، 35، 39، 41، 43، 45، 46، 47، 49، 50، 52، 53، 55، 57، 58، 59، 60، 62، 63، 66، 67،

ص: 347
68، 69، 70، 74، 75، 76، 77، 78، 79، 81، 82، 84، 99، 100، 101،
102، 103، 104، 105، 106، 108، 110، 115، 116، 117، 119، 120،
124، 127، 128، 129، 130، 133، 134، 140، 141، 143، 144، 145،
146، 149، 154، 156، 158، 160، 163، 164، 166، 169، 173، 174،
175، 178، 179، 181، 182، 183، 189، 190، 192، 193، 194، 196،
202، 203، 204، 205، 206، 207، 208، 209، 210، 211، 212، 213،
214، 216، 217، 218، 222، 223، 224، 225، 226، 227، 228، 230،
232، 233، 234، 237، 240، 242، 243، 244، 246، 247، 251، 253،
256، 257، 258، 259، 260، 261، 262، 263، 264، 266، 267، 269
بصره: 100، 101
بغداد: 101
بقیع: 140، 225
بهشت زهرا: 206
بیت‌اللّه‌الحرامکعبه): 11، 16، 20، 22، 25، 26، 28، 34، 36، 44، 56،
71، 73، 74، 77، 81، 83، 84، 102، 103، 105، 119، 120، 121،
122، 126، 131، 133، 137، 138، 139، 140، 149، 154، 156، 158،
159، 160، 163، 165، 169، 181، 183، 186، 189، 190، 194، 197،
198، 199، 200، 216، 228، 230، 231، 233، 234، 239، 240، 241،
242، 248، 249، 251، 254، 255
بیت‌المقدس: 46، 203، 257
بیروت: 96، 97، 102، 105، 106
پاکستان: 39، 40، 41، 43، 63، 242
تنگه هرمز: 212
تهران: 52، 55، 58، 63، 71، 73، 78، 80، 84، 86، 102، 110، 117،
120، 133، 146، 152، 156، 158، 171، 180، 181، 194، 230، 236،
242، 244، 247
جده: 169
جماران: 44، 52، 55، 63، 71، 73، 78، 80، 84، 86، 102، 110، 120،
133، 146، 152، 156، 158، 171، 180، 181، 194، 230، 236، 242،
244، 247
حجاز: 12، 15، 55، 81، 93، 106، 169، 188، 192، 232، 238، 239،
240، 241، 249، 251
حَجَرالاسود: 184
خارک: 100

خلیج فارس: 42، 100، 106، 118، 129، 160، 204، 211، 212، 213، 214، 258، 262

ص: 348
خوزستان: 53
دریای سرخ: 144
دزفول: 100، 115
روم: 19، 182
ریاض: 18
ژاپن: 21
سفارت اسرائیل: 205
سفارت انگلیس: 124
سودان: 102
شعب ابیطالب: 227
شوروی: 16، 21، 50، 59، 60، 61، 69، 111، 113، 114، 115، 116، 118، 126، 127، 131، 132، 155، 167، 184، 200، 202، 211، 248، 252، 254، 255، 256، 257، 262، 263
عراق: 41، 46، 49، 50، 52، 53، 57، 58، 59، 61، 63، 64، 66، 67، 68، 70، 81، 99، 115، 127، 129، 130، 146، 160، 163، 167، 182، 192، 193، 196، 204، 207، 209، 213، 214، 244، 258، 266
عربستان: 18، 32، 80، 82، 83، 225، 231، 232، 234، 235، 256، 262
عرفات: 38، 159، 185، 191
فرات: 129، 144، 203، 257
فرانسه: 115، 127، 145، 167، 211
فلسطین: 11، 12، 19، 46، 77، 193، 200، 203، 205، 257
قادسیه: 129، 143
قارون: 233
قم: 18، 22، 25، 28، 32، 36، 39، 88، 89، 146، 171، 240، 254
کانال سوئز: 144
کرملین: 200، 219
کمپ دیوید: 103، 107
کویت: 82، 212، 239، 262
لبنان: 46، 84، 102، 105، 106، 108، 114، 144، 200، 203، 205، 220، 242
مدینه: 25، 38، 39، 93، 142، 150، 157، 186، 190، 225، 227، 234، 250، 251، 256
مرقد پیامبرص): 82، 131، 140، 190، 196، 225، 227، 251
مرقد امام علی علیه السلام: 67

مسجد اقصی: 19، 26، 76
مسجدالحرام: 18، 81، 112، 137، 160، 231، 233، 247، 249
مسجد پیامبر: 112
مشعرالحرام: 37، 38، 136، 159، 185، 191
مشهد: 89
مصر: 78، 102، 144، 145، 162، 166، 168،

ص: 349
193، 195، 234، 254
مغربمراکش): 102، 193، 232
مقام ابراهیم: 36
مکه: 8، 34، 38، 39، 55، 56، 60، 63، 64، 93، 120، 121، 122، 125، 131، 142، 150، 157، 169، 186، 225، 226، 227، 230، 231، 234، 236، 238، 239، 243، 246، 247، 249، 251، 253، 255، 256، 257
مِنا: 38، 120، 159، 185، 191، 247
نیل: 129، 144، 203، 257
واشنگتن: 219، 245
هند: 64، 220

فهرست ایام و حوادث

آبان: 32، 36، 63
آذر: 39
انقلاب اسلامی: 3، 24، 45، 46، 47، 48، 50، 74، 75، 77، 104، 105، 108، 139، 140، 142، 146، 202، 207، 208، 217، 229، 246، 255، 258، 259، 261، 262، 268، 269
انقلاب سفید: 14
ایام حج: 16، 22، 25، 44، 73، 84، 136، 154، 186، 197، 198
بهمن: 11، 205
بیست و دوم بهمن: 205
پانزده خرداد: 205
تیر: 152، 156، 157، 247
جمادی‌الاول: 18
جنگ تحمیلی: 53، 62، 67، 115، 116، 118، 119، 174، 203، 204، 205، 209، 211، 213، 214، 215، 228، 238، 244، 261، 264، 265، 266، 268
جنگ جهانی: 60
خرداد: 71، 146، 205
ذی حجه: 32، 36، 52، 55، 63، 78، 80، 102، 146، 171، 181، 194، 230، 235، 236، 242، 247
ذی قعده: 16، 25، 28، 44، 73، 86، 110، 120، 133، 145، 158
روز قدس: 203، 238
شعبان: 71، 72
شوال: 22، 24، 84، 152، 156
شهریور: 22، 44، 73، 102، 120، 133، 145، 146، 171، 236، 242، 243، 244
عاشورا: 201، 206، 245
عرفه: 36، 60

ص: 351
عید قربان: 52، 55، 78، 102، 120، 133، 146، 171، 172، 173، 247
فاجعه خونین مکه: 230، 236، 242، 245، 246، 253
فروردین: 18
محرّم: 39، 94، 138، 180، 239، 241، 242، 244، 248
مرداد: 84، 86، 110، 158، 181، 194، 230
مهر: 16، 25، 28، 52، 55، 78، 79، 80، 83، 180

جلد 2

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

ص: 9

ص: 10

ص: 11

ص: 12

ص: 13

ص: 14

ص: 15

ص: 16

ص: 17

ص: 18

ص: 19

مقدّمه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم
«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».
حضرت امام خمینی قدس سره
حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.
مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.
پیروزی‌انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های‌تابناک امام‌خمینی- رضوان‌اللّه‌تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّگزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکة اللّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.
در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب‌اسلامی حضرت آیةاللّه خامنه‌ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.
آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.
بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.
از برادر دانشمند جناب آقای مهندس علی‌رضا برازش و همکاران محترمشان که در تهیّه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می‌نمایم.
و من اللّه التوفیق و علیه التکلان
معاونت آموزش و پژوهش
بعثه مقام معظم رهبری

ص: 21
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(14/ 4/ 1368 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(14/ 4/ 1368 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. (1)

بار الها! تو را سپاس می‌گویم

بارالها! تو را ثنا می‌گویم که باب راز و نیاز بنی‌آدم را با خویش گشودی و دل مشتاقان جمال را به وعده‌ی رحمت ومغفرت نواختی؛ آلایش شرک را بر بندگان خود زیبنده ندانسته، دامان بنی‌آدم را از آن پیراستی و توحید و اخلاص را زیب دل و جان مؤمنان خواستی.
بارالها! تو را سپاس می‌گویم که بر بنده‌ی برگزیده‌ات محمّد صلی الله علیه و آله، کتاب و حکمت را و شفای دردهای بنی‌آدم را نازل فرمودی و راه سعادت را در سخن و عمل او به جهانیان نمودی.
بارالها! بر محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و همه‌ی سلسله‌ی نورانی انبیا و اوصیا و اولیا، گویندگان حق و کوبندگان باطل و شکنندگان بتهای جاهلیت و ناصحان مشفق امت، سلام وصلوات نازل فرما و راه آنان را روزبه‌روز در چشم خلایق روشنتر، و در دل آنان محبوب‌تر فرما.
بارالها! بر بنده‌ی صالح متواضعت امام خمینی قدس سره، که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلای کلمه‌ی تو و احیای دین تو، رنج‌های گران بر جان خرید و

1- یوسف: 87

مجاهدت در راه ملت ابراهیمی و سنت محمّدی صلی الله علیه و آله را به نهایت رساند و در این راه لحظه‌یی از حرکت وتلاش باز نایستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست، و کلمه‌ی او را رفعت بخش، و راه او را رونق بخش، و میراث یگانه‌ی او را در پناه خود حفظ کن، وآرزوها و هدف‌های او را محقق ساز، و ما را از اخلاف نیک او قرار ده.
بارالها! من در این سخن، مقصدی جز ابلاغ پیام تو و انجام تکلیفی که بر دوش خود احساس می‌کنم، ندارم. پروردگارا! سوز سخن حق را در این کلام بگنجان و آن را به گوش و دل مؤمنان و همه‌ی حق‌طلبان جهان برسان. همان اخلاص و صفا را که در سخن عبد صالح تو و امام و قائد ما موج می‌زد، بدان بیامیز وآن را به قبول حَسَن، مقبول فرما ...؛ آمین ربّ العالمین.

بار دیگر روزهای حج فرا می‌رسد

بار دیگر روزهای حج فرا می‌رسد و صلای ابراهیمی و أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، (1)
فطرت مسلمانان پاکنهاد را به اجابت می‌خواند وفراق خانه‌ی خدا، دل مشتاقان را آکنده از درد و رنج می‌سازد. دست ظلم و عدوانِ بیرون‌آمده از آستین حکام حجاز، بدین اکتفا نکرده که صدها زایر خانه‌ی خدا را در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده و هزاران کبوتر خونین‌بال حرم را فقط به جرم برائت از مشرکین و اعلام نفرت از امریکا و اسرائیل و دعوت مسلمین به وحدت و برادری، تار و مار نماید؛ بلکه برای انتقام از ملتی که در همه‌ی صحنه‌ها بر قوای استکبار جهانی تاخته و خواب راحت را از چشم غارتگران و زورگویان جهان ربوده است، و برای زدودن اثر چند سال حج همراه با برائت، که به برکت حضور فرزندان انقلاب و مجاهدان راه قرآن و اسلام، فضای حرمین شریفین و عرفات و مشعر و منی را از ندای توحید خالص و نفی آلهه‌ی زور و زر آکنده بود، راه خانه‌ی خدا و مأمن خلق را به روی آنان بسته و زبانها و قلم‌های اجیر و مزدور را به کمک

1- حج: 27

رسانه‌های صهیونیستی و امریکایی برضد آنان به کار انداخته است.
این دومین موسم حجی است که در آن ملت ایران- این فدایی‌ترین فرزندان اسلام- از طواف بر گرد خانه‌ی محبوب مصدود شده‌اند. دولت سعودی با دستاویزکردن بهانه‌های پوچ، امسال نیز همچون سال قبل، به صَدٌّ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ پرداخت و خود را مصداق این آیه‌ی شریفه ساخت: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِی جَعَلْناهُ لِلنَّاسِ سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْبادِ. (1) حافظه‌ی تاریخ ما این دشمنیها را فراموش نخواهد کرد.

اکنون که ملت ایران همزمان با سالگرد فاجعه‌ی خونین مکه، به مصیبت بزرگ فقدان قائد اکبر و منادی وحدت مسلمین و برافرازنده‌ی پرچم اسلام و قرآن، بنده‌ی صالح خدا و ناصح دلسوز امت و فرزند خلف پیغمبر- خمینی کبیر مبتلا شده است، جا دارد که حجاج بیت‌اللّه از هر کشور و ملت، طنین ندای توحید و وحدت را که همه‌ساله از آن حنجره‌ی ابراهیمی برمی‌آمد و فضای خانه‌ی خدا وسپس فضای جهان اسلام را پُر می‌کرد و بت‌های قدرت و مکنت را به لرزه درمی‌آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیونها مسلمان تحقیرشده و ستم‌زده به وسیله‌ی حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.
آری، اگرچه یوسف عزیز امت اسلام اکنون در میان ما نیست و جای او که همه‌ساله در وجود یکایک حاجیان دلباخته و سرازپانشناخته‌ی ایرانی تجلی می‌کرد، خالی است، ولی هم‌اکنون نیز او را در هر دل ذاکر و عارف و در هر جان پُرشور و در هر زبان حقگو و در وجود هر مسلمان غیور و دلسوخته و در هرجا که در آن، سخن از عزت اسلام و وحدت مسلمین و برائت از مشرکین و نفرت از «انداد اللّه» و اصنام جاهلیت هست، می‌توان یافت. او زنده است، تا اسلام ناب محمّدی زنده است؛ و او زنده است، تا پرچم

1- حج: 25

عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.
هنوز ندای ملکوتی او که می‌گفت: «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود»، در فضای مکه طنین‌افکن است، و درس فراموش‌نشدنی او که می‌گفت: «کدام خانه‌یی سزاوارتر از کعبه وخانه‌ی امن وطهارتِ ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود؟»، در کتیبه‌ی ذهن انسان‌های بیدار منقش است.
هنوز این سؤال هشداردهنده‌ی او که: «آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه‌ی ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد؟»، وجدان مسلمانان غیور را برمی‌انگیزد و پاسخی از سر وارستگی و اخلاص می‌طلبد. و هنوز این سخن پیامبرگون او، دل و جان مشتاقان را تسخیر می‌کند که می‌گفت: «هیهات که امت محمّد صلی الله علیه و آله، سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند؛ و هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمّد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت وآرام بماند و نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد». و خدا را شکر خمینی بزرگ تنها نماند و چنان‌که او می‌گفت و می‌خواست: «بسیجیان جهان، این پابرهنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانشان سلب کردند».
هنوز این نوای شیرین و امیدبخش، دل مؤمنان را از فروغ حیات روشن می‌کند و خون امید و نشاط در پیکر امت اسلامی می‌دمد که: «مسلمانان جهان و محرومان سراسر گیتی، از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی برای همه‌ی جهانخواران آفریده است، احساس غرور وآزادی کنند و آوای آزادی وآزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم‌های خود مرهم گذارند، که دوران بن‌بست و ناامیدی وتنفس در

منطقه‌ی کفر بسر آمده است و گلستان ملتها رخ نموده است و امید که همه‌ی مسلمانان، شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل‌های محبت و عشق و چشمه‌سار زلال جوشش اراده‌ی خویش را نظاره کنند ...».
آری، امام خمینی زنده است، تا امید زنده است؛ و تا حرکت و نشاط هست، و تا جهاد و مبارزه هست، ... امام خمینی وامت فداکارش، از مکه و میقات هم غایب نیستند.
سیلاب اندیشه‌ی جهاد و شهادت و مقاومت و برائت از مشرکین و محبت به مؤمنین که از قله‌ی بلند اندیشه‌ی او جاری است، همه‌ی دلها و جان‌های مستعد را فرا می گیرد و به او حضوری معنوی می‌بخشد. آری، چنان که او خود می‌گفت: «ما در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم در مکه است. دروازه‌های مدینةالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته‌ی محبتمان با پیامبر، هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدای را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه، پایدار مانده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه‌ی تاریخ محرومان و پابرهنگانیم و غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه‌قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی‌داریم ...».

دلهاتان را به او بسپرید

و اکنون که برای دومین بار دست جور و عدوان، راه خانه‌ی خدا را بر مسلمانان خداجوی ایران بسته و به حساب امریکا و اسرائیل، بر ملتی که برترین پرچم مبارزه با شیطان بزرگ و دولت غاصب دست‌نشانده‌اش را برافراشته است، جفا روا داشته و امت داغدار ما را که رخت عزای امام فقید اسلام را بر تن دارد، داغدارتر کرده است، این‌جانب نکاتی را از باب تذکر به برادران و خواهران حاضر در صحنه‌ی حج و به همه‌ی مسلمانان عالم ونیز به ملت بزرگ ایران عرض می‌کنم:

1) حال که به نام خدا و به دعوت پیامبر خدا، راهیِ کوی دوست شده و از هر «فجّ عمیق» به حریم بیت‌اللّه‌الحرام وفود کرده و احرام حج و هجرت الی‌اللّه بسته و ابراهیم‌وار

نغمه‌ی: إِنِّی ذاهِبٌ إِلی رَبِّی سَیَهْدِینِ (1)
به زبان فطرت سر داده و زمزمه‌ی: وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا (2)
را به زبان حال و قال مترنم گشته‌اید، امید است از تَمَراتُ کُلِّ شَیْءٍ که ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند استدعا کرد، شیرین‌کام شده و چشمتان به شهود منافعی که حضرت ربوبی مژده داده، منور گردد.
به طور حتم، یکی از این منافع آن است که در پرتو مناسک و شعایر آموزنده‌ی حج، دلهاتان را که خانه‌ی خدا و امانت اوست، به او بسپرید و از شرک و زَیغ و زنگار تطهیر کنید وپیمان: أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنِی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ (3)
را تجدید نمایید و باتمسک به فرمان: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ، (4)
به بشارت: وَ الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوها وَ أَنابُوا إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْری، (5)
سرافراز گردید.

حج، کانون معارف اسلام و بیان کننده‌ی سیاست کلی اسلام برای اداره‌ی زندگی انسان است. حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم علیه السلام است که گفت: إِنَّنِی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ؛ (6) صحنه‌ی اتحاد عظیم امت اسلامی برگرد محور توحید وبرائت از مشرکین و نفی و طرد همه‌ی بتهاست. وبت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند ونیرو واراده‌ی افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت‌های شیطانی سلطه‌گر و جبار، و چه عصبیت‌های جاهلی و ناحق که: فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلالُ. (7) حج ابراهیمی ومحمّدی صلی الله علیه و آله و حج علوی و حسینی علیهما السلام آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران

1- صافات: 99

2- بقره: 128

3- یس: 60

4- حج: 30

5- زمر: 17

6- انعام: 19

7- یونس: 32

همراه باشد. زمزمه‌ی مناجات سالار شهیدان و سیّد شباب اهل‌الجنه در عرفات، چه زیبا این هر دو را در یک سخن می‌سراید: «الهی أَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ فِی سَعَتِهَا ... وَ أَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَی أَعْدَائِی وَ لَوْ لا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ ... یَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلَی أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» (1)
. و خطبه‌ی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در یوم‌الترویه که در آن نسخ مقررات جاهلیت وتحذیر از فریب شیطان برای وادار کردن بنی‌آدم به عبادت خود و حکم قاطع به پیوند برادری میان همه‌ی مسلمین را اعلام فرمود، خط کلی حج را معین می‌کند.

کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمّدی صلی الله علیه و آله و جوشش زمزم حسینی، این جرعه‌ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی برائت، حج بی وحدت، حج بی تحرک وقیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح ومعنای حج را فاقد است.
بت‌های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان ازخدا بی‌خبر و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حجِ بامضمون سازنده و روشن و الهامبخش، بشدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته‌اند. آنها تبلیغات دامنه‌دار و خصمانه‌یی را به وسیله‌ی آخوندهای درباری و ریزه‌خواران سفره‌ی عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و باهیاهو و جنجال خواسته‌اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه‌ی عبادات فردی نیست؛ غافل از آن‌که هر انسانِ اندکی هوشمند هم بوضوح درمی‌یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جداافتاده و همصدایی صاحبان زبانها و نژادها و ملیتها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حبل‌اللّه با حالت طبیعی در حج منظور نمی‌بود و فقط عبادت و رابطه‌ی جداگانه‌ی انسانها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودنِ این راه، چرا؟ و

1- مفاتیح‌الجنان، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

ص: 28
حضور در مکه وسپس در عرفات و مشعر و منی، آن هم در ایام معدودات و روزها و ساعات معین برای همه‌ی مسلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه‌ی واحد، چرا؟

حجی که از پایه‌های دین به‌شمار می‌رود

آری، حج عبادت است و ذکر و دعا و استغفار؛ اما عبادتی و ذکر و استغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه‌ی امت اسلامی ونجات آن از زنجیرها وغل‌های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالت از آن. این است حجی که از پایه‌های دین به‌شمار رفته و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه آن را عَلَم اسلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده‌ی فقر وتنگدستی و مایه‌ی تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است؛ و این است آن حجی که بندگان مجاهد خدا همه‌ساله از ایران با شوق و شور بدان روی می‌آورند و برائت از امریکا و صهیونیسم و نفی ولایت استکبار وشعار برای تعمیم ولایت الهی را شرط اصلی آن می‌شمرند؛ و این است آن حجی که سیلی‌خوردگانِ از اسلام وانقلاب و در رأس آنان امریکای جنایتکار، از آن احساس خطر می‌کردند و اکنون دو سال است حکام آل سعود برای شادی و خشنودی امریکا و اسرائیل، مؤمنین را از اقامه‌ی آن مانع می‌شوند و زبانها و قلم‌های مزدور آخوندهای نوکرصفت را به نفی آن و محکوم کردن آن وادار می‌کنند.

حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید

اینک شما حاجیان جهان اسلام؛ شما که دشمنان وحدت اسلامی نخواسته و نگذاشته‌اند که همراه با برادران ایرانی خود به طواف و سعی و وقوف و رمی و نماز و زیارت قبر رسول گرامی صلی الله علیه و آله بپردازید، یاد برادران مهجور و مصدود خود را در آن مراسم زنده کنید و حج را هرچه بتوانید، به معنی و روح و حقیقت آن نزدیک کنید و بدانید که هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض؛ و

خداوند نخواهد گذشت از آنان که برای رسیدن به هدف‌های ناپاک و حقیر خود، آماده‌اند که بزرگترین حربه‌ی امت اسلامی در برابر جهان کفر و استکبار را از او بگیرند و حج زندگی‌ساز و شورآفرین را، به عبادتی فردی و سطحی همراه با سیاحت و تجارت بدل کنند.

2) از بزرگترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادّی از عبادت، و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا- معاذاللّه- جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنایتکارانند، و استضعاف و استعباد و استثمار خلایق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلّم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده‌ی بی‌مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعاظالسلاطین و نوادگان «بلعم باعورا»، فریاد برخواهند آورد که دخالت در سیاست کردید، و اسلام را چه به سیاست؟!
این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. آنچه جای تأسف است، این‌که سالها غفلت مسلمین و مهجور ماندن قرآن سبب شد که دست‌های تحریف بتوانند به نام دین، هر سخن باطلی را در اذهان جای داده و بدیهی‌ترین اصل دین خدا را منکر شوند و شرک را جامه‌ی توحید پوشانده و مضمون آیات قرآن را بی‌دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه‌ی قسط را هدف از ارسال رسل می‌داند؛ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، (1)
و در حالی که با خطاب كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ، (2)
همه‌ی مؤمنین را موظف به تلاش برای اقامه‌ی قسط می‌کند، و در حالی که آیات کریمه‌ی قرآن، اعتماد به ستمگران را ممنوع می‌سازد و به پیروان خود می‌فرماید: وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى

1- حدید: 25

2- نساء: 135

الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکُمُ النَّارُ، (1)
و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می‌شمرد و می‌گوید: أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ، (2)
و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می‌دهد؛ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی، (3)
و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه‌ی قدرت‌های مادّی و سیاسی و همه‌ی بت‌های بی‌جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره‌ی سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می‌کند، باز کسانی پیدا می‌شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضداسلامی را از آنها بپذیرند.
سیاستمدارانی که دایماً دم از جدایی دین و سیاست می‌زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می‌کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟ آیا فکر کرده‌اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه‌ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف‌بندی‌های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می‌کند؟
آیا در آیه‌ی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ (4)
و آیه‌ی وَلا تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ الَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ وَلا یُصْلِحُونَ، (5)
یا آیات معرفی حزب‌اللَّه و حزب‌الشیطان، یا آیات ولایت‌اللَّه، یا آیات حکم به غیر ما انزل‌اللَّه، اندیشیده و در آن تأمل کرده‌اند؟

1- هود: 113

2- نساء: 60

3- بقره: 256

4- ممتحنه: 1

5- شعراء: 151 و 152

آیا اعمال و رفتار سیاسی و اجتماعی انسانها که بیشترین بخش زندگی آنهاست، بدون جزاست؟ پس وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً (1)
و وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ (2)
چیست و با کدامین میزان سنجیده می‌شود؟ آیا می‌توان گفت اسلام در دنیا به خوب و بد این‌گونه اعمال کاری ندارد و وظیفه‌یی مقرر نمی‌کند؛ ولی در آخرت جزای آن داده می‌شود؟
آیا جهاد اسلامی که درصدها آیه‌ی قرآن و حدیث مسلّم، در زمره‌ی برترین فرایض دینی قرار گرفته و ترک آن مایه‌ی ذلت و شقاوت دنیا و آخرت شناخته شده، برای به دست آوردن چه چیز و دفاع از کدامین ارزش است؟ آیا حیات طیبه‌یی که برای تحصیل آن باید جهاد کرد، زندگی در زیر سایه‌ی شوم ولایت غیرخداست؟ بر خاک مذلت نشستن و حاکمیت جباران و ارزش‌های غیرالهی را تماشا کردن و تن به ذلت دادن است؟ و اگر چنین نیست و جهاد برای تحصیل حاکمیتِ اللّه و خروج از ولایت طاغوت به ولایتِ اللّه است، پس چگونه می‌توان نقش و ارزش سیاست را در دین و در هدف‌های تعیین‌شده‌ی دینی، دست کم یا نادیده گرفت؟

نغمه‌ی جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان است

بدیهی است که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان پلیدی است که از اسلامِ زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته‌اند صحنه‌ی زندگیَ را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی‌دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسف‌انگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این همصداییِ برخی ملبسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواَردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین‌فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکنت است، که

1- کهف: 49

2- زمر: 70

مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.
این وعاظ السلاطین(لعنهم‌اللَّه)، به این هم اکتفا نمی‌کنند که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایتکاران هم می‌پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟
آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبرّی از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و انکار آیات خدا- ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستمدیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانی‌های خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمانْنام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!

محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی

این‌جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی‌اللّه و فانی فی‌اللّه آشکار می‌شود که اسلام را به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد. اسلام ناب محمّدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.
اسلام امریکایی، چیزی به نام‌اسلام‌است‌که درخدمت منافع قدرت‌های استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست؛ بهانه‌یی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌یی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین- چنان‌که درصدر اسلام بوده است- بلکه به عنوان گوشه‌یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت.

اسلام امریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌یی برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل می‌کنند.
اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسایی است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آلهه‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلتها و ارزشها می‌کوبند.
آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمّدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.

3) امروز یکی از مسایل مهم جهان اسلام، دشمنیِ کینه‌توزانه و دیوانه‌وار جبهه‌ی شیطان و بخصوص شیطان بزرگ، با اسلام و مفاهیم و عقاید اسلامی است. اگرچه دشمنیِ برنامه‌ریزی‌شده و همه‌جانبه با اسلام، از آغاز پیدایش استعمار سابقه دارد و استعمارگران در سده‌های اخیر که کشورهای اسلامی را جولانگاه غارت و چپاول و کشتار و تجاوز خود کرده بودند، به اسلام به چشم مانع و سد مستحکمی در برابر فتنه‌انگیزی‌های خود نگریسته و آن‌را آماج حملات سیاسی وفرهنگی شدید قرار دادند و برنامه‌ی جدایی مسلمین از قرآن و اسلام را با مکرهای شیطانی خود و از جمله با ترویج فساد و ابتذال و فحشا به اجرا گذاشتند، و لیکن از هنگامی که آتشفشان انقلاب اسلامی، خرمن امیدهای آنان را به آتش کشید و فروغ امید را بردل مسلمانان جهان تابانید و حیات دوباره‌ی اسلام در جهان را نوید داد، قدرت‌های استکباری همچون گرگ زخم‌خورده،

به هجومی همه‌جانبه و سراسیمه و دیوانه‌وار علیه اسلام دست زدند، که البته دور از انتظار نبود، و به طور حتم سنت‌های الهی در شکست و فضیحت آنان محقق خواهد شد- ان‌شاءاللّه- چنان‌که قرآن فرموده است: وَ لا یَزالُ الَّذِینَ کَفَرُوا تُصِیبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ؛ (1) به شرط آن‌که مؤمنین به اسلام، به وظایف خود در قبال این توطئه‌ها آشنا باشند و از انجام آن غفلت نورزند.

بدیهی است که آماج اصلی همه‌ی توطئه‌هایی که در ده سال گذشته علیه اسلام طراحی شد، جمهوری اسلامی بود، که ام‌القرای اسلام و پیشاهنگ حرکت جهانی آن محسوب می‌شود، و در این ده سال ملت ایران انواع ضرباتی را که در واقع به سمت اسلام و نیروی عظیم انقلابی آن هدف‌گیری شده بود، پذیرا شدند. جنگ تحمیلی هشت‌ساله، محاصره‌ی اقتصادی و انواع حملات بی‌شمار سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، درحقیقت با انگیزه‌ی فشار بر اسلام و دشمنی با آن انجام گرفت و ما افتخار می‌کنیم که به خاطر گوهر عزیز یکدانه‌یی که با خود داشتیم- یعنی ایمان به خدا و عمل به اسلام- سالها مورد خشم جنون‌آمیز و انتقام سبعانه‌ی قدرت‌های جهانی قرار گرفته و سپر بلا شدیم. آری، وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (2) ولی مبارزه‌ی قدرت‌های استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره‌یی وسیعتر، هم باروش‌های سیاسی وتبلیغاتی، و هم باروشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد.

فشار و سختگیری بر مبارزان و آزادیخواهان و علما و روشنفکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیم‌های وابسته به امریکا، و نیز سختگیری نسبت به اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، نمونه‌های بارز مبارزه‌ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه‌ی فیلم‌های اهانت‌آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و

1- رعد: 31

2- بروج: 8

غیراسلامی، نمونه‌های مبارزه‌ی فرهنگی بااسلام‌است. اکنون دولت‌های‌استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پول‌های گزافی را در راه این خصومت‌های جنایت‌آمیز خرج می‌کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادّی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می‌گیرند.

احساس ضعف استکبار در برابر اسلام

نکته‌ی مهم آن است که این حرکات خصمانه، ناشی از احساس ضعف اردوگاه استکبار در برابر اسلام است. صلابت اسلامی و پایداری ملت مسلمان ایران و فریادهای تندرآسای بت‌شکن قرن و فضل و نصرت الهی که آن عبد صالح و یارانش را همواره شامل بود، موجب شد که صدور اندیشه‌ی انقلابی اسلام که دشمن بشدت از آن در هراس بود، از همان راههایی که آنان برای جلوگیری ازصدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقانیت این ملت بزرگ و گسترش دامنه‌ی انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسختر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد.
امروز ایادی استکبار جهانی در همه‌جا در برابر اسلام موضع انفعالی دارند و کینه‌ورزی آنان با اسلام، چه با شیوه‌های فرهنگی و چه سیاسی با زور و سرنیزه، از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده‌ی اسلام است.
این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده‌ی آنان در دفاع‌ازاسلام تبدیل می‌شود. نمونه‌ی بارز، ماجرای‌نوشتن کتاب‌آیات‌شیطانی نویسنده‌ی مرتد و مهدورالدم انگلیسی است که دولت‌های استکباری با این کار می‌خواستند اسلام را تضعیف کنند، و خدای متعال برعکس خواسته‌ی آنان، این کار را موجب آبروریزی آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مهدورالدم بودن نویسنده‌اش، آهنگ

مسلمین رساتر و انسجام آنان بیشتر شد و همه‌ی تلاش‌های دشمن در مبارزه با اسلام- ان‌شاءاللّه- به همین‌گونه نتیجه‌یی منتهی خواهد شد که: إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً. (1)

مسلمانان کاملًا حساس و هوشیار باشند

نکته‌ی دیگر آن است که مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه‌آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملًا حساس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه‌های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه‌های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می‌تپد و از حقد و کینه‌ی دستگاه‌های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه‌ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه‌های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه‌ی عمومی و بزرگ آنهاست.
البته وظیفه‌ی عمومی همگان در برابر اهانت به مقدسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به واجب‌القتل بودن نویسنده‌ی مرتد و پلید آیات شیطانی، تکلیف همه را نسبت به موارد مشابه روشن می‌سازد. حکم امام امت درباره‌ی آن نویسنده‌ی نگون‌بخت به قوّت خود باقی است و او باید همچنان در انتظار اجرای آن تا لحظه‌ی مقدر بماند.
مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، باید برای اعلام مخالفت و نفرت خود از توطئه‌های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند، و مطمئنم همان‌گونه که مسلمانان غیور در پاسخ به ندای امام امت(اعلی‌اللّه‌کلمته) تاکنون قاطعانه موضعگیری کرده‌اند، از این پس نیز به همان‌گونه عمل خواهند کرد.

1- نساء: 76

ص: 37

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود

4) در حج باید مسایل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله‌ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله‌ی ملت‌های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت‌ترین شرایط زندگی را برآنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه‌ی بارزی از این‌گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه‌ی دولت‌های استعمارگر وضد اسلام و به دست جنایتکار صهیونیستها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است. کسان و گروه‌های زیادی در این مدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده، یا ادعای آن را کرده‌اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گرهها کورتر هم شده است.
علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی‌توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه‌ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولاً از یاد بردن هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول دهها سال گذشته، و ثانیاً خیانت سران کشورهایی از اعراب و حتّی خیانت سران و چهره‌هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمداللّه عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغصوب زنده شده، و به همین جهت معادله‌ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.
جوانان و کودکان و زنان و مردانی که امروز مظلومانه در شهرهای وطن مغصوب با خون خود کوچه‌ها و خیابانها را رنگین می‌کنند، و نمازگزارانی که در اجتماعات هفتگی جمعه‌ی خود، کابوس مرگ را بر سر اسرائیلیان غاصب و مهاجر می‌کوبند، نور امیدی را بر سراسر فلسطین تابانیده‌اند که در تمام چهل سال غصب و قبل از آن در روزگار فشار و اختناق انگلیسی، هرگز سرزمین مقدس آن را به خود ندیده بود، و آینده هم متعلق به

همین مؤمنین مصمم و مبارز است.
امروز دیگر روزگار ضعف و انفعال و انتظار ملت فلسطین تمام شده است و اسلام نیروی حقیقی آن ملت برجسته را به وی بازگردانده است.
امروز دیگر سران خائن و سازشکار فلسطین‌فروش فلسطینی که فارغ از رنج شهروندان یا چادرنشینان، به معامله‌ی سیاسی و تجارت با سرمایه‌ی فلسطین مشغولند، نمی‌توانند سرنوشت آن کشور و ملت را رقم بزنند. سرنوشت فلسطین، در مسجدها و نماز جمعه‌ها و خیابانها و میدان‌های سراسر زمین‌های اشغالی است که رقم می‌خورد، و این از برکات اسلام است.
ملت لبنان نیز که از دو سو زیر فشار صهیونیستها و همدستان فالانژ آنان سالهاست با آتش و خون سروکار دارد، راه خود را یافته و تصمیم خود را بر ضد نظام فاشیستی و قبیله‌یيِ مدرن و مورد تأیید امریکا و فرانسه و انگلیس گرفته است.
مسلمانان مظلوم لبنان، سرنوشتشان با ملت فلسطین گره خورده و رنج همسایگی با متجاوزین افزون‌طلب صهیونیست را می‌برند. در این‌جا نیز ایمان و جهاد است که بن‌بستها را خواهد شکست.
دنیا ناباورانه شاهد بن‌بست‌شکنی در قضیه‌ی افغانستان بود. مجاهدان افغان، به برکت اسلام و وحدت کلمه، توانستند ارتش بیگانه را بیرون برانند، و اگر باز هم به همین دو عامل تکیه کنند، خواهند توانست حکومت شایسته‌ی مطلوب خود را در آن کشور تشکیل داده و رژیم وابسته‌ی کنونی را از جا بکنند. این دو عامل، عیناً علاج همه‌ی دردها و گرفتاری‌های فلسطین و لبنان نیز هست.
ما علاج مسأله‌ی فلسطین را در راه حل‌های دیکته شده‌ی ابرقدرتها نمی‌دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده‌ی سرطانی حکومت صهیونیستی است، و این کاملًا ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسأله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به کار برند. ملت ایران مانند همیشه خود را در کنار مبارزان فلسطینی می‌داند و بدون پیروزی در قضیه‌ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص می‌شمرد.
امام راحل عظیم، از نخستین روزهای شروع مبارزه در ایران، مسأله‌ی فلسطین را در صدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب

کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیت‌نامه‌ی سیاسی، الهی‌اش با ما و همه‌ی مسلمانان عالم، درباره‌ی آن حرف زد. این واجب، تخلف‌ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه‌اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت- ان‌شاءاللّه- و خدا با ماست.

5) نزدیک به چهل روز است که امت اسلام در سوگ امام و مراد و مقتدای خود در التهاب و سوز و خروش است. نزدیک چهل روز است که امام خمینی، آن بنده‌ی مطیع خدا، آن دشمن آشتی‌ناپذیر مستکبران، آن طرفدار و خدمتگزار مستضعفان و محرومان و مظلومان، آن برافرازنده‌ی پرچم اسلام ناب محمّدی و افشاگر اسلام امریکایی، آن فریادرس مسلمانان جهان، آن مجمع خصال والای اسلامی و آن مسلمان کامل، در میان ما نیست. او به ملکوت اعلی پیوست و ملت انقلابی ایران و دیگر فرزندانش در سراسر جهان را داغدار و ماتمزده کرد؛ اما طنین صدای او که ندای حق و عدل بود، در دل‌های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد. برای او که راهرو راه پیامبران بود- همچون خود پیامبران- مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.
او دربانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده‌ی قهرآمیز ملت‌های زیر ستم، درایمان آگاهانه‌ی نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوباره‌ی معنویت وارزش‌های اخلاقی‌درجهان، و در همه‌ی جلوه‌های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ‌ساز او در دوران معاصر به وجود آورد، و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است.
دشمنان زخم‌خورده‌ی انقلاب، انتظار روز فقدان او را می‌کشیدند، تا در غیبت آن دیده‌بان بیدار و نگاهبان نیرومند، به مولود و میراث و تلاش او- یعنی جمهوری اسلامی در ایران و نهضت بیداری مسلمین در جهان- دستبرد زنند وچشم زخم وارد آورند؛ اما بیداری انقلابی و ایمان آگاهانه و وفای عاشقانه‌ی ملت بزرگ ایران که در تشییع جنازه‌ی

بی‌نظیر وعزاداری تاریخی آن بزرگوار و حوادث پس از آن بروز کرد، و نیز پیوند و رابطه‌ی عمیقی که مسلمانان جهان در آسیا و اروپا و افریقا نسبت به ملت ایران و امام فقید نشان دادند، دشمنان را مأیوس، و تحلیلها و پیش‌بینی‌های آنان را افسانه و پندار ساخت.

ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند

من وظیفه دارم احترام و سپاس عمیق خود را به ملت عظیم‌الشأن ایران ابراز دارم و به آنان خاضعانه عرض کنم که شما با امتحان بزرگ و تکان‌دهنده‌یی مواجه شدید و روسفید و آبرومند از آن بیرون آمدید؛ سلام و رحمت خدا بر شما باد. شما در حیات بابرکت امام، بهترین و صدیقترین یاران برای او بودید و مایه‌ی سربلندی آن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله شدید و پس از پرواز ملکوتی او نیز، باشکوهترین وفاداری را نسبت به او و وصیت او نشان دادید؛ خدای بزرگ از شما راضی باد. و نیز وظیفه دارم از همه‌ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان سپاسگزاری کنم، که دل ملت ایران را تسلّا دادند و دشمن را مرعوب کردند و وحدت شکوهمند اسلامی را به نمایش گذاردند؛ روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه‌ی آنان راضی باد.
متأسفانه در دنیای اسلامی، کسانی از سران سردمداران و جیره‌خواران و عالم‌نمایان و قلم‌فروشان نیز بودند که قدر امام را که درةالتاج عزتی بر تارک امت اسلامی بود، نشناختند و با او جفا کردند و برای دلخوشی امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام، با او درافتادند و برای خاموشی نور وجود او، خفاش‌گون تلاش کردند؛ یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ. (1) لعنت خدا و نفرت مسلمین و حسرت ابدی بر آنان که با خلف صدق پیامبر صلی الله علیه و آله آن کردند که ابوجهل و ابولهب و فرعون و قارون و بلعم‌باعورا و همه‌ی ائمه‌ی نار با پیامبران و صدیقان و ائمه‌ی نور کرده بودند؛ وَ أَتْبَعْناهُمْ فِی هذِهِ الدُّنْیا لَعْنَةً وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِینَ. (2)

1- صف: 8

2- قصص: 42

ص: 41

راه امام خمینی قدس سره را دنبال می‌کنیم

ما با خدا پیمان بسته‌ایم راه امام خمینی قدس سره را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین، و به کار گرفتن همه‌ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ماست. هدف اصلی از این‌همه، زنده کردن دوباره‌ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.

چشم‌انداز آینده، روشن و امیدبخش است

برادران و خواهران، ملت عزیز ایران! اگر دست دشمن امسال نیز شما را از حق مسلّمتان- یعنی زیارت بیت‌اللّه و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی هدای مدفون در بقیع علیهم السلام- محروم ساخت و برگ دیگری بر کارنامه‌ی سیاه خود افزود، اما چشم‌انداز آینده به نظر ما روشن و امیدبخش است. ما تاکنون به تکلیف اسلامی خود عمل کرده‌ایم و بر تبعات آن نیز صبر می‌کنیم و امیدوارم خداوند لطف خود را بر ما بگستراند و رضای حضرت ولیّ‌عصر(ارواحنافداه) و دعای آن حضرت را شامل حال ما سازد.
وعده‌ی خدا به رسولش، ان‌شاءاللّه درباره‌ی شما فرزندان مخلص امام و یاران فداکار اسلام نیز به تحقق خواهد پیوست، که فرمود: لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ. (1) اول ذی‌الحجةالحرام 1409 هجری

1- فتح: 27

ص: 42
سیّد علی حسینی خامنه‌ای
پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(7/ 4/ 1369 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(7/ 4/ 1369 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم

دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز

فرارسیدن ایام حج، همه‌ساله، همراه با شوق و حنین دل‌های شیفته و جانهای آرزومندی از سراسر جهان اسلام است که در جوار خانه‌ی معبود و دیار محبوب، سر بر آستان عشق و تقدیس گذارند و جَبهه‌ی تعبد و تقرب بر خاک آن مقام بسایند. ایام معلومات را در سایه‌ی ذکر و نیایش بگذرانند و در پناه رحمت و مغفرت حق بیارمند.
برادران دور افتاده‌ی خود از چهارگوشه‌ی عالم را ببینند و شکوه امت اسلامی را درنمونه‌یی زنده و مجسم، حس کنند.
اما ملت مظلوم و پاکنهاد ما در این ایام، همراه با اشتیاق مخلصانه‌ی خود به حضور در آن مشهد عظیم جان‌ها و دل‌ها و تن‌ها و تلاشها، دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز را با همه‌ی وجود احساس می‌کند و آن را به خدا و نبیّ‌مکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ولیّ‌اللّه‌الاعظم(ارواحنافداه) شکوه می‌برد:
اول، غم شهادت فراموش‌نشدنی کبوتران خونین بال حرم را که سه سال پیش به جرم اعلام برائت از مشرکین، به تیغ کین و حقد حکام سعودی، در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده شدند. بندگان پرهیزگار و بااخلاصی که در خانه‌ی خدا- یعنی خانه‌ی خودشان- به خاطر خوشایند بیگانگان و دشمنان، به دست بیگانه‌پرستان و از خدا بی‌خبران، مظلومانه به شهادت رسیدند و با خون به ناحق ریخته‌ی خود، داغ ننگی بر

پیشانی حکام ستمگر و خائن حجاز نهادند.
و دوم، درد فراق خانه‌ی خدا و محرومیت از انجام مناسک حج و ممنوع شدن از حضور در محشر عام مسلمین را که به دست خود فروختگان، بر ایشان تحمیل شده و راه خانه‌ی خدا به روی آنان مسدود گشته است. این، یکی از عبرت‌انگیزترین وقایع دوران تحول‌خیز کنونی است که ملتی از همه به اسلام وفادارتر و از همه در راه خدا فداکارتر، از خانه‌ی خدا مصدود شود و از انجام فریضه‌ی اسلامی ممنوع گردد.
آن روی این صفحه‌ی شگفت‌انگیز آن است که حرم الهی، برای مستشاران امریکایی و کمپانیداران نفتی امن باشد و برای مسلمانان پاکباز و خانه‌پرداز، ناامن و کمین صدها خطر. این، از جمله‌ی نشانه‌های غریبی است که خبر از وضعی بشدت ناهنجار می‌دهد و طبعاً در خود، بشارت تحولی و آینده‌یی بهنجار حمل می‌کند. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً. (1) بوقهای جهانی، همصدا با دروغگویان سعودی، آن روز گفتند که ایرانیان در پاسخ حمله به مسلحین سعودی کشته شده‌اند و عدد کشتگان آنها این همه نیست و به همان عدد، از نظامیان مکه به هلاکت رسیده‌اند!
شگفتا! چگونه زایران بی‌دفاع که سلاحی جز اراده‌ی قوی و ایمان عمیق و عشق آمیخته به ایثار نداشته‌اند، می‌توانستند گاردهای دست‌آموز سعودی را به قتل برسانند، یا آغازگر حمله به آنها باشند؟ و چگونه می‌توان در تعداد شهیدان این فاجعه شک کرد؟
آیا حمل بیش از چهارصد پیکر شهید از مکه به‌ایران، برای اثبات وسعت جنایت کافی نبوده است؟ امروز هم همان بوقها و همان دروغگویان می‌کوشند که گناه آل سعود را در جلوگیری از حج ایرانیان، کوچک جلوه دهند، یا انکار کنند.
دولت جمهوری اسلامی، برای گشودن راه کعبه‌ی مقصود، از هیچ تلاشی سر باز نزد و باز هم نخواهد زد؛ اما مدعیان تولیت حرمین شریفین، بر جلوگیری از حضور حاجیانی که حج را به معنی درست آن شناخته و توحید الهی را با برائت از مشرکین همراه کرده‌اند، اصرار می‌ورزد.

1- شرح: 5 و 6

غمی از این بزرگتر نیست که مدعیان خدمت به حرمین شریفین و کلیدداران خانه‌ی خدا، کمربستگان خدمت امریکا باشند و از شعار وحدت مسلمین و برائت از امریکا و صهیونیسم، وحشت کنند!
این وضع، موجب آن است که امروز هم که روز بیداری مسلمانان و طرح شعارهای اساسی اسلام است، حج- این فریضه‌ی بزرگ امت‌ساز و دشمن‌شکن- از مضمون واقعی خود برکنار بماند و قالبی به این عظمت و شکوه، معنایی به تناسب خود نداشته باشد.

توانمندی‌های حج

حج می‌تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه‌پاره‌های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده‌اند، نجات دهد. حج می‌تواند دردهای مسلمین را به علاج نزدیک کند و بزرگترین درد آنان را- که سلطه‌ی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کفر و استکبار است- درمان نماید. حج می‌تواند دلبستگی‌های اسارت‌آفرین را از دلها بشوید و در مقابل، ارتباط با خدا و با بندگان خدا را در فرد و جمع مسلمانان تقویت نماید و همین دلیل است که سیاست‌های حاکم بر حجاز، از حج واقعی و حامل مضمون الهی و سیاسی بیمناکند و قدرت تحمل آن را ندارند.
ملت مؤمن و مبارز ما، تنها به این جرم از حج محروم می‌شوند که خواسته‌اند روح و معنای حج را به آن برگردانند و عبودیت خدا را با اظهار برائت از مشرکین- که خود، حاق معنای عبودیت است- همراه سازند. اما نه حکام حجاز و نه دست‌های پشت پرده‌یی که به خاطر منافع استعماری خود، این سیاست‌های خائنانه را به آنان دیکته می‌کنند، نخواهند توانست از بازگشت حج به شکل صحیح خود، جلوگیری کنند.

ملتهای اسلامی بیدار شده‌اند

امروز ملتهای مسلمان بیدار شده و رو به حاکمیت اسلام پیش می‌روند. امروز شعارهای اسلامی، که تا چندی پیش فقط از حنجره‌ی ملت پیشرو و پیشاهنگ ما خارج

می‌شد، در میان دیگر ملتهای مسلمان نیز گسترش و جذابیت یافته و از شرق تا غرب، در همه جای جهان اسلام، احساس هویت اسلامی را به ملتها برگردانده است.
سیاستهای استکباری، تا کی خواهند توانست از سفر حج جوانان بعضی کشورهای اسلامی‌جلوگیری کنند؟ تا کجا خواهند توانست از ورود مسلمانان آگاه و بیدار کشورهای اسلامی به مکه و مدینه مانع شوند؟ امروز حماسه‌ی اسلام در شمال افریقا و در برخی کشورهای دیگر اسلامی، در حال دگرگون سازی وضعیت سیاسی این مناطق است. آیا خواهند توانست مردم این کشورها را نیز از حج، مصدود وممنوع کنند؟ ما حج و زیارت حرمین شریفین را حق مسلّم ملت خود دانسته و با تمام قوا آن را از آل‌سعود- که تضییع‌کنندگان این حق مسلّمند- مطالبه می‌کنیم و به حول و قوه الهی، آن را از آنان می‌ستانیم.
جبهه‌ی کفر و استکبار بدانند که آینده متعلق به اسلام است و هیچ تدبیری و هیچ قدرتی نخواهد توانست از اقتدار روزافزون اسلام و رواج روزافزون شعارها و ارزشهای اسلامی در جوامع مسلمین، جلوگیری کند.

استکبار، محکوم به عقب نشینی است

ملت عزیز ما نیز بدانند- و می‌دانند- که عزت و عظمت و شکوه اسلام، که با قیام و فداکاری آنان در دوران انقلاب تا امروز به وجود آمده، هر روز که می‌گذرد، بر عزت و عظمت و اقتدار آنان می‌افزاید و کید دشمنان در برابر صبر و مقاومت شجاعانه‌ی آنان، قادر به پایداری نیست.
استکبار و ایادی آن، محکوم به عقب‌نشینی در برابر موج فزاینده‌ی اسلامند، و خون پاک شهیدان مکه و دیگر شهدای انقلاب اسلامی، راه حرکت و پیشرفت اسلام در جهان را هموار ساخته و پرچم اسلام را در بسیاری از نقاط عالم به اهتزاز درآورده است.

حجاج بیت‌اللّه‌الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم

درخانه‌ی خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان- که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه‌ی جهانی است- و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل‌نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمّدی صلی الله علیه و آله سازند.
شعار محو غده‌ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم‌الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی قدس سره مطرح شد، علی‌رغم میل سازشکاران سیاستباز، باید با قوّت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.
جدایی دین از سیاست که توطئه‌ی دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه‌ی کشورهای اسلامی در مقابله با سیاستهای استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملتهای مسلمان شمرده شود.
اگرچه امسال نیز برادران مجاهد و شجاع و ایثارگر شما از ایران، در جمع حاجیان نیستند و ایادی امریکا و اسرائیل، راه آنان به سوی آن کعبه‌ی آمال را قطع کرده‌اند، اما دلهای آنان در آن‌جاست؛ همچنان‌که شعارها و خواسته‌ها و سخن دل آنان، بی‌شک برای یکایک کسانی که به عزت اسلام و مسلمین می‌اندیشند، مطرح است.
از خداوند متعال، پیروزی اسلام و مسلمین را مسألت نموده و امیدواریم با پایداری و استقامت و بیداری و آگاهی مسلمانان، مخصوصاً علما و متفکران و روشنفکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان در کشورهای اسلامی، و توجه به عظمت وظیفه‌یی که بر دوش آنان است، دست کفار و مستکبرین از جوامع اسلامی قطع شود و عزت و عظمتی که خداوند برای مؤمنان مقدر فرموده، به جوامع مسلمان برگرداند.
انّه ولیّ التّوفیق
علی حسینی خامنه‌ای
5 ذیحجه‌ی 1410

ص: 47
انتصاب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای‌حاج سیداحمد خمینی

حکم انتصاب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای‌حاج سیداحمد خمینی به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(17/ 1/ 1370 ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

جناب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی- دام بقائه-

خدای منّان را شکرگزاریم که بار دیگر با عنایات خود، ملت شریف ایران را مشمول تفضلات خاص فرموده و موانع را از سر راه حج ابراهیمی و حضور در میعاد الهی و مردمی خانه‌ی مکرم خود برطرف نموده و دلهای مشتاق را با دعوت به وعده‌گاه ضیافت خود به اهتزاز آورد.

اکنون به فضل الهی و توجّهات ولی‌اللّه الأعظم(روحی فداه)، ملت ایران در آستانه‌ی استیفای حق عظیمی است که سه سال به ناروا از او بازداشته شده بود. باید شک نکرد که روح مطهر امام آزادگان و قائد درست اندیشان، آن پایه‌گذار حج ابراهیمی و ولایت و برائت محمدی صلی الله علیه و آله از توفیق کرامت بار ملت ایران و تلاش و مجاهدتی که به این عزت منتهی شد، شاد و راضی است.

این جانب با تأسی به آن بزرگوار- که جناب عالی را با اعتمادی کم نظیر، از همگنان ممتاز ساخته بود- با اطمینان و اعتماد کامل به دانش و بصیرت و هوشمندی همراه با امانت و صداقت و کارآیی که از آن برخوردار می‌باشید، شما را به سمت نماینده‌ی خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می‌کنم.

این واجب بزرگ که ذکر خداوند و انابه و استغفار در آن، با برائت و بیزاری از مشرکین و نمایش عظمت و وحدت مسلمین توأم و همراه است، امسال در شرایطی انجام می‌گیرد که مع‌الاسف بخشی از سرزمین‌های اسلامی عربستان و عراق، به حضور و

تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادر کشی‌های بی‌سابقه‌یی در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه‌دار می‌سازد، و حج باید بر دلهای خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را- که همانا اتحاد و همبستگی ملتهای مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهانخواران و غارتگران ثروتهای مادی و معنوی مسلمین است- به آنان نشان دهد.
حضور جناب‌عالی که یادگار عزیز و گرانقدر امام المجاهدین و خود از شخصیتهای برجسته‌ی انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه‌ها و ترفندهای استکباری می‌باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و به حق جمهوری اسلامی را بی واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده‌ی دنیای کنونی و منطقه‌ی اسلامی مطلع شوند.
لازم است جناب عالی کلیه‌ی دستورات حضرت امام خمینی قدس سره را در احکام صادره به نمایندگان محترم ایشان در حج سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و با دقت و تمام امکان به آن عمل نمایید، وبالخصوص مسلمین را به وحدت کلمه و دفاع از اسلام و مبارزه با ائمه‌ی کفر و سردمداران ظلم و فساد جهانی و متجاوزین به حقوق کشورها و ملتهای ضعیف و دست نشاندگان آنان توصیه کنید و از وقایع ظالمه و خونینی که در فلسطین و عراق و لبنان می‌گذرد، آنان را آگاه سازید.
همچنین ضروری است که در هر فرصتی، همه‌ی حجاج، بالخصوص حجاج عزیز ایران را به ذکر و خشوع و تضرع و تقویت علقه‌های معنوی و رابطه با حضرت باری تعالی و تقدس متذکر فرمایید.
اکنون در آستانه‌ی فصل مبارک حج، یاد شهیدان مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی- که داغ آنان از دل زدوده نشده و نخواهد شد- دل را می‌گدازد و اشک بر دیده جاری می‌سازد. امید است که حج ناتمام آن مظلومان، به لطف خدای عزیز و

قدیر، به کمال و تمام حج همه‌ی مسلمین بینجامد و خون به ناحق ریخته‌ی آنان، تقاص همه‌ی خونهای به ناحق ریخته‌ی جهان اسلام را در پی داشته باشد.
لازم می‌دانم از جناب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای کروبی- رییس محترم مجلس شورای اسلامی- که با توجه به مسؤولیت سنگین خود در کشور، امکان ادای این مسؤولیت را نداشتند، به خاطر زحمات بی‌دریغ در حج سالهای گذشته تشکر کنم و توفیق جناب عالی و کسانی را که در این امر خطیر همکار و دستیار شما خواهند بود، از خداوند مسألت نمایم.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّه
بیستم ماه رمضان 1411 برابر با هفدهم فروردین ماه 1370
علی حسینی خامنه‌ای

ص: 50
انتصاب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری‌شهری

حکم انتصاب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای‌محمّدی ری‌شهری به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(6/ 2/ 1370 ه. ش.)

بسم‌اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجّت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محمدی ری‌شهری- دام بقائه-

بر آشنایان معارف اسلامی پوشیده نیست که فریضه‌ی حج بیت‌اللَّه از جمله‌ی تکالیف نادری است که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی، به شکلی باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانیده شده و درست گزاردن آن می‌تواند او را به توفیقات بزرگی در همه‌ی عرصه‌های مادّی و معنوی نایل سازد.

در این فریضه‌ی بزرگ، سیر آفاق با سیر انفس، ذکر و خشوع و انابه و استغفار با سعی و حرکت و وقوف و برائت، اتحاد و رفق و تراحم مؤمنان با هشدار و بیزاری و پرهیز از کافران، «از سراب خود رو بر تافتن» با «در اقیانوس جمع فرو رفتن»، «درد خود را به طبیب القلوب گفتن» با «طبیبانه از درد مسلمین جهان پرسیدن» و خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، همسنگ و همعنان گردیده‌اند. این تنوع و پیچیدگی، همواره ایجاب کرده است که به منظور هرچه بهتر و کاملتر برگزار شدن حج، همه ساله هدایت و زعامتی، خیل حاجیان بیت‌اللَّه را سرپرستی کند و به آنان در سیراب گشتن از این سرچشمه‌ی فیض الهی یاری رساند.

اکنون که حجاج ایرانی به فضل و توفیق الهی و تحت عنایت و به برکت دعای حضرت ولی‌اللَّه الاعظم(روحی فداه) بار دیگر با رفع موانع، توفیق آن یافته است که در این میعاد عام مسلمین شرکت کرده، لوای حج ابراهیمی را برافرازد، جناب عالی را

که از چهره‌های سرافراز جمهوری اسلامی و دارای مواقف افتخار آمیز در طول سالیان گذشته و همواره کارگزاری امین و شجاع و کارآمد برای انقلاب و پیشوای عظیم راحل آن بوده‌اید، به سمت نماینده‌ی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می‌کنم.
انتظار می‌رود که حجاج محترم، با راهنمایی و ارشاد جناب‌عالی فرصت یابند به برکت مناسک و شعایر حج، دلهای خود را در زلال ذکر خدا تزکیه و تطهیر کرده، در کنار آن، با مشاهده‌ی شکوه جماعت مسلمین که از اقطار میهن بزرگ اسلامی به طواف کعبه آمده‌اند، فکر و ذهن خود را به عظمت اسلام و مسلمین متوجه سازند و قدرتی را که خداوند در ید واحده‌ی امت اسلامی به ودیعه نهاده است، به چشم ببینند.
غفلت مسلمانان از این نیروی لایزال، همواره موجب آن شده است که دشمنان اسلام و غارتگران ثروتهای مسلمین بتوانند حیله‌گرانه بر سرنوشت ملتهای اسلامی تسلط یابند و در این مقطع زمان، دست پلید اردوگاه کفر و استکبار و در رأس آن رژیم جبار و عنود امریکا، در سرزمینهای اسلامی با همین وسیله به هر تصرف دلخواه خود دست زده، در جان و مال مسلمین دست تطاول گشوده است.
در حج باید تا سرحد توان و امکان، پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد و ضمن استفسار از مسایل و حوادث آنان، حقایق مسلّم سیاسی که امروز در فضای جمهوری اسلامی بر اکثر یا همه‌ی مردم آشکار است، به آنان انتقال یابد و آیه‌ی کریمه‌ی ... لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ ... تحقق پذیرد.
مسلمین به اتحاد کلمه ترغیب و از کید دشمنان بر حذر داشته شوند و تجارب ملت انقلابی و فداکار ما برای آنان تشریح گردد.
لازم است همه‌ی دستورهای حضرت امام خمینی- قدس‌اللّه نفس الزّکیّه- را به نمایندگانشان در احکام صادره‌ی سرپرستی در سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و دقیقاً آنها را به اجرا در آورید؛ و بر مسؤولان حج؛ اعم از مدیران دولتی و روحانیون محترم و رؤسای کاروان‌ها و همه‌ی حجاج محترم لازم است که از راهنمایی‌ها و دستورات

جناب‌عالی پیروی کنند.
با دعا برای تعالی درجات روح مطهر امام عزیزمان و ارواح طیبه‌ی شهدای مظلوم حج و دیگر شهیدان راه حق، شما را به خدا می‌سپارم و توفیق شما و دیگر حجاج محترم را از خداوند مسألت می‌کنم.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه
یازدهم شوال 1411 برابر با ششم اردیبهشت ماه 1370
علی حسینی خامنه‌ای

ص: 53
سخنرانی در دیدار با حجةالاسلام والمسلمین ری‌شهری روحانیون و ...(1/ 3/ 1370 ه. ش.)

سخنرانی در دیدار با حجةالاسلام والمسلمین ری‌شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج

اشاره

(1/ 3/ 1370 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حج را مایه‌ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید

من هم از همه‌ی برادران و خواهرانی که در تدارک اسباب حج امسال زحمت کشیدند، از مسؤولان اجرایی در بخشها و دستگاههای مختلف، مخصوصاً از جناب آقای ری‌شهری که زحمت کشیدند و این کار بزرگ را تعقیب کردند و وسایل حج امسال این ملت عزیز و عظیم‌الشأن را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر می‌کنم.
ان‌شاءاللّه شکر و سپاس الهی و قبول ذات مقدس پروردگار آن‌وقتی خواهد شد که این مراسم بزرگ، آن‌چنانی که مورد رضای اوست و با همان جهتگیری که اسلام برای ما ترسیم کرده و امام عزیزمان تجدید نموده است، انجام بگیرد.
این وظیفه‌ی همه است که سعی کنند حج را مایه‌ی آبروی اسلام، و بخصوص برای ما ایرانیها، مایه‌ی آبروی امام قرار بدهند. همه‌ی آحاد برادران و خواهران مؤمنی که به حج می‌روند، جا دارد که حج را یک امر کاملاً شخصی به حساب نیاورند. یک‌وقت عبادت و واجبی برعهده‌ی کسی است، می‌رود انجام می‌دهد و برمی‌گردد؛ ولی قضیه فقط این نیست؛ این بخشی از قضیه است.

همه مراقب رفتار خودشان باشند

هرکدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می‌کنند، جزیی از یک حرکت عظیم و

از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزیی از این مجموعه به حساب بیاورند و آن‌گونه عمل کنند. پس، لازمه‌ی این احساس آن است که همه مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک- هرجا که هستند- رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه‌ی آبرو باشد.
همه باید این نکات را رعایت کنند؛ منتها هرچه به طرف مسؤولیت و معرفت بیشتر حرکت می‌کنند- که نوبت به امثال شما برادران و خواهران می‌رسد- باید بیشتر رعایت کنند. بعضی از عاداتی که در بین مردم هست، باید کم بشود و تحت‌الشعاع جنبه‌ی حج قرار بگیرد. نمی‌گوییم بعضی از خریدها بکلی موقوف بشود، لیکن در حدی باشد که مساسی با حیثیت جامعه‌ی انقلابی و ملت بزرگ ما پیدا نکند.
امیدواریم که ان‌شاءاللّه این سفر مورد توجه و نظر حضرت ولیّ‌عصر(ارواحنافداه) قرار بگیرد. همه‌ی شما، چه در آن‌جا و چه در هنگام اجرای مناسک، مشمول تفضلات آن بزرگوار باشید و بهره ببرید و ان‌شاءاللّه با اعمال مقبول الهی مراجعت کنید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 55
پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(26/ 3/ 1370 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(26/ 3/ 1370 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِیرَ. (1)

خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گردآمدن در خانه‌ی خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گلدسته‌ی تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بتهای جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه‌گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت‌اللّه را که سدنه‌ی کعبه و خدمه‌ی مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آنِ مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه‌رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت؛ حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل‌السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه‌ی خود به آن دچار می‌شوند؛ مانند: بیگانه‌گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و

1- حج: 27 و 28

غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدبینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره‌ی آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان دوباره‌ی اسلام و مسلمین، و بسی بیماریهای مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام‌براثر تسلط نااهلان وازخدا بی‌خبران بر زندگی‌سیاسی وسرنوشت‌مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرنهای اخیر، با حضور قدرتهای استعماری بیگانه در منطقه یادست‌نشاندگان فاسد ودنیاپرستشان، شکلی بحرانی وویرانگر به‌خود گرفته‌است.

حج؛ ذخیره‌یی تمام نشدنی

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره‌یی تمام‌نشدنی و چشمه‌یی همیشه‌جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالده قرارداد که درهرحال آن‌که بشناسد و قدرداند، توان استفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری‌های مهلک خواهد ساخت. و خدا را سپاس که بر ملت شایسته‌ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه‌ی مقصود را پس از سرزنش خارهای مغیلان بیابان طلب، به جام وصلی که شیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان بازداشته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمّدی(صلّی اللّه علیهما و آلهما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکووجهی پُر کرد؛ دل تفتیده‌ی مشتاقان مهجور و مصدود و محصور را با جرعه‌ی وصال آرامش بخشید و جان مبتهج از انوار معرفت و لبریز از شوق زیارت را لبیک اجابت گفت؛ بندگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده‌ی نصرت مؤمنان را انجاز کرد و خانه‌ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

پروردگارا! ...

پروردگارا! به این حاجیان مشتاق و سرازپانشناخته و پس از انتظاری جانگزا به خلوت دوست بار یافته، و به همه‌ی برادران و خواهرانی که از اقطار عالم به بارگاه عام

رحمت و غفران شتافته‌اند، نظری به لطف و رأفت بیفکن و دلهاشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و هدایت و کمک خود را شامل حال آنان کن و آنان را به عزمی راسخ بر اصلاح حال امت مسلح ساز و بر دشمنانشان پیروز فرما؛ آمین ربّ العالمین.
پروردگارا! بر ارواح شهدایی که در چهار سال پیش از این، در حریم امن الهی، هدف خصومت و کین قرار گرفته و زن و مرد و پیر وجوان، مظلومانه در عتبه‌ی خانه‌ی دوست به خون غلتیدند وکسان و عزیزان چشم‌انتظار خود را با جنازه‌های خونین خود از انتظار به درآوردند، رحمت و فضل خود را نازل فرما و ثواب حج تمام را به آنان که در حسرت آن به ملکوت پرواز کردند، عطا کن.
پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیا، آن انسان پرهیزگار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می‌جست و دوستی و دشمنیش به خاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت عبادتگران و کوشش تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته‌اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام حج ابراهیمی و بهره‌برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه‌ی عمل بپوشان.
پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه‌ی اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده‌ات، حضرت محمّدبن‌عبداللّه صلی الله علیه و آله نازل فرما، که راه راست را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل‌بیت طیب و معصومش، بویژه حضرت بقیّةاللّه‌الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین؛(عجّل‌اللّه‌فرجه‌و ارواحنافداه).
اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از «من» قومی و نژادی و فرقه‌یی، به «ما» ی اسلامی و قرآنی پیوسته‌اید، مناسب است مسایلی را در مدنظر داشته، درباره‌ی آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته‌ی تأمل و فکر و عمل سازید:

ص: 58

قدرشناسیِ حج بیت‌اللّه

1) اولین مطلب، قدرشناسی واجب بزرگ و پُر رمز و رازِ حج بیت‌اللَّه است. حج مظهر توحید، و کعبه خانه‌ی توحید است. این‌که در آیات کریمه‌ی مربوط به حج، بارها از ذکراللَّه سخن رفته، نشانه‌ی آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه‌ی ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائراللَّه حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «اللَّه» و طرد و نفی و برائت از «انداداللَّه» است. این است آن «ملت حنیف» ابراهیم علیه السلام؛ بت‌شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله‌ی تاریخ.
شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی‌شود. خانه‌ی خدا و حج باید در همه‌ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه‌ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزّی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه‌ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.
بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می‌شوند، بت‌قدرت امریکااست که همه‌ی شؤون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود- که نقطه‌ی مقابل مصالح مسلمین است- حرکت می‌دهد.
عبادت، همین اطاعت بی‌چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملتها تحمیل می‌شود و آنان با شیوه‌های گوناگون، به سمت آن سوق داده می‌شوند.
فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله‌ی دستهای استعماری در میان ملتها ترویج می‌شود، فرهنگ مصرف‌زدگی که روزبه‌روز زندگی ملتهای ما را بیشتر در لجنزار خود

فرو می‌برد، تا کمپانیهای غربی- که مغز و قلب اردوگاه استکبارند- بیشتر سود ببرند، سلطه‌ی سیاسی غرب استکباری که پایه‌های آن به وسیله‌ی حکومتهای دست‌نشانده و ضدمردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه‌یی شکل آشکارتری به خود می‌گیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت‌پرستی است که در ضدیت کامل بانظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است.
حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه‌ی توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبیّ مکرمش صلی الله علیه و آله، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است؛ وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِیمٍ. (1)
فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع‌الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک‌آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده‌اند، و توحید آنان فقط لقلقه‌ی زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده‌است.

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این‌که خداوند متعال همه‌ی مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند، به نقطه‌یی خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و

1- توبه: 3

سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه‌ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله‌ی مصیبت‌بار میان ملتهای مسلمان با دستگاههای حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز- یعنی احیای احساسات افراطآمیز ملی‌گرایی- این فاصله‌ی وسیع و عمیق میان ملتهای مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به‌جای آن‌که رقیب و معارض هویت واحده‌ی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه‌ی وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آن‌که هر قومیتی، وسیله و بهانه‌ی نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌یی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.
حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه‌ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته‌ی خدای بزرگ را که: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (1)
فراهم آورد.
تشکیل امت واحده‌یی که ناصیه‌ی عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه‌ی آن، نیل به همه‌ی کمالات

1- انبیاء: 92

فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریع شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند.
حج ابراهیمی و محمّدی(صلّی اللّه علیهما و آلهما)، بی‌گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین‌جهت در این عرصه‌ی عظیم، در همان حال که ذکر خدا: فَاذْکُرُوا اللَّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً (1)
و اعلام برائت از مشرکان: وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَرَسُولُهُ (2)
رکن حج محسوب می‌شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران- یعنی اجزای این امت واحده- جدایی و دشمنی بیافریند، نیز در حد اعلاست؛ تا آن‌جا که حتّی بگومگوی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی‌نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ. (3) آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان- یعنی دشمنان بنیانی امت واحده‌ی توحیدی- لازم می‌شود، جدال با برادران مسلمان- یعنی اجزای بنیانی امت واحده‌ی توحیدی- ممنوع و حرام می‌گردد، و بدین‌گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می‌یابد.

تدبر در رمز و رازهای حج

رازهظا و رمزهای حج، بسی بیش از آن است که در این‌جا بدان اشاره شد، و تدبر در این رازها- که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه‌ی مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است- افقی جدید در برابر حاجی می‌گشاید و او را به عالمی پُرتلاش و پُرحرکت و تمام‌نشدنی می‌کشد. اولین وظیفه‌ی هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته‌ی کار از این همه است، و نیز تأمل در این‌که چرا دستها و دستگاههایی سعی می‌کنند حج را برون از همه‌ی مفاهیم سیاسی و جمعیش و

1- بقره: 200

2- توبه: 3

3- بقره: 197

تنها به عنوان عبادتی یک‌بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی‌نمایانِ دین‌به‌دنیافروش که نام و شأن دینی آنان حکم می‌کند که مردم را به اینِ اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت درآورند، بعکس، با هرگونه روشنگری دراین‌باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟ و چرا بارها و بارها در بلندگوهایی اعلام می‌شود که سیاست در حج نباید دخالت کند؟
مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادّی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله‌ی دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته‌بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض‌ورزی و حسابگری‌های خباثت‌آلود جمعی دیگر قرارگیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می‌افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه‌گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل قدس سره بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده‌اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه‌ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین‌به‌دنیافروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

2) دومین مساله‌یی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مسأله‌ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته‌ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و افریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادّی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملتهای مسلمان- که هدف استعمارگران، مستقیم و غیرمستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این‌طرف بوده- به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته‌ی پُرشکوه کاملًا منقطع شوند و بدین‌گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده‌ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حیله، در زمینه‌ی کاملًا

مساعدی که تسلط حکومتهای فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه‌ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می‌شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دویست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره‌ی گسترده و بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروتهای زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتّی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه‌ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی- که از جمله‌ی آن، رشد علمی و فرهنگی است- باز داشتند.
یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده‌ی ضعف روحی و مادّی آن و مداقه در نظامهای سیاسی و وضع دولتهای اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می‌سازد که از مهمترین علتهای این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملتها از گذشته‌های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرنها می‌تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد. آن مجد و شکوه تاریخی، در آغاز با قیام للّه‌و جهاد مخلصانه برای خدا و عمل به احکام آزادیبخش و زندگی‌ساز اسلام و به برکت حرکت مسلمین در صدر اسلام و در غربت روزهای مکه و جهاد دوران مدینه، پایه‌گذاری شد. مولود مبارکی که «جامعه‌ی اسلامی» نامیده می‌شود، به برکت جهاد و مبارزه‌ی حجاز توانست به جوانی نیرومند و هوشمند بدل شود و سپس در طول قرنها توانست مشعل علم و معرفت و درفش قدرت و سیاست را بر سر جهانیان بگستراند. آن عظمت، از عظمت مبارزه‌ی مکه و مدینه سرچشمه گرفت.

اکنون این‌جا- مکه و مدینه- پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی است بر جماعتی مؤمن و مقاوم، که به برکت ایمان و عمل به آیات الهی، توانستند از خاک

مذلتی که بر آن آرامیده بودند، برخاسته و قد علم کرده و آزادی شایسته‌ی انسان را برای خود تدارک دیده و پرچم آزادی بشریت و نجات انسان از سلطه‌ی امپراتوری‌های زر و زور آن دوران را برافرازند و با نور معرفتی که از قرآن سرچشمه می‌گرفت، پایگاه عظیم دانش بشری را پدید آورند و خود قرنها بر منبر بلند علم و معرفت بشری قرارگیرند و سخاوتمندانه به همه‌ی بشریت بیاموزند و گرانبهاترین آثار علمی را طی قرنهای متمادی پدید آورند و سرنوشت جهان بشریت را با علم و سیاست و فرهنگ خود رقم بزنند. اینها همه از برکات تعالیم خالص اسلام و حکومت الهی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و برهه‌یی از صدر اسلام بود که علی‌رغم تسلط و رشد شجره‌ی خبیثه‌ی حکومتهای سلطنتی و رجعت از دوران توحیدی، باز تا قرنها ثمرات خود را به مسلمین می‌چشانید و آنان و همه‌ی بشریت را کامیاب می‌کرد. هر وجب از این خاک و این سرزمین، یادآور خاطره‌یی از دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یاران فداکار و نورانی اوست. در این سرزمین بود که اسلام طلوع کرد و پرچم جهاد برافراشته شد وآزادی بشریت ازهمه‌ی غل وزنجیرهای جاهلیت رقم خورد.
امروز که ملتهای مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه‌ی جهان اسلام، به بیداری و قیام للّه‌گراییده‌اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته‌ی نورانی و معجزنشان، با دوران قیام للّه‌و مبارزه‌ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند. خاطرات اسلامی در این سرزمین، برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفابخشی است که او را از ضعف و زبونی و یأس و بدبینی نجات می‌دهد و راه دستیابی به هدفهای اسلام را- که همیشه برای هر انسان برخوردار از عمق و حکمت، هدف زندگی و تلاش است- نشان می‌دهد.

در این‌جا بود که پیامبر عظیم‌الشأن با یاران مخلص خود، سیزده سال همه‌ی سختیها را به جان خریدند و مرارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دوانید. و در این‌جا بود

که پس از سالهای مصیبت‌بار زندگی در شعب ابی‌طالب، پس از شکنجه‌ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیّه و عبداللّه‌بن‌مسعود و دیگران، پس از راهپیمایی طولانی و پُرمشقت و بی‌حاصل رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پُربرکت به مدینةالرسول صلی الله علیه و آله پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد.
در این‌جا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. این‌جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال‌دوستی و غنیمت‌طلبی ناکامی آورد. این‌جا آیه‌آیه‌ی قرآن نازل شد و خشت‌خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبه‌ی اسلامی، کار گذاشته شد.
مسلمان با تدبر در این گذشته و زیستن در لحظه‌لحظه‌ی آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می‌یابد، راه زندگی و هدف آن را می‌شناسد، به خطرات راه پی می‌برد، فردای این حرکت را بالمعاینه می‌بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می‌سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می‌آید؛ و این همه، از برکات حج است.
از آنچه گفتیم، می‌شود فهمید که چرا استعمارگران دیروز و سردمداران سلطه‌ی استکبار جهانی امروز، این همه از پیوند فکری و عاطفی مسلمین با گذشته‌ی خود بیمناک و با آن در ستیزند. آری، این پیوند با گذشته است که حال و آینده را رقم می‌زند.

ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته‌ی افتخارآمیز خود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام این‌که ملت ایران درصدد است جامعه‌یی بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگانشان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه‌پرست و روبه‌گذشته و عناوینی از این قبیل، بشدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از این‌که ایران اسلامی می‌خواهد پایبند به سنتهای گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظامهای مرتجع و مستبد و پایبند سنتهای پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچگاه به آن نامها مورد

تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت‌انگیز آن‌که رادیوهای رژیمهایی که در آن از ابتدایی‌ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه‌ی غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می‌شود و مردم در حساس‌ترین مسایل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره‌آمیز خود به خنده انداختند!
آری، استکبار و دارودسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از این‌که کشوری در اعماق کهنه‌پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود، سر کند، ولی درهای خزاین مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون‌خواهی و سلطه‌طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملتها به گذشته‌یی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا (1)
را به آنان بیاموزد، کریمه‌ی وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِینَ (2)
را بر آنان فرو خواند، خطاب وَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ (3)
را به گوش و دل آنان برساند، فرمان إِنِ الْحُکْمُ إِلَّا لِلَّهِ (4)
را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه‌طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌یی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند.

1- نساء: 141

2- منافقون: 8

3- نساء: 75

4- يوسف: 40

ص: 67

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام للّه‌بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت‌گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه‌ی دینی و نظام توحیدی، تبرّی نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند که: وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لَا النَّصاری حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (1)
و قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنَّ أَکْثَرَکُمْ فاسِقُونَ (2)
و فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَکٌ (3)
و وَمانَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْیُؤْمِنُوا بِاللَّهِالْعَزِیزِ الْحَمِیدِ. (4) در حج، در مدینه و مکه، در احد و منی و حرا، در این سرزمین که قدم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنجها و دربه‌دریها و مبارزات و خون دلها بوده و در قدم‌به‌قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته‌ها به تدبر بپردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه‌ی آن، نتیجه و سرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوّه‌ی خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَ لَنْ یَتِرَکُمْ أَعْمالَکُمْ. (5)

3) موضوع مهم دیگری که حجاج بیت‌اللّه به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن

1- بقره: 120

2- مائده: 59

3- هود: 12

4- بروج: 8

5- محمّد: 35

بپردازند، مسایل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر حج کنگره‌ی عظیم سالیانه‌ی مسلمانان سراسر جهان است، بی‌گمان فوری‌ترین دستور این کنگره، مسایل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسایل، در تبلیغات استکباری به گونه‌یی مطرح می‌شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود، و نه اگر در آن حادثه سوء نیت و سوء عمل استکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشا گردد، و یا به طور کلی مطرح نمی‌شود. حج جایی است که باید این خیانت تبلیغاتی افشا، و حقیقت آشکار شود و زمینه‌ی آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید. اینک فهرستی از حوادث مهم جهان اسلام را به عرض برادران و خواهران مسلمان می‌رسانم:

فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام

الف: مهمترین مسأله‌ی امروز، مسأله‌ی فلسطین است که در نیم‌قرن اخیر همواره مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام و شاید مهمترین مسأله‌ی بشریت بوده است. این‌جا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غصب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده‌یی سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه‌ی التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ این‌جا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی‌درپی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده‌های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. ... و این است خبر تازه‌ی امروز.
اکنون اوضاع آشفته‌ی جهان اسلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی‌مهار امریکا، زمینه‌ی مساعدی برای تهاجم کینه‌ورزانه‌ی دولت غاصب فراهم ساخته، که با پشتگرمی به حمایت شیطان بزرگ- که حقاً خطرناکترین دشمن اسلام و مسلمین است- آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان

ساختن آن نمی‌کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشی از بهای کمکهای غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقال فلاشه‌های اتیوپی که قرار است خدمت به صهیونیست‌های امریکایی و اروپایی غاصب فلسطین را بکنند و اخیراً یهودیان هند؛ شهرک‌سازی در بخشهای غصب‌شده‌ی اخیر فلسطین و حتّی احتمالاً در بخش اشغال‌شده‌ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاحهای کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاحهایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملات هوایی روزمره و متناوب به جنوب لبنان و بمباران غیرنظامیان فلسطینی و لبنانی؛ سختگیری روزافزون نسبت به شهروندان عرب فلسطینی- یعنی صاحبان آن سرزمین- و انجام جنایتبارترین و وحشیانه‌ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه‌ی سیاسی، در برابر عقب‌نشینی روزبه‌روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان‌دادن زبونانه‌ی برخی از سیاستمداران عرب، چهره‌ی مهاجم به خود گرفتن و حتّی فکر تشکیل کنفرانس بین‌المللی و یا منطقه‌یی، هر یک را به نوعی رد کردن، و بالاخره پیشنهاد تشکیل دولت فلسطین در گوشه‌یی از سرزمین فلسطین را که محصول عقب‌نشینی و ذلت‌پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت ردکردن. اینها مجموعه‌یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی‌ستیزان صهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم‌ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته‌یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.

شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسلامی منطقه پدید آورده و ذخیره کرده‌اند و برآنند که این خنجر مسموم را همواره در پهلوی جهان اسلام نگاهدارند؛ و امروز شیطان بزرگ، سررشته‌ی این سگ دست‌آموز را در دست دارد. پس، تعجبی نیست که نقض مکرر قوانین بین‌المللی، نقض مداوم حقوق بشر- آن هم به فجیعترین

شکل- تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم‌ربایی به گونه‌ی آشکار، تهیه‌ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها- که هریک در هریک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه‌ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه‌یی عظیم تلقی می‌شود- از صهیونیست‌ها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه‌ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برنیانگیزد.

بدین‌ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ- که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست- نشان نمی‌دهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می‌خورد؛ و من نمی‌دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم ننگ‌آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟

علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می‌توانند با کمکهای حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده‌تر سازند، و نیز می‌توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه‌ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست های قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده، گواه صادقی است بر این‌که ملتها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند.

ب: مسأله‌ی دیگر، حرکتهای اسلامی در برخی از کشورهای عربی و افریقایی است. این یکی از مژده‌بخش‌ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوانهایش، با

روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه‌ی پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.
برادران و خواهران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که بخش عمده‌یی از فشار مشترک شرق و غرب بر ایران اسلامی، چه در دوران جنگ‌تحمیلی و چه قبل و بعد از آن، بدین خیال باطل بود که با شکست جمهوری اسلامی در ایران، تجربه‌ی حرکت اسلامی در چشم مسلمانان سایر کشورها ناکام جلوه کند و برق امیدی که از پیروزی انقلاب در ایران، دلهای آنان را روشن ساخته بود، نیروی آنان را در این راه مبارک به کار نیفکند. امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که می‌خواهد انقلاب اسلامی را در ایران، راکد و متوقف و رسیده به بن‌بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم‌الشأن آن قدس سره و آشتی‌جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل قدس سره بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی- که جدّی‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی است- وارد می‌کردند.

یادآوری چند نکته به ملّتهای اسلامی و رهبران آنها

خدا را شکر که هیچیک از تلاشهای استکباری- چه عملی و چه تبلیغاتی- کارگر نیفتاد و شعله‌ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره‌ی مصمم و تسلیم‌ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکتهای عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می‌شود. لیکن این‌جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه‌ی خود می‌دانم به این ملتها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم:

اولاً، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه‌ی بی‌صبری یا بی‌بصیرتی حرکت را تهدید می‌کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.
ثانیاً، حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیرکشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم‌پذیری توده‌ها و دیگر بدبختیهای ملتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه‌ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف‌بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه‌ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.
لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه‌ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.
ثالثاً، دشمن می‌کوشد با جوسازی و حیله‌های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی برحذر دارد، و شاید برخی از ساده‌دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن امریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه‌ی این‌جانب، اجتناب جدی از این مصلحت‌اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی‌هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه‌ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبارآلود نسازید.
رابعاً، اسلام وحرکتهای اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی- یعنی آن‌جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدفهای امریکا و دیگر مستکبرین است- از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار برحذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت‌گیریشان متهم کنید و هرگز درصدد جلب کمک آنان نباشید.
خامساً، از تجارب حرکتهای دیگر اسلامی در سایر کشورها و وضع کنونی آنان بی‌خبر نمانید و علی‌رغم میل استکبار، با آنان ارتباط بیابید.

و بالاخره سادساً، آیه‌ی شریفه‌ی وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا (1)
را که توصیه‌ی تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه‌ی آن را نصب‌العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

ج: یکی دیگر از مسایل کنونی جهان اسلام، مسأله‌ی عراق و وضع مصیبت‌بار و گریه‌آور ملتی است که بر اثر سوء نیت و سوء تدبیر زمامدارانش، علاوه بر اختناق و حکومت پلیسی شدید، و پس از این‌که از ده سال پیش به این طرف، به جنگ غیرعادلانه با همسایگان خود مجبور گشته و به خاطر تدابیر ابلهانه و جاه‌طلبانه‌ی سرانش، هزاران هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانش، در بمبارانها و تخریبها به قتل رسیده، یا داغدیده و یا مجروح و معلول و بی‌خانمان شده و بخش عظیمی از ثروت ملی و تاریخی‌اش نابود شده، اکنون از سوی همان زمامدارانی که مسبب همه‌ی این مصایب بوده‌اند، به صورت مستقیم تهدید می‌شود و با بمبارانها و سلاحهای دسته‌جمعی و شیمیایی، قتل‌عام و آواره و نومید از زندگی می‌گردد.
هنگامی که ارتش عراق برای ارضای جاه‌طلبی و افزونخواهی سران رژیم آن کشور، به کشور کویت حمله و آن را تصرف کرد و بهانه‌یی نقد به دست امریکا برای حضور بی‌سابقه‌ی نظامی و بالطبع نفوذ شوم سیاسی و اقتصادی در منطقه‌ی خلیج فارس داد و منطقه‌ی خلیج فارس از هر دو طرف- رژیم عراق و متحدین غربی- به آتش کشیده شد، کسانی از مسلمین غالباً از روی ساده‌اندیشی خیرخواهانه، و شاید معدودی از سر بدخواهی و حسابگرانه، به جمهوری اسلامی مصرانه پیشنهاد می‌کردند که به کمک رژیم بعثی عراق شتافته، به سهم خود ابعاد جنگ را گسترده‌تر سازد. این نظر، البته برخلاف اصول مسلّم اسلام بود که جهاد را فقط در راه گسترش دین خدا، یا دفاع از

1- آل‌عمران: 103

ملتهای مستضعف و یا دفاع از دولت اسلامی واجب می‌شمرد؛ و نه در دفاع از رژیمی مهاجم و اشغالگر و قدرت‌طلب، آن هم با ایدئولوژی حزب بعث که رسماً و علناً منکر و معرض دین و معنویت است، آن هم با سوابق ظلم و فساد و اختناق و نسل‌کشی که رژیم عراق در آن دارای وضعی استثنایی است، و بالخصوص رژیمی که سابقه‌ی تسلیم و فرمانپذیریش در برابر قدرتهای سلطه‌گر را ایرانیان در طول هشت سال جنگی که به خواست استکبار و با سلاح و کمک همه‌جانبه‌ی آنان بر نظام اسلامی تحمیل کرد، بخوبی دریافته‌اند.
آری، اسلام دفاع از چنین رژیمی را جهاد نمی‌شمرد و آن را جایز نمی‌داند؛ لیکن این پیشنهادکنندگان بعضاً تحت تأثیر اظهارات ریاکارانه و فرصت‌طلبانه‌ی مسؤولان ویرانی عراق، که در برهه‌یی کوتاه برای جلب نظر ساده‌لوحان، بدروغ دم از اسلام و مقدسات دینی می‌زدند و بعضاً با اعتراف به خباثت و فساد و ظلم سران آن رژیم، دفاع از ملت عراق را انگیزه‌ی خود از این پیشنهاد می‌دانستند، ما به آنان یادآوری می‌کردیم که کمک به مردم مظلوم عراق واجب است، اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه‌ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست؛ بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.
اکنون با تسلیم و فرار مفتضحانه‌ی رژیم و ارتش عراق در برابر امریکا و متحدین غربی و قبول همه‌ی شرایط مستکبران، آن رژیم توانسته خود را برای مدت نامعلوم دیگری بر سریر حکومتی بی‌افتخار و قدرتی ذلت‌آمیز تأمین کند؛ و در این حال، باز مردم عراق- این ملت مظلوم که سالهاست گروگان رژیمی خشن و ظالم و فاسد و شکنجه‌گرند- باید علاوه بر تاوان جنگی که فقط به هدف افزونخواهی سران رژیم بر آنان تحمیل شده، غرامت شکست و ذلت و عقده‌های حقارت آن رژیم را نیز بپردازند.
همان رژیم و ارتشی که بیش از صد ساعت نتوانستند با دشمنان خارجی که به داخل خانه‌ی آنان آمده بودند، بجنگند و از مرگ نترسند، اکنون بیش از صد روز

است که به جان ملت عراق افتاده، خانه‌ها را ویران، شهرها را بمباران، عتبات عالیات را هتک، مردم را از وطن آواره، علما و بزرگان را دستگیر و بسیاری را شکنجه و ملت را قتل‌عام می‌کنند. در شمال، کردها و در جنوب، اعراب را طوری کشتند و زدند و دربه‌در کردند و به عزای عزیزان نشاندند که واقعاً در مورد هیچیک از جنایتکاران شناخته‌شده در روزگاران اخیر ما نشنیده و گمان نبرده‌ایم. با مردم عراق رفتاری کردند که انسانهای باوجدان با حیوانات نمی‌کنند.
کردهای شمال عراق بر اثر اخم و تهدید امریکا و دولتهای غربی، فعلًا وضع بهتری دارند، تا بعدها چه پیش آید؛ اما شیعیان جنوب که به دلایل متعدد، مورد بغض و کینه‌ی امریکا و متحدینش می‌باشند- و دلیل عمده آن است که داعیه‌ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در آنان هست- همچنان در تهدید دایم و مورد بلا و مصیبت دایم از سوی رژیم ضد دینی و طغیانگر و نسل‌کش عراقند. این، تصویر ساده‌یی از وضع عراق است که گفته شد؛ ملتی ستمدیده و مظلوم و بی‌پناه با دست خالی در برابر حکومتی بس خشن و بی‌اعتنا به همه‌ی معیارهای اسلامی و انسانی و بین‌المللی و بی‌باک در ریختن خون مردم و ظلم به مردم. ... و صدای یاللمسلمین آن مردم بلند است. و در همین چند روز، علایم آشکار محاصره و حمله‌یی خونین به صدها هزار نفر فراریانی مشاهده شد که از بیم ارتش، به مرداب‌های میان بصره و عماره و ناصریه پناهنده شده‌اند و زن و مرد و کودک بیمار و- بنا بر خبر- بعضاً وبا زده و دچار بیماریهای واگیر می‌باشند. غرب و بخصوص امریکا، جز نقل بعضی خبرها، آن هم کوتاه و بی‌کشش، هیچ کمکی نکرده‌اند و آنان تنها امیدشان به خداست و به توده‌های مسلمان، که البته می‌توانند حداقل به شکل اعتراض به این اعمال، آنان را یاری دهند.

د: مسأله‌ی بعدی، وضع مسلمانان کشمیر است. دولت هند، با استفاده از اشتغال دنیای اسلام به مسایل حاد ماههای اخیر، که موجب غفلت عمومی از وضع آن برادران جداافتاده و مظلوم شده، حداکثر فشاری را که توانسته، بر آن مردم وارد آورده و جان و

مال و حتّی- بنا بر نقل- ناموس آنان را مورد تعرض و تاراج قرار داده است. این‌جانب اکنون درصدد آن نیستم که در ماهیت مسأله‌ی کشمیر قضاوتی بکنم- و مطلعین می‌دانند که‌این، یکی از زخمهای کهنه‌یی است که‌انگلیسی‌های استعمارگر درهنگام‌خروج اجباری خود از هند، بر پیکر شبه‌قاره وارد کرده و به وسیله‌ی آن از مسلمانان هند بزرگ انتقام گرفتند- سخن ما آن است که دولت هند در برخورد با این مسأله، از ابزارهای خشن ونامناسب استفاده کرده و با اطمینان به این‌که دولتهای بزرگ و سازمان‌های مدعی‌حقوق بشرهیچ دفاع واقعی از مسلمانان نخواهند کرد، به روشهای غیر انسانی متوسل شده است.
ملتهای مسلمان باید بدانند که مسلمان کشمیری از آنان متوقع آن است که از او دفاع کنند، و این وظیفه‌ی اسلامی و برادرانه‌ی مسلمین است، و دولت هند اگر تصور کند که می‌توان آن جمع کثیر از مسلمانان را بدون هیچ عکس‌العمل از سوی مسلمین جهان، برای همیشه تحت فشار نگهداشت، بی‌شک در اشتباه است.
در همین‌جا لازم است درباره‌ی اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپایی اشاره شود که فشار وارد بر مسلمانانی که مایلند هویت اسلامی خود را حفظ کنند، افشاگر ماهیت دموکراسی و آزادی‌یی است که غرب پیوسته از آن دم می‌زند! حساسیتهایی که بعضی دولتهای اروپایی در برابر ساختن مسجد، یا تشکیل اجتماعات اسلامی، یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می‌دهند یا در مردم برمی‌انگیزند، باید مسلمانان را به مواضع واقعی آن دولتها نسبت به اسلام آشنا سازد. اینها از جمله‌ی مسایل مهمی است که مسلمانان جهان باید درباره‌ی آن بیندیشند و از آن برای معرفت به وظیفه‌ی خود در این روزگار بهره گیرند.

ه: یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله‌ی اختلافات فرقه‌یی میان مسلمین است.
این البته مسأله‌ی تازه‌یی نیست و اختلافات و نزاع و بعضاً زدوخورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه‌یی، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است؛ لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر

آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌یی آن- و نه اسلامی به معنای عام- معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمداللّه با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه‌ی مردم از همه‌ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه‌به‌گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده می‌شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه‌یی بهت‌انگیز از آن دفاع کرده‌اند- زبان می‌گشاید و قلم می‌راند. یا در کشور مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می‌کنند و کتاب و مقاله می‌نویسند، تا شیعه و تشیع اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.
ما همه‌ی اینها را به حساب امریکا و دستیاران و مزدورانش می‌گذاریم و دامن ملتها و علمای راستین اسلام را از آن پاک می‌دانیم؛ لیکن این از جمله مسایلی است که باید با هوشیاری مسلمین حل شود و مجال تاخت‌وتاز به دشمنان اسلام داده نشود.

و: آخرین سخن، مسأله‌ی بسیار مهم سلطه‌ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش‌ازپیش سیاسی و اقتصادی و حتّی نظامی آن در این

کشورهاست. این ابرقدرت ظالم و سلطه‌طلب، پس از تحولات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظامهای الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با امریکا فرو افتاد، درصدد است که سراسر جهان و بخصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه‌ی نفوذ بی‌رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از- به اصطلاح- جنگ سرد، به جنگ همه‌جانبه‌یی با بیداری اسلامی- که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است- کمر بسته است.
این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهانخواری، می‌کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه‌ی مراکز حساس و ثروت‌خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه‌تر از پیش ادامه دهد. اگر این رؤیای شوم به تحقق بپیوندد، روزگار سیاهی بر ملتهای این منطقه خواهد گذشت که در گذشته نظیر نداشته است.
رژیم امریکا، اینک از هر وسیله‌یی برای رسیدن به آن هدف شیطانی استفاده می‌کند و متأسفانه جهالت و غرور و قدرت‌طلبی حکام عراق- که زمینه‌ی آن را هم کمکهای قبلی امریکا و غرب به عراق فراهم کرده بود- اوضاعی را در این منطقه به وجود آورد که عواقب تلخ و دردناک آن را همه کم و بیش می‌دانند؛ و از جمله تبعات آن، یکی این است که امریکا به تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در بخش مهمی از این منطقه مبدل شده و دولتهای منطقه را مرعوب خود ساخته است؛ و این تهدیدی بزرگ برای موجودیت اسلامی، بلکه کیان انسانی در این منطقه و در هر منطقه از جهان که چنین اتفاقی بیفتد، به شمار می‌آید.
امروز به جز اسلام و انسانهای مؤمن و مصمم، هیچ نقطه‌ی امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست. و خدا را سپاس که امروز خورشید منور اسلام حیاتبخش، دوباره بر دل و جان انسانها تابیدن گرفته و بسیاری ملتهای مسلمان در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا مبارزه را آغاز کرده‌اند. این، حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه‌ی شیطانی

امریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد؛ کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِی. (1) ملتها و دولتها در قبال روحیه‌ی گرایش به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله- اسلامی که سرلوحه‌اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه‌ی شیاطین از زندگی ملتهاست- به یک اندازه مسؤولند. دولتهای اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه‌مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملتها و کشورها و قدرت دولتها را تأمین می‌کند.
از خداوند متعال، بیداری همه‌ی مسلمانان عالم و شرف و عزت و رهایی آنان از چنگال استکبار و پیروزی آنان در مصاف دشمنان خدا را مسألت می‌کنم.
پروردگارا! پرتو قرآن و اسلام را بر دلهای مسلمین مستدام بدار و رحمت و فضل خود را بر آنان نازل کن؛ آنها را تأیید بفرما و دلهاشان را با امید و ایمان مستحکم بدار؛ قلب ولیّ‌اللَّه‌الاعظم(ارواحنافداه و عجّل‌اللَّه‌فرجه) را از ما شاد و دعایش را در حق ما مستجاب کن؛ حج حاجیان و تلاش تلاشگران راه خودت را به نیکی مقبول فرما؛ دلهای مسلمین را روزبه‌روز به هم نزدیکتر و عوامل تفرقه را نابود فرما؛ ارواح مطهر شهدای راه حق و جسم و جان آسیب‌دیدگان این راه را مشمول رحمتت بفرما. پروردگارا! از هر حرکتی که در سراسر جهان برای حاکمیت دین تو انجام می‌شود، حضرت امام خمینی- آن بنده‌ی صالح و برگزیده‌ات- را جزای خیر عنایت کن. آمین ربّ العالمین.
والسّلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمةاللَّه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
سوم ذی‌الحجةالحرام سال 1411 هجری قمری
مصادف با بیست‌وششم خرداد سال 1370 هجری شمسی

1- مجادله: 21

ص: 80
بیانات در دیدار با اعضای بعثه‌ی حج و ...(23/ 4/ 1370 ه. ش.)

بیانات در دیدار با اعضای بعثه‌ی حج، به همراه حجةالاسلام والمسلمین محمّدی ری‌شهری، نماینده‌ی ولّی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

اشاره

(23/ 4/ 1370 ه. ش.)
بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود

در ابتدا باید به ناتوانی و عجز خودمان از ادای شکر حضرت باری‌تعالی اعتراف کنیم، که هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود. همینی هم که خدای متعال بحمداللّه مردان لایق و کارآمدی را بر اداره‌ی این مراسم برانگیخت، خود از الطاف باری‌تعالی بود. واقعاً به مردم ما یک عیدی داده شد و دست شفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولیّ‌عصر(ارواحنافداه) بر سر این مردم کشیده شد، که بعد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سزاوار بودند که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.
ماها می‌دانیم، برادران دست‌اندرکار هم همه می‌دانند که ایشان در سال آخر حیات نورانی و مبارکشان، خیلی به فکر حج بودند و خیلی مایل بودند که این مسأله انجام بشود.
البته مقدر نبود که این کار در حیات آن بزرگوار انجام بشود، ولی بحمداللّه در این زمان شد؛ خدا را سپاسگزاریم. خودمان را کوچکتر از آن می‌دانیم که در این باران رحمت الهی، برای خویش کمترین نفعی قایل باشیم. امیدواریم که خداوند این زحمات فراوان را از شماها قبول کند و فضل و رحمت خود را همواره بر سر این مردم مستمر و جاری بدارد.

ص: 81

تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج

واجب و لازم است که من به عنوان یک فرد کوچک و خدمتگزار، از برادران عزیزی که در این کار از جان و فکر و وجود خودشان مایه گذاشتند و در این خدمت بزرگ همگانی نقش ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ از برادر عزیزمان جناب آقای ری‌شهری، تا بقیه‌ی آقایان علمایی که تشریف دارند، جناب آقای جمارانی، تا برادران حج و زیارت، جناب آقای رضایی، و سایر کسانی که به نحوی دست‌اندرکار این قضیه بودند؛ هم در بخش اداری و تشکیلاتی و سیاسی و مدیریتی و تدارکاتی- که بخش واضح و بارزی است- و هم در بخش آن ظرافتها و محتواهای بسیار مؤثر- اگرچه در میدان ارزیابی کم‌نمود است- و نیز آن کسانی که همفکری کردند، آن کسانی که کارهای زحمتدار را انجام دادند- که جناب آقای پورنجاتی به بعضی از آنها اشاره کردند- همچنین کسانی که آن نوشته‌ها را منتشر کردند، آن عکس مبارک حضرت امام قدس سره را کشیدند- که جناب آقای ری‌شهری برای من نقل کردند، حدود دوازده روز، و هر روز چندین ساعت، یک نفر در آن فضای بسته خودش را مصروف این معنا می‌کرد، تا این عکس را زیبا از کار دربیاورد و جلوی چشم مردم رهگذر قرار دهد- کسانی که آن پلاکاردها و تابلوها را درست کردند، آن ماکت قدس را ساختند، و خلاصه این‌که نوشتند، کشیدند، ساختند، پرداختند، واقعاً میلیونها لحظه‌ی فعال دست به هم دادند، هزاران فکر صائب و هزاران نیروی مفید در کنار هم قرار گرفتند، تا توانستند این محصول را برای عالم اسلام فراهم کنند. خدا را شکر می‌کنیم و شماها را سپاس می‌گوییم.

امیدواریم که هر کدامتان هر مقداری که تلاش داشتید- که خدای متعال به آن اعلم و اعرف است و ما کوچکتر از آن هستیم که بخواهیم در این زمینه‌ها اظهار اطلاع بکنیم؛ شما خودتان بهتر از ما می‌دانید- ان‌شاءالله خداوند به شما پاداش بدهد و توفیقاتتان را اضافه کند و از شما قبول نماید.

ص: 82

برنامه‌ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد

آن چیزی که من مفید می‌دانم عرض بکنم، این است که حج حادثه‌یی است که هر سال یک بار اتفاق می‌افتد؛ اما از آن حوادثی است که می‌سزد اگر یک سال یک جمع عاقل، عالم، هوشمند و توانا، برای آن چند روز برنامه‌ریزی و تلاش کنند. بله، من این حرف را که در گزارش آمده بود، قبول دارم که برنامه‌ریزی خوب، در صحنه‌ی عمل خودش را نشان می‌دهد؛ اگرچه هیچ سالی را با سال دیگر نمی‌شود مقایسه کرد و هر سالی مسایل خودش را دارد. امسال مسایل خاصی بود، شکل خاصی بود و مهره‌های سیاستهای جهانی، ترکیب خاصی داشتند. شما از این فرصت استفاده کردید و این حضور را به این شکل نشان دادید؛ سال دیگر نمی‌دانیم که چگونه است. این‌طور نیست که هر سالی قطعاً بتواند الگوی سال دیگر بشود؛ نه، ممکن است سال بعد حادثه‌ی کوچک یا بزرگی اتفاق پیدا کند که کل هندسه‌ی این صحنه و عرصه‌ی ترسیم‌شده را عوض کند.

آن‌وقت این مجموعه، مرکز و شعاع دیگری پیدا خواهد کرد. برنامه‌ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزییات هم فرض بشود، خوب و لازم است؛ منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد، تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

باید ببینیم حج از ما چه می‌طلبد

آنچه که مهم است، این است که ببینیم حج از ماچه می‌طلبد. ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، باعظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن‌جا هستند، نیست؛ بلکه‌کل دنیای‌اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه‌های خودشان می‌روند و خبری از حج می‌برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته‌اید.
مسلمانان همه در حج بودند و شما آن‌جا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ (1)
ایجاب می‌کند، انجام بدهید، تمام

1- حج: 78

دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله‌ی دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه‌یی داشته باشیم و بتوانیم آن را درِ خانه‌ی این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ بخصوص که منطقه، منطقه‌ی عجیبی است. آن‌جا زمینها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می‌شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمینها را ببوسد. این‌جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، کف پای سلمان به همین زمینها خورده است. این وادیهای مختلف مکه، این شِعبها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد.
اصلًا محوطه، محوطه‌ی عجیبی است؛ مثل این‌که از عالم دیگری آورده‌اند و در این دنیای ما گذاشته‌اند؛ برای ما این‌گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شمایید که باید وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ (1)
باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید.
این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گل سرسبد جماعی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبانها بیاید و احیاناً بعضی بر زبانها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخها را به صورت جزوه، کتاب، انسانِ آماده‌ی به حرف، و تماسهایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.

امسال من داعی بیشتری بر استطلاع از مسایل حج داشتم و زیاد سؤال می‌کردم.

1- حج: 78

برای من از معنویت حجاج ایرانی در حج تعریف می‌شد؛ شاید سالهای دیگر هم همین‌طور بوده است. برادران نقل می‌کردند که نیمه‌شبها عده‌ی زیادی از ایرانیها در گوشه و کنار مسجدالحرام و یا در عرفات ایستاده بودند و نماز شب می‌خواندند، یا حال توجه داشتند. اینها خیلی مهم است. من خودم در حج مجموعه‌یی را دیدم که یک حال معنوی داشتند. وقتی فهمیدم متعلق به کدام کشورند، در احساس و درک من نسبت به مردم آن کشور اثر گذاشت. سالها هم گذشته، اما این قضیه از یادم نمی‌رود.
ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می‌کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته‌یی را از ایرانیها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد.
این قدمی نیست که بگویم برداشته بشود، تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه، همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد. بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملتهای مسلمان، این مسأله‌ی اساسی و مهم وجود دارد.

در ایام حج، تأثیرات زیادی می‌شود روی ذهنها گذاشت

اما از دید همان صدوبیست هزار نفری هم که خودمان برمی‌داریم می‌بریم یک مسأله‌ی مهم است. صدوبیست، سی هزار، صدوپنجاه هزار، ان‌شاءالله در آینده دویست هزار نفر زن و مرد و پیر و جوان را برای مدت بیست یا بیست‌وپنج روز، در حساسترین مناطقی که می‌شود انسان حرفی را مؤثر در ذهنها فرو کند، به ما می‌سپارند. این، فرصت بسیار استثنایی و خیلی عجیبی است. وقتی که یک مشت آدم را در مدت یک هفته به اردویی می‌برند، می‌گوییم برای تأثیرگذاری عجب میدان خوبی است. این اردوی صدوپنجاه هزار نفری را به دست ما سپرده‌اند و ما داریم آنها را می‌بریم؛ تأثیرات زیادی می‌شود روی ذهنها گذاشت. بحمدالله ما سرمایه‌های گرانقدری هم داریم؛ آقایان اهل علم، صاحبان فکر، صاحبان زبانها یا روشهای مؤثر. با این دید نگاه کنیم که ما یک عده را به اردو برده‌ایم و می‌خواهیم روی اینها اثر بگذاریم، و وقتی که برمی‌گردند، منقلبشان کرده باشیم؛ که حج هم اصلاً برای منقلب شدن است. حج باید ما را معنوی کند. وقتی برمی‌گردیم، واقعاً باید معنوی شده باشیم. هر کس برمی‌گردد،

بایستی کأنه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه‌ریزی مفصلی بشود. ...
ما باید از همه‌ی مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده بکنیم. مثلًا ببینیم در عرفات چه استفاده‌یی می‌توان کرد. منظورم صرفاً استفاده‌ی سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده‌ی سیاسی و انقلابی است و هرچه می‌شود، باید استفاده کرد. یا مثلًا در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده‌یی می‌توان کرد. در بحبوحه‌ی اعمال حج، چه استفاده‌هایی می‌توان کرد. بعد از ایام حج- که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه‌اند- چه استفاده‌هایی می‌توان کرد.
یعنی ما باید برای دانه‌دانه‌ی اینها برنامه داشته باشیم. نمی‌گویم که از امسال تا سال آینده این برنامه‌ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می‌کردند

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج- یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم- خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می‌داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم- یعنی سال 41- به حجاج پیام می‌دادند. بعد از آن مبارزات اولیه‌ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن‌که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله‌یی شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه واقع شد، که فاصله‌ی تلخی بود؛ تحرک بود و تلاش بود و خطر، و ما نمی‌دانستیم که چه کار می‌خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهاوندی- از شهدای حزب جمهوری اسلامی- و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان می‌رسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته‌ام! معلوم شد که ایشان

برای حج اعلامیه نوشته‌اند و فرستاده‌اند. یعنی در سال 41 که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت می‌دادند ....

یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص

شنیدم که بحمداللّه بازرسیها و گزارش‌گیریهای خوبی هم انجام گرفته است.
بخشهای گوناگون قاعدتاً نواقصی داشتند؛ هیچ کاری بی‌نقص نیست. یکی از کارهای اساسی که ان‌شاءاللّه بایستی خود جناب آقای ری‌شهری و برادران همکار ایشان دنبالش بروند، رفع جدی نقایص است. ببینیم در کدام بخش، کجای کار نقیصه وجود داشته است، آن نقیصه را باید برطرف بکنیم؛ هیچ ملاحظه‌کاری هم نباید انجام بگیرد. در این بخش، این برنامه‌ریزی شده بود، این مدیریت بود، این نقص را داشت؛ به هر قیمتی که هست، باید این نقص را برطرف بکنیم، تا ان‌شاءاللّه روزبه‌روز کامل بشود.
من مجدداً روی نوشته و جزوه و کتاب تکیه می‌کنم. ... باید کتابها و جزوه‌هایی نوشته بشود، پاسخهایی روشن به سؤالهای مقدر داده بشود؛ هر روز هم سؤالی وجود دارد. بعضی از سؤالها همیشه تکرار می‌شود؛ لیکن بعضی از سؤالها موسمی و وابسته‌ی به حوادث جاری است. بایستی این سؤالها با بهترین بیان، با زیباترین ترجمه و با چاپ مناسب آماده شود و در اختیار باشد و ان‌شاءاللّه در آن‌جا داده بشود.
بار دیگر از جناب آقای ری‌شهری و بقیه‌ی برادران عزیز که واقعاً همه زحمت کشیدند و من از مجاری اموری که هست، بی‌اطلاع نبودم- هم در خلال کار می‌فهمیدم، هم بعداً برادرانی که آمدند، نقل کردند- می‌دانم که چه‌قدر بیدارخوابی، چه‌قدر زحمت، چه‌قدر تلاش انجام گرفته، تا آن‌که این کار به این خوبی بحمداللّه ظاهر شد. از همه‌ی آنها صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم که خدای متعال خودش همه‌ی شما را مأجور و مثاب و موفق بدارد.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 87
بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده‌ی «کنگره‌ی حج»(16/ 2/ 1371 ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده‌ی «کنگره‌ی حج»

اشاره

(16/ 2/ 1371 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز و مسؤول در این امر عظیم و این تکلیف الهی بزرگ. همه‌ی ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که بحمداللّه این توفیق را بار دیگر به ملت ما ارزانی فرمود که بتوانند در موسم عظیم حج و در محشر بزرگ مسلمین عالم، در جایگاه مناسب خود قرار بگیرند و قیام و دعوت به حق کنند و قولاً و عملاً، راه را برای مسلمانان عالم، روشن و واضح کنند. این، توفیق بزرگی‌ست که انقلاب به ما ارزانی داشت. رهبری آن انسان بزرگ زمان ما و آن بقیّه‌ی اولیای خدا و قدرت معنوی او و عنایات الهی و توجهات ولیّ‌عصر، ارواحنافداه، این توفیق را به ملت ایران بخشید؛ و بحمداللّه دوباره از سال گذشته، این توفیق به ملت ایران داده شد.

ما نمی‌توانیم همه‌ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم

در باب موضوع حج، مطالب زیادی در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب از زبان امام بزرگوار قدس سره، و دیگر صاحبان معرفت شنیده و خوانده‌ایم. لکن حقیقت این است که حج، از آنچه که گفته‌ایم و شنیده‌ایم، باز هم بزرگتر است؛ و ابعاد مختلف این تکلیف و واجب الهی آن چنان است که اگر سالها درباره‌ی آن فکر و عمل کنیم و بیاموزیم و به

دیگران یاد بدهیم، باز هم بعید است که توانسته باشیم همه‌ی خصوصیات این واجب بزرگ را کشف و بیان کنیم. ما به قدر توان و ظرفیت خودمان چیزی می‌فهمیم و چیزی می‌گوییم و چیزی عمل می‌کنیم.

خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان‌سازی

دو نکته‌ی اساسی در حج هست، که یکی مربوط به شخص هر زایر و هر حاجی است، و یکی هم مربوط به مجموعه‌ی مسلمین و سیاست دنیای اسلام و جهتگیری امت اسلامی‌ست. نکته‌ی اول، از این جهت حایز اهمیت است که اگر آن نباشد، کار دوّمی هم چندان درست نخواهد انجام گرفت. کار سیاسی و فریاد سیاسی، در دنیا زیاد است. آن فریادی که در دلها اثر می‌کند، جوامع را عوض می‌کند، دشمن را حقیقتاً می‌ترساند و راه را واقعاً روشن می‌کند، فریادی‌ست که از روی ایمان و از دلِ با تقوا و از انسان عاملِ صالح ناشی شده باشد؛ همان‌طور که در انقلاب اسلامی ایران مشاهده شد. پس، خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان‌سازی و ایجاد تحول و پیمودن راههای دشوار است. لذاست که در آیات کریمه‌ی حج، از ذکراللّه و استغفار و بازگشت به خدا، مکرر سخن رفته است.

حج، یک هجرت است

حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیّت ماست، هجرت از آن زندانی‌ست که ما را احاطه کرده، و گوهر یکدانه‌ی بی‌نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگه‌داشته است. حج، هجرت از خودپرستی‌هایی‌ست که از هوا و هوس ناشی می‌شود؛ هجرت از خودخواهیهایی‌ست که ما را از خدا دور می‌کند؛ هجرت از طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌هایی‌ست که زندگی انسانها را از هم جدا می‌کند و فقیر و غنی، شریف و وضیع، بزرگ و کوچک- بر طبق معیارهای عامیانه‌ی مردمی- را به هم نزدیک می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد، و وجه مشترک همه‌ی انسانها، یعنی عبودیت را در همه زنده می‌کند.

ص: 89

درحج، عبودیت را در خود تقویت کنیم

اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم.
هجرت الی‌اللَّه کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار بدهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می‌خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهانی را که مرتکب می‌شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است، و به خدا نزدیک شده‌اید.» معیار، اینهاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن؛ از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها دور شدن؛ مثل قطره‌ای، در دریای فضل و رحمت الهی خود را غرق کردن. و این، اساسی‌ترین کارهاست. «علیکم أنفسکم.» خودتان را دریابید.
چیزی که جای ایثار ندارد، این است. آنجا که هرکس در درجه‌ی اول باید به فکر خودش باشد، اینجاست! نزدیک شدن به خدا؛ توجه پیدا کردن به خدا؛ باور کردن رحمت و فضل خدا؛ به زبان صادقانه با خدا سخن گفتن؛ کنار گذاشتن دنیا و زخارف دنیا و مادیات و ارزشهایی که اطراف ما مثل پیله‌ی کرم ابریشم می‌تند تا آن نفس ملکوتی را از بین ببرد و خفه کند. اصل، اینهاست. وقتی که انسان با دلی پاک و روحی تائب با خدای متعال روبه‌رو شد، آن مراسم عظیم را انجام داد، حقیقتاً به خدا بازگشت، حقیقتاً به خدا هجرت کرد، حقیقتاً در مقابل پروردگار عالم تضرّع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می‌شود.

ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهمترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز بشود و بایستد و مقاومت کند و سختیها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقیّ زکیّ واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با خدا یک طور مشی کرده باشد. خیر! او هر روز در هر برهه‌ای از برهه‌های حیات، از

برهه‌ی قبل بهتر بود؛ باکیفیت‌تر بود، ودر آن، به خدا نزدیک‌تر بود. این را انسان به خوبی احساس می‌کرد؛ و اینها واقعیتهایی‌ست.

به سمت حیات معنوی حرکت کنیم

چرا می‌بینیم در گوشه و کنار دنیا، این همه سرمایه‌گذاری‌های مردمی، گاهی به هدر می‌رود، و حضور قوی مردمی نتیجه‌ی مطلوب نمی‌دهد؟! چرا می‌بینیم در مقابل نهیب قدرتهای بزرگ، گروهها و افراد، دل و زهره‌ی ایستادن پیدا نمی‌کنند؟ چرا می‌بینیم هیبت مستکبرین، جای هیبت خدا را در دلها می‌گیرد؟! چرا به جای اینکه از خدا بترسند، از دشمنان خدا می‌ترسند و عقب می‌نشینند و مغلوب می‌شوند و سرمایه‌گذاری‌ها را بر باد می‌دهند و خونها ضایع می‌شود؟! برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ. (1) تأسفی هم وجود ندارد.
وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خشنودیم. چون برای خدا کار کرده‌ایم. چون وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم. چون ادای تکلیف کرده‌ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدت و در قضایای مختلف، هرگز متأسف نبود؛ هرگز ناامید نبود، و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هر کس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است. ما باید خودمان را علاج کنیم. باید متحول بشویم. باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم.
این، علاج همه‌ی دردها در دنیا و برای همه است.

حج، یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و

1- یونس: 62

وابستگیها وطبقه‌بندی‌ها وخطکشی‌ها و همه‌ی آن چیزهایی که او را از معنا دور می‌کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می‌کند، جدا شود؛ دور بشود، و به خدا نزدیک شود.
این، یک فرصت است. نه اینکه همه، این کار را می‌کنند. نه اینکه همه، این توفیق را برای خودشان فراهم می‌کنند یا از آن استفاده می‌کنند. ولی باید سعی بکنیم. این، اصل قضیه است؛ که وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ. (1) اسم و یاد خدا را همواره باید در نظر داشته باشیم. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه‌ی خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حساس و تا پایان کار، دایماً یک چیز به یاد حاجی و زایر خانه‌ی خدا باید باشد؛ و آن اینکه رضای الهی را کسب کند؛ از گناهان توبه کند؛ از آنچه او را از خدا دور می‌کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می‌کند. «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَةِ.» یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می‌کند. به انسان فتوح می‌بخشد. زنگارها را از جلو بصیرت انسان پاک می‌کند، و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان راحت‌تر می‌کند. این، همان موضوع اساسی در جنبه‌ی فردی این مسأله است؛ هیچ چیز جای این را نخواهد گرفت.

مسلمان‌ها باید یکدیگر را بازیابند

نکته دوم در باب مسأله‌ای‌ست که به امت اسلام مربوط است. خوب، حج جای تزاور است: تشاور، تزاور، تعاهد. مسلمانها باید یکدیگر را باز بیابند. نه فقط اجسام یکدیگر را، بلکه دلها و فکرهای یکدیگر را. ملتهای گوناگون باید شکل امت اسلامی را در آنجا پیدا کنند، احساس وحدت کنند، مشکلات بین خودشان را برطرف سازند، از مشکلاتِ هم مطلع شوند، و مسائل اساسی امت اسلامی را جستجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است ...
برای امت اسلام، منفعتی بالاتر از این نیست. اگر حجّاج بتوانند در این مراسم یا در هر مراسمی در اکناف عالم، میلیاردها تومان پول پیدا کنند، ارزش این را ندارد که بتوانند در حج یک گره از گرههای عمده‌ی دنیای اسلام و امت اسلامی را باز کنند. امروز گره

1- حج: 28

چیست؟ امروز گره اساسی در زندگی مسلمانها، تسلط استکبار جهانی است. و برائتی که شما اعلام می‌کنید، برای این است. یک روز برائت از مشرکینی بود که لات و منات و هبل و عزّی را می‌پرستیدند، اما امروز برائت از سردمداران کفر جهانی و استکبار جهانی‌ست. امروز مظهر شرک و کفر، اینها هستند. آن روز اگر برائت از شیطانهایی بود که به شکل بتهای بی‌جان یا بتهای جاندار کم‌ارزش و کوچک ظاهر می‌شدند، امروز برائت از شیطان بزرگ است؛ برائت از امریکاست؛ برائت از قدرت و هیمنه‌ی شیطانی است؛ برائت از آن بلایی‌ست که بر همه‌ی مسلمین عالم و بر غیر مسلمینْ از ملتهای مظلوم و مستضعف نازل شده است؛ یعنی قدرت استکباری عالم. این، مهمترین کاری‌ست که یک ملت، بخصوص یک ملت مسلمان- اگر بخواهد علاج و چاره‌جویی کند- باید انجام بدهد و مدّ نظر داشته باشد.

برائت، روح حج است

برائت، حقیقتاً از ارکان حج است؛ بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می‌شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد. برائت، این است. امروز شما به صحنه‌ی عالم نگاه کنید و ببینید در دنیا چه خبر است! البته قوام تخت قدرت مشئوم استکباری، فقط به امریکا و رژیم امریکا نیست. اما مهمترین پایه‌ی آن، امروز رژیم امریکاست. ملتها اسیر این رژیم‌اند. ملتها گرفتار این سیاستهایند. ببینید امروز با مسلمین عالم چه می‌کنند! اگر در هر نقطه از جهان حرکت و تپش نبضی از اسلام یا از مسلمین باشد- حتی بدون جهتگیریهای مترقی اسلامی- با آن مقابله می‌کنند؛ با آن روبه‌رو هستند و با آن دشمنی می‌کنند. مسائل فلسطین اشغالی را ببینید! قریب چهل‌وچهار- چهل و پنج سال است که سرزمین فلسطین را با این سرکوب وحشیانه، از مسلمین غصب کرده‌اند. با این همه حرکات ضد بشری که از سوی رژیم غاصب صهیونیستی انجام می‌گیرد، با این همه گناهان و خلافهای بَیّن، که هر انسانی را دچار انزجار می‌کند، امریکا از پشتیبانی خود از این رژیم دست برنمی‌دارد. روزبه‌روز پشتیبانی خودش را از آن بیشتر می‌کند. این، به

چه معناست؟! کدام تضییع حقوق انسان، از این بالاتر است!؟ آن وقت، امریکاییها ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنند؛ درباره‌ی حقوق بشر سخنرانی می‌کنند؛ حرف می‌زنند؛ سیاستگذاری می‌کنند، و موضعشان را نسبت به رژیمها معین می‌کنند. فلان رژیم در لیست سیاه آنهاست، چون به قول آنها «مراعات حقوق بشر را نمی‌کند»! فلان رژیم امروز از لیست سیاه خارج شد! فلان رژیم امروز وارد لیست سیاه شد! اینها، دنیایی را دارند بازی می‌دهند. افکار عمومی عالم را دارند با این ملعبه به تمسخر می‌گیرند، و بشریت را استهزا می‌کنند. برای انسانها بلایی از این بالاتر!؟ درباره‌ی جمهوری اسلامی حرف می‌زنند و گاهی در خلال حرفهایشان می‌گویند که شرط رابطه‌ی ما با جمهوری اسلامی این است که حقوق بشر را رعایت کند! خیلی فرق است بین آن حرفی که ما می‌زنیم و آن حرفی که امریکاییها می‌زنند! ما می‌گوییم آن کسی که باید برای روابط شرط معین کند، شما نیستید. ملت ایران با شما دشمن است. از شما به سبب گناهان بزرگی که بر دوش رژیمتان است، متنفر است. حالا می‌گویند که اگر چنین بشود و چنان بشود، ما رابطه برقرار می‌کنیم! ما رابطه برقرار نمی‌کنیم! ما تا وقتی که شما این همه در دنیا ظلم می‌کنید، تا وقتی که از رژیم غاصب اسرائیل حمایت می‌کنید، تا وقتی رژیمهای فاسد را در دنیا پشتیبانی می‌کنید، تا وقتی با رژیمهای طرفدار مردم و طرفدار استقلال، دشمنی می‌کنید، حاضر نیستیم به طرف شما نگاه کنیم. این شما نیستید که شرط معین می‌کنید!

می‌گویند «ما طرفدار حقوق بشریم»! ما می‌گوییم: اصلًا شما حقوق بشر را قبول ندارید. شما معتقد به حقوق بشر نیستید. شما معتقد به حقوق کمپانیها و سرمایه‌داران بزرگ امریکایی هستید. شما معتقد به منافع نامشروع رژیم امریکا در سراسر دنیا هستید.
شما به حقوق بشر کار ندارید! آن دیروزتان، این امروزتان! این قضایای داخل امریکا و مسأله‌ی سیاهان! دهها میلیون، شاید پنجاه میلیون یا بیشتر- الآن درست در ذهنم نیست- از سیاهان امریکا از حقوق انسانی محروم‌اند. در داخل شهرهای امریکا و در زیر سایه‌ی حکومتی که خود را پرچمدار حقوق بشر می‌داند و انسانهای عاقل و هوشمند دنیا را به

لبخند تمسخر وادار می‌کند، این هزاران انسانی که در سی و چند شهر امریکا در همین روزها سربلند کردند و خشم خود را ابراز کردند، به چه کسی اعتراض داشتند جز به شما؟! به سبب تضییع حقوقشان از که شکایت داشتند؟! شما شهروندان خودتان را فقط به این جرم که پوستشان سیاه است، زیر پاهایتان لگدمال می‌کنید؛ آن وقت دم از حقوق بشر می‌زنید؟! شما سالهای متمادی در مناطق گوناگون عالم، انسانهای مظلوم را ذبح کردید.
در ویتنام چه کردید! چندصد هزار از نیروهای امریکایی به ویتنام رفتند برای دفاع از یکی از فاسدترین رژیمها. رژیم آن روز ویتنام جنوبی، طرفدار حقوق بشر بود یا یکی از فاسدترین رژیمها بود؟! لشکرکشی کردند و رفتند آنجا. نه فقط مسلّحین مقابل خودشان، بلکه زن و بچه‌ها را کشتند. چقدر از بچه‌ها را نابود کردند! چقدر از زنها را نابود کردند! چقدر مزارع و کشاورزان را از بین بردند و کشتند، و گروههایی را در زیر خروارها خاک مدفون کردند! اینها حقوق بشر است؟! در همین ایران، سالهای متمادی از رژیم ظالم، فاجر و خشن پهلوی حمایت کردند. شاه، طرفدار حقوق بشر بود، که با همه‌ی امکانات از او حمایت می‌کردید؟! از همین صدام حسین که امروز و از مدتها بیش تا امروز، صفحات مجلات و تبلیغات امریکایی پر است از بیان خشونتهای او، چقدر حمایت کردند؟! به او کمک کردند، به او فناوری دادند، پول دادند، مواد غذایی دادند؛ و در مقابل جنایات بزرگ او، دم نزدند! جلو چشم مردم همه‌ی دنیا، شهر حلبچه بمباران شد؛ بمباران شیمیایی! زن و مرد و کوچک و بزرگ، در یک لحظه، با بمباران شیمیایی و باران زهری که بر سر آنها فرو ریخت، در میان کوچه‌ها و خانه‌ها افتادند و از بین رفتند. امّا اینها، دم نزدند. اینها حقوق بشر بود؟! کدام آدم عاقلی در دنیا به این پرچم حقوق بشری که اینها بلند کرده‌اند باور دارد!؟ چقدر ساده‌لوح‌اند آن دولتهایی که با این شعارها، از حرف خودشان عقب‌نشینی می‌کنند و مواضعشان را از دست می‌دهند! چرا؟ چون تبلیغات امریکایی این‌طور می‌گوید! غلط می‌کند این‌طور می‌گوید! اینها خودشان بزرگ‌ترین مجرمین دنیایند. اینها روسیاه‌ترین سردمداران سیاسی عالم‌اند. اینها چه حقی دارند نسبت به این و آن حرف بزنند!؟ حربه‌ای ساخته‌اند برای کوبیدن هر دولت و هر حکومتی که آن را قبول نداشته باشند؛ حالا یا حق، یا باطل.

ص: 95

ملت اسلام باید اینها را بداند. ملتها باید در این زمینه تصمیم‌گیری کنند. ملتها باید در مقابل این زورگویی‌ها بایستند. دولتها ایستادگی نمی‌کنند. دولتها نمی‌توانند ایستادگی کنند. متأسفانه بسیاری از دولتها در دنیا، به خاطر انقطاع از مردم، قدرت ایستادگی ندارند. آنکه باید بایستد؛ آنکه اگر ایستاد هیچ قدرتی نمی‌تواند با او پنجه پنجه بیندازد، ملتها هستند. ملتها باید بایستند. ملتها این چیزها را در کجا باید بفهمند، جز در حج!؟ پیام برائت، یعنی این. پیام برائت، یک حرکت بزرگ اسلامی‌ست. شرکت در پیام برائت و در اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی‌ست. هیچ کس نباید از حضور در این حرکت عظیم انسانی اسلامی- الهی و سیاسی، سر باز بزند. این، روح و معنای حج است. آن جنبه‌ی جهانی حج؛ آن چیزی که مربوط به سرنوشت امت اسلام است، این است. حج برای این است. اینکه گفتند «در یک روز معیّن و در روزهای معیّن- فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ- در ساعات معیّن و حتّی در جایی معیّن در یک نقطه‌ی محدود، از تمام اقصی نقاط عالم جمع بشوند»، برای چنین چیزی است. والّا می‌گفتند «در ایام حج، هر کس در خانه و شهر خود، اجتماعی برقرار کند: ایرانیها در ایران، عراقیها در عراق، حجازیها در حجاز، هندیها در هند، چینیها در چین، اروپاییها در اروپا.» چرا گفتند «همه راه بیفتند»؟- یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (1)
-. چرا؟ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. (2) آن منفعت، این است. «منافع لهم» برای همه‌شان، برای مجموعشان و برای امت اسلام. حج برای این است. آن وقت بعضی آدمهای ساده‌لوح، سؤال می‌کنند که «آقا! دلیل برائت چیست؟» توقع دارند که در رساله‌ی عملیه نوشته باشند «برائت»! همه‌ی حج، فریادبرائت است. همه‌ی احکام حج حاکی از وجود چنین جهتگیری‌ای است. آن کس که نمی‌فهمد، باید ذهن و فهم خود را تصحیح کند.

1- حج: 27

2- حج: 28

ص: 96

این است معنای برائت. و من به برادران عزیز- چه شما مسؤولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی- توصیه می‌کنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولاً و عملاً نشان بدهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم. این‌جور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم‌اهمیت، برادران از هم جدا شوند و هر کس یک جور عمل کند. اینجاباید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. امام قدس سره توصیه کردند، امر کردند که «در نمازهای جماعت شرکت کنید.» بنده هم عرض می‌کنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی‌ست و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید. یکپارچگی را با عمل خودتان و با نظم و انضباط، بر محور همین دستگاهی که امروز متصدی‌ست، ندا کنید.
من لازم است از برادر عزیزمان جناب آقای ری‌شهری، به خاطر حسن اداره‌ی این امور و این تشکیلات، و همچنین از همه‌ی شمادست‌اندرکاران و همه‌ی برادرانی که از ماهها پیش، بلکه از سال قبل، در ستاد و در دستگاههای گوناگون مشغول انجام امور حج بوده‌اند و کمک و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کردند، تشکر کنم. از همه باید تشکر کنم.
عمل به این برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، مستلزم آن است که ملت ایران مظهر این نظم و انضباط باشد. امیدواریم خدای متعال تفضل کند و وجود مقدس ولیّ‌عصر، ارواحنافداه، لطف و عنایت خود را شامل حال شما کند. ان‌شاءاللّه از برکات وجود و حضور آن بزرگوار، در مراسم حج برخوردار باشید؛ و از معنویات آن ولی الهی بهره‌مند شوید. و ان‌شاءاللّه که شما برادران و خواهران مسلمان، بخصوص برادران وخواهران ایرانی، با حج مقبول، با توجه به خدا، با حضور قلب، با دلهای رقیق شده و به خدا نزدیک شده و دلهای پاک شده و گناهان دور ریخته و ثواب و فضیلت کسب شده، از این سفر پربرکت برگردید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(13/ 3/ 1371 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(13/ 3/ 1371 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ
والحمدللّه ربّ العالمين والصّلاة والسّلام على سيّدنا و نبيّنا محمّد و آله الأطيبين الطاهرين قال اللّه الحكيم:
وَ إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيراً.
مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

شکری به وسعت دریای رحمت حق

اکنون که موسم حج فرا رسیده و نغمه لبیک بر آمده از دلهای مشتاق، فضای حریم امن الهی را انباشته است و ملتهای مسلمان، از آفاق گسترده‌ی جهان، به میعاد ذکر و استغفار و قیام و اتحاد شتافته، و برادران مهجور، به یکدیگر رسیده‌اند، جبهه‌ی سپاس و خضوع به ساحت خدای عزیز و حکیم سوده، حمدی به عظمت صفات حسنی و شکری به وسعت دریای رحمت حق، نثار حریم حضرت احدیت می‌کنم، که یکبار دیگر به مسلمین مشتاق، توفیق این فریضه را عطا فرمود، و یکبار دیگر پرچم عزت و عظمت را بر فراز سر مسلمانان در خانه‌ی امن خود برافراشت و یکبار دیگر حجاج ایرانی را بر این سفره‌ی رحمت و عظمت نشانید. زبان و قلم از توصیف و تقدیر این نعمت بزرگ، قاصر است، خدا کند که نور معرفت بر دلهای روشن شما حج‌گزاران بتابد و حقیقت، بی‌واسطه‌ی حرف و گفت، در جان مشتاق شما متجلی گردد.

ص: 98

حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان

نکته‌ی مهمی که این‌جانب می‌خواهم به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید بگویم این است که حج، نعمتی الهی است که بر نسلهای مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می‌کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می‌گیرد که این همان عذاب شدید الهی است که: وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ.
گرفته شدنِ حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی‌شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروههای بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره‌مند شوند که: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. خوب است به درستی بیندیشیم، آیا جهان اسلام توانسته است از منافع حج برخوردار شود؟ و اساساً این منافع چیست؟

منافع حج درست برای مسلمانان

حج درست می‌تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه‌ی بتهای درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوسهای پست‌کننده و قدرتهای اسیرکننده‌ی آدمی‌اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع‌ناپذیر می‌سازد.
و نیز حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده‌ی امت اسلامی، پیکره‌یی واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرفها و دردها و پیشرفتها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را متبادل سازد.
اگر حج با توجه به این هدفها و نتایج برنامه‌ریزی می‌شد، و در این برنامه‌ریزی دولتها و علما و صاحبنظران و روشنفکران جهان اسلام، همکاری می‌کردند، ثمرات گرانبهایی نصیب امت اسلامی می‌گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرأت می‌توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنانکه شریعت اسلام خواسته است

مورد بهره‌برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است خواهد رسانید.

فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه‌ی الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله‌ی زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت‌آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه‌ی عمل بر همه‌ی ملتهای مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه‌ی علمای دینی و روشن‌بینی و مساعدت دولتمردان همه‌ی کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه‌ی بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

اکنون بجاست که با استفاده از این فضای معطر اخوت و به عنوان ادای بخشی از وظایفی که حج بر دوش ما می‌نهد، نگاهی به جهان اسلام افکنده و موقعیت آن را با توجه به حوادثی که پس از حج گذشته تا امروز در سراسر جهان پیش آمده، برآورد نماییم و وظایف خود را در این مجموعه باز یابیم.
حوادث یکسال گذشته از جمله‌ی مجموعه حوادث نادری است که کمتر زمانی به این کوتاهی را در تاریخ به یاد داریم که این همه حوادث بزرگ را در خود جای داده باشد.
در رأس این حوادث، فروپاشی ابرقدرت شرق و نابودی قدرت غول‌آسایی است که دهها سال، یکی از دو سلطه‌ی عظیم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی جهان، به شمار می‌رفت. اضمحلال امپراتوری پهناوری با قدرت نظامی افسانه‌یی و دسترسی به سلاح اتمی و همه‌گونه وسیله و امکان برای سلطه و نفوذ در دیگران، در محاسبات معمولی و

مادی در شمار کارهای محال است. اما این حادثه اتفاق افتاد و نادرستی محاسبات مادی یکبار دیگر ثابت شد.
گسیخته شدن بلوک شرق، دگرگونی فاحش جغرافیایی سیاسی در اروپا، سر برآوردن ملتها و کشورهایی که سالیان متمادی بزور و غصب، در تصرف بیگانگان یا زیر نفوذ آنان بودند، نیز از جمله‌ی این حوادث شگفت‌آور است.
به همین اندازه جالب و هیجان‌انگیز است پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و به قدرت رسیدن ملتی که چهارده سال با غُربت و مظلومیت و فقر مادی ولی با ایمان عمیق به اسلام، بار جهادی پر مرارت را بر دوش کشید، و نیز پدید آمدن چند کشور مسلمان مستقل در آسیای میانه با ملت‌هایی که علیرغم تبلیغات زهرآگین هفتاد ساله‌ی کمونیستها و علیرغم تلاش پس‌مانده‌های آن دوران که هرگز با اسلام آشتی نکرده‌اند و نخواهند کرد، ندای اسلام سرداده و به مسلمانی خود افتخار می‌کنند و در پی تحقق بخشیدن به احکام اسلامی هستند و نیز پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی که هم اکنون موجب دغدغه‌ی دولتهای اروپایی شده است.
و نیز از نوعی دیگر، پیروزی گروههای اسلامی در الجزائر در انتخاباتی آزاد و با روش منطبق بر معیارهای دموکراسی که مایه‌ی امید و تفاخر همه‌ی مسلمانان و حاکی از عمق ایمان اسلامی در آن ملت مجاهد و مجرب بود، و در عظمت آن همین بس که قدرتهای ضد اسلامی و مرتجعین منطقه را به یک اندازه مشوش کرد، تا آن‌جا که با کودتای مزورانه، بر روی آن حرکت اسلامی سرپوش نهادند و فعلًا آن را مهار کرده و به بند کشیده‌اند، و البته هر روشن‌بین به وضوح درمی‌یابد که تا زمان درازی نخواهند توانست به این وضع ادامه دهند.
باری، سال گذشته‌ی ما سرشار از چنین حوادث کم‌نظیر و شگفت‌آور بود، و به جز آن، رشد حرکت‌های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرتهای قُلدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم بخصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه نیز از ممیزات برجسته‌ی این سال بود.

ص: 101

وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین

این حوادث مهم و عبرت‌انگیز که بسیاری از آنها بی‌واسطه یا با واسطه از اسلام، متأثر بوده است، برروی هم وضعیت جدیدی را برای اسلام و مسلمین به وجود آورده که وظیفه‌ی همه‌ی ملتهای اسلامی است آن وضعیت را درست بشناسند و بدون فوت وقت نسبت به آن، موضعی یکپارچه و متین و منطبق با محاسبه اتخاذ کنند.
این وضعیت جدید دارای دو بخش یا دو عنصر است: اول این‌که تفکر اسلامی و هویت اسلامی در گستره‌ی جهان، از شوکت و عزت و نشاط بیشتری برخوردار گشته و اسلام به صورت یکی از برجسته‌ترین حقایق موجود عالم، در سرتاسر جهان مطرح گردیده است.
و دوم آن‌که قدرت‌های مسلط جهان در موضع صریحتری از خصومت نسبت به اسلام و مقاصد اسلامی قرار گرفته‌اند، و تحقیقاً یکی از فصول اصلی در نظم نوین پیشنهادی امریکا برای جهان پس از سقوط کمونیسم، فصل اسلام‌زدایی و مقابله‌ی با رشد روزافزون حرکتهای اسلامی است.
هرکس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را درباره‌ی اسلام، و نهضت‌های اسلامی معاصر، و کشورها و ملت‌هایی که دم از گرایش به اسلام می‌زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامی‌اند، تعقیب کند از عمق کینه‌یی تمام‌نشدنی به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می‌یابد.
در حوادث جاری عالم نیز شواهد متعددی را براین مدعا می‌توان مشاهده کرد که از جمله‌ی تلخترین و غم‌انگیزترین آنها، حوادث جاری در بوسنی و هرزگوین و نیز جنگهای خانگی در قره‌باغ و منطقه‌ی عمومی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت‌آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام‌های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگهای مذهبی و نژادی این قاره‌ی جنگ‌طلب می‌اندازد، با این تفاوت که امروز صربهای یوگسلاوی سابق، برای کشتار دستجمعی مسلمانان از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می‌کنند! با این حال این دولتها که به بهانه‌ی حقوق بشر در کار کشورهای

دور دست هم دخالت و اعمال نظر می‌کنند در برابر این فجایع دست روی دست گذارده‌اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوریهای دیگر همان کشور سابق، آن‌جا که پای مسلمانان در میان نبود به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه‌ی قفقاز نیز دولتهایی که می‌توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره‌باغ شوند، نه تنها اقدامی جدی نکردند و بلکه تلاش میانجی‌گرانه‌ی جمهوری اسلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی‌علاقگی خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال یافته‌ی قفقاز، ثابت کردند.
ارتباطات فشرده‌ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مستقل آسیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش‌های اسلامی و آنچه آنان نام بنیادگرایی بر آن می‌نهند موضعگیری‌های خصمانه‌ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه‌جا و بطور نمونه‌یی بارز با حرکت سیاسی پیروزمندانه‌ی مسلمانان در الجزایر، رفتار حیله‌گرانه و غدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم‌انگیز و مظلومانه‌ی کنونی، دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفاً عکس‌العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه‌ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعاً شواهد انکارناپذیری برخصومت علنی امریکا ودیگر سلطه‌گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

وظیفه‌ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار

ملت‌های مسلمان باید به این سؤال پاسخ دهند که وظیفه‌ی مسلمین در برابر این موضع عنادآمیز و کینه‌توزانه چیست؟ شک نیست که قُلدران عالم فقط به احساسات خصمانه اکتفا نمی‌کنند، و از همه‌ی امکانات مالی و سیاسی و تبلیغاتی و اگر بتوانند، نظامی خود برای اعمال دشمنی استفاده خواهند کرد، همچنان که تاکنون کرده‌اند. و ملت ایران در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، این دشمنی‌ها را تجربه کرده و امت بزرگ اسلامی شاهد کینه‌توزی استکبار جهانی با ایران اسلامی یا سایر نمونه‌های حرکت اسلامی در نقاط دیگر جهان بوده است.

شک نیست که بی‌تفاوتی ملت‌های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می‌کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می‌سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخورد است و می‌تواند در برابر تجاوز و دشمنی امریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تاکنون همه‌ی لطمات جبران‌ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه‌ی دولتها یا ملت‌ها بوده است. ایستادگی ملت‌ها، دشمن را به ستوه می‌آورد و او را در رسیدن به هدفهای متحیرانه‌اش ناکام می‌سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه‌یی را که امروز انتفاضه‌ی اسلامی در برابر صهیونیست‌ها از خود نشان می‌دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می‌دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهرآگین برای فلسطین رقم نمی‌خورد، و اگر امروز سران نهضت‌های اسلامی و مردم مؤمن، سختی‌های مبارزه را بر خود هموار کنند بی‌گمان امت اسلامی، آینده‌ی شیرینی را به دست خواهد آورد.

استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی‌شناسد

استکبار در تعرض خود به ملت‌های مسلمان، حدی نمی‌شناسد. امروز صهیونیستهای غاصب و امریکا به عنوان حامی همه جانبه‌ی آنها تا آن‌جا پیش رفته‌اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می‌کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی‌شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه‌های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن‌که نه ریشه‌ی تاریخی دارد و نه رابطه‌ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.
در کشورهای اسلامی که مردم با ایمانی ناگسستنی به اسلام وابسته‌اند- از قبیل جمهوریهای تازه استقلال یافته که علیرغم هفتاد سال تلاش اسلام‌زدایی کمونیستها، با گرمی و هیجان از حاکمیت اسلامی سخن می‌گویند- قدرتهای ضداسلامی تا آن‌جا پیش می‌روند که از خطر اسلام‌گرایی در این کشورها سخن می‌گویند و شیرین‌ترین دلبستگی‌های آنان را به عنوان خطر قلمداد می‌نمایند.

این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده‌ی عمومی و یک اقدام هماهنگ از سوی ملت‌ها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شر توطئه‌های استکبار از سر ملت‌های مسلمان برطرف شود. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه‌انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی‌آن‌که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه‌ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون این‌که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه‌ی خود عقب‌نشینی کند.
اکنون صهیونیست‌ها علاوه بر ترور و آدم‌ربایی و غصب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می‌کنند و با اعتماد به این‌که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن‌ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می‌شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل حتی نتوانسته از ادامه‌ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند.
این نمونه‌یی بود از عقب‌نشینی‌هایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ‌تر می‌سازد.

قدرت ملتهای مسلمان

این‌جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است جلب می‌کنم، و آن قدرت ملت‌های مسلمان است. با پشتوانه‌ی این قدرت شکست‌ناپذیر، دولتهای اسلامی می‌توانند در برابر ابرقدرت امریکا که امروز جبهه‌ی ضد اسلامی استکبار را سرپرستی می‌کند، بایستند و از حق ملتهای خود و نیز از ملتهای مسلمان مظلوم دفاع نمایند. اسلام بهترین تضمین برای اداره‌ی زندگی یک ملت است و در سایه‌ی آن، ملتها می‌توانند طعم آزادی و استقلال کامل را بچشند و از آن بهره‌مند شوند، و ایمان اسلامی آحاد مردم در کشورهای مسلمان‌نشین، بهترین پشتوانه برای چنین منظوری است.

انتظار از دولتهای مسلمان آن است که به جای ترس و واهمه از اسلام- که امریکا و دیگر سردمداران استکبار سعی فراوان بر القای چنین ترس و واهمه‌یی در سران کشورهای اسلامی دارند- به این آیین الهی به چشم نجاتبخش ملتهای خود و به مثابه‌ی پیوندی میان ملتهای مسلمان یعنی اجزای امت اسلامی نظر کنند و با آن برای خود قدرت و عزت فراهم آورند.
این خود قوی‌ترین وسیله برای جلب و پشتیبانی ملت‌ها است، و دولتی که ملت خود را پشت سر داشته باشد می‌تواند از هیچ تهدیدی نترسد.

به ملت‌های اسلامی و آحاد مردم مسلمان نیز عرض می‌کنم که علاج همه‌ی دردها و ناکامی‌های ملل مسلمان، بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی و زیر سایه‌ی احکام اسلامی است. این آن چیزی است که عزت و قدرت و برخورداری از نعم بزرگ امنیت و رفاه را به مسلمانان برمی‌گرداند و سرنوشت تلخ و ذلت‌آمیزی را که طراحان استکبار برای امت مسلمان تدارک دیده‌اند، از آنان دور می‌سازد.
تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله‌ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می‌کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملتهای مسلمان نیست و ملتهای مسلمان چاره‌ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام‌های سرمایه‌داری غرب زندگی کنند. این یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می‌شود. نظام سرمایه‌داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته و با وجود ثروت‌های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی بکلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت‌های آسیا و افریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی‌عدالتی عمل می‌کند و در این‌جا نیز مانند آن‌جاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می‌دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب

آن یعنی اردوگاه سرمایه‌داری هم با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه‌تاز شدن در میدان قدرت، بدان دچار شده ماندنی نیست و دیر یا زود دنیا شاهد سقوط و تلاشی آن نیز خواهد بود.
اسلام قادر است که مسلمانان و همه‌ی انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آن‌که درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی‌های اسلام و تجربه‌یی مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است که از عُمر سیزده ساله‌ی آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه‌ریزی و کینه‌توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی‌وقفه آماج دشمنی‌ها و خباثت‌های اردوگاههای دشمن قرار داشته است.
امام خمینی عظیم(قدس اللّه نفسه الزکیه) ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عملِ مخلصانه کرد، و این راه هم اکنون در برابر همه‌ی ملت‌ها قرار دارد.

همه‌ی آنچه از دولتهای مسلمان انتظار می‌رود، با اراده و خواست ملتهای آنان قابل تحقق است. شما باید از دولت‌های خود، مقابله با صهیونیزم و استکبار، و دفاع از مسلمانان مظلوم سراسر عالم و یکپارچگی و برادری با ملت‌ها و کشورهای مسلمان دیگر را طلب کنید و در راه این هدفهای عالی، پشتیبان دلسوز و فداکار آنان باشید.
شما باید به آنان بقبولانید که از امریکا نترسند و در مقابل قُلدری‌های آن بایستند. و شما باید به آنان تفهیم کنید که اسلام و قرآن تنها راه نجات است و آنان را به حصار مستحکم لااله‌الاالله سوق دهید.
و در این وظیفه‌ی بزرگ، علمای دین، روشنفکران، خطبا، هنرمندان، دانشجویان و جوانان دارای نقش و مسؤولیت سنگین‌تری می‌باشند، و زنان نیز مانند مردان و دوشادوش آنان در این وظیفه سهیم‌اند. این است آنچه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام را در حق همه‌ی شما مستجاب می‌کند و شما را با پیوند الهی به آن مُنادی بزرگ توحید متصل می‌سازد. در پایان به حجاج محترم ایرانی توصیه می‌کنم که از این فرصت ارزشمند برای

تزکیه‌ی نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی حداکثر استفاده را بکنند، و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه‌ی روح، لحظه‌یی غفلت نکنند و نگذارند که خدای نخواسته مظاهر بی‌ارزش مادی که همه جا نظائر آن را می‌شود یافت، چشم و دل آنان را به خود جذب کند و این روزها و ساعتهای استثنایی را که مخصوص معنویت و تکمیل نفس و تربیت روح و ارتباط با برادران مسلمان است، به بیهودگی از آنان برباید.
خداوند همه‌ی شما را مشمول تفضلات الهی و توجهات و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولی‌عصر(ارواحنافداه) قرار دهد.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
اول ذی‌حجةالحرام 1412

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج(8/ 2/ 1372 ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج

اشاره

(8/ 2/ 1372 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

عمل ما با قصد قربت باشد

اولًا از همه‌ی آقایان محترم و خواهران گرامی که متحمل زحمات و خدمات این واجب‌بزرگ وفریضه‌ی ممتاز اسلامی شده‌اید وان‌شاءاللّه درحج‌آینده‌ونزدیک خواهید توانست و توفیق پیدا خواهید کرد که این واجب را به بهترین وجه برگزار کنید و به حجاج محترم خدمت کنید، صمیمانه تشکر می‌کنم و به شما خوش‌آمد می‌گویم وامیدوارم که خدمات شما و زحمات واهتمامی که مسؤولین محترم در امر حج مبذول می‌کنند مورد توجه حضرت ولی‌عصر، ارواحناله‌الفدا، و مقبول درگاه پروردگار عالم باشد.

یک مطلب اساسی وزیر بنایی فردی وجود دارد که به‌حسب طبع کار، مقدم بر همه مسائل و ضروریات دیگر است؛ و آن، این است: عملی که از ما سر می‌زند، ان‌شاءاللّه باید همراه باشد با قصد قربت و با طلب مرضات الهی. این، پایه‌ی کار است. همه‌ی کارها این‌جور است که با قصد خوب ونیت طاهر و قصد خدایی، بهتر انجام می‌گیرد؛ حتی کارهای دنیایی محض. لکن کارهایی که طبع عبادی و جنبه‌ی معنوی دارد، تأثیراتی فراتر از تأثیرات قابل محاسبه‌ی مادی می‌گذارد؛ که این حج هم، یکی از اظهر مصادیق این‌جور کارهاست؛ و به نیت خالص و قصد الهی بیشتر احتیاج دارد.

اگر کار برای خدا و به قصد انجام تکلیف و کسب مرضات الهی شد، خداوند به آن برکت می‌دهد، اثر می‌دهد، جذابیت می‌دهد و دلها را به طرف آن جلب می‌کند. در این

مورد خاص هم، آنچه که شما از تأثیرات حج دنبال آن هستید، آن را فراهم می‌کند. شما به این حرکت عظیمی که انجام گرفت- یعنی اصل پیدایش انقلاب، شروع نهضت و مبارزه و کارهایی که در این انقلاب شد، از جمله همین مسأله‌ی حج که امام راحل عظیم‌الشأن ما، رضوان اللّه تعالی علیه و قدّس اللّه نفسه الطیبة الزکیه، این کارها را شروع کردند- نگاه کنید درهمه‌ی این‌کارها، آن مردالهی و معنوی، نیتش نیت خدایی بود. خدا هم برکت داد. تبدیل حج از یک عمل نیمه تجاریِ نیمه سیاحتیِ تفننی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی، کار کوچکی نبود. این کار، با برنامه‌ریزیهای سیاسی و دنیایی و این چیزها قابل تحقق نبود. این راخدا کرد؛ و آن هم به‌خاطر نیت خالص آن مرد بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیتها را خدایی کنیم، ان‌شاءاللّه شما که همین‌جور هم هستید.

حج؛ ذخیره‌یی برای دنیای اسلام

مطلب بعدی که از لحاظ تأثیرات اجتماعی و جهانی و بین‌المللی مهم است، خود این قضیه‌ی حج است. حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام- با این همه احتیاجی که دارد- از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد. ما مردم مسلمانی که در این نقطه از دنیا داریم زندگی می‌کنیم، اختیار دار امور حج در ابعاد وسیع که نیستیم، ما خودمان و کار خودمان و تأثیرات آن را مالکیم. مابایدحج را به‌نحوی انجام بدهیم که دنیای اسلام از آن سود ببرد. حج یک مرکزاجتماع است. خدای متعال می‌توانست برای زیارت‌خانه‌ی خودش‌دوره‌ی سال را بگذارد. اگر فقط رفتن و دورخانه طواف کردن و حال و توجه پیدا کردن بود، چه لزومی داشت که همه‌ی مردم دنیا موظف باشند دریک روز، در یک مقطع زمانی، در روزهای مشخصی، این‌جا را زیارت کنند.
می‌گفتند که وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، (1) که در دوره سال بیایند. هرکس هر وقت می‌تواند

1- حج: 27

بیاید حج بکند! این را نگفتند. حج را أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ قرار دادند؛ زمان مشخص قرار دادند. در داخل حج، اجتماعاتِ یک‌روزه، یک شبه، دو- سه روزه قرار دادند؛ خواستند همه همزمان در آن‌جا جمع بشوند. این‌برای چیست؟ برای این است که لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ (1).
پس این منافعی که مسلمانها در دوران حج باید شاهد باشند و آن را ببینند، منافعی است که با حیثیت تجمع مردم و با این حالت اجتماع ارتباط پیدا می‌کند. اگر اجتماعی تشکیل بشود که در آن ارتباطی نباشد، هزارها تَن بیایند بی‌ارتباط با هم، بی‌تماس باهم و بدون خبرگیری از هم، بدون کمک معنوی به هم، بدون همفکری، مقصود حاصل نشده است. چه معنی دارد که عده‌ای را یک‌جا جمع کنند، درحالی‌که از آن جمع شدن هیچ فایده‌ای برای آنها متصور نیست؟ چرا نگفتند دوره‌ی سال را بیایید؟
لابد می‌خواستند که مسلمانها در این‌وقت معین در این‌جا اجتماع کنند، مجتمع بشوند، تا از این اجتماعشان فایده‌ای ببرند. چه فایده‌ای از این اجتماع می‌شود برد؟ دهها فایده! مگر می‌شود اینها را سر دستی اینها را شمرد؟ اگر به عمق مسأله پی‌ببرید، دهها فایده‌ی بزرگ دارد، که همه برای دنیای اسلام لازم وحیاتی است.

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج، استفاده‌ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ‌وقت مسلمانها مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیداکردن با هم نداشته‌اند. مدتها بود که مسلمانها خواب بودند، غافل بودند، نوری نبود، برقی نبود؛ بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند! گرفتاری بود، اما نه آن‌قدری مایه‌ی تنبه و بیداری بشود و آن گرفتاریها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود، گذشت، امّا اجتماع حج برایشان فایده‌ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملتهای در خواب غفلت نگه داشته

1- حج: 28

شده، غافل از وضعیت خود، به فکر این بودند که گلیم خود را از آب حج بیرون بکشند و واجبشان راانجام بدهند و بروند. یک مدتی چنین بود. امروز هم مسلمانها، به‌خاطر گرفتاریهایی که برای آنها در همه جای دنیا به‌وجود آورده‌اند، نهایت احتیاج را به همفکری و همکاری دارند. این همکاری وهمفکری امروز ممکن‌است، لکن در گذشته ممکن نمی‌شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد.

می‌خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند

شما نگاهی بکنید به اکناف عالم، ببینید این قدرتهای ستمگر با مسلمانها چه دارند می‌کنند. اولین نیت آنها این است که مسلمانها را درخواب غفلت نگه دارند و اگرکسی‌هست که به‌مسلمانها هشدار می‌دهد، هر جور می‌توانند او را از صحنه خارج کنند. این، بزرگترین‌همت استکبار وقدرتهاوقلدرهای جهانی است. می‌خواهندمنذری نباشد؛ منبهی نباشد؛ بیدار کننده‌ای نباشد؛ و به همین سبب با جمهوری اسلامی مخالف‌اند. مخالفت باجمهوری اسلامی به خاطر این تهمتهایی که به‌دروغ به‌جمهوری اسلامی‌می‌زنند، نیست. اینکه ادعا می‌کنند در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت نمی‌شود- که البته حرف غلط و دروغ و افترای محض است- این به خاطر این نیست که واقعاً آنها به حقوق بشر اهمیت می‌دهند، برای بشر ارزشی قائلند. ما تا مدتی پیش گمان می‌کردیم که این غربیها و امریکاییهایی که پرچم حقوق بشر را به دروغ در دست گرفته‌اند برای بشر آسیایی و افریقایی و امریکای لاتین و اینها ارزشی قائل نیستند و ارزش را فقط برای خودشان قائلند؛ امّا حالا معلوم شد که برای هیچ بشری ارزش قائل نیستند و اگر یک‌وقت خواستها و شهواتشان اقتضا بکند حاضرند هرجور انسانی را، مربوط به هرمنطقه‌ی از عالم که هست، نابود کنند. درهمین چند هفته پیش دیدید در امریکا یک گروه را که عقیده‌ی انحرافی داشتند کشتند. حالا عقیده‌ی آنها برای ما درست هم روشن نیست. امّا آنها که می‌گویند: «عقیده اشکالی ندارد، همه‌آزادند» درهمان روزها رئیس جمهور و مسؤولین عالی رتبه‌ی امریکایی ایستادند تا برای همجنسبازان حقوقی قائل بشوند. پس داشتن یک عقیده‌ی منحرف و غلط و باطل چه جرمی محسوب می‌شود که جمع شدند و اینها را نابود کردند و در آتش سوزاندند؟!

ص: 112

روی جمهوری اسلامی فشار می‌آورند

ما از کسی دفاع نمی‌کنیم. ما، آن گروهی را که کشته شدند، نمی‌دانیم چه‌جور کسانی بودند. امّا می‌خواهیم این نکته برای همه و از جمله مردم ما روشن بشود- که بحمداللّه روشن‌هم‌هست، حتی وسواسیهای داخل جامعه هم، دیگر حالا می‌دانند- این کسانی که ادعا می‌کنند که طرفدارحقوق انسانهاهستند، اینها راست نمی‌گویند، اینها خلاف می‌گویند، اینها دروغ می‌گویند. کسانی‌که این‌قدر به بشر بی‌اعتنا هستند، اگر به یک کشوری ایراد گرفتند که در آن‌جا حقوق بشر نقض می‌شود، آدم عاقل باید نگاه کند ببیند مقصودشان از این حرفها چیست؟ چه هدفی پشت سر این حرف قراردارد؟ آن هدف معلوم است چیست. اینها نمی‌خواهند یک جمهوری اسلامی‌ای باشد، که قیام این جمهوری اسلامی، وجود این جمهوری اسلامی، به این معنی است که مسلمانان در همه جای دنیا می‌توانند مشابه چنین کشوری را تشکیل بدهند. از این می‌ترسند! اینها می‌خواستند که جمهوری اسلامی نابود بشود؛ می‌خواستند ناکام بشود، می‌خواستند در راه هدفهایش پیش نرود؛ می‌خواستند گرفتاریهای بزرگ پیدا کند.
حالاکه می‌بینند بحمداللّه با همت مردم، دولت و مسؤولین، کشور به‌طرف سازندگی پیش می‌رود، به‌طرف آبادی پیش می‌رود، مردم یکپارچگی خودشان را در حد اعلا حفظ کرده‌اند، عزت جهانی کشور روزبه‌روز رو به افزایش است، حالا که می‌بینند جمهوری اسلامی مقتدر است، سر بلند است، مستقل است، از کسی ملاحظه نمی‌کند، به قدرتی اعتنا نمی‌کند، ناراحتند. از اینکه می‌بینند چنین نظامی، با حضور خود، ملتهای مسلمان را تشویق می‌کند که بیدار بشوند و به اسلام خودشان فکرکنند، ناراحتند. بیداری مردم اولین چیزی است که اینها درصدد هستند مانع آن بشوند، لذا فشار می‌آورند روی جمهوری اسلامی. البته فشار آنها اثری ندارد. اگر قرار بود فشارهای امریکا و امثال امریکا برروی جمهوری اسلامی، برای آنها اثر مطلوب داشته باشد، جمهوری اسلامی- به فضل الهی و به توجهات ولی عصر- این‌جور پیشرفت نمی‌کرد.

بودن این ملت، قیام جمهوری اسلامی، عزت جمهوری اسلامی، بزرگترین دلیل و

روشن‌ترین دلیل بر این است که کید دشمنان به‌جایی نمی‌رسد و به کوری چشم آنها، مسلمانها در همه جای دنیا، کم و بیش بیدار شده‌اند؛ ملتها به خود آمده‌اند و قدر اسلام را می‌دانند. با وجود این همه فشاری که بر مسلمانها وارد می‌کنند، نیروی اسلامی و روح اسلامی، رو به فزونی و ازدیاد است. حالا مثلًا به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته‌اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می‌توانند؟ اسمش راگذاشته‌اند «صلح»! این‌صلح‌است یاظلم‌است؟ مخالفت ما با این مذاکراتی که دارد بر سر فلسطین مظلوم انجام می‌گیرد، به خاطر مخالفت باصلح نیست. ما طرفدار صلحیم، ما منادی صلحیم، ما منادی بالاتر از صلح هستیم. ما می‌گوییم: بین مسلمین عالم و بین آحادبشر برادری باشد. ما طرفدار برادری هستیم، ما مخالف با صلح نیستیم؛ اما این مذاکراتی که امروز در امریکا در جریان است، مذاکره‌ی صلح نیست؛ این، مذاکره‌ی ظلم است. می‌خواهند یک ظلم راتثبیت کنند؛ می‌خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند.
البته که ما مخالفیم! همه‌ی جوانمردان عالم باید مخالف باشند. همه مسلمانان باید مخالف باشند و با آن مخالفت بکنند. خانه‌ی ملت فلسطین را از آنها گرفته‌اند و یک مشت غاصب را در آن‌جا، جا داده‌اند، پشتیبانی کرده‌اند، و به دست آن غاصبین، صاحبخانه‌ها را به فجیع‌ترین شکل سرکوب کرده‌اند. حالا هم برای اینکه دهان صاحبخانه‌ها را ببندند و به‌کلی ادعای آنها را از مایملک خودشان پس بگیرند، می‌خواهند با دولتهای عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند!

امریکا اشتباه می‌کند

مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین چیزی را امضا بکند! مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه‌ی او را به غاصبی بفروشد! ما امیدواریم این مذاکرات به یک قرار داد امضا شده‌ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست بشود؛ اگر پای آن را دولتهای عربی که حضور پیدا کرده‌اند امضا بکنند؛ آن امضا ازنظرمردم فلسطین و از نظر مسلمانهای عالم و از نظر ما اعتباری ندارد. امریکا اشتباه می‌کند؛ امریکا با جمع کردن دولتهای عرب دور یک میز برای چنین‌مذاکره‌ی ننگینی، دولتهایی را که در آنجا جمع شده‌اند، در پیش مردمشان منفورتر می‌کند. مگر مردم کشورهای عرب حاضرند موافقت کنند که

رؤسایشان بروندخانه‌ی ملت فلسطین رابه‌دیگران بفروشند! با این کار فاصله‌ی بین این‌رؤسا- اگر خدای ناکرده به چنین امضایی برسند- و ملتهایشان بیشتر خواهد شد.
ملتهایشان راخشمگین‌تر خواهدکرد. ملت مصر را خشمگین‌تر خواهدکرد. آن بیچاره‌ی مصری بلندمی‌شود مثل‌سائل‌به‌کف، می‌رود به امریکا برای شکایت کردن ازایران! شکایت بکند پیش‌آن بیچاره‌ای که خود او بیشتر از این دلش از ایران پُر است وشکایت دارد! از ایران چرا شکایت می‌کنی؟! ازاسلام شکایت کن. از ملت مسلمان خودت شکایت کن. آن آقا اگر قرار است از کسی شکایت کند، از ملت مصر باید شکایت کند.
ملت مصر، ملت مسلمانی‌است. ملت مصر، دارای سابقه‌ی در اسلام است. ملت مصر افتخارات بزرگی درراه افکار نو اسلامی و مبارزات اسلامی دارد. این‌ملت، ملت غیوری است. یقین است که این ملت حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمل کند، و با آنها درگیری پیدا می‌کند. درگیری مردم مصر به ماچه ارتباطی دارد؟ ما هر جا مسلمانها بیدار بشوند، خوشحال می‌شویم. هر جا مسلمانها مشتشان راگره‌کنند، ما خوشحال‌می‌شویم.
هر جامسلمانها کتک بخورند، ما غمگین می‌شویم واحساس مسؤولیت می‌کنیم. اما ما نیستیم که بخواهیم وارد بشویم و ملتی مثل ملت مصر را متوجه تکالیفشان کنیم. خودشان تکلیفشان را می‌دانند. خودشان آگاهند چه باید بکنند؛ و درست فهمیده‌اند. درست فهمیده است ملت مصر، درست فهمیده‌اند جوانهای مصرکه در مقابل آن حکومتی که دارد به آرمان اسلامی و به آرمان فلسطین و به سرنوشت کشورهای اسلامی خیانت می‌کند، ایستاده‌اند. این به ماارتباطی‌ندارد. اشتباه اینها در همین است که قوت اسلام و نیروی اسلام و تأثیر اسلام را نمی‌توانند بفهمند.

فاجعه‌آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند

امروز شما ملاحظه کنید در بوسنی و هرزگوین چه‌خبر است! این بوسنی و هرزگوین واقعاً یک تابلو ماندنی است. خیانت و فاجعه آفرینی قدرتهایی که امروز به ظاهر دم از دلسوزی برای مردم بوسنی می‌زنند در تاریخ خواهد ماند. مَثَل این امریکاییها و بعضی از اروپاییها که زبانی دلسوزی می‌کنند، مَثَل دو نفر است که در مقابل هم قرار گرفته باشند. بعد شمشیر یکی را از او بگیرند و شمشیر دیگری را تیز کنند؛ و همین که او

شمشیر را در بدن این مرد غیر مسلح فرو برد و نزدیک است که وارد قلبش بشود، شروع کنند در اطراف او به آه و ناله کردن که «حالا چطور است دعوا را متوقف کنیم؟ چطور است دوا و درمان کنیم؟ چطور است نگذاریم؟» این حرفها، انسانهای هشیار را به خنده‌ی تمسخرآمیز وادار می‌کند.
مردم بوسنی بیشتر از یک‌سال است که زیر فشار هستند. شما می‌گویید «ما دل می‌سوزانیم، آذوقه می‌فرستیم، صربها را محاصره‌ی اقتصادی می‌کنیم؟!» اینها همه‌اش حرف مفت است؛ اینها ادعای دروغ است؛ اینها منافقانه عمل کردن و حرف زدن است.
اگر اینها راست می‌گفتند ودلشان برای مسلمانها می‌سوخت، بایستی محموله‌های سلاح را می‌بردند به دست آن مسلمانها می‌دادند. آن مسلمانها احتیاج به نان وغذای کسی ندارند؛ احتیاج به کاروان غذای سازمان ملل ندارند؛ احتیاج به دلسوزی دروغانه‌ی این و آن ندارند. اگر سلاح داشتند، از خودشان دفاع می‌کردند. می‌بینید چه فاجعه‌ای را همین امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی به پشتیبانی از قصابان و ستمگران صرب وکروات دارند انجام می‌دهند!

اما این را می‌خواهم عرض کنم؛ و این یک نکته‌ی اساسی است: علی‌رغم همه‌ی اینها، به فضل پروردگار، پس از چندی شکوه و قدرت اسلام، با پشتیبانی همین مردمی که برای اسلام مقاومت می‌کنند، در اروپا روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، و خواب همان کسانی‌که می‌خواهند اسلام نباشد، بر آشفته خواهدشد. این، قدرت اسلام است؛ این، معنویت اسلام است؛ این، آمادگی مسلمین است؛ این، نیاز جهان اسلام و جامعه‌ی اسلامی به‌همفکری و همکاری است واین صحنه‌ی عظیم حج است و این شما خدمتگزاران که باید حجاج را راهنمایی کنید، هدایت کنید، احکام آنهارابه‌آنها تعلیم‌بدهید، آنها را از لحاظ عمل شخصی‌شان، از لحاظ استفاده‌ی بهتر از مراسم حج راهنمایی کنید. ان‌شاءاللّه خدای متعال پشتیبان شما باشد و توجهات حضرت ولی‌عصر، ارواحنا له الفدا، شامل‌حال شما باشد و حج مقبول و سعی مشکوری داشته‌باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(28/ 2/ 1372 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(28/ 2/ 1372 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ
الحمدللَّه ربّ العالمين والصّلاة على رسوله النّبىّ الأمين و على آله الميامين و أصحابه المنتجبين والسّلام على جميع عباداللَّه الصّالحين.
قال اللّه الحكيم: وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِى شَيْئاً. وَ طَهِّرْ بَيْتِىَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ.

تجدید بهار ایمان و حیات دینی

بار دیگر اراده‌ی نافذ الهی، مؤمنین را در زادگاه توحید و بارگاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه‌ی دلها و در ساحت قبله‌ی جانهای مسلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسلمان فائق آمده و انبوه دلهایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می‌تپند، به سوی مرکز توحید و وحدت امت کشانیده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سعی کرده است خانواده‌ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه‌ی اعتقادی‌اش وهم از علقه و پیوند فیمابین ایمانی‌اش جدا کند، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه‌ی حج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده‌ی کهنسال و ریشه‌دار تزریق می‌کند و هر سال شکوفه‌های تازه‌یی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودّت اسلامی را، نوید می‌دهد، و ساخته‌های دست دشمن را باطل می‌سازد. این معجزه‌ی حج است که علیرغم وجود درگیریها و منازعاتی که، در آن، حکومتهای مسلمان بارها در برابر یکدیگر

صف‌آرایی کرده‌اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملتهای مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملتها همواره رو به افزایش بوده است.

سه ویژگی برجسته‌ی حج

اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اوّل، در آن باز می‌شناسد: نخست آن‌که حج، یگانه فریضه‌یی است که خداوند برای ادای آن همه‌ی آحاد مسلمین هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد از سراسر عالم و از خلوت خانه‌ها و عبادتگاهها، به یک نقطه فرا می‌خواند و در ایّام معلومات، در گونه گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می‌زند: ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. دوم آن‌که در همین کار دستجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می‌کند: وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ. سوّم آن‌که در صفحه‌ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلّی زندگی انسان موحّد را عرضه می‌کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف‌دار و جهت‌دار می‌دهد.

از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سعی میان صفا و مروه و وقوف در محشر عرفات و مشعروذکر و تضرّع و تعارفی که در آن است، و تا رسیدن به منا و قربانی‌اش و رمی جمره‌اش و حلقش و سپس دوباره برگشتن به طواف و سعی، همه و همه درسهای رسا و روشن حرکت جهت‌دار و دستجمعی و معرفت‌آمیز مسلمان، در عرصه‌ی توحید و در مسعای حیات و برگرد محور «اللّه» است.

زندگی در آیینه‌ی حجّ، یک سیر دائمی بلکه یک صیرورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده‌ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و

رسم زندگی ما را در صحنه‌یی عملی و روشن ترسیم می‌کند. میعادی همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سالهای بعد گروههای دیگر و گروههای دیگر بیایند و بروند، بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبّر کنند، و در نهایت همه‌ی امتّ، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته، برسند. نظر افکندن به عرصه‌ی عظیم زندگی امّت اسلامی، فراتر از ابعاد ملتها و نژادها و قوم و قبیله‌ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه‌ی زندگی، چنانکه شایسته‌ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا. این است آن سرچشمه‌ی معرفتی که هر ساله در حجّ، فیّاض و بی‌زوال، بر انبوه خلایق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می‌یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می‌سازد.

سعی شده حج را فریضه‌ی فردی قلمداد کنند

در گذشته و امروز، نیز کوششهایی شده است و می‌شود تا حج را فریضه‌یی فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند.
بگذریم از آن غفلت زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتی نگاه می‌کنند. حج با برجستگیهایی که در هیچ فریضه‌ی دیگر اسلامی، مجموعه‌ی آن را نمی‌توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ نظرانه‌ی آنان و نگاه بی‌فروغ و خطابین اینان است. در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده‌ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حجّ ابراهیمی را ندا کرد و خلایق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلای: وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ را به گوش جهانیان رسانید. حجّ ابراهیمی همان حجّ محمّدی است که در آن، حرکت به سمت توحید واتحاد، روح‌وسرلوحه‌ی همه‌ی‌مراسم وشعائر است؛ حجّی مایه‌ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امّت واحده، حجّی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجّی که در آن ملتهای مسلمان، وجود امّت فراگیر محمّدی صلی الله علیه و آله و

حضور خود در آن را لمس می‌کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملتها، از احساس ضعف و عجز و خود باختگی رها می‌شوند. حجّ ابراهیمی، آن است که در آن مسلمین، از تفرقه به جمعیّت حرکت کنند و کعبه را، که بنای یاد بود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت‌پرستی است، با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره‌ی مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه برگیرند. اکنون این‌جانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حجّ شما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبّر در مناسک حجّ را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه‌ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکّراً عرض می‌کنم:

توحید؛ روح اساسی حج

1- نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسی حجّ و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجّه و حرکت به سوی اللّه و ردّ و نفی بتها و قدرتهای شیطانی است. خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس امّاره و هواها و هوسهای گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روشهای شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملتهای مسلمان را دستخوش سیاستهای خود ساخته‌اند. مراسم برائت در حجّ، اعلان بیزاری از این قدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت‌آمیزی می‌تواند در زندگی جوامع مسلمان، نشانه‌ی سلطه‌ی قدرتها یا تلاش آنان برای تسلّط بر کشورهای اسلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین‌المللی و موضعگیری در برابر حوادث عالم، همسو و تحت تأثیر قدرتهای سلطه‌گر و در رأس آن امریکا است. رواج فساد و رسمی بودن فحشاء و محرمات شرعی در بسیاری از این کشورها، متأثر از سیاستهای شیطانی آن قدرتها است. وظیفه‌یی که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج‌گزار لازم می‌سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است، و

این اوّلین قدم، در راه تجسّم اراده‌ی اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه‌ی جوامع اسلامی است.

2- مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته‌ی دیگری از مناسک حجّ است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربه‌ی اختلافات فرقه‌یی و گاه با ابزار ملی گرایی و قوم گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربه‌ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امّت اسلامی، ضربه‌ها و جراحتهایی وارد می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و افریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف گاه به آن‌جا می‌رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملتها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشانشان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملتهای مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنابش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشا کنند.

3- نکته‌ی مهمّی که شایسته است همه‌ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه‌ی سرسختانه و توطئه‌آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه‌های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملاً

شناخته شده است، ولی می‌توان گفت که شیوه‌های متنوّع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیداً قساوت آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده‌ی این روزگار است.
نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علّت این پدیده؛ یعنی شدّت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می‌سازد. علّت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست.
حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه‌ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیر اسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده‌اند، که باید نهضت «تجدید حیات اسلام» نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقّع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها اسلام را فراموش نکرده، بلکه با ایمانی پر شور، که با استفاده از پیشرفت معارف بشری، بسی روشن‌بینانه‌تر و ژرف‌تر نیز شده است، بدان روی آورده و گمشده‌ی خود را در آن می‌جوید. قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله‌ی این نهضت جوان و ریشه‌دار است، که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است. این آن چیزی است که جبهه‌ی استکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقاید و مقدّسات ملتها پرهیز می‌کرد، وادار می‌سازد که در مبارزه با اسلام، علناً و با همه‌ی روشهای ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود. در امریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می‌توان شناخت که حداقل یکبار در گفته‌های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسته و مبارزه با آن را لازم شمرده‌اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسلمان، به ایمان و عمل اسلامی گسترده‌تر شده، این اظهارات ناشی از سراسیمگی و دشمنی، واضح‌تر گردیده است و اکنون کار به جایی رسیده که حتی رؤسا و سیاستمداران بعضی از کشورهای اسلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسلام را در زیر پوششی از نفاق پنهان می‌کردند، به پیروی از اربابان امریکایی و اروپایی‌شان علناً و صریحاً از خطر اسلام دم می‌زنند! و ایمان مقدّس مردمی را که بر آنان فرمان می‌رانند، برای خود خطر می‌شمرند. مبارزه با بیداری اسلامی در سطح جهان، شکلهای گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملاً دموکراتیک به حاکمیت جبهه‌ی اسلامی رأی می‌دهند، کودتایی خشن،

انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می‌کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر- امریکا و اروپا- نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می‌گیرند و دست پنهان خود در آن را افشا می‌کنند. در سودان گروه‌های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می‌رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می‌کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می‌کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیستهای غاصب به وحشیانه‌ترین وجهی سرکوب و شکنجه می‌شوند، آنگاه امریکا، آن آدم کشان ددصفت و شکنجه‌گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می‌کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملّت عراق، که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه‌ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته‌اند، از سوی آن رژیم مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌گیرند، و امریکا و غرب، که انگیزه‌ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدّام را در قضایای دیگر، آشکارا نشان داده‌اند، این‌جا با سکوتی رضایت‌آمیز و تشویق کننده ظاهر می‌شوند. در کشمیر و هند، تعصّب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدّسات مسلمین تعرّض می‌کند و این با خونسردی و لبخند بی‌تفاوت امریکا و غرب مواجه می‌شود. در مصر روشنفکرترین نسلهای مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم‌آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می‌گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امنیّتی امریکا قرار می‌گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه‌ی اسلام، به وسیله‌ی پس‌مانده‌های رژیم کمونیستی، بشدّت سرکوب و جمع کثیری از آنان از خانه و کاشانه‌ی خود آواره می‌شوند و غرب با همه‌ی دغدغه‌اش از بازگشت کمونیستها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می‌شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیزم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می‌گیرد. در امریکا و اروپا مسلمانان و گروههای اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می‌گیرند و در مواردی تظاهر به پایبندیهای اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می‌گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب حجاب تحریم شده و به وسیله‌ی نویسنده‌یی مهدورالدّم مکّرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم‌های اروپایی قرار

می‌گیرد و حتی رئیس رژیم بدنام و بدسابقه‌ی انگلیس، با آن نویسنده‌ی قلم‌به‌مزد و بی‌ارزش ملاقات می‌کند. از اینها همه بدتر، فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ی نسل کشی مسلمین در بوسنی است، بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست- و اخیراً با همراهی کرواتها- با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمکهای خارجی، زشت‌ترین و غیر انسانی‌ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می‌دهند، و غرب و امریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنان نکرده و هیچ ممانعتی از جنایت صربها نشان نداده‌اند، بلکه با استفاده از امکانات شورای امنیت از رسیدن سلاح به مسلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره‌ی آنان را کامل کرده‌اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند که امریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه‌ی بی‌نظیر بوسنی، مقصّر و مسؤول مستقیم‌اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده‌ی دروغ تحویل داده امّا از کشته شدن حتّی یک نفر از هزاران نفر کشته‌ی مظلوم آن سرزمین جلوگیری نکرده، و بالاتر، از قدرت دفاع یافتن آنان نیز ممانعت کرده‌اند. این تصویر مجملی از دشمنی غرب و امریکا با اسلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راههایی که بعضی ساده‌لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می‌کنند، گره‌گشا و مایه‌ی نجات مسلمین نیست.
تنها یک چیز علاج است و بس، و آن اتحاد مسلمانان، پافشاری بر اسلام و ارزشها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنگ کردن عرصه، در بلند مدت بر دشمن است. و امروز چشم امید دنیای اسلام، به جوانان غیور و بسیجی در سراسر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند

4- نکته‌ی مهم دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه‌ی تدابیر شیطانی‌اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیّت همه جانبه‌ی سیاسی و امنیّتی و بیش از همه، تبلیغاتی امریکا و دیگر

کشورهای استکباری و ایادی منطقه‌یی آنان بر ضدّ نهضت اسلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضدّ نظام مقدّس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بی‌سابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده‌ی امریکا در منطقه، در منتهای رذالت و خباثتی که از آن انتظار می‌رود، ایفای نقش کرده است. محاسبات مادّی عادی، حکم می‌کرد که باید بر اثر این تلاش همه جانبه‌یی که مستکبرانه و از سر خشم و عناد ترتیب می‌یابد، نهضت اسلامی در کشورهای اسلامی ضعیف یا ریشه‌کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت به مرور وسیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسلامی متعدّدی را می‌توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعّالان اسلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهند کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورها فعالیّت گروههای اسلامی و حتی تظاهرات سیاسی و تبلیغاتی اسلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سرزمینهای غصب شده‌ی فلسطین مبارزات مردم، با شعارهای اسلامی و با مرکزیّت مساجد، عرصه را بر صهیونیستها تنگ کرده است، و در همین سالها است که گروههای مبارز اسلامی در لبنان، حتی در انتخابات پارلمانی و نیز در موقعیّتهای مردمی به توفیق چشم‌گیری دست یافته‌اند. و در همین دوره‌ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده‌لوحانه انتظار داشتند یا به بن‌بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم بپوشد، با سرعتی بیش از توقّع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است.
این‌جانب به برادران و خواهران مسلمان در همه جای جهان اسلام، عرض می‌کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن‌بینی نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه‌ی نومید شدن نمی‌دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لااقل می‌توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می‌بینید که نتوانسته است. سنّتهای الهی و واقعیتهای خارجی خبر از آینده‌ی روشن نهضت نوین اسلامی می‌دهند و قرآن بارها می‌فرماید: وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

ص: 125

تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه‌ی استکبار

5- تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربه‌ی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌یی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیتهای بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌یی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم‌الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیّت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده‌است، روشنترین دلیل این مدّعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملّتهای مسلمان، روشنگریهای علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعّال و آگاه است. و همه بخصوص علمای متعهّد دین در این مورد وظیفه‌یی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌یی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمتها امروزه به همه‌ی نهضتهای اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می‌شود. تهمت تعصّب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیّت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیّت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی وارد کنندگانش آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می‌شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا 14 ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور

برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب:
اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضدّ انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده‌اند. ضدیّت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه‌ی آن مدّت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می‌رفت مبذول داشته‌اند. تضییع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیّتهای کشور شرکت می‌ورزد، نمی‌پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیم‌هایی متوجه ایران می‌سازند که خود قلم‌های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می‌شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق یک ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهار صد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران به وسیله‌ی امریکا برفراز خلیج فارس، یا بی‌عدالتی نسبت به سیاهان در امریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزائر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزانیدن دستجمعی عدّه‌یی در امریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیّت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که این‌گونه

بی‌محابا حقوق بشر را پایمال می‌کنند یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی‌تفاوت بلکه رضایتمندانه و تشویق‌آمیز تماشا می‌کنند، حقیقتاً از این‌که بنا به ادّعای آنان در ایران اسلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتند؟! حقیقت آن است که خود تهمت زنندگان و از جمله سردمداران کنونی امریکا که اخیراً بر سر این حربه‌ی تبلیغاتی زنگ زده و قدیمی، جنجال تازه‌یی به راه انداخته‌اند، به خوبی می‌دانند که سخن به گزاف می‌رانند، آنچه آنان از جمهوری اسلامی نمی‌پسندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصلحت سیاسی به آنان اجازه نمی‌دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه‌پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشکار می‌سازد. در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می‌سازد اینها است:
اوّل- جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوّم- استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری‌اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.
سوم- اعلام راه حلّ مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و یهودیان در فلسطین. چهارم- حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضتهای اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.
پنجم- دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدسات، نظیر آنچه در باب نویسنده‌ی مهدورالدّم آیات شیطانی دیده شد. ششم- تلاش برای اتحاد امّت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملتهای مسلمان در قالب «امّت بزرگ اسلامی». هفتم- ردّ و نفی فرهنگ تجملی غرب، که دولتهای غربی با تنگ‌نظری و تعصّب، برآنند که همه‌ی ملّتهای عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم- مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی، که بعضی از دولتهای غربی بخصوص امریکا و انگلیس اخیراً انحرافی‌ترین شکل آن را بی‌شرمانه رسمیّت داده یا در راه آنند، و از دهها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.

اینها است آنچه موجب دشمنی کینه‌آلود امریکا و همپالگی‌هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی در چشم ملتهای مسلمانی که همه دلبسته‌ی این اصول‌اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متّهم می‌کنند و از سوی دیگر با تحلیل‌های دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می‌سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه‌گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلّم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملّت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی قدس سره و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیّگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید

6- در پایان، به حجّاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حجّ، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستآوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حجّ خود را به حجّ مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلّغان و پیام‌رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملّت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه‌ی خدا و حرم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مواقف با ارزش حجّ و سرزمین پرخاطره‌ی حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله و عترت طیّبه‌ی آن بزرگوار علیهم السلام و بخصوص توجّه و توسّل به حضرت ولی‌اللّه‌الاعظم که بی‌شک فیض

حضور مقدّسش در مراسم حج شامل دلهای با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بیّنات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه‌ی تقرّب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علوّ درجات روح مطهّر امام راحل و ارواح طیّبه‌ی شهدای اسلام را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

24 ذی القعده 1413 برابر با 28 اردیبهشت 1372

علی الحسینی الخامنه‌ئی

بیانات در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج(31/ 1/ 1373 ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج

اشاره

(31/ 1/ 1373 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

از دست‌اندرکاران حج تشکر می‌کنم

برادران و خواهرانِ خدمتگزار و عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدواریم خداوند متعال، این خدمات ارزشمند را که متوجه به یکی از مهمترین وظایف مسلمین است، مورد قبول قرار دهد و به شما کمک کند و به تلاشهای شما برکت بخشد تا بتوانید ان‌شاءاللّه به بهترین وجهی این فریضه‌ی عظیم عالی‌قدر را اقامه و احیای نمایید. وظیفه‌ی خود می‌دانم که از همه‌ی دست‌اندرکاران حج، به خصوص کسانی که در طول سال، ساعات متوالی وقت صرف می‌کنند تا به انجام صحیح این فریضه کمک شود، سپاسگزاری و تشکر کنم. این کارهایی که در راه آموختن به مردم و تشویق و تحریض آنها بر حجِّ صحیح و تهیه‌ی مقدمات آن انجام می‌شود، واقعاً ارزشمند است. بنده بالاخص از جناب آقای ری‌شهری(حفظه‌اللّه و ابقاه) که حقیقتاً این کار را به وجه زیبا و نیکویی پیش بردند و ادامه دادند، سپاسگزارم.

حج؛ واجب بی‌نظیر

واجبِ حجّ، حقیقتاً یک واجب بی‌نظیر است؛ چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج، وضع مخصوصی دارد و جنبه‌ی معنوی در آن فوق‌العاده است. مثلًا یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست؛

اما حج از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام می‌گیرد؛ چه در داخل خانه‌ی خدا، در مسعای شریف، در عرفات، در مشعر، در منی، در اعمال گوناگون، در طوافهای مختلف، در نشست و برخاستها و در افاضه‌ی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر، همه‌اش ذکر خداست. این از جنبه‌ی معنوی، که معلوم می‌کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است. از طرف دیگر، جنبه‌ی دنیایی و مربوط به زندگیِ حج هم بی‌نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست، بلکه مربوط به همه‌ی دنیای اسلام است. خدای متعال، نقطه‌ای را معین فرموده و در زمانی معلوم- ایّام معلومات- همه‌ی مسلمانها را به آن نقطه‌ی دعوت کرده است. آیا می‌شد که همه‌ی مسلمانان، نه یکپارچه که در گروههای مجزّا و نه در ایامی معلوم که در طول سال، در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منی و مشعر و عرفات، جمع شوند؛ چون اگر حرکت مردم به این مناطق، اصل قضایا بود، می‌شد همه را در طول یک سال در آن جا جمع کنند.
این که خدای متعال امر به تجمّع همه‌ی مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ نکته‌ی اساسی و مهم، همین است. بدیهی است تجمّعی با این کیفیت به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر بیابند؛ یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیعتر، احساس عظمت ناشی از اجتماعِ ملتها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس، مورد توجه نبود، لزومی نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج، مقرّر شود.

و اما این که امت اسلام- هر ملتی از ملتهای مسلمان- کسانی از خودشان را در یک روز به‌یک نقطه می‌فرستند تاآنها باهم اجتماع کنند، این‌اجتماع برای‌چیست؟ اینها نکات و دقایقی است که به تعبیر امام صادق علیه السلام: «يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛ باید هرمسلمانی از مفاهیم قرآنی واسلامی، بداند. خدای متعال از همه‌ی ملل مسلمان، جماعتی را دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید بیایید در این ایام معلوم، دور هم و با هم باشید.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ؛ (1) همه با هم حرکت کنید. همه با هم افاضه کنید و همه با هم به طواف بپردازید. این اجتماع همگانی برای چیست؟ مسلمانان نقاط مختلف دنیا، در یک نقطه گرد هم بیایند که چه کنند؟ دور هم جمع شوند و در سکوت به صورت همدیگر نگاه کنند و بعد از چند روز هم به اوطان خود برگردند؟! چرا دور هم جمع می‌شوند؟ جمع شوند تا اختلافات خود را با هم مطرح کنند؟ این جمع شدن به چه معنی است؟ جواب این‌است که جمع شدن افرادی از همه‌ی ملتها در یک نقطه؛ آن هم یک نقطه‌ی مقدس، فقط می‌تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد و آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تادرباره‌ی سرنوشت‌امت‌اسلامی، تصمیم گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد.
این کار سازنده و مثبت به چه کیفیتی می‌تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است ملتهای اسلامی آن قدر پیشرفته‌اند- امیدواریم آن روز برسد- که وقتی در حج جمع شدند، در خلال‌این‌کنگره‌ی عظیم‌مردمی، از برگزیدگان ملتها، مجلسِ مفصّلِ چند هزار نفره‌ای تشکیل گردد واین‌مجلس، مصوّباتی‌داشته باشد و آن مصوّبات در همان کنگره‌ی عظیم به تصویب آحاد حجاجِ آمده از کشورها برسد و بعد برای اجرا به دولتها و ملتها ابلاغ گردد. این بهترین کار است که متأسفانه امروز عملی نیست؛ زیرا ملتها هنوز در این زمینه، آن قدر پیش نرفته‌اند؛ به خصوص که دولتها هم به آنها کمکی نمی‌کنند. اما تا وقتی که چنان تصمیم‌گیریِ عملی در موسم حج، امکان ندارد، کار واجب در آن جا چیست؟
این‌است که‌ملتها به‌هر نحوکه بتوانند، نسبت به‌مصالح دنیای‌اسلام دلبستگی‌نشان‌دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند. این کمترین‌کاری است‌که می‌شود در حجّی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقّع بود.

برائت، روح حج است

برائت را ما از بیرون نیاورده‌ایم وارد حج کنیم؛ جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می‌دارند که در مطبوعات و در

1- بقره: 199

اظهارات و نیش زدنهای خود در اطراف دنیا، مرتب بگویند شما حج را سیاسی کردید! حج را سیاسی کردید یعنی چه؟ اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کردیم، باید گفت حج، هیچگاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی‌برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی- سیاسی است که مربوط به همه‌ی مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماعِ دلها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟ اگر مراد این است که حج وسیله‌ای برای پیشبرد سیاستهای ظالمانه‌ی قدرتهای بزرگ نشود، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه‌ی الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاستهای جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم.
هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام، مسائل مهمی است. این مسائل، کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می‌توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می‌گیرد، به گوش دنیا و سیاستهای خائن برسانند؟

امروز در اروپا با مسلمین چه می‌کنند؟

ببینید امروز در اروپا با مسلمین چه می‌کنند! قضایای بوسنی و به خصوص قضایای هفته‌ی اخیر گوراژده واقعاً گریه‌آور است. انسان نمی‌تواند هیچ توصیفی برای اهمیّت و عظمت این فاجعه پیدا کند! هر چه در کلام بگوییم، کوچکتر از آن واقعیت است.
سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته‌اند و به قربانی‌ای که در مقابلشان است می‌نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می‌شود! این قربانی هم مسلمین یوگسلاوی سابقند. جرمشان چیست؟ مسلمان بودن. این دیگر موضوعی نیست که ما بگوییم. من این واقعیت را سه سال پیش در پیام حج نوشتم و عنوان کردم. اگر چه آن روز انکار می‌کردند، اما امروز خودِ بلندگوهای استکباری می‌گویند که چون اینها مسلمانند

نباید کمکشان کرد! مجبور شدند اعتراف کنند که جرم مردم بوسنی مسلمانی است! چون در دل اروپا، یک ملت مسلمان سربرکرده است، استکبار به خشم آمده است. نمی‌گوییم یک حکومت اسلامی؛ چرا که اگر قرار بود بوسنی حکومتی پیدا کند، معلوم نبود یک حکومت صد در صد اسلامیِ به آن شکل باشد. بالاخره مردم این سرزمین نزدیک به پنجاه سال زیر بارِ حکومت کمونیستی بودند. قبل از آن هم سالهای متمادی زیر بار حکومت فاسد حکام عثمانی یا امثال آنها و یا بعضی از دولتهای فاسد اروپایی و امپراتوریهای اروپایی مثل اتریش و بقیه‌ی کشورها بوده‌اند. اینها که نمی‌توانستند یک شبه یک حکومت اسلامی و قرآنی به وجود آورند. این امر متوقّع نبود. آن چه که استکبارِ مسلط بر دنیا را نسبت به مسلمین مظلومین بوسنی و هرزگوین، این طور خشمگین کرده است، وجود کشوری در اروپاست که ملت آن مسلمانند. آنها نمی‌توانند چنین ملتی را تحمل کنند. این وضع مسلمین در دنیاست. آن وقت سازمانهای بین‌المللی و بدتر و زشت‌تر از همه، سازمان ملل، در این قضیه بدترین امتحانها را دادند.

بنده عرض می‌کنم دبیر کلی که امروز در رأس تشکیلات سازمان ملل است، بداند چنان سابقه‌ی بدی برای خود در بین مسلمین ایجاد کرد که دیگر به هیچ قیمتی این سابقه اصلاح نخواهد شد. مسلمانهای دنیا می‌بینند که در بوسنی چه اتفاق می‌افتد. لذا در برهه‌ای گفتند به ما اجازه بدهید برویم به آنها کمک کنیم؛ چرا که به طرف مقابل مسلمانهای بوسنی کمک می‌شود. گفتند نمی‌شود. گفتند اجازه بدهید تسلیحات برایشان بفرستیم. گفتند نمی‌شود. ظاهر حرف هم این است که به هیچ طرف، تسلیحات نمی‌دهیم. اما یک طرفِ نزاع تمام امکانات تسلیحاتی دولت سابق یوگسلاوی را در اختیار دارد؛ امکانات همان دولتی را که سالهای متمادی از عراق پشتیبانی تسلیحاتی می‌کرد و تانک و دیگر سلاحها برایش می‌فرستاد. امروز، آن همه امکانات در اختیار صربهاست. یک طرف هم دست خالی است؛ مردم بی‌پناه یک شهر. زن و بچه‌ای که در یک شهر زندگی می‌کنند. معنای این حرف که می‌گویند به هیچیک از طرفین درگیری،

اسلحه ندادیم چیست؟ در مقابل افکار دنیا، تقلّب می‌کنند و می‌گویند به هیچ طرف کمک نمی‌کنیم! یک طرف مسلح و یک طرف غیر مسلح، به جان هم افتادند. شما به‌جای این که یا سلاح را از دستِ مسلح بگیرید، یا سلاح به دست غیر مسلح بدهید، به کناری ایستاده‌اید و می‌گویید به هیچ طرف کمک نمی‌کنیم! این حرف، معنایی جز این ندارد که شما منتظر نشسته‌اید تا ببینید طرف غیر مسلح بیچاره، چه وقت بر خاک می‌افتد! معنایش این است دیگر. واقعاً هم منتظرند که چه وقت مسلمانها از پا بیفتند. گفتند سربازان سازمان ملل را می‌فرستیم. ملتهای اسلامی گفتند اجازه بدهید ما هم جزو سربازان سازمان ملل برویم آن جا و حائل شویم. گفتند نمی‌شود. نه فقط از جمهوری اسلامی که تقریباً از هیچ کشور مسلمانی نگذاشتند نیروی حائل به آن جا فرستاده شود! این یعنی چه؟ یعنی به سربازهایی که آن جا می‌فرستند، باید بگویند وقتی رفتید، به صربها کمک کنید! به مسلمان که نمی‌توانند این را بگویند؛ لذا نمی‌گذارند مسلمان برود. امروز چنین ننگی بر نظام نوینی که اینها می‌خواهند در دنیا به وجود آورند، حاکم است. آن رفتار امریکاییها، آن وعده‌های دروغشان نسبت به مسأله مسلمانان بوسنی و هرزگوین، آن مطلقاً کمک نکردنشان و آن هم رفتار سازمانهای بین‌المللی و بعض دولتهای اروپایی و انگلیس و دیگران. خوب، یک مشت مسلمان در آن جا مظلوم واقع شده‌اند و منتظرند که چه وقت قتل عام شوند! مسلمانها در این مورد چه کنند؟ آیا راهی غیر از حج وجود دارد؟

حضور ملتها، قدرتهای استکباری را می‌لرزاند

آن‌عاملی که‌قدرتهای استکباری را می‌لرزاند، سوادالنّاس یعنی توده‌ی مردم است.
والّا چند دولت در فلان کنفرانس که در فلان گوشه‌ی دنیا برگزار می‌شود، بنشینند و قطعنامه‌ای هم صادر کنند، اهمیتی نمی‌دهند. صد قطعنامه هم صادر کنند بی‌نتیجه است.
مگر علیه صهیونیستهای غاصب، تا کنون چندین قطعنامه صادر نشده است؟ یعنی هیچ، یعنی باد هوا! قطعنامه فایده‌ای ندارد. آن عاملی که قدرتهای استکباری را به معنای واقعی می‌ترساند و متوقف می‌کند، حضور آحاد ملتهاست. کجا بهتر از حج؟ دو میلیون مسلمان

از همه‌ی کشورهای اسلامی در آن جا جمع می‌شوند. از هر کدامشان بپرسی احساس شما نسبت به گوراژده چیست؟ خواهد گفت دلم می‌خواهد به گوراژده بروم و از مسلمانهای مظلوم گوراژده دفاع کنم. حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟ حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می‌تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد از دست برود؟ آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟ به جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند که چرا حج را سیاسی کردید؟ این است معنایش؟ برائت یعنی این.

برائت یعنی مردم در آن جا جمع شوند و علیه دژخیمهایی که با کراوات و لباس اتو کشیده و ادکلن زده می‌آیند و مثل وحشی‌ترینِ وحشیها، انسانها را می‌کشند و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت می‌کنند و نیز علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم می‌گیرند، فریاد سردهند. این معنایش برائت است. می‌شود که حج خالی از این باشد؟ آیا حجِّ خالی از برائت، حج است؟ کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند. منصفانه هم جواب بدهند. معنای آن حرف امام که فرمود حج بی‌برائت حج نیست، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حجّ است.

حضور معنادار مسلمانها در حج

حضور مسلمانها در حج باید یک حضور معنی‌دار باشد؛ والّا اگر فقط جنبه‌ی معنوی و ذکر خدا منظور بود، انسان می‌توانست در خانه‌ی خودش بنشیند و ذکر خدا کند! دیگر یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (1)

لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر ایام معلومات لازم نبود. می‌گفتند هر کس در هر وقت از سال توانست به مکه برود. مگر نمی‌شد؟ این که گفتند یک جا جمع شوید، برای همین مسائل است. برای این است که ذکر خدا هم دستجمعی گفته شود. اعتصام به حبل پروردگار هم دستجمعی صورت گیرد. می‌فرماید: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً، و نه فرادا. مسأله این است.

1- حج: 27

ص: 137

در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم

البته این که دیگران در حج چه می‌کنند، به ما ربطی ندارد. ما باید آن چه را که وظیفه‌مان است در حج انجام دهیم و به فضل پروردگار، انجام هم می‌دهیم. این که نسبت به ملتهای مظلوم، دیگران چه می‌کنند، به ما مربوط نیست. البته مربوط به ما نیست، به این معناست که اگر دیگران به ملتهای مظلوم کمک نکردند، ما متوقف نمی‌شویم. چرا؛ تلاش هم می‌کنیم. کما این که به فضل الهی، دولت و مسؤولین تلاش کردند تا شاید بتوانند ملتهای دیگر را نیز برای کمک به مظلومین بوسنی ترغیب کنند. اگر ترغیب شدند، چه بهتر و اگر هم نشدند، ما به کمکهای خودمان ادامه می‌دهیم. بحمداللّه تا امروز دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی و آحاد مردم در قضیه بوسنی و هرزگوین، سنگِ کم به ترازو نگذاشتند؛ خوب به میدان آمدند و باز هم باید به میدان بیایند. امروز هم باید هلال احمر، هر کاری می‌تواند انجام دهد تا شاید امکان این را بیابد که به مظلومین محاصره شده از لحاظ غذا و لوازم زندگی کمک برساند. آحاد جوانهای مؤمنِ مسلّح از سپاه و ارتش و بسیج باید اعلام آمادگی کنند تا هر لحظه که گفتند برای رفتن به آن جا مانعی وجود ندارد و وقتی که راه باز شد، بتوانند بروند. انقلاب و امام این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ. (1) وقتی که شما می‌توانید پا در رکابِ وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملتهای دیگر نباشند؛ ولو دولتهای دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به فضل الهی در راه انجام وظیفه‌ی اسلامی، پیشگام باشند؛ حال آن وظیفه‌ی اسلامی هر چه که می‌خواهد باشد.

البته بنده امروز راجع به فجایع یوگسلاوی سابق، عرض کردم. فقط هم آن نیست.
در همین نزدیکی خودمان، آن چه که با مسلمینِ منطقه‌ای از جمهوری آذربایجان در قره‌باغ می‌شود مثل همان فجایعَ است. آن چه که با مسلمانان تاجیکستان می‌شود نیز مانند

1- مائده: 105

همان است. آن چه که با مسلمانان کشمیر می‌شود، آن هم دست کمی از آن فجایع ندارد.
البته هیچکدام به عظمت فجایع بوسنی نیست. آن جا دشمن، دشمن محلی نیست. در مناطقی که اسم بردم، دشمن، دشمن محلی است. در بوسنی- در قلب اروپا- سیاستهای استکباری اعمال می‌شود؛ زیرا آن جا برایشان مهمتر است. اصل این است که باید آن چه را تکلیف است، بدون خوف و واهمه از احدی انجام داد. ملت ایران رشته‌های ترس از قدرتها را برید تا توانست مستقیم و راست بایستد و راست قامتی او برای ملتهای دیگر درس شود. می‌بینید که جوانها امروز در دنیا به نام اسلام شعار می‌دهند.

وحدت خود را حفظ کنید

از اول انقلاب، پانزده سال گذشته است، از رحلت امام قدس سره قریب پنج سال گذشته است. همه خیال می‌کردند که هر چه از مبدأ دور شویم؛ به خصوص بعد از رحلت امام بزرگوار(قدّس اللّه‌نفسه)، دیگر شور و شوق ملتهای مسلمان نسبت به ایران و انقلاب اسلامی تمام می‌شود. اما می‌بینید که این شور و شوق، روزبه‌روز بیشتر شده و به موازات آن روزبه‌روز برای استکبار جهانی، مشکل جدّی‌تر شده است. این کارِ خداست، کار ما نیست. این اراده‌ی الهی است. منتها ملت ایران به کمک خدا و توفیقات الهی، زمینه‌ی این تفضل الهی را با گذشت خود، با فداکاری خود، با تلاش خود، با خون دادن خود، با ابراز عقیده‌ی خود و با حفظ وحدت خود فراهم کرد. وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه‌ی خودش دچار اختلاف و تفرّق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروههای مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدمهای مختلف، این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست دارند بگویند این هم جمهوری اسلامی که همه‌اش دم از وحدت می‌زد؛ ببینید در خانه‌ی خودش دچار اختلاف و تفرقه است. دلشان می‌خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانستند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هشیاریِ شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست. امیدواریم که خداوند این حجّ مقبول را از شما و آحاد موفّقی که ان‌شاءاللّه امسال به حج مشرف خواهند شد، بپذیرد.

ان‌شاءاللّه زحمات همه را قبول کند و توفیق دهد که حجّ خوبی برگزار گردد. کسانی که به حج می‌روند قدر حج را بدانند.

زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید

من این یک کلمه را نیز فعلًا عرض کنم تا اگر تفصیلی داشت، بعداً راجع به آن بیشتر بگوییم. کسانی که به مکه می‌روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان‌گردی نکنند.
مکه بالاتر از این حرفهاست. می‌توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می‌خواهند بگردند. اما در حج، این ایام معلومات را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی‌ارزش نکنند. در نمازهای جماعت شرکت کنید. در اجتماعات شرکت کنید. نماز اول وقت را به جماعت، در حرمهای عالی‌مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزگارانه‌ای باشد که از ملت ایران انتظار می‌رود. پروردگار عالم، ان‌شاءاللّه همه‌ی شما را موفق بدارد و مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی ولیّ عصر(ارواحنا فداه) باشید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(25/ 2/ 1373 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(25/ 2/ 1373 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللَّه ربّ العالمين و صلّى اللَّه على رسوله الكريم الأمين و على آله الميامين وأصحابه المخلصين والسّلام علينا و على عباداللَّه الصّالحين وَ أَذِّنْ فِى‌النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلى‌كُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ‌كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.

گستردگی مصالح و منافع فریضه‌ی حج

ذی حجةالحرام با ذخیره‌ی ابدی‌اش برای امّت اسلامی از راه رسیده است. خدا را سپاس، بر این هدیه‌ی تمام نشدنی و سرچشمه‌ی همیشه جوشان که مسلمانان جهان به قدر همت و معرفت خود، می‌توانند هر ساله از آن بهره‌مند گردند و توشه بردارند.
گستردگی و تنوع مصالح و منافعی که دست علم و حکمت الهی در فریضه‌ی حج گنجانده، به قدری است که در هیچ فریضه‌ی دیگر اسلامی شبیه آن دیده نمی‌شود، از ذکر و حضور معنوی و خویشتن‌یابی انسان مسلمان در خلوت خود با خدا و شستشوی دل از زنگارهای گناه و غفلت، تا احساس حضور فرد در جمع و احساس وحدت هر مسلمان با همه‌ی امت اسلامی و احساس اقتدار ناشی از عظمت جماعت مسلمین. و از تلاش هر فرد برای شفا یافتن از زخم‌ها و بیماری‌های معنوی یعنی گناهان، تا کنجکاوی و تلاش برای شناختن و درمان کردن دردها و جراحتهای عمیق پیکره‌ی امّت، و همدردی با ملتهای مسلمان، یعنی اندامهای این پیکره‌ی عظیم، همه و همه در حج و در کالبد اعمال و مناسک گوناگون آن گنجانیده شده است.

ص: 141

اعمال حج، شعائر است

قرآن اعمال حج را «شعائر» می‌نامد. این بدان معنی است که اینها فقط عملی فردی و برای ادای تکلیفی شخصی نیست، بلکه نشانه‌یی است تا برانگیزاننده‌ی شعور و معرفت انسان به چیزی باشد که این عمل، علامت و نشانه‌ی آن است. در ورای این نشانه‌ها، توحید قرار دارد یعنی نفی همه‌ی قدرتهایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه‌ی اقتدار خویش گرفته‌اند، و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه‌ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعیِ مسلمین. در خلال آیات حج، قرآن همه را به برائت از بتهای مشرکین فرا می‌خواند فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ. این بتها ممکن است یک روز همان بتهای آویخته بر کعبه باشد، اما بی‌شک امروز و همیشه، همان قدرتهایی است که حاکمیت بر نظام زندگی آدمی را بناحق در دست گرفته‌اند و امروز واضحتر از همه- قدرت استکبار و قدرت شیطانی امریکا و قدرت فرهنگ غرب و فساد و ابتذالی است که بر کشورها و ملتهای مسلمان تحمیل می‌کنند. البته عالم نمایان وابسته و مزدور حکومتهای پوشالی اصرار خواهند کرد که خیر، بتها همان منات و لات و هبل‌اند. همانها که در روز فتح مکه زیر پای سپاهیان پیروزمند پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله خرد و نابود شدند! مقصودِ این آخوند السّطنه‌ها آن است که حج را به زعم خود از هرگونه مضمون سیاسی، تهی سازند! غافل از آن‌که همین اجتماع میلیونی مسلمانان از هر گوشه‌ی جهان، در یک نقطه، در یک زمان، خود دارای بزرگترین مضمون سیاسی است. این نمایش امت اسلامی است که در آن اختلافات نژادی و زبانی و جغرافیایی و تاریخی همه رنگ باخته و از همه، یک «کلّ» پدید آمده است. آنان و اربابانشان برای این‌که مسلمین از این واحد بزرگ چیزی نفهمند و فردها احساس «جمع» نکنند، همه گونه دروغ و فریب و سخن باطل به میان آورده‌اند و می‌آورند تا عرصه را بر دعوت کنندگان به وحدت و منادیان برائت از سردمداران شرک، تنگ کنند.

ص: 142

ایران اسلامی خواسته است اگر نه بیشتر، کمترین کاری را که با مضمون حج مناسب است انجام دهد، و آن دعوت مسلمین به اتحاد، و کسب خبرهای راستِ ملتها از یکدیگر، و ابراز نفرت و بیزاری از سردمداران شرک و فساد است، هر کس با این هدفهای ارزشمند و والا مقابله کند هر چه بگوید ناحق گفته است: که قرآن درباره‌ی آن می‌فرماید: وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. قول زور، سخن باطل کسانی است که بدِ جمهوری اسلامی را می‌گویند، زیرا: جمهوری اسلامی حاکمیت دولت صهیونیست بر فلسطین اسلامی را رد می‌کند و سازش چند فرد فاسد و مطرود با غاصبان را فاقد ارزش می‌شمارد، دخالت مالکانه‌ی امریکا بر کشورهای عربی را محکوم می‌کند، خیانت بعضی از سران اسلامی به ملتهای مسلمان خود را برای خوشامد امریکا و صهیونیستها، زشت می‌دارد، مسلمانان را به شناختن قدرت عظیم خود که امروز هیچ ابرقدرتی تاب مقابله با آن ندارد، فرا می‌خواند، معرفت اسلامی و مقررات شریعت را قادر بر اداره‌ی کشورهای اسلامی می‌داند، فرهنگ تحمیلی غرب را که مظهر آن برهنگی و مستی و بی‌ایمانی است، برای کشورهای اسلامی زیانبخش می‌شمارد، و کوته‌سخن، بر پیروی از قرآن و اسلام پای می‌فشارد. امروز هر یک از کشورهای اسلامی که آشکارا همین سخن را بگوید و همین مواضع را اتخاذ کند، یعنی اسرائیل غاصب را نفی کند، دخالتهای قلدرانه‌ی امریکا را نفی کند، میگساری و بی‌بند و باری و فساد جنسی و آمیختگی زن و مرد را نفی کند، خیانت سازشکاران با صهیونیستها را نفی کند، مسلمانان را به وحدت و مقاومت در برابر ابرقدرتها فرا بخواند، احکام اسلامی را در حکومت و اقتصاد و سیاست و غیره عملی کند، همین تبلیغاتی که امروز بر ضدّ ایران اسلامی همه جا می‌پراکنند، بر ضدّ آن کشور و سران آن عیناً همه‌ی این تهمتها و دشنامها و نارواها را خواهند گفت و خبرگزاریهای استکباری و صهیونیستی و رادیوهای امریکا و انگلیس و پیروان آنها همین بددهنی و یاوه‌پردازیها را درباره‌ی آن خواهند کرد. این است قول زور که خداوند آن را همتای شرک و در کنار آن آورده است. شگفتا که وعاظالسلاطین نیز در بعض مناطق جهان در این کار حرام و ضدّ اسلامی، مقلد تبلیغاتچی‌های امریکا و

صهیونیست‌اند! البته تسلیم مطلق آنان در برابر حکّام جائر که متأسفانه سرنوشت روحانیون بعضی کشورهای مسلمان است، جایی برای تعجب نمی‌گذارد! اینک حجّ، نعمت بزرگ خدا در برابر شما است، باید آحاد مسلمین و امّت اسلامی از آن سود ببرند و چنانکه فرموده است: جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ. از آن برای اقامه و صلاح دین و دنیای خود بهره گیرند.

امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است

امروز دین مسلمانان به وسیله‌ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری در میان جوامع اسلامی که غالباً با ابتکار قدرتهای ضدّ اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه‌های آنان و غیر آنان انجام می‌گیرد در خطر است، و دنیای آنان به وسیله‌ی سلطه‌ی روز افزون استکبار بر امور کشورهای اسلامی و فشار و دشمنی مضاعف بر هر دولت یا گروهی که بخواهد افکار را به سوی حاکمیّت واقعی اسلام و استقلال و اقتدار ملتهای مسلمان متوجه کند. و البته جلودار این تهاجم همه جانبه به اسلام، شیطان بزرگ یعنی دولت ایالات متحده‌ی امریکا است. هر چشم دقیقی می‌تواند دست یا اراده‌ی آن دولت ضدّ اسلام را در پشت سرِ مصائبی که بر اسلام و مسلمین وارد می‌شود، ببیند. در فلسطین اشغالی عمده‌ترین عامل خیره‌سری و گستاخی صهیونیستها و مهمترین عامل به سازش کشانیدن بیشتر دولتهای عرب در برابر زیاده طلبی در برابر اسرائیل، امریکا است. بدون پشتیبانی امریکا دولتهای مرتجع منطقه که به سرسپردگی در برابر امریکا شناخته شده‌اند، تبدیل به مدافع دولت غاصب و مدّعی فلسطینیانِ ضدّ سازش نمی‌شد و آنهایی که باید طبق وظیفه‌ی اسلامی خود، با اسرائیل مقابله کنند، لباس مقابله با مخالفان اسرائیل را نمی‌پوشیدند. و بدون حمایت بی‌قید و شرط امریکا، دولت غاصب نمی‌توانست فاجعه‌ی عظیمی مانند کشتار حرم شریف ابراهیمی علیه السلام را پدید آورده و آن چنان بی‌دغدغه خود را از عواقب آن بر کنار دارد. شبیه این مطلب در مورد مسلمانان بوسنی و هرزگوین نیز صادق است. قتل عام تاریخی مردم گوراژده و سارایوو، به وسیله‌ی صربها که حقیقتاً در شمار لکّه‌های ننگ بشریت در دوران معاصر

است، مسؤولیت سنگینی بر دوش قدرتهای مسلّط جهان و بیش از همه امریکاست. اگر دخالت و سیاستگذاری آنان نمی‌بود، مسلمانان بوسنی در برابر صربهای مسلّح و مجّهز، از دریافت کمکهای تسلیحاتی ممنوع و محروم نمی‌شدند و ملّتی دست بسته و محاصره شده، قربانی مهاجمینی خونخوار و گستاخ و تشویق شده، قرار نمی‌گرفت. دردآور آن است که امریکا و ناتو پس از این زمینه‌سازی بیرحمانه برای قتل عام مسلمانان بوسنی، و پس از این‌که سازمان ملل و دبیر کلّ آن را کاملاً در جهت همین سیاست به کار انداخته‌اند، و پس از نشان دادن علائم رضایت خود از قلع و قمع مسلمانان به دست صربها، و پس از گذشت چند هفته از حمله‌ی سبعانه‌ی مهاجمین به زن و کودک و پیر و جوان مسلمان، و کشته شدن هزاران بیگناه و پدید آمدن محنتی بدان عظمت برای مردم شهر گوراژده. پس از این همه، با تهدید صربها به بمباران هوایی، شکنجه را متوقف می‌کنند و آنگاه این را به حساب انساندوستی و صلح دوستی و بیطرفی خود می‌گذارند! آیا اگر جلّادی پس از ساعتها و روزها، شکنجه‌ی شخصی را موقوف کند می‌تواند مدعی انساندوستی خود شود و ادامه ندادن شکنجه را دلیل بیاورد؟! همین موضع ظاهراً بیطرف ولی عملاً خصمانه نسبت به مسلمین، در همه‌ی قضایایی که در آن مسلمانان مظلوم، یک طرف قضیه و مورد ستم و فشار دشمنان خود هستند، نیز از امریکا و همدستان اروپایی‌اش مانند انگلیس دیده می‌شود. که نمونه‌ی آن، قضایای گریه‌آور کشمیر و محنت شدید مسلمانان قره‌باغ و تاجیکستان است. هر جا دولت یا جمعیّتی شعار اسلام می‌دهند و برای حاکمیت اسلام تلاش می‌کنند، بطور بی‌قید و شرط مورد اهانت و تهمت و سختگیری و دشمنیِ خباثت‌آمیز امریکا قرار می‌گیرند، مثال واضح، دولت سودان، نهضت اسلامی الجزائر، حزب اللّه لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مسلمانان مصر و امثال آنهایند. در همه‌ی این موارد، عناصر استکبار جهانی و بیش از همه امریکا، رفتاری همراه با تعصّب و شبیه رفتارهای قبیله‌یی جوامع قبائلی از خود بروز می‌دهند. ماجرای دشمنی‌های کینه‌توزانه و همراه با خشم و بی‌انصافی از سوی امریکا نسبت به ایران اسلامی و البته به فضل و اراده‌ی الهی، غالباً بی‌اثر هم خود داستان جداگانه‌یی دارد که بسیاری در سطح جهان از آن باخبرند.

ص: 145

اکنون آیا امت بزرگ اسلامی و رؤسا و سیاستمداران و روشنفکران و علمای دینی آن، نسبت به این وضع دردناک مسلمانان در سراسر جهان، هیچ مسؤولیتی ندارند؟ آنان که به صدق فرموده‌ی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لا یَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ»، عقیده دارند آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حجّ بیت‌اللّه و زمانی مناسبتر از ایّام معلومات سراغ دارند؟ یقیناً بی‌دلیل نبوده است که پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله برای اعلام برائت از مشرکین که یک عمل کاملاً سیاسی و در چهار چوب سیاست کلّی نظام و دولت اسلامیِ اوّل بود ایّام حجّ را انتخاب فرمود و دستور الهی و قرآنی، اعلام کرد که: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِیمٍ. آری، حج فریضه‌یی است که مهمترین گرفتاریهای سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حلّ است. بدین معنی، حج، فریضه‌یی سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می‌دهد. کسانی که این را انکار و بر ضدّ آن تبلیغات می‌کنند در واقع با حلّ آن گرفتاریها مخالف‌اند. بطور خلاصه، حج، فریضه‌ی امت، فریضه‌ی وحدت، فریضه‌ی اقتدار مسلمین، فریضه‌ی اصلاح فرد و جمع و در یک کلمه: فریضه‌ی دنیا و آخرت است. آنان که نمی‌خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می‌خواهند، شعار جدایی دین از سیاست از همان چیزی است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، دهها سال است آن را مطرح کرده‌اند و امروز که حکومتی بر اساس دین مقدس اسلام در ایران پدید آمده و شوق روز افزون به تشکیل حکومت اسلامی همه‌ی جهان اسلام را فرا گرفته است، آن شعار را سراسیمه‌تر و خشن‌تر از همیشه مطرح می‌کنند، و هرجا مقدّمات تحقّق این هدف فراهم شده باشد، اگر بتوانند با خشونت و جدیتی تمام بر ضد آن وارد میدان می‌شوند. حاکمیت اسلام، متضمّنِ مقابله با دخالت مستکبران در کشورهای اسلامی و نیز مستلزم کوتاه شدن دست وابستگان به این قدرتها و بندگانِ شیطانِ نفس و شیطان استکبار، از اداره‌ی این کشورهاست. پس طبیعی است که استکبار

و وابستگانش و شیطانها و پیروانشان، از آن ناراضی و خشمگین باشند. و به همان اندازه باید مؤمنان به خدا و روز جزا و معتقدان راستین اسلام از آن استقبال و در راه آن مجاهدت کنند.

چند توصیه به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

اینک که از همه جای جهان، سعادتمندانی توفیق آن یافته‌اند که ایام معلومات و حجّ خانه‌ی خدا را درک کنند این‌جانب با ابتهال و تضرّع، از خداوند متعال می‌خواهم که حجّ آنان را مقبول و مأجور و آنان و همه‌ی امت اسلامی را از منافع آن برخوردار فرماید، و ضمناً برادران و خواهران را به اموری چند توصیه می‌کنم:

1- این فرصت را برای خودسازی و انابه و تضرّع، مغتنم بشمارید و توشه‌یی معنوی برای همه‌ی عمر خود از آن برگیرید.

2- رفع گرفتاریهای بزرگ مسلمین را از خداوند متعال بخواهید و بارها و بارها این خواسته را در دعا و مناجات خود بگنجانید.

3- از هر فرصتی برای آشنا شدن با مسلمین کشورهای دیگر و نقاط مثبت و منفی زندگی جاری آنان استفاده کنید. و مسلمانان غیر ایرانی بخصوص حقایق و قضایای ایران اسلامی را از زبان برادران ایرانی خود بشنوند و درست و نادرستِ تبلیغات جهانی را کشف کنند. همچنین امروز و همیشه تلاش کنند تعالیم امام عظیم‌الشأن راحل حضرت امام خمینی(قدس‌نفسه‌الشریفه) را درباره‌ی مسائل مسلمین فرا گیرند و آن مصلح بزرگ تاریخ اسلام را بهتر و از نزدیک بشناسند.

4- هر اطّلاع و معرفت درستی از وضع امت اسلامی یا خصوص کشور خود را که در اختیار دارید، به مسلمین کشورهای دیگر منتقل کنید.

5- در گفتگو با برادران مسلمان خود از هر جای جهان اسلام، مسأله‌ی «امت اسلامی» و نگرش یکپارچه به جهان اسلام را مورد توجّه قرار دهید. اندیشه‌ی خود و دیگران را از چهارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقایدی، حزبی و امثال آن فراتر ببرید و به اسلام و مسلمانان بیندیشید.

6- اقتدار خداداده‌ی بیش از یک میلیارد مسلمان و دهها کشور اسلامی با این همه ثروت مادّی و معنوی و با میراث عظیمی از فرهنگ و تمدن و دین و اخلاق را همواره به یاد مخاطبان خود بیاورید.
7- افسانه‌ی قدرت لایزال غرب و خصوص امریکا را که استکبار همواره سعی کرده است آن را چندین برابر بزرگ کرده و بی‌وقفه به ذهن مسلمانان القا کند، بشکنید. به یاد خود و دیگران بیاورید که قدرتِ ظاهراً تسخیرناپذیر کمونیسم، در همین نزدیکیها در برابر چشم همین نسل، شکست و فرو ریخت و از آن هیچ باقی نماند. قدرتهای بزرگنمای کنونی و از جمله قدرت امریکا هم ممکن است به همان آسانی، نیست و نابود شوند.
8- مسؤولیت علمای دین و روشنفکران کشورهای مسلمان را که بسی بزرگ و سنگین است همواره به یاد خود آنان و دیگران بیاورید.
9- وظیفه‌ی رؤسای کشورهای اسلامی را در قبال امت اسلامی و ایجاد وحدت مسلمین و دوری از قدرتهای استکباری و گرایش و تکیه به ملتهای خود و ایجاد حسن رابطه میان مردم و حکّام را به عنوان «النَّصِیحَةُ لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِینَ» به آنان یادآور شوید و اصلاح این امر را از خداوند متعال بخواهید.
10- همواره به یاد داشته باشید که مسؤولیت رؤسا، به معنای رفع مسؤولیت از آحاد ملت نیست و آنان در همه‌ی این هدفهای بزرگ می‌توانند نقش تعیین کننده‌یی ایفا کنند.
امید است به فضل الهی و با توجهات حضرت ولی‌اللّه‌الاعظم(اروحنا فداه و عجّل اللّه فرجه)، حج مقبول نصیب حجاج محترم، و تفضّلات و رحمت واسعه‌ی الهی شامل حال امت اسلامی و آحاد مسلمین بشود.
والسّلام علی جمیع عباداللّه الصالحین
چهارم ذیحجة الحرام 1414 برابر با 25 اردیبهشت 1373
علی الحسینی الخامنه‌ئی

ص: 148
بیانات در دیدار اعضای شورای بعثه‌ی حجّ مقام معظم رهبری(10/ 3/ 1373 ه. ش.)

بیانات دردیدار اعضای شورای بعثه‌ی حجّ مقام معظم رهبری

اشاره

(10/ 3/ 1373 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

تفضّل الهی در برگزاری مراسم حج

اولًا: خیلی خدا را شاکریم که امسال هم این حرکت عظیم- حجّ بیت‌اللَّه الحرام- با حضور دهها هزار مردم مؤمن مخلص کشورمان و به هدایت جناب آقای ری‌شهری و آقایان محترم، علما و برادران عزیز انجام گرفت. روزی که گفته شد حجّاج می‌آیند، بنده ضمن این که خدا را شکر کردم که بحمداللّه امسال هم حجّمان به خوبی انجام گرفت، در قلبم احساس مسرّتی همراه با شکرانه‌ی الهی و احساس افتخار داشتم. واقعاً تفضّل الهی است که ما هر سال می‌توانیم فریضه‌ی الهی حج را به این خوبی، با این شکوه و به این پرمغزی انجام دهیم و این نیست مگر لطف الهی و زحماتِ شما آقایان که این زحمات، خیلی خیلی ارزشمند است و هر کدام در جای خود، دارای اجر الهی است. البته ما که قابل نیستیم و تشکرمان اهمیتی ندارد. با این حال واقعاً از یکایک همه‌ی شما آقایان متشکریم.

ثانیاً: حج یک کار استراتژیک و اساسی برای ماست. صرفاً این نیست که برویم آن را به عنوان یک فریضه انجام دهیم و برگردیم و در واقع از سر واکنیم. نه؛ حج یک فرصت و یک میدان است و به این چشم باید به آن نگاه کنیم. مثل این است که یک نفر

را پشت تریبونی ببرند و بگویند اینک این تریبون و این هم شما. نمی‌شود گفت که حج، فریضه‌ای از سر وا کردنی است؛ آن را از سر وا کنیم و برگردیم. خیر؛ حج فرصتی است که جلوی شما گذاشته شده و بایستی از پیش، خودتان را آماده کنید تا بهترین و موجزترین و پرمغزترین و رساترین سخن را از آن چه که در ذهن دارید، در چنین فرصتی فوراً بگویید و بیایید. برای ما حج این است. اگر چنان دایره را بر ما تنگ کنند که هر سال بیش از هزار نفر هم نتوانیم به حج بفرستیم، علی‌رغم دشمن و به کوری چشم او، از این فرصت حداکثر استفاده را خواهیم کرد. مبادا خیال کنند وقتی دیدیم مثلاً محدود شد، خواهیم گفت دیگر حج چه حجّی؟ خیر؛ حج مال ماست و فرصتی است در اختیار ما و در اختیار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و این ملت عظیم که این همه هم حرف دارد و بایستی بتواند آن جا بزند. با این دید که نگاه می‌کنیم، از همین امروز که آقایان بحمداللّه برگشتید، بایستی بعثه مثل هر سال- هر سال هم همین طور بوده، اما به دلیلی که عرض خواهم کرد، امروز مهمتر است- شروع به تدوین برنامه‌ی سال آینده بر فروض مختلف کند. آن هم با رعایت این نکته که چه کنیم تا بلیغتر و پرمضمونتر و مؤثرتر، کار خودمان را در سال آینده در حج انجام دهیم.

برائت، واجب سیاسی است

نکته‌ی بعد این است که مسأله‌ی برائت، البته یک امر واجب در حج است. منظور ما این نیست که برائت از واجباتی است که اگر کسی عمداً ترک کرد، حجش باطل شود. نه؛ اهل معرفت می‌فهمند که مراد از وجوب آن چیست. قطعاً واجب است به این بیانی که عرض‌می‌کنیم. امانه‌مثل بقیه‌ی واجبات‌حج، مانندوقوف درعرفات یادرمشعرویا طواف.
نه؛ نوع دیگری از وجوب است که آن نوع دیگر، گاهی اوقات اهمیتش بیشتر از واجبات این‌سبکیِ غیرِ سیاسی می‌شود. برائت، واجب سیاسی است. یعنی چه؟ یعنی خدای متعال حج را برای اعلام حضور مؤمنین در حج- لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (1) قِياماً لِلنَّاسِ (2)
-

1- حج: 28

2- مائده: 97

و بقیه‌ی جهاتی که در آن است، معین کرده است. عده‌ای در طول سالیان دراز، بر اثر غفلت و نادانی و یا اغراض و مطامع، نگذاشتند حجْ چنان که باید انجام گیرد، برگزار شود.
ما اکنون می‌خواهیم حج را به نقطه و مرکز اصلی خودش برگردانیم. آیا این کار واجب است یا واجب نیست؟ آیا کسی می‌تواند بگوید شرعاً گذاشتن حج در جایگاه حقیقی خودش واجب نیست؟ می‌شود کسی بگوید این مستحب‌است؟ می‌شود کسی بگوید که‌این اجتناب‌پذیر است؟ کسی که می‌تواند اندکی در این راه کاری بکند، می‌شود بگوید که من این کار را نمی‌کنم؟ یا نه، این جزو واضحات است. حج باید در جای خود قرار گیرد. باید همچنانی که خدای متعال خواسته و مقرر کرده است، اجرا و اعمال شود. امروز ما می‌توانیم این کار را بکنیم. چگونه؟ به کیفیّتِ برائت. به کیفیّتِ ایجاد بعثه و تشکیلاتی که امروز هست. به شکلِ حضور متعرّض در حج. یعنی با همه چیز کار داشتن، نه منفعل، نه گریزان از برخورد؛ بلکه به شکل آماده‌ی برخورد. منتها منظورمان بر خورد خشن و خصمانه و خونین نیست، بلکه برخورد جهادی در مقام تبلیغ و بیان است. ما می‌توانیم این کارها را انجام دهیم. آیا انجام ندهیم؟ می‌شود کسی بگوید که می‌توان انجام نداد؟
می‌شود کسی بگوید برائت چیست که به آن چسبیدید؟ ممکن است بعضی چنین حرفی بزنند. اما کسی که خدا را قبول دارد، اراده‌ی الهی را در حج می‌داند. آیه‌ای که در آن قیاماً للناس آمده است، ناظر به همین معناست. آیا کسی می‌تواند آن را قبول داشته باشد ولی در عین حال بگوید ما نمی‌خواهیم شما کاری کنید که حج «قیاماً للناس» باشد؟
می‌شود چنین چیزی گفت؟ مثل این است که کسی بگوید چه لزومی دارد حکومت اسلامی تشکیل بدهیم؟!

از حکومت اسلامی غفلت شده بود

از حکومت اسلامی نیز مثل حج نبوی، غفلت شده بود. احکام الهی هم از مرکز و محور خودش قرنها دور بود. این همه حکّام آمدند، این همه سلاطین آمدند، این همه سیاسیّون در این کشور آمدند، این همه فتوحات در این کشور کردند؛ اما بدون محوریت دین خدا و بدون محوریت شریعت. اینها درست بود؟ کسی اگر بتواند شریعت را در

محور خودش قرار دهد، آیا پیش خدای متعال عذری دارد که در این راه قدمی بر ندارد؟ این همان حرفی است که امام، تمام وجود خودشان، آن وجود ذی‌قیمت را، در این راه مصرف کردند. این که ایشان خطاب به بعضی از حوزه‌ها فریاد می‌زدند: ساکت! می‌فرمودند: ای فلان جایی ساکت! ای فلان‌کسها ساکت! برای همین بود. این که امام می‌گفتند امروز تقیّه حرام و اظهار حقایق، واجب است، برای همین بود. پانزده سال زحمت و تلاش و خونِ دل و خون و شکنجه و شلّاق و سیلی و مرارت، برای این بود که حکومت اسلامی در مقرّ خودش و شریعت اسلامی در جای خودش قرار گیرد و اگر همه‌ی دنیای اسلام از شریعت سیراب نمی‌شود، لااقل بخشی از دنیای اسلام و جامعه‌ای، ازاین شریعت سیراب گردد و قوانین و مقررات زندگی در آن جامعه، برخاسته از شریعت باشد. امام در این مدت این همه تلاش و این همه کار کردند. همه‌ی مؤمنین، همه‌ی مجاهدین، همه‌ی شهدا، همه‌ی علمای واقعاً علاقه‌مند وهمه‌ی شما نیز دراین‌کار و تلاش شرکت داشتید تا پیروز شد. آنهایی هم که قبلًا در این زمینه، خیلی تلاش نمی‌کردند، بعد از پیروزی امیدوار شدند و بنای کار بیشتر را گذاشتند. آیا می‌شود کسی بگوید این کجای دین نوشته شده است؟ یا بگوید کجای توضیح‌المسائل نوشته شده که بعد از نماز و روزه و فلان، یکی از واجبات هم اقامه‌ی دین خداست؟ این توضیح‌المسائل می‌خواهد؟ این، بیان فرعی فقهی می‌خواهد؟ این، لازم است با مسأله‌ای که می‌گوید دستمان را دو بار با آب بشوییم پاک می‌شود یا یک بار کافی است و نظیر چنین مسائل و احکامی مقایسه شود؟ این، اصلًا قابل مقایسه با آنهاست؟ البته از آن واجباتی هم هست که اگر کسی ترک کند، تعزیر و حدّی در شرع برایش مقرّر نشده تا بگوید به ترک کننده این قدر حد بزنند و یا به عنوان فسقِ مبانِ واضحی ذکر نشده است؛ اگر چه تشخیصها مختلف است. پس این، یک واجب سیاسی است؛ همان طور که برائت یک واجب سیاسی است.

مسأله‌ی‌برائت واقامه‌ی حجّ اسلامی واقامه‌ی حجّ‌نبوی‌واقامه حجّی‌براساس قِياماً لِلنَّاسِ و مَنافِعُ لَهُمْ، درست مثل همین است. امام، برای این تلاش می‌کردند؛ والّا ایشان

آدمی نبودند که بخواهند مسأله و موضوعی را که از دین نیست، به دین اضافه کنند و یا مسأله‌ای را که از دین هست از دین کم نمایند. ایشان آدمی بودند که مو را از ماست می‌کشیدند. امام، آدمی دقیق بودند. اگر همه‌ی دنیا مقابل امام جمع می‌شدند و موضوعی را که مورد پسندشان بود- همه از آن خوششان می‌آمد، همه دوستش می‌داشتند و حتی جوانها برایش به به می‌گفتند- مطرح می‌کردند و می‌گفتند این را بگوییم از دین است؛ اگر ایشان آن موضوع را از دین نمی‌دانستند، می‌گفتند نه. امام آدمی نبودند که بخواهند راجع به موضوعی که به دین برمی‌گردد، با کسی معامله و سازش کنند و یا رودربایستی داشته باشند. صریح می‌گفتند که برائت جزو حجّ است. برائت واجب حجّ است. حجّ بی‌برائت حج نیست. اینها تعبیرات امام است. جایگاه برائت در حج این است.

اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است

البته «لقائل ان یقول»؛ ممکن است گفته شود اگر این طور است، پس چرا تعطیلش کردید؟ جواب این است که خودِ حج را هم یک وقت مانع می‌شوند. صدٌّ عن سبیل‌اللّه می‌کنند و حج، تعطیل می‌شود. در ابواب فقهیه، حجٌّ مسدود داریم. کسی که مسدود است چه کار کند؟ امسال نشد، سال دیگر بکند. اگر فلان وقتش سدی انجام گرفت، علاج شرعی‌اش چیست؟ وقتی نشد، انسان نمی‌کند دیگر. همه‌ی احکام الهی، موکول به قدرت و توانایی است. قدرت هم قدرت عقلی نیست، قدرت شرعی است. وقتی انسان می‌بیند دماء مسلمین در خطر است و مشکلات فراوان و صعوبات زیاد بر سر راه است و تکلیف بر او غیر قابل تحمل می‌شود، می‌گوید فعلاً این کار انجام نگیرد. امسال نتوانستیم برائت را انجام دهیم، به فضل پروردگار سال دیگر انجام خواهیم داد. اگر سال دیگر هم نتوانستیم انجام دهیم، سال بعدش انجام می‌دهیم. اگر ده سال نتوانستیم، پنجاه سال بعدش انجام می‌دهیم. مسأله که شوخی بردار نیست. این طور نیست که کسی خیال کند بالاخره برائت هم یک چند سال انجام شد؛ ناشی از شلوغی انقلاب بود و همه چیز کم کم به حال اوّل بر می‌گردد. خیر. مثل این است که بگوییم چند سال حکومت اسلامی بود، دین خدا بود، مجلس شورای اسلامی بود، ولی بعد همه چیز به شکل اول برگردد.

پادشاهی بیاوریم، دولت غیراسلامی بیاوریم. مگر ممکن است؟ ما وارد راه جدیدی شدیم. آن، برگشت است. آن، رجعت است.

و اما نکته‌ی آخر. برادرانی که یک حجّ مفید را طراحی می‌کنند، ببینند اگر قرار شد ما در حجِّ سال آینده باز هم نتوانیم برائت را به شکلی که تا پارسال معمولمان بوده انجام دهیم، چه باید بکنیم؟ ممکن است دیگر. ممکن است پیش بیاید. ممکن است خدای نکرده، العیاذ باللّٰه، سال آینده عرفات را آب بگیرد و نتوانیم وقوفِ عرفات کنیم. چنین فرضی ممکن است. ممکن است پیش بیاید دیگر. به هرحال راهی دارد. علاجی دارد.
به هرحال اگر سال آینده نتوانستیم برائت را انجام دهیم، چه کار کنیم که آن کار، بهترین باشد، برای این که حج «قیاماً للناس» شود. حج، حجّ نبوی و علوی شود. راجع به این مسأله باید فکر کنیم. همه‌ی راههای نو و ناپیموده و ابتکاری و ممکن را فکر کنید. با دقت برنامه‌ریزی کنید و همه‌ی مقدماتش را از همین امروز فراهم نمایید. اگر بناست، کاری انجام گیرد، کتابی برود، نوشته‌ای برود، کسی برود؛ این کارها را انجام دهید تا سال آینده حج ما به صورت بهترین حج انجام گیرد.

ما کمک و وعده‌ی خدا را باور داریم

ان‌شاءاللَّه که‌خداوند متعال به‌شما کمک خواهد کرد. ما حقیقتاً سخن خدا و وعده‌ی خدا را قبول و باور داریم. این که می‌فرماید: وَالَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا، (1) این که می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ، (2) این که می‌فرماید: «هر کس با خدا باشد، خدا با اوست»؛ وَمَنْ جاهَدَ فَإِنَّما یُجاهِدُ لِنَفْسِهِ (3)
همه‌ی اینها را قبول داریم. ما کمک الهی را قبول داریم. واقعاً اعتقاد داریم اگر جایی از طرف خدا کمک نمی‌شود، به خاطر عیب و

1- عنکبوت: 69

2- عنکبوت: 69

3- عنکبوت: 6

اشکالی است که در کار ما وجود دارد. بنابراین خدای متعال، ان‌شاءاللَّه کمک خواهد کرد. روزبه‌روز، حجْ بهتر و کاملتر خواهد شد و ان‌شاءاللَّه جمعیت بیشتری را به حج خواهیم فرستاد. ان‌شاءاللَّه در سال آینده صدوبیست، سی‌هزار نفر بفرستیم و بتوانیم یک حج، آن چنان که دلخواه بندگان خوبِ خداست، داشته باشیم. ان‌شاءاللَّه بعد از حجّ سال آینده، باز هم شما برادران عزیز را زیارت کنیم و همین طور سرشار از افتخار و سرور، کارها انجام گیرد.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(16/ 1/ 1374 ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(16/ 1/ 1374 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

خداوند، خدمت شما را قبول کند

اولًا باید از همه‌ی برادران و خواهران عزیز تشکر کنم که یک بار دیگر این فرصت را برای بنده فراهم آوردید که در جمع محترم کارگزاران فریضه‌ی عظیم حج بتوانم راجع به این واجب الهی مطالبی را در میان بگذارم و عرض کنم. همچنین باید از زحمات شما عزیزان، بخصوص مسؤولین محترم در اجرای هر چه بهتر این واجب الهی و پر کردن این خلاء تشکر کنم و از خدای متعال بخواهم که شما را منظور نظر حضرت بقیةاللّه‌الاعظم و مشمول ادعیه زاکیه‌ی آن بزرگوار قرار بدهد و به بهترین وجهی از شما این خدمت را قبول کند.

توجه به مسائل معنوی در حج

دو نکته مهم در باب حج وجود دارد که همیشگی و فراموش نشدنی است. یکی مسأله‌ی معنویت در حج است. در خلال این واجب، از اول تا آخر یک روحی وجود دارد که آن روح عبارتست از توجّه و اخلاص به ذات مقدس احدیّت و اظهار عبودیت در مقابل پروردگار. در فرائض و واجبات دیگر، به این حجم و کیفیت، این ویژگی را نمی‌شود مشاهده‌کرد؛ اگر چه قوام هر واجب و عبادتی، به توجّه و ذکر حضرت پروردگار جلّ و علی است. وقتی انسانها به مرکز اقامه‌ی فریضه‌ی الهی حج، جذب می‌شوند از

محدوده‌ی زندگی مادی، خارج و به فضایی کاملًا معنوی وارد می‌شوند. در این فضای معنوی، انسان بطور حقیقی شستشویی می‌کند و برمی‌گردد. فرض بر این است که اگر انسان، یک بار در مدت عمر خویش چنین شستشویی بکند، برای او کافی است؛ چون حج یک بار واجب شده است و واجبات بر اساس نیازها و حاجت بشر است. اگر ما برای سیر تکامل و عروج الی‌اللّه به بیش از هفده رکعت نماز در روز احتیاج داشتیم، خدای متعال آن‌را واجب می‌کرد. حداقل واجب آن چیزی است که برای ما به صورت حکم واجب درآمده است. حج، برای هر کسی که بتواند؛ «من استطاع»- که نباید خیال کرد «من استطاع» واجب را محدود می‌کند، نه این واجب را توسعه می‌دهد- بدون استثنا، یک‌بار در عمر واجب است و اگر کسی نتوانست، خوب نمی‌تواند، بر او چیزی واجب نیست، چون قدرت وجود ندارد. پس یک بار، رفتن در آن مخزن و چشمه‌ی جوشان معنویت برای شستشو و پاکیزه شدن، کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر و بیشتر شستشو خواهدشدامّاحداقل لازم همان‌یک‌باراست. ببینید چه‌قدر جنبه‌ی معنویت حج باید قوی باشد. اینها نکاتی است که ما باید واجب را از این دریچه‌ها درست بشناسیم و بفهمیم. اگر ما دیدیم که حج جنبه‌ی مادی و ظاهرسازی و دوری از معنویت پیدا کرد و در سفر حج رفتارهایی که برای خودمان انتخاب می‌کنیم یا بر ما تحمیل می‌کنند، ضد معنویت است، باید بدانیم از فلسفه‌ی حج دور افتاده‌ایم. کسانی که حج و ایام حج را، به میزان زیادی صرف چیزها و کارهایی می‌کنند که در جهت مقابل معنویت، غرق شدن در مادیّت و دوری از خداست، در حقیقت، بدون اینکه خودشان بدانند، دارند از آن سرمایه‌ای که خدای متعال در حج به آنها هدیه کرده است، کم می‌کنند. آنها خیال می‌کنند چیزی به‌دست می‌آورند، در حالی‌که دارند چیزی از دست می‌دهند و با غرق شدن در مادیات، هدیه‌ی معنوی را ناقص می‌کنند. حج اول با «لبیک» یعنی پاسخ‌گویی و اجابت دعوت الهی، شروع می‌شود. تمام مناسک و کارهای حج از قبیل: حالت احرام، لباس و محرّمات احرام، طواف، سعی، نماز ووقوفین، هرکدام به نحوی، گوشه‌ای از وجود ما را به معنویت و به خدای متعال جذب می‌کند. این مجموعه‌ی مرکب در واقع چشمه‌ی زلالی است که باید خود را در آن، شستشو بدهیم. مراقب باشید که حج، این جهت را از دست ندهد.

ص: 157

حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید

در دوران گذشته- البته در زمانی که سردمدار امور حج کسانی بودند که معنویات را بو و لمس نکرده بودند- توقعی نبود. آنجا البته کسانی بودند، خودشان اهل معنا، توجه و تذکر بودند و خود را به نحوی تأمین می‌کردند، اما دستگاهی وجود نداشت که آنها را به سمت معنویت حرکت بدهد. امروز وضع فرق می‌کند. امروز کسانی که متصدّی حج‌اند، اهل معنویت تذکر و انس باخدا هستند. طعم معنویت را می‌فهمند و شیرینی انس با خدا و ذکر خدا را درک می‌کنند. فرق می‌کند وقتی که مسؤولین حج، این‌جور افرادی باشند، یا افرادی که اصلاً نمی‌فهمند حج چیست. نمی‌دانند فرق بین یک مسافرت معمولیِ گردشی با حج عظیم الهی چیست. خیال می‌کنند این هم یک مسافرتی است که آدم برای سفر و گردش می‌رود و برمی‌گردد. امروز شما مسؤولین حجّ‌اید. اهل معنویت متصدی امور حجّ‌اند. من از همه‌ی آقایان محترم، مسؤولین، برادران و خواهران و هر کسی که به نحوی با حاجی‌ای ارتباط دارد، خواهش می‌کنم که یکی از کارها و کوششهایشان این باشد که این حاجی را به روح و معنویت حج، نزدیک کنند و مردم را با تأثیراتی که حج، منهای مسائل اجتماعی، برای تکامل فرد انسانی دارد؛ از قبیل اینکه فرد را کامل و پاک می‌کند، پالایش، تزکیه و مزیّن به زینت معنویت می‌کند، سرمایه‌ای به او می‌دهد، مشت او را پر می‌کند و برمی‌گرداند، آشنا کنند. همه‌اش هم با بیان و گفتن نیست بلکه با عمل، حضور، توجّه و با رفتار، بایستی مردم را به معنویت سوق داد. اگر این بشود، نکته‌ی دوم حج هم که نکته‌ای فراموش‌نشدنی و یکی از اهّم نکات در باب حج است، آسانتر خواهد شد.

نکته‌ی دوم، همان نکته‌ی اجتماعی است. خدای متعال این واجب را به نحوی انجام داده است که مسلمانها، چشم در چشم یکدیگر واقع بشوند. اگر حج نبود، یک فرد مسلمان ممکن بود تا آخر عمر بسیاری از این ملیّتها را، نه تنها نبیند، بلکه اسم آنها را هم نشنود. حج، ملتها، رسوم، زبانهای مختلف و افراد ناآشنا که اگر دوتایشان در نقطه‌ای،

روزهای متمادی با هم باشند، معلوم نیست یک ذره با یکدیگر انس پیدا بکنند، را در یک نقطه جمع می‌کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می‌بخشد که دنبال یک هدف بروند. خوب توقع چیست؟ توقع این است که دستاورد واحدی پیدا بکنند.
آن دستاورد واحد چیست؟ آن چیزی که به همه‌ی ملتها ارتباط پیدا می‌کند، نه به یک ملت واحد، فضلًا از شخص واحد، آن چیست؟ آن عبارت است از چیزی که بین ملتها است، که همان اسلام است. بین ملتهای صاحب نژادهای مختلف؛ که همه مسلمانند، آنچه مشترک است چیست؟ آن، آرمانها، آرزوها، اهداف و عشقهای اسلامی است که اسلام برای آنها معین کرده است. پس حج می‌خواهد این را تأمین بکند. چرا این نکته‌ی واضح را بعضی نمی‌فهمند و باید برایشان تشریح کرد؟ بعضی با وجود تشریح کردن هم نمی‌فهمند و شقاوت را به حد اعلی رسانده، با این امر واضح و حق صریح، مبارزه هم می‌کنند. شرقی، غربی، سیاه، سفید و صاحب لغات گوناگون که اینجا جمع شده‌اند، چند روز عمل واحد انجام می‌دهند، در یک نقطه عبادت می‌کنند، می‌خوابند و می‌نشینند.
این کارها برای یک امر فرا ملیّتی و فراشخصیتی است والّا ممکن بود این اعمال را هر کسی در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد. چرا مردم را به یک نطقه‌ی خاص کشاندند؟ برای اینکه با هم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن چیزی که فراتر از مجموعه‌های ملّی است، یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند. آن، همان چیزی است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از روز اول دارد روی آن تأکید می‌کند و می‌گوید آقا حج، برای آشنایی مسلمانان، اتحاد و تأمین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک؛ یعنی برائت از مشرکین است. اینجا چون مرکز اسلام است و لُب، روح و حقیقت اسلام توحید است و خانه‌ی خدا، مرکز اقامه و مظهر و نماد و رمز توحید است، لذا شعار، شعار توحیدی است و برائت هم برائت از شرک است. این امر واضحی است. حالا می‌گویند آقا توی کتاب مسأله، کجا نوشته‌اند برائت از مشرکین جزء واجبات حج است؟ خوب کجا نوشته‌اند که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر باشد، اسلام را نفهمیده است؟ یک چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جایی که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به‌وضوح می‌بینید. البته انسان

باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد. کیست که توحید، شعار معنویت و وحدت مسلمین را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم برای این است که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده بشود؟ برخلاف آنچه امروز دشمنان می‌خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک سینه سپر می‌کند.

دشمنان، با عزت اسلام مخالفند

ببینید امریکا با چه فضاحتی با جمهوری اسلامی دشمنی می‌کند! این دشمنی برای چیست آقا؟ برای این است که نمی‌خواهد کلمه‌ی حق، معنویت و اسلام در جایی سینه سپر کند و خودش را نشان بدهد. اگر جمهوری اسلامی شعارهای اسلامی مانند نماز، دعا، عبادت و قرآن و از این حرفهایی که ما می‌زنیم را می‌گفت، امّا در مقابل استکبار سینه سپر نمی‌کرد و هر چه آنها می‌گفتند، می‌گفت بله چشم، هر چه شما بفرمایید، به جان شما، هیچ کاری با آن نداشتند. اینها که با ذلت اسلام مخالف نیستند. اگر اسلام، العیاذباللّه ذلیل باشد، اینها مخالفتی با آن ندارند. اینها با عزت اسلام مخالفند. اگر در جایی، کشوری بود، پرچم اسلام و لااله‌الّااللّه هم داشت، شعار اسلام هم داد، امّا در مقابل استکبار جهانی ذلیل بود، استکبار مگر دیوانه است با او بجنگد یا با او مخالفت کند؟
اسلامی که در مقابل امریکا به خاک می‌افتد، برای امریکا ضرری ندارد؛ چرا باید با او مبارزه کنند؟ خوب نوکر خودشان است. پول و کمک هم بخواهند، از او می‌گیرند و حرف خود را هم به او تحمیل می‌کنند. این‌جور اسلامی که دشمن ندارد. آنها، اسلامی را نمی‌پسندند که سینه سپر می‌کند، داعیه دارد و مردم را به خود دعوت می‌کند. پیغمبر اسلام خودش را در مکّه حبس نکرد. اگر پیامبر خودش را در مکّه یا در خانه حبس می‌کرد، دعوت نمی‌کرد و متعرض کسی نبود، کسی به او کاری نداشت. اسلام عزیز است. عزّت اسلامی که سینه سپر می‌کند؛ می‌ایستد، سرش را بالا می‌گیرد، زیر بار دشمن نمی‌رود، بلکه بارها و بارها استکبار را ذلیل می‌کند و بینی او را به خاک می‌مالد، باید تثبیت شود. همچنان که جمهوری‌اسلامی، علی‌رغم بدبینها، ضعیف‌النفسها، منفی‌بافها وکوته‌نظرها، که می‌گفتند آقا نمی‌شود، نکنید، بترسید، و به کمک همین مردم و با عنایت

الهی و رهبری آن مرد موحد- که حقیقتاً آن امام بزرگوار موحّد بود و توحید در سراسر وجود او جریان داشت. همه‌ی وجود او خدا، عظمت و عزت الهی را قبول داشت- توانست دشمن را ذلیل بکند و خودش عزیز باشد.

با ملت ما، به‌خاطر آرمانهایش دشمنی می‌کنند

از این جمهوری اسلامی ناراحتند؛ بدشان می‌آید، می‌خواهند بکوبندش. تهمت هم می‌زنند. شعار هم می‌دهند. خلاف و دروغ هم می‌گویند، ظلم هم می‌کنند. می‌بینید که همه‌ی آنچه که می‌گویند ظلم است. توطئه هم می‌کنند. در داخل هم، انگشت مفسد گندیده‌ی خودشان را وارد کشور می‌کنند. اینجا و آنجا را از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، دچار مشکل هم می‌کنند. خرابکاری می‌کنند و جلو بازسازی ملت را می‌گیرند. ساختن، سخت است امّا ویران کردن آسان است. امروز دولت دارد می‌سازد و بازسازی می‌کند. یک ساختمان را خشت باید روی خشت گذاشت تا بالا برود، امّا با یک ماده‌ی منفجره راحت می‌شود آن را منفجر کرد. جلوی این کارِ مشکل را می‌گیرند.
مزاحمت ایجاد می‌کنند. خباثت می‌کنند. برای چه؟ برای اینکه می‌بینند اینجا یک ملتی هست که با دعوت و با شعارهای اسلامی، کمر بسته است به اینکه زندگی، دنیا و آخرت خود را بسازد، آباد کند و می‌خواهد زیر بار دشمن هم نرود؛ این است که با این ملّت دشمنی می‌کنند. به همین دلیل با شعار توحید در حج هم دشمن‌اند.

حج را با ویژگیهای آن بشناسید

عزیزان من، حج را با این دو خاصّه بشناسید؛ خاصه‌ی تأثیر شخصی، فردی و معنوی، ایجاد یک انقلابی در هر دل، این هزاران دلی که از اینجا احرام می‌بندند و به خانه خدا، به میعاد و میقات الهی می‌روند تا منقلب، الهی و معنوی بشوند و برگردند. دلها از خانه‌ی خودشان احرام می‌بندند. دلهای ذاکر و خاشع، در واقع قبل از میقات دلها مُحرم‌اند. این، یک ویژگی بود. [که این قابل اغماض نیست. و دومی هم معنا و مفهوم جمعی، اسلامی(این قسمت در نوار نیست)]، امتی و فراملیتی مربوط به امت اسلام و

ص: 161
عبارت است از اثبات عزت توحید، نفی شرک، برائت از شرک و مشرکین و داعیان الی الشرک و مخالفان توحید، به هر شکل و به گونه‌ای که بتوانند. مثل خود حج که؛ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا، متوقف بر استطاعت است.

البته دلهای مؤمن پیروان آل محمّد صلی الله علیه و آله در آن سرزمینها دنبال یادگارهای عزیز خودشان هم می‌گردند. دنبال یاد ائمه مظلوم خودشان که آنجا، پایگاه اشعاع و نورانیت و درس آنها بوده است. ائمه در طول دویست و پنجاه سال امامت شیعه، در آن شهرها و توی همان کوچه، خیابانها و خانه‌ها، در همان سرزمین، در همان بقاع متبرکه، نشستند اسلام را به مردم تشنه، مشتاق و با معرفت تعلیم و تدریس کردند و یاد، ذکر، آثار، قبور مطهره و یادگارهای آنها آنجا است. امروز هم بازمانده‌ی عزیز و دردانه‌ی قیمتی این عالمِ وجود در روی زمین در ایام حج در همان جا است. سیّد و مولای آفرینش و محبوب دلهای مشتاقان، در عرفات، منی، مشعر الحرام و طواف آن‌جا است. دلهای آشنا سراغ بگیرند و خودشان را با کانون معنویت مرتبط کنند.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد دلهای ما را با منابع نور و معنویت و حقیقت آشنا کن. دلهای ما را با خودت مرتبط کن. ما را از اولیائت جدا مفرما. پروردگارا به محمّد و آل محمّد حج را از امت اسلام قبول کن. حج را برای امت اسلام مبارک کن. کارگزاران حج عظیم اسلامی را مورد رحمت و برکات خودت قرار بده!

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام(14/ 2/ 1374 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

اشاره

(14/ 2/ 1374 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ و الحمدللَّه رّب العالمين والصّلاة والسّلام علی خيرخلقه محمد المصطفی وآله الطاهرين وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (1)

موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می‌رسد

چون بهار طبیعت، که همواره در میعاد همیشگی خود، لبریز از نشاط زندگی فرا می‌رسد، موسم حج، نوبهار جان و دل، و فصل رویش و پیدایش روح زندگی توحیدی در دل هر مسلمانی که خود را به میقات رسانده باشد، همه ساله در موعد خدایی و همیشگی باز می‌گردد تاچون چشمه‌سار مبارکی رشحات حیات طیّبه‌ی اسلامی را بر سراسر جهان اسلام بپاشد وکسانی راکه توفیق یافته‌اند که تن به این سرچشمه‌ی مبارک بزنند، از غبار و کدورت گناه و شرک و ماده‌گرایی و میل به پستی و بدکرداری، پاک کند و در آنان اگر اهل توجّه وتذکر باشند، مایه‌ی صلاح وفلاح یک عمر را ذخیره سازد.
اکنون بیش ازچهارده‌قرن است که ندای‌ابراهیم خلیل ازحلقوم محمّدمصطفی صلی الله علیه و آله، همه ساله میهمانان بیت را در این موسم به پایگاه معنویت و وحدت می‌کشاند تا گرد مرکز توحید، همراه با آن جریان ابدی عروج، طواف کنند، و در پشت مقام ابراهیم به سمت

1- حج: 27

کعبه‌ی محمدی صلی الله علیه و آله، نماز گزارند، و میان صفا و مروه، سعی ابدی مؤمن از منشأ صفا را مجسّم سازند. و معرفت به حقارت خویش و عظمت و عزت حق تعالی را در عرفات، و زمزمه‌ی ذکر و انس و عشق به حضرت احدیت و درک نور تابان آن بی‌همتارا در صحرای ظلمانی وجود خود در مشعر بیاموزند، و در منی شیطان بزرگ و شیطانهای دیگر را هدف رمی خود سازند، و به نشانه‌ی قربانی کردن هواها و تمایلات منحرف‌ساز، ذبیحه‌یی قربانی کنند- و این همه را در حال احرام که حریم جان و دل حاجی در برابر میوه‌های ممنوع این بهشت است و در کنار دیگر مسلمانان از هرجا و هر نژاد و باهر رتبه‌ی مادی یا معنوی و دارای هر زبان و فرهنگ به جای آورند و آنگاه به نشان زدودن همه‌ی چرکها و پلیدی‌هایی که در فضای آلوده‌ی زندگی مادّی برجان و دل آنان نشسته است، حلق وتقصیر کنند وسپس بار دیگر با طراوتی که از زدودن گناه و تجلّی معرفت و محبت خداوند، در جان و دل آنان پدید آمده‌است، به خانه‌ی خدا برگردند وطواف ونماز و سعی را این‌بار در آفاقی برتر از پیش به جای آورند و با ذخیره‌یی سرشار از توحید ومعنویت و صفا، و عزمی راسخ در مبارزه با شیطانها، و قدرتی فائق بر نفس خویشتن، آماده‌ی برگشتن به دیار خود و پراکندن عطر حج در اقطار گیتی باشند.

حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می‌کند

حکمت بدیع اسلام، این آزمایش شگفت آور و پر از رمز و راز را چنان ترتیب داده است که همین یک واجب بتواند در همه‌ی قرون و اعصار، و با هراندازه گسترشی که دامنه‌ی اسلام در شرق و غرب گیتی به دست آورده است، یکپارچگی و اتصال اجزاء این پیکر عظیم را تأمین کند ... همه در یکجا و همیشه در یک فصل، ... چه آن هنگام که سفر کعبه‌ی مشتاقان بیت از برخی نقاط عالم یکسال به طول می‌انجامید و چه امروز که دشمنان امت اسلامی برای پوشش تبلیغات زهرآگین خود به سراسر کره‌ی زمین به بیش از یکساعت نیازندارند، همیشه اجزاء این پیکر عظیم و پراکنده، به این مرکز وحدت و قدرت که برای آنان کانون صفا و برادری و معنویت و توحید و معرفت واطلاع است نیاز داشته‌اند .. و اسلام اگر از حج خالی می‌بود رکنی اصلی و جزیی جوهری را فاقد بود.

ص: 164

دو عنصر اصلی حج

حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان .. همه‌ی اعمال و تروک حج، برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است، و این در حقیقت خلاصه‌یی از اسلام و همه‌ی دعوتهای الهی نیز هست که: وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (1)
در آیات حج تعبیرات: حُنَفاءَ لِلَّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ، (2) یا فَإِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ...، (3) یا: فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللَّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً (4)
وامثال آن ناظر به همین دو عنصر اصلی است.
تقرّب به خدا، ذکر ونماز وتسلیم واحرام وبه خود وخدا اندیشیدن وسعی و صفا را می‌طلبد ودرنهایت زاد وتوشه‌ی تقوا را درکوله‌بار حاجی می‌گذارد: وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوی وَ اتَّقُونِ یا أُولِی الْأَلْبابِ. (5) و اجتناب ازشیطان وطاغوت، دل کندن ازشهوات و هوسهای خوارکننده وکمک گرفتن ازنیروی صبر واراده‌ی خود ونیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانادرحرکت دستجمعی وهمراهی وهمدلی و همگامی و هم‌زبانی همگان در طواف وسعی، و وقوف در عرفات و مشعر ومنی، وهدف گرفتن دستجمعی جمرات شیطان و رمی از همه جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می‌شود و درنهایت، گره خوردن دستها و دلها وعزم‌های‌مسلمین از همه جای امت اسلامی به یکدیگر واحساس قدرت وامنیت در سایه‌ی وحدت را پدید می‌آورد که: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً. (6)

1- نحل: 36

2- حج: 31

3- حج: 34

4- بقره: 20

5- بقره: 7

6- بقره: 125

اگر حج، چنانکه قرآن خواسته وپیامبر صلی الله علیه و آله فرموده وعمل کرده، به جای آورده شود و چنانکه فرموده: «خُذُوا عَنِّی مَناسِکَکُمْ»، مناسک آن از عمل او گرفته شود، تأمین کننده‌ی کمال فرد و عزت امت است.
هرکس باچنین حجّی مخالفت کند وحج را جدا ازاین خطوط و نشانهای اصلی آن بخواهد، باکمال جویی فرد مسلم و عزت امت اسلامی مخالفت کرده است.

مبارزه‌ی استکبار با اسلام و مسلمین

امروز استکبار جهانی باپرچمداری امریکا و با طرّاحی صهیونیسم به مبارزه‌یی آشکار با اسلام ومسلمین سرگرم‌اند. این البته دنباله‌ی خصومتهای دیرین دشمنان اسلام است، لیکن با شیوه‌های تازه و انگیزه‌های تازه وابزارهای تازه. وامت اسلامی از چنین کانون مقاومت ونیرو و وحدتی برخوردار است. آیا سزاوار است که مسلمین از حج برای مقابله بادشمن ستیزه جو و تفرقه ساز و توطئه‌گر بهره نگیرند وخود را بیدفاع در برابر دشمن قراردهند؟

حجّ درست وکامل، می‌تواند بوسیله‌ی نزدیک کردن دلها و تبادل آگاهیها و افشای توطئه‌ها، خطرناکترین توطئه‌های دشمن علیه اسلام ومسلمین را خنثی کند. امروز دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار وصهیونیسم، تفرقه‌افکنی میان مسلمین و غوغاگری در عرصه‌ی تبلیغات را برضدّ هرکشور ودولت وجمعیّتی که ازبیداری اسلامی وحاکمیت قرآن دم زند وداعیه‌ی عزّت مسلمین را داشته باشد، مهمترین کار خود می‌داند. زیرااگر بتواند بخش‌های فعّال و پرتحرک از امت اسلامی را از دیگربخش‌های این امت جداکند، مطمئن خواهد شد که دربرابرخودپیکر عظیم و یکپارچه‌ی امت را نخواهد دید، ونقشه‌های خباثت‌آلودش در باره‌ی امت اسلامی را بی‌دردسر پیش خواهد برد.

این روزها مردم دنیا، شاهد حجم انبوه و متراکم وسطح وسیع تبلیغات بوقهای استکباری بر ضد جمهوری اسلامی ایرانند. این همان سیاست است که البته به فضل‌الهی تاامروز ناکام مانده ولی باهمه‌ی توان استکبار، دنبال می‌شود.

ص: 166

مهمترین انگیزه‌ی دشمنی با ایران اسلامی از دوران حیات امام راحل قدس سره تاکنون، آن است که دراین کشور، همه‌ی سیاست‌ها با معیارهای اسلامی، محک زده شده و انتخاب یا مردود می‌شود. همه‌ی موضعگیریهای سیاسی براساس دستورات اسلام، شکل می‌گیرد.
سازش دولتها با صهیونیسم مردوداعلام می‌شود، چون این به معنی آوارگی همیشگی ملت فلسطین واشغال همیشگی کشور فلسطین بوسیله‌ی دشمن است.
ازملت‌های فلسطین و بوسنی وتاجیک وافغان و کشمیر و چچن وآذربایجان و الجزائر ودیگر ملتهای مظلوم مسلمان حمایت می‌کند، چون قرآن صریحاً حمایت ازمستضعفان را لازم شمرده است: وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً (1)
باسلطه‌ی امریکا ونفوذ و دخالت آن درکشورهای اسلامی و همه‌ی کشورهای مظلوم مخالفت می‌کند، چون قرآن فرموده است: ... لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ (2)
درکشورخود احکام اسلامی را منشأ وملاک قانونگذاری قرارداده است، چون عزت واستقلال و رفاه وکمال مادّی و معنوی برای یک ملت را درعمل به احکام اسلامی می‌داند ..
اینهاهمه موجب آن شده است که سردمداران جبهه‌ی استکبار با دلّالی و خنّاسی توطئه گران صهیونیست، ایران اسلامی را دشمن شماره یک خود بدانند وبقدر وسع خود باآن دشمنی کنند.

شور و شوق در سراسر امت اسلامی

نکته‌ی مهم آن است که امروز درسراسر امت اسلامی شوروشوق به این هدفها و موضعگیریها همه جا را فراگرفته است، دربسیاری از کشورهای اسلامی، جوانان

1- نساء: 75

2- ممتحنه: 1

وقشرهای برگزیده و زبده‌ترین و پاکترین عناصر از علمای دین واساتید مجامع علمی و هنرمندان وشعرا و نویسندگان وحتی بسیاری از کارکنان دولتی وقشرهای میانه‌ی مردم، دل و حتی زبان وقلم خود را به این هدفها سپرده‌اند. باسازش عربی- اسرائیلی مخالف‌اند، با تسلّط روز افزون امریکا بر دولتهاشان مخالف‌اند، بابی تفاوتی دولتهادربرابر قضایای اسلامی در اروپا و آسیا و افریقا مخالف‌اند .. استکباراینهمه را نتیجه‌ی پیروزی اسلام درایران، و اقتدار روزافزون ایران اسلامی می‌داند، و ازاینرو حقد وکینه‌یی دیوانه‌وار نسبت به جمهوری اسلامی را در دل می‌پروراند.
این یکی از مهمترین انگیزه‌های کسانی نیز هست که با حج ابراهیمی وحجّ معنی دار و جهت دار مخالف‌اند. زیرا تدبّر درحجّ، عامل معجزه‌آسایی درگسترش این اندیشه درمیان همه‌ی مسلمانان است، بعلاوه چهارراه عظیمی برای تبادل اطلاعات ملتها از شرق وغرب وشمال وجنوب جهان اسلام است.

توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج

من به همه‌ی برادران وخواهران مسلمان که درمحشر عظیم حج گردآمده‌اند متواضعانه توصیه می‌کنم که درحج تدبر کنند وآن دونکته‌ی اصلی را یعنی دل سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی دراندیشه وعمل با عبودیت خالص وحقیقی ازیکسو واجتناب وبرحذر بودن از شیطانها ودشمنان راه وجهت الهی ازسوی دیگر، برای خود تأمین کنند وباروحی مجهّز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده‌ی امت اسلامی وتصمیمی راسخ درپیگیری هدف‌های اسلام و به قصد حاکمیت یافتن معارف وقوانین و فرهنگ اسلامی برجوامع مسلمان، به‌دیار خود بازگردند.

قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند

قدرت پوشالی دشمن، نباید چشم‌ها را خیره سازد. آنان از تفرق و ضعف روحیه‌ی مسلمین استفاده می‌کنند و قدرتی دروغین برای خود در برابر چشم ساده‌اندیشان

می‌نمایانند. استکبار در همه‌ی صحنه‌هایی که مسلمانان به راستی در برابر زورگویی آنان ایستاده‌اند شکست خورده یا در مقاصد خود ناکام گردیده است. نگاهی به ایران اسلامی که به حول وقوه‌ی الهی درمواجهه باحجم عظیم وافسانه‌یی خصومتهای امریکا و همدستانش در طول شانزده سال گذشته پیروز بیرون آمده و امروز از همیشه مقتدرتر، موفق‌تر، بانشاطتر وامیدوارتراست، ثابت کننده‌ی این مدّعا است. امروز امریکا که پرچمدار استکبار در مبارزه‌اش با حرکت بیداری اسلامی است نه تنها دراین مبارزه‌ی ناعادلانه، سرشکسته و ناموفق است که خود در درون خود نیز از لحاظ اقتصادی و امنیتی وسیاسی با مشکلات بزرگ و لاینحل روبه‌رو است. کمااین‌که درتلاشهای ابرقدرتانه‌ی خود هم که به گمان باطل سردمداران خام و مغرور امریکا، ازحقوق ابرقدرتی آنان است! طعم تلخ شکستهای پیاپی را چشیده است وان‌شاءاللّه درآینده هم خواهد چشید. نگاهی به وضع فلسطین و خواب خوش ولی تعبیرنشده‌ی حلّ مسأله فلسطین که اکنون به گره‌ی دشواری بدل شده است، یا به شرق افریقا و خروج مفتضحانه و منفورانه‌ی نیروهای امریکا ازسومالی، یا به اروپا ونقش خنثی وبی خاصیت امریکا در قضایای بالکان، یا به تلاش دریوزه‌گون و بی‌پاسخ امریکا در چهارگوشه‌ی دنیا برای قطع روابط تجاری همه‌ی کشورها با ایران، یا به تکاپوی زشت و نفرت‌انگیز امریکا برای متهم کردن ایران در حوادثی همچون حادثه‌ی آرژانتین سرانجام رسوایی آنان با روشن شدن حقایق، وقضایای دیگر ومتعددی از این قبیل اثبات می‌کند که قدرت فائقه‌ی ادّعایی استکبار، مانند بسیاری از مدّعاهای آنان چون طرفداری ازحقوق انسان وامثال آن، سخنی پوچ است.
مسلمانان درصورت عزم وایستادگی ومعرفت، از استکبار قوی‌ترند. نیروهای استکبار درعرصه‌ی مسائل انسانی به ضعف‌های مفرط وبی‌علاج، دچارند وهیچ جمعیّت ودولت و بخصوص ملّت دارای تصمیم راسخ واندیشه‌ی روشن- چه رسد به امت بزرگ اسلامی- نباید ازآنان بیمی به دل راه دهد.
در پایان بار دیگر همگان را به تدبّر در یکایک اعمال و شعائر حج و نیز به استمداد از قدرت لا یزال الهی و تمسک به حبل‌اللّه دعوت می‌کنم و

امیدوارم کسانی که دل در گرو استضائه از انوار الهی حج دارند، مورد تأئیدات و تفضلات الهی قرار گرفته و مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیّة اللّه الاعظم(ارواحنا فداه و عجّل اللّه فرجه) گردند و با حج مقبول و دعای مستجاب و ذخیره‌ی ارزشمند معنوی به دیار خود باز گردند.
والسّلام علیکم ورحمةاللّه
چهارم ذیحجةالحرام 1415 برابر با چهاردهم اردیبهشت 1374
علی الحسینی الخامنه‌ئی

ص: 170
بیانات در دیدار با آقای ری‌شهری و اعضای بعثه‌ی حج(30/ 2/ 1374 ه. ش.)

بیانات در دیدار با آقای ری‌شهری و اعضای بعثه‌ی حج

اشاره

(30/ 2/ 1374 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

زبان ما از شکر نعمتهای پروردگار قاصر است

اولًا باید عرض کنم که زبانهای ما از ذکر، و دلهای ما از فکر و احصاء قلبی و شکر نعم پروردگار قاصر است. این کار عظیمی که امسال به همّت شما آقایان انجام گرفت، این حجِ مقبول و عزیز، همراه باعظمت، عزت، شوکت اسلام، مسلمین و جمهوری اسلامی، نعمت پروردگار بود. القای این افکار به اذهان شریفه‌ی آقایان، قوّت و عزم دادن و قاطعیت بخشیدن به شما در اجرای این کارهای دشوار و خطرناک، لطف الهی است. ما همین‌طور از دور این الطاف الهی را نگاه می‌کردیم تا آنجایی که می‌توانستیم احصاء می‌کردیم، می‌دیدیم که واقعاً وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها الطاف خداوند قابل شمارش نیست. انسان نمی‌تواند واقعاً شکر بگزارد، جز اینکه به قصور، کوتاهی، ضعف، انکسار و حقارت خودمان در مقابل عظمت این نعمت‌های پروردگار اعتراف کنیم و بگوییم: «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْکَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ». امیدواریم که خدای متعال نعمتش را بر این امت عزیز، مردم خوب و شما برادران فعال، فداکار و زحمتکش مستدام بدارد.
ان‌شاءاللّه هر سال، همیشه و در همه‌ی میدانها این توفیقات را به ملت ایران ارزانی بدارد.

در مرتبه‌ی دوم، حقیقتاً خیلی دشوار است که انسان بتواند از شما آقایان؛ جناب

آقای ری‌شهری با این همه تلاشها و فعالیت و حسن نظر نسبت به مسأله و تصمیم‌گیری بجا وبموقع و همچنین همه‌ی آقایانی که در این کار به نحوی از انحاء چه در تصمیم‌گیری و تمهید مقدمات، چه در عمل و اجرا با ایشان همکاری داشتند، سپاسگزاری کند. از بس که این زحمات شما باارزش و بزرگ است، انسان احساس می‌کند که نمی‌شود واقعاً به آسانی از شما تشکر کرد. اجمالًا عرض می‌کنیم که خیلی متشکریم. خداوند ان‌شاءاللّه به شما اجر بدهد و از شما این زحمات را قبول بکند. قبول الهی بزرگترین پاداش شماست.
طبیعتِ بعضی از اعمال، نشان می‌دهد که مقبول پروردگار هم هست. الآن جناب آقای ری‌شهری برای من نقل می‌کردند که بعضی می‌آیند و اظهار علاقه می‌کنند، استفسار می‌کنند که برائت کی است؟ یا در محل رمی یا در جاهای دیگر از امریکا اظهار برائت می‌کنند. این صدای برائت، یک روز غریب بود. یک وقتی آن سالهای اول انقلاب حتّی گاهی اوقات کسانی که از کشور ما نبودند، می‌دیدند که مسلمانهای مؤمن و انقلابی اظهار برائت می‌کنند، به آنها می‌گفتند که چه خبر است دیگر، مثلًا اظهار ناهماهنگی هم می‌کردند. بنده هم خودم این را در یک سفر که سال اول انقلاب چند روزی مشرّف شدم، در مواردی مشاهده کردم، بعد هم از دیگران می‌شنیدم. دأب امام رضوان‌اللّه‌علیه این بود که وقتی انسان حرف حق را می‌زند، باید پایش بایستد. والّا صرف انداختن حرف حق در فضا و رهاکردن و رفتن کافی نیست. باید پای این بذر بنشینید تا سبز بشود.
خود آن بزرگوار پای دانه، دانه‌ی بذرها نشست تا این‌جور شجره‌ی طیبه‌ای را که أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ به وجود آورد. خودش ذره، ذره کارها را دنبال کرد.
خوب، طبعاً آثار و نتایج تاریخ این استقامت، دنبال‌گیری و دؤوب در این عمل را خدای متعال می‌بخشد. الحمدللّه.

باید نواقص را برطرف کنیم

البته همان‌طور که فرمودند نقصها زیاد است. بعضی از نقصها را ما می‌دانیم و بعضیها را نمی‌دانیم. باید حتّی بگردیم نواقصی را که هست پیدا کنیم و روزبه‌روز آن نواقص را برطرف کنیم. خوب، اینکه شما می‌فرمایید، دشمنها دارند علیه شیعه

تبلیغات می‌کنند، روشن شد که مطلب چیست. دشمن با عکس‌العمل و حساسیتش نسبت به یک بخش از کار ما، خودش را لو می‌دهد و نشان می‌دهد که بخش مؤثر در کار ما کجاست. پس معلوم شد که آن چیزی که دشمن از آن می‌ترسد، تفکر و دید شیعی و انقلابی است. به همین خاطر می‌خواهد آن را در ذهنها مشوّش و مغشوش کند تا بگوید کسانی که این کارها را می‌کنند، آدمهای بی‌ریشه‌ای هستند. پس آن نقطه، نقطه‌ی حساسی است. ما بایستی به آنجا به عنوان نقطه‌ی حساس، توجه مضاعف بکنیم.

طبیعت انقلاب، حمله است

امام قدس سره می‌گفتند: «هر وقت دشمن یک حساسیتی نشان می‌دهد(این را هم به زبان مکرراً گفتند، هم عملشان این‌جوری بود) ما باید از حساسیت دشمن بفهمیم که باید روی چه چیزی حساسیت داشته باشیم». چیزی را که او خیلی از آن بدش بیاید، ما خیلی به آن احتیاج داریم. ما هم همین کار را می‌کنیم. الحمدللّه بیان ما که از آنها ناقص‌تر، حجّتمان ضعیف‌تر و توانایی‌مان کمتر که نیست. ما هم می‌توانیم. آنها دارند عکس‌العملی کار می‌کنند. در حقیقت ماشروع کردیم. انقلاب‌شروع کرده. همه در مقابل انقلاب مدافع‌اند. انقلاب که لزومی ندارد از خودش دفاع کند. انقلاب باید حمله کند.

طبیعت انقلاب حمله است. حالا این حمله را ادامه بدهید. خیلی خوب، حالا بعد از این راجع به عقاید شیعه به بهترین بیان، به ابلغ وجه و زیباترین شکل، کار درست انجام دهید.

کارهای کوچکِ در دسترس و جزوه‌های چند صفحه‌ای را به تیراژ میلیون، در اختیار افراد قرار بدهید. لازم است که ما این‌جوری، میلیونی حرکت بکنیم. ... این یک نکته.

حج را باید به اهدافش نزدیک کرد

نکته بعد به نظر من این است که حج را باید به طرف اهدافش نزدیک کرد. یکی از بزرگترین هنرهای امام قدس سره این بود. امام حج را به طرف مواضع اصلی خودش بردند. ما باید نگاه کنیم ببینیم کجای حج از آن حجِّ نبوی و ولوی فاصله گرفته، آن‌جا را فشار بگذاریم و نزدیک کنیم. اعمال حج عبارتند از: قضیه‌ی برائت، مسأله‌ی وحدت

اسلامی، مسأله‌ی اشاره به افکار عالی اسلامی و تبلیغ و توجیه آن، مسأله‌ی زهد و ریاضت. حج، برای زهد و ریاضت است. آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می‌کند، می‌بیند اصلًا برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلًا حج جای خوشگذرانی نیست. حالا اگر کسی می‌خواهد خوشگذرانی کند یک‌جور دیگر سفر کند، یک زیارتی هم بکند. حج جایی نیست که انسان متنعم بشود و راحت برود و بیاید.
آنجا باید مُغبرّالوجه و مغبرّالشَّعر باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند. لباس زیبا و عطر نداشته باشد. از بوی متعفن اجتناب نکند بلکه از بوی طیّب اجتناب بکند. در حج همه‌ی وسایل فشار و ریاضت الهی برای یک مدّت محدود و کوتاه فراهم است. مجموع اعمال حج سه، چهار روز بیشتر نیست. در این مدّت انسان باید یاد بگیرد که چه‌کار بکند. نمی‌شود فرض کنیم که لباس، مرکب و رفتار انسان تجملاتی نباشد، اما خوراکش، یک خوراک اشرافی درجه یک باشد. این باور کردنی نیست. اصلًا ظاهراً مثل تناقض صدر و ذیل با هم نمی‌سازند. ...

حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید

به نظر من یک مقداری حج را به سمت یک ریاضت انتخابی ببرید. یک وقت است که حجاج را بدون نان، آب، هتل و سرپناه رها می‌کنیم. این خیلی بد است. یک وقت هم برنامه‌ریزی می‌کنید که حالا یک مقدار در عسرت و ریاضت زندگی کنید. به خودمان هم می‌گوییم، به آنها هم می‌گوییم، اول هم خودمان در ریاضت زندگی می‌کنیم. اولین کسی که مرتاضانه زندگی می‌کند، خود ما خواهیم بود و بعد مردم هم یاد می‌گیرند و عادت می‌کنند. ان‌شاءاللَّه به این سمت نزدیک بشوید. ان‌شاءاللَّه امیدواریم آن نفس شریف امام قدس سره و ادعیه‌ی زاکیه حضرت بقیةاللَّه همچنان پشتوانه‌ی کار باشد. دخالت دست قدرت پروردگار که همان عنایات ولی‌اللَّه‌الاعظم ارواحنا فداه است، در همه‌ی قضایا بخصوص در قضیه‌ی حج که به احتمال قریب به یقین خود آن بزرگوار هم آنجا حضور دارند و از نزدیک شاهد و ناظرند، از اوضح واضحات است. اذان شد و دیگر وقت نماز است. ان‌شاءاللَّه که آقایان موفق و مؤید باشید.

ص: 174
بیانات در دیدار نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست حجاج ...(15/ 1/ 1375 ه. ش.)

بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست‌اندرکاران سازمان حج و زیارت

اشاره

(15/ 1/ 1375 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حج، برای امت اسلامی عید است

آقایان عزیز و برادران فعال در یکی از مهمترین امور مسایل اسلام و نظام جمهوری اسلامی! خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند، این تلاش و مجاهدت را از شما قبول بفرماید و به آنچه که رضای او در آن است، هدایت و کمک کند و عافیت و فضل خودش را، در همه‌ی احوال شامل حال شما قرار بدهد.
این موسم، به خاطر نزدیکی زمان حج، همه ساله موسم شادمانی ملت ماست. حج، برای امت اسلامی عید است و حادثه‌یی می‌باشد که از اول تا آخر آن، معنا و مضمون عید و خیرات و برکات در آن است. همچنان که در آیه‌ی مبارکه‌ی: لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ آمده است، در این سفر و عبادت و اعمال پیچیده و مرکب و پرمعنا، منافع مادّی و معنوی برای امت اسلام- بخصوص برای حجاج- مندرج و متضمن شده است. لذا وقتی نزدیک به این مراسم می‌شویم، همه‌ی مردم- چه آن کسانی که به این معنا توجه دارند و چه آنهایی که عازم سفرند و چه کسانی که مسافر دارند و چه آنهایی که با برکات حج آشنا هستند- حقیقتاً احساس شادمانی می‌کنند.

شکر نعمت فرایض الهی

من هم از خدای متعال شاکرم، به خاطر این که این فریضه را بر ما قرار داد. اولین

شکری که باید بکنیم، شکر فرض این فریضه است. حکیم عزیز علیم، مصالح ما را ملاحظه فرمود و درست بر طبق نیاز و در چارچوب استعداد و توانایی ما، این فریضه را بر ما قرار داد. یکی از شکرهایی که ما همیشه باید بکنیم، شکر نعمت فرایض الهی است.
باید این واجبات الهی را شکر بکنیم. نباید شکر این نعمت بزرگ- از جمله حج- مغفولٌعنه بماند.
همچنین باید شکرگزاری کنیم که بحمداللَّه در جمهوری اسلامی و به برکت این نظام، خیلی از چیزهای فوت شده‌ی ما در قبل از انقلاب، به ما برگشت. «حج» هم در این نظام به ما برگشت. نمی‌گوییم کسانی که قبل از انقلاب به مکه می‌رفتند، حج نمی‌کردند.
آن وقت هم مؤمنین و صلحا و مخلصانی بودند که به حج می‌رفتند و بهره‌ی خود را از آن می‌بردند. حجِ افراد بود؛ اما حجِ جامعه‌ی اسلامی و امت نبود و استفاده‌ی جمعی از آن نمی‌شد. هر کسی به قدر همت و ظرفیت خود- اگر کاسه‌ی گدایی را پیش برده بود- چیزی می‌گرفت و بر می‌گشت. بعضیها هم دست خالی بر می‌گشتند. امروز مسأله، مسأله‌ی خود آن حج کنندگان و حج گزارندگان نیست؛ مسأله‌ی امت است که استفاده می‌کند. مثل این مورد، خیلی چیزهای دیگر هم وجود دارد.

هزار ماهی که در آن لیلةالقدر نیست

فرمود: لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ لیس فیها لیلةالقدر. هزار ماهی که در آن لیلةالقدر نیست. مسلّم در هزار ماه متوالی، دهها لیلةالقدر هست؛ اما آن لیلةالقدر نیست.
لیلةالقدری که در آن امام نیست و و تَنَزَّلُ الْمَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ نیست یا اگر تنزّل ملائکه هست، مردم از او استفاده نمی‌کنند؛ این چه لیلةالقدری است؟ لیلةالقدر برای کسانی است که آن را دارند. در زمان حکومت بنی‌امیه، لیلةالقدری برای مردم وجود ندارد و کسی از آن استفاده نمی‌کند. خود امام و خواصش، از آن استفاده می‌کنند. این، غیر از آن لیلةالقدری است که امت اسلام از آن استفاده کنند.
ما واقعاً لیلةالقدر نداشتیم. ما جماعت و جهاد و حج و امر به معروف و نهی از منکر و خیلی چیزهای دیگر هم نداشتیم. تنها مسأله‌ی ولایت عملی و فعلی و مجسم و مجسد

در حیات اجتماعی و زندگی نبود که نداشتیم؛ خیلی چیزهای دیگر بود که از برکات ولایت است- مثل حج- ولی آن را نداشتیم. حج هم از برکات ولایت و برای ولایت است و به خاطر آن است که تحکیم عمود دین بشود. حج، خیلی فواید و برکات دارد که بحمداللّه امروز زمینه فراهم است. این، شکر الهی را لازم دارد. باید شکر کرد و بزرگترین شکر هم همین است که از این فرصت استفاده بشود و هیچ کس کمترین امکانی را فروگذار نکند و ضایع و مهمل نگذارد.

از دست‌اندرکاران حج تشکر می‌کنم

ما باید حقیقتاً از آقایان محترم و از شخص جناب آقای ری شهری هم تشکر کنیم.
من به سهم خود، به عنوان یک خدمتگزار کوچک، واقعاً متشکرم. مجموعه‌یی که برای حج فراهم شده است، متشکل از علما و مجتهدان و فضلا و بزرگان و مسؤولان کارآمد در کشور و کارآمدان و مجرّبان و فعالان عرصه‌ی سیاسی و اداری کشور می‌باشد. ایشان، بحمداللّه یکی از بهترین مجموعه‌ها را در این خصوص فراهم کرده‌اند. این هم جای سپاسگزاری از ایشان و از یکایک همه‌ی شما آقایان عزیز است که امیدواریم روز به روز کاملتر بشود.

نمی‌توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است

البته، ما ادعا نمی‌کنیم حجی که بجا می‌آوریم، حج کاملی است. نه، کمال چیزی نیست که به عقل و تصور ما بگنجد. شما حجی را که وجود مقدس ولیّ‌اللّه الاعظم(سلام‌اللّه علیه و ارواحنافداه) در آن حضور دارد و خودش حج می‌کند و مردم پروانه‌وار گرد او می‌گردند و از اشاعه‌ی بیاناتش، جانها و روحها و ذرّه ذرّه‌ی وجود استفاده می‌کنند، در نظر بگیرید که واقعاً کامل است. ببینید ما چه قدر با آن حج فاصله داریم. ما هم به قدر توان، بایستی بال و پری بزنیم و حرکت و تلاشی بکنیم. البته، باید روز به روز چیزهایی را که در اختیار ماست، تکمیل کنیم.

ص: 177

برائت، جزو حج است

این مسأله‌ی برائت که اشاره شد، حقیقتاً جزو حج است و لازم نیست که در روایات جزو فروع حج آمده باشد. چیزهایی وجود دارد که معنای حج و روح و مضمون حقیقی یک عبادت و عمل و فریضه‌ی الهی است و نمی‌شود این را از آن منفک کرد. اهمیت این، از یکایک فرایض بیشتر است. هر یک از این فرایض، چنانچه فوت شد، ممکن است به نحوی آن را جبران کرد یا مثلاً اضطراری آن را بجا آورد؛ اما آنچه روح یک عبادت محسوب می‌شود، قابل تفکیک از آن نیست.

بنابراین، در مسأله‌ی برائت و این که حج باید مظهر توحید باشد، تردیدی نیست.
حج مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که یک جزئش برائت است؛ برائت از «انداداللّه» و کفار و از عبده‌ی اوثان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوثان و اصنام هم، که فقط «لات» و «عزّی» و «هبل» نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه انگیزان عالم، بزرگترین بتهای زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بتهای بی‌جان و بی‌روح و بی‌توان است. در این که شکی نیست. بنابراین، امروز برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و برنامه‌های اینها و فعالیتی که علیه اسلام و مسلمین می‌کنند، جزو مسایل مسلم حج است.
ما مظهر این کار را در اجتماع خودمان دانستیم. این اجتماع را هم بر پا خواهیم کرد.
اگر روزی عقل ما به مظهری اوفی و اظهر و ابلغ از این رسید، این را رها خواهیم کرد و آن را خواهیم گرفت؛ لیکن چنین چیزی نداریم. ما امروز هر چه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مظهر این برائت، همین تجمع و دور هم گرد آمدن و سخن برائت را بر زبان آوردن است. ...
بالاخره ما این اجتماع را تشکیل می‌دهیم. این، قابل تفکیک نیست. نهایتاً باید این مُظهر و مَظهر آن واجب و آن روح اصلی عبادت، به نحوی حصول تحقق پیدا کند؛ هر طور هر چه که باشد. «المیسور لایدرک بالمعسور». آنچه که ممکن است، ما آن را بجا

ص: 178
می‌آوریم. آنچه که برای ما حکمش باقی است، آن را عوض قرار می‌دهیم از آنچه که حکمش به خاطر اضطرار بقیه‌ی موانع، زایل شده است. بنابراین، نباید تردید کرد. ...

نمی‌شود برائت نداشته باشیم

مطلقاً این حرف قابل قبول نیست که آنها فکر کنند روزی فرا خواهد رسید که ما برائت نداشته باشیم. نه، نمی‌شود که ما برائت نداشته باشیم. می‌شود طواف نداشته باشیم؟ این که گفتیم به یک معنا از طواف هم بالاتر است. بنابراین، این تشکیلات هست و البته ما به درایت و عقل و کاردانی و حکمت جناب آن ری‌شهری و همکاران محترم و عزیزشان و آن مجموعه‌یی که آن جا هستند و تصمیم‌گیری می‌کنند و آنچه را که به هر شکلی مناسب بود، انجام خواهند داد، مطمئنیم؛ لیکن به هر حال باید این کار انجام بگیرد.

در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟

عزیزان من! آنچه که ما باید در حج بیان کنیم، خیلی مهم است. چه چیزی باید از ما صادر بشود؟ این، به نظر من جای خیلی بررسی و تأمل دارد. من می‌دانم که برادران در بعثه و مسؤولان محترم حج، از سال قبل که از سفر مبارک حج برگشتند، برای این مسایل مشغول برنامه ریزیند و یقیناً ذهن و فکرشان، به جاهای خوبی منتهی شده است که حتماً ارزشمند می‌باشد و آثار و برکاتی دارد. حالا آنچه که به ذهن قاصر من هم می‌رسد، اجمالاً در این جا مطرح می‌کنم، برای این که معلوم باشد.

امروز، حقیقتی در عالم واقع و خارج تحقق پیدا کرده است که بعد از صدر اسلام تا امروز، نظیر و شبیهی ندارد و آن، حاکمیت اسلام و قرآن و حکومت علم و تقوا و فضایل اسلامی است. این، شوخی ندارد. شما نگاه کنید ببینید، بزرگانی مثل «علامه‌ی حلی» که پادشاه مغول را به طمع هدایت و بعد به خاطر آن خُشاشه‌یی که از هدایت در وجود او

پیدا شده بود و آن نور ضعیفی که تابیده بود، چه خود کُشانی می‌کردند و اسم پادشاه مغولی را در مقدمه‌ی کتاب می‌آورد. یا حکومت صفویها که البته آنها به ایران و اسلام و تشیع، خیلی خدمت کردند. حالا یک عده عادت کرده‌اند که تا از هر جا حرف شروع می‌شود؛ منتهی به این کنند که به صفویه بدگویی نمایند. صفویه حق حیات به گردن ما دارند. شما این را بدانید. اگر آنها مردمان فاسقی بودند، بین خودشان و خدا، به نتیجه‌ی آن خواهند رسید و اگر مردمان بدی بودند، خدا با آنها هر کاری می‌خواهد بکند، بکند؛ لیکن آنها برای ما مفید بودند. اگر آنها نبودند، معلوم نبود من و شما امروز چه فکر می‌کردیم و از اسلام چه می‌فهمیدیم. بنابراین، صفویه انصافاً کار خیلی بزرگی را در این کشور انجام دادند. «جزاهم اللّه عن الاسلام و اهله خیرالجزاء».
لیکن اگر شما به واقعیت زندگی صفویه خوب نگاه کنید و شخصیتهای صفویان را با یک حکومت و حاکم حق اسلامی مقایسه کنید، خواهید دید که زمین تا آسمان، با آن فاصله دارند. بهترینشان که «شاه طهماسب اول» است، شما ببینید که با یک عالم دین چقدر تفاوت دارد. چه قدر فاصله است بین آن کسی که امر و نهی و حکم دست اوست و آن کسی که باید باشد و شرطش علم و آگاهی از دین و عدالت و تعبد است.
خیلی فاصله دارند؛ در عین حال شما ببینید که علمای بزرگ آن روز، با آنها و تبعه‌شان چه کردند.
«شیخ بهایی»، آدمی به آن عظمت که به نظر من، با الفاظ قابل بیان نیست، یا کسی مثل میرداماد یا مثل علامه‌ی مجلسی، یا کسی مثل صاحب ذخیره محقق سبزواری و دیگران و یا حتی مثل محقق ثانی و محقق کرکی، ببینید که اینها به خاطر همان رقیقه‌یی از حقیقت که در وجود آنها و در حکومتشان بود، برای سلاطین صفویه چه کردند.
حکومت آنها را با حکومت اسلامی در امروز که مُرّ حقیقت و لبّ قرآن و احکام الهی در حد فهم و استنباط امروز فقها و علمای ماست، مقایسه کنید. ما که البته به صفحه‌ی غیب نظری نداریم و آشنا با غیب هم که نیستیم. امروز، همانی که طرق استنباط احکام الهی است، اجرا و بیان می‌شود. ببینید وجود چنین چیزی چه قدر در دنیا اهمیت دارد. این، بالاترین چیز است.

ص: 180

همه چیز تحت‌الشعاع حفظ نظام است

این که امام قدس سره فرمودند: همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است، این به خاطر همین است والّا شما خیال نکنید که امام انسانی بود که آن گوشه نشسته بود و ضعفهای نظام را نمی‌دید و احیاناً خلافهایی که انجام می‌شد و کوتاهیها و بدکرداریها و بددلیهایی که صورت می‌گرفت، از اینها غافل بود. خیر، او بیشتر از خیلی‌ها هم می‌دانست. در عین حال، حفظ آن نظام را با همان طور آدمها، اوجب واجبات دانست و بر این زندگی و حکومت کرد و بر همین، خدا را ملاقات نمود و بلاشک بر همان طریق، از پروردگار عالم ثواب الهی و اجزل ثوابها را گرفت.

نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است

این نظام، شوخی نیست. این نظام و حقیقت درخشان، مثل الماس درخشانی است که لازم نیست از آن تعریف کنند. الماس، درخشندگی دارد. کسی هم که اسم الماس را نشنیده است، اگر در بیابان یک تکه الماس پیدا کرد، آن را با یک تکه سنگ خارا فرق می‌گذارد، ولو نمی‌داند که اصلًا الماس چیست و قیمتش چه قدر است. اگر به او بگویند یکی را بردار، بلاشک الماس را برخواهد داشت و او را نگه خواهد داشت. الماس این‌گونه است و درخشندگی دارد. به همین خاطر است که شما می‌بینید در افریقا و امریکای لاتین و اروپا و آسیا، در زیر سایه‌ی سنگین و شوم حکومت استکبار و حتی در خود ایالات متحده‌ی امریکا، عده‌یی نسبت به امام و این نظام، عاشقانه حرکت کرده‌اند و حرف زده‌اند و نوشته‌اند و خطر قبول کرده‌اند و زندان رفته‌اند و تا امروز هم کارشان همچنان بر این اساس باقی است. این، برای چیست؟ برای این است که آن حقیقت درخشنده‌یی که در این جا تحقق پیدا کرده است، خودش را در دنیا نشان می‌دهد؛ با این که این همه هم علیه آن حرف زده‌اند و هنوز هم حرف می‌زنند.

شما بایستی حج را به جمیع اجزا و خصوصیاتش، حاکی از این نظام قرار بدهید.

این، آن پیام اصلی است. کار اصلی این است. حالا ببینید چه طوری می‌شود این کار را کرد. البته، شما قطعاً برنامه‌ریزی کرده‌اید. باید رفتار اشخاص و حجاج و رفتار مسؤولان

با مردم و نیز عبادت و سیاست، همه حکایت از معنویت و رشد و پیشرفتگی و ترقی خواهی و اهداف عالیه‌ی نظام بکند.

به دنیای اسلام احتیاج دارند

امروز، دنیا بخصوص به نهایت دنیای اسلام احتیاج دارد. الآن شما ببینید اسرائیل یک حکومت غاصب قطعی است و واقعاً «لاریب فیه» است. معنای «ریب»، شک قائم به نفوس اشخاص نیست؛ یعنی هیچ حرف وسوسه‌یی و هیچ غباری در اطرافش نیست.
امروز، غاصب بودن اسرائیل این گونه است. واقعاً هیچ کس نمی‌تواند هیچ مستمسکی ذکر بکند که از آن بشود استفاده کرد که اسرائیل غاصب نیست. افراد و دولتهایی هستند که می‌گویند اسرائیل غاصب است؛ اما آمده یک کشور مثلاً خراب شده‌ی لم یزرعی را آباد کند! آنها حالا دارند زندگی می‌کنند، آنها مترقی و اروپایی‌اند و فرهنگ غربی دارند؛ بگذارید بمانند! والّا کسی ادعا نمی‌کند که اینها عن حق به این جا آمده‌اند.
در حقیقت، صهیونیستهای امریکا و انگلیس و فرانسه و اروپا و شرق و غرب دنیا به این جا آمده‌اند و زندگی می‌کنند. به هر حال، آنها غاصبند. یک حکومت غاصب، با کسانی که خودشان را مغضوب عنهم می‌دانستند و سالهای متمادی کسی حق نداشت اسم فلسطین را بیاورد و می‌گفتند قضیه‌ی ماست! کارش به این جا رسیده است که حالا به کشورهایشان می‌رود و از او استقبال می‌کنند و آغوش باز می‌نمایند و او را بغل می‌گیرند و با هم عکس بر می‌دارند و افتخار هم می‌کنند که این قدر بدند! خیلی انحطاط لازم است که این عمل صورت گیرد. البته، این انحطاطِ دولتهاست، انحطاطِ ملتها نیست؛ اما ملتها به منشأ الهامی احتیاج دارند تا بفهمند و بدانند که چه دارد اتفاق می‌افتد.

بزرگترین غصه‌ی دنیای اسلام

خلیج فارس- یعنی در واقع مرکز حیات اقتصادی دنیای اسلام- چنین وضعی دارد.
این زایده‌ی جهان اسلام و این انگل و غده‌ی بدخیم، به این اکتفا نکرد که یک تکه زمین را بگیرد و تصرف بکند؛ حالا مشغول شده است که خودش را به شریانهای اصلی حیات

اقتصادی در دنیای اسلام بچسباند و این مادّه‌ی حیاتی را بمکد. راهش هم این است که با اینها ارتباط برقرار کند و تماس اقتصادی بگیرد و کارهای اقتصادی انجام دهد.
یکی از سران خود باخته‌ی مزدور عرب در چند ماه قبل از این، همین حقیقت را بیان کرد و گفت: در صلح با اسرائیل، مادامی که این مسأله‌ی اقتصادی با اسرائیل حل نشود، نقشی بر روی کاغذ است و ارزشی ندارد. راست هم گفت. اصل قضیه این است که اسرائیل، منابع اقتصادی را بمکد. او در این فکر است و دارد قدمهای اولیه را بر می‌دارد و موفق هم شده است. این اقدام، برای دنیای اسلام عزا و مایه‌ی غم است. این، بزرگترین غصه برای دنیای اسلام است. مسلمین می‌فهمند که چه دارد می‌گذرد و چه دارد اتفاق می‌افتد؟ آیا می‌دانند که با فشار امریکا و حکام خود فروخته‌ی مزدور آن و با پشتوانه قرار دادن علم و صنعت و پیشرفت و تکنولوژی و ثروت برای یک هدف سیاسی این قدر پست و ننگین و لئیمانه، چه اتفاقی دارد در دنیای اسلام می‌افتد.

مسلمین باید این واقعیات را بدانند. اینها را از کجا بدانند؟ یکی از طرق و منافذ و منابر ما «حج» است. باید برنامه ریزی بشود. البته هوشیاری و ظرافت لازم است. چگونه عمل کردن، در موفق شدن خیلی نقش دارد. غرض، «حج» این طور چیزی است. به نظر من، «حج» گنجی لایفنی است. تمام مشکلات دنیای اسلام، از طریق حج قابل رفع است.
اعتقاد من این است که هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و هم حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولتِ حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج وجود داشته باشد، می‌توان از طریق حج، حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام را هم برطرف کرد.

ما به سمت فرج حرکت می‌کنیم

ما باید امروز این زمینه را نگه داریم. البته، حالا چنین امکانی نیست؛ اما نباید بگذاریم این زمینه از دست برود. باید این زمینه را نگه داریم. این حالت ترغب و انتظار

را باید حفظ کنیم. تا ان‌شاءاللَّه لَعَلَّ اللَّهَ یُحْدِثُ بَعْدَ ذلِکَ أَمْراً. مسلَّماً خدای متعال فرج را پیش روی ما قرار داده است. ما به سمت فرج حرکت می‌کنیم؛ در این که تردیدی نیست.
هر قدمی که ما بر می‌داریم و هر نفسی که این ملت می‌کشد، نفسی به سمت رسیدن به فرج است. انتظار و عاقبت و فرجام کار ما، فرج است. ما به سمت فرج حرکت می‌کنیم؛ پس بایستی با شوق و امید بیشتری حرکت نماییم. به هر حال، هر کاری که در این زمینه بکنید، با ایمان و ثبات و اطمینان به این که خدای متعال اثر خواهد داد، یک حسنه و ثواب بزرگ است.
ان‌شاءاللَّه خدای متعال، شما را مأجور و مثاب خواهد داشت. امیدواریم که خداوند این زحمات را از شما قبول بفرماید و حج مقبولی برایتان مقدر فرموده باشد. خداوند برای همه‌ی کسانی که آرزومند این سفر هستند، تسهیل و تیسیر فراهم کند تا بروند آنها هم زیارت کنند. ان‌شاءاللَّه شما هم بتوانید بیشترین بهره را از این سفر معنوی بگیرید و با دست پر برگردید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 184
پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج(4/ 2/ 1375 ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج

اشاره

(4/ 2/ 1375 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ والحمدللَّه ربّ العالمين و صلّى اللَّه على سيد الأوّلين و الآخرين محمّد المصطفى و آله الميامين و السّلام على بقيةاللَّه فى الأرضين.

وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی

حج، سرچشمه‌ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت، همه ساله تا ابد، فیضان خود را بر جهان اسلام و بر یکایک مسلمانانِ موفق جاری می‌سازد تا هر کس و هر مجموعه، به اندازه‌ی ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره بگیرد.
حجاج بیت‌اللَّه الحرام، تنها بهره‌مندان از این سرچشمه‌ی فیاض نیستند. اگر این فریضه‌ی عظیم به درستی شناخته و عمل شود ملتها و آحاد مسلمان در همه جای جهان، مشمول برکات آن خواهند شد.
افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو سو آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشأ آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی ایمانی‌ها و خصلتهای منهدم کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می‌سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بلای جان آنان می‌شوند.
محیط اسلامی- چه افراد و چه ملتها- همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار

داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه‌ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم‌های وابسته نیز به آن کمک می‌شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می‌گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعض ملتهای مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چچنستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی است.
حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه‌ی بی‌زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می‌توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره‌ی ابدی، هر دو نوع آسیب پذیر را در همه‌ی زمانها از خود دور سازند.

راه مقابله با تهدیدات

در حج، عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال، متکفل مقابله با تهدید اول است و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت و قدرت در امت بزرگ اسلامی که حج مظهر آن است، عهده دار مقابله با تهدید دوم.
هر چه این دو جنبه در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه‌های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد. و هر گاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی- چه افرادش و چه ملتها و کشورهایش- آسیب‌پذیرتر می‌گردند.
در متون شرع مقدس اسلام و در نص قرآن کریم، به هر دو جنبه‌ی حج تصریح شده و برای چشم‌های بینا و دلهای با انصاف، جای تردید گذاشته نشده است. در کنار فرمان: فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً، دستور: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ (1)
آمده، و هماهنگ با کریمه‌ی حکمت‌آمیز: لَنْ يَنالَ اللَّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُمْ كَذلِكَ

1- توبه: 3

سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِینَ (1)
آهنگ امید بخش: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ نازل گردیده است.
هر توصیه و تبلیغ و کوشش برای کمرنگ کردن یا کنار گذاشتن هر یک از این دو جنبه، مقابله با آیات و فرامین قرآن کریم است.
هیچ خسارتی برای امت اسلامی، سنگین‌تر از آن نیست که تعالیم و رهنمودهای اسلام که ذخیره‌های حیاتی ابدی برای مسلمانان و همه‌ی بشریت است، دستخوش غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان گردد و مجال بهره‌مندی مردم از آن، سلب شود.
حج یکی از این ذخیره‌های ابدی است، و بر همه‌ی مسلمین واجب است که آن را بهتر شناخته و بیشتر مورد بهره برداری امت اسلامی قرار دهند.

جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است

امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدید کننده‌یی است که اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و با همتهای بلند و چشمهای باز و استفاده از ذخائری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است، این مشکلات را بر طرف نسازند دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح‌اند، هر روز دائره‌ی مشکلات را تنگتر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملتهای اسلامی باز هم دهها سال بلکه قرنها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملتها را بکلی استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه‌ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، بتدریج نابود خواهند ساخت.

تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می‌سازد

امروزه- پس از قیام جمهوری اسلامی در کشور ایران و شکوفا شدن نهضت بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی- پرده از روی بسیاری از حقایق تلخ و

1- حج: 37

شیرین برداشت شده و افراد زیادی در سراسر جهان اسلام قادر بر تحلیل حوادث و فهم واقعیات‌اند. ولی باید قبول کرد که دست جادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعات که در سطح جهان، عمدتاً از آستین صهیونیستها و همکاران غربی شان و احیاناً مزدوران ظاهراً مسلمان دولتهای مستکبر، خارج می‌شود، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می‌سازد. لذا بجاست که فهرست مجملی از مشکلات و نیز امکانات دنیای اسلام آورده شود:

استفاده از امکانات امت اسلامی

در بخش امکانات باید از جمعیت یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمین آغاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سرزمین گسترده‌یی در میانه‌ی اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در اختیار دارند. در میان این جمعیت عظیم، ملتهایی که معروف به هوش سرشارند. و تمدنهایی که دارای سابقه‌ی چند هزار سال است، و شخصیتهای بارز علمی و سیاسی وجود دارند. این مجموعه که نامش امت اسلامی است دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم آهنگی شگفت آوری بهره‌مند است که از احاطه و نفوذ اسلام و توحید خاص و خالص آن در همه‌ی اجزاء و ارکان و زوایایش، پدید آمده است. این ملتهای برادر و همدل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به دهها زبان سخن می‌گویند، همه خود را اجزاء برابر امت بزرگ اسلامی می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و الهام می‌گیرند. و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه‌ی حقایق و مشتمل بر دستور همه‌ی نیازها و تکالیف آنهاست: وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ وَ هُدیً وَ رَحْمَةً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمِینَ (1) منطقه‌ی جغرافیایی این مجموعه‌ی بشری، یکی از غنی‌ترین- اگر نگوییم غنی‌ترین- سرزمینهای جهان از لحاظ منابع طبیعی است،

1- نحل: 89

و بطور ویژه منابع نفت آن پشتیبان تمامی چرخ و تمدن ماشینی امروز جهان است، یعنی اگر این مجموعه برای چند ماه نفت خود را به روی مشتریان ببندد، بیشترین بخش جهان و از جمله کشورهایی که دولتهای آنان از قرنها و هم اکنون، سرنوشت ملتهای مسلمان را بازیچه‌ی آزمندی و زورگویی خود کرده‌اند، در تاریکی و سرما و واماندگی غرق خواهند شد.
بجز اینها، فهرست امکانات امت اسلامی، مشتمل بر صدها عنوان و سرفصل برجسته‌ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازنگری می‌تواند از آن آگاه شود.

فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه‌ی عظیم- یعنی امت اسلامی- نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد، نتواند از آنهمه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه ملتها و کشورهای اسلامی از قافله‌ی دانش بشری عقب؛ و از ثروت عظیم مادی خود بی‌بهره؛ و در مسابقه‌ی بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگهای بیگانه؛ و در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشد.
این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بد کرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی‌یی را تشکیل می‌دهد، که به عنوان ردیفهای اول آن می‌توان اینها را بر شمرد:
- اختلافات فرقه‌یی که بیشتر به وسیله‌ی علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می‌شود.
- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گراییِ افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود.
- تسلیم در برابر قدرتهای مداخله گر که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی.
- بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.
- مرعوب بودن بسیاری از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.
- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه‌ی اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.
- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه‌ی فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.
اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه‌های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می‌دادند قابل علاج می‌بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرو دستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.

حج، ناکامی‌های امت اسلامی را درمان می‌کند

سخن آن است که حج اگر درست و کما فرض اللَّه اقامه شود قادر است همچون دارویی شفابخش، همه‌ی این بیماریهای اصلی و علتهای ناکامی را درمان کند. این کار یکباره اتفاق نمی‌افتد، ولی در طول سالهای دراز، اجتماع میلیونی برادران و خواهران از چهار گوشه‌ی جهان اسلام در یک نقطه، آنهم در عرصه‌ی اعمالی هماهنگ و پر معنی، و در زیر لوای با عظمت توحید، و همراه با تجدید خاطره‌های صدر اسلام و یاد آوری بدر و احد، و زیارت مسجدی که نغمه‌ی روح بخش آیات قرآن از حنجره‌ی مبارک رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله هنوز از در و دیوار آن به گوش می‌رسد، و نوای پر قدرت اللّه اکبر مجاهدان صدر اسلام در آن موج می‌زند، و در فضایی لبریز از ذکر و حضور و مناجات

خدای عزّوجلّ، که انسانها را از نفس ضعیف و خود خواه و کج اندیش جدا کرده، به معدن مجد وعظمت و قدرت ربوبی متصل می‌سازد سرچشمه‌ی شفابخشی است که دلها را قوی، وهمتها را بلند، واراده‌ها را استوار، و جانها را سرشار از اعتماد، و دیدها را وسیع، و آرمانها را نزدیک، و برادران را متحد، و شیطان را خوار، و کید او را ضعیف می‌سازد.
آری، حج درست و کامل، حج توحیدی، حجی که منبع عشق به خدا و مؤمنین و برائت از شیطانها و بتها و مشرکین باشد، رشد همه‌ی مشکلات امت اسلامی را ابتدا متوقف و سپس آن را مرتفع می‌سازد و منشأ عزت اسلام و شکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می‌شود.

حج، در صدر اقدامات بین‌المللی جمهوری اسلامی

بر پایه‌ی همین درک درست از اهمیت حج بود که پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، مسأله‌ی حج در صدر اقدامات بین‌المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه‌ی سیاستُاللهی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق است با جنبه‌ی عبادتُاللهی آن‌که جلوه گاه غفران و رحمت ربوبی است، به هم آمیخته، حج امروز را به حج صدر اسلام نزدیک ساخت، و به عنوان نمادی از این همه، مراسم برائت از مشرکین را در حج، بار دیگر زنده کرد و تاکنون با وجود همه‌ی سختگیری‌های سیاسی و شدت عملهای ناشی از انگیزه‌های غیر اسلامی، این وظیفه‌ی اسلامی را دنبال کرده است.
جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که علیرغم تبلیغات و تلاشهای ضد اسلامی صد سال اخیر، حیات و پویایی و قدرت اسلام را در اداره‌ی جوامع عظیم بشری، ثابت کرده است، به حج نه همچون وسیله‌یی برای خود، بلکه همچون عرصه‌یی برای بیداری مسلمین و دمیدن روح تقوا و ایمان به اجرای شریعت اسلام و عزت و استقلال مسلمانان جهان، نظر افکنده است.
آنان که تحرک و جامعیت حج را نفی و رد می‌کنند، در واقع عزت و استقلال مسلمانان و نجات آنان از پنجه‌ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می‌کنند. هر گونه

فتوی و نظریه‌ی دینی در این باره، حکم به غیر ما انزل اللّه است که به گمان زیاد، از روی جهل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می‌شود.

از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران‌ناپذیر

امروز هر کس وضع دشوار ملتهای مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیستها و توطئه‌های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هر کس از پیشرفت این غده‌ی بدخیم سرطانی در ارکان اقتصادی و سیاسی دولتهای منطقه احساس خطر کند، هر کس وضع تیره‌ی ملت فلسطین را ببیند که در اردوگاههای غربت، رنج می‌برند و خانه و کاشانه‌ی خود را در تصرف جلادان خویش می‌بینند، هر کس از وضع جنوب لبنان و منطقه‌ی اشغالی آن به دست صهیونیستها و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد، هر کس فاجعه آفرینی اخیر در لبنان را شنیده باشد که صهیونیستها با پشتیبانی دولت امریکا اکنون دوازده روز است که یکسره از هوا و زمین و دریا بیش از نیمی از این کشور را بمباران می‌کنند و کودکان و زنان و مردم غیر نظامی را قتل عام می‌کنند؛ هر کس از بوسنی و افغانستان و کشمیر و تاجیکستان و چچنستان مطلع باشد، هر کس توطئه‌های پی در پی و اقدامات خصمانه‌ی امریکای طغیانگر و صهیونیسم ضد بشر را بر ضد جمهوری اسلامی که امروز مظهر حاکمیت قرآن و اسلام است، بداند، آری هر کس این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه‌ی دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره‌ی عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه‌ی مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین، خسارتی بی‌جبران و گناهی بی‌غفران است.

ضعف کنونی دولتهای مسلمان

ضعف کنونی دولتهای مسلمان، و تفرقه‌ی مصیبت بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی

قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمینهایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمتهای افسانه‌یی از کارخانجات غربی در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیستهای خونخوار آزادانه خانه و کاشانه‌ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می‌کنند و هیچیک از این دولتها نمی‌توانند راه آن را ببندند. این حقایق تلخ به اضافه‌ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می‌شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده‌ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملتهای اسلامی و مجموعه‌ی نمونه برداشته‌ی آن‌که اینک در گرد کعبه‌ی شریف و در مواقف متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره‌های انباشته‌ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره بردارند. این است سخن ما و این است داعیه‌ی ما درباره‌ی حج و درباره‌ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

جمهوری اسلامی به خاطر همین موضع استوار و شجاعانه در دفاع از اسلام و احکام اسلامی، از آغاز تاکنون مورد خشم و انزجار قدرتهای استکباری و در رأس آنان شیطان بزرگ امریکا قرار داشته و دارد.
آنها جمهوری اسلامی را به توسعه‌طلبی و جنگ‌طلبی و صدور ناامنی متهم می‌کنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین‌توزی و دشمنی خباثت‌آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه‌های صهیونیستها یا دست نشاندگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می‌شود، بی‌وقفه تهمتها و شایعه‌ها و تحلیلها و خبرهای دروغ و غرض آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می‌کنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل ما(قدس‌اللّه‌نفسه) را بشکنند و متوقف کنند. آنها با

مدرن‌ترین روش‌های تبلیغی نامردانه می‌کوشند با لجن پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرفدارانش در دنیای اسلام را از آن رویگردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه‌ی ایران در آنها می‌هراسند پدید آورند. رسواترین تروریستهای عالم یعنی سران حکومت غاصب صهیونیست و حامیان بد سرشت آنان در دولت امریکا، ایران اسلامی را به تروریسم متهم می‌کنند. سردمداران امریکا و اسرائیل به هر بهانه یا بی‌بهانه، انگشت اشاره‌ی تهمت آمیز خود را به سوی جمهوری اسلامی نشانه می‌روند و در هر چند کلمه‌ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی نشانه می‌روند و در هر چند کلمه‌ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی را با خشم و نفرت بر زبان می‌آورند.

این مایه‌ی افتخار ما است که بد سیرتان و روسیاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند.
ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دستهای آلوده‌ی آنان متنفر و بیزاریم. خدا و رسولش هم از آنان متنفر و بیزارند. أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ (1)
امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزت و با اراده و عزم استوار به پیش می‌رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی‌یی روز افزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و با نشاط و رها از گرفتاریهای غم انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده‌ی دفاع از اسلام و ایران، معنویتی دامن گستر در کنار زندگی‌یی رو به توسعه و رشد، و بالاخره وحدت کلمه‌یی کم‌نظیر و مثال زدنی.
و بحمداللّه چنین است که حجم انبوه تبلیغ دشمن بر ضد ما، نشانه‌ی عظمت و اقتدار روز افزون ملت و کشور ماست.

1- توبه: 3

ص: 194

حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند

در پایان، همه‌ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت این ایام بزرگ فراخوانده، همگان را به تدبر در حج و توشه برداری معنوی و روحی برای بقیه‌ی عمر دعوت می‌کنم. از آقایان روحانیون محترم می‌خواهم که این مضامین را در جمع کاروانهای ایرانی و غیر ایرانی به گونه‌های مناسب مطرح فرمایند و دلها و جانها را به معنویت حج و نیز به مضمون سیاسی آن متوجه سازند.
از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و استقلال واقعی کشورهای اسلامی و رهایی آنان از نفوذ سیاسی و اقتصادی مستکبران عالم را مسألت می‌کنم و بقای مجد و عظمت ایران اسلامی را در زیر سایه‌ی الطاف و عنایات ویژه‌ی حضرت بقیةاللّه‌الاعظم(روحی‌فداه) از حضرت احدیت طلب می‌نمایم.
والسّلام علی جمیع اخواناالمؤمنین
علی الحسینی الخامنه‌ئی
چهارم ذی‌الحجه 1416 هجری قمری
برابر با چهارم اردیبهشت 1375 هجری شمسی

ص: 195
بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(20/ 2/ 1375 ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(20/ 2/ 1375 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

مژده‌یی بس شیرین

خدا را سپاسگزاریم که بحمداللّه، یک سال دیگر هم به ما عمر داد تا ببینیم عناصر برگزیده‌ی نظام اسلامی و کسانی که در واقع در یک جبهه‌ی خطر، کار بزرگی را با همه‌ی توان و تلاش، در این موسم خاص انجام می‌دهند، مجدداً پیروزمندانه برگشتند و زیارتشان می‌کنیم. همیشه بعد از سفر حج، زیارت آقای ری شهری برای ما یک واقعه‌ی شیرین، مثل سپیده و طلوع فجر است. وقتی خبردار می‌شوم که ایشان از سفر حج برگشته‌اند، برایم مژده‌ای بس شیرین است و هنگامی هم که به این جا می‌آیند، فرصت دیدار، شیرین‌تر است، چرا که می‌بینم بحمداللّه سفر پرمشقت و پرفایده‌ای را پشت سرگذاشته‌اند. البته فایده، منحصر نیست به آنچه که برادران عزیزمان انجام می‌دهند و حس می‌کنند که انجام داده‌اند؛ بلکه فایده‌ی بزرگ، مربوط می‌شود به دنیای اسلام و تأثیراتی که دهها هزار مسلمان ایرانی، با حرکات خودشان، با کار خودشان، با انواع شیوه‌هایی که هست و با طبقات مختلفی که دارند، از عالمشان، از جاهلشان، از کارکنشان، از مترجمشان، از جوانشان، از عکاسشان و از قاریشان می‌گذارند.

مجموع این کارها، مسأله‌ی پیچیده‌ای است که‌هیچ‌ذهنی، اگر بخواهد ابتدائاً

به‌وجود بیاورد، نمی‌تواند چنین امری را تدبیر کند. به برکت اسلام و به برکت همین فریضه‌ی حج است که خدا این فایده‌ی بزرگ را به ما داده است. تأثیراتی که این مجموعه بر روی ذهنیت حجاج و دنیای اسلام می‌گذارد، قابل اندازه‌گیری نیست و در قالب گزارش که شما بخواهید به ما بدهید، نمی‌گنجد؛ چرا که اصلًا نمی‌شود به میزان و مقیاس سنجید. اما بنده به روشنی و وضوح مشاهده می‌کنم و می‌دانم که تأثیراتش خیلی زیاد است و روز به روز هم این تأثیرات بیشتر خواهد شد و دشمن چه بخواهد، چه نخواهد، حضور ما در حج- حضور مؤمنین باللّه- و تلاشهایی که بحمداللّه انجام می‌گیرد، کار خودش را می‌کند و علی‌رغم دشمنان و کفار، در ذهن مردمی که آنها نمی‌خواهند متأثر به این مسائل بشوند، تأثیرات لازم را خواهد گذاشت. به هر حال، بنده از آقایان خیلی تشکر می‌کنم. از شخص جناب آقای ری شهری که حقیقتاً خدمات و تلاشهایشان خیلی ارزنده است و نیز از آقایان علمایی که تشریف دارند تشکر می‌کنم.

همانطور که آقای امینی فرمودند، من واقعاً می‌دانم حضور یکی مثل جناب آقای کریمی در حج و در عمره، با این مایه‌ی بحمداللّه غزیر (1) علمی که در ایشان و بعضی برادران دیگر هست و آمادگیشان برای این که هر سؤالی را جواب بدهند و هر جهالتی را برطرف کنند، چقدر ارزشمند است! واقعاً که چقدر ارزشمند است! اگر انسان بخواهد اینها را احصاء کند، اصلاً به حساب در نمی‌آید. اگر این آقایان آن جا حاضر نباشند و زحمت نکشند، ممکن است مسأله‌ای که یک جاهل، جوابش را نمی‌داند، مشکل‌آفرین و مسأله‌ساز باشد. ایشان را زیاد زیارت می‌کنیم. از سفرهای ایشان، بنده با خبرم ولی از سفرهای دیگر آقایان مطلع نیستم. لابد آنها هم زیاد سفر می‌کنند و چقدر هم این کار، پرزحمت است. رفتن کسی مثل ایشان و این آقایان در آن جا و حضورشان در بعثه، یا در مسجدالحرام، یا در مسجدالنبی و در معرض استفاده‌ی کسانی که دنبال این مسائلند، که

1- غزیر: فراوان، بسیار.

اگر یکی از این مسائل را کسی نداند، گاهی حجش باطل است، گاهی کفاراتی به گردنش می‌آید، گاهی حیرتی برایش پیدا می‌شود که از همه‌ی اینها بالاتر است؛ آن گاه راحت پیدا کردن عالم و آگاه و عارفی که حقیقت برایش روشن است و جواب مسائل را به راحتی در معرض دید او می‌گذارد؛ واقعاً خیلی ارزشمند است. همین طور حضور آقایان و برادران عزیزی که در زمینه‌های مختلف، خدمت می‌کنند، دارای ارزش است.

کار تبلیغی- فرهنگی دشوار است

جناب آقای ری‌شهری یک کلمه می‌گویند، تحتش کارهاست! بنده چون خودم مختصری اهل همین کارهای تبلیغی- فرهنگی هستم و اندکی آگاهی دارم، می‌دانم که اینها یک کلمه گفتنش آسان است: «جزوه تهیه شد». خوب، این جزوه چطور تهیه می‌شود؟ چگونه تدوین می‌شود؟ به چه نحو تکثیر می‌شود؟ یا مثلاً مترجم این گونه گفت، یا فلان کار فرهنگی این طوری شد، و ... اینها گفتنش آسان است ولی انجامش واقعاً خیلی دشوار است. من از یکایک آقایان تشکر می‌کنم. اگر چه من کسی نیستم که تشکر کنم؛ چون این کار، مالِ من نیست، کارِ من نیست. این کارِ خداست و کار خودتان است که انجام می‌دهید. بنابراین خدا باید از همه‌ی شما آقایان و از کسانی که در پشت جبهه بیشتر بوده‌اند و کار و تلاش کرده‌اند، تشکر کند. ما نیز به هر حال به عنوان وظیفه، لازم می‌دانیم که از شما تشکر کنیم. کارتان خیلی کار ارزشمندی است.

تشکر از بخش اجرایی حج

همانطور که آقای ری‌شهری گفتند: «فراموش نکنیم»، ما هم داشت فراموشمان می‌شد تا از بخش اجرایی که مربوط به وزارت ارشاد و آقای رضایی است، یادی بکنیم.
انصافاً بخش اجرایی، بخش مظلومی است، چون قالب کلّی کار است دیگر. قالب کلی کار را هم آدم نمی‌فهمد که موارد ریز و درشتِ کمی و کیفی‌اش چگونه انجام می‌پذیرد.
طبیعی است که دائم در چرخش است. این بخش هم خیلی با عظمت است. تشکیلات عظیمی است با کاری واقعاً خیلی گسترده و بزرگ. لازم است جناب آقای میرسلیم هم از

قول ما از برادرانی که این جا حضور ندارند و بعضی شاید در ایران نیستند، تشکر و قدردانی کند. به هر حال هم در این زمینه‌ها و هم در زمینه‌های محتوایی، واقعاً تلاشهای دولت- وزارت خارجه و بقیه‌ی بخشها- خیلی ارزشمند است. ...
امیدواریم خداوند مجموعه‌ی شما را کمک کند. بنده مجدداً از همه‌ی آقایان تشکر می‌کنم. ان‌شاءاللّه که روزبه‌روز بهتر و موفقتر باشید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 199
بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج(16/ 12/ 1375 ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج

اشاره

(16/ 12/ 1375 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

همه‌ی منافع در حج لحاظ شده است

اولًا: به شما برادران و خواهران محترم، خوشامد عرض می‌کنم و از زحمات ارزشمندتان در تدارک حج برای ملت مؤمن و خدا دوست و حقیقت طلب ایران، صمیمانه سپاسگزارم.
ثانیاً: همه‌ی مسلمین باید به خاطر فریضه‌ی حج، شکرگزار پروردگار باشند. فریضه‌ی حج با این وضعی که در اسلام مقرر شده است- که همه‌ی مذاهب اسلامی هم، تقریباً در کیفیت آن متّفق القول و متّحد الرأی هستند- یک گنجینه‌ی عظیم، یک ذخیره‌ی تمام نشدنی ویک سرچشمه‌ی همیشه‌فیاض برای‌مسلمین‌است. درحج، هم‌دنیابرای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب‌هست، نشان دادن عظمت اسلام به‌غیرمسلمین وتقویت ورحیه‌ی مسلمین به خاطر مشاهده‌ی عظمت اسلامی هم هست. نهایتاً این که، حج مجمعی برای متحد کردن آراء و دلها در زمینه‌های گوناگون است. همه چیز در این مجموعه ملاحظه شده است.
آن جا که قرآن کریم به منافع اشاره می‌کند و می‌فرماید: لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (1)

1- حج: 28

مقصودش فقطمنفعت معنوی نیست، فقط مسأله‌ی شخصی نیست، فقط جنبه‌ی روحی و روانی یا جنبه‌ی عبادی نیست و یا فقط جنبه‌ی دنیایی و تجارت نیست؛ بلکه همه چیز است. سیاست است، اقتصاد است، معنویت است، روحیه‌ی فردی است، روحیه‌ی جمعی است و اقتدار جهانی است. همه چیز در این واجب الهی قرارداده شده است. لذا شما ملاحظه می‌کنید امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله وظایف مهمی که در مجموعه‌ی اسلام در کنار قرآن لحاظ می‌کند، یکی هم حج است. می‌فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ» (1)
؛ همان طور که می‌فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ» (2)
. یک رهبر دلسوز و دین شناس که هنگام وفات خود مایل است حرفی بزند که در طول تاریخ، دنیای اسلام از آن استفاده کند، طبعاً بر روی قرآن تکیه می‌کند، چون قرآن محور اصلی این دین مقدس است. لذا در کنار «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ»، «بَیْتِ رَبِّکُمْ» را نیز عنوان می‌کند. پیداست که تأثیر حج و اجتماع عظیم و شگفت‌آور و بی نظیر آن، تأثیری ژرف و عمیق و ماندگار است. بنابراین همه‌ی مسلمانان باید به خاطر این نعمت موهوب، از خدای متعال سپاسگزار باشند و شکر این نعمت بگویند.

شکر نعمت، عمل هم لازم دارد

البته شکر نعمت، فقط به زبان یا به زبان و دل نیست. شکر، عمل هم لازم دارد. عمل شاکرانه این است که انسان با نعمت خدای متعال به گونه‌ای رفتار کند که او اراده فرموده است. اگر با این نعمت، طبق اراده‌ی الهی رفتار شد، باقی می‌ماند، و الّا زایل می‌گردد.
بحمداللّه و المنّه، مسلمین در طول تاریخ، از جهت جنبه‌ی ظاهری، حج را حفظ کرده‌اند.
لذا این نعمت برای آنها باقی و ماندگار است. لکن از جنبه‌ی قدرشناسیِ معنوی، شکر

1- نهج البلاغه/ وصیتنامه‌ی امام علی علیه السلام.

2- همان مدرک.

کاملی نسبت به این نعمت انجام نگرفته است. بنابراین برکتِ این جنبه از واجب عظیم، از بیشتر مسلمانان سلب شده و لذاست که از حج، استفاده نمی‌کنند.

دنیای اسلام مورد تهاجم است

امروز دنیای اسلام مورد تهاجم است. در هر جا که منافع استکبار جهانی، اندک معارضه‌ای با روش و حرف و حضور اسلامی در یک کشور اسلامی یا غیر اسلامی دارد، به شدت علیه مسلمین نقشه کشی و فعالیت می‌کند. این فعالیت یا به شکل جنگ است، یا به شکل مسلط کردن سیاسیون وابسته‌ی فاسد است، یا به شکل فشارهای گوناگون امنیتی و سیاسی است و یا به شکل فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی و غیره است. استکبار با همه‌ی دنیای اسلام، رفتار خصمانه دارد. البته در کشور ما، با اسلام در جمهوری اسلامی، با مردم مسلمان و جامعه‌ی اسلامی، رفتارش خشن‌تر و همه جانبه‌تر است که عللش هم معلوم است. علی ایّ حال اگر به دقت نگاه کنید، خواهید دید که استکبار در همه جای دنیای اسلام، هر جا بتواند چنگی می‌زند و دندانی نشان می‌دهد.

استکبار با فکر اسلامی برخورد می‌کند

استکبار، علاوه بر اینها، با فکر اسلامی هم- که به شکل مدرنش، جدید است- برخورد می‌کند. در واقع دنیای استکبار، امروز با استعانت عوامل صهیونیست یا دوستان صهیونیستها، هر چه بتواند، علیه فکر اسلامی و دنیای اسلام به فعالیت می‌پردازد. آنها به زبان می‌گویند ما با اسلام دشمنی نداریم و با مسلمانان مخالف نیستیم. اما تاکنون چه کسی توانسته است به انسانهای بدسابقه و دروغگو، به صرف قول، اعتماد پیدا کند؟ قولی که با عمل یکی نیست، قولی که به طور واضح در عمل نقض می‌شود، اعتباری ندارد. آنها در مصاحبه‌های خود عنوان می‌کنند که با اسلام و مسلمین، مخالفتی نداریم. پس مخالفت چیست؟ امروز هر کس به صحنه‌ی تبلیغات جهان و برخوردهای استکبار، صهیونیستها، عوامل رسانه‌های جمعی امریکایی و امثال آن نگاه کند، خواهد دید که یکی از خطوط اصلی تلاش آنها، ضدیّت و معارضه با اسلام است. برای ما به شکل واضحی اثبات شده است و دلایل روشن و متقنی وجوددارد که آنها هر طور بتوانند با اصل اسلام، مخالفت می‌کنند.

ص: 202

ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار

در زمینه‌ی انواع مخالفت، یک بخش از اعمال خصومت، ایجاد تفرقه و اختلاف است که استکبار بر روی آن به شدت تکیه دارد. به هرجای دنیا که بنگرید، عامل تفرقه‌ای مشغول فعالیت است. هنگامی که به کاوش می‌پردازید، متوجه می‌شوید که این عامل تفرقه با یک یا ده واسطه، به ایادی خبیث استکبار منتهی می‌شود. تفرقه بین قومیتها، تفرقه بین ملتها و تفرقه بین مذاهب از طرف استکبار در همه جای دنیا رواج دارد. امروز استکبار کار را به جایی رسانده است که با پول و تشویق و تدبیر و نقشه‌ریزی خود و ایادی‌اش، بعضی از مسلمین در جاهایی بعضی دیگر از همکیشان خود را تکفیر می‌کنند و آنها را کافر می‌دانند. اصلاً تحریک تعصّبها یکی از رؤوس برنامه‌ی آنها در مخالفت با اسلام است. دیگر از این بالاتر چه مخالفتی وجود دارد؟ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و یکی از اولین پیامهای این انقلاب و امام بزرگوار این انقلاب، وحدت بین‌مسلمین بود؛ آن هم وحدت عاطفی، نه وحدت دینی. یکی شیعه است، یکی سنّی است و یکی شش امامی است؛ هر کس مذهب خودش را داشته باشد. در بین شیعه، فِرَق مختلفی وجوددارد؛ همانگونه که در بین اهل سنّت، فِرَق مختلفی دیده می‌شود.

مسأله‌ای نیست. اما از لحاظ سیاسی و عاطفی، همه با هم در مقابل دشمن، متّفق و یکدل باشند. دشمن می‌خواهد فِرَق مختلف مسلمان را با هم دچار اختلاف و تفرقه کند.

می‌خواهد بأس اینها را بین خودشان قراردهد. نیّت دشمن این است که نیروهای فِرَق مسلمان صرف معارضه‌ی درونی بین خودشان شود. به‌خواسته‌ی‌دشمن، نبایدتن در داد.

وحدت بین مسلمین یکی از پیامهای بزرگ انقلاب بود که انصافاً بسیار موفق شد.
امام بزرگوار در این میدان، یکی از درخشانترین موفقیتها را به دست آورد. اما دشمنان به مرور به توطئه و وسوسه و خنّاسی پرداختند. آنها هنوز هم کاری می‌کنند که دلهای فِرَق مسلمان را نسبت به همدیگر پر از کینه کنند. امروز هر کس که موجب جدایی دلهای

مسلمانان و فِرَق اسلامی از یکدیگر شود، در حالی که در مقابل دشمنان دین و دشمنان اسلام و دشمنان قرآن، احتیاج به وحدت و همدلی دارند، به همان اندازه‌ی تلاش خود، نسبت به اسلام و مسلمین خیانت آشکار کرده است. این را همه باید بفهمند.

مسؤولیت حج چیست؟

در چنین حالتی که دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و به خصوص روی تفرقه بین مسلمین، سرمایه‌گذاری می‌کند، مسؤولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر می‌تواند معنی دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترفندهای دشمن و خنثی کننده‌ی نقشه‌های استکبار و صهیونیست باشد. حج، این گونه است. چرا بعضی نمی‌خواهند از این نعمت الهی، آن چنانی که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟! چرا نمی‌خواهند دلها به هم نزدیک شود، ذهنها روشن گردد، دشمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزاری و برائت جویند؟ چرا؟ حج فرصت عظیم و بزرگ و ذی قیمتی است که استفاده از آن صرفاً به نفع یک گروه مسلمان یا یک ملت خاص هم نیست. فایده‌اش برای همه‌ی مسلمانان است و به همه برمی‌گردد و همه از آن سود می‌برند. دشمن وقتی می‌خواهد علیه ما فعالیت کند، مگر ملاحظه‌ی ما را می‌کند که بدمان نیاید؟
چرا ما باید ملاحظه‌ی دشمن را بکنیم که بدش نیاید؟ استکبار وقتی می‌خواهد ما رابه جان یکدیگر بیندازد، وقتی می‌خواهد اسلام را خرافی و زشت جلوه دهد، مگر ملاحظه‌ی خوش آمدن و بدآمدن مسلمانان را می‌کند؟ ما وقتی که می‌خواهیم بگوییم استکبار دشمن اسلام و مسلمین است، چرا باید ملاحظه‌ی او را بکنیم؟! یکی از بی نهایت افتخارات امام بزرگوار ما، مسأله‌ی حج و احیای حج ابراهیمی و اسلامی است.
افتخار مردم مسلمان ما نیز چنین حجی است.

شما خدمتگزار چنین حجّی هستید، پس قدر آن را بدانید. مردمی که به حج مشرف

می‌شوند، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسلامی؛ عزت ناشی از برافراشتن پرچم اسلام در ایران اسلامی را، حفظ کنند. مبادا رفتار حاجی ایرانی به گونه‌ای باشد که عزت این نظام و انقلاب و شکوه و عظمتی که به اسلام در این جا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود. بعضی اشخاص ملاحظه نمی‌کنند. بعضی اشخاص مسائل شخصی خودشان را، روح مصرفی خودشان را و موارد گوناگونی از این قبیل را برمصالح یک ملت، بر آبروی یک کشور، بر آبروی اسلام و بر آبروی پرچم برافراشته‌ی جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند. این رویّه خوب نیست، مصلحت نیست. همه باید ملاحظه و توجه کنند. حُجّاج عزیز ما در بین خودشان به افرادی که می‌بینند ملاحظه‌ی مصالح اسلام و انقلاب را نمی‌کنند، تذکردهند. چنین تذکری مسلماً مصداق نهی از منکر است. البته خدای متعال، تفضّلات خود را بر کسانی که در راه او و برای او کار می‌کنند و به عبادت و تلاش می‌پردازند، قطعاً و بلاشک نازل خواهد فرمود. این امیدواری وجوددارد که وجود مقدّسِ ولیّ عصر(ارواحنافداه) در این محشر عظیم مردمی- حج- حضور خود و تفضّلات خود را بر دلهای مستعد و روحهای آماده، نازل فرماید و از این دریای رحمت و لطف، هر کسی بتواند انواع مختلف بهره را ببرد. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، حج را بر همه‌ی مسلمین و مسلمات در سراسر عالم مبارک گردان. به ملت عزیز ما هم، حج را مبارک کن.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

ص: 205
پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج(21/ 1/ 1376 ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج

اشاره

(21/ 1/ 1376 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللَّه ربالعالمين والصّلاة والسّلام على سيدنا محمّد و آله الطاهرين. قال اللَّه الحكيم: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ

این روزها بار دیگر خانه‌ی خدا میزبان خیل عظیم دلهای پر شور و شوقی است که از سراسر جهان در آن کعبه‌ی امید گرد آمده‌اند؛ میلیونهایی که در سایه‌ی عبودیت خالص حضرت احدیت، احساس وحدت و جمعیت می‌کنند؛ چشمهایی که با گلاب اشک خود، قدمگاه پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا علیهم السلام و مجاهدان و بزرگان اسلام را شستشو می‌دهند؛ جانهایی که در پرتو معنویت بیت‌اللّه الحرام و حریم تربت مصطفوی صلی الله علیه و آله، نورانیت و صفا می‌یابند؛ دستهای به دعا برافراشته‌یی که قافله‌ی نیاز و حاجت را روانه‌ی درگاه بی‌نیاز می‌کنند؛ دردمندانی که بر در سرای طبیب، علاج دردهای مزمن جهان اسلام را می‌جویند و در آن، همدردانی از هر نژاد و زبان و رنگ و از هر گوشه‌ی عالم می‌یابند؛ ضعیفان تنها مانده‌یی که در آن‌جا احساس قدرت و عظمت می‌کنند. این روزها بار دیگر پیکره‌ی عظیم امت اسلام، نمایی از ابهت و شکوه خود را در برابر چشم کسانی که دچار غفلت از آنند، می‌گذارد؛ دوستان را امیدوار و دشمنان را

بیمناک می‌سازد. ابر رحمت و حکمت بر تشنگان می‌بارد، دلهای افسرده‌یی را طراوت می‌بخشد، و مغزهای راکدی را به شکفتن و اندیشیدن وا می‌دارد.
آری، این روزها برای جهان اسلام و امت اسلامی روزهای عید و روزهای میعاد است و بجاست که مسلمین در همه جای گیتی و به ویژه حجاج بیت‌اللَّه الحرام، ساعتها و لحظه‌های آن را برای تعبد و تعقل، مغتنم بشمارند و آنان که به فرصت گرانبهای حج و زیارت دست یافته‌اند، با دستانی پر از رحمت و حکمت الهی، و با تصمیم و اراده‌یی تازه برای آینده‌ی خود و امت اسلامی، به دیار خویش باز گردند.

جنبه‌ی فردی و اجتماعی حج

در میان فرایض دینی، حج بزرگترین فریضه‌یی است که در آن هر دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی به شکلی نمایان، گنجانیده شده است.
در جنبه‌ی فردی، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی‌ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است، تا آدمی به عبودیت- که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است- راه یابد و در آن گام بردارد.
در این بخش، تنوع فرصتها و آزمایشگاهها به حدی است که هر گاه کسی با توجه و تدبر از آن عبور کند، بی‌گمان دستاوردی گرانبها خواهد داشت؛ فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکراللّه که همچون فضای سرشار از روح و حیات، در همه‌ی این مراحل، گسترده شده است. مجموعه‌ی این فرصتها می‌تواند برای هر فرد، دوره‌ی کوتاهی از ریاضت شرعی و تمرین زهد و سِلم و حلم و برخی خلقیات پسندیده‌ی دیگر نیز باشد.
در جنبه‌ی اجتماعی، حج در میان همه‌ی فرایض اسلامی بی‌همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه‌ی دیگری بدین‌سان به آحاد مسلمان، درباره‌ی مسایل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی‌آموزد و

آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی‌کند. تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه‌یی از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی‌توانند بدان دست یابند.

قدرت ملی؛ کلید همه‌ی کامیابی‌ها

قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه‌ی کامیابیها و وسیله‌ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده‌ی عمومی برخوردار باشد.
درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده‌ی آنان را زایل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد- همان‌طور که امروز در کشورهایی همچون امریکا و غیره، نشانه‌های آن دیده می‌شود- ولی فقدان آن تواناییها و اقتدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریعتر بر جان کشورها می‌اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملتها می‌ستاند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقتدار و سیادت علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند. و امروز همه‌ی رهبران هوشیار ملتهای جهان در صددند که از هر امکان و ذخیره‌یی که می‌تواند آنان را قدرتمند کند، بهره گیرند.

امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین‌المللی

امت بزرگ اسلامی با وجود عِده و عُده‌ی خود، فاقد عزت و قدرت در سطح بین‌المللی است؛ چگونه باید عزت و قدرت شایسته‌ی خود را به دست آورد؟ همه‌ی آحاد مسلمان، بخصوص زمامداران و مسؤولان کشورهای اسلامی و علما و روشنفکران و شخصیتهای مسلمان، باید همواره این سؤال را در ذهن و زبان خود داشته و به دنبال پاسخ آن باشند.
امروز بیشترین منابع نفت که بی‌اغراق به منزله‌ی خون برای تمدن کنونی جهان

است، در کشورهای اسلامی است. حساسترین مناطق سوق‌الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورها است. یک پنجم همه‌ی جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه‌دار و علوم و معارف آنان، اولین گامهای عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غربیها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند. با این همه، مسلمانان، امروز در سطح جهان، در روند عمومی سیاست جهانی، در تصمیم‌گیریهای بزرگ عالم و در تعیین نظام همبستگی جهانی، هیچ نقشی ندارند؛ و از این بالاتر، بسیاری از کشورهای اسلامی در سیاست ملی خود، دنباله رو و محکوم یکی از چند دولت مستکبر و زورگوی جهانند؛ دولتهاشان دست نشانده و ضعیف‌النفس، ملتهاشان دچار اختناق یا بی‌خبری، و علما و روشنفکرانشان دستخوش ترس و تغافل و عشق به راحتی ... و نتیجه آن شده است که سرمایه‌های آنان بر باد می‌رود؛ جایگاه سیاسی آنان به اشاره‌ی دولتهای مستکبر تعیین می‌شود؛ و عِده و عُده‌ی آنان به حساب نمی‌آید؛ و امت بزرگ اسلامی که امروز باید از همه‌ی موجودی خود برای کسب عزت و اقتداری که مستحق آن است، برخوردار شود، بدین گونه از بخش عظیمی از عِده و عُده‌ی خود محروم می‌ماند و دشمن اسلام و مسلمین، از آن به زیان اسلام و مسلمین استفاده می‌کند.
وضع کنونی جهان اسلام و حوادث محنت باری که در هر گوشه‌ی آن، زندگی را بر میلیونهای اسلامی تلخ و دشوار کرده است، فاجعه‌ی بی‌نظیر فلسطین مغصوب، محنت تاریخی مسلمانان بالکان، اوضاع کشمیر و افغانستان، اوضاع انفجار آمیز خلیج فارس، وضع اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورهای اروپایی، همه و همه شواهد گویای این حقیقت تلخند.

جبهه‌ی خودی نتوانسته از همه‌ی امکانات خود استفاده کند

جهان اسلام در همین هفته‌های اخیر شاهد آن بود که دولت ایالات متحده دو بار

پیاپی، رأی شورای امنیت سازمان ملل را بر محکومیت رژیم صهیونیستی برای ویران‌سازی خانه‌های مسلمانان بخش شرقی بیت‌المقدس، وتو کرد؛ و این همان امریکاست که بخش عظیمی از ثروت و قدرت خود را از موجودی کشورهای عربی مسلمان کسب می‌کند و دولتهای بسیاری از این کشورها، صریحاً دوستی و احترام و ثروت خود را، بلکه بخشهایی از خاک خود را تقدیم آن کرده‌اند. چرا امریکا در مقابل این دوستیهای قولی و عملی، حتی یک بار هم حاضر نیست در مسأله‌ی فلسطین، میل و خواست آنان را رعایت کند. بی‌شک هیچ دولتمرد عرب و مسلمان نمی‌تواند در برابر تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیست که یاد آور و دنباله‌ی جنایات پنجاه ساله‌ی آن رژیم است، و حتی مخالف قرارهایی است که به نام صلح در سالهای اخیر بسته شده است، بی‌تفاوت باشد و از آن خشمگین نشود، ولی چرا دوستی و وفاداری دیرین دولتمردان عرب با امریکا، کمترین تأثیری در روند روزافزون حمایت امریکا از رژیم غاصب نمی‌گذارد؟ درست است که دولت کنونی امریکا بیش از اسلاف خود به صهیونیستها سرسپردگی نشان می‌دهد؛ ولی کِی و کجا اتفاق افتاده است که دولتهای متعاقب امریکا، دوستان عرب خود را با برادران صهیونیستِ خود برابر بشمارند و یک بار هم که شده، غاصبان صهیونیست را از خود ناراضی کنند؟
در این باب، سخنان گریه‌آور بسیار است و حدیث غفلت و احیاناً خیانت خودیها و استکبار و خباثت بیگانگان و دشمنان، چیزی نیست که در این گفتار مختصر بگنجد؛ آنچه این جانب می‌گویم، آن است که جفای دشمن به خاطر آن است که جبهه‌ی خودی نخواسته است از همه‌ی نیرو و امکان خود استفاده کند و عِده و عُده‌ی خود را به مصاف دشمن بیاورد.

امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه‌ی جهان اسلام

بزرگترین پشتوانه‌ی جهان اسلام، امت بزرگ اسلامی است؛ یعنی ملتهای مسلمان که وحدت و اتفاق و تفاهم آنها و غریو رعد آسای اعتراض آنها و قدرت اندیشه و بازوی کار و ثروت طبیعی و خداداده‌ی آنها، می‌تواند دل هر دولت مستکبر را آب، و

گوش او را کر، و پشت او را خم کند.
حج، مظهری و نمونه‌یی از این پشتوانه‌ی عظیم و تمام ناشدنی و غیر قابل شکست را در برابر چشم ما می‌گذارد.
این جاست که معنای حقیقی فریاد برائت در حج آشکار می‌گردد؛ و چنین است که غریو دستجمعی مسلمانان در برائت از مشرکین، در حج روح می‌دمد و مضمون می‌بخشد.
آیا اکنون هیچ مسلمانی می‌تواند در این سخن حکیمانه شک کند که «حج بی برائت، حج نیست»؟
ملتهای مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنها است و دست خدا مقتدرتر از هر پدیده‌ی قدرتمند در عالم وجود است. و دولتهای مسلمان بدانند که ملتهای آنان، قویترین پشتیبان در مقابله با بیگانگان پر توقع و متجاوز و غارتگر و بیرحمند. اگر ملتها به صحنه راه داده شوند، اگر به ملتها اعتماد شود، اگر با ملتها صادقانه عمل شود، دولتها آن چنان اقتداری خواهند یافت که نه در میدان نبرد لازم است از دشمنی بترسند، و نه در عرصه‌ی بنای کشور و زندگی عمومی لازم است به بیگانه‌یی احساس نیاز کنند.
امروز دولت و ملت ایران به برکت همین یگانگی است که با توکل به خدا در برابر زورگوییهای امریکا ایستاده‌اند و تهدیدهای مکرر او آنان را تکان نمی‌دهد و چنان احساس قدرت می‌کنند که با تکیه بر حقانیت خود و با وجود فشارهایی که به وسیله‌ی ایادی استکبار، از همه طرف بر آنان وارد می‌آید، آینده را درخشان و راه خود را روشن و دلهای خود را سرشار از امید و اطمینان می‌یابند.

میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید

برادران و خواهران عزیز در همه جای جهان! میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید؛ آشنایی و الفت میان خود را در آن تحکیم بخشید؛ از سرنوشت یکدیگر با خبر شوید؛ از تجربه‌های یکدیگر درس بگیرید؛ راز ایستادگی و ثبات جمهوری اسلامی و ملت بزرگ

ایران را از آنان بشنوید.
در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود را از جبهه‌ی استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیتهای سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسأله‌ی فلسطین، به گوش دشمن برسانید.

برخلاف تبلیغات مغرضانه‌ی دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد آگاهی امت اسلام می‌شمارد و از حضور خود به نفع همه‌ی جهان اسلام- و نه فقط منافع خود- بهره می‌طلبد. ملت ایران حامل تجربه‌ی گرانقیمتی برای همه‌ی کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم‌الشأن توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه‌ی عرصه‌ها به موفقیتهای بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یکسره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین ساله‌یی که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه‌ی انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه‌ی جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولتهای مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گامهای بلندی در راه توسعه‌ی کشور بر دارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند؛ مسأله‌ی فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی رغم امریکا و صهیونیزم که خواسته‌اند این مسأله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه جا و همه وقت مطرح سازد؛ به مردم مظلوم بوسنی کمکهای مؤثر برساند؛ در همه‌ی قضایای محنت بار ملل اسلامی، دست یاری به سوی آنان دراز کند و با وجود فشارهای روز افزون استکبار و تهدیدهای مداوم امریکا، با صلابت و قدرت، در این راهها به جلو رود. این تجربه‌ی

ذیقیمتی برای همه‌ی دولتها و ملتهای مسلمان است.
این جانب با صدق و خلوص، دست دوستی به طرف همه‌ی دولتهای مسلمان دراز می‌کنم و به آنان برای همکاری و همفکری در راه رفع هموم دنیای اسلام خوش‌آمد می‌گویم و به همه‌ی ملتهای مسلمان متواضعانه عرض می‌کنم که قدر خود و قدر اسلام و احکام نورانی قرآن را بدانند.

درس بزرگ امام راحل عظیم‌الشأن ما قدس سره، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی‌شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست. راه ملتهای دیگر نیز به سعادت، چیزی جز این نیست.
اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولتهای عرب را نخواهد یافت.
اگر چنین شود، دولتهای عرب خود را مجبور نخواهند پنداشت که بر خلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسأله‌ی فلسطین را به دست فراموشی بسپرند و با ایجاد رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با رژیم غاصب و متجاوز، صهیونیستها را به میان جوامع عربی راه دهند و بدین آسانی حصاری را که می‌تواند رژیم صهیونیست را به مرور خفه کند، از گرد او برچینند.
ما شک نداریم که در آینده‌ی نه چندان دور، عاقبت ملت فلسطین در سایه‌ی فداکاری خود و آگاهی دنیای اسلام، به حق مغصوب خود دست خواهد یافت و بیگانه‌ی متجاوز و ستمگر را از خانه‌ی خود بیرون خواهد افکند؛ ولی تصمیم و اراده‌ی دولتها و ملتهای مسلمان به فضل الهی خواهد توانست این آینده را تسریع کند و از محنتهای آن بکاهد.
در خاتمه، همه‌ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت گرانبهای حج برای خودسازی

شخصی و آینده‌سازی اجتماعی دعوت می‌کنم و امیدوارم همه‌ی مسلمانان جهان، بخصوص ملتهایی را که گرفتار حوادث تلخ و شدتهای زندگی‌اند، به دعای خیر یاد کنند و این حقیر را هم از دعای خیر فراموش نکنند. «والسّلام اللَّه علی بقیةاللَّه فی أرضه و عجّل‌اللَّه تعالی فرجه».
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
دوم ذیحجةالحرام 1417 برابر با بیست‌ویکم فروردین ماه 1376

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج(8/ 2/ 1376 ه. ش.)

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج

اشاره

(8/ 2/ 1376 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

سپاسگزاری از پروردگار متعال

من هم تشکر می‌کنم؛ اولًا از پروردگار متعال سپاسگزاری می‌کنم که بحمداللّه امسال هم دل ملت ایران را با یک حج باشکوه و موفق و سرشار از افتخار، شاد کرد. هر سفر که کاروان حجاج، مشرّف می‌شوند و برمی‌گردند، فضایی از احساس اعتزاز به اسلام و به جمهوری اسلامی در کشور به وجود می‌آید؛ بحمداللّه امسال هم این فضا بود- شاید از جهاتی بهتر و بیشتر از سالهای قبل- از جناب‌عالی (1) و از همه‌ی آقایان محترمی هم که تشریف دارند، و از کسانی که در این جلسه نیستند و هر کدام به نحوی دست‌اندرکار برگزاری این حرکت عظیم بودند، به سهم خودم صمیمانه تشکر می‌کنم.

خداوند ان‌شاءاللّه شما و همه‌ی آقایان عزیز را موفق و محفوظ بدارد؛ ان‌شاءاللّه بتوانید سالهای متمادی این برنامه‌ی بزرگ را با همین روند و همین جهت و ان‌شاءاللّه خیلی بهتر اجرا کنید.

به نظر من یکی از آیات لطف الهی به ایران، همین حج است؛ چون همچنان که در طول زمان- چه نسبت به اصل اسلام، از طرف دشمنان اسلام، و چه نسبت به مذهب

1- خطاب به آقای ری‌شهری.

اهل بیت و پیروان اهل بیت، از طرف دشمنان این جریان- فشارهایی وجود داشته است که حیات و اصل موجودیت آنها را تهدید می‌کرده، امروز هم علیه هر اظهار وجود و هر نشانه‌ی حضوری از جمهوری اسلامی، دشمنهای فراوانی هستند که به طور دایم مشغول تعامل و تهاجم‌اند.
و همچنان که خدای متعال در طول تاریخ، جریان حق را از لابلای این همه ماجراها- یعنی اسلام را و مذهب اهل بیت و پیروان اهل بیت را از میان موانعش- به سلامت عبور داده و روزبه‌روز هم آنها را تقویت کرده است، بحمداللّه نظام مقدس اسلامی و این ملت مؤمن را هم همین‌گونه از لابلای همه‌ی این موانع و مشکلات، با دست قدرت خود، جوری که برای اهلش قابل پیش‌بینی نیست و بسیار فوق انتظار آنهاست، عبور داده و می‌دهد و آنها را به سمتی هدایت می‌کند که برای آنها به عنوان هدف متکامل و متعالی مفروض است؛ و آنها را دارد پیش می‌برد و حرکت می‌دهد.

باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود

تعجب من از این نیست که خدای متعال، ملت ایران و جمهوری اسلامی را حمایت می‌کند؛ چون خودش فرموده: إِنَّ اللَّهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا. از این صریحتر چه می‌خواهید؛ اینها که الَّذِينَ آمَنُوا هستند دیگر. اگر کسی در هر چیز جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران شک کند، در ایمانشان که نمی‌تواند شک بکند، چرا خدای متعال إِنَّ اللَّهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا را- این وعده‌ی صریح واضح روشن را- در این‌جا تحقق نبخشد؟ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ آیا چه کسی می‌تواند صادقتر از خدای متعال وعده بدهد؟! پس باید حمایت بکند؛ این تعجب ندارد.

تعجب از کسانی است که این اعتماد را ندارند! تعجب از کسانی است که این خوش‌بینی و امید را در دلهای خودشان، به زور از بین می‌برند! من می‌بینم که متأسفانه کسانی واقعاً با تشبّث به بهانه‌های واهی، این امید را که امید حقی و امید صدقی است، کأنه می‌خواهند با دست خودشان در دلهایشان از بین ببرند! چرا؟

این راه خدا و وعده‌ی خداست؛ باید همین‌طور بشود. اگر این‌گونه نمی‌شد، جای

تحلیل و توجیه و استدلال و دفاع بود- که بگوییم خدا فرموده است دفاع می‌کند، حالا چرا دفاع نمی‌کند- اما خدا فرموده است که دفاع می‌کند، دارد هم دفاع می‌کند. این دیگر تأملی ندارد، باید هم بکند؛ یعنی کسی که طلبکار نیست، تکلیف هم برای خدا معین نمی‌کنیم، خودش فرموده است، طبیعت امر این است دیگر، غیر از آنچه که فرموده، چیزی نیست. قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلَّا إِيماناً وَ تَسْلِيماً.
از هر حجی، از هر حادثه و هر قضیه‌یی که در تاریخ جمهوری اسلامی پیش می‌آید- که بحمداللّه همه‌ی آنها هم در جهت حقانیت جمهوری اسلامی تمام می‌شود- باید ایمان و تسلیم ما در مقابل خدای متعال، بیشتر بشود؛ وعده‌ی خدا همین است، خدا هم درست فرمود، صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ.

حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی

علی‌ای‌حال بحمداللَّه حج، مظهر حمایت الهی از نظام جمهوری اسلامی است. این برائت هم واقعاً یکی از برکات بزرگ حج است؛ اگر حج نبود، کجا می‌خواست برائتِ دسته‌جمعیِ مسلمین انجام بگیرد؟! من تعجب می‌کنم، کجا جای این بود که این آهنگِ برخاسته‌ی از دلهای امت اسلامی که بالاخره وجود دارد- این غریوی است که دلهای مسلمین، انباشته‌ی از آن است- ظهور پیدا می‌کرد؟! غیر از حج، واقعاً جایی وجود ندارد.

اگر چه به‌نام اسلام، اجتماعات و مجتمع‌هایی هست، اما هیچ کدام از آنها حج نیست که مرکز همه‌ی مردم- مثابةً للناس- محل اجتماع و رجوع آحاد مردم و آحاد ناس باشد. خدای متعال حج را این‌گونه قرار داده است. برائت، مربوط به حج است و یکی از آن احکام حکیمانه‌ی اسلام که ما هم می‌فهمیم و عقل به حکمتش می‌رسد، همین است؛ که خدای متعال این را در حج قرار داده است.

بحمداللَّه امسال هم برائت شما به طور مضاعف انجام گرفت؛ هم شما برائت را انجام دادید، هم دیگران انجام دادند. عیبی هم ندارد، ما می‌خواهیم برائت در حج انجام بگیرد؛ مضاعف هم انجام بگیرد، چه بهتر. دیگران هم انجام بدهند، ما خوشحالیم.

بحمداللّه انجام شد، خیلی خوب و مایه‌ی عزت اسلام بود. ما هم امیدواریم که ان‌شاءاللّه خدای متعال از شما به احسن وجه، قبول کند. حقیقتاً زحمات آقایان مشکور است؛ من صمیمانه تشکر می‌کنم.
آن شکوه و عظمت اسلامی که حج ما دارد، بحمداللّه آن رسایی و بلاغی که حج ما دارد، بر اثر جنبه‌های معنوی است، والا جنبه‌های مادی و ظاهری و تشریفات، کمترین اثر را دارد- اگر نگوییم بعضی اوقات، جنبه‌ی تعویق و مانع و عایق هم دارد.
به‌هرحال از زحمات جناب‌عالی و آقایان مجتهدین، علما، بزرگان و زحمت‌کشان این راه، حقیقتاً صمیمانه تشکر می‌کنم. خداوند ان‌شاءاللّه به همه‌ی شماها اجر بدهد.
همچنین از همه‌ی کارکنان سازمان حج، آقایانی که در آن‌جا مشغول هستند، صمیمانه تشکر می‌کنم؛ این تشکر ما را به آقایان هم ابلاغ بفرمایید. ان‌شاءاللّه خدای متعال از آنها شکرگزار باشد و قلب مقدس ولی‌عصر از آنها راضی باشد.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام(12/ 1/ 1377 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

اشاره

(12/ 1/ 1377 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللَّه ربّ العالمين والصّلاة والسّلام على البشير النذير والسَّراج المنير سيّدنا ابى‌القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبين الطاهرين و على‌الخيرة من أصحابه المنتجبين

موسم حج؛ مژده‌ی بزرگترین دیدار سالیانه‌ی مسلمانان

موسم حج با مژده‌ی بزرگترین دیدار سالیانه‌ی مسلمانان، از راه رسیده است، و بجاست اگر صدها هزار دل مشتاق که در این موسم، مجال بهره‌مندی از فیض لقاء خواهند داشت، پیوسته در جوش و شور و هیجان آماده‌سازی خویش باشند، و میلیونها مسلمان آرزومند که امسال در فهرست بهره‌مندان نهاده نشده‌اند، به یاد لحظه لحظه‌ی ایّام سعادتمندان و دعا برای خود و آنان، دل و ذهن خویش را رنگین و معطر سازند، و همه‌ی مسلمانان صاحبدل به گونه‌یی در ایام حج، با حج و شعائر و آیات جلال و جمال آن سپری کنند.
مراسم حج در هر سال، یک حادثه‌ی بزرگ است که رواست اگر در آن ایام معلومات، مرکز اصلیِ فکر و توجه و اندیشه و احساس مردم در سراسر جهان اسلام باشد؛ و هرکس بسته به جایگاه روحی و فکری و سیاسیش، به نوعی بدان بیندیشد و با آن بسر برد. و بدیهی است که بهره‌مندان از فیض حج، در مرکز این تکلیف و توقعند؛ و چون جسم و جان و اندیشه و تلاش آنان آمیخته به حج و برکات و آثار آن است، شایسته است

که بیشترین بهره‌ی معنوی و روحی و فردی و اجتماعی را از آن به دست آورند، و ان‌شاءاللّه چنین خواهد بود.

معرفت؛ نخستین هدیه‌ی حج

اگرچه برکات حج، همه‌ی جنبه‌های حیات بشری را فرا می‌گیرد و این باران رحمت بی‌دریغ، از خلوت دل و اندیشه‌ی آدمی تا عرصه‌ی سیاست و اجتماع و قدرت ملّی مسلمانان و تعاون میان ملتهای مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می‌سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است؛ و نخستین هدیه‌ی حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خداداده‌ی «فهم پدیده‌ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر بفردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی‌گیرد، و هیچ پدیده‌ی دینی دیگری نمی‌تواند مجموعه‌ی شناختهایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد.
این معرفت، عبارت است از مجموعه‌یی از شناختها که از جمله‌ی آنهاست:

شناخت خود به عنوان یک فرد

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه‌ی عظیم امت اسلامی، شناختِ نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن.
شناخت خود به عنوان یک فرد، به معنی تأمل در وجود خویش و شناخت ضعفها و تواناییهای آن است.
آن‌جا که تعیّنات مادی و تشخّص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می‌بازد و آدمی جدا از آن مایه‌های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به‌طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می‌رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیل‌کرده و امّی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می‌کنند و دست

نیاز به سوی او می‌گشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می‌یابند، هر انسان با تدبّری می‌تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علوّ و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهّم باطل و غرورانگیز درباره‌ی هستی ضعیف خود را به دور افکند، و شیشه‌ی کبر و خودپسندی را، که مایه‌ی زشت‌ترین خُلقیات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بتهای درونی خویش گسستن را بیازماید و بچشد.
این شناخت اساسی که جوهر همه‌ی عبادات و مضمون همه‌ی مناجاتها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می‌بخشد و او را برای دیگر شناختها، مستعد و بر پیمودن همه‌ی راههای کمال، توانا می‌سازد. در زندگی عادی، گرفتاریهای دنیوی و سرگرمی افراطی به تکاپوی مادّی و درگیریها و جدالهای تمام‌نشدنی در زندگی روزمرّه‌ی انسانها، دل را غافل و مشغول می‌سازد و او را از این معرفت روشن بازداشته، دچار تار عنکبوت توهّم و گمانهای باطل می‌سازد و دل را به تکدّر و تیرگی می‌کشاند؛ و حج علاج قاطع این گرفتاری است.

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه‌ی امت اسلامی

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه‌ی امت اسلامی، به معنی نگرش به مجموعه‌ی حاجیان و به همه‌ی ملتها و سرزمینهایی است که مردم خود را به‌طواف خانه‌ی خدا فرستاده‌اند. نگرش به کلّ حجاج و در آئینه‌ی این جمع متراکم، نگرش به امت بزرگ اسلامی است که امروزه از دهها ملت و صدها میلیون انسان در سراسر جهان تشکیل شده، و از مهمترین امکانات مادی و معنوی برای حیات و رفاه اجتماعی برخوردار است و همه‌ی بشریت و تمدن صنعتی با همه‌ی حجم مادّیش، به آن و منابع عظیم آن و بازارهای رایج آن و میراث فرهنگی و علمی آن، محتاج و از آن بهره‌مندند.
شناخت خود به مثابه‌ی جزیی از این واقعیت عظیم، حجگزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می‌کند؛ و افسون جدایی را که سالهاست

دستهای استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی‌گرایی می‌دمند، باطل می‌سازد.
سردمداران جهانِ طبقاتی، یعنی سیاستمدارانی که همّت گماشته‌اند جهان را همیشه در دو قطب قوی و ضعیف، یا مستکبر و مستضعف نگهدارند، و مرکز قدرت را به زیان ملتهای مستضعف، میان خود تقسیم کنند، از دو قرن پیش تا امروز، از وحدت امت اسلامی بیمناک بوده و بر سر راه آن مانع تراشیده‌اند! همان کسانی که در دهه‌ی حاضر، با قتل عام مسلمانان بالکان، یا تبعیض و بی‌عدالتی نسبت به اقلیتهای مسلمان اروپا، یا بی‌تفاوت ماندن در برابر اینها، عزم مسیحی کردن یکسره‌ی اروپا را آشکار ساختند، از یکپارچه شدن دنیای اسلام با عنوانهای اهانت‌آمیز یاد کردند و در تبلیغ و عمل، از آن جلوگیری نمودند.
تقویت این احساس در فرد، که وی عضوی از پیکر بزرگ امت است و هدایت درست آن، باید بتواند بر همه‌ی آن ترفندهای تفرقه‌ساز، غلبه کند؛ و ضمن این‌که هویت ملّی و فرقه‌یی را در بخشهای گوناگون امت اسلامی پاس می‌دارد، از فوایدی که در یکدلی و اتحاد است، همه‌ی این مجموعه‌ی بزرگ را بهره‌مند سازد و عزّت و اقتدار و خیر کثیری را که در یکپارچگی امت اسلامی نهفته است، شامل همه‌ی اجزا و اعضای آن کند.
طواف و سعی و نمازهای جماعت و همه‌ی حرکات و سکنات دستجمعی در حج، این درس را به حجگزار می‌رساند و آن را در اعماق وجود او نفوذ می‌دهد.

شناخت نمونه و نمایی از امت واحده

شناخت نمونه و نمایی از آن امّت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ- یعنی اتحاد اسلامی- و در نهایت سر برکشیدن قدرت واحده‌ی اسلامی در میدان سیاست جهانی است. دیدن توده‌های عظیم حجگزار از نقاط گوناگون عالم، و با زبانها و رنگها و نژادهای گوناگون، افق دید مسلمان را گسترش می‌دهد و از مرزهای شخصی و قومی و ملّی فراتر می‌برد، و وظیفه‌ی اسلامیِ رفتار برادرانه، وی را با آنان به

تعارف و همزبانی و همدلی می‌کشاند، خبرهای اختصاصی ملتها را به سراسر جهان اسلام می‌بَرَد و توطئه‌ی تبلیغاتی دشمن را که همیشه، و امروز بیش از هر زمان، دست‌اندرکار قلب حقیقت و دروغ‌سازی و شایعه‌پراکنی است، خنثی می‌کند و فاصله‌های مکانی و زبانی و پنداری را از میان برمی‌دارد. با تبیین موفقیت یک ملت، در دل ملتهای دیگر، امید می‌دمد و با تشریح تجربه‌ی یک کشور، کشوری دیگر را مجرّب می‌سازد. احساس انزوا و تنهایی را از افراد و ملتها می‌زداید و ابّهت دشمن را در چشم آنان می‌شکند، مصیبتهای بزرگ یک کشور را برای دیگران شرح می‌دهد و آنان را به فکر علاج آن می‌افکند.
توقف حجگزاران در موسم حج در یک نقطه، و بخصوص وقوف در عرفات و مشعر و مَبیت در منی، همگی، زمینه‌های مستعد این شناختِ کارساز و کارآمدند.

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنی تأمل در پایه‌گذاری این خانه است که درعین‌حال، هم خانه‌ی خداست و هم خانه‌ی مردم؛ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًی لِّلْعلَمِينَ. (1) هم جایی است که انسان نیازمند، بدان روی می‌کند و هم نقطه‌یی است که عظمت آیین الهی در آن جلوه‌گر می‌شود. آمیزه‌یی از شکوه و عظمت و صفا و سادگی، یادگاری از نخستین ندای توحید، و جایگاهی برای تحقق وحدت کلمه. هم نشاندار جای پای مجاهدان صدر اسلام، که غریبانه در آن مبارزه کردند و مظلومانه از آن هجرت نمودند و فاتحانه و مقتدرانه بدان بازگشتند و آن را از نشانه‌های جاهلیت عرب پیراستند؛ و هم معطّر به نَفَس نیایشگران و جای سجده‌ی متعبدان و دست نیاز ثناگویان. هم مَطلَع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام. هم پناهگاه دلهای رمیده و هم امید بخش جانهای به ستوه آمده!

1- آل عمران: 96

تشریع فریضه‌ی حج و ترتیب مناسک آن، هم نشانه‌ی عظمت است و هم آیت رحمت. با این شناخت است که دلها به مشاهده‌ی کعبه‌ی شریف در مسجدالحرام منقلب می‌شود و بیراهه‌ها به صراط مستقیم می‌پیوندد و انسانها دگرگونه می‌شوند.

شناخت دشمن

شناخت دشمن، محصول همه‌ی آن شناختها و متمم و مکمّل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی‌حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست. در خودِ اعمال حج، رَمی جمرات، نماد دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی است؛ و پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، اذان برائت را در حج سر داد و آیات برائت را از حنجره‌ی امیر مؤمنان علیه السلام در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرّار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برائت نیز بی‌فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمنها و ستیزه‌گریهای کنونی، غفلت از دشمن و بی‌مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.
اگر آن شناختهای پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می‌شود. هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرّق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می‌کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!

یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد

شیطان درقرآن، تعبیری ازنیروهای شرآفرین و فساد آفرین و انحطاطآفرین است که در صف مقابل انبیا قرار می‌گیرد؛ وَکَذلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیاطِینَ الْانسِ وَالْجِنِّ. (1) و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد

1- انعام: 112

غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.
امروز بیشترین تلاش شیطان که همان جبهه‌ی سیاسی استکبار است، مصروف آن می‌شود که مسلمانان را از آینده‌ی خود، نومید و به ذخیره‌ی گرانبهای فرهنگ و دانش خود، بی‌اعتنا سازد. هر پدیده‌یی که به مسلمانان جهان، امید ببخشد و آنان را به فکر بنای آینده بر پایه‌ی اسلام بیفکند، در چشم استکبار، بشدت منفور و مبغوض است. دشمنی شیطان بزرگ با ایران اسلامی، از آن است که تشکیل جمهوری اسلامی و اداره‌ی کشوری پهناور، با جمعیتی انبوه و با ثروت مادی و معنوی بی‌پایان، به مسلمانان، نوید عزت و عظمت اسلامی می‌دهد و فروغ امید را در دلهای آنان زنده می‌کند.

نشانه‌های امید در رفتار ملتهای مسلمان

در نوزده سالی که از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گذشته است، همه‌ی جهان، نشانه‌های امید را در رفتار ملتهای مسلمان دیده‌اند و می‌بینند و هرچه گردونه‌ی زمان، به پیش رفته و تدابیر دنیای استکبار در برابر این موج بلند و دنباله‌دار، بیشتر شکست خورده، این امید بیشتر شده است.
بیداری فلسطینیان و آغاز مجاهدتهای آزادی‌طلبانه‌ی آنان با شعارهای اسلامی در برابر صهیونیستهای غاصب، بیداری ملتهای مسلمان در اروپا و تشکیل کشور مسلمان بوسنی- با وجود فاجعه‌ی خونباری که به دست، یا با سکوت رضایت‌آمیز اروپاییان برای آنان پیش آمد- به حکومت رسیدن معتقدانِ به حاکمیت اسلام در ترکیه و الجزایر، از راههای معمول دموکراسی غربی- که البته در هر دو مورد، با کودتا و دخالت قدرتهای نامشروع و خصومت دشمنان جهانیِ قدرت اسلام، موفقیت آنان نیمه‌کاره ماند- تشکیل حکومت بر پایه‌ی مبانی اسلامی در سودان- که با وجود کارشکنیهای خارجی، بحمداللّه همچنان در راه اقتدار اسلامی به پیش می‌رود- زنده شدن شعارهای اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان- که سالهای متمادی این شعارها در آن فراموش شده بود- و مثالهای متعدد دیگر، همه و همه، نشانه‌های تأثیر عمیق و روزافزون ولادت جمهوری اسلامی در ایران، بر سراسر جهان اسلام و امت اسلامی است.

ص: 225

دشمنی استکبار با ایران، بغض‌آلودتر شده است

دشمنی استکبار، به همین نسبت با ایران اسلامی، روزبه‌روز سخت‌تر و بغض‌آلودتر شده است! پس از شکست توطئه‌های پیاپی نظامی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی، استکبار جبهه‌ی تازه‌یی گشوده که تاکنون نیز بر ضدّ ایران اسلامی فعال است.
این جبهه، یک جبهه‌ی جنگ تبلیغاتی است؛ و هدف آن، متهم کردن ملت و دولت ایران و بر اثر آن، خاموش کردن فروغ امید در دل ملتهای مسلمان است! در این جنگ تبلیغاتی، این‌طور وانمود می‌شود که ملت ایران، از حرکت عظیم انقلاب و شعارهای آن و از حاکمیت اسلام و قرآن، پشیمان شده و مسؤولان کشور، به اسلام و انقلاب پشت کرده‌اند! و به عنوان شاهد و نمونه، ادعا می‌شود که دولت ایران، در صدد ایجاد روابط دوستانه با دولت امریکا است! انکار مکرر این ادعا از سوی مسؤولان کشور و تأکید همیشگی آنان بر عشق و پایبندی به اسلام و انقلاب و خط امام راحل قدس سره مانع از آن نیست که دستگاههای تبلیغاتی و حتی مسؤولان سیاسی استکبار و بخصوص رژیم مستکبر امریکا، ادعای خود را با زبانها و شیوه‌های گوناگون، تکرار کنند و آن را در تفسیرها و خبرها و گزارشهای جهانی، مخصوصاً در سطح جهان اسلام، بیش از پیش، تکرار نمایند!
شناخت دشمن در حج، به معنی شناخت این روشها و انگیزه‌های آن، و برائت در حج، به معنی افشای توطئه‌ی دشمن و اعلام بیزاری از آن است.

ملت ایران حیات دوباره‌ی خود را بازیافته است

ملت و دولت ایران، با انقلاب عظیم خود که به رهبری امام خمینی عظیم‌الشأن قدس سره و ادامه‌ی خطّ و راه او، پرچم عظمت اسلام و ایران را برافراشت، عزت و استقلال ملّی خود و حیات دوباره‌ی تاریخی خود را بازیافته است. به برکت انقلاب اسلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و استبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زندگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره‌های نوکر مآب و بی‌کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مؤمن و امین یافت. سرنوشت کشور و

منابع ملّی وثروتهای خداداده‌اش را، که‌به وسیله‌ی بیگانگان غارت‌می‌شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به‌خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه‌ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب‌افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه‌ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.
اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه‌ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدمردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده‌ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه‌ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه‌گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!
و پس از آن‌که علی‌رغم مجموعه‌ی آن جبهه‌ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه‌ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره‌ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه‌ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش‌بیاری در اختلافات منطقه‌یی، و سعی وافر برای ایجاد

اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله‌ی مزدبگیران سازمان سیا، تا فعّالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موذیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه‌ی جبهه‌ها و همه‌ی زمینه‌های ممکن!
این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی است.
و البته همه می‌دانند و خود سردمداران رژیم امریکا بیش از همه بتلخی می‌دانند که رژیم امریکا در اغلب این زمینه‌ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.
با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی‌درپی، درصدد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجری زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!

پایبندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنّج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم‌الشأن ایران و صیانت از آرامش و سِلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.
روابط ما با همسایگان و با دیگر کشورهای جهان- از جمله با کشورهای اروپا- دلیلی گویا و روشن است، و تلاش همیشگی ما برای گفتگوهای برادرانه با کشورهای مسلمان- که بحمداللّه هم اکنون شاهد نتایج شیرین تعدادی از آنها هستیم- در برابر چشم مردم جهان است؛ لیکن در کنار این همه، شناخت دشمن و هشیاری و سرسختی در برابر آن را نیز دستورالعمل همیشگی خود ساخته و به اغوای شیاطین، فریب نخورده است، و

ان‌شاءاللّه از این پس نیز نخواهد خورد.
و دشمن صهیونیست را که دولتی غاصب و اشغالگر در سرزمین اسلامی فلسطین برپا کرده، هرگز به رسمیت نخواهد شناخت و اعتقاد خود به لزوم محو آن دولت اشغالگر و تشکیل دولتی از مردم خود کشور فلسطین را، هرگز پنهان نخواهد کرد. همچنین امریکا را که شیطان بزرگ و رأس فتنه‌ی استکبار است، تا وقتی به روشهای کنونی خود پایبند است، دشمن خود به حساب خواهد آورد و دست دوستی به سوی او دراز نخواهد کرد.

چند توصیه به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

برادران و خواهران عزیز از سراسر جهان اسلام و حجّاج عزیز ایرانی! با استعانت از خدای بزرگ، بکوشید تا معرفت را که از بزرگترین دستاوردهای حج است، در همان گستره‌یی که تبیین شد، به دست آورید و با شناختهای تازه‌یی در زمینه‌های یاد شده، به کشور خود بازگردید و آن را دستمایه‌ی تلاش و حرکت خود برای آینده بسازید. در این موسم، بخصوص، محنت مسلمانان کوزوو را که دنباله‌ی سرگذشت خونبار مناطق بالکان و تجربه‌ی دیگری از نوع تجربه بوسنی و هرزگوین است، با یکدیگر بازگو کنید. برای پیروزی و نجات آن مردم مظلوم، دعا و در راه کمک به آنها اقدام کنید. همچنین برای مسلمانان دیگر مناطق محنت‌زده‌ی اسلامی، چاره‌جویی و دعا کنید و اصلاح امور مسلمانان را از قدرت و رحمت مطلقه‌ی الهی، مطالبه نمایید.
امید است همگی با حج مقبول و دستی پُر از دستاوردهای معنوی و اخلاقی و سیاسی، به خانه‌های خود برگردید. والسّلام علی بقیةاللّه فی أرضه و عجّل‌اللّه فرجه.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
سوم ذیحجةالحرام 1418 برابر با دوازدهم فروردین ماه 1377

ص: 229
بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(31/ 1/ 1377 ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(31/ 1/ 1377 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حجِ امسال از جهات مختلف، موفق بود

امیدواریم خداوند این زحمات و خدمات شما آقایان عزیز را به شرف قبول خودش مشرف کند و توفیقات خود را بر شما زیاد کند، تا بتوانید باز هم این خدمت ارزنده را به مردم خوب و عزیز ما تقدیم کنید. من به سهم خودم از جناب آقای ری‌شهری و بقیه آقایانی که هر کدام به نحوی در این کار دسته جمعی و خدمت بزرگ همکاری داشته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم. بحمداللّه همان طور که در خبرها و نشانه‌های گوناگون می‌شد مشاهده کرد، حج امسال از جهات مختلف خیلی خوب و موفق بود. هم توانستید حجاج بیشتری ببرید، هم توانستید بی‌دغدغه آنها را حج بدهید، هم توانستید دعای کمیل را که یکی از بهترین وسایل جلب رحمت الهی است در موسم حج برگزار کنید. قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ نفس تشکیل این مراسم و آن سوز و گداز و آن توجه و عشق و نیازی که مردم ما در آن منطقه‌ی بخصوص ابراز می‌کنند، یقیناً در جلب رحمت الهی تأثیر دارد؛ و نفوس مسلمین هم به خاطر همین است که به شما جلب می‌شود. چون اشاره‌ی الهی است. والّا اگر خذلان الهی باشد- که خدای متعال نیاورد آن روزی را که ما از طرف پروردگار، به شومی اعمال خودمان دچار خذلان بشویم- در آن صورت دعای کمیل هم فایده‌ای نخواهد بخشید و آن هم، مردم را دفع می‌کند. حالا چون مظهر رحمت الهی است مردم را به مجموعه‌ی شما و نظام جمهوری اسلامی و

ص: 230
حرفهای ما متوجه می‌کند. همچنین توانستید ماجرای بسیار مهم و پرارزش و پرمعنا و اساسی «برائت» را امسال هم به راه بیندازید و این مراسم با ارزش را اقامه کنید. ...

از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرید

الحمدللَّه امسال دیدید که خدای متعال درِ دیگری را باز کرد که اصلاً تصورش را هم نمی‌کردند. یک برائت خیلی خوب اعلای درجه‌ی یکی تقریباً در عرفات راه انداختید، که مردم آمدند و استفاده کردند؛ و پیام خودتان را به دنیا رساندید. واقعاً اینها برای ما درس است! از پایه‌ها، از اصول، از آنکه شناختید که مال ماست نباید به هیچ قیمتی بگذرید. حالا یک وقت انسان می‌تواند، می‌کند؛ یک وقت نتوانست، نمی‌کند دیگر. آنکه اشکال ندارد. حکومت، اساسی‌ترین حکم اسلام است. اصلاً خدای متعال انبیا را نفرستاد مگر برای اینکه در جامعه اقامه‌ی حکم الهی بکنند. اقامه‌ی حکومت حق اولین تکلیف همه‌ی انبیاست. ائمه‌ی ما سالیان متمادی گذشت، حکومت را به راه نینداختند، چون نمی‌توانستند. اما نگفتند ما حکومت نداریم. همیشه هم می‌گفتند:
«حکومت داریم، باید هم بشود.» احکامش را هم می‌گفتند، حرفهایش را هم می‌زدند. با مبانی اسلامی و اصول اسلامی، باید این گونه برخورد کرد.

گاهی از بینات الهی غفلت می‌کنیم

نعمت الهی را هم باید شکر کرد؛ و بدانیم که اینها نصرت خداست. اشکال عمده‌ی ما این است که از بینات قرآنی گاهی غفلت می‌کنیم. مثلًا وقتی خدای متعال می‌فرماید که وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ با «ل» تأکید، با «ن» تأکید ثقیله، دیگر تردید نباید بکنیم که نصرت خدا هست. چرا بعضی در این شک می‌کنند که آیا نصرت خدا خواهد بود؟ بله، نصرت الهی خواهد بود. اگر جایی نصرت الهی نیست به این دلیل است که ما مقدماتش را فراهم نکرده‌ایم. اگر مقدمات را فراهم کنیم و پای کار باشیم، نصرت الهی هم خواهد بود. وقتی خدای متعال می‌فرماید که وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، که آن وقت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید که اگر تو نمی‌خواستی بدهی، نمی‌گفتی وَسْئَلُوا اللَّهَ؛ پس این یک برهان

منطقی است؛ برهان عقلانی است. بنابراین در حکم وعده است. پس سؤال مسلماً و بلاشک، اعطا دارد. حالا ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ را نمی‌گویم، چون به نظر بنده آن یک معنای دیگری دارد. لیکن سؤال از فضل الهی، پشت سرش اعطاست. ما موانع اعطا را باید برطرف کنیم تا خدای متعال اعطا کند. آن وقت هر چه می‌خواهیم از خدا بخواهیم.
ما به اینها توجه نمی‌کنیم. خدای متعال به ما وعده‌ی نصرت داده، ما هم می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم که برای او داریم این حرکات را می‌کنیم. پس باید مطمئن باشیم که مسلماً نصرت الهی هست و اینها نمونه‌هایی از نصرت الهی است. ان‌شاءاللّه بعد از این بیشتر هم خواهد بود. و امیدواریم که هر چه می‌گذرد وسایل جلب رحمت الهی را بیشتر فراهم بکنیم و بیشتر از آن استفاده کنیم.

توکل، در همه‌ی امور کارگشاست

توکل به خدای متعال در همه‌ی امور کارگشاست. در امور کلی و جزئی، اتکال علی‌اللّه و حرکت به امید خدا با البته اتکا، به معنای بی‌حرکتی نیست. فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ خدای متعال به پیغمبرش می‌گوید: «تصمیمت را بگیر و توکل به خدا کن.» نه اینکه تصمیم نگیر، بخواب و به خدا توکل کن که خدا خودش درست کند! معنایش این نیست. با عزم راسخ در کارهای بزرگ به خدا توکل کنید. و پیش بروید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ ان‌شاءاللّه پیش خواهید رفت. امیدواریم که این وضعی که فعلاً از لحاظ سیاسی وجود دارد روزبه‌روز بهتر بشود. در همان جهات و چهارچوب‌های مورد تأیید و قبول ما در ارتباطات خارجی که خوب بوده تا الآن و هیچ مشکلی مشاهده نمی‌کنیم و روش خوبی است، از این بهتر هم می‌تواند بشود. ان‌شاءاللّه که روزبه‌روز بهتر بشود و بتوانید حج بهتری و خدمات بیشتری را با قبول الهی به مردم ارائه بدهید.
وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: 232
بیانات در دیدار کارگزاران حج(28/ 11/ 1377 ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(28/ 11/ 1377 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می‌نشاند

جمع امروز مجلس ما بحمداللّه یک جمع معنوی و ارزشی به تمام معناست.
کارگزاران فریضه‌ی عظیم حج، قاریان قرآن، بسیجیان و زنان ومردان مؤمن و انقلابی و مخلص در حرکت در راه خدا، همگی خوش آمدید و امیدواریم مشمول تفضلات الهی باشید.
قبل از هر سخن دیگری لازم می‌دانم سپاسگزاری و تشکر خودم را از درگاه حضرت حق متعال و بندگان مؤمنش به خاطر حرکت عظیم ملت ایران در روز بیست و دوم بهمن امسال عرض کنم.
بعضی از حوادث، تأثیراتش در افکار دنیا و تصحیح اشتباهات دشمنان و دوستان بیش از آن چیزی است که انسان در وهله‌ی اول تصور می‌کند. این راهپیماییهای مردم عزیز ما در مناسبتهای مختلف انقلابی و از همه مهمتر در روز بیست و دوم بهمن، هرسال مثل باران رحمتی است که می‌بارد و غبارهای فتنه و شبهه را فرو می‌نشاند. مثل زلال رحمتی است که می‌جوشد و خس و خاشاکها را از سر راه برمی‌دارد، چشمها را با حقیقت آشنا می‌کند.
امسال مردم عزیز ما در تهران، در شهرها، حتی در بخشها و روستاها با حضور خودشان در بیست و دوم بهمن، با اعلاء کلمه‌ی انقلاب، با احیا و تجلیل ازنام امام

بزرگوار، با ابراز نفرت از دشمنان انقلاب و اعلام وفاداری به مبانی و اصول این انقلاب عظیم یک بار دیگر این فیض و این لطف را برای ملت ما و مسلمانان عالم و ناظران بین المللی به ارمغان آوردند، و دشمنان را که با تحلیل‌های واهی برای خودشان دلخوشی درست می‌کنند، یک بار دیگر با حقیقت درخشان نور انقلاب اسلامی و حیات و عزم ملت ایران آشنا کردند. دست رد به سینه‌ی آنها زدند و دوستان را خوشحال کردند. خدا را بر این توفیق، بر این لطف و بر این فیض سپاسگزاریم و ملت جلیل القدر و عظیم الشأن ایران را هم سپاسگزاریم به خاطر اینکه این‌گونه حیات و عزم و وفاداری خودشان را عملًا با جسم و جان و حضور خودشان- نه با حرف این و آن- به اثبات رساندند.

دشمن از دشمنی چشم نمی‌پوشد

یک جمله من عرض کنم. شما برادران و خواهران عزیز و همه‌ی ملت ایران توجه کنند. خطاست اگر گمان کنیم که دشمنان انقلاب با پیروزی انقلاب در اول کار، با پیروزی انقلاب در جنگ، با پیروزی انقلاب در صحنه‌های مختلف، از مقابله با تداوم انقلاب، چشم پوشیدند؛ خطاست اگر گمان کنیم دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد. حرکت شما، اقدام و حضور و هوشیاری شما، ضربه‌های دشمن را خنثی می‌کند، این حرکت و این حضور باید تا آن وقتی ادامه پیدا کند که دشمن به کلی مأیوس شود. در این بیست سال گذشته ملت ایران بارها دشمن را عقب رانده است، اما دشمن گوش خوابانده و منتظر فرصت است.

حضور جمهوری اسلامی در این منطقه، در دنیای اسلام و در زیر این آسمان، برای منافع دشمنان اسلام بسیار شکننده و خطرناک است. چشم دشمنان اسلام به این دوخته شده است که شاید بتوانند نقطه‌ی ضعفی پیدا کنند. همچنان‌که چشم دنیای اسلام به شما و جمهوری اسلامی دوخته شده است، ملتهای مسلمان و تداوم حرکت اسلامی و حیات اسلامی متوجه شماست. امیدها بسته‌ی به شماست. لذا دشمن توطئه می‌کند، شاید بتواند این مرکز امید را از مردم مسلمان عالم بگیرد.

سه نوع توطئه در جریان است

سه نوع توطئه در جریان است؛ توطئه‌ی سیاسی، توطئه‌ی اقتصادی، توطئه تبلیغاتی.
البته ملت ایران محکم ایستاده است. ملت و دولت در مقابل این توطئه‌ها ایستاده‌اند.
توطئه‌ی سیاسی با سیاسی کاریهایی است که انجام می‌دهند. با تحریکات و دسیسه‌چینی‌هایی است که می‌کنند، با تشویق و تحریک دشمنان داخلی و خارجی ما در موارد مختلف است، در مقاطع گوناگون این دشمنی سیاسی است. گاهی لبخند مکرآلود نشان می‌دهند، گاهی چهره‌ی غضبناک نشان می‌دهند، گاهی کسانی را که در داخل و خارج وادار به مبارزه‌ی با اسلام و نظام اسلامی می‌کنند ...
توطئه‌ی اقتصادی کمک به فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است. البته امروز مشکلات اقتصادی مخصوص ایران نیست؛ مخصوص کشورهای این منطقه هم نیست، امروز وضع اقتصادی در دنیا دچار یک مشکلات و بحرانهایی است، در بعضی از کشورها به شکل بحران هم هست. و لکن دشمن بر روی مناطق خاصی از دنیا متمرکز می‌شود و بر روی آن کار می‌کند. ملت ایران هدف توطئه‌های اقتصادی دشمنان اسلام است و در رأس آنها شیطان بزرگ امریکا قرار دارد. اگر، دولت جمهوری اسلامی برای گشایش اقتصادی مردم فعالیت و تلاشی را شروع کند، تا هرجا بتوانند با آن مخالفت و مقابله می‌کنند. این توطئه برای فشار آوردن بر اقتصاد کشور، بر ملت ایران، بر پول کشور است.
توطئه‌ی تبلیغاتی عبارت است از اینکه تبلیغات خودشان را در آن جهتی سازماندهی می‌کنند که بینات و اصول انقلاب را در ذهنهای مردم سست کنند و مورد تردید و شک و شبهه قرار بدهند. رادیوهای گوناگون، مطبوعات گوناگون، بازتابهای حرفهای آنها به وسیله‌ی ایادی آنها در داخل، همه در این جهت کار می‌کنند بلکه اعتقادات مردم را سست کنند.
این توطئه‌ها را دشمن دارد انجام می‌دهد. ملت ایران در مقابل توطئه‌های دشمنان همیشه ایستاده است؛ همیشه قاطعیت نشان داده است. به فضل پروردگار تا

امروز هم در مقابل همه‌ی توطئه‌های اساسی دشمنان آن کسی که پیروز شده است ملت ایران بوده است؛ آنچه پیروز شده است انقلاب بوده است؛ آنچه پیشرفت کرده است رسالت انقلاب بوده است؛ دشمن طرفی نبسته است، اما دشمن دارد ادامه می‌دهد.

پشتوانه‌ی پیروزی ملت ایران

ملت ایران به چه پشتوانه‌ای توانست پیروز شود؟ به پشتوانه‌ی ایمان، هوشیاری، آگاهی، وحدت کلمه و پایبندی خود به راهی که امام بزرگوار به او نشان داده بود. تا امروز هم ملت ایران همچنان‌که در بیست و دوم بهمن ملاحظه کردید این راه را با استواری و قاطعیت و استقامت تمام دارد طی می‌کند. دشمن، دشمنی می‌کند؛ ملت ایران ایستادگی و قاطعیت نشان می‌دهد. در همه‌ی مراحل ملت ایران با صبر و بردباری، با پایداری و هوشیاری و با وحدت کلمه توانسته است به پشتوانه‌ی عظیم ایمان خود بایستد، موانع را از سر راه بردارد، پیش برود و دشمن را ناکام کند. شما توانستید دشمن را به فضل پروردگار ناکام کنید، خدا را شکرگزار باشید. هوشیاری ملت ایران باید ادامه پیدا کند. این چیزهایی که در حقیقت در داخل جامعه‌ی ما حبل اللّه است- یعنی قرآن، تمسک به ذکر الهی، تمسک به وحدت کلمه و پافشاری بر مواضع اسلامی و قرآنی- باید ادامه پیدا کند و ادامه هم پیدا می‌کند. مطمئناً ملت ایران این راه را با قاطعیت پیش خواهد برد. این معجزه‌ی عظیمی که به برکت اسلام و قرآن در این برهه‌ی از عالم به وجود آمد، پدیده‌ی کوچکی نیست. خیلی عمق دارد و بسیار ریشه داراست، اراده‌ی الهی هم بر این قرار گرفته است که در قرنی که همه‌ی عوامل بر علیه اسلام کار کرده‌اند، این حجت بالغه‌ی حق- یعنی حاکمیت اسلام- را حفظ کند، مردم دنیا را به رسالت اسلام معتقد و مذعن کند و نشان دهد که کید دشمن با همه‌ی کارهایی که می‌کند، با همه‌ی امکاناتی که در دسترس دارد، با ثروت و قدرت و اسلحه‌ی خود، با سیاست و دستگاههای جاسوسی خود در مقابل حرکت اسلام، کید شیطان است و ضعیف است: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفاً. این اراده‌ی الهی است و باید در این جهت حرکت کرد.

ص: 236

دل ملت با اسلام است

من به شما برادران و خواهران عزیز، به همه‌ی ملت ایران عرض می‌کنم این راهی که پیش می‌روید یعنی راه تمسک به اسلام و قرآن، همان راهی است که ایران را و کشور شما را از تمام مشکلات به فضل پروردگار نجات خواهد داد. این همان راهی است که عزت و آزادی و استقلال کامل و عظمت ملت ایران را در سایه‌ی اسلام آشکار خواهد کرد. دشمنان که می‌خواهند با وسوسه‌ی در عقاید مردم، با ایجاد تشکیک در اصول انقلاب، با ایجاد دودستگی در بین مردم کارهایی بکنند، نخواهند توانست. یک عده تلاش خود را می‌کنند، زحمت خود را می‌کشند ولی آبروی خودشان را می‌برند.
آن کسانی که به نفع جناح دشمن، به نفع مرکزیت استکبار و امریکا، به نفع جبهه‌ی ضد دین در دنیا و به نفع مستکبرانی که علیه اسلام و برای انتقام از اسلام و مسلمین تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، اینها طرفی نخواهند بست. دل ملت با اسلام است، جان این ملت متوجه پیام اسلام و ندای اسلام است، متوجه امام بزرگوار است و همه باید تلاش کنند این نعمت بزرگ الهی را در دل و جان خودشان حفظ کنند و هر کسی که مسؤولیتی دارد باید در این جهت تلاش کند.

حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ

من همین جا به شما کارگزاران عزیز حج عرض بکنم حج را مغتنم بشمارید؛ حج خیلی فرصت گرانبها و بزرگی است. حج فرصت خودسازی و بازسازی اخلاقی و معنوی است، فرصت دیدن شوکت اسلام است، عظمت اسلام را ببینید؛ عظمت امت اسلامی را در حج مشاهده کنید. هرچیزی که حاجی را از این عبرت و درس بزرگ باز دارد، مضر و مخل است، و شما کارگزاران حج باید به این نکته توجه کنید و حاجی را به آنچه که باید ببیند، درک کند و به آن بصیرت پیدا کند، هدایت کنید؛ او را کمک کنید. سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی‌ارزش و سرگرمیهای معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج می‌کند، عمر خود را مصرف می‌کند، از جسم و جان خود مایه می‌گذارد، آن وقت دست خالی برگردد؟! دست خالی برگشتن از حج یعنی توفیق نیافتن

به بازسازی اخلاقی، به عبرت‌گیری، به بهره‌مندی معنوی، این دست خالی برگشتن است؛ حیف نیست؟ مگر عمر انسان چقدر است؟ مگر این توفیق چند بار برای انسان دست می‌دهد؟ روحانیون محترم حج در کاروانها در هر جایی که مراجعینی دارند، مردم را به این معنویت سوق بدهند.

پیام معنوی حج

این توصیه به صرفه‌جویی هم که ما همیشه بر آن تأکید می‌کنیم، بحمداللّه گویا مسؤولین محترم حج به آن توجه جدی مبذول کرده‌اند، این به جنبه‌ی معنوی حج کمک می‌کند. حج برای عبادت است، برای معنویت و بصیرت است، برای پیام معنوی و سیاسی اسلام است. بزرگترین پیام سیاسی اسلام وحدت است، وحدت مسلمین، ایستادگی امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام، برائت از کفار و مشرکین، برائت از رأس شرک و کفر و استکبار یعنی امریکا؛ برائت از غده‌ی سرطانی صهیونیسم و اعلام نفرت و انزجار و بیزاری از او و از هر کسی که به وجود او و حضور او و توسعه او کمک می‌کند.

اینهاست پیام حج؛ اینهاست معنویت این واجب بزرگ. دلها را، جانها را، ذهنها را به این جهت سوق بدهید؛ چه مسؤولین در مسؤولیتهای مختلف، چه رؤسای کاروانها، چه علمای اعلام و محترمین و روحانیان عزیزی که با کاروانها هستند و چه هر کسی که مسؤولیتی دارد.

حرکت قرآنی در جامعه‌ی ما رواج دارد

بحمداللَّه حرکت قرآنی هم در جامعه‌ی ما به رغم دشمن رواج دارد. دشمن مایل به رواج فحشا و بی‌بندوباری و رواج مظاهر فرهنگ مبتذل غربی است، بخشهایی از فرهنگ غربی که در آن سودی متصور است، آنها را ترویج نمی‌کنند، اما مبتذلات را به اسم هنر، به اسم چیزهایی از این قبیل، رواج می‌دهند. دشمن این چیزها را دوست دارد.
دشمن رواج قرآن را دوست ندارد. هرجا رواج قرآن هست، رغم عنف دشمن است.
هرجا انس با قرآن هست این توسل به حبل المتین الهی است، قرآن این است. جامعه‌ی ما

بحمداللّه با توسل و تمسک به ثقلین، یعنی قرآن و عترت توانسته است از مشکلات فراوانی عبور کند. تمسک به ثقلین زمینه‌ی رحمت الهی است. خدای متعال رحمت می‌کند بر چنین ملتی و آثار رحمت الهی را می‌بینید. اینها آثار رحمت الهی است، قیام دولت اسلامی از آثار رحمت الهی است، تفضلات الهی از آثار رحمت الهی است.
عزت ملت ایران از آثار رحمت الهی است، شادابی حرکت اسلامی در بین جوانهای ما از آثار رحمت الهی است. امروز در دنیا جوانها تا گلو غرق در فسادند، غرق در بیکارگی و هرزگی و بی‌بند و باری‌اند. جوان مسلمان با معنویات انس پیدا می‌کند. اهل نماز و قرآن است، اهل اعتکاف و عبادت است، اهل حج و عمره است، جوانها به سفر عمره رفته بودند، کسانی که شاهد بودند می‌گفتند ما به حالت این جوانها غبطه می‌خوریم.
اینها آثار رحمت الهی است، خود اینها موجبات رحمت الهی است. اینها را قدر بدانید.

به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید

به هیاهو و جنجال و قیل و قال و عربده‌های دشمن اعتنایی نکنید. شأن دشمن همین است که یا حمله کند، ضربه بزند؛ یا اگر دید ضربه‌ی او کارگر نیست، عربده‌کشی و هیاهو و جنجال کند، مؤمنین را مرعوب و افسرده کند، این کار دشمن است. به اینها اعتنایی نکنید، بحمداللّه حرکت ملت ایران به سمت صلاح است، متن ملت در خط اسلام و امام در حال حرکت است و به فضل الهی با توجهات حضرت بقیةاللّه الاعظم این حرکت ادامه خواهد یافت و خواهید دید که ان‌شاءاللّه دشمن بار دیگر و بارهای دیگر در مقابله‌ی با ملت ایران ناکام و بینی‌اش به خاک مالیده خواهد شد و ملت ایران به برکت اسلام و قرآن ان‌شاءاللّه روزبه‌روز مدارج پیشرفت و ترقی را طی خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال تفضلاتش را بر شما مستدام بدارد، ما را در راه خود و در مسیری که مورد رضای اوست هدایت کند و حرکت ما را مشمول لطف و رحمت و رضا و قبول خودش قرار بدهد.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام(28/ 12/ 1377 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام

اشاره

(28/ 12/ 1377 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللَّه ربّ‌العالمين والصّلاة والسّلام على رسوله الأمين‌الكريم، و على آله الميامين و صحبه المنتجبين.

روزهای خاطره‌سازِ حج فرا رسیده است

بار دیگر روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده و منادی پروردگار، دلهای پُرشوق و التهابِ مؤمنان را بدان کعبه‌ی امید فرا خوانده، و از هر سوی جهان گروهی سعادتمند را در پایگاه دعوت ابراهیمی و خاستگاه دین محمدی صلی الله علیه و آله گرد آورده است.
اکنون فرصت مغتنمی است که این نمونه‌ی منتخب امت بزرگ اسلام، خود را و امت واحده و آئین صلاح و فلاح آن را با نگاهی ژرف بنگرد و حقیقتی را که در حصارهای قومیت و نژاد و زبان، کمتر می‌توان بدان پرداخت، در گستره‌ی این میعادگاه جهانی به چشم آورد.

عظمت سرمایه‌ی امت اسلامی و خطر در کمین آن

در میان واقعیتهای بزرگی که در این تدبر و خودنگری جلوه می‌کند دو چیز از همه برجسته‌تر است؛ نخست: غنا و عظمت سرمایه‌یی که امت اسلامی از آن برخوردار است. و دیگر: سهمگین بودن خطری که درکمین‌این سرمایه‌ی بزرگ است.
سرمایه‌ی بزرگ امت اسلامی، آئین اسلام و معارف رسا و روشن و مقررات متین و

دستور جامع آن برای زندگی انسان است. اسلام با ارائه‌ی بینشی خردمندانه و عمیق درباره‌ی جهان و انسان و با توحید ناب و دستورالعمل اخلاقی و معنویِ حکمت‌آمیز و ارائه‌ی مقررات و نظامات سیاسی و اجتماعی مستحکم و فراگیر و اعمال و وظائف عبادی وفردی، همه‌ی آحاد بشر را دعوت می‌کند تا: هم درون خودرا از زشتیها و ضعفها وپستیها و آلودگیها برهانند و در باطن خود فروغ ایمان، و خلوص، ووارستگی، وصمیمیت، و محبت، و امید، و نشاط را بیفروزند، و هم دنیای خود را از فقر و جهل و ظلم و تبعیض و عقب‌ماندگی و ایستایی و زورگویی و تحمیل و تحقیر و تحمیق رها سازند.

هم تزکیه‌ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است

برای فراهم شدن زندگی سعادتمندانه و مطلوب انسان، هم تزکیه‌ی اخلاقیِ فرد که گوهر او را از زشتی‌ها و آلودگیها برهاند، و هم حرکت و تلاش جمعی که میدانهای زندگی را بروی او بگشاید و او را در چالشِ ناگزیرش با طبیعت و با نگهبانان رژیم‌های ستم و استکبار یاری دهد، ضروری و حتمی است.
اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادتمندانه یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه‌ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه‌ی خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه‌ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم تنیده‌ی این نسخه‌ی زندگی بخش و سعادت‌آفرین است.
همین مراسم جاودانه‌یی که حجگزاران در آستانه‌ی آنند، خود مجموعه‌ی گویا و پرنکته‌یی است از ذکر و شور و حال معنوی و درونی، در ضمنِ حرکت و تلاش و هماهنگی سازنده‌ی جمعی.
حج، در آئینی پُر راز و رمز، و در آمیزه‌ی شگفت‌آوری از شُکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، و حرکت وَ تلاش درونی و بُرونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسانِ مسلمان، در راه تحقق حیات طیبه‌ی انسانی را در برابر چشم آدمی می‌گذارد و حجگزار را به تمرین عملیِ وظائف بزرگ خود وادار می‌سازد.

ص: 241

جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند

امروزه جوامع گوناگون بشری، در خلاء معنویت و در سرگردانی و حیرت و گرفتاریهای بزرگ اجتماعی و فردی که بدست زر و زورسالاران جهانی بدان دچار شده‌اند، به اسلام و رهنمودها و درسهای بزرگ آن نیازمندند، و دعوت اسلامی نه فقط برای ملتهایی که در آتش فقر و استضعاف می‌سوزند، بلکه به همان اندازه برای مردمی که در مردابهای پوچی و سرگردانی و فقر معنوی در کشورهای ثروتمند و پیشرفته دست و پا می‌زنند، جذاب و نافذ و امیدبخش است. گرایش روزافزون به اسلام در میان قشرهای جوان و آزرده از پوچیِ دنیای مادی در کشورهای پیشرفته‌ی غربی، که آمارها و تحقیقها بدان گواهی می‌دهد، نشانه‌ی این جذابیت و نفوذ است.
مسلمانان جهان با درست شناختن و براستی قدر دانستن این سرمایه‌ی بزرگ، قادر خواهند بود که تحولی حقیقی در زندگی خود پدید آورند و کشورهای اسلامی را از ضعف و وابستگی و عقب ماندگی و انحطاطی که امروزه بدان دچارند، نجات بخشند.

اگر روزی بر اثر کج‌فهمیها و غرض‌ورزیها چنین وانمود می‌شد که اسلام فقط در محدوده‌ی مسجد و محراب یا در زندگی فردی و درونیِ انسان به کار می‌آید و در عرصه‌ی سیاست واقتصاد ومبارزات اجتماعی و میدانهای بین‌المللی، ساکت و بی‌تفاوت است، و اگر روزی نظریه‌ی جدایی دین از سیاست، همچون دستمایه‌ی قدرتهای استعماری و سلطه‌های ظالمانه و حکومتهای استبدادی برای خاموش‌کردن انگیزه‌های اصلاح طلبانه‌ی مسلمانان و نابود ساختن زمینه‌ی قیامهای اسلامی، به کار می‌رفت، امروزه با سربرافراشتن جمهوری اسلامی در ایران و فائق آمدن آن بر همه‌ی توطئه‌ها و دشمنی‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی، و یکتنه ایستادن آن در برابر جبهه‌ی وسیع کفر و استکبار و استبداد، و ناکام ساختن امریکا و صهیونیزم و همدستان آنان که با همه‌ی توان

به نابودی یا انحراف آن کمر بسته بودند، و رشد و اقتدار روزافزون بیست ساله‌ی آن، همه‌ی آن کج فهمیها و غرض‌ورزیها خنثی گشته و نظریه‌ی سیاسی و اجتماعی اسلام، حقانیّت و درستی خود را در میدان عمل به اثبات رسانده است.

جمهوری اسلامی توانایی‌های خود را به اثبات رسانده است

جمهوری اسلامی با پیمودن مسیری دشوار که یکسره پوشیده از مانعها و دامهایی بود که سردمداران نظام سلطه‌ی جهانی و زر و زورمداران بین‌المللی بر سر راه او نهاده بودند و با پیروز شدن در نبرد نظامی هشت ساله و نبردهای سیاسی و امنیّتی و اقتصادی و تبلیغی بیست ساله، توانسته است قدرت خود را در اداره‌ی کشور، و بسیج توده‌های میلیونی، و پیش‌بینی و مقابله با حوادث بزرگ، و حضور موفّق در چالش‌های بین‌المللی به اثبات برساند و توانایی و ابتکار خود را در سازندگی و پیشرفت و ترمیم ویرانیها، آنهم با وجود صف آرائیهای ظالمانه‌ی جهانی در برابر خود و نداشتن هیچگونه کمک سیاسی و اقتصادی از بیرون، در معرض دید همگان بگذارد. و علاوه بر اینها نهضت بیداری مسلمانان و اقدامهای بزرگ ملل اسلامی را که نشانه‌ی زنده شدن هویت اسلامی در آنان است تقویت و تسریع کند. امروز به برکت پیروزی اسلام در ایران، در همه جای جهان اسلام موج بیداری اسلامی رو به افزایش و اقتدار است.

اینک این اسلام است که سرافرازتر از همیشه در صحنه‌ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می‌سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج کشیده‌ی این عصر بر می‌افروزد. و این است بزرگترین سرمایه‌ی امت اسلامی.

ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه‌ی بی زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرها یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون.

خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجّر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه‌ی فکری، و یا

مجموعه‌یی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران برهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه‌های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.
ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوّه بزرگ و جدّی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی‌خوانیم، همانا کوشش همه جانبه‌ی دشمنان ما با استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

حقیقت آن‌است که امپراتوری بین‌المللی زر و زور، به سردمداری امریکا، با همه‌ی توان خود در برابر تأثیر جمهوری اسلامی بر جهان اسلام، به جدّ و جهد مشغول است.
رژیم امریکا و شبکه بین‌الملل صهیونیزم با مأیوس شدن از مقابله‌ی نظامی و اقتصادی با ایران اسلامی، اینک بر تلاش تبلیغی و سیاسی خود افزوده‌اند. هدف از این تلاش، تأثیرگذاری بر فکر و روحیه‌ی مسلمانان علاقه‌مند به جمهوری اسلامی در سراسر جهان و نیز بر ذهن و فکر مردم مؤمن ایران است.
آنان در این صددند که جمهوری اسلامی را که امروزه در جهان، مظهر جامعیت اسلام شمرده می‌شود، در موضع دفاعی قرار داده، ابتکار عمل را در میدان معارضه با دشمنانش از دست او خارج کنند، و برای این مقصود در چهره‌یی منافقانه و ریاکار، شعارهای مردم پسند مانند: حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر می‌دهند و جمهوری اسلامی را به بی‌اعتنایی به این شعارها، متهم می‌سازند.

چهره‌ی دوگانه رژیم امریکا

رژیم امریکا در حالی از حقوق بشر دم می‌زند که زشت‌ترین تصویر از نقض حقوق بشر را در رفتار مستکبرانه‌اش با ملتهای ضعیف جهان از خود بر جای می‌گذارد؛ در حالی ادعای مبارزه با تروریسم می‌کند که خطرناکترین تروریستها را در حمایت خود قرار می‌دهد؛ در حالی از دموکراسی سخن می‌گوید که از مستبدترینِ حکومتها در برخی مناطق جهان پشتیبانی می‌کند؛ در حالی بنام آزادی شعار می‌دهد که کمترین سخن آزادانه را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه‌های خطرناک و ستمهای روزافزون یهودیان صهیونیست- نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند- تحمل نمی‌کند؛ در حالی بنام حقوق زن بر ضدّ جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدّی و سوءاستفاده و اهانت است؛ در حالی خود را پرچمدار مشارکت مردمی در حکومت می‌شمارد که هر جا مردم مسلمان حکومتی تشکیل دهند، با همه‌ی عدّه و عُدّه در مقابل آنان به‌میدان می‌آید و از کودتاهای نظامی و توطئه‌های سیاسی بر ضد آنان با همه‌ی وجود پشتیبانی می‌کند.

در قضاوت سیاسیِ امریکا، آوارگان فلسطینی و لبنانی که با اشغالگرانِ خانه‌ی خود مبارزه‌یِ مظلومانه می‌کنند، تروریست‌اند؛ ولی تروریستهای صهیونی که مستمراً به روستاها و شهرهای لبنان حمله‌ی نظامی می‌کنند و زندانیان فلسطینی را با شیوه‌های قرون وسطایی شکنجه و آزار می‌دهند و خانه‌های فلسطینیان را خراب و بجای آن آبادیهای صهیونیستی احداث می‌کنند، شایسته‌ی کمکهای میلیاردی‌اند! نظامی همچون جمهوری اسلامی که مظهر قویترین پیوند میان مردم و مسؤولان است و قانون اساسی و همه‌ی ارکان اصلی حاکمیت در آن و اصل نظامِ آن با رأی و اراده و انتخاب مردم تعیین و برگزیده شده‌اند، غیر دموکراسی است؛ ولی مستبدترین حکومتهای فردی که در طی سالهای متمادی حتی یکبار مردمشان قدرت انتخاب حکومت و حاکم و قانون را نیافته‌اند، مقبول و خالی از ایراد است! برای جمهوری اسلامی که هرگز به هیچ کشوری

حمله‌ی نظامی نکرده، داشتن سلاح غیر اتمی هم ناروا است و غصب و توقیف قطعات یدکی و هواپیما و بالگردانهای قبلًا خریداری شده‌ی آن مجاز است؛ ولی پر کردن منطقه‌ی خلیج فارس از انواع سلاحها و جنگنده‌های غیر لازم و تجهیز روز افزون رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی بی‌اشکال، بلکه لازم است! در منطق تبلیغاتی امریکا و شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیستی، اعدام قاچاقچیان هروئین در ایران، نقض حقوق بشر است؛ ولی ربودن مردم لبنان و بمباران روستاها و تیرباران بی‌پناهانی که از روستای خود گریخته‌اند، حتی خدشه‌یی هم در حقوق بشر نیست! کمک به مسلمانان مظلوم در منطقه‌ی بالکان برخلاف مقررات بین‌المللی است؛ ولی راه‌اندازی کودتای نظامی در کشورها بوسیله‌ی سازمان سیا و موساد، با مقررات بین‌المللی مخالف نیست! کمک به دولت عراق در هنگامی که به مردم حلبچه و جبهه‌های ایران حمله‌ی شیمیایی می‌کند، جرم نیست؛ ولی کمک غذایی به ملت عراق که بر اثر محاصره امریکا سالانه پانصدهزار کودک آن تلف می‌شوند، جرم است!
رژیم امریکا با سیاهه‌ی جرائمی که فقط گوشه‌یی از آن گفته شد، مدّعی رهبری جهان و طرفدار جهان تک قطبی به ریاست سران و سیاستمداران کم وزن و گرفتار خویش است و به‌گمان باطل خود قادر خواهد بود ملت با شرف ایران و سیاستمداران پاکدامن و نظام ریشه‌دار و مردمیِ آن را در موضع دفاعی قرار دهد.

جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می‌رود

برادران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ترسیم کرده، به پیش می‌رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسؤولان کشور و وحدت کلمه‌ی مردم مؤمن و رشیدش در ادامه‌ی خط امام خمینی عظیم راحل همه‌ی توطئه‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزبه‌روز به هدفهای بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد، و همانطور که در این بیست سال بارها با نصرت الهی، دشمن را ناکام ساخته باز هم با ایمان و عمل صالح خود، نصرت و رحمت الهی را شامل حال

خویش خواهد ساخت ان‌شاءاللَّه.
در خاتمه از همه‌ی برادران و خواهرانی که از هر نقطه‌ی جهان در آن قبله‌ی دلها گرد آمده‌اند تقاضا می‌کنم که دست تضرع برداشته صلاح کار همه‌ی مسلمانان جهان و نصرت اسلام و مسلمین را از خداوند مسألت نمایند.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
بیست‌وهشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت
مصادف با اول ذی‌الحجه 1419

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(26/ 11/ 1378 ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(26/ 11/ 1378 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت

به همه‌ی برادران محترم و خواهران گرامی خوش‌آمد عرض می‌کنم و از همه‌ی شما دست‌اندرکاران فریضه‌ی عظیم حج تشکر می‌کنم. امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که امسال هم مثل سالهای پیش- بلکه بهتر از سالهای پیش- این واجب بزرگ، در موسم خود، و با شرایط و حدود خود، ان‌شاءاللّه اقامه بشود و مردم ما بتوانند معنا و مفهوم الهی و اجتماعی و سیاسی حج را در وجود خودشان حس کنند و آن‌را در فضای دنیای اسلام مجسم نمایند.

حج از یک طرف مظهر معنویت است؛ ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا؛ از یک طرف مظهر وحدت است؛ یکپارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجابها و پُر کردن دره‌ها و شکافهایی که یا به‌دست دشمن، یا به‌وسیله‌ی تعصبات و اوهام به‌وجود آمده است، و نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحده‌ی اسلامی است؛ و از طرف دیگر مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است. اگر ان‌شاءاللّه این سه جهت در حج متجسد و مجسم بشود، حج فایده‌ی خود را بخشیده است. اول، شما و حاجی هستید که از حج بهره می‌برید؛ در مرتبه‌ی دوم، دنیای اسلام و جامعه‌ی اسلامی و امت اسلامی است که این بهره را می‌برد.

یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می‌کند. الآن فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنوی‌تر شدن است. وقتی حجاج برمی‌گردند، باز باری از معنویت با خود می‌آورند؛ یعنی سوغات روحیه و معنویت. هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می‌شود؛ باید این‌طور باشد.

فضای کشور؛ مشحون از معنویت

من امروز به مناسبت این‌که کشور و ملت ما بحمداللّه بعد از بیست و دوم بهمن و آن آزمایش بزرگ الهی، و قبل از انتخابات قرار دارند، لازم است این را عرض بکنم که فضای معنوی برای همه چیز یک کشور مفید است؛ فقط مسأله‌ی گرایش به آخرت و معنویات نیست. فضای معنوی، حتّی برای اداره‌ی دنیای یک کشور هم مفید است و این به برکت انقلاب در کشور ما به‌وجود آمد و امروز فضای کشور ما تا حدود زیادی مشحون از معنویت است. لذا شما می‌بینید وقتی که جای حضور مردم می‌رسد، توده‌های مردم چه‌طور با روحیه و با شادابی، قدم در میدان می‌گذارند. چه چیزی انگیزه‌ی مردم است؛ جز همان عامل معنوی؟ من همین جا لازم می‌دانم از ملت عزیزمان به‌خاطر شکوهی که در بیست و دوم بهمن امسال آفریدند، تشکر کنم؛ اینها خیلی مهم است.

در همان حالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشمن با تمام قوا سعی می‌کنند مردم را با گذشته‌ی خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشی بسپارند و سعی کنند به خیال خودشان ارزشهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بیندازند، وقتی بیست و دوم بهمن می‌رسد، شما می‌بینید که در تهران و شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و حتّی در نقاط دوردست و بسیاری از روستاها، مردم بیرون می‌آیند؛ نه کسی از آنها دعوتی می‌کند، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می‌آیند؛ این همان عامل معنوی است.

دشمنان ما دچار تناقض‌اند

من عرض بکنم که طراحان و کمین گرفتگانی که منتظرند از ملت ایران نشانه‌یی

بروز کند که آنها امیدوار بشوند که مردم با انقلاب میانه‌یی ندارند و از انقلاب جدا شده‌اند- که واقعاً کمین هم گرفته‌اند- اینها دچار تناقضند! از یک طرف بعضی از اظهارات و بعضی از تیترهای روزنامه‌ها را نگاه می‌کنند، که نشانه‌ی این است که همه‌ی معنویات در این کشور از بین رفته است؛ دیگر از انقلاب و از امام خبری نیست و همه چیز به‌دست فراموشی سپرده است؛ اینها خوشحال می‌شوند و خیال می‌کنند که همین طور است؛ اما بعد نوبت حضور مردم که می‌رسد- مثل روز بیست و دوم بهمن- ناگهان با سیل عظیم مردمی، با شعار اسلام، با شعار انقلاب، با یاد امام، با بزرگداشت خاطره‌های پُرشکوه گذشته مواجه می‌شوند! اینها دچار تناقضند و نمی‌دانند که چه بکنند؛ لذا در طراحیهایشان دائماً در حال رفت و برگشت و ترددند!
ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می‌زنند که ممکن است بعضیها را مرعوب بکند؛ اما حقیقت قضیه غیر از این است؛ ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دلهای مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند.
انتخابات هم همین‌طور است من لازم می‌دانم به این مناسبت، راجع به انتخابات، دو، سه جمله‌یی عرض کنم.

انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی

انتخابات، فقط یک پدیده‌ی سیاسی نیست؛ انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق، مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا- چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر دنیا- روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیل‌گران و سیاستگذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوقها بیایند و رأی بدهند؛ این نشانه‌ی استحکام یک نظام است؛ که بحمداللّه ما این را در انتخاباتهای گوناگونی که در این سالهای متوالی

داشته‌ایم، همیشه نشان داده‌ایم و مردم حضور قوی‌یی داشته‌اند.
هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به‌دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه‌ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند؛ این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این‌طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظامهای گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند؛ نظام جمهوری اسلامی این را داده است؛ باید مردم بروند و استنقاذ کنند.

گاهی یک رأی هم مؤثر است

گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچکس نگوید رأی منِ تنها چه تأثیری دارد. گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می‌گذارد. شما می‌توانید با رأی دادن خودتان، آن شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه‌ی حساس- آن‌جایی که رأی یک نماینده می‌تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند- رأی او کارساز خواهد بود؛ لذا هیچ وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، ان‌شاءاللّه همه‌ی مردم- زن و مرد، پیر و جوان، و هرکس که از لحاظ قانونی می‌تواند رأی بدهد- بروند و رأی بدهند و انتخابات را پُرشور و پُررونق بکنند.
هرکس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه‌ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش‌بینی من این است که آن‌چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون دیده‌ایم، ان‌شاءاللّه در این انتخابات هم مردم پُرشور و با علاقه شرکت می‌کنند و حضور

خودشان را اعلام خواهند کرد و در واقع طرفداری خودشان را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهند داد.

برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی

نکته‌ی دوم این است که انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام بگیرد؛ دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلایق مختلفی هستند و مردم هم نگاه می‌کنند و ان‌شاءاللّه با شناسایی و با تدبر انتخاب می‌کنند و رأی خواهند داد؛ این کار باید در فضای آرام انجام بگیرد؛ این افتخار ماست. ما چند روز قبل از این، بیست و یکمین سالگرد انقلاب را جشن گرفتیم و چند روز بعد نیز بیست و یکمین انتخابات را در کشورمان برگزار خواهیم کرد؛ این چیز کمی نیست؛ چیز خیلی مهمی است؛ حالا بنشینند دیگران برای ملت ما غصه بخورند که این کشور باید طرف دموکراسی برود! دموکراسی چیست؟ اگر منظور از دموکراسی، همین حضور و دخالت و شرکت و انتخاب مردم است، بفرمایید کجای دنیا چنین چیزی را سراغ دارید؟! آن کسانی که با پول و قدرت سیاسی امریکاییها سالها بر این مملکت حکومت کردند و همه چیز این مملکت را ضایع کردند، آیا یک بار توفیق پیدا کردند که چنین انتخاباتی را در سرتاسر این کشور به‌وجود بیاورند؟! بیست و یک انتخابات، در بیست و یک سال؛ این شوخی است؟! در تمام این آزمایشهای بیست‌ویک‌گانه، فضای این کشور تا امروز این‌طور بوده است؛ فضای آرام، فضای صمیمی.

تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است

البته بعضیها تبلیغ می‌کنند و حرف می‌زنند. فضای خشونت سیاسی و تشنج سیاسی و نفرت، به حال انتخابات مضر است؛ یک عده را از عرصه‌ی حضور در انتخابات بیزار می‌کند؛ یک عده را دچار تردید می‌کند؛ دلها را مرده می‌کند و امیدها را کم می‌کند. من می‌بینم متأسفانه بعضیها با اظهارات خود در برخی از این نوشتجاتی که منتشر می‌شود،

سعی می‌کنند فضای نفرت را بر جامعه حاکم کنند؛ این یکی به جناح چپ بد می‌گوید، آن یکی به جناح راست بد می‌گوید؛ اینها کجا می‌روند؟! کجا دارید می‌روید و چه می‌خواهید؟! چیست این تعبیراتی که ساخته‌اند و غالباً هم اینها را دشمن در دهانشان گذاشته و پرتاب کرده و یک عده آدم غافل- حالا نمی‌گوییم مغرض؛ اما بعضیشان هم قطعاً مغرضند- همینها را گرفته‌اند و مرتب لب می‌جنبانند و این حرفها را تکرار می‌کنند؟! چپ و راست چیست؟! این ملت، ملت مسلمان و مؤمن و یکپارچه‌یی است. این ملت، با هم این انقلاب را به‌وجود آوردند؛ با هم بیست و یک سال این نظام را حفظ کردند؛ با هم یک خطر بزرگ را در طول هشت سال جنگی که بر ما تحمیل شده بود، دفع کردند؛ بنابراین ملت باهمند؛ این دیوارکشیها چیست؟! یک عده با یک نامی در گوشه‌یی، یک عده با یک نامی در گوشه‌ی دیگری، همین‌طور مردم را تکه تکه می‌کنند. البته مردم هم نشان داده‌اند که به این حرفها اعتنایی ندارند؛ این هم معلوم است. مردم راه خودشان را می‌روند، کار خودشان را می‌کنند؛ حالا هم آنها بروند و کار خودشان را بکنند.
باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضیها با اصرار بر این که قرار است خشونت و تشنج بشود، ذهنها را دچار تشنج می‌کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می‌کنم، این دو، سه روزی که از حالا تا پایان رأی‌گیری باقی مانده است- که شاید بعد به مرحله‌ی دوم هم کشیده شود- در تمام این مدت، مردم عزیز ما و بخصوص جوانان، احساساتشان را کنترل کنند و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشمِ باز نگاه کنند و انتخاب کنند.

باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم

البته سلایق هم زیاد است؛ همه گونه سلیقه وجود دارد؛ تا حالا هم همین‌طور بوده است. هرکسی طبق سلیقه‌ی خود عمل کند؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می‌کنیم، یک جا می‌بایست جواب آن را بدهیم. این‌طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلاً انتخاب نمی‌کنیم، یا انتخاب می‌کنیم و کسی چه می‌فهمد! بله، مردم نمی‌فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خدای متعال که تشخیص می‌دهد؛ ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به

خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی‌تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می‌تواند در مسائل مهم- در مسائلی که باید به خدا جواب داد- به آنها اعتماد کند، اعتماد بکند؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار بدهند و همه مراقب باشند.

بگذارید مردم کار خود را بکنند

من به این کسانی که همین‌طور یک گوشه نشسته‌اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می‌کنند، نصیحت می‌کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه‌ی انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه‌ی انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمداللّه در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست.

خصوصیت یک نماینده‌ی خوب در مجلس

نکته‌ی بعدی هم این است که مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگوییها و زیاده خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام قدس سره بارها اسم مدرّس را می‌آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالمتر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده‌اش این بود که هیچ عامل ارعاب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی‌کرد. همان وقتی که علی‌الظاهر فضا را بر ضد او آن‌چنان متشنج کرده بودند که علیه‌اش شعار می‌دادند، او ایستاد و حرف خودش را زد؛ این خصوصیت یک نماینده‌ی خوب در مجلس است.

بعضیها زود مرعوب می‌شوند! من بارها عرض کرده‌ام که قدرتهای استکباری- یعنی

همین قدرتهای سلطه‌گر جهانی- که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می‌اندازند و دولتها و ملتها را زیر یوغ خودش می‌کشانند، عمده‌ی کارشان از ترساندن می‌گذرد.
قدرت واقعیشان آن قدر نیست که بر زبان می‌آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تا حالا این انقلاب این‌طور رشد نمی‌کرد و این‌گونه نمی‌ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه‌گران امریکا و صهیونیستهای عالم، آن‌چنان که ادعا می‌کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده‌ی کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می‌برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمی‌شود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ‌کس مرعوب نمی‌شود؛ یک نمونه‌ی زنده‌اش را در زمان خودمان دیدیم- یعنی امام قدس سره- و هزاران نمونه‌ی دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم. این جوانان مؤمن و پاکباخته، از خدا ترسیدند؛ از هیچ کس غیر خدا نترسیدند؛ الَّذِینَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ. در گوشه و کنار، افراد و رادیوها و عوامل دشمن مرتب به اینها می‌گفتند، علیه شمادارند توطئه می‌کنند؛ بناست ضربه بزنند؛ بناست چنین بکنند؛ بناست چنان بکنند؛ برای این که اینها را بترسانند؛ اما اینها گفتند نه؛ ایمانشان بیشتر شد؛ گفتند حَسْبُنَااللَّهُ وَ نِعْمَالْوَکِیلُ؛ خدا ما را کافی‌است؛ ما به خدا اعتماد داریم و به او اطمینان می‌کنیم. آن وقت خدای متعال می‌فرماید: فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ. بله، وقتی کسی به خدا اتکا بکند، این‌گونه است. آن کسانی که دوران جنگ را دیدند و در آن صحنه‌ها بودند، می‌دانند که من چه می‌گویم. تمام قدرتهای مسلح عالم دست به دست هم دادند، برای این که بتوانند یک وجب از خاک این کشور را بگیرند؛ بتوانند بگویند مرز ایران از این نقطه چند کیلومتر عقب آمد؛ اما نتوانستند. این ملت در مقابلشان ایستاد؛ لذا نتوانستند. خدا کمک می‌کند و نمی‌گذارد دشمن غلبه پیدا کند.
مرعوب شدن، صفت خیلی بدی است. حالا یک وقت انسان در خانه‌ی خودش نشسته است و مرعوب می‌شود- این یک نفر آدم است- اما یک وقت انسان در مسند

ص: 255
مسؤولیتی نشسته است- در مجلس است، در دولت است- او اگر مرعوب شد، واویلاست! مرعوب شدن او، یعنی از دست دادن بسیاری از امکانات این ملت! نماینده نباید مرعوب بشود.

نماینده نباید مفتون و فریفته شود

از طرف دیگر، نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضیها مفتون و فریفته می‌شوند و دهنشان باز می‌ماند؛ اینها آدمهای ساده‌لوحی هستند که راه‌حلهای خیالیِ اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی‌یی که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می‌شود، آنها را از خود بی‌خود می‌کند! سالها تجربه می‌کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاکستر سیاه می‌نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه‌حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته‌ی از شرایط خاص این ملت و این کشور، راه‌حل ارائه شده‌ی از سوی اسلام باشند. اسلام در همه‌ی مسائل، همه‌ی راه‌حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می‌فهمیم، اگر ما بد می‌فهمیم، اگر ما دنبالش نمی‌رویم و نمی‌رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم.

نماینده، طمع‌ورز نباشد

نماینده، طمع‌ورز هم نباید باشد. بعضیها دهانشان که به اندک چیزی از طرف دشمن شیرین شد، همه چیز را از دست می‌دهند! اگر بخواهید نماینده‌یی مرعوب نشود، مفتون نشود، دچار طمع نشود، سراغ آدم امین و متدین بروید. معروف است که آدمهایی که خودشان هم امین نیستند، وقتی بخواهند مالشان را نگهدارند، دست یک آدم امین می‌دهند! امانت، یک ارزش است. ممکن است انسان متدین یک وقت اشتباه هم بکند؛ اما وقتی که فهمید اشتباه کرده، برمی‌گردد؛ این خیلی ارزش است. اینها مثل آن‌کسانی نیستند که اگر اشتباه می‌کنند، پا روی لغزشگاه می‌گذارند و به طرف جهنم می‌لغزند؛ وقتی هم فهمیدند، سرحرفشان می‌ایستند که نخیر، همین است؛ و تا آن اعماق می‌روند! پس، انتخاب نماینده مهم است.

ص: 256

البته تبلیغات هست. متأسفانه این روشهای غربی در خیلی از چیزهای زندگی- از جمله در تبلیغات- غالباً به‌ضرر ملتهاست؛ خودشان هم حالا در آن مراکز به این تبلیغات خیلی اعتنا نمی‌کنند. در یکی از این انتخاباتهای اخیر کشور امریکا- با این که این همه هم تبلیغات انجام می‌شود- گفتند سی و چنددرصد از مردم شرکت کردند! خود آنها از این تبلیغات زده شده‌اند؛ اما حالا بعضیها همان سوغاتی را به این جا آورده‌اند و برای پُر کردن چشم مردم، تبلیغات سبک آنها را انجام می‌دهند! این تبلیغات ارزشی ندارد.
بایستی نگاه کرد، تحقیق کرد، از انسانهای صالح جستجو و پُرس و جو کرد و به یک شخص رسید؛ هرکس بود، دیگر فرقی نمی‌کند. اگر شما تحقیق کردید، ولو اشتباه هم کرده باشید، خدای متعال اجر خواهد داد؛ خدای متعال مؤاخذه نخواهد کرد. باید تحقیق کرد و این کار را به بهترین وجهی انجام داد؛ این آزمایشِ بزرگ ملت و دولت و دست‌اندرکاران است.

مردم باید توی دهان دشمنان بزنند

باز همین اخیراً بعضی از این حضرات امریکاییها لحیه جنبانده‌اند و راجع به انتخابات حرف زده‌اند. یکی گفته است که ما داریم با دقت نگاه می‌کنیم و امیدواریم که فلان‌طور آدمها به مجلس بیایند! مردم باید توی دهان اینها بزنند. آن یکی گفته است که ما مسأله‌ی ردصلاحیت‌شدگان را تعقیب می‌کنیم! مسؤولان کشور خیلی باید چشمشان باز باشد. چه اتفاقی می‌افتد که یک دشمن- اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و می‌خواهند سلطه‌ی خودشان را مجدداً براین کشور مستقر کنند- از این که کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران می‌شوند؟ آیا این نشانه‌ی آن نیست که آنچه که به عنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام می‌گیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه‌گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمی‌فهمند چه می‌گویند و حرفهاشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.

دشمن کمین گرفته است

دشمن دهان را باز کرده است. یک روز این کشور با همه‌ی امکاناتش در اختیار امریکا و عوامل امریکا بود؛ انقلاب آمد، مسأله را بکلی دگرگون کرد؛ ملت را مستقل کرد، کشور را مستقل کرد، منابع کشور را مستقل کرد؛ اینها کمین گرفته‌اند و سینه خوابانده‌اند، تا بلکه بتوانند مجدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرند؛ ملت باید بیدار باشد؛ و بیدار است. به فضل الهی، حضور مردم در این انتخابات و انتخاب خوبی که این مردم خواهند کرد، یک بار دیگر امریکا و مستکبران و مراکز صهیونیستی را- در هر جای دنیا که هستند- ناکام خواهد کرد.

امیدواریم که خداوند متعال شماها را در این کاری که شروع کرده‌اید- خدمتگزاری به فریضه‌ی بزرگ حج- موفق بدارد؛ ان‌شاءاللّه حج شما را حج مقبولی قرار بدهد؛ این زحماتی را که در این راه می‌کشید، زحمات مقبول و مشکوری قرار بدهد و بتوانید- چه در رفتنتان، چه در آن‌جا، و چه در بازگشت حجاج- فضای معنوی کشور را هرچه بیشتر رنگین‌تر کنید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام(23/ 12/ 1378 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

اشاره

(23/ 12/ 1378 ه. ش.)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

امت اسلامی از حج استفاده‌ی شایسته را نمی‌برد

برادران و خواهران مسلمان!
حج‌گزاران امّت اسلام! سلام علیکم و رحمةاللَّه
روزی که منادی بزرگ توحید ابراهیم و فرزندش اسماعیل قدس سره پایه‌های کعبه را در میان درّه‌ها و کوههای دور افتاده و خشک بنا می‌نهادند، دوربین‌ترین چشمهای بشری نیز نمی‌توانست آینده‌ی آن را همچون کانون گرم ایمان و امید و قبله‌ی دلها و جسمها درگمان آورد. امروز کعبه، مرکز معنوی جهان اسلام و بزرگترین مجمع هرساله‌ی امّت اسلامی است. سرچشمه‌ی جوشان عشق و امید، و دریای خروشان عظمت و اعتماد، و محل التقا رودهای بزرگ قومیت‌ها و ملتها است. اخلاص بنیانگذاران و قبول خدای سمیع و علیم، آن بذر را به چنین درخت پربار و شاخه گستری بدل کرده است.
آیا امّت اسلامی از این منبع پرفیض بهره‌ی شایسته را می‌برد؟ پاسخ این سؤال، دردناک و تکان دهنده است.

جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است

امروز جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است. شاید مهمترین آنها این دردهای

دهگانه است: منازعات سیاسی و مذهبی، سست شدن رشته‌های اخلاق و ایمان، عقب‌ماندگی علمی و صنعتی، وابستگی سیاسی و اقتصادی، اسراف و اشرافیگری و غرور درکنار فقر وگرسنگی و ذلّت، ضعیف شدن اعتماد به نفس وامید به آینده در سران، منزوی کردن دین و گسستن آن از سیاست و زندگی، بی‌ابتکاری در آفرینش مفاهیم نو که قرآن منبع بی‌زوال آن است، تسلیم در برابر تهاجم فرهنگ تحمیلی غرب، و بالاخره: پایمال شدن عزّت ملتهای مسلمان با ذلّت‌پذیری و طمعکاری برخی سران سیاسی.
این بیماریها که برخی از برخی دیگر و همه در طول زمان‌اند در خیانت و بی‌ارادگی و جهالت و استبداد عناصر داخلی یا از دشمنی و شیطنت و ظلم بیگانگان پدید آمده، بزرگترین ضربه‌ها را بر امّت اسلامی وارد آورده است. ناکامیهای جهان اسلام، نتیجه‌ی این بیماریها و تنها راه خوشبختی و کامیابی، نجات از آن‌ها است.

سیاستمداران و رجال دینیِ امت اسلامی چاره‌یی نمی‌اندیشند

امروز ثروتهای طبیعی جهان اسلام به‌تاراج می‌رود، ذخیره‌ی فرهنگی و فکریِ گرانبهای آن در زیر حجابی از پوشالهای تبلیغاتی مهاجمان فرهنگی عمداً پنهان می‌ماند، استعدادها و مغزهای جوان آن ربوده می‌شود، قوای آنان در منازعات نظامی و سیاسی نابود می‌گردد، بی‌مبالاتی و ولنگاری اخلاقی و اعتقادی، از راه مدرنترین ابزارهای ارتباطی، همچون گندابی به درون محیط زندگی و درس و ورزش جوانان آن نشت می‌کند، نفت آنان، روز بروز بر ثروت کمپانیها و خزانه‌ی مالیات گیرندگان بیگانه می‌افزاید و بجای صاحبان اصلی، دشمنان آنان را فربه میسازد، در قلب جهان اسلام و در گوشه و کنارهای آن- در آسیا و افریقا و اروپا- تازیانه‌ی ظلم و خشم کافران بر پیکر میلیونها مسلمان فرود می‌آید و فلسطین و لبنان در آتش قساوت صهیونیستها می‌سوزد، ..
و اینهمه درد و رنج، سیاستمداران و رجال دینی و روشنفکران امّت اسلامی را به چاره سازی برنمی‌انگیزد.

این در حالی است که در همه جا دستمایه‌های ارزشمند برای پایه‌گذاری یک وضع نوین و نجاتبخش، هست و ابزار و انگیزه‌ی لازم برای تحوّل، بوضوح در همه‌ی کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. امروز کمتر کشور اسلامی است که احساس و انگیزه اسلامی در نسل جوان، و پایبندی عمیق ایمانی در بیشتر مردم، و نگرانی از وضع موجود و امید به دورنمای اسلامی، در آن بطور آشکار دیده نشود.

آنچه می‌تواند از فعال شدن این امکانات مانع شود، در درجه‌ی اوّل آن است که قدرت سیاسی در داخل کشورها در سمت و سوی این آرزوها و خواست‌ها نیست و در مواردی حکومتها با ضعف یا وابستگی یا استبداد و مردم ستیزی که دچار آنند قادر بر همراهی و همکاری با آرزوهای بزرگ اسلامی مردم نیستند.
از سوی دیگر عظمت جهان اسلام و قدرت تاثیرگذاری آن بر وقایع جهانی از چشم آنان پوشیده است و در نتیجه هر ملّتی خود را در برابر فشار قدرتهای اسلام‌ستیز استکباری تنها می‌بیند و مقابله با هجوم سیاسی و تبلیغاتی و احیاناً نظامی آنان را ناممکن می‌یابد.
و بالاخره از سوی دیگر تجربه‌ی عملی و عینی حاکمیت اسلام در عصر کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران در پشت غبار غلیظی از تبلیغات خصمانه پوشیده است و صدها رسانه‌ی صوتی و تصویری و نوشتاری و هزاران مغز و قلم مزدور هر روز در کار وارونه نشان دادن حقایق آن، درشت کردن ضعفها و ناکامیهای آن و انکار کردن موفقیتها و پیشرفتهای آنند.
اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه‌ی التقا و مرکز اجتماعِ همه‌ساله، بدرستی بهره ببرند بخش مهمّی از این حصار نومیدی و تلقین ضعف که بر گرد ملتها کشیده شده است ویران خواهد شد.
موسم حج، می‌تواند عظمت و تنوع و اقتدار معنوی و انسانیِ دنیای اسلام را هرساله بطور محسوس در برابر چشم مردمی از همه‌ی کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و

شناسائی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد. در حج همه‌ی ملتها می‌توانند خبرهای حقیقی از حال برادران را به‌دست‌آورند و حجاب تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان جهان اسلامی را درنوردند، و با بهره گیری از فضای معنوی بیت‌اللّه‌الحرام، خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راهِ بازگشت به حاکمیت اسلام و کسب عزّت و استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشورهای خود آماده سازند.

حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود

ایجاد حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی، یک زایش مبارک و البته دردآلود است. مرحله‌ی بعدی که حفاظت از مولود و تغذیه‌ی مادی و معنوی و مراقبت از رشد و تکامل روز به روز آن است، بسی دشوارتر و مجاهدت برای آن بسیار طولانی‌تر است.
در ایران اسلامی، این مولود با انواع دشمنی‌های آشکار و پنهان مواجه شد و بحمداللّه اکنون در دوران استقلال و ثبات و بالندگی است، و البته طوفانهای دشمنی از سوی خبیث‌ترین مراکز استکباری و ضداسلامی همچنان از همه طرف او را احاطه کرده است. این نهاد دیریاب چون اولین نمونه در جهان معاصر بود و می‌توانست الگوی دیگر کشورها شود و منافع امریکا و صهیونیسم و دیگر جهانخواران را در سراسر دنیای اسلام تهدید کند، در معرض دشمنی خشم آلود و سراسیمه‌ی همه‌ی مراکز قدرت طلب جهان قرار گرفت؛ تحریکات قومی در داخل کشور، اولین حرکت دشمن بود، فعال کردن هسته‌های متشکل از مزدوران رژیم‌گذشته و تدارک کودتاهای نظامی و سپس تحریک یک دولت همسایه به تهاجم از مرزی بطول هزار و سیصد کیلومتر قدمهای بعدی بود که هر کدام به تنهایی برای قلع و قمع یک دولت ملّی کافی بود. ولی جمهوری اسلامی فقط حکومتی ملّی نبود، بلکه بنائی متشکل از همه‌ی آحاد ملّت با ایمانها و انگیزه‌های ایمانی عمیق بود. جنگ آن همسایه‌ی خائن هشت سال بطول انجامید و با اینکه تلاش مغرضانه‌ی امریکا توانست ما را در معرض بددلی و سوء ظن برخی دیگر از همسایگانمان قراردهد و کمکهای بی‌دریغ آنان را به سمت متجاوز سرازیر کند، در نهایت، جنگ افروز، خسته و تهیدست و شکست خورده از مرزهای ما عقب نشست.

در همه‌ی مدّت بیست و یک ساله‌ی عمر جمهوری اسلامی، امپراتوری خبری استکبار یکسره بر ضد ما تبلیغ کرده و برای بسیج افکار عمومی جهان در مقابله با حکومت اسلامی همه گونه سرمایه‌گذاری کرده است. سیاست خارجی و دستگاه امنیتی امریکا بکمک کلان سرمایه‌داران صهیونیست هر چه توانسته‌اند در ایجاد حصار اقتصادی و معارضه با تلاش سیاست خارجی جمهوری اسلامی، کوشش کرده‌اند. در سراسر جهان دهها گروهک تروریست یا مجموعه‌های مزدور سیاسی از وطن فروشان خائن، با پول و وعده و پشتیبانی دشمنان در حال عملیات خرابکارانه‌اند و صدها شهید نامدار و جاودان که محصول جنایتهای حقیرانه‌ی این مزدورانند، تاریخ انقلاب ما را رونقِ پایداریِ مظلومانه بخشیده‌اند.

جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می‌رود

کوتاه سخن آنکه بیش از بیست سال است که جبهه‌ی دشمن ما که در رأس آن امریکا و صهیونیزم است، با همه‌ی توان و با همه‌ی تدبیر و با همه‌ی تلاش خود با مولود مبارک انقلاب یعنی نظام جمهوری اسلامی می‌جنگد.
علیرغم آنان بیش از بیست سال است که نظام جمهوری اسلامی یک لحظه را برای رشد و بالندگی و ثبات خود از دست نداده و امروز نیرومندتر از همیشه، همان ندای اسلام و وحدت اسلامی و عزّت اسلامی را که مایه‌ی پریشانی و سراسیمگی دشمنان است با همان قوّت و انگیزه‌ی آغاز کار سر می‌دهد.
امروز یازده سال پس از رحلت معمار و بنیانگذار این بنا، امام خمینی عظیم، جمهوری اسلامی به سمت همان هدفی که او ترسیم کرده و از همان راهی که او نشان داده به پیش می‌رود.
افتخار این ثبات و اقتدار اولاً متعلق به ذات اسلام و تعالیم راهگشا و عزّت بخش آن و ثانیاً متعلق به ملّت ایران است که مؤمنانه در راه اسلام پانهادند و مخلصانه فداکاری کردند و صبورانه از دستاوردهای آن پاسداری نمودند.
بی‌شک اگر ضعفهای ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی و کوتاهیها و غفلتهای

موجّه یا ناموجّه ما نمی‌بود، امروز جمهوری اسلامی به برکت احکام و معارف نورانی اسلام فصل بزرگتری از مشکلات را پشت سر گذاشته و به هدفهای خود نزدیکتر از این شده‌بود.

دروغ رذالت‌آمیز استکبار

امروز مانند همیشه ترفند عمده‌ی تبلیغاتی استکبار آن است که وانمود کند ملت ایران و دولت اسلامی آن از هدفهای ترسیم شده‌ی خود روی گردانده است. این دروغ رذالت آمیزی است که هدف آن نومید کردن شیفتگان حاکمیت اسلام در سراسر جهان و سست کردن همت جوانان در داخل کشور ما است.
در پی همین خدعه‌ی استکباری است که پس از بیست و یکمین انتخابات سراسری ما که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مشخص می‌کند، سران استکبار از حضور چیزی که بر آن نام دموکراسی می‌نهند در ایران ابراز شادمانی کردند. برای آنان دشوار است که به وجود مشارکت مردمی در تمام سالهای بعد از انقلاب تا امروز اعتراف کنند.
دشوار است که بپذیرند انتخابات با همین شور و وسعت در چهار سال قبل برای تشکیل دوره‌ی قبلی مجلس و در سه سال قبل برای تعیین رئیس جمهور اتفاق افتاده است.
آنان بیهوده خود را به اینکه شاید مخالفان حاکمیت اسلام و دلدادگان تجدید سلطه‌ی استکبار بر ایران، به مراکز قدرت راه یابند دلخوش می‌کنند. این همان بدفهمی و امید پوچی است که امریکا و مزدورانش را بارها در چالش با نیروی عظیم اسلام و اراده‌ی پایدار ملت ایران دچار ناکامی کرده است.

ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد

اینجانب با اتکال و اعتماد به خداوند عزیز حکیم، و با ایمان عمیق و خلل‌ناپذیر به احکام نورانی و نجاتبخش اسلام، و با معرفت کامل به ملت بزرگی که خود از دل آن برآمده و همه‌ی عمر را در میان آن گذرانیده و با عشق به آن به سالهای آخر عمر

رسیده‌ام، به دوستان و نیز به دشمنان اطمینان می‌دهم که این ملّت راه اسلام را تا رسیدن به هدفهای بزرگ خود طی خواهد کرد و به همه نشان خواهد داد که عزّت و رشد و پیشرفت مادی و معنوی و نیل به کرامت والای انسانی فقط در عمل همه‌جانبه به اسلام و قرآن است.
امریکا نمی‌تواند امیدوار باشد که دوباره ایران را در چنبره‌ی تسلط خود درآورد، که جوشش آرمانخواهی و مطالبه‌ی حاکمیت اسلام را در کشورهای اسلامی فروبنشاند، که فلسطین را بی دغدغه در آغوش صهیونیستهای نژادپرست و سفاک بیفکند، که موج نفرت از خود را که روز بروز در دنیای اسلام رو به گسترش است بخواباند.
اگر این نگرش در میان دولتهای مسلمان عمومیت پیدا کند پرچم عزت اسلام بطور شایسته در جهان برافراشته می‌شود، حج کانون همبستگی واقعی و منبع لایزال نیروی اسلامی می‌گردد، ذخائر طبیعی جهان اسلام در خدمت ملتهای مسلمان درمی‌آید، فرهنگ غنی و حیاتبخش اسلام مجال کمک به بشریت را می‌یابد.
از خداوند متعال نزدیک شدن آن روز را مسألت می‌کنم و از همه‌ی شما حجاج محترم دعا برای فرج مسلمین جهان و کمک الهی به ملّت مبارز ایران را درخواست می‌نمایم، و حجاج عزیز ایرانی را به کوشش هر چه بیشتر برای کسب فیض معنوی و حفظ متانت و وحدت و شرکت در جماعات و کسب ذخیره روحی و اخلاقی فرامی‌خوانم.
والسّلام علیکم و رحمه‌اللّه و برکاته
سیّدعلی خامنه‌ای

ص: 265
بیانات در دیدار کارگزاران حج(10/ 1/ 1379 ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(10/ 1/ 1379 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم

اولًا از خدای متعال مسألت می‌کنم این زحماتی را که شما آقایان کشیدید، به چشم قبول و کرم به آنها بنگرد و ان‌شاءاللّه این زحمات را از همه‌تان به بهترین وجهی بپذیرد؛ که این خودش بزرگترین پاداش است. بنده هم به سهم خودم- با این‌که تشکر من در قبال تشکر صاحب‌کار، قدری ندارد- از زحمات شما برادران عزیز متشکرم؛ چه جناب آقای ری‌شهری و آن هدایت کلی حج، چه کارهای اجرایی و سازمان حج، چه برادران دیگر، هر کدام در هر بخشی که مشغول خدمات هستید، ان‌شاءاللّه موفق باشید.
آنچه مهم است، این است که ما بایستی حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم و به اندازه‌ی ظرفیت‌حج، چشم امید به‌منافع حج‌بدوزیم؛ لِيَشْهَدُوامَنافِعَ لَهُمْ. البته می‌شود انسان از چیز خیلی با ارزشی، استفاده‌ی کوچکی ببرد و نداند که این استفاده نسبت به این موجودی، خیلی‌کم است. ای بسا یک‌سنگ خیلی‌قیمتی رادست‌یک آدم سنگ‌نشناسی بدهند، آن‌را سنگِ ترازو کند؛ دست آدم‌قدرشناسی‌که دادند، نگاه بکند، ببیند این سنگِ ترازو نیست، بلکه هر قیراط آن میلیونها ارزش دارد و قدر آن را بداند.

امروز بشر، متأسفانه دچار این بلیه‌ی بزرگ است که بسیاری از موهبتهای الهی

را چه در همین عالم طبیعت و ماده، چه در عالم ارزشهای معنوی، قدر نمی‌شناسد و نمی‌داند که این چقدر ارزش دارد. فرض کنید نفت را از زمین، بیرون بیاوریم، خیال کنیم که این نفت را آتش کردیم و چند کارخانه را به حرکت انداختیم و استفاده‌ی از نفت، همین است؛ در حالی که ای بسا، استفاده‌ی بهینه از این ماده، این نیست.
ما ذخایر دنیا را هم خالی کردیم، این ماده را در آوردیم و مصرف کردیم، نتیجه‌اش هم حالا این زر و زیورها و لوکس‌بازیهای زندگی شده است! ای بسا که از این استفاده‌ی بیشتری می‌شد کرد؛ یک روزی بشر حسرت و تأسف این را خواهد خورد که ما از این ماده، استفاده‌ی بهینه نکردیم.

نشان قدرشناسی از حج

همه‌ی تلاش برای این است که ما حج را آن‌چنان که شایسته‌ی حج است، بشناسیم؛ خوشبختانه بعد از انقلاب، این کار به میزان زیادی شده است. الآن همین که از طرف نظام، عالمی مثل آقای ری‌شهری آن‌جا می‌رود و هدایت کلی جریان حج را بر عهده می‌گیرد، این نشان قدرشناسی از حج است. این که دولت اسلامی خودش را مسؤول می‌داند و مسایل حج را در مدیریت متمرکز و صحیحی می‌گنجاند، این قدرشناسی از حج است و منافعی بر این مترتب خواهد شد و الآن می‌شود؛ لیکن من همه‌ی تلاشم، همه‌ی جد و جهدم در مواجهه‌ی با مسؤولان این واجب بزرگ، این است که ما به آن مقداری که الآن در برگزاری حج، موفقیت احساس می‌کنیم، اکتفا نکنیم؛ این همه‌ی آن چیزی است که بنده می‌خواهم به آقایان عرض کنم.

برای کشور، برنامه‌ریزی شده است

خوب، حالا جناب آقای امینی، آن حرف درست را گفتند؛ منتها صدا و سیما گوشه‌یی از قضیه است، همه‌اش صدا و سیما نیست. حالا صدا و سیما بهترین برنامه‌ها را هم بدهد، شما خیال می‌کنید این امپراتوری عظیم خبری که با میلیاردها دلار و با صدها

ایستگاه متمرکز دارند کار می‌کنند، با یک صدا و سیما خنثی می‌شود؟! برای کشور، برنامه‌ریزی شده است؛ یعنی الآن برای کشور، هم از لحاظ واقعی در متن کشور برای مقابله‌ی با انقلاب، هم از لحاظ انعکاس بهینه‌ی آن برای ساختن و جهت دادن افکار عمومی دنیا- که خیلی مهم است- برنامه‌ریزی شده است؛ منتها حسن قضیه این است که ما آن اصالت را داریم که وقتی یک نگرانی در این‌جا به وجود می‌آید- یا واقعاً، یا تبلیغاً- عده‌ی زیادی از کشورهای محروم دنیا بدون هیچ قوم و خویشی با ما، مضطرب و نگران می‌شوند و به شما مراجعه می‌کنند. البته اینهایی که به شما مراجعه می‌کنند، شاید یک صدم واقعیت هم نیستند.

تصمیم قاطع بر تحقق اسلام

آنچه که مهم است، این است که ما در حج بایستی به دنیا آن چیزی را منعکس کنیم که لُب و مغز انقلاب، و لُب و مغز هویت ماست. آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.
خوب، مسلّم ما در این بیست‌ویک سال، همیشه که در یک حال نبودیم؛ یک وقت در حال شور و شوق بودیم، همه هم این شعار را می‌دادند؛ یک وقت مضطرب بودیم، یک وقت تنبل بودیم، یک وقت فعال بودیم، یک وقت کار کردیم، یک وقت هم نکردیم. خوب، حالا هم یکی از دوره‌هاست، اشکالی ندارد؛ حالتی از حالات متعددی است که ممکن است برای پدیده‌ی مستمری عارض بشود. ملاک، این نیست که حالا در چه حال است؛ ملاک، این است که آن چیزی که هدف است، چیست و حرکت به کدام سمت است؛ این باید در حج، تحقق پیدا کند.
یعنی در حج، بایستی بدنه‌ی حج- در درجه اول بدنه‌ی کارگزاری حج، در درجه‌ی بعد بدنه‌ی عمومی حج، یعنی آحاد مردم- همه با رفتار، با گفتار و با عمل خودشان نشان بدهند که یک زُبرالحدیدی در این‌جا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد؛ این، امید می‌بخشد. این بزرگترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه‌ی نوشته‌ها، در همه‌ی گفته‌ها، در نشریه‌ی زائر، در رادیو و تلویزیون ما و در همه چیز

منعکس بشود. بر این باید اصرار باشد.
اگر ان‌شاءاللّه این تحقق پیدا بکند، بقیه‌ی مشکلات و مسایل، چیزی نیست.

امام قدس سره در میان ما زنده است

نگرانی افراد هم به یک معنا نگرانی به جایی است؛ برای خاطر این‌که آن تبلیغاتی که دارد در دنیا می‌شود، این را نشان می‌دهد که بین اینها اختلاف است، دعواست، فلان است، پشیمان شدند، فلان شدند! وقتی ما با روحیه‌ی باز آن‌جا رفتیم و بدون هیچ‌گونه اضطراب، با تسلط بر خودمان گفتیم که شعار ما اسلام است و حرکتمان حرکت امام است، نگرانی آنها مرتفع می‌شود.

چون الآن هم، امام خمینی قدس سره با اسم خودش از همه‌ی مجموعه‌ی انقلاب، در دنیا مطرحتر است؛ یعنی الآن همه‌ی حرفهایی که ما داریم، همه‌ی وزن معنوی و فکری که ما داریم یک طرف، امام هم یک طرف، باز امام سنگینتر است! یعنی شخصیت امام و آن چیزی که از امام می‌شناختند، بر همه‌ی این کتابهایی که نوشتیم و حرفهایی که زدیم، برتری دارد. ما بگوییم امام، هنوز زنده است. ما باید این را تبلیغ کنیم؛ باید بگوییم امام در میان ما زنده است، ما دنبال امامیم و تحقق امام را در جامعه می‌خواهیم.

حالا چهار نفر آدم کج سلیقه، یا بی‌عقل، یا مغرض، می‌چسبند به گوشه‌یی از حرف امام، که فرض بفرمایید بر این، فلان اشکال وارد است! خوب، وارد باشد؛ غیر معصوم کیست که اشکال بر او وارد نباشد؟! بایستی ما آن کلیّت امام را در دنیا بطور قاطع تبلیغ کنیم. بایستی بطور قوی در دنیا حضور امام را در داخل کشورمان اعلام کنیم؛ اشکالات برطرف خواهد شد.

برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید

شما نگاه کنید، ببینید ما براساس تفکر اسلامی خودمان، حج را چه می‌دانیم، برای چه می‌دانیم و می‌خواهیم در این سفر، از این موجود و این قالب جسم و روحی که دارد می‌رود و بر می‌گردد، چه ساخته بشود؟ و بعد واقعیات کشورمان چیست؛ دولت چقدر

پول دارد و مردم می‌توانند چقدر پول بدهند؟ زندگی یک حاجی در داخل خانه‌اش چگونه است؟ غیر از این حاجی، کسانی که نمی‌توانند هشتصد هزار تومان برای حج تهیه کنند، آنها چگونه زندگی می‌کنند؟
باید اینها را نگاه کنیم دیگر؛ اینها واقعیات زندگی ماست. نمی‌شود ما خودمان را در حصاری قرار دهیم و خیال کنیم حج، مال یک عالم دیگر است؛ نه، حج هم مال همین عالم است. براساس اینها مشخص بکنیم. بعد بیاییم بررسی کنیم که در خانه، هرکس مثلًا روزی سه تا چای می‌خورد، حالا در سفر حج، چرا باید شش تا چای بخورد؟ این سفر حج چه خصوصیتی دارد؟ توجه می‌کنید؟ یعنی یک معیار و یک الگو درست کنید.
البته این الگو براساس تفکر صحیح باشد و به تصویب آن کسانی که صاحب نظر در این قضایا هستند، برسانید. بعد این را بطور قالب بگویید که من این‌جوری اداره می‌کنم.
همه خواهند گفت که خوب، سلیقه‌اش این است، دیگر چه کار کنیم.
خوب، از زیارت آقایان خیلی خوشحال شدم. ان‌شاءاللّه موفق باشید.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 270
بیانات در دیدار حجةالاسلام والمسلمین ری‌شهری(10/ 11/ 1379 ه. ش.)

بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج

اشاره

(10/ 11/ 1379 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

کار شما جزو وظایف همیشگیِ حکومتهای اسلامی است

برادران و خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدوارم امسال هم خداوند متعال باران توفیق و هدایت و فضل خود را بر شما و بر همه‌ی حجاج بیت اللّه‌الحرام فرو بریزد و آنچه که محصول تلاش و مجاهدت شما خواهد شد، ان‌شاءاللّه برای اسلام و مسلمین نافع باشد.
جنبه‌ی شخصی و عبادی عمل شما، مثل خودِ حج، یک جنبه‌ی اصلی است؛ از آن نباید غفلت کرد؛ این با جنبه‌ی کاری و تشکیلاتی و اجتماعی آن منافاتی هم ندارد؛ کما این که حج مظهر ظهور و تلألؤ سیاستهای بین المللی و جهانی اسلام است؛ در عین حال با این که مجموعه این معنا را می‌دهد، اما میان هر فردی با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته باشد؛ اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود.
اگر ظواهر سیاسی و اعلام برائت و حضور بین‌المللی مسلمانان، بر معنویاتی که در درون هر فردی هست، بر قصد قربت، بر حضور و حال و توجه و تضرع و استغاثه‌ی هر فردی میان خودش و خدا متکی نباشد، آن بنای باعظمت هم بی‌رونق و بی‌تأثیر خواهد شد.
همه چیز از باطن ما می‌جوشد؛ کار شما هم همین طور است؛ یک کار مهم حکومتی است؛ جزو وظایف همیشگی حکومتهای اسلامی است. راه بردن توده‌های عظیم حاجی در مراسم پُرمعنا و پُربرکت حج، یک وظیفه است؛ چه روحانی کاروان، چه مدیر

کاروان، چه دست‌اندرکاران و معاونان و خدمتگزاران، چه مسؤولان فرهنگی، چه مسؤولان تشکیلاتی و اداری، چه نمایندگی رهبری، همه و همه سرگرم تحقق بخشیدن به یک وظیفه‌ی بزرگ حکومت اسلامی هستند. اگر بخواهیم این کار به بهترین وجهی صورت بگیرد، باید از باطن هر یک از افرادی که دست‌اندرکار این کار عظیم هستند، رشته‌ی پیوندی با حضرت حق، با باطن این عالم و با حقیقتِ خود حج برقرار بشود. قصد اخلاص در کار، توجه به خدا، استمداد و هدایت خواستن از او، گذاشتن هر کاری به حساب او، تحمل هر رنجی برای او، بیرون آمدنِ از هر شائبه‌یی جز ادای تکلیف او، شرایط کار است. اگر این طور شد، آنگاه محصول کار نورانی خواهد شد.

حکومت اسلامی می‌خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد

همه چیز ممکن است نورانی باشد. گاهی انسان عملی را انجام می‌دهد؛ این عمل نورانی است، گاهی هم ظلمانی است؛ «وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ». گاهی انسان نیت می‌کند؛ آن نیت نورانی است، گاهی هم ظلمانی است. بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. ظلمات در درون خود ما زمینه دارد؛ در عالم طبیعت هم مایه‌های ظلمانی فراوان است؛ در کشاکش مسائل جهان و میان مردم هم ظلمتهای فراوانی سر راه قرار می‌گیرد. اراده‌ی دین است که انسان را از ظلماتِ خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی و بی‌تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده‌های عالم، خارج کند و به نور ببرد؛ نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا، نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا. اگر این طور شد، جامعه نورانی خواهد شد.

اعتقاد راسخ بنده این است که یکی از علل بسیار مهم و اساسی اقامه‌ی بنای جمهوری اسلامی و دوام آن در مقابل مزاحمتها و اذیتها و خباثتهای دایمی صاحبان زر و زور و نوکرها و دست نشانده‌های آنها، نورانیتی است که در باطن جمهوری اسلامی

وجود دارد؛ هم در باطن مردم، هم در مقررات، هم در باطن مجریانِ بااخلاص و مؤمنی که بحمداللّه هستند و در هر گوشه‌یی حضور دارند. آن وقتی این موفقیتها کامل خواهد شد که این نورانیت تعمیم پیدا کند؛ مجریان، همه نورانی بشوند؛ کارگزاران دستگاه در هر یک از قوای سه‌گانه، همه نورانی بشوند؛ ما معممان، همه نورانی بشویم؛ دست‌اندرکارانِ کارهای مادی و معنوی این جامعه در دلِ خود نورانیت به وجود بیاورند؛ آنگاه این دستگاه و این بنا و این حرکت عظیم، در همه‌ی ابعاد موفق خواهد شد.

حج، فرصت خوبی است. عده‌یی از آن طرف می‌خواهند جوانب سیاسی حج، جوانب سیاسی دین و احکام دین را بکلی انکار کنند؛ این هم یکی از آن شیطنت‌ها و بازیهای بسیار رسوای دشمنان دین است که می‌گویند دین در امور سیاسی نباید دخالت کند! اگر دین در امور سیاسی نباید دخالت کند، چرا پیغمبر حکومت تشکیل داد؟ چرا بعد از پیغمبر خلفای صدر اول به نام دین بر مردم حکومت کردند؟ چرا امیرالمؤمنین با آن همه تلاش، به استحکام و استقرار حکومت تن درداد؟ دین برای اداره‌ی زندگی انسان است. زندگی انسان، فقط زندگی در پستوی خانه‌ها نیست. آن کسانی که می‌خواهند صحنه‌ی اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فعالیت اجتماعی را محل تاخت و تاز اهواء و شهوات و خباثتهای خودشان قرار بدهند و بندگان خدا را بندگان خود کنند، معارضی که می‌بینند، دین است. واقعاً وقتی دین در هر میدانی حضور داشته باشد، هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. آن‌جایی که شما می‌بینید اهل دین شکست خوردند، به این خاطر بود که دین را به میدان نیاوردند و لختِ از مفاهیم دینی و عمل دینی و اخلاص دینی وارد میدان شدند. هر جایی که اهل دین با دین به میدان آمدند، بدون تردید پیروزی متعلق به آنهاست؛ این سنت الهی است؛ وَ لَوْ قاتَلَکُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبارَ ثُمَّ لا یَجِدُونَ وَلِیّاً وَ لا نَصِیراً. بعد می‌فرماید سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِیلًا.

ص: 273

عده‌یی می‌خواهند ملت ما را از دین جدا کنند

عده‌یی برای این که ملت ایران را از پیروزی هایش، از سرافرازی هایش، ازالگو شدنش در مقابل ملتهای مسلمان، از عزتش در دنیا، از ممانعتش از ورود غارتگران بین‌المللی به این کشور، و سایر میدانهای افتخارآمیز دور کنند، چاره‌یی ندارند جز این‌که این ملت را از دینش جدا کنند. دین در اقتصاد جامعه، در فرهنگ جامعه، در روابط سیاسی جامعه، در تعامل مسؤولان با مردم- همه‌جا؛ آن‌جایی که عرصه، عرصه‌ی دین است- حضور دارد. برای این که دین را از همه‌ی این عرصه‌ها بیرون کنند، جنجال می‌کنند که دین را سیاسی نکنید؛ دین اهل سیاست نیست؛ برای حفظ آبروی دین، باید دین را از سیاست دور کرد؛ آبروی دین در این است که بروند در معابد و در کنج خانه‌ها و در گوشه‌ی صندوقخانه‌ها اسم خدا را بیاورند! این است آبروی دین؟! پس این که می‌فرماید:
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ یعنی‌چه؟ خدای‌متعال اسلام را آورده است تا بر جهان بشریت خیمه بزند و مثل خورشیدی بر تمام ذرات کائنات بتابد و آنها را زنده کند؛ جمهوری اسلامی رسالتش این است و امام بزرگوار هنرش این بود. هنر بزرگ امام بزرگوار این بود که از قلب حوزه‌های علمیه و از مرکز فقاهت و دین، با صلاحیت کافی بیرون آمد؛ این را در دنیا فریاد کرد و دل ملتها را تکان داد؛ چون فهمیدند که حقیقت دین این‌جاست.

در حج، هویت اسلامی را نشان دهید

آن روزی که دین با این چهره‌ی روشن و درخشان و پُرحماسه و افتخارآمیز در این‌جا ظهور کرد، آن هنگامی بود که هرجا قالب افسرده‌یی به خاطر دوری از دین، راه خود را از دست داده بود، به جان آمد. در منطقه‌ی فلسطین و لبنان، آن‌جایی که مردم سالها بود طعم ذلت را به وسیله‌ی دشمن در کام خودشان حس کرده بودند، کسانی بودند که در عمرِ خودشان هیچ آشنایی‌یی با دین نداشتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده‌ایم و در مقابل اسلام خاضع شده‌ایم و در برابر دشمن ایستادگی می‌کنیم. اسلام، آن اسلامی است که رهبر عظیم‌الشأنِ بی‌نظیر جمهوری اسلامی- امام بزرگوار- آن را بر سر دست گرفت و به دنیا معرفی کرد؛ لذا فلسطین دوباره احیا شد.

امروز هم قضیه همین‌طور است. شما در حج هویت اسلامی را نشان بدهید. اسلام، هم معنویت است، هم سیاست است، هم نورانیت دل است، هم نورانیت عمل است، هم عزت باطنی انسان است به خاطر ایمان، هم عزت و شکوه ظاهری است به خاطر عظمت اجتماع اسلامی و بنای اسلامی و حکومت اسلامی.

ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است

شما بدانید، امروز مردم مسلمان در هر کدام از این کشورهای اسلامی‌یی که زندگی می‌کنند، آنهایی که احساسات اسلامی و ایمان اسلامی دارند، آن وقتی که چشمشان از دور به بنای جمهوری اسلامی می‌افتد و این بنای مستحکم و فاخر را مشاهده می‌کنند، در دلِ خودشان احساس غرور و عزت می‌کنند؛ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت، متعلق به مؤمنین است. امروز شما به دنیای اسلام عزت داده‌اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است؛ لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می‌خواهند دنبال این الگو حرکت کنند. استکبار چاره‌یی ندارد جز این که این پرچم را از دست شما بگیرد؛ جز این که شما را وادار کند بگویید ما پرچم اسلام و عزت اسلام و حرکت اسلامی را نمی‌خواهیم؛ همین حرفی که امروز بعضیها دانسته و ندانسته، نابخردانه و ابلهانه در گوشه و کنار می‌زنند و از آنچه که مایه‌ی عزت اسلام شده‌است، اظهار پشیمانی می‌کنند. در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال به برکت الطاف و فیوضات خود و با ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةاللّه‌الأعظم(ارواحنافداه)- که علی‌القاعده ایشان هم در موسم مشرف هستند و در طواف و در وقوف و در بسیاری از جاها نور وجود مبارک آن بزرگوار یقیناً پرتوافکن خواهد شد- دلهای ما و شما را نورانی کند و این حج و این برائت و این حرکت عظیم را مایه‌ی عزت مسلمانان، بخصوص عزت ملت عزیز ایران قرار بدهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: 275
پیام به حجاج بیت‌الحرام(12/ 12/ 1379 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌الحرام

اشاره

(12/ 12/ 1379 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ
الحمدللّه ربّ العالمين والصّلاة والسّلام على سيدنا محمد و آله الطّاهرين
قال اللّه الحكيم: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت

موسم حج بار دیگر نمایشگاه عظیم خود را در پایگاه وحی و نبوت بر سر پا کرده و صحنه‌ی شگفت‌آور و شورانگیزی پدید آورده است. رودهای خروشان ملتهای مسلمان از همه سوی جهان در این اقیانوس فرو می‌ریزند و همزیستی امت واحده را در زیر لوای توحید مجسم می‌کنند. احساسات در هم تنیده‌ی این مجموعه‌ی بشری، نمایشگر آرزوها و نیازها و دردها و توانائی‌های امت عظیم اسلامی‌ست. سرزمینهای حج، اکنون میزبان مردمی از ایران و عراق، از فلسطین و لبنان، از شبه قاره و شمال افریقا، از ترکیه و بوسنی و از سراسر آسیا و اروپاست. این دلهای پراشتیاق، می‌توانند ترجمان سخن دل امت اسلامی باشند. حج برای همین نزدیکی و صدا به صدا رساندن مسلمانان سراسر جهان است. رشته‌ای که اینهمه دل را بهم پیوند می‌دهد؛ همان پیامی‌است که نخستین بار از این سرزمین، صلا زده شد و طول و عرض جهان و تاریخ را در نوردید:
پیام توحید و وحدت؛ توحیدِ خدا و وحدتِ امت. توحید، نفی خداوندگاری طواغیت و مستکبران و زر و زور سالاران است، و وحدت، مظهر عزت و اقتدار مسلمانان.
حج، فراتر از هر نوشته و گفتاری، این پیام ماندگار را هر ساله در قالب اجتماع عظیم خود،

بازپردازی می‌کند و به سراسر جهان اسلام می‌فرستد. هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر باید این حقیقت را بشناسد که شکوفایی و سربلندی و کامیابی همه جانبه‌ی کشورهای اسلامی تنها در سایه‌ی این‌دو به‌دست خواهد آمد:
توحید با همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن، و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.

سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج

در اجتماع عظیم حج امسال، دهها سخن تلخ و شیرین را از دهها کشور اسلامی می‌توان دریافت کرد. هر یک از این پیامها، بار وظیفه‌ای را بر دوش دیگر برادران می‌گذارد و مجموع آن دورنمایی از واقعیت امت بزرگ اسلامی را در برابر چشم همه قرار می‌دهد: سخن ملت عراق که تطاول و ستم مداخله‌گران و دیکتاتوری و بی‌تدبیری زمامداران، رونق زندگی را از آنان گرفته و فلاکت و زبونی را بر آنان تحمیل کرده است.
سخن ملت افغانستان که تعصبها و کوته‌نگریها، اجر مجاهدات گذشته‌ی آنان را بر باد داده و ملتی را دستخوش جهالتِ مشتی غافل و عنود ساخته است. سخن ملت بوسنی که سیاست اسلام زدایی از سوی امریکائیان و همدستانشان، هویت اسلامی آنان را به خطر افکنده و حاکمیت ملی آنان را بتدریج در معرض نابودی نهاده است. سخن ملت فلسطین که پرچم پر افتخار انتفاضه را با پنجه‌های استوار خودِ بپا داشته و با خون جوانان خود، شمشیر ظلم و قساوت صهیونیستها را کُند کرده است. سخن ملت لبنان که با پایداری پر شکوه خود، افسانه شکست ناپذیری غاصبان کشور فلسطین را به سُخره گرفته و شکستهای فضاحت بار را به آنان چشانیده است. سخن ملتهای آسیای میانه و شرق آسیا و افریقا و اقلیتهای اسلامی در اروپا و امریکا که هر یک از رنجها و شادیها و دشواریها و موفقیتهای خود خبر می‌دهند. و بالاخره سخن ملت سرافراز ایران اسلامی که در آن پایداری، و ایمانِ بارور، و تجربه‌های روزبه‌روز خود در برابر توطئه‌ها و دشمنیها، و عزم راسخ خود در راه تحقق جامعه‌ی آرمانی اسلام را به گوش مشتاقان و تحسین کنندگان خود می‌رسانند.

ص: 277

جهان اسلام در حال گذر از مرحله‌ی حساسی است

امت اسلامی امروز در حال تجربه‌ی این موفقیتها و ناکامیها است. هم دولتهای مسلمان و هم ملتها در برابر این واقعیّتها، تکالیف بزرگی بر دوش دارند و جهان اسلام در حال گذار از مرحله‌ی حساسی از تاریخ خویش است. آشنایی با این تکالیف و احساس تعهد در برابر آن می‌تواند ورق شوربختی و ضعف را از کتاب تاریخ اسلام بگرداند و بار دیگر صفحه‌ی عزت و عظمت مسلمانان و درخشش مادی و معنوی دنیای اسلام را بگشاید. امروز دنیای غرب که عامل تشدید کننده‌ی ضعف و عقب ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل نشدنی است. فساد مادیگری و نظام سرمایه‌سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه‌های آن تمدن مادی را آشکار می‌سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشعشع خیره‌کننده‌ی صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، بتدریج بر ملا می‌کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می‌دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره ملتهب و رنج کشیده‌ی خود حس می‌کند و نشانه‌های آن را در جابجای جهان اسلام، بویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می‌بیند. فروغ امید، دلهای جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکّم غرب، دَرهَم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان گرامی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی‌چون و چرا است. در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می‌توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده‌ی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است:
نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش.
امروز و در

آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده‌ی درخشان نومید و یا به آینده‌یی که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش برکشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشنفکران و سپس توده‌ی مردم‌اند. مبارزه با این ترفند جز با رویگردانی از فرهنگ تحکّم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی باید بوسیله‌ی نخبگان و روشنفکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب، و اجزاء زیانبار و مخرّب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌های اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیّت فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های بارور و راهگشا و هدایتگر قرآن و سنت است. این یک فصل اساسی از مبارزه‌ی همه جانبه و خوش عاقبتی است که علمای دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند. بامید آنکه حج امسال بتواند عزم همگان را در پیمودن این راه پر برکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.
از خداوند متعال توفیق حج مقبول و بهره‌مندی از فیوضات و برکات این عرصه‌ی بی‌نظیر، برای همه‌حجّاج مسألت می‌کنم، و بر حضرت بقیة اللّه الأعظم ارواحنا فداه و عجل‌اللّه فرجه که گمان حضور مبارکش در این مراسم سالیانه می‌رود، به قدر گستره‌ی فضل و رحمت واسعه‌ی الهی، درود می‌فرستم و دعای مستجابش را در حق همگان آرزو می‌کنم.
وَ السَّلامُ عَلَیهِ وَ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه
علی الحسینی الخامنه‌ئی
ششم ذی‌الحجه 1421
12/ 12/ 1379

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان(3/ 11/ 1380 ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده‌ی مراسم دهه‌ی فجر

اشاره

(3/ 11/ 1380 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

خدمت به مردم، نعمت بزرگی است

به همه‌ی حضار محترم خوش‌آمد عرض می‌کنم؛ هم دوستان و عزیزانی که در مسائل مربوط به واجبِ بسیار مهم حج مشغول خدمتگزاری هستند، و هم دوستان و عزیزانی که دست‌اندرکار برگزاری مراسم بسیار مهم و حساس دهه‌ی مبارک فجر هستند، و هم به همه‌ی برادران و خواهرانی که تشریف دارند؛ بخصوص کسانی که تحمل زحمت کردند و از راههای دور به این مجلس آمدند.
همه‌ی بخشهای فعالیت برای بهتر اداره شدن مسائل مردم و کشور، دارای اهمیت است. هر کس در هر جایی به خدمت به نظام و کشور و مردم اشتغال دارد، باید مباهات کند و توفیق و کمک الهی را بطلبد و به معنای حقیقی کلمه شکرگزار نعمت بزرگ الهی باشد که امروز با برافراشته شدن پرچم اسلام، خدای متعال بر مردم این کشور منت گذاشته و این نعمتها را به آنها بخشیده است. خدمت کردن به مردم، حقیقتاً نعمت بزرگی است.

مسأله‌ی حج از این جهت یک مسأله‌ی حساس و مهم و باعظمت است که کمک می‌کند تا مردم بتوانند از این واجب عظیم الهی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنند. از

ظرفیت عظیمی که حج برای مردم دارد- که خدای متعال می‌فرماید: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ- آنها را برخوردار کنید؛ خدمت در این راه، حقیقتاً باارزش است. اگر حج، آن‌طوری که طبیعتِ این واجب اقتضا می‌کند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمانها حل خواهد شد. حج، حامل معنویت و وحدت و آگاهی و معرفت است؛ اینها برای ملتهای اسلامی چیز کمی نیست.

نتایج تفرق دنیای اسلام

امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست‌اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می‌کشد. امروز فلسطین با سبعانه‌ترین روشها لگدکوب می‌شود و مردم فلسطین در سخت‌ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می‌گذرانند. دنیای اسلام با همه‌ی امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه‌یی که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی‌شود؛ این خیلی دردناک است. با نصیحت نمی‌شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند؛ پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه‌ها و خانواده‌ها در کوچه‌ها و خیابانها با تانکها و اسلحه‌های مرگبار روبه‌رو شوند و بی هیچ ملاحظه‌یی این‌طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه؛ بیش از یک سال است این وضعیت کم و بیش ادامه دارد.

استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان

حج می‌تواند دنیای اسلام را متوجه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می‌تواند این معرفت را به ملتهای اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست؛ این اشتباه خیلی بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملتهای دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این‌گونه راحت در معرض

تطاول دشمن قرار می‌گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این‌طور مظلوم نمی‌شد. این قضیه ممکن است برای ملتهای مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کمااین‌که دیدید در مواردی برای ملتها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملتهای این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و اجازه نمی‌دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه‌ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می‌دهد. بنابراین مسأله‌ی حج و استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه‌ی کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، باارزش است.

مردم دهه‌ی فجر را قدر می‌دانند

مسأله‌ی دهه‌ی فجر هم همین‌طور است. بحمداللّه آحاد مردم در طول این بیست‌ودو سه سال، در همه‌ی سالها و در همه‌ی نواحی کشور نشان دادند و ثابت کردند که به دهه‌ی فجر به عنوان یادبود روزهای عظیم انقلاب دلبستگی دارند. مردم دهه‌ی فجر را قدر می‌دانند. کسانی هم که موجب می‌شوند حرکت و حضور و ابراز احساسات مردم ممکن و آسان شود- که همین ستادهای بسیار فعال و مفید دهه‌ی فجر هستند- کارشان بسیار باارزش است.

دهه‌ی فجر برای کشور ما یک فرصت تاریخی بود و ملت ما را از یک حصار بسیار خطرناک خارج کرد. تا وقتی یک ملت در حصار استبدادِ یک حکومت وابسته و فاسد و ضد مردم و ضد فرهنگ و دین قرار دارد، هیچ چیز زیبا و مطلوبی که زندگی آنها را از لحاظ مادی و معنوی اعتلا ببخشد و پیش ببرد، نمی‌تواند در بین آنها پا بگیرد. در آن‌چنان رژیمی، همه جا، پای بیگانه و منافع چپاولگران و اهانت به دین و فرهنگ و هویت ملی و تضعیف کشور پیدا بود؛ و این طبیعتِ آن رژیمهاست. انقلاب، ملت ایران

را از آن حصار خارج کرد و میدان و فرصت داد تا ملت بتواند در فضای آزاد، با اتکای به خود، با قدردانی از استعدادهای درونی خود و با به کارگیری همه‌ی آحاد مردم در میدانهای عظیم کشور، خود را نشان دهد. البته نمی‌توانیم ادعا کنیم از همه‌ی فرصتهایی که انقلاب به ما داد، توانستیم درست استفاده کنیم؛ اما می‌توانیم ادعا کنیم که انقلاب برای کشور ما یک فرصت تاریخیِ بی‌نظیر به وجود آورد و این فرصت همچنان در اختیار ملت ایران است.

دشمن سعی می‌کند دهه‌ی فجر را از یاد مردم ببرد

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور می‌خواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه‌ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی می‌کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می‌آورد. سعی می‌کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

البته شما برادران و خواهرانی که مسؤول این ستادها هستید، باید با دادن آگاهیهای لازم و انجام فعالیتهای فرهنگیِ ضروری، مردم را به بهترین وجه از دهه‌ی فجر بهره‌مند کنید. امروز موج سیاسی فرهنگیِ دشمنان بشریت- که البته دشمنان اسلام و بخصوص ملتهای مستقل هم هستند- به صورت خیلی وسیع در همه جای دنیا گسترده شده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست. آن ملتی می‌تواند روی پای خود بایستد و خود را از کمند تسلط مراکز استکباری نجات دهد که بتواند در مقابل این امواج بایستد و با آنها مقابله کند.

وقتی ملت، بیدار و هشیار و متحد باشد و معرفت و آگاهی لازم را کسب کرده باشد؛ وقتی مسؤولان در خدمت منافع مردم باشند و خالصانه و مخلصانه و مجدانه و پیگیر، به دنبال این باشند که اهداف عالیه‌ی این انقلاب و نظام را برآورده کنند و مردم را از این هدفها برخوردار کنند؛ آنگاه هیچ دشمنی نمی‌تواند مقاصد شوم خود را در این کشور

پیاده کند. مسؤولانی با جدیت و صداقت مشغول خدمتگزاری هستند؛ مردم هم به معنای حقیقی کلمه در راه اسلام و انقلاب ایستاده‌اند. ایمان و استقامت و آگاهی مردم، حقیقتاً مثال‌زدنی است.

البته دستهایی هم سعی می‌کنند نگذارند. این‌که ما اصرار می‌کنیم باید با فساد و سوء استفاده‌ی مالی و اقتصادی با جدیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه‌یی به آن کشور می‌خورد که با هیچ چیز جبران نمی‌شود. لذا عرض کرده‌ایم، باز هم تکرار می‌کنیم:
مبارزه‌ی با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود- که ان‌شاءاللّه به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد- یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه‌ی مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمداللّه در این کار همکاری و همدلی می‌کنند؛ اما در همه‌ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه‌گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند.
هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان- چه در دولت، چه در قوه‌ی قضاییه و چه در مجلس- هیچ کس نمی‌تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین‌کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند؛ همه باید در این زمینه فعال باشند.

لازم است در این خصوص هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاههایی که با فساد مبارزه می‌کنند، نباید بگویند فساد در فلان‌جا بد است؛ اما در جای دیگر- اگر باشد- به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هرکس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق

فاسد و مفسد، مُرّ قانون را اعمال کنند. من به شخص یا پرونده یا موضوع خاصی نظر ندارم؛ برای من اشخاص مطرح نیستند؛ این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام بگیرد و دنبال شود.
کسی که وسوسه می‌شود وارد میدان فساد مالی شود، باید بداند دردسر این کار زیاد است؛ بفهمد مردم و مسؤولان کشور با این قضیه برخورد می‌کنند؛ این یکی از شرایط بسیار مهم است.

مواظب باشید فساد به‌وجود نیاید

از جمله‌ی چیزهایی که در این مبارزه‌ی وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فسادی که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت قرار دهند؛ نگذارند از اول فسادی به وجود بیاید.
البته مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطی و جناحی و غیره- که دشمنان از این‌که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می‌شوند- به میان نیاید؛ جلوی حق را نگیرد و مانعِ دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی‌نظرانه و برای خدا عمل شود. اگر این‌طور شد، به مملکت سود خواهد رسید.

فساد کمتر، سرمایه‌گذاری بیشتر

بعضی می‌گویند مبارزه‌ی با فاسد و مفسد موجب می‌شود در کشور سرمایه‌گذاریهای مالی صورت نگیرد؛ این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است.
کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می‌دانند و می‌گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه‌گذاری در آن کشور پایین می‌آید؛ اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود؛ اما هر

چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری رشد پیدا می‌کند. من خواهش می‌کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده‌یی نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت‌الشعاع قرار دهند.
من شک ندارم، کسانی که نمی‌خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می‌کنند جلوی این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند.

می‌خواهند مبارزه‌ی با فساد را تحت‌الشعاع قرار دهند

این نکته را هم به همه‌ی ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یک جنجال در گوشه‌یی، این حرکت عظیم را تحت‌الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند؛ اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می‌طلبد. البته مسؤولان هم باید مواظب باشند و بهانه‌ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن‌جایی که امکانات مملکت اجازه می‌دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلوی حرکت مبارزه‌ی با فساد را بگیرند.

در سالهای گذشته، شعار مبارزه‌ی با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین‌گونه جنجالها و مغلطه‌کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالیِ کشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه‌های گوناگون، جلوی این کار بزرگ را بگیرند.

هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه‌ی با فساد

در درجه‌ی اول، وحدت و هماهنگی و همدلی بین مسؤولان قوا مطرح است.
قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه، نمایندگان محترم مجلس، وزرای محترم، قضات محترم؛ همه‌ی اینها کارگزاران نظام اسلامی و کارگزاران حضرت بقیةاللّه(ارواحنافداه) و در واقع خدمتگزاران این مردمند. همه خود را خدمتگزار مردم

بدانند. امروز مردم از مبارزه‌ی با فساد خرسند می‌شوند و آن را مطالبه می‌کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می‌زند و برای آنها کار می‌کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.

با فساد مبارزه شود، نه با بی‌گناه

البته همه‌ی دست‌اندرکاران هم باید سعی کنند که در این زمینه، ظلم و ناروایی به وجود نیاید. با فساد و فاسد و مفسد مبارزه کنند، نه با بی‌گناه؛ این هم باید مراقبت شود.
تبعیض هم نباید باشد- همان‌طور که عرض کردیم- با یک چشم به افراد نگاه کنند. اگر این‌طور شد- که به لطف و فضل الهی ان‌شاءاللّه همین‌طور هم هست و خواهد بود- آنگاه الطاف الهی شامل حال خواهد شد و خدای متعال کمک خواهد کرد تا این حرکت پیش برود و ان‌شاءاللّه در همه‌ی بخشها مسؤولان بتوانند به وظایف خود بدرستی عمل کنند.
از خداوند متعال می‌خواهیم که الطاف خود را بر این ملت عزیز نازل کند و ان‌شاءاللّه این ایام- این ماه مبارک و ماه ذی‌حجه و دهه‌ی مبارک فجر- را روزها و ماههای لطف و مرحمت و برکات خود برای ملت و کشور قرار دهد و قلب مقدس حضرت ولی عصر را از ما راضی و خشنود و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: 287
پیام به حجاج بیت‌الحرام(1/ 12/ 1380 ه. ش.)

پیام به حجاج بیت‌الحرام

اشاره

(1/ 12/ 1380 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ
والحمدللّه ربّ العالمين والصّلاة والسّلام على سيدالبريّة محمد وآله الطاهرين وعلى صحبةالمخلصين و السّلام على عباداللّه الصالحين. قال اللّه تعالى: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ.

حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان

حج که آرزوی دینداران و بهشت ذاکران و فرصت صالحان است، بار دیگر فرارسیده‌است. از سراسر جهان امسال نیز جمعی به این میهمانی عمومی راه یافته‌اند.
غرقه‌شدن در فضای نورانی عبادت و خشوع و یادآوری خاطرات صدر اسلام و جستجو از نشانه‌های فلاح و عزت که این قطعه از زمین را در آسمانهای دور دست تاریخ، چون خورشیدی تابناک نشان میدهد، نخستین بهره‌های دل و ذهنِ مسافر تشنه و هوشیار است.
در اینجا تار و پودِ تعلّقات و آلودگیها و غفلتها، همراه با لباس و زیور جسمانی، هرچند بطور موقّت از آدمی جدا می‌شود و سپید جامه‌ی احرام، صفا و پاکی و یکرنگی را بر جسمها و دلها چیره میسازد. راه برای دیدن و شنیدن و فهمیدنی که مایه‌ی رستگاری ابدی است گشوده میگردد؛ جوانه‌های صلاح و معرفت و برادری اسلامی، سرسبز میشود، و دست هدایت الهی نمایان میگردد.
اینجا اردوگاه بزرگ امت اسلامی، است؛ جایگاه تمرین خدائی و مردمی شدن، از «خود» های دروغین و شرک آلود بیرون جستن، و به «خود» حقیقی و ا لهی پیوستن. اینجا

جایگاه برائت از دیو و دَد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهدِ:
ان لا تعبدواالشیطان و پاسخ به: ان اللَّه بریٌ من المشرکین و رسولُه است. اینجا محلّ تجلی امت واحده‌ی اسلامی و مظهر عزّت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است.
این ویژگیها در روزگار ما که تقابل حق و باطل و نیروهای خیر و شر، در مرحله‌ی خطیر و حسّاسی است، معنای بارزتری یافته است.

ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می‌رسد

امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش میرسد، و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادگی و رستگاری است، با طَنین بیشتری شنیده میشود. پاره‌های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سوئی و جهل و خرافه و فریب ازسوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمندِ نور رستگاری و تشنه‌ی عدل و صلح و برادری کرده است.
امروز ندای ملکوتی: تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الّا نعبد الّااللَّه .. که ردِّ خداوندان زور و زر و صف آرائی در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستمدیدگان را بیش از همیشه مینوازد، و مژده‌ی: انّ‌اللَّه علی نصرهم لقدیر، به آنان دلگرمی و امید می‌بخشد.
نخستین مخاطب این الهام خدائی ملتهای مسلمانند. بیداری اسلامی، شرق و غربِ جهان اسلام را به جنب و جوش آورده و احساس هویّت و شخصیّت را در آنان باز آفریده است. پرچم عزت و اقتدار اسلامی در ایران به اهتزاز در آمده؛ ملت مظلوم فلسطین با تمسک به شعار اسلام، افقهای صهیونیزم را به یأس و ناکامی انباشته؛ جوانان در کشورهای اسلامی به‌میدان مطالبات آرمانی پانهاده و در برابر تجاوزگران و مستکبران عالم تهدیدی بزرگ آفریده‌اند.

امروز به رغم تهمتها و تحریفهائی که به وسیله‌ی مراکز تبلیغی صهیونیستی و استکباری، سیل‌آسا به سوی اسلام و منادیان شجاع و فداکارش جاری است، تفکر

اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله چهره‌ی خود را برای مردم جهان بتدریج آشکار ساخته است.
بتدریج همه در مییابند که اسلام دین عدل و آزادی و رستگاری است، دین خرد و اندیشه و دانش است. اسلام، دینِ زندگی است، امّا زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ میشمارد. دینِ عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت مینمایاند و دستمایه‌یَ همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون میخواندند، مبارزه میکند. دین اتحاد و برادری و صلح جهانی است، اما اتحاد ظالم با مظلوم و فشردن دست جلاد بر سر جنازه‌ی شهیدان عدالت را خیانت میشمرد. دینِ واقع بینی و حسابگری است، اما توجیه ستمهای جهانی بنام واقع بینی را گناه میداند. دین احکام جاودانه است، اما جمود و قشری گری را نمی‌پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، اما بدعتگذاری و التقاط را رد میکند. دین گذشت و اغماض است، اما ظلم‌پذیری و ذلت را مُجاز نمیداند. دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله‌ی بردگی و کشتار ملتها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسانها باشد، جهل و وحشیگری میشمرد. دین جهاد است، اما جنگ بی منطق و قدرت طلبانه را جهاد نمی‌نامد. دین عزت و قدرت و حاکمیت است، اما این را دستمایه‌ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی‌سازد.
اسلام، پاسدارِ حُرمَت و حقوق انسانها است، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت‌ترین دروغ و نا جوانمردانه ترین تهمت را کسانی مرتکب میشوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله‌ئی برای توجیه قدرت‌طلبی ظالمانه‌ی خود بر علیه ملتهای مسلمان قرار میدهند.

امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست

ملتهای مسلمان! علمای دین! روشنفکران، جوانان و غیرتمندان جهان اسلام!
امت اسلام اینک در تیر رس انواع تهدیدها و اهانتها است، استکبارِ عنان‌گسیخته به‌سردمداری رژیم امریکا و دلّالی و آتش افروزی رژیم صهیونیستی، از تجزیه و گسست ملتهای اسلامی بیشترین سوءاستفاده را میبرد. قیام خونین ملت فلسطین و پرچم پر افتخار انتفاضه، طرّاحان سیاسی استکبار را خشمگین و سراسیمه کرده و آنان را به

اعمال گستاخانه و قدرت‌نمایی دیوانه وار وسوسه می‌کند. حوادث شهریور ماه نیویورک بهانه‌ی زورگویی‌های روزافزون کاخ سفید و جنایتهای بی‌سابقه‌ی دولت صهیونیست در فلسطین شده است. پس از عملیات فاجعه باری که آمریکا در افغانستان به بار آورد، چهره‌ی نظامی و خشن دولت ایالات متحده، روز بروز بیش از گذشته فضای جهانی را به ناامنی و جنگ و کشتار تهدید می‌کند. مبارزه با تروریسم و دفاع از صلح در خاورمیانه به بهانه‌هایی برای خشونت‌طلبی و زورگویی امریکا و پوششی برای سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به منافع و منابع حیاتی ملتها تبدیل شده‌اند.

شوخی زشت و طعنه‌زنی به حقیقت

شوخی زشتی است که بانی بیشترین ترورها، و به راه اندازنده‌ی بیشترین کودتاها، و تولید کننده‌ی مهلکترین سلاحها، و پشتیبانی کننده‌ی خطرناکترین تروریستها، مدّعی رهبری مبارزه‌ی بحقِّ جهانی با تروریسم باشد. و طعنه زنیِ وقیحانه‌یی به حقیقت است که کشتار زن و مرد و کودک فلسطینی و خراب کردن خانه‌ی فلسطینیان بر سرشان و بیرون راندن آنان از میهن آباء و اجدادیشان، طرفداری و دفاع از صلح نام گیرد.
ایران اسلامی ازسوی سردمداران کاخ سفید به اخلال در روند صلح خاورمیانه متصف میگردد. غافل از اینکه تجاوز ناعادلانه به حقوق ملت فلسطین و غصب سرزمین آنان که بدروغ، صلح نام گرفته است برای ناکامی و بی سرانجامیِ خود، محتاج اخلال کسی و دولتی نیست. این روند ظالمانه به خودیِ خود، محکوم به زوال و ناکامی است، و بیداری غیورانه و فداکارانه‌ی امروز ملت فلسطین از نشانه‌های حتمی آن است.

مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران

ایران اسلامی پرچم اسلامِ عزّتمند و و روشن بین و رستگار کننده و آزادیبخش را با تهدید زورگویانه‌ی مستکبران از دست فرو نمی‌نهد. ایران اسلامی تروریسم را دشمن سعادت بشر می‌داند و بهای گزافی را در مبارزه با تروریستهای دست پرورده‌ی امریکا و اسرائیل پرداخته است. ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره‌ی عبوس

استکبار نمی‌شود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه‌ی خود را که درس ماندگار امام‌خمینی عظیم است، قدر میدانند و از آن دفاع می‌کنند. راهپیمایی پر صلابت و سراسری ملت ایران در 22 بهمن امسال پاسخ هوشمندانه‌یی بود به یاوه‌سرایانی که به گمان باطل خود خواستند میان مردم و نظام اسلامی یا میان ارکان اصلی نظام، جدایی و فاصله را القا و یا تبلیغ کنند. ملت و دولت ایران تهدیدها و جنگ‌افروزیهای امریکا را که حاکی از تجاوزطلبی و وحشیگری است محکوم می‌کنند و منطق ضعیف و رویکرد خشونت‌طلبی آن رژیم را نشانه‌ی ضعفها و گسست‌های اساسی و عمیق در بنیان نظام ظالمانه‌ی استکباری می‌دانند.
ملت و دولت ایران، ملتهای برادر را به اتحاد فرا میخوانند و دست برادری به‌سوی آنان دراز می‌کنند؛ علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده‌ی این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یکپارچه‌ی اسلام آماده سازند.
حج، نقطه‌ی آغاز و منبع لایزالی برای این مجاهدت عظیم و مبارک است.
از خداوند متعال می‌خواهم که همه‌ی شما را با ذخیره‌یی سرشار از معنویت و معرفت به‌میهن‌های خود بازگرداند و دعای حضرت ولیّ‌اللّه‌الاعظم را شامل حال امت اسلامی فرماید. وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّه
سیدعلی خامنه‌ای

ص: 292
بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج(25/ 10/ 1381 ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج

اشاره

(25/ 10/ 1381 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت

اولًا خوش‌آمد عرض می‌کنم. ثانیاً ولادت با سعادت حضرت امام اباالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را- که به برکت وجود قبر مطهر آن بزرگوار در سرزمین ما، حضور معنوی ایشان در سرتاسر کشور و در دل آحاد مردم ما آشکار است- تبریک عرض می‌کنم. امام هشتم علیه السلام ولی‌نعمت معنوی و فکری و مادی ملت ماست. امیدوارم به برکت این ولادت عظیم و شریف و به برکت وجود آن بزرگوار و معنویت ساطع از قبّه‌ی مطهر ایشان، خداوند شما را که خدمتگزاران میهمانان و زایران بیت‌اللَّه هستید، مشمول الطاف الهی قرار دهد و دلهای شما را به نور هدایت الهی منور کند!

حرمت ماه‌های ذیقعدةالحرام و ذیحجّةالحرام و محرم‌الحرام، به معنای عظمت این ماه‌ها و احترام بزرگی است که این روزها و شبها و ساعات در تکوین و اراده‌ی الهی دارد. ایام حج، اوج این کرامت و عظمت است؛ و حضور حجاج در مناسک و در مرکز توحید دنیای اسلام- یعنی مکه‌ی مکرمه- از بزرگترین برکات ماه‌های حرام است.

بی‌جهت نبود که اسلام در میان احکامی که قبل از اسلام بین مردم رایج بود، حرمت ماه‌های حرام را تقریر فرمود. این‌طور نبود که فقط پیغمبر اکرم با عرب جاهلیِ آن روزگار مماشات کرده باشد، که چون آنها حرام دانسته‌اند، اسلام هم اینها را حرام بداند؛ نه، این به معنای آن است که چهار ماه حرام- «مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُم»- حقیقتاً امتیازی دارند؛ کما این‌که

در طول سال، روزها، شبها، هفته‌ها و دهه‌های مشخصی امتیازاتی دارند. این ماه‌ها امتیاز دارند و همه‌ی ما باید قدردانی کنیم؛ بخصوص حجاج بیت‌اللّه‌الحرام؛ کسانی که امسال به این سعادت عظمی فائز خواهند شد و همچنین شما که خدمتگزاران آنها هستید، باید این ایام را به عنوان مقدمه‌ی تشرف به آن سعادت عظمی مغتنم بشمارید. امیدواریم خداوند متعال توجهات و هدایات ویژه‌ی خود را شامل همه‌ی شما بفرماید و ان‌شاءاللّه دلهای شما را منور کند.

حج؛ یک واجب استثنایی

حقیقت این است که حج یک واجب استثنایی و یک مراسم عجیب و پُر رمز و راز است. اگرچه در باب حج بسیار گفته‌اند و همه گفته‌اند و مطالب شیوا و زیبایی هم بیان کرده‌اند، اما مسأله‌ی حج خیلی عمیق‌تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده‌ایم. حج، یک حرکت عبادی خالصِ عمیق- خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل- و با حالت اجتماع است. در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پُرمعنا می‌کند.
اگرچه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماعِ عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه‌ی مسلمانها از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه‌ی واحد، خیلی معنا دارد. این‌که همه‌ی ملت مسلمان و امت اسلامی با وجود اختلاف لهجه‌ها و نژادها و عادات و سنن و سلایق و اختلاف مذاهب موظفند در یک نقطه جمع بشوند و اعمال ویژه‌یی را با هم انجام بدهند و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است، خیلی پُرمعناست. معلوم می‌شود بنا بر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دلها و جانها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست؛ حتّی رفتن به درِ خانه‌ی خدا و کنار هم قرار گرفتن دلها و با هم بودن تن‌ها و جانها نیز دارای اهمیت‌است. لذا ملاحظه بفرمایید در قرآن‌کریم می‌فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً. اعتصام به حبل‌اللّه، تنها تنها فایده‌یی ندارد؛ «جمیعاً» مهم است. با هم اعتصام به حبل‌اللّه کنید؛ با هم به نقطه‌ی اطمینان‌بخش تعلیم و تربیت و هدایت الهی چنگ بزنید. با هم بودن مهم است؛ دلها با هم، جانها با هم، فکرها با هم، تن‌ها در کنار

هم. طوافی که می‌کنید- این حرکت دایره‌وار بر گرد یک مرکز- نماد حرکت مسلمانان بر گرد محور توحید است. همه‌ی کارها و اقدامات و همتهای ما باید بر گرد محور وحدانیت الهی و توجه به ذات اقدس ربوبی باشد. این درس، مربوط به همه‌ی زندگی است. کسانی که می‌خواهند احکام اسلامی را به کنج خانه‌ها و عبادتگاه‌ها و دلها منحصر کنند و فعالیت عرصه‌ی اجتماع را از دین عاری کنند، به این نکات اسلامی توجه ندارند. سعی بین صفا و مروه‌یی هم که همه‌ی آحاد مسلمان باید آن را طی کنند، همین‌طور است. سعی، حرکت با همت، با شدت، با توجه، با اراده و حرکت آگاهانه است و همه باید با هم حرکت کنند؛ بروند، و بیایند. اجتماع عظیم در عرفات و مشعر و منا هم همین‌طور است.
این کارهای دسته‌جمعی عظیم که نظیر آن را در هیچ مذهب و مکتبی و در هیچیک از احکام دیگر اسلامی نمی‌شود پیدا کرد، نشاندهنده‌ی عظمت این واجب است. این‌جا یک ذخیره‌ی الهی گذاشته شده است که هرکس توفیق پیدا می‌کند دستی به سمت این ذخیره دراز کند، باید حداکثر استفاده را بکند.

از فرصت حج، همه باید استفاده کنند

هرچه می‌توانید، در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید. این اوقات، هم روزها و زمان، متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحاظ زمان، در اوج حرمت ماه‌های حرام قرار دارد؛ هم از لحاظ مکان، در نقطه‌ی اعلای مناطق متبرک- که خانه‌ی خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه‌ی مسلمانها در همه‌ی شبانه‌روزهاست- قرار دارد.
حاجی در آن‌جا باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی و مستحکم کند؛ با قرآن انس پیدا کند و تضرع و ذکر و حضور را وظیفه‌ی دایمی خود بداند. انسان گاهی خیلی متأسف می‌شود که بعضی به آن‌جا بروند و دنبال کالاهایی بگردند که این کالاها را همه‌جا می‌شود پیدا کرد. بعضی، عمر و پول و آبرو و وقت عزیزشان را صرف می‌کنند تا به بازارهای گوناگون بروند و این کالاها را بیاورند؛ اینها کالاهای معمولی زندگی است و همه‌جا وجود دارد.
در آن‌جا کالایی هست که در هیچ‌جای دیگر نیست: کالای رضای الهی، زیارت خانه‌ی خدا، زیارت قبر مطهر پیغمبر؛ این کجا دیگر پیدا می‌شود؟ این مکان و این زمان را دیگر

کجا می‌شود پیدا کرد؟ از این فرصت باید همه استفاده کنند. شما که میزبانان و میهمانداران و خدمتگزاران حجاج هستید، این نکات را باید دایم به یکایک آنها یادآور شوید. زلال معنویت و هدایت به‌وسیله‌ی این مجموعه‌های مؤمن و علاقه‌مند، باید دایماً به سوی دلهای تشنه‌ی حجاج روانه شود. خیلی از این فرصتها در اختیارات امت اسلامی هست که اگر از آنها استفاده بشود، امت اسلامی همان چیزی خواهد بود که قرآن برای او خواسته است: فَلا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ یا وَلا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ؛ شما برترین هستید. البته نه برترین به خاطر نژاد، نه برترین به خاطر این‌که با خدا خویشاوندی‌یی دارید- هیچ‌کس از آحاد آفرینش، نسبت ویژه‌یی با خدا ندارد- اما شما برترین هستید، به خاطر انتساب به مکتبی که می‌تواند بشریت را در عصر حیرتش نجات بدهد؛ می‌تواند در طول قرون، مشعل هدایت را به دست انسانها بدهد و آنها را خوشبخت کند و به نقطه‌ی امن و امان و تکامل برساند؛ این امتیاز شماست. بقیه‌ی ادیان، مقدمه‌ی ورود این دین در معرض اندیشه‌ی بشریت بود- «انتم الاعلون»- به خاطر این‌که این ایمان در اختیار شماست؛ از این باید استفاده کنید.

همین ایمان است که می‌تواند قدرتهای شیاطین و فراعنه را خرد کند و در هم بشکند؛ همچنان‌که شکست. روزهای ظهور اسلام، چه کسی خیال می‌کرد جمع معدود مظلوم کم‌قوّتی در یک گوشه‌ی مکه، به برکت این آیات الهی بتوانند بزرگترین تمدن زمان خود را به‌وجود بیاورند و مدنیت بشری را ارتقاء و رشد بدهند و این قلمرو عظیم و این رمعه‌ی وسیع را به‌وجود بیاورند و این‌طور در عمود زمان، با عزت و افتخار باقی بمانند؟ عده‌یی خیال می‌کردند بزودی همه چیز از بین خواهد رفت؛ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ؛ خیال می‌کردند پیغمبر در هر یک از حوادثی که برایش پیش آمد، موفقیتی به‌دست نخواهد آورد؛ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلى أَهْلِيهِمْ أَبَداً.
وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْماً بُوراً؛ آنهایی که به خدای متعال سوءظن دارند، آنهایی که اهمیت و ارزش گوهر گرانبهای دین را نمی‌دانند، همان «قوما بورا» هستند؛

ما مسلمانها نباید به آن‌جا برسیم. قرآن می‌تواند انسان را هدایت کند؛ از انسانِ لَفِی خُسْرٍ برساند به انسانی که إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ؛ به سوی خدا حرکت و صیرورت پیدا کند و با او ملاقات نماید. این حج، مظهر این قرآن است.
ایمان خالصانه‌ی مؤمنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده‌است؛ این را باید قدر دانست.

امروز دنیای اسلام دارد ضربه می‌خورد

مثل همه‌ی ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف‌افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشتهای دانسته یا نادانسته‌یی هستند که دارند این ذخیره را نابود می‌کنند و از بین می‌برند. کسانی که نمی‌گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که دارند این ذخیره را نابود و ضایع می‌کنند. کسانی که نمی‌گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی- آن هم در راه خدا، نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملتها، نه عظمت به عنوان جنگ‌افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزشهای الهی و در راه توحید- به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می‌کنند. امروز دنیای اسلام براثر نادیده گرفتن این ذخیره‌ی عظیم الهی دارد ضربه می‌خورد. شما ببینید مستکبران و فراعنه‌ی عالم، امروز در منطقه‌ی خاورمیانه با مسلمانها و کسانی که این گوهر عظیم را در بغل خود دارند- که متأسفانه درست استفاده نمی‌کنند- چه می‌کنند. ببینید با ملت فلسطین چه می‌کنند. ببینید برای عراق چه نقشه‌هایی دارند می‌ریزند. ببینید برای تصرف منابع مادی و معنوی و ثروتهای این منطقه چه خوابهای خوشی دیده‌اند. امت اسلام می‌تواند جلوی اینها بایستد و این حرکات سبعانه را خنثی کند؛ به شرط این‌که به ریسمان مستحکم و عروةالوثقای الهی توجه کند. شرط دشواری است، اما ممکن است. همه‌ی آرمانها- از جمله این آرمان- با گفتن و شنیدن و فهمیدن و پای‌فشردن تحقق پیدا می‌کند.

مسائل جهانی را با معیار اسلام می‌سنجیم

یک روز بود که در کشورهای عربی و میان ملتهای مسلمان هیچ نامی از عظمت و شوکت اسلام نبود؛ اما امروز به برکت پای‌فشاری ملت ایران بر روی آرمان اسلام و فداکاری و قبول مجاهدت، وجود دارد. ملت ایران به نفع امت اسلامی بار سنگینی را بر دوش گرفت. البته بزرگترین بهره را خود ملت ایران و مجاهدان فی‌سبیل‌اللّه می‌برند؛ اما دنیای اسلام هم از مجاهدت آنها بهره‌مند می‌شوند. نظام مقدس جمهوری اسلامی که خود را زیر پرچم برافراشته‌ی اسلام قرار داده است، به همه‌ی موازین اسلام پایبند است.

ما همه‌ی مسائل جهانی را با معیار اسلام می‌سنجیم؛ و این دقیق‌ترین معیار و بهترین ملاک مصلحت است. نباید خیال کرد چون ما از دید اسلامی به حوادث نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم حوادث را تحلیل کنیم یا در حوادث، راهبردِ درست پیدا کنیم؛ بعکس، اسلام به دست ما مشعلی می‌دهد که جلوی راهمان را ببینیم.

کدام زندگی راحت؟

کسانی که در مقابل زورگویی امریکا و سبعیت و وحشیگری بی‌نظیر صهیونیستها خود را باخته‌اند، تسلیم شده‌اند و حتّی به آنها کمک کرده‌اند، به خاطر این‌که ملاحظه‌ی اسلام را نکرده‌اند، به این بلیه‌ی بزرگ دچار شده‌اند؛ نه دنیاشان درست شد و نه توانستند برای خود شرف و عزت انسانی درست کنند؛ پیش خدای متعال هم مؤاخذند. دولتها و کشورهایی که حاضر نشدند از مظلومیت ملت فلسطین دم بزنند و به‌طور جدی از آن ملت مظلوم دفاع کنند و الآن هم حاضر نیستند در مقابل زیاده‌خواهی و زیاده‌خواری امریکا در این منطقه انتقاد بکنند و جلوی او بایستند، دنیای آنها هم دنیای خوبی نیست.
ساده‌لوحی است اگر خیال کنیم اینها چهار قدم با امریکا راه می‌آیند، اما عوضش راحت زندگی می‌کنند. کدام زندگی راحت؟! تجربه‌های حول و حوش ما، در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه‌داران و شرکتهایی که پشتوانه‌ی آن سیاستها هستند، مفیدند، از اینها استفاده

می‌کنند؛ بعد مثل سنگ استنجای شیطان- به قول مولوی- آنها را دور می‌اندازند. این تجربه‌ی موجود ماست.

از ذخیره‌ی حج استفاده کنید

اسلام به امت اسلامی و حکام اسلامی عزت و قدرت و شجاعت می‌بخشد تا بتوانند اقدام کنند، بفهمند و راهشان را ببینند. حج فرصت بزرگی است که این حقایق و حقایق فراوانی از این قبیل- که به برکت معرفت اسلامی و هدایت اسلامی در اختیار ما ملت مسلمان ایران است- در اختیار افکار عمومی مردم دنیا گذاشته شود و آنها بیدار شوند. خیلی از دلهای دنیای اسلام بیدارند؛ باید احساس کنند که در سرتاسر جهان اسلام، فکرِ آنها طرفدار دارد تا جرأت و شهامت و شجاعت لازم را پیدا کنند. همه‌ی اینها در سایه‌ی معنویت حج است؛ از معنویت حج و بهره‌برداری از مفاهیم عالی ادعیه و زیارات و آیات کریمه‌ی قرآن غفلت نکنید. هرچه می‌توانید، از این ذخیره‌ی عظمی استفاده کنید. ان‌شاءاللّه با دست پُر از این سفر برگردید.

از خدای متعال می‌خواهیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که در خدمت حجاج هستید و بخصوص مسؤولان محترم این کار بزرگ که حقاً و انصافاً زحمات زیادی می‌کشند و مشکلات بزرگی را متحمل می‌شوند و آنها را حل می‌کنند، توفیق دهد. همچنین از بقیه‌ی دوستانی که از دارالحدیث و دانشکده‌ی مربوط به این کار، در این‌جا تشریف دارند، تشکر می‌کنیم. امیدوارم همه‌ی شما مشمول رحمت و لطف و هدایت الهی باشید و ان‌شاءاللّه بتوانید در این ایام متبرک و در این سفر متبرک بیشترین بهره را از سوی پروردگار متعال به‌دست بیاورید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجّاج بیت اللّه الحرام(18/ 11/ 1381 ه. ش.)

پیام به حجّاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(18/ 11/ 1381 ه. ش.)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ
گردهمایی میلیونی مسلمانان در حج، پدیده ای بی نظیر و شگفت انگیز است. همه ملت‌های مسلمان از همه جای جهان و از همه قشرهای اجتماعی، در این چند روز در خانه خدا، زادگاه اسلام و پیامبر عظیم الشأن آن گرد می‌آیند و آیین‌های پر رمز و راز حج را برپا می‌دارند. در این شعائر پرشکوه و پرمعنی، پیوند دل‌ها با خدای بزرگ، پیوند دل‌ها با یکدیگر، حرکت بر محور توحید، سعی و تلاش همگانی، رمی شیطان و برائت از طاغوت، ذکر و تضرّع و خشوع در برابر خدا، و احساس عزت و عظمت در پرتو اسلام، همه در عمل و بگونه ای نمادین به ملت‌های مسلمان، آموزش داده می‌شود؛ و مهربانی و همزیستی با برادران و استحکام و سرسختی با دشمنان، و رها شدن از پیرایه‌های خودپرستی و پیوستن به دریای عزت و عظمت الهی در قالب مناسک حج تجسّم می‌یابد.

حج، نِماد امت اسلامی

حج، نِماد امت اسلامی و آموزنده نوع رفتاری است که این امت بزرگ برای تأمین سعادت خود باید در پیش گیرد. می‌توان حج را در حرکت هدفمند و آگاهانه و متنوّع همگان در جهتی واحد خلاصه کرد. تار و پود این حرکت، یاد خدا و همدلی بندگان خدا است، و هدف آن ایجاد پایگاه مستحکم معنوی برای زندگی سعادتمندانه انسان:
جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْیَ وَ الْقَلائِدَ.

ص: 300
امت اسلامی اکنون برابر الگوی حج، به حرکت بزرگ و هدفداری در زندگی واقعی خود نیازمند است و همه، چه دولت‌ها و چه ملّت‌های مسلمان، در این مسؤولیّت سهیمند.

اسارت سیاسی و اقتصادی

کشورهای اسلامی در یک قرن اخیر ضایعات جبران ناپذیری را تحمّل کرده‌اند.
موج استعمار و کشورگشایی غربیان، بیشترین آسیب را به ملت‌های مسلمان زد که ثروت‌ها و منابع مادی‌شان، آنان را آماج تهاجم‌های همه جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست اندازی‌ها برای مسلمانان، اسارت سیاسی و اقتصادی و عقب افتادگی علمی و مادی بود، و برای استعمارگران، بهره مندی از منابع مادی و انسانی مسلمین و افزودن بر ثروت و قدرت خود از راه غصب و ظلم و جنگ افروزی و خشونت.
پس از گذشت سال‌های متمادی ملت‌های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم‌های حق‌طلبی و آزادیخواهی در سراسر جهان اسلام، افق‌های نوید بخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد.
بدیهی است که کانون‌های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش عاقبت در پیش‌رو دارند.
روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید.
این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حقِّ روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده خویشند.
انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تایید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ

بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ. استکبار جهانی یعنی شبکه در هم تنیده کارتل‌های نفتی و اسلحه سازی و صهیونیسم جهانی و دولت‌های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی احساس می‌کنند، با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم اند. مظهر این تهاجم که دارای ابعاد سیاسی و تبلیغی و نظامی و تروریستی است، امروز در رفتار و گفتار خشونت‌بار و صریح نظامیان حاکم بر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به‌وضوح دیده می‌شود: فلسطین مظلوم و خونین، روزانه در معرض قساوت آمیزترین برخوردهای رژیم غاصب است. ملت فلسطین همه مصیبت‌ها را از قتل و غارت و تخریب و شکنجه و تحقیر و اهانت، فقط به این جُرم تحمل می‌کند که جرأت یافته تا حق پایمال شده‌ی خود را پس از نیم قرن به‌طور جدّی مطالبه کند.
ملت عراق، نعره‌های تهدید به جنگ را به این دلیل دریافت می‌دارد که رژیم امریکا برای تسلط بر جریان حیاتی نفت و غارت باقی مانده‌ی منابع نفتی این منطقه و حضور مؤثر در کنار مرزهای فلسطین و ایران و سوریّه و عربستان سعودی، لازم می‌داند در عراق استقرار یابد و سرنوشت آن کشور و بر اثر آن، سرنوشت همه کشورهای خاورمیانه را در چنگ خود بگیرد.
ملت افغانستان فقط به‌این دلیل در یکسال و چند ماه گذشته بمب‌ها و سلاح‌های کشتار جمعی امریکا و انگلیس و نیز دخالت و حضور اهانت بار و اشغالگرانه آنان را بر جسم و جان خود لمس کرده که دولت امریکا منافع نامشروع خود را اینگونه تعریف کرده است.

طمع‌ورزی شبکه‌های استعماری

طمع‌ورزی این شبکه استکباری و ضدبشریت، حد و مرز نمی شناسد. اگر در نیم قرن قبلی، امریکا خود را صاحب اختیار کشورهای آمریکای لاتین می‌خواست، در نیم قرن کنونی خود را سلطان و دیکتاتور بی‌قید و شرط همه کشورهای منطقه اسلامی می‌خواهد. هدف‌گیری‌ها و برنامه ریزی‌های بین المللی و پرضایعه امریکا، همه ناظر به این مدّعای متکبرانه و در عین حال احمقانه است.
شک نیست که امریکا و متحدانش ناکام خواهند شد و دنیا یکبار دیگر شاهد

سقوط یک امپراتوری قدرتمند ولی مَست خواهد بود، همچنانکه هم در افغانستان و هم در فلسطین، محاسبات مستانه آنان غلط از آب درآمد. ولی اگر امت اسلامی- چه دولت‌ها و چه ملت‌ها- به‌موقع و خردمندانه و شجاعانه تصمیم نگیرند، بار دیگر خسارت‌های سنگین و دیرجبرانی خواهند داشت.

تحرکات دیوانه‌وار

امریکا در دور تازه‌ی تحرکات دیوانه وار خود، که پس از حادثه بشدّت مشکوک 20 شهریور آغاز شده، دست به یک حمله تبلیغاتی نیز زده است: یعنی پرچم دموکراسی و تروریزم ستیزی را بر سر نیزه کرده و برای ملت‌های اسلامی در مذمّت سلاح کشتارجمعی و سلاح شیمیایی داد سخن می‌دهد. آیا نمی‌اندیشد که ممکن است مسلمانان بپرسند: اینها را چه دولت‌ها و شرکت‌هایی در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند؟ پس نوزده هزار بمب شیمیایی را که ادعا می‌کنید رژیم بعثی عراق در انبار داشته و چون سیزده هزار آنها را بر سر ایرانی‌ها ریخته پس شش‌هزار آن باید موجود باشد و شما به این دلیل حمله آینده خود به کشور عراق را توجیه می‌کنید، این تعداد سلاح و وسیله شیمیایی از کجا به دست رژیم عراق رسید؟ آیا کسی جز شما و هم پیمانانتان شریک جرم در این فاجعه تاریخی است؟

حامی تروریزم

آیا نمی‌اندیشد که ادعای مبارزه با تروریزم و متهم کردن گروهی مجهول و نامشخص نمی تواند ملت‌های مسلمان را که پشتیبانی امریکا را از وحشی‌ترین تروریست جهان یعنی رژیم اسرائیل می‌بینند، فریب دهد؟ امریکا با این تحرک تبلیغاتی پرهزینه و دیوانه وار، اکنون در چشم ملت‌های مسلمان، مظهر دروغ و دغلبازی و حیله‌گری است.
امریکای متکبّر و مستکبر در فلسطین و افغانستان به هدف‌های خود نرسیده است و آن هزینه گزاف مادی و معنوی جز خسران نداشته است، و از این پس نیز بر همین‌گونه خواهد گذشت، ان‌شاءاللّه.

قبضه کردن اوپک

در عراق نیز ادعا می‌کند هدفش حذف صدّام و رژیم بعثی است، و البته دروغ می‌گوید و هدف واقعی‌اش قبضه کردن اوپک و بلعیدن نفت منطقه و حمایت نزدیکتر از رژیم صهیونیستی و توطئه گری نزدیکتر بر ضد ایران اسلامی و سوریه و سعودی است.
قدر مسلم آن است که اگر امریکا بر عراق چه با جنگ و چه بی‌جنگ سلطه پیدا کند، اولین قربانی این اشغال خصمانه، ملت عراق و شرف و غیرت و ناموس و ثروت آن ملت تاریخی است. و اگر آن ملت و کشورهای مجاور آن بهوش باشند به این هدف‌ها هم نخواهد رسید ان‌شاءاللّه.

استکبار می‌داند که سرچشمه مقاومت ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، اسلام و تعالیم رهایی‌بخش آن است. از این رو جنگ روانی گسترده ای را بر ضد اسلام و مسلمانان آغاز کرده است. پس از حادثه 20 شهریور که قرائن بی شماری انگشت اتهام را به سوی شبکه‌های پنهان و نفوذیِ صهیونیست دراز می‌کرد، با شتابزدگی نام مسلمانان و اسلام را در ستون اتهام گنجاندند و شب و روز تکرار کردند. جمعی مسلمان را نیز از امریکا و افغانستان و نقاطی دیگر اسیر کرده به زندان‌ها و شکنجه‌های مخوف سپردند. نه هرگز اتهام این افراد ثابت شد و نه متهمان نام و نشان‌دار به چنگ امریکائیان افتادند. اما جنگ روانی بر ضد مسلمین و اسلام متوقف نشد و گویا به این زودی‌ها هم نخواهد شد.

دین آزادی و عدالت

اسلام دین آزادی و عدالت و حق‌جویی است. مردم‌سالاری حقیقی همان مردمسالاری دینی است که با پشتوانه ایمان و مسؤولیت دینی مطرح می‌شود و همانطور که در ایران اسلامی مشهود است بسیار مطمئن‌تر و صادقانه‌تر و مردمی‌تر از دموکراسی امثال امریکا عمل می‌کند. دموکراسی که امریکایی‌ها ادعا می‌کنند به مردم کشورهای

اسلامی و عربی خواهند داد به اندازه‌ی گلوله و بمب و موشکشان خسارتبار است. دشمن حتی اگر دانه خرمایی هم به ما بدهد نمی توان مطمئن بود که آن را انباشته از زهری کشنده نکرده باشد. امت اسلامی در افریقا و خاورمیانه و غرب آسیا این را بارها و حتی در همین سال‌های اخیر آزموده اند.
امت اسلامی در چنین اوضاع حساس و خطیری بیش از همیشه به درس‌گیری از الگوی حج نیاز دارد: حرکت و نهضتی هدفمند و آگاهانه، و متنوع، و همگانی، در سمت هدف‌های قرآنی و بر صراط مستقیم اسلام ..
قال تعالی: الَّذِینَ آمَنُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیْطانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً، و قال تعالی: قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ. وَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِیّ الْعَظِیمِ.
وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه
السیدعلی الحسینی الخامنه‌ئی
5 ذی‌حجه 1423/ 18/ 11/ 1381

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹